

تاريخ  
الاسلام  
الجزء  
الاول

يا محمد علي البشير زمان

من سأل الناس غائب  
ومن سكت مات

جلد اول

باب

بیت محمد بن ابی طالب  
که موسی و وه سر علی اصحاب



**يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ  
مَنْ سَأَلَ النَّاسَ عَائِشَ وَهِيَ سَكَتَتْ مَا ت**

**جِلْد أَوَّل**

**سید محمود بن سید مهدی موسوی دہسرخي اصفهانی**

## ﴿ حقوق چاپ محفوظ است ﴾

چاپ اوّل: ۱۳۶۶ - ۱۴۰۸

چاپ دوّم: ۱۳۷۳ - ۱۴۱۵

چاپ سوّم: ۱۳۸۱ - ۱۴۲۳

## شناسنامه کتاب

نام کتاب: . . . . . یأتی علی الناس الزمان،

مؤلف: . . . . . سید محمود ده سرخی

ناشر . . . . . انتشارات محبین

چاپ: . . . . . باقری

نوبت چاپ: . . . . . اوّل برای ناشر - شهریور ۱۳۸۱

شابک: . . . . . ۱ - ۱۳ - ۷۱۰۳ - ۹۶۴

تیراژ: . . . . . ۱۰۰۰



تمثال مؤلف



## ﴿ المقدمة ﴾

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الطاهرين  
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين

وبعد؛ چنین گوید این حقیر بی بضاعت محمود بن سید مهدی موسوی  
دهسرخی اصفهانی غفر الله ذنوبهما که چون از پاک‌نویس کتاب (مفتاح الکتب  
الاربعه) که (۳۸) جلد شده و (۲۹) جزء آن تاکنون چاپ شده و باقی اجزاء  
بواسطه کم بود کاغذ بتأخیر افتاده فارغ و مشغول استدراکات آن شدم بسیار  
حالت خستگی به من روی داد که قادر بر نوشتن نبودم برای تنوع و رفع  
خستگی بخاطر فاطر رسید که کتابی درباره علامات آخر الزمان بنویسم.  
و البته همه یا اکثر می‌دانند که در این موضوع کتب بسیاری نوشته شده بعضی  
عربی بعضی فارسی بعضی ترکی بعضی هندی بعضی مفصل بعضی مختصر، ولی  
آنچه نوشته نشده یا بنظر قاصر نرسیده آن است که کتابی در این موضوع بترتیب  
حروف نوشته نشده، لذا در نظر گرفتم اخبار و آثاری که از طرق شیعه و سنی  
رسیده جمع آوری و بترتیب حروف بنویسم شاید بی فائده نباشد، و بحمدالله بعد  
از دو سال زحمت بمقصود رسیدم و امیدوارم مورد پسند دوستان ولی عصر  
عجل الله تعالی فرجه الشریف گردد.

و اگر این ناچیز را قیمتی یا اهلیتی بود هدیه آن حضرت می‌نمودم، ولی خدا  
می‌داند که این خدمت در مقابل حقوق آن جناب روحی فداه بسیار بسیار  
بی‌ارزش است، لذا خجالت می‌کشم که عرض کنم ﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا



الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿﴾ مگر آنکه از فضل و کرمش گدائی را در خانه خود ببیند و دست خالیش برنگرداند، و نامیدم آن را به (يأتي على الناس زمان من سأل الناس عايش ومن سكت مات) یعنی بیاید بر مردم زمانی که هرکس سؤال کند زندگی نماید و هرکس ساکت باشد بمیرد. در (زمان) حدیث (۵۲) با مصدرش ذکر کرده‌ام.

و ناچار باید اموری قبل از دخول در مطلب تذکر داده شود.

اول آنکه در هر موضوعی مثل پرچم، حسنی، خراسانی، دجال، سفیانی، قائم، مهدی، یاجوج و ماجوج، و غیره به بعضی اخبار وارد شده، چون ذکر تمام اخبار اولاً از عهده مثل حقیر خارج بود و ثانیاً کتاب بسیار بزرگ می‌شد، و ثالثاً خواننده را خسته می‌کرد.

دوم آنکه ما در ترجمه آزاد نبوده‌ایم مجبور بوده‌ایم حتی المقدور معنای تحت اللفظی را مراعات کنیم و از طرفی هم بعضی جاها بدون کم و زیاد کردن معنای تحت اللفظی درست نبوده لذا بعضی جاها کم و زیاد شده تقدیم و تأخیر شده ترجمه به معنا شده و اشکالی هم ندارد، بدلیل حدیثی که در کافی ج ۱ ص ۵۱ محمد بن مسلم می‌گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم من حدیث را از شما می‌شنوم پس کم و زیاد می‌کنم؟ حضرت فرمود اگر معنای آن را اراده کرده‌ای عیبی ندارد. ما هم غرضی از کم و زیاد کردن یا تقدیم و تأخیر نمودن جز وضوح معنا نداشته‌ایم.

سوم آنکه اهل فن می‌دانند ترجمه اخبار خصوص برای کسی که اهل لسان نیست و مایه علمی هم ندارد بسیار مشکل است پس اگر نقصی در ترجمه دیدید خورده گیری نکنید و با قلم عفو خود اصلاح کنید جزا کم الله خیرا.

چهارم آنکه در بعضی جاها ما ارجاع به ماقبل یا به مابعد داده‌ایم مثلاً



گفته‌ایم (یأتی علی الناس زمان الخ) در زمان حدیث ۵۲ خواهد آمد یا گذشت. ممکن است در اثنای تألیف عدد ارقام کم و زیاد شده باشد شما دو یا سه حدیث ماقبل یا مابعد را ملاحظه فرمائید که به مطلوب خواهید رسید انشاء الله.

پنجم آنکه ما از بعضی تطبیقات صرفنظر کردیم چون واقع امر دست ما نیست شاید چیزی که امروز بنظر ما محال می‌آید فردا برای همه روشن شود مثلاً در (کوه) خواهد آمد که در حدیث می‌فرماید ساعت ظهور نباشد مگر بعد از آنکه کوه‌ها حرکت کنند بعض بزرگان در کتاب خود حرکت کوه را معنی کرده که بواسطه تونل و خط آهن جابجا می‌شود و حال آنکه در همین سال جاری که سنه ۱۴۰۷ هجری و سنه ۱۳۶۶ شمسی است در فاصله دو سه ماه در دو جا کوه حرکت کرد یکی در حوالی فارس و دیگر در حوالی قوچان و ما در (کوه) با شواهدی ذکر کردیم مراجعه شود یا بعضی (بنو قنطوراء) را معنی کرده‌اند به افرنج یعنی فرنگ و حال آنکه بنو قنطوراء همان ترکهای بودند که همراه هلاکوخان به بغداد ریختند و حکومت بنی العباس را منهدم ساختند.

یا (کاسیات عاریات)<sup>(۱)</sup> را بعضی متناقض پنداشتند و تأویل به کاشفات عاریات نموده‌اند و حال آنکه در این زمان مصداقش مثل روز روشن است. یا بعضی حدیثی را که فرموده خداوند به اصحاب مهدی علیه السلام چنان قوت بینائی و شنوائی بدهد که هر کس در مشرق است ببیند و بشنود او را که در مغرب است تطبیق با تلویزیون کرده و غافل از اینکه این مخترعات از کفار است و شأن امام زمان و اصحابش اجل از آن است که با آلت دشمن کاری انجام دهند.

یا در حدیث دارد که زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا نداء حق است؟ حضرت فرمود بلی والله حق است و آن نداء را هر گروهی به زبان خود بشنود (فارس به فارسی و عرب به عربی و ترک به ترکی) معنی کرده که بشر به

(۱) یعنی زنها در آخر زمان پوشیده و برهنه‌اند.



کره ماه می‌رود و حال آنکه مراد از نداء صدای آسمانیست که در بسیاری از اخبار دارد که صدای جبرئیل است نه بشر به کره ماه برود و ربطی بهم ندارد. یا در حدیث دارد که در فرات کوهی از طلا و نقره نمایان شود مردم همدیگر را بواسطه آن بکشند و از هر صد نفر نود و نه نفر کشته شوند بعضی تطبیق با نفت کرده‌اند مثل اینکه امام عاجز بوده که بفرماید چیزی نمایان شود که آن را نفت گویند و هكذا تطبیقاتی که شده اکثراً غلط بوده.

یا بعضی در کتاب خود نوشته‌اند وقتی حضرت حجت علیه السلام به کوفه بیاید شانزده هزار از فقهاء را بین کربلا و نجف بکشد، و بعضی از منبرها روی منبر این قصه را نقل می‌کنند و کسانی که پای منبر نشسته با گوشه چشم به علماء نگاه غضب‌آلود کرده حرف می‌زنند و حال آنکه در زمان حضرت حجت علیه السلام سفیانی کوفه و نجف را قتل عام کرده کسی از شیعیان باقی نمانده چه رسد به شانزده هزار فقیه و منشأ اشتباه را در قائم حدیث ۹۹ نقل کردیم که ایشان شانزده هزار بتریه هستند از فرقه زیدیه‌اند که چهل هزار در لشکر حسنی هستند و ایمان نمی‌آورند و ایشان را به امر حضرت بکشند این شانزده هزار را امام می‌فرماید فقهاء در دین هستند آن وقت خیال شده اینها از فقهاء شیعه هستند و غافل از اینکه اینطور نیست.

لذا حقیر از این طور استنباطات احتراز کردم خداوند همه را به راه راست بدارد.

ششم آنکه این اخباری که در این کتاب ذکر می‌شود آنچه را از کتب اربعه نقل شده معتبر و حجت است و آنچه از غیر کتب اربعه ذکر شده اگر از اخبار غیبیه است و واقع شده مثل قضایای بنی العباس و پرچمهای سیاه که از طرف خراسان آمده و نحو اینها پس کلامی در آن نیست که صحیح بوده و آنچه هنوز نشده مثل آمدن سفیانی و دجال و صیحه آسمانی و غیر از اینها از چیزهایی که



خبر داده‌اند می‌شود احتمال صدق و کذب در آن می‌رود اگر واقع شد فبها و الا ما ضامن نیستیم بلکه ناقل هستیم.

اگرچه عقیده شخص حقیر آن است که ید جعل در اخبار غیبیه تصور ندارد فافهم.

هفتم آنکه علاماتی که در این کتاب ذکر شده بعضی از علائم حتمی است و بعضی از علائم غیر حتمی یعنی ممکن است واقع بشود و ممکن است واقع نشود. و نیز بعض علامتها گذشته و بعضی هنوز نیامده آنچه گذشته بسیار است مثل حکومت بنی امیه و بنی العباس و از بین رفتن ایشان، و مثل پوشیدن زن لباس مرد و پوشیدن مرد لباس زن، و اکتفا کردن مردها به مردها و زنها به زنها، و شرکت کردن زنها در تجارت و گرفتن مجالس برای خود مثل مردها، و منبر رفتن زنها و بچه‌ها و احترام نکردن بچه‌ها از بزرگان و رحم نکردن بزرگان بر بچه‌ها، و علنی شدن قمار و شرب خمر و غیر ذلک.

و آنچه که نشده و هنوز نیامده و حتمی است باید واقع شود مثل سفیانی که از شام باید خروج کند و هشت و یانه و یا سیزده و یا هیجده ماه سلطنت کند ولی در اکثر روایات نه ماه ذکر شده، و خسف بیداء یعنی فرو رفتن لشکر سفیانی به زمین در بین مکه و مدینه، و کشته شدن نفس زکیه بین رکن و مقام که در مسجد الحرام است، و خروج یمنی، و صیحه آسمانی اینها حتماً باید بشود و امیدواریم نزدیک باشد.

و آنچه که نیامده و حتمی هم نیست مثل دجال، و نمایان شدن آتش از طرف مشرق، و سنگباران شدن، و مسخ شدن، و الی غیر ذلک احتمال می‌رود واقع شود و احتمال هم می‌دهد واقع نشود.

هشتم آنکه در بسیاری از روایات سؤال از فرج شده و در جواب فرموده‌اند در سال فلان فرج شما می‌رسد یا نزدیک است و البته باید دانسته شود که فرج بر



چند قسم است یکی آنکه فَرَجٌ، فَرَجٌ شخصی است ممکن است بمیرد و از گرفتاریهای دنیا راحت شود. دوم فَرَجٌ یک طائفه مراد است مثلاً در شهری یا مملکتی یک دسته گرفتار حکومت‌های ظالم هستند به رفتن آن ظالم برای آن دسته فرجی است. سوم فرج مختص به شیعه هست، و آن انتظار فَرَجٌ است، چهارم فَرَجٌ تمام بشر است که فرج کلی باشد و آن منحصر به آمدِ قائم آل محمد ﷺ می‌باشد که تمام جهانیان منتظر یک مصلح کلی هستند و امیدواریم بزودی به مقصود برسند.

**نهم آنکه** این کتاب برای شیعه اثنی عشریه است که آنها هم سیزده فرقه هستند و در فرقه خواهد آمد برای یک دسته ایشان است لذا از ذکر ادله اثبات بودن مهدی موعود و ذکر نسب و حسب و پدر و مادر و غیره صرف نظر شد چون شیعه اثنی عشریه بی غل و غش شکی در وجود شریف و حسب و نسبش ندارند و نیز از ذکر معمرین و ذکر کسانی که در غیبت صغری یا کبری خدمت‌ش رسیده‌اند خودداری شد و هرکس طالب است به کتاب شریف نجم الثاقب مرحوم حاجی نوری رحمته الله مراجعه کند. چون حقیر بنا داشته‌ام روایات را نقل کنم نه قصص و حکایات.

**دهم ﴿ وَتِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ﴾** آنکه حقیر راضی نیستم کسی از این کتاب چیزی نقل کند مگر آنکه اسم کتاب را ببرد چنانچه خود حقیر از هر کتابی استفاده کرده‌ام اسم آن کتلب یا مؤلفش را ذکر کرده‌ام تا دزدی نشود والله علی ما نقول وکیل.



### ﴿ آب ﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۱۹ روایت کند که چون حضرت حجت قیام کند به اطراف زمین مردی بفرستد - تا آنجا که فرمود - لشکری هم به قسطنطنیه بفرستد چون لشکر به خلیج برسند چیزی بر پاهای خود بنویسند و از روی آب عبور کنند چون رومیها این را ببینند بگویند اینها یاران او هستند روی آب راه می روند چه رسد به خود او پس دروازه ها را به روی ایشان باز کنند و ایشان داخل شوند و به آنچه بخواهند حکم کنند.

### ﴿ آب دهن ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ از حسین یا حسن بن علی علیه السلام روایت کند که فرمود نمی بوده باشد امری را که انتظارش می کشید مگر وقتی که شما از همدیگر براءت و بیزاری جوئید و آب دهن به روی هم بیندازید. الحدیث.

و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود نبوده باشد امری را که می خواهید (ظهور حضرت حجت) مگر وقتی که آب دهن به صورت یکدیگر بیندازید و همدیگر را لعن کنید و همدیگر را دروغ گو نام گذارید.

### ﴿ آبادان ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۶۱۳ در ذیل حدیث که امیرالمؤمنین علیه السلام علامات خروج دجال را ذکر می فرماید فرمود در آن هنگام بهترین جاها عبادان (یعنی آبادان) است که خواب در آن مثل جهاد در راه خدا است و آن اول بقعه ایست که

ایمان به عیسی علیه السلام آورده و بیاید البته بر مرم زمانی که هرکس بگوید ای کاش من گاهی بودم در خشتی از خانه‌های عبادان، الخبر.

(البته کسی نگوید در زمان ما که ۱۴۰۷ هجریست آبادانی نمانده چون این خبر از پیغمبر صلی الله علیه و آله هزار و چهارصد سال قبل تقریباً رسیده و از اخبار غیبی است و تا صد سال قبل هم آبادان چندان اسمی نداشت ولی در اواخر نفت که درآمد مرکز پول و عیش و نوش شد و همه آرزوی آنجا را داشتند)

### ﴿ آبه ﴾

در مراصد گوید از دهات اصفهان است و بعضی گویند از ساوه است و شهری است در افریقیه.

مؤلف گوید از روایتی که بعداً ذکر می‌شود معلوم می‌شود آبه از توابع قم است. و در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۸ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود چون مرا به آسمان بردند مرورم به زمین سفید مثل کافور افتاد از آن بوی خوشی به مشامم رسید به جبرئیل گفتم این چه بقعه‌ایست؟ گفت به آن (آبه) می‌گویند من رسالت تو و ولایت ذریه‌ات را به ایشان عرضه داشتم پس قبول کردند، و بدرستی که خداوند از آنجا مردانی را خلق کند که شما و ذریه شما را دوست داشته باشند، پس خدا بر آن و اهلش مبارک کند.

در کافی ج ۱ ص ۵۲۳ روایت کند که مردی از اهل آبه چیزی را حمل کرد که (به ناحیه مقدسه) برساند شمشیری را در آبه فراموش کرد پس آنچه با او بود فرستاد حضرت به او نوشت چیست خبر شمشیری که فراموش کردی.

و در بحار ج ۶۰ ص ۲۳۱ از عیون نقل کند که راوی گفت شنیدم علی بن محمد عسکری علیه السلام می‌فرمود اهل قم و اهل آبه آمرزیده شده‌اند برای زیارت کردن ایشان جدم علی ابن موسی الرضا علیه السلام را در طوس، آگاه باشید هرکس



زیارت کند او را و در راه یک قطره باران به او برسد خداوند حرام می‌کند جسدش را بر آتش.

### ﴿ آتش ﴾

باقی نماید در زمین معبودی جز خدا مگر آنکه آتش در آنها افتد و بسوزند، در قائم حدیث ۳۸ خواهد آمد.

(۱) در ملاحم سید بن طاووس ص ۸۸ باب ۱۹۹ از کعب، روایت کند که آتشی در یمن خارج شود که مردم را سوق به شام دهد. صبح کند هر وقت ایشان صبح کنند و راحت کند هر وقت ایشان راحت کنند، و سیر کند هر وقت ایشان سیر کنند و از روشنی آن گردن شتران در بصری<sup>(۱)</sup> روشنی دهد. پس این را هر وقت شنیدید بسوی شام بروید.

(۲) در حدیث دیگر ص ۸۹ فرمود آتشی از حجاز خارج شود که گردن شتران در بصری از روشنی آن دیده شود.

(۳) و در حدیث دیگر از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود آتشی از عدن ایشان را جمع کند با بوزینه و خوک، بخوابد هر جا ایشان بخوابند و استراحت کند هر جا ایشان استراحت کنند و برای آن باشد هرچه از ایشان ساقط می‌شود.

(۴) در حدیث دیگر ص ۸۹ فرمود آتش و دودی در مشرق چهل شب بوده باشد.

(۵) در ملاحم سید ص ۱۶۰ باب ۹ در ضمن حدیثی دارد که هر وقت عمود آتشی در آسمان از طرف مشرق دیدی طلوع کرد، طعام یکسال را برای اهل بیت آماده کن.

(۱) بصری قصبه‌ایست در شام. (معجم البلدان)

(۶) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲ از رسول خدا ﷺ و ملاحم ص ۱۵۸ روایت کند که خارج شود آتشی از (حبس سیل)<sup>(۱)</sup> که سیر کندی داشته باشد شب مخفی باشد و در روز سیر کند صبح و عصر می رود، بعضی به مردم بگویند ای مردم آتش صبح حرکت کرد شما هم حرکت کنید، و استراحت نمود شما هم استراحت کنید، و هر که را آتش رسد، او را خواهد خورد.

(۷) و در مستدرک ص ۴۴۳ در ذیل حدیثی دارد که حضرت رسول ﷺ از مردی سؤال کرد که اهل کجا هستی؟ عرض کرد (بحس سیل) حضرت فرمود اهل بیت خود را از آنجا دور کن چون آتشی از آنجا خارج شود که از روشنی آن گردن شتران در بصری دیده شود.

(۸) و در مستدرک ج ۴ ص ۴۴۳ و بخاری کتاب فتن ص ۱۸۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که ساعت (ظهور) برپا نشود تا اینکه آتشی از زمین حجاز خارج شود که در بصری گردن شتران روشنی دهد.

(۹) و در ملاحم ص ۸۹ دارد که آتشی از عدن خارج شود که مردم و چهارپایان و پرندگان و درندگان را سوق دهد به بصری (که قریه ایست در شام) و چهل سال اقامت داشته باشد. الخبر.

(۱۰) و در ملاحم ص ۱۵۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت تا اینکه آتشی در حجاز ظاهر گردد که از روشنی آن گردن شتران در بصری (قریه ایست در شام) دیده شود.

(۱۱) و در ملاحم ص ۱۵۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه آتشی از رومان<sup>(۲)</sup> برانگیخته شود بطوریکه گردن شتران در بصری روشنی دهد.

(۱) اسم مکانی است. و در معجم گوید حبس کوهی است برای بنی قره.

(۲) در منتهی الارب گوید رومان اسم وضعیست.



(۱۲) و در غیبت نعمانی ص ۱۹۴ و ص ۲۶۳ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که ناچار است برای آتش از آذربایجان که هیچ چیزی مقابله آن نتواند و چون آن زمان را دیدید بوده باشید پلاسی از پلاسه‌های خانه خود. الحدیث.

(۱۳) و در غیبت نعمانی ص ۲۵۳ و البرهان متقی ص ۱۰۹ از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که چون آتشی از طرف مشرق دیدید که سرخ یا زرد رنگ است سه و یا هفت روز طلوع کرد پس متوقع فرج آل محمد علیهم السلام باشید. الحدیث.

(۱۴) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله در ذیل حدیثی فرمود ای کاش می دانستم کی آتش از کوه وراق<sup>(۱)</sup> خارج می شود که روشنائی دهد گردن شتران بختی در بصری را<sup>(۲)</sup>. الحدیث.

(۱۵) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۳۴۵ روایت کند که قصد و اراده کند شما را آتشی که امروز خاموش است، در بیابانی که آن را برهوت گویند فرو گیرد مردم را در آن عذاب است دردناک، جان و مال مردم را بخورد. دنیا را در مدت هشت روز دور زند، مثل ابر و باد پرواز کند، حرارتش (در شب) سخت تر است از حرارتش در روز و برای آن در بین آسمان و زمین غرش تندی است مثل رعد قاصف (تند غرنده) و آن به سر خلائق نزدیکتر است از عرش. گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله آیا این برای مؤمنین و مؤمنات آن روز سالم است (یعنی ضرری برای ایشان ندارد) فرمود آن روز مؤمنین و مؤمنات کجایند؟ ایشان شرورترند از خران، در بین راه مثل حیوانات با هم جماع می کنند و کسی نیست که به ایشان بگوید بس است بس است. (بعضی ممکن است از این حدیث استفاده کنند که اشاره به طیاره و هواپیما است)

(۱۶) در البرهان ص ۱۰۹ حضرت امام حسین علیه السلام روایت کند که چون ببینید علامتی از آسمان که آن آتشی است بزرگ از طرف مشرق در شب طلوع می کند

(۱ و ۲) اسم موضعی است.

پس آن وقت فرج مردم است و آن آمدن حضرت مهدی علیه السلام است. آتش بدون دود حاجیان را فراگیرد الخ در شهر رمضان حدیث ۱۱ خواهد آمد.

(۱۷) در غیبت نعمانی ص ۲۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود چون علامتی در آسمان ببینید و آن آتش بزرگی است از طرف مشرق چند شب طلوع می کند پس آن وقت است فرج مردم و این کمی پیش از قیام قائم علیه السلام است.

(۱۸) در ارشاد مفید ص ۳۶۱ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود زجر می شوند مردم قبل از قیام قائم علیه السلام از معاصی و کارهای زشت خود به آتشی که در آسمان ظاهر می شود و سرخی که همه آسمان را می پوشاند و خسف و فرورفتن در بغداد و خسفی در شهر بصره و خونهایی که در آن ریخته می شود و خرابی خانه های آن و فانی شدن اهل آن و شامل شدن اهل عراق را ترسی که هیچ قرار نداشته باشند.

در آن روز هرکس متمسک به دینش باشد مثل کسی است که آتش در دست داشته باشد. در زمان حدیث ۴۰ خواهد آمد.

### ﴿ آخر ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۴ دارد که آخر قریه ای که از قراء اسلام خراب می شود مدینه است.

### ﴿ آخرالزمان ﴾

در زمان خواهد آمد.



### ﴿ آدم ﴾

هرکس محاجه کند در آدم من اولی به آدم هستم الخ. در علامات ظهور حدیث ۹ و در غیبت حدیث ۱۷ و در المهدی بعنوان یخرج المهدی منها الخ خواهد آمد.

آدم را از آب و گل خلق فرموده. در زنها حدیث ۳۵ خواهد آمد.

### ﴿ آذربایجان ﴾

در ملاحم سید بن طاووس ص ۹۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که ترکها دو خروج دارند در یکی آذربایجان را خراب می‌کنند و در دیگری سرعت به شط فرات می‌نمایند.

و در غیبت نعمانی ص ۱۹۴ و ص ۲۶۳ از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت کند که ناچار است برای آتش از آذربایجان که هیچ چیزی مقابله با آن نتواند بکند. الحدیث.

### ﴿ آرزو ﴾

هرگاه آرزوی قائم کنید. در قائم حدیث ۱ خواهد آمد.  
بطوریکه صبح و شب آرزوی مرگ کنند. در قائم حدیث ۱۲۰ خواهد آمد.  
آرزوها طولانی شود. در زمان حدیث ۵۵ خواهد آمد.  
اکثر مردم آرزو می‌کردند ای کاش آن حضرت را نمی‌دیدند. در سیره حدیث ۸ خواهد آمد.

آرزو کنند مردگان را. در اُمت حدیث ۲۳ خواهد آمد.

### ﴿ آزاد ﴾

آزادها فروخته شوند الخ. در علامات ظهور حدیث ۲۲ خواهد آمد.

### ﴿ آس ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۱۶ از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام دارد که زیر شانه چپ حضرت برگی است مثل برگ آس.

### ﴿ آسیا ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۵۶ در ذیل حدیث ۱۳ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ناچار باید آسیائی بگردش درآید و همینکه کاملاً بگردش افتاد و پابرجا شد خداوند بندهای سنگدل و بی اصل و نسب را برانگیزد که پیروزی به همراه او باشد، یارانش با موهای دراز و سبیلهای کلفت و جامه‌های سیاه در بر، و پرچمهای سیاه به دست داشته باشند و ای بر کسی که با آنان مخالفت کند که بی ملاحظه آنان را بکشند، بخدا قسم گوئی آنان را می بینم و کارهایشان و آنچه بدکاران و عربهای ستمگر از دست آنان می بینند در پیش چشم من است خداوند آنان را که مهر در دلشان نیست بر ایشان مسلط می کند و در شهرهای خودشان که در کنار فرات است، شهرهای ساحلی و بیابانی، ایشان را بی محابا می کشند بجزای آنچه که کرده اند و پروردگار تو، بر بندگان ستم روا ندارد. (صاحب کفایة الموحدين در ج ۲ ص ۸۴۹ این حدیث را حمل بر آسیای اصطلاحی کرده و جزو علامات شمرده ولی معلوم است که حدیث کنایه است از ملک بنی العباس) در نوائب الدهور ج ۲ ص ۲۶۱ در ذیل خطبه‌ای امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود آگاه باشید ناچار آسیای ضلالت و گمراهی بگردش خواهد افتاد وقتی بر قلب خود



پایدار شد نرم می‌کند به حدّت و تیزی خود آگاه باشید که نرم شده آن شکست آورنده است و شکست آوردن آن برای حدت و تیزی ایست که دارد و رخنه انداختن و شکست آوردن آن برای دشمنی با خدا است.

(البته معلوم است که دو روایت فوق کنایه از سرکشی کردن بنی العباس و از بین رفتن ایشان است بدست مردمان بدتر از خودشان)

وقتی دور زد آسیای بنی العباس و بستند صاحبان پرچمهای سیاه اسبهای خود را به درختهای زیتون شام الخ. در بنو العباس حدیث ۱۷ خواهد آمد.

در غیبت طوسی ص ۲۸۱ از امام باقر علیه السلام در ذیل حدیثی فرمود حضرت حجت بفرستند پشت قبر حسین علیه السلام نهری حفر کنند که آبش به کوفه و نجف جاری شود و در راه بین نجف و کربلا پلها و آسیاها درست شود الخ. تمام حدیث در المهدی بعنوان (یدخل المهدی الخ) خواهد آمد.

### ﴿ آسیای بنی العباس ﴾

در بنو عباس حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿ آفت ﴾

در دین حدیث ۷ خواهد آمد که هر دینی آفتی دارد و آفت این دین بنی امیه‌اند.

در دین حدیث ۱۴ خواهد آمد که آفت دین حسد و عجب و فخر است الخ.

### ﴿ آفتاب گرفتن ﴾

در رکود و کسوف خواهد آمد.

### ﴿ أَكَلَةُ الْاِكْبَادِ ﴾

در بنی عباس حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿ آل محمد ﷺ ﴾

مردم را برای آل محمد دعوت کنند. در دولت حدیث ۱۴ خواهد آمد.  
اگر از آل محمد بود هر آینه رحم می‌کرد. در سیره حدیث ۸ خواهد آمد.

### ﴿ آمادگی و زمینه‌سازی ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۳ و البرهان ص ۱۴۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود مردمی از مشرق خروج کنند پس آمادگی و زمینه‌سازی کنند برای مهدی ﷺ سلطنتش را.

در شعیب بن صالح خواهد آمد که او آماده می‌کند برای مهدی ﷺ سلطنتش را و بین خروج او و تسلیم امر به مهدی هفتاد و دو ماه طول خواهد کشید.

در کفایة الخصام ص ۶۸۶ حدیث ۴۹ و الامام المهدی ج ۱ ص ۴۲ از ج ۴ ص ۱۰۸ سنن ابی داود از ابی الحسن<sup>(۱)</sup> بن هلال بن عمیر روایت کرده که از علی شنیدم که گفت رسول خدا ﷺ فرمود بیرون می‌آید مردی از ماوراء النهر که او را حرث<sup>(۲)</sup> گویند و در مقدمه لشکر او مردی است که او را منصور گویند تمکین می‌کند از برای آل محمد چنانکه قریش از برای رسول خدا ﷺ تمکین کردند، بر هر مؤمنی واجب است که او را یاری کند یا فرمود دعوت او را اجابت نماید.  
در کفایة الخصام ص ۶۹۲ حدیث ۱۲۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که

(۱) در سنن ابی داود عن هلال بن عمرو.

(۲) در سنن ابی داود (حرث بن حراث).

فرمود بیرون می آیند قومی از مشرق و مهیا می کنند سلطنت را برای مهدی .

### ﴿ آمد ﴾

آمد شهریست که دجله را مثل هلال احاطه کرده و یک نفر از (۳۱۳) نفر از یاران حضرت حجت علیه السلام از آمد است .

و در ملاحم ص ۹۰ دارد که ترک وارد بر آمد می شوند و از آب دجله و فرات می آشامند ، و کوشش می کنند در جزیره ، و اهل اسلام از شدت حیرت نمی توانند در مقابل آنها هیچگونه استقامتی بنمایند ، پس خداوند برف زیادی توأم با باد تند و یخ بر ایشان بفرستد و ایشان خشک و خاموش شوند ، پس چون چند روزی اقامت کنند ، امیر اهل اسلام در مردم باشد پس بگوید آیا گروهی هستند که خود را فدای خدا کنند و ببینند آن جماعت چه کردند ؟ پس ده نفر اسب سوار پیشقدم شوند و بروند بسوی ایشان ناگهان ببینند همه از بین رفته ، پس برگردند و بگویند بدرستی که خدا ایشان را هلاک نموده (و شما را از شر ایشان خلاصی داده) همه مرده اند .

### ﴿ آوازه خوان ﴾

در اُمت حدیث ۷ و در خسف حدیث ۱۳ و در سنگباران حدیث ۳ و ۷ خواهد آمد .

### ﴿ آهن ﴾

در قم حدیث ۱۲ خواهد آمد که مردی از اهل قم مردم را دعوت به حق کند گروهی با او جمع شوند مثل پاره های آهن الخ .  
در (مو) خواهد آمد که گروهی از کوچکان و خردسالان ظهور خواهند کرد



که اعتنائی به ایشان نباشد دلهاشان مثل پاره‌های آهن باشد الخ.

### ﴿ آیه ﴾

در زیدیه خواهد آمد که هرکس یک آیه از قرآن را تکذیب کند بدرستی که اسلام را پشت سر انداخته و جمیع قرآن را تکذیب کرده و جمیع انبیاء و مسلمین را دروغ‌گو پنداشته.

مراد از آیه چیست. در رکود خورشید خواهد آمد.

### ﴿ ائمه ﴾

در ملاحم ص ۱۶۳ دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال نمود که یا رسول الله از ما است ائمه هدی یا از غیر ما؟ فرمود بلکه از ما است و به ما دین خاتمه پیدا می‌کند چنانچه پیدایش آن از ما بود.

در فقیه ج ۴ ص ۱۳۴ از امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود ائمه بعد از من دوازده نفرند، اول ایشان علی بن ابیطالب علیه السلام است و آخر ایشان قائم علیه السلام است الخ.

در کافی ج ۱ ص ۱۸۱ از امام صادق علیه السلام سؤال از ائمه بعد از نبی اکرم صلی الله علیه و آله شد، فرمود امیرالمؤمنین پس از او حسن، پس از او حسین، پس از علی بن الحسین، پس از او محمد بن علی علیه السلام امامند، و هرکس این را انکار کند مثل کسی است که معرفت خدا را انکار کند الخ.

### ﴿ ابان ﴾

من و ابان داخل شدیم الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۷ خواهد آمد.

## ﴿ ابدال ﴾

(۱) در مجمع البحرین گوید ابدال جماعت شایسته‌ای هستند که دنیا از ایشان خالی نخواهد ماند یکی بمیرد دیگری بجای او خواهد آمد، و بعضی گفته‌اند ایشان هفتاد نفرند، چهل نفر از اهل شامند و سی نفر از جای دیگر، یکی از ایشان نمیرد مگر آنکه دیگری بجای او آید.

(۲) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۳ دارد که مردی در صفین می‌گفت خدا لعنت کند اهل شام را.

حضرت علی کرم الله وجهه فرمود فحش ندهید همه اهل شام را چون در شام ابدال هستند، ابدال هستند (دو مرتبه فرمود)

(۳) و در ص ۵۳ حدیث دیگر رسول خدا ﷺ فرمود بهترین امت من پانصد نفرند، و ابدال چهل نفرند، نه پانصد نفر ناقص می‌شوند و نه چهل نفر، هر وقت یکی از ابدال بمیرد دیگری از پانصد نفر بجای او قرار می‌گیرد، پس نه پانصد نفر کم می‌شود و نه چهل نفر، عرض کردند اعمال ایشان چیست؟ فرمود عفو می‌کنند هر کس را که به ایشان ظلم کرده، و نیکی می‌کنند هر کس را که با ایشان بدی کرده، هر چه خدا به ایشان داده با دیگران مواسات می‌کنند (هر چه دارند با مؤمنین بالسویه تقسیم می‌کنند) و تصدیق این از کتاب خدا ﴿ وَالْكَافِرِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴾ یعنی خشم خود را می‌خورند و مردم را عفو می‌کنند خدا هم دوست دارد نیکوکاران را.

(۴) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۴ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کند که فرمود فحش ندهید اهل شام را که در ایشان است ابدال.

(۵) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۸ ایضا از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود زود است فتنه‌ای برپا شود، که خالص گردند مردم چنانچه طلا از معدن

خالص و پاک می شود پس اهل شام را فحش ندهید بلکه ظالمانشان را فحش بدهید بجهت آنکه در اهل شام ابدالی هستند، الخ.

(۶) در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۴ فرمود: یوم الابدال روزیست که بعضی از لشکریان با حضرت حجت ملحق به سفیانی می شوند، و بعضی از لشکریان سفیانی ملحق به اصحاب حضرت حجت می شوند.

(۷) در بحار ج ۱۳ ص ۴۰۲ از ثعلبی روایت کند که مردی از عسقلان از جناب الیاس پرسید که ابدال چند نفر هستند؟ فرمود شصت نفرند، پنجاه نفر از ایشان نزد عریش مصر<sup>(۱)</sup> تا شط فرات هستند، و دو نفر در مصیصه<sup>(۲)</sup> و یک نفر در عسقلان و هفت نفر در سائر بلاد هستند، و هر وقت یک نفر ایشان را خداوند ببرد دیگری را بجای او می گمارد، و بسبب ایشان خداوند بلاء را از مردم دفع می کند، و بواسطه ایشان باران می فرستد.

(۸) در سفینه ج ۲ ص ۴۳۸ محدث قمی از کفعمی در حاشیه مصباحش نقل کند که گفته شده زمین خالی نشود از قطب و چهار اوتاد، و چهل ابدال، و هفتاد نجیب، و سیصد و شصت صالح، پس (قطب) همان مهدیست صلوات الله علیه، پس اوتاد کمتر از چهار نفر نباشد، چون دنیا مثل خیمه است و مهدی علیه السلام مثل عمود (ستون) است، و آن چهار نفر مثل طنابند، و گاهی اوتاد بیشتر از چهار نفرند، و ابدال بیش از چهل نفرند، و نجباء بیش از هفتاد نفرند، و صالحین بیش از سیصد و شصت نفرند، و ظاهر آنست که خضر و الیاس علیهم السلام از اوتاد باشند، که چسبیده به داره قطبند.

و اما صفت اوتاد پس ایشان جماعتی هستند که طرفه عینی از خدای خود غافل نیستند، و از دنیا جمع نمی کنند مگر به مقدار کفایت، و از ایشان لغزشهای

(۱) اول شهر مصر است از طرف شام. (م)

(۲) شهر پست در کنار جیحون از حدود شام است. (م)



بشری صادر نشود، و عصمت هم در ایشان شرط نیست ولی در قطب (که حضرت حجت باشد) شرط است.

و اما ابدال از اوتاد از جهت مرتبه کمترند، و گاهی غفلت از ایشان سر می‌زند، ولی تدارک می‌کنند به یاد آوردن خدا، و عمداً گناه نمی‌کنند.

و اما نجباء پس ایشان هم از ابدال از حیث رتبه کمترند، و اما صالحین ایشانند پرهیزکاران و موصوف به عدالت و گاهی گناه از ایشان سر می‌زند، ولی به استغفار تدارک می‌کنند و پشیمان می‌شوند از گناه خود، خداوند می‌فرماید ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾ (سوره اعراف آیه ۲۰۱) یعنی چون اهل تقوی را از شیطان وسوسه و خیال به دل رسد هماندم خدا را بیاد آرند و همان لحظه بینائی پیدا کنند. پس از آن فرمود وقتی یک نفر از آن چهار نفر اوتاد ناقص شود یک نفر از ابدال بجای او گذاشته می‌شود و چون یک نفر از ابدال ناقص شود یک نفر از صالحین بجای او گذاشته شود و چون یک نفر از صالحین ناقص شود یک نفر از سائر مردم بجای او گذاشته شود. والله العالم.

(۹) و از قاموس نقل شده که ابدال گروهی هستند که خداوند بواسطه ایشان زمین را نگاه می‌دارد و ایشان هفتاد نفرند چهل نفر از ایشان در شام هستند و سی نفر ایشان در غیر شام می‌باشند، یکی از ایشان نمیرد جز آنکه دیگری از سائر مردم بجای او بنشیند.

### ﴿ ابر ﴾

در کفایة الخصام ص ۶۹۱ ذیل حدیث ۱۱۳ از امام ششم علیه السلام روایت کند که فرمود ظاهر می‌شود در آخر الزمان و بر بالای سر او ابريست و بر او سایه می‌افکند و از حرارت آفتاب محافظت می‌نماید و با او می‌گردد و آن ابر به آواز

فصیح ندا می کند این است مهدی موعود .

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۳۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که قبل از ساعت ظهور ابر سیاهی از طرف مغرب مثل سپر بر شما طلوع کند و تمام آسمان را فرو خواهد گرفت پس منادی ندا کند ای مردم، پس مردم بعضی به بعضی بگویند آیا شنیدید؟ پس بعضی بگویند بلی و بعضی شک کنند، باز هم ندا آید ای مردم، پس مردم بگویند آیا شنیدید بگویند بلی، سه مرتبه ندا آید ای مردم آمد امر خدا پس عجله نکنید، پس رسول خدا ﷺ فرمود قسم به کسی که جانم به دست او است دو مرد لباس پهن کرده (برای فروش) جمع نخواهند کرد، و مردی حوضش را اصلاح کرده برای آب دادن ولی آب نخواهد داد، یا مردی شترش را دوشیده که بیاشامد و نیاشامد، و همه مردم مشغول (بخود) شوند.

در مهدی (بعنوان یخرج المهدی و علی الخ) خواهد آمد که خروج می کند و بالای سرش ابريست که در آن نداکننده ايست الخ.

### ﴿ ابراهیم خلیل ﴾

به مقدار عمر خلیل یکصد و بیست سال عمر کند الخ. در قائم حدیث ۱۲۵ خواهد آمد.

### ﴿ ابقع ﴾

در اصهب خواهد آمد.

در الامام المهدی از لوايح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۶ گفت ابقع از مصر خروج می کند.

## ﴿ اُبْلَه ﴾

در زمان حدیث ۴۹ خواهد آمد که نجات نیابد صاحب دینی مگر کسی که گمان کنند او ابله است الخ .  
بگذارید ابله بمانند . در زنها حدیث ۵۲ خواهد آمد .

## ﴿ اُبْلَه ﴾

در معجم البلدان گوید ابله شهر است در کنار دجله بصره ، و اقدم از بصره است .

و در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۷ فرموده ابله امروز همان بصره است ولی قبلا از دهات بصره بوده .

و در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۵ در ذیل حدیثی دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از مذمت بصره بطرف راستش التفاتی نموده سپس فرمود چه مقدار مسافت است بین شما و ابله ؟ منذر بن جارود عرض کرد پدر و مادرم بفدایت چهار فرسخ است . حضرت فرمود راست گفتی قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را فرستاده و به نبوتش گرامی داشته و به رسالتش اختصاص داده و بسا عجله روحش را به بهشت نقل داده ، شنیدم از او مثل اینکه شما از من می شنوید که فرمود یا علی آیا می دانی بین بصره و ابله چهار فرسخ است ، و زود است که ابله جای گمرک باشد و کشته شود در اینجا از امت من هفتاد هزار شهید ، ایشان در آن روز بمنزله شهداء بدر باشند منذر عرض کرد یا امیرالمؤمنین کی ایشان را می کشد پدر و مادرم فدایت شود ؟ فرمود می کشد ایشان را دو برادر ، و ایشان طائفه ای هستند مثل اینکه شیاطینند ، روهای سیاه دارند و بوهای گندیده حمله ایشان سخت و بد باشد ، و غارتی بردن ایشان کم باشد ، خوشا بحال کسی که او را کشته اند ،



کوچ کند برای جهاد ایشان در آن زمان گروهی که ذلیل باشند در نزد متکبرین از اهل آن زمان، و در زمین نامعلوم باشند، و در آسمان معروف باشند، آسمان و زمین با ساکنانش بر حال ایشان گریه کنند، الخ.

در بنو قنطورا خواهد آمد آنچه مناسب مقام است.

### ﴿ ابلیس ﴾

در تفسیر برهان ج ۲ ص ۳۴۳ و دلائل الامامه طبری ص ۲۴۰ از وهب بن جمیع روایت کند که گفت از امام صادق علیه السلام از ابلیس سؤال کردم که گفت ﴿ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴾ وهب گفت فدایت شوم کدام روز است آن فرمود ای وهب آیا گمان می‌کنی روزیست که خدا مردم را مبعوث می‌کند نه ولیکن روزیست که خدا قائم ما را مبعوث می‌کند. پس زمانی که خدا مبعوث کند قائم ما را در مسجد کوفه باشد و ابلیس بیاید پیش روی او دو زانو بنشیند پس بگوید ای وای او را از مثل این روز پس بگیرد موهای پیشانی او را و گردنش را بزند، این است روز وقت معلوم.

### ﴿ ابن لبون ﴾ یعنی بچه شتر

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۹ از حذیفه نقل کند که آیا در فتنه مثل بچه شتر نمی‌باشی که نه سواری بدهی و نه شیر؟ (یعنی در فتنه مثل بچه شتر باش تا بار از دوشت نکشند)

ایضا در مستدرک ج ۴ ص ۵۳۰ از حذیفه نقل کند که فرمود بوده باش مثل بچه شتر نه پشتی داشته باشی که سواری شوند و نه شیری که بدوشند.

و در نهج البلاغه قصار الحکم از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود بوده

باش در فتنه مثل بچه شتر که نه پشتی دارد تا سوارش شوند، و نه شیری دارد که دوشیده شود.

### ﴿ ابوبکر ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۳۲ در ذیل خطبه البیان از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود زود باشد که بگویند و از من نقل کنند که من با ابوبکر بیعت کرده‌ام در خلافت او، پس بتحقیق که بهتان بزرگی را نسبت می‌دهند.

### ﴿ ابوبکر و عمر ﴾

در مدینه حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ ابوذر ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود سایه نکرده آسمان و بر نداشته زمین کسی را که راست‌گوتر باشد از ابی‌ذر.

### ﴿ ابو شیبخ ﴾ شاید اسم مکانی باشد

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام فرمود از ابو شیبخ سی کس برآید که به سیرت و صفت دجال باشند و اگر همه مردم را بکشند غم ندارند.

### ﴿ ابولهب ﴾

ابولهب را هم باقی گذاشتند برای سرزنش کردن پیغمبر صلی الله علیه و آله چون ابولهب

عموی پیغمبر ﷺ بود. در قرآن حدیث ۲۲ خواهد آمد.

### ﴿ ابو مروان ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۱ از عائشه روایت شده که رسول خدا ﷺ لعن فرمود ابا مروان را و مروان در صلبش بود.

### ﴿ ابو مسلم خراسانی ﴾

نامه ابو مسلم خراسانی برای او آمد. در (عجله کنندگان) حدیث ۶ خواهد آمد.

### ﴿ ابو موسی الاشعری ﴾

در ملاحم ص ۱۱۲ در ذیل حدیثی دارد که سلمان از رسول خدا ﷺ روایت کند که جماعتی از امت من بر ملت سامری هستند نمی گویند (لا مساس) ولکن می گویند لا جهاد و امام ایشان ابو موسی اشعریست. سید بن طاووس می فرماید یعنی ابو موسی و جماعتی که در مدینه از بیعت با امیرالمؤمنین رضی الله عنه تخلف کردند و با دشمن ایشان نجنگیدند.

### ﴿ الاحلاس ﴾

در پلاس خواهد آمد.

### ﴿ احمقان ﴾

ای عبدالله بن عطا گوش به حرف احمقان دادی الخ. در خروج کنندگان حدیث ۶ خواهد آمد.



### ﴿ اختلاف و دشمنی بین عرب و عجم ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۰ از اربعین میرلوحی روایت کند که دشمنی و اختلافی بین آراء عرب و عجم واقع خواهد شد، پس پیوسته اختلاف می‌کنند تا کار به مردی از اولاد ابی سفیان می‌رسد، که او از بیابان خشک دمشق خروج می‌کند (معلوم می‌شود جنگ عرب و عجم منتهی به خروج قائم ع می‌شود چون هر وقت سفیانی خروج کند حضرت حجت خروج کرده چون در این حدیث می‌گوید اختلاف پیوسته هست تا مردی از اولاد ابی سفیان از وادی یابس دمشق خروج کند و او همان سفیانی است) الخ.

### ﴿ اختلاف بین دو صنف از عجم ﴾

در شیخ فضل الله خواهد آمد.

### ﴿ اختلاف بین دو نیزه ﴾

در شام حدیث ۵ خواهد آمد.

### ﴿ اختلاف بین شیعه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۵۷ از عبدالکریم روایت کند که نزد حضرت صادق ع یادی از حضرت قائم ع شد فرمود کی این خواهد شد و حال آنکه فلک آنقدر دور نروده که بگویند مرد، هلاک شد، به کدام بیابانی رفت، راوی عرض کرد دور زدن فلک چیست؟ فرمود اختلاف شیعه است.

### ﴿الاخلاق﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۹ دارد که بفروشنند مردم اخلاق خود را به مال کمی از دنیا.  
و در ص ۲۳۰ دارد اخلاق و دینشان را بفروشنند به مال دنیا.

### ﴿إذن﴾

إذن به ولی خدا داده می شود. در علامت ظهور حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿اذیت﴾

در قائم حدیث ۱۰۴ خواهد آمد که هر اذیت کننده ای بصورت خود باید برگردد تا مؤمنین از ایشان حقشان را بگیرند.

### ﴿ارث در زمان حضرت﴾

به برادر دینی ارث می دهد الخ. در قائم حدیث ۱۱۰ و ۱۱۱ خواهد آمد.

### ﴿ارمنیه﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۶۲ از کعب روایت کند که جزیره ایمن از خرابی است تا اینکه ارمنیه خراب شود.  
در ملاحم سید ص ۹۲ روایت کند که راوی گفت نزد معاویه بودم که نامه رسان از ارمنیه آمد از طرف صاحبش پس نامه را خواند پس غضب نمود و کاتبش را صدا زد که بنویس در جوابش (در نامه شکایت از ترکها کرده بود که اطراف زمین تو را غارت کرده و بعضی را گرفته اند، پس مردی را در طلب

ایشان فرستاد و اسیرها را نجات داد) مادرت بعزایت بنشیند دیگر اینکارها را نکن و ایشان را حرکت مده و از ایشان چیزی نگیر، پس بدرستی که من از رسول خدا شنیدم که ایشان زود باشد که به منابت شیخ برسند<sup>(۱)</sup>.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۸ در ذیل خطبة البیان فرمود پس حضرت مهدی می رود تا اینکه در ارمنیه کبری فرود می آید چون اهل ارمنیه آن حضرت را می بینند راهبی از رهبانان خود را که علم زیادی دارد نزد او می آورند پس اهل ارمنیه به او می گویند بسین این جماعت چه می خواهند، راهب نزد مهدی علیه السلام می آید و به او می گوید آیا تو مهدی هستی؟ حضرت می فرماید بلی من هستم که در انجیل شما یاد شده ام و در آخر الزمان بیرون می آیم، پس راهب از مسائل زیادی سؤال می کند و حضرت جواب می دهد، پس راهب مسلمان می شود و اهل ارمنیه امتناع می کنند از مسلمان شدن، پس اصحاب مهدی علیه السلام داخل آن می شوند و پانصد مرد جنگی از نصاری را می کشند، پس شهر ایشان به قدرت خداوند بین زمین و آسمان معلق می شود، پس پادشاه و هر کس با او هست به آن نگاه می کنند و آن روز همه مردان جنگی خود را بیرون آورده برای جنگیدن با مهدی علیه السلام پس وقتی آن منظره را ببینند فرار می کنند و به یارانش می گوید برای خود گریزگاهی بگیرید، پس اول و آخرشان همه فرار می کنند، پس شیری سر راه ایشان را گرفته صیحه ای به ایشان بزند که هرچه در دست دارند بیفتند از قبیل سلاح و مال و همه را اصحاب مهدی از ایشان بگیرند و بین خود تقسیم کنند، و قسمت هر یک از آن لشکریان که هزار هزار بیشترند صد هزار دینار و صد کنیز و صد غلام می شود.

(۱) منابت الشیخ: الشیخ بالحاء المهمله موضعی است در دیار بنی یربوع و موضعی است در یمامه و

موضعی است در جزیره. (معجم)

### ﴿ ازرق و زريق لعنهما الله ﴾

در قائم حدیث ۹۹ خواهد آمد.

### ﴿ اسب ﴾

اسب و زن گران شوند. در ساعت ظهور حدیث ۲۳ خواهد آمد.

### ﴿ اسبهای سیاه و سفید ﴾

در شام حدیث ۵ خواهد آمد.

### ﴿ استخدام ﴾

کفار مسلمانها را استخدام کنند الخ. در علامات ظهور حدیث ۲۳ خواهد آمد.

### ﴿ استخوان ﴾

زن مثل استخوان کج است. در زنها حدیث ۳۷ خواهد آمد.

### ﴿ استعمال ﴾

اطفال شما استعمال گردند. در فرج حدیث ۱۸ خواهد آمد.

### ﴿ استغفار ﴾

در نوائب الدهور ج ۳ ص ۳۵۴ از دلائل الامامه ص ۲۹۷ نقل کند که حضرت حجت علیه السلام فرمود ای پسر مهزیار اگر نبود استغفار (طلب آمرزش)



بعض شما برای بعض دیگر هر آینه هلاک می شد هر کس روی زمین بود مگر شیعیان خاص که گفتارشان شبیه به کردارشان می باشد، الخ.

### ﴿ اسلام ﴾

در بحار ج ۵۲ ص ۱۹۱ و در غیبت نعمانی ص ۳۲۱ و ۳۲۲ از حضرت صادق و حضرت رضا علیهما السلام از جدشان نقل فرموده اند که اسلام اولش غریب بود و زود است که مثل اولش غریب گردد، پس خوش بحال غرباء.

و در ملاحم ص ۱۰۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که اسلام اولش غریب بود و زود است برگردد مثل اولش پس خوش بحال غرباء.

در ص ۱۰۵ سؤال شد غرباء کیانند؟ فرمود کسانی که اصلاح کنند وقتی که مردم فساد کنند.

و در ص ۱۷۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که اسلام ناقص می شود بطوریکه گفته نشود (لا اله الا الله) الحدیث.

و در ص ۱۷۹ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که اسلام همیشه عزیز است تا دوازده خلیفه که همه از قریش باشند.

در کافی ج ۲ ص ۱۸ از امام ششم علیه السلام روایت کند که اسلام سه پایه دارد نماز، زکاة، دوستی اهل بیت، و هیچ یک بدون دیگری صحیح نخواهد بود.

و در تهذیب ج ۲ ص ۲۴۲ و کافی ج ۲ ص ۲۳ در ضمن حدیثی دارد که امام صادق علیه السلام فرمود اصل اسلام نماز است و فرعش زکاة، و کوهان آن جهاد در راه خدا است.

در کافی ج ۲ ص ۴۶ از امام ششم روایت کند که اسلام برهنه است پس لباسش حیا است، و زینتش وقار است، و مروّتش عمل صالح است، و عمودش (دیرک) ورع است، و برای هر چیزی پایه ایست و پایه اسلام دوست

داشتن ما اهل بیت است.

در کافی ج ۲ ص ۱۸ و ج ۴ ص ۶۲ و فقیه ج ۲ ص ۴۴ و تهذیب ج ۴ ص ۱۵۱ از امام پنجم روایت کند که پایه اسلام بر پنج چیز است بر نماز و زکاة و حج و روزه، و دوستی و ولایت (ما اهل بیت)

و در حدیث دیگر فرمود ندا نشده به چیزی مانند آنچه ندا شده به ولایت و دوستی در روز غدیر (یعنی امر ولایت اهم از نماز و روزه و زکاة و حج است) در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۰ از مقداد روایت کند که گفت شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود باقی نماند روی زمین از خانه گلی و چادر نشین جز آنکه خداوند داخل کند در آن کلمه اسلام را به عزت یا ذلت یا خداوند ایشان را عزیز می کند و از اهل آن قرار می دهد و یا ذلیل می کند که عمل به اسلام نکنند.

در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۰ از تمیم داری از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود کار اسلام بالا گیرد مثل شب و روز که همه جا را فرو می گیرد، و خداوند نگذارد خانه گلی و یا چادر نشین جز آنکه داخل کند این دین را در آن یا به عزت اگر مسلمان شوند و یا به ذلت اگر در کفر بمانند.

تمیم داری می گوید این معنی را من در اهل بیت خود شناختم هر کدام اسلام آوردند عزیز شدند و هر کدام در کفر باقی ماندند ذلیل شدند و جزیه دادند.

در نهج البلاغه خطبه ۱۰۳ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ای مردم بیاید بر شما زمانی که سرنگون شود در آن اسلام همچنانکه سرنگون شود ظرف و بریزد آنچه در آن هست. مردم را از نوبه اسلام دعوت کند الخ. در قائم حدیث ۹ خواهد آمد.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۷۳ و ص ۵۰۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که اسلام کهنه شود چنانکه رنگ لباس کهنه شود حتی اینکه نداند نماز و روزه چیست؟ الخیر.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود متولد نشود در اسلام بعد از ششصد سال مولودی که خدا در او حاجتی داشته باشد (کنایه از اینکه خیری در او نیست)

در کنز العمال ج ۱ ص ۶۶ فرمود الاسلام يجب ما قبله .  
در حدیث دیگر فرمود: الاسلام يهدم ما قبله .

### ﴿ اسم حضرت حجت ﴾

- (۱) در ملاحم سید ص ۷۴ باب ۱۶۲ در چند حدیث دارد که رسول خدا ﷺ فرمود اسمش اسم من است .
- (۲) و در بعض احادیث دارد که اسمش اسم من است و اسم پدرش اسم پدر من است که عبدالله باشد (ولی مسلم است که جمله دوم زیاده شده از طرف راوی و اسم پدر حضرت حجت علیه السلام امام حسن عسکری است بدون شک .)
- (۳) و در ص ۱۳۹ از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود اسمش اسم من است و خلقش خلق من الخ .
- (۴) و در ص ۱۶۶ رسول خدا ﷺ فرمود اسمش اسم من است الخ .
- (۵) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود نگذرد روزها و شبها تا مالک شود مردی از اهل بیت من که مطابق باشد اسمش با اسم من و اسم پدرش با اسم پدر من پس پر کند زمین را به عدل چنانچه پر شده از ظلم و جور .
- (۶) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۳ دارد که نرود دنیا و منقضى نشود مگر آنکه مالک بشود مردی از اهل بیت من که مطابق باشد اسمش با اسم من .
- (۷) و در ص ۲۶۴ فرمود حکومت کند مردی از اهل بیت من که اسمش مطابق اسم من است .

(۸) و در ص ۲۷۳ فرمود خارج شود مردی از اهل بیت من که اسمش اسم من و خلقش خلق من ، پس پر از عدل کند چنانچه پر شده بود از ظلم و جور .  
 (۹) در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۷۲ دارد که فرمود مهدی از اولاد من است اسمش اسم من است و کنیه اش کنیه من شبیه ترین مردم است به من از جهت خَلْق و خُلُق الخ .

(۱۰) در ینابیع الموده ص ۴۹۳ از امام صادق عليه السلام از جدش رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود مهدی از اولاد من است اسمش اسم منست و کنیه اش کنیه من و او شبیه ترین مردم است به من از جهت خلقت و خلق الخ .

(۱۱) در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۸۵ از امام صادق عليه السلام روایت کند که فرمود خلف صالح از اولاد من است و اوست مهدی اسمش محمد و کنیه اش ابوالقاسم در آخر زمان خروج کند اسم مادرش صیقل است .

(۱۲) در اکمال الدین ص ۶۰۷ امام صادق عليه السلام فرمود صاحب این امر مردیست که نمی ماند او را به اسم او مگر مرد کافر .

(۱۳) در حدیث دیگر امام هشتم فرمود جسمش دیده نمی شود و اسمش هم برده نمی شود .

(۱۴) در حدیث دیگر دارد وقتی عُمَر از امیرالمؤمنین عليه السلام سؤال از اسم مهدی کرد حضرت فرمود اما اسمش را نمی گویم چون حبیب من عهد گرفته اسمش را نگوییم .

در المهدی تحت عنوان (اخبرنی عن المهدی ما اسمه) خواهد آمد .

(۱۵) و در ص ۶۰۸ امام عسکری عليه السلام فرمود حلال نیست برای شما یاد کردن اسمش ، راوی گفت پس چگونه یادش کنیم ؟ فرمود بگوئید الحجة من آل محمد صلى الله عليه وآله .

(۱۶) در غیبت نعمانی ص ۱۸۱ امام صادق عليه السلام فرمود اسمش اسم



پیغمبر است و اسم پدرش اسم وصیی است. در نام و کنیه و لقب خواهد آمد.

### ﴿ الاشرار ﴾

در ملاحم ص ۱۰۰ از عبدالله بن عمر نقل کرده که برای اشرار بعد از اخیار یکصد و بیست سال حکومت و پادشاهی هست که اولش را احدی از مردم نمی داند.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۱ دارد که یکی از علامات آن است که اشرار زیاد باشند.

و در ص ۲۴۲ دارد یکی از علامات آن است که اشرار بالا روند و اخیار زیر دست باشند.

### ﴿ الاشعری ﴾

در قائم حدیث ۱۴۸ خواهد آمد.

### ﴿ اشک ﴾

و آن اشک چشم ملائکه است. در علامات ظهور حدیث ۱ خواهد آمد.

### ﴿ اصحاب ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه طلب شود مردی از اصحاب من مثل طلب کردن گم شده و یافت نشود.

### ﴿ اصحاب الرأی ﴾

در ملاحم ص ۱۵۸ از عمر بن الخطاب روایت کند که دوری کنید از اصحاب

رأی که ایشان دشمن سُنّت می باشند ، سُنّت ایشان را خسته می کند که حفظش کنند پس از ایشان سؤال می شود خجالت می کشند که بگویند نمی دانیم پس دوری کنید از ایشان .

### ﴿ اصحاب القائم ﴾

در اصحاب المهدی ذکر می شود .

### ﴿ اصحاب کهف ﴾

در کهف خواهد آمد .

### ﴿ اصحاب مهدی علیه السلام ﴾

در ملاحم ص ۱۴۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که اصحاب مهدی جوآنند کهول<sup>(۱)</sup> در بین ایشان نیست .

در غیبت نعمانی ص ۳۱۹ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود چگونه خواهید بود هنگامیکه اصحاب و یاران قائم علیه السلام خیمه ها در مسجد کوفه برپا کنند ، سپس مثال تازه ای برای آنان بیرون آورده شود امر تازه ای که بر عرب سخت خواهد بود .

در ملاحم ص ۲۰۵ ابوبصیر می گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم از اصحاب و یاران قائم علیه السلام پس خبر داد به من جاهای ایشان را و عددشان را ، پس سال آینده خدمتشان رسیدم و عرض کردم قصه مرابط و سیاح چیست ؟ تا آخر حدیث که خواهد آمد انشاء الله .

در ملاحم ص ۲۰۲ حدیثی راجع به اصحاب حضرت نقل می کند که

(۱) کهول سن بین سی تا پنجاه را گویند .

خلاصه‌اش این است. ابو بصیر خدمت امام صادق علیه السلام عرض می‌کند آیا امیرالمؤمنین علیه السلام علم دارد به منزلهای اصحاب قائم علیه السلام؟ چنانچه علم بعدد ایشان دارد؟ حضرت فرمود بلی بخدا قسم می‌داند اسم ایشان و اسم پدران ایشان را مرد به مرد، و می‌داند منزلهای ایشان را. عرض کرد فدایت شوم آنچه را امیرالمؤمنین می‌داند حسن هم می‌داند حسین هم می‌داند، و آنچه را آن بزرگواران می‌دانند علمش به شما رسیده پس شما هم به ما خبر بدهید، حضرت فرمود روز جمعه بعد از نماز بیا نزد من، من هم روز جمعه نزد حضرت وارد شدم، حضرت به مردی فرمود بنویس برای او (بسم الله الرحمن الرحيم این چیز است که املاء فرموده رسول خدا برای علی امیرالمؤمنین علیه السلام و به او سپرده از نام اصحاب قائم علیه السلام و عده دیگری که به آن حضرت ملحق می‌شوند از مفقودین از رختخوابشان و سیر کننده به سوی مکه در یک شب و این وقتی است که صدا را بشنوند در سال ظهور امر خداوندی را و ایشان نجباء و فقهاء و حکام هستند بر مردم.

مرابط سیاح<sup>(۱)</sup> (آن وقت عدد اصحاب را بیان می‌کند، ما برای آسان بدست آوردن هر شهری و اسماء آنچه ذکر شده بصورت جدولی درآوردیم ملاحظه فرمائید و معلوم باشد که در ملاحم سید در دو موضع اسم از اصحاب برده در ص ۱۴۶ و ص ۲۰۳ و در بعض موارد اسم افراد را ذکر فرموده و در بعضی موارد

(۱) در ملاحم ص ۲۰۶ در ذیل حدیث ابو بصیر از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند قصه مرابط و سیاح چیست؟ حضرت می‌فرماید آن مردی است از اهل اصفهان از ابناء دجالین است، برای او عسوده و چوب دستی می‌باشد که در آن هفت چیز موجود است و غیر خودش کسی نداند، از بلد خود خارج می‌شود و در بلاد سیر می‌کند و حق را طلب می‌نماید، پس ملحق نشود به مخالفی جز آنکه از او راحتی یابد، پس برود تا به طرابوزون که فاصله بین اسلام و روم است برسد و به مردی از نصاری برخورد کند، که دشمنی و بدگویی می‌کند امیرالمؤمنین علیه السلام را پس آنجا اقامت کند تا غضب یا هم او را برطرف سازد.

ذکر نکرده و در خطبه البيان بنقل الزام الناصب همه اصحاب را اسم برده و بعضی را در دلائل الامامه طبری مفصل تر اسم برده و علی کل حال اختلاف شدیدی در عدد افراد و اسم افراد و بلاد و قبیله ایشان هست با ملاحظه جدول انشاء الله روشن خواهد شد برای اهلش).

### اصحاب مهدی علیه السلام

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
آذربيجان	۳ نفر		حديقة الشيعة ص ۷۵۵
آمد	۱ نفر		ملاحم سيد ص ۱۴۷
آمل	۱ نفر		ملاحم سيد ص ۱۴۷
ابده	۱ نفر	يحيى	ملاحم سيد ص ۱۴۶
أبله (بصره)	۲ نفر	يحيى بن بدیل و حواشه بن الفضل	دلائل الامامه ص ۳۱۸
ابهر	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
احساء	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
ادنه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
اذرح <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
اردبيل	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
ارمنيه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
ارمنيه	۲ نفر	احمد و حسين	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
اسكندريه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
اسكندريه	۴ نفر	حسن و محسن و شيبيل و شيبان	الزام الناصب ص ۲۰۳

(۱) اذرح بلدی است در اطراف شام. (مرصد)



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
أسوان <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
أسوان (اسوار)	۱ نفر	حماد بن جمهور	دلایل الامامه ص ۳۱۸
اسوس	۲ نفر	شیبان و عبدالوهاب	الزام الناصب ج ۲ ص ۳۰۲
اصحاب كهف	۷ نفر	مكسلمینا و یاراناش	دلایل الامامه ص ۳۱۹
اصطخر	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
اصطخر	۲ نفر	متوكل بن عبدالله و هشام بن فاخر	دلایل الامامه ص ۳۱۹
اصفهان	۴ نفر	موسی و علی و عبدالله و غلفان	ملاحم ص ۱۴۶
اصفهان	۱ نفر	یونس	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
افرنج <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	علی و احمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
افرنجه <sup>(۳)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
افنون	۹ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
الومه <sup>(۴)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
انبار	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
انبار <sup>(۵)</sup>	۱ نفر	علوان	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
انطاکیه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
انطاکیه	۱ نفر	عبدالرحمن	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
أوال (بحرین)	۵ نفر	عامر و جعفر و نصیر و بکیر و لیث	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱

(۱) اسوان شهر بزرگیست در طرف شرقی نیل. (مراصد)

(۲) در نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۵ فرموده یعنی (فرانسه).

(۳) در مراصد گوید یعنی فرنگ.

(۴) در نوائب ج ۲ ص ۱۲۵ فرموده الومه شهریست از دیار هذیل کما فی المراصد ایضا.

(۵) انبار شهریست نزدیک بلخ و شهریست در غربی بغداد. (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
اوس <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
اهواز	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۶
اهواز	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
اهواز	۲ نفر	عیسی بن تمام و جعفر بن سعید	
		که کور بود بینا شد	دلایل الامامه ص ۳۱۹
ایله <sup>(۲)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
باب الابواب <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	جعفر بن عبدالرحمان	دلایل الامامه ص ۳۱۷
باب	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
باروذ <sup>(۴)</sup>	۹ نفر	زیاد بن عبدالرحمن بن جحدب، و عباس بن فضل بن قارب، و سحیق بن سلیمان الحناط، و علی بن خالد و سلم بن سلیم بن الفرات البزاز، و محمویة بن عبدالرحمن ابن علی، و جریر بن رستم بن سعد الکیسانی، و حرب بن صالح، و عماره بن معمر	دلایل الامامه ص ۳۱۴
باستان	۱ نفر	علی	ملاحم ص ۱۴۶
باغه <sup>(۵)</sup>	۱ نفر	شرحبیل السعدی	دلایل الامامه ص ۳۱۸
یافا		در (یافا) خواهد آمد	

(۱) اسم قبیله ایست .

(۲) شهر است در بحر قلزم از طرف شام . (مرصد)

(۳) شهر است در کنار دریای خزر . (مرصد)

(۴) شهر است در فلسطین . (مرصد)

(۵) شهر است در اندلس . (مرصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
بالس <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
بالس	۱ نفر	نصیر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
بالسین بالس (خ)	۱ نفر	همام بن فرات	دلائل الامامه ص ۳۱۸
بیدامیل	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
بتلیس (تلبیس)	۱ نفر	علی بن معاذ	دلائل الامامه ص ۳۱۸
بتلیس	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
بحرین	۵ نفر	تقدم فی اوال	
بَدْر <sup>(۲)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
بدلیس <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	ملاحم ص ۱۴۷	
بدو اعقیل <sup>(۴)</sup>	۳ نفر	منبه و ضابط و غریبان (عریان) (عزبان) نسخه	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۱
بدو اغیر	۱ نفر	عمر (عمرو) نسخه	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
بدو شیبیان	۱ نفر	نهراش	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
بدو قسین	۱ نفر	جابر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
بدو کلاب	۱ نفر	مطر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
بدو مصر	۲ نفر	عجلان و دراج	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
برجان من جموح <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷

(۱) بلده ایست در شام بین حلب و رقه. (مراصد)

(۲) آبی است مشهور بین مکه و مدینه که جنگ بدر هم آنجا بوده. (مراصد)

(۳) بلده ایست از نواحی ارمنیه. (مراصد)

(۴) در نوائب به معنای بادیه نشینان معنی کرده. و در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴ (بدو اعقل) ذکر کرده.

(۵) برجان بلدی است از نواحی جزر (خزر). (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
بردغه <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
برعه (بروعه) <sup>(۲)</sup>	۳ نفر	یوسف و داود و عبدالله	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
برقه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
برقه <sup>(۳)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
برقه (رقه)	۳ نفر	احمد بن سلیمان بن سلیم، و نوفل بن عمر، و اشعث بن مالک	دلایل الامامه ص ۳۱۷
برکری	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
بروجرد	۱ نفر	قدیم	ملاحم ص ۱۴۶
بروعه		تقدم فی برعه	
بصره	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
بصره	۲ نفر		ملاحم ۱۴۶
بصره	۲ نفر	علی و محارب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
بصره	۳ نفر	عبدالرحمن بن الاعطف بن سعد، و احمد بن ملیح، و حماد بن جابر	دلایل الامامه ص ۳۱۹
بعلبک	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
بعلبک	۱ نفر	منزل بن عمران	دلایل الامامه ص ۳۱۷
بغداد	۳ نفر	عبدالطلب، و احمد، و عبدالله	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۲
بغداد	۷ نفر		حدیقه الشیعه

(۱) در مراصد (بردغه) دارد و آن بلدی است در انتهای آذربایجان و بعضی گفته‌اند خود آذربایجان است و نام چند جای دیگر است.

(۲) در نوائب فرموده (برعه) در نزدیکیهای طائف است.

(۳) بلوکیست دارای شهرها و قریه‌ها بین اسکندریه و افریقا است. (مراصد)



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
بلخ	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷ و ۲۰۴
بلخ	۱ نفر	حسن	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
بلد <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	بور بن زائده بن ثوران (ثوران)	دلائل الامامه ص ۳۱۷
بلسان	۱ نفر	عبدالوارث	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
بلست <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	عبدالوارث	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۴
بلقاء <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	صادق	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
بلیس	۲ نفر	یونس بن الصقر و احمد بن مسلم بن سلم	دلائل الامامه ص ۳۱۸
بنو اسد	۲ نفر		حدیقه الشیعه ص ۷۵۵
بنو تمیم	۴ نفر		حدیقه الشیعه ص ۷۵۵
بنو حیه	۳ نفر		حدیقه الشیعه ص ۷۵۵
بنو عروه	۳ نفر		حدیقه الشیعه ص ۷۵۵
بوسنج <sup>(۴)</sup>	۴ نفر	طاهر بن عمرو بن طاهر المعروف بالأصلع، و طلحه السایح، والحسن بن الحسن بن مسمار، و عمرو بن هشام	دلائل الامامه ص ۳۱۵
بوشیخ <sup>(۵)</sup>	۴ نفر		ملاحم ۲۰۳
بیت المقدس	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۸

(۱) شهر کوچکی است بین بغداد و سامرا نزدیک حضرت سید محمد.

(۲) قریه ایست از قرای اسکندریه. (مرصد)

(۳) شهر است در اردن.

(۴) بوسنج از قرای ترمذ است. (مرصد)

(۵) بوشیخ شهرکی است در ده فرسخی هرات. (مرصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
بيت المقدس	٣ نفر	بشر، و داود، و عمران	الزام الناصب ج ٢ ص ٢٠٣
بيت المقدس	٣ نفر		حديقة الشيعة ص ٧٥٥
بيضاء <sup>(١)</sup>	٢ نفر	سعد، و سعيد	الزام الناصب ج ٢ ص ٢٠٣
تأليف	١ نفر	کردوس بن جابر (لاکردوس الخ نسخه)	دلائل الامامه ص ٣١٧
تبوك <sup>(٢)</sup>	١ نفر		ملاحم ص ١٤٧
تدمر	١ نفر		ملاحم ص ١٤٧
ترمز <sup>(٣)</sup>	٢ نفر		ملاحم ص ٢٠٢
تستر	١ نفر		ملاحم ص ١٤٦ و ص ٢٠٣
تستر	٢ نفر	احمد و هلال	الامام المهدي للقزويني ملاحم ص ٢٠٣
تفليس	١ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
تفليس	١ نفر	محمد	نواب الدهور ج ٢ ص ١٢٠
تفليس <sup>(٤)</sup>	٥ نفر	جحدر (جحدر) بن الزيت، و هاني العطاردى، و جواد بن بدر، و سليم بن وحيد، و الفضل بن عمير	دلائل الامامه ص ٣١٧
تلبيس (بتلبيس)	١ نفر	على بن معاذ	دلائل الامامه ص ٣١٨
تل شيزر	١ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
تل مورن <sup>(٥)</sup>	٢ نفر		ملاحم ص ٢٠٣

(١) بيضاء اسم چند شهر است در ايران و غير ايران.

(٢) تبوك قريه ايست بين وادى القرى و شام. (مراصد)

(٣) ترمذ و ترمذ و ترمذ. شهر يست مشهور مسلط بر جيحون است از طرف مشرقش. (مراصد)

(٤) تفليس شهر يست در ارمنيه. (مراصد)

(٥) در مراصد (تل موذن) داريم و آن شهر يست بين رأس العين و سروج.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
تمیم <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	ریان	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
تیس (بلیس)	۲ نفر	یونس بن الصقر، و احمد بن مسلم بن سلم	دلایل الامامه ص ۳۱۸
ثقب <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	هارون	نوائب ج ۲ ص ۱۱۶
جابر وان <sup>(۳)</sup>	۳ نفر	کردین حنیف، و عاصم بن خلیط الخیاط، و زیاد بن رزین	دلایل الامامه ص ۳۱۶
جار <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	حارث بن میمون	دلایل الامامه ص ۳۱۸
جامده <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
جبال الغور	۸ نفر	در غور خواهد آمد از غیر ملاحم	ملاحم ص ۲۰۲
جبل اللکام <sup>(۶)</sup>	۵ نفر	عبدالله، و عبیدالله، و قادم، و بحر، و طالوت	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
جدا	۱ نفر	ابراهیم	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
جده	۱ نفر	ابراهیم	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۸
جرجان	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
جرجان	۱۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
جرجان <sup>(۷)</sup>	۱۲ نفر	احمد بن هارون بن عبدالله، و وزارة	دلایل الامامه ص ۳۱۶

(۱) تمیم قبیله ایست.

(۲) قریه ایست از قراء یمامه. (مراسد)

(۳) شهر است در آذربایجان نزدیک تبریز. (مراسد)

(۴) جار شهر است در کنار دریای قلمز تا مدینه یک شب و یک روز راه است. (مراسد)

(۵) جامده شهر است در واسط در راه بصره. (مراسد)

(۶) جبل اللکام، کوهیست مشرف بر انطاکیه در لبنان. (م)

(۷) جرجان یعنی گرگان که بین طبرستان و خراسان است.

بن جعفر، و الحسین بن علی بن مطر و حمید بن نافع، و محمد بن خالد بن قره حوته (حوبه نسخه)، و علا ابن حمید بن جعفر بن حمید، و ابراهیم بن اسحاق ابن عمرو، و علی بن علقمة بن محمود، و سلمان بن یعقوب، و العریان بن الخفان الملقب بخال روت (بحال روت)، و شعبه بن علی، و موسی بن کردویه.	جزیره اوال جعاره <sup>(۱)</sup> جیزه (خیبر خ) حان حبش <sup>(۲)</sup> حبشه حجر <sup>(۳)</sup> حدیثه الموصل <sup>(۴)</sup> حران	۲ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۱ نفر ۶ نفر ۲ نفر ۶ نفر ۱ نفر	در اوال گذشت یحیی و احمد سلیمان بن داود کثیر ابراهیم، و عیسی، و محمد، و حمدان، و احمد، و سالم موسی، و عباس ملاحم ص ۱۴۷ ملاحم ص ۱۴۷ و ۲۰۳	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۸ دلائل الامامه ص ۳۱۸ ملاحم ص ۲۰۳ الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳ الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲ الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳ ملاحم ص ۱۴۷ ملاحم ص ۱۴۷ و ۲۰۳
--	---	--	--	--

(۱) شهریست از توابع نجف اشرف.

(۲) حبش از توابع بصره یا تکریت یا مصر است. (مراصد)

(۳) حجر اسم دیار ثمود است در وادی القری بین مدینه و شام. (مراصد)

(۴) حدیثه الموصل شهرکی است در کنار شرقی دجله و حد عراق است از طرف موصل. (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
حران <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	زکریا السعدی	دلایل الامامه ص ۳۱۷
حلب	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
حلب	۴ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
حلب	۲ نفر	صبیح ، و محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
حلب	۴ نفر	یونس بن یوسف ، و حمید بن قیس بن سحیم بن مدرک بن علی بن حرب بن صالح بن میمون ، و مهدی بن هند ابن عطارد ، و مسلم بن هوامرد ، (هوامرد نسخه)	دلایل الامامه ص ۳۱۷
حلوان <sup>(۲)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
حلوان (هلوان)	۲ نفر	ماهان (ماهاز) بن کثیر و ابراهیم بن محمد	دلایل الامامه ص ۳۱۹
حله	۲ نفر	محمد و علی	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
حمص	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
حمص <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	جعفر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
حمیر <sup>(۴)</sup>	۲ نفر	مالک و ناصر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
حمیم	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
حنانه <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷

(۱) حران اسم چند شهر و قریه است در حلب ، و غوطه دمشق ، و بحرین و دیار مضر . (مراسد)

(۲) حلوان شهریست در عراق و قریه ایست در مصر و شهرکی است در کوهستان نیشابور . (مراسد)

(۳) بلدیست مشهور بین دمشق و حلب . (مراسد)

(۴) قبیله ایست ساکن در یمن . (م)

(۵) ناحیه ایست در غرب موصل . (مراسد)



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
حیره	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
حیره <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	بکر بن عبدالله بن عبدالواحد	دلائل الامامه ص ۳۱۹
خراسان	۱ نفر	درید	ملاحم ص ۱۴۶
خرسان	۲ نفر	تکیه و مسنون	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
خرشان <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	تکیه و مسنون	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
خط <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	عزیز و مبارک	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
خلاط <sup>(۴)</sup>	۲ نفر	محمد و جعفر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
خلاط	۱ نفر	وهب بن خربند بن سروین	دلائل الامامه ص ۳۱۶
خمري <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
خونج (خونخ) <sup>(۶)</sup>	۲ نفر	محروز و نوح	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
خوی	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
خیبر	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
خیبر (جیزه خ)	۱ نفر	سیمان بن داود	دلائل الامامه ص ۳۱۸
دامغان	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
دستر <sup>(۷)</sup>	۲ نفر	احمد و هلال	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
دکار	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸

(۱) حیره شهر است در سه میلی کوفه از طرف نجف. (مراسد)

(۲) خرشان موضعیست. (مراسد)

(۳) خط زمینی است که قطیف و عقیر و قطر در آن واقع است. (مراسد)

(۴) خلاط قصبه ایست در ارمنیه وسطی. (مراسد)

(۵) در مراسد در حرف با (باخمرا) ذکر یافته موضعی است بین کوفه و واسط و به کوفه نزدیکتر است.

(۶) خونج قریه ایست میانه مراغبه و زنجان. (نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۸)

(۷) دستر احتمال دارد همان تستر باشد که گذشت.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
دمشق	۴ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
دمشق	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
دمشق	۲ نفر	داود و عبدالرحمن	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
دمشق	۳ نفر	نوح بن جویر (جریر) و شعیب بن موسی و حجر بن عبدالله الفزاری	دلائل الامامه ص ۳۱۷
دمیاط	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸ و ص ۲۰۳
دمیاط <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	علی بن زائده	دلائل الامامه ص ۳۱۸
دنیا	۱ نفر	شعیب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
دورق	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۶
دورق <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	عبدالغفور	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
دیار <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	شعیب	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
دیر	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
دینور <sup>(۴)</sup>	۲ نفر	عبدالله و عبدالصمد	ملاحم ص ۱۴۶
ذهاب <sup>(۵)</sup>	۱ نفر	حسین	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
رابعه	۲ نفر	عیاض بن عاصم بن سمره بن جحش و ملیح بن سعد (اسعد نسخه)	دلائل الامامه ص ۳۱۷
رافقه <sup>(۶)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳

(۱) دمیاط شهریست قدیمی بین تنیس و مصر. (مراسد)

(۲) بلدی است در خوزستان. (مراسد)

(۳) دیار در چند موضع است دیار بکر، دیار ربیع، دیار مضر. (مراسد)

(۴) دینور شهریست بین کرمانشاه و همدان و به کرمانشاه نزدیکتر است. (م)

(۵) ذهاب شهریست بین کرمانشاه و قصر شیرین. (م)

(۶) رافقه شهری بوده که متصل به رقه بوده در کنار فرات. (م)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
راس العین	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
ربذه	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
ربذه <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	حماد بن محمد بن نصیر	دلائل الامامه ص ۳۱۸
رقه <sup>(۲)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
رقه	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
رقه (برقه)	۳ نفر	احمد بن سلیمان بن سلیم، و نوفل بن عمر، و اشعث بن مالک	دلائل الامامه ص ۳۱۷
رمله	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
رمله <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	طلیق و موسی	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
رملیه	۲ نفر	طلیق و موسی	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
رها	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
رها <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	کامل بن عفیر	دلائل الامامه ص ۳۱۷
رهاط <sup>(۵)</sup>	۱ نفر	جعفر	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶
ری	۷ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
ری	۱ نفر	مجمع	الزام ج ۲ ص ۲۰۳
ری	۷ نفر	اسرائیل القطان، و علی بن جعفر بن حرزاد، و عثمان بن علی بن درخت و مسکان بن جبله (جیل) بن مقاتل	دلائل ص ۳۱۵

(۱) ربذه از دهات مدینه است که قبر ابوذر غفاری رضی الله عنه آنجا است. (م)

(۲) رقه شهر است در عراق. (م)

(۳) رمله شهر است در فلسطین. (مرصد)

(۴) رها شهر است در جزیره با حران شش فرسخ فاصله دارد. (مرصد)

(۵) رهاط در سه منزلی مکه است. (م)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
ریدار <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	وگردین بن شیبان، و حمدان بن کر، و سلیمان بن الدیلمی	دلائل الامامه ص ۳۱۸
زبید <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	طلحه بن سعید (سعد) بن بهرام	ملاحم ص ۱۴۸
زبیده	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
زناط	۱ نفر	جعفر	الزام ج ۲ ص ۲۰۱
زوراء	۳ نفر	عبدالمطلب، احمد و عبدالله	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
زوراء <sup>(۳)</sup>	۱۰ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
زین (زید) <sup>(۴)</sup>	۳ نفر	محمد، و حسن، و فهد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
ساده <sup>(۵)</sup>	۳ نفر	صلیب، و سعدان و شیبیب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
ساوه <sup>(۶)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سبزوار	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
سجارج <sup>(۷)</sup>	۲ نفر	ابان و علی	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
سجستان	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
سجستان	۳ نفر	خلیل بن نصر من اهل زنج، و ترک بن شبه، و ابراهیم بن علی	دلائل الامامه ص ۳۱۵

(۱) ریدار معلوم نیست کجا است ولی (ریدان) قلعه ایست در یمن. (مراصد)

(۲) زبید شهریست در یمن مشهور است. (م)

(۳) زوراء در اخبار هم بر بغداد اطلاق شده و هم بر طهران.

(۴) زین معلوم نیست ولی (زید) را گفته اسم جائی است در سوریا.

(۵) محلی است در یمامه. (مراصد)

(۶) ساوه شهریست بین ری و همدان. (مراصد)

(۷) دهی است از دهات نور، بیست فرسخی بخارا. (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
سحار <sup>(۱)</sup>	۲ نفر	ابان و علی	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
سرات	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سراف	۳ نفر	سلم الكوسج البزاز من سکنه باغ، و خالد بن سعید بن کریم الدهقان و کلیب الشاهد من دانشاه	دلایل الامامه ص ۳۱۴
سرخس	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سرخس	۲ نفر	ناجیه و حفص	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
سرخیس <sup>(۲)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سر من رأی	۲ نفر	مرائی و عامر	ملاحم ص ۲۰۲
سعداوه <sup>(۳)</sup>	۳ نفر	احمد و یحیی و فلاح	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
سلماس	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سلماس <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	هارون	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
سلمیه <sup>(۵)</sup>	۵ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
سمرقند	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سمرقند	۲ نفر	علی و مجاهد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
سمندر	۴ نفر		ملاحم ص ۲۰۳

(۱) سحار ممکن است همان (سجار) باشد که گذشت.

(۲) بعید نیست (سرخیس) و (سرخیس) همان سرخس باشد که در معجم البلدان یکی از شهرهای نواحی خراسان شمرده و اشتباه از ناحیه نساخ باشد. والله العالم.

(۳) در نوائب ج ۲ ص ۱۱۷ گوید: (سعداوه) نام قریه و محلی است در زمین حجاز.

(۴) سلماس شهریست معروف در آذربایجان. (مراصد)

(۵) سلمیه نزدیک مؤتفکه در شام است. (مراصد)



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
سمیاط (سمیاط) <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	موسی بن زرقان	دلائل الامامه ص ۱۱۷
سن <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	مقداد و هود	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶
سنجار <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
سنجار	۴ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
سنجار	۴ نفر	عبدالله بن زریق، و سمیم (سحیم) بن مطر، و هبة الله بن زریق بن صدقه، هبل بن کامل	دلائل الامامه ص ۳۱۷
سنجار	۲ نفر	ابان و علی	الامام المهدی للقزوینی
سند <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	عبدالرحمن	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
سند	۲ نفر	سیاب بن عباس بن محمد و نضر بن منصور يعرف بناقشت	دلائل الامامه ص ۳۱۶
سندرا	۴ نفر	خور بن طرخان، و سعید بن علی و شاه بن بزرج، و حرب بن جمیل	دلائل الامامه ص ۳۲۰
سوراء <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سوریه <sup>(۶)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷

(۱) سمیاط یا سمسیات هیچ یک در مراد ذکر نشده، بلی (سمیاط) را گفته شهرست در کنار فرات از طرف روم. پس بعید نیست سمیاط و سمسیات که نسخه بدل است هر دو اشتباه باشد و (سُمیاط) درست باشد که شهرست در شاطیء الفرات. والله العالم.

(۲) سن شهرست کنار دجله بالای تکریت. (مراد) و در الزام ج ۲ ص ۲۰۱ (سنن) ذکر شده.

(۳) سنجار شهرست معروف در نواحی جزیره سه روز راهست تا موصل. (مراد)

(۴) سند بلادی است بین هند و کرمان. (مراد)

(۵) سوراء بعضی گفته اند نزدیک بغداد است و بعضی گفته اند خود بغداد است. (مراد)

(۶) سوریه محلی است در شام و از اخبار فتوحات استفاده می شود اسم همه شام است. (مراد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
سوس <sup>(۱)</sup>	۲ نفر	شیبیان و عبدالوهاب	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
سوس الاقصی <sup>(۲)</sup>	۵ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
سهم <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	جعفر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
سیار <sup>(۴)</sup>	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
سیراف <sup>(۵)</sup>	۲ نفر	شداد و شدید	ملاحم ص ۱۴۶
سیراف	۴ نفر	خالد و مالک و حوقل و ابراهیم	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
سیراف (شیراز)	۱ نفر	حسین بن علوان	دلایل الامامه ص ۳۲۰
سیلان <sup>(۶)</sup>	۳ نفر	نوح و حسن و جعفر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
شاخ	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
شام	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
شام	۲ نفر	ابراهیم بن الصباح، و یوسف بن صریا (حربا)، پس یوسف عطار است از اهل دمشق، و ابراهیم قصاب است از قریه صدیقان	دلایل ص ۳۱۴
شام	۱ نفر	علقمه بن ابراهیم	دلایل الامامه ص ۳۱۹

(۱) سوس مغرب شوش است که در خوزستان است. (م)

(۲) سوس الاقصی جائیست در مغرب. (مراصد)

(۳) در نوائب ج ۲ ص ۱۲۲ فرموده سهم از قراء اندلس است.

(۴) سیار محل ریگزار است در نجد. (مراصد)

(۵) سیراف شهری بوده در کنار دریا که در ایام قدیم کشتیهای هند آنجا لنگر می کردند بعضی گفته اند تا

شیراز شصت فسخ است و از مراصد معلوم می شود که خراب شده.

(۶) سیلان جزیره بزرگیست که بعضی گفته اند هشتصد فرسخ دور اوست و سرانندیب آنجاست بین چین

و هند است. (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
شام	۱۲ نفر		حدیقة الشیعة ص ۷۵۵
شرخیس <sup>(۱)</sup>	۲ نفر	ناجیه و حفص	الزام ج ۲ ص ۲۰۲
شوبا	۱ نفر	عسیر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
شوبک <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	عمیر	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
شوری (شوی)	۱ نفر	لقیط بن فرات	دلایل الامامه ج ۲ ص ۳۱۶
شیراز	۱ نفر	عبدالوهاب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
شیراز	۳ نفر	حفص و یعقوب و علی	ملاحم ص ۱۴۷
شیراز (سیراف)	۱ نفر	حسین بن علوان	دلایل الامامه ص ۳۲۰
شیراز <sup>(۳)</sup>	۴ نفر	عبدالله و صالح و جعفر و ابراهیم	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶
شیران	۴ نفر	عبدالله و صالح و جعفر و ابراهیم	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
شیروان	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
شیزر <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	عبدالوهاب	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶
صامغان <sup>(۵)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
صانعان <sup>(۶)</sup>	۲ نفر	احمد بن عمر الخياط من سکنه بزيع و علی بن عبدالصمد التاجر من سکنه النجارين	دلایل الامامه ص ۳۱۴

(۱) شرخیس: ممکن است همان سرخس باشد که گذشت.

(۲) شوبک قلعه ایست در شام نزدیک کرک. (مراصد)

(۳) شیرازی که چهار نفر بنام عبدالله و صالح و جعفر و ابراهیم نام برده شده در دو نسخه الزام الناصب شیران است و ممکن است (شیران) در هر دو نسخه الزام غلط باشد و شیراز درست باشد.

(۴) شیزر شهریست در شام که نهر اردن از میان آن عبور می کند. (مراصد)

(۵) صامغان شهریست در حدود طبرستان. (مراصد)

(۶) در مراصد صانقان ذکر شده که از قراء مرو است ولی صانعان ذکرش نشده.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
صريح	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
صنعاء <sup>(۱)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
صنعاء	۲ نفر	فياض بن ضرار بن ثروان ، وميسرة ميسرة بن غندر بن المبارک (المبارکی)	دلایل الامامه ص ۳۱۸
سنعاء	۴ نفر	جبرئیل و حمزة و يحيى و سمیع	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
صور <sup>(۲)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
صيداء <sup>(۳)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
ضغار	۲ نفر	يحيى و احمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
ضيعة	۳ نفر	زيد و على و موسى و كذا فى نواب ج ۲ ص ۱۲۰	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
ضيف <sup>(۴)</sup>	۲ نفر	عالم و سهيل	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
طائف	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
طائف	۳ نفر	على و سبا و زكريا	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
طائف اليمن	۱ نفر	هلال	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
طالقان	۲۴ نفر		ملاحم ص ۱۴۷ و ص ۲۰۲
طالقان	۲۴ نفر	صالح ، جعفر ، يحيى ، هود ، فالح ، داود ، جميل ، فضيل ، عيسى ،	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲

(۱) صنعاء یکی در یمن است و آن بزرگ است و دیگری قریه ایست در غوطه (دمشق) (مرصد)

(۲) صور یکی از شهرهای لبنان است.

(۳) صیداء شهری است در کنار دریای شام در مشرق صور واقع شده. (مرصد)

(۴) در نواب ج ۲ ص ۱۱۹ فرموده: ورجلان من الضيف عالم و سهيل. و در صفحه ۱۲۲ سطر ۱۳

فرموده: و دو مرد از ضيق از دهات یمامه است عالم و سهيل پس متن عربی را ضيف نوشته و

ترجمه اش را ضيق نوشته لابد یکی اشتباه است. والله العالم.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
طالقان	۲۴ نفر	<p>جابر، خالد، علوان، عبدالله، ایوب، ملاعب، عمر، عبدالعزیز، لقمان، سعد، قبضه، مهاجر، عبدون، عبدالرحمن، علی</p> <p>المعروف بابن الرازی الجبلی<sup>(۱)</sup> و عبدالله بن عمیر، و ابراهیم بن عمر، وسهل بن رزق الله، و جبریل الحداد، و علی بن ابی علی الرواف، و عبادة بن مهور، و محمد بن جیهار، و زکریا بن حبه، و بهرام بن سرح، و جمیل بن عامر بن خالد، و خالد<sup>(۲)</sup> و کثیر مولى جریر، و عبدالله بن قرط بن سلام، و فزارة بن بهرام، و معاذ بن سالم بن جلید التمار، و حمید بن ابراهیم بن جمعة الغزال، و عقبة بن و فرابن الربیع، و حمزة بن العباس بن جناده من دار الرزق، و کائن بن حنید الصائغ، و علقمة بن مدرک، و مروان بن جمیل بن ورقا، و ظهور مولى زرارة بن ابراهیم، و جمهور</p>	دلائل الامامه ص ۳۱۴

(۱) کذا فی المخطوط .

(۲) ظاهر (و خالد) از زیادی نساخ باشد و الا عدد نفرات (۲۵) می شود . والله العالم .



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
الطاهي	٢ نفر	بن الحسين الزجاج، ورياش بن سعيد بن نعيم الجباب (الجباب) بن سعيد و صالح بن طيفور	دلائل الامامه ص ٣١٩
طبرستان	٤ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
طبرستان	٤ نفر	حرشام بن كردم، و بهرام بن علي، و عباس بن هاشم، و عبدالله بن يحيى	دلائل الامامه ص ٣١٥
طبريه <sup>(١)</sup>	١ نفر	فليح	الزام الناصب ج ٢ ص ٢٠٣
طبريه	١ نفر	معاذ بن معاذ	دلائل الامامه ص ٣١٧
طبريه	١ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
طرابلس	٢ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
طرطوس	٣ نفر		ملاحم ص ١٤٧
طنجه	١ نفر		ملاحم ص ١٤٧
طواس الشرقي	١ نفر		ملاحم ص ٢٠٢
طوس	٥ نفر		ملاحم ص ٢٠٢
طوس	٤ نفر	شهمرد (شهمرد) بن حمران، و موسى بن مهدي، و سليمان بن طليق ازواد، و واد جاي قبر رضا است و علي بن سندی صيرفي	دلائل الامامة ص ٣١٤
طي	١ نفر		ملاحم ص ٢٠٣

(١) طبريه شهر است در فلسطين.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
عاره <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	مالک	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
عامر	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
عانه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
عبادان	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
عبادان	۱۰ نفر	حمزه، و شیبان، و قاسم، و جعفر، و عمرو، و عامر، و عبدالمهیمن، و عبدالوارث، و محمد، و احمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
عدن	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
عدن	۲ نفر	عون و موسی	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
عرار	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
عرفات	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
عرفه	۱ نفر	فرخ	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
عسقلان	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
عسقلان <sup>(۲)</sup>	۵ نفر	محمد، یوسف، عمر، فهد، هارون	الزام ج ۲ ص ۲۰۳
عسکر مکرم	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۶
عسکر مرکرم <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	طیب و میمون	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
عقر <sup>(۴)</sup>	۱ نفر	احمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
عکا (عکه)	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۸

(۱) عاره احتمال دارد غلط باشد و صحیح (عماره) است چنانچه خواهد آمد.

(۲) عسقلان شهر است در فلسطین.

(۳) عسکر مکرم شهر است در خوزستان. (مراد)

(۴) عقر اسم چند مکان است قریه ایست نزدیک کربلا و قریه ایست بین واسط و بصره الخ. (مراد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
عکبرا <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		دلایل ص ۳۱۹
عکبرا	۱ نفر	زایده بن هبه	دلایل الامامه ص ۳۱۹
عکه (عکا) <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	مروان و سعد	نوائب ج ۲ ص ۱۲۰
علالی	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
عمارہ <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	مالک	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۸
عمان	۲ نفر	محمد و حسن	ملاحم ص ۱۴۶
عمان	۶ نفر	محمد، صالح، داود، هواشب، کوش یونس	نوائب ج ۲ ص ۱۱۸ سطر ۹
عنزه (عنیزه)	۱ نفر	عمیر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
غرر (غور) <sup>(۴)</sup>	۸ نفر	محج بن خربوذ، و شاهد بن بندار، و داود بن جریر، و خالد بن عیسی، و زیاد بن صالح، و موسی بن داود، و عرف الطویل، و یرکرد، (برکود)	دلایل الامامه ص ۳۱۵
غزه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
غور	۸ نفر	در غرر گذشت	
فاراب <sup>(۵)</sup>	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
فارس	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷ و ص ۲۰۳

(۱) عکبراده فرسخی بغداد است. (مراصد)

(۲) شهر یست در فلسطین. (م)

(۳) شهر یست در عراق. (م)

(۴) غرّ بین آن و بحرین دو روز راهست و غور اسم چند موضع است یکی بین بیت المقدس و دمشق

است. (م)

(۵) فاراب ولایتی است در ماوراء سیحون. (مراصد)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
فارقین	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
فاریاب (نغاریات)	۲ نفر	شاهویه بن حمزه، و علی بن کثوم من سکنه تدعی باب الجبل	دلایل الامامه ص ۳۱۴
فرغانه <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
فسطاط <sup>(۲)</sup>	۴ نفر		ملاحم ص ۱۴۸ و ۲۰۳
فسطاط	۴ نفر	احمد، عبدالله، یونس، طاهر (ظاهر)	الزام ج ۲ ص ۲۰۳
فسطاط	۴ نفر	نصر بن حواس، و علی بن موسی الفزاری، و ابراهیم بن صفیر، و یحیی بن نعیم	دلایل الامامه ص ۳۱۸
فلسطین	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
فلسطین	۱ نفر	سوید بن یحیی	دلایل الامامه ص ۳۱۷
قادیسیه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قادیسیه	۱ نفر	حصین	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
قاشان <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	عبدالله و عبیدالله	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
قالی قلا <sup>(۴)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
قبیج	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قبرص	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۸ و ۲۰۳
قراح <sup>(۵)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷

(۱) فرغانه در پنجاه فرسخی سمرقند است و بعضی گفته اند قریه است در فارس. (مراصد)

(۲) فسطاط جای خیمه های عمرو بن عاص است در مصر و قصه مشهوره ای دارد جای ذکرش نیست.

(۳) قاشان عربی کاشان است.

(۴) قالی قلا ترکیبش مثل (معدی کرب) است موضعی است در ارمنیه عظمی. (م)

(۵) قراح یعنی بستان اسم چند موضع است در بغداد.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
قرمیس <sup>(۱)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
قزوین	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قزوین	۸ نفر	هارون، عبدالله، جعفر، صالح، عمر، لیث، علی و محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
قسوان	۲ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
قصر	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قصور	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قطیف	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
قلزم <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	مرجئه (رحبه) بن عمرو و شبيب بن عبدالله	دلائل الامامه ص ۳۱۹
قلقیلا <sup>(۳)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
قم	۱ نفر	یعقوب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
قم	۱۰ نفر	اسمهای ایشان طبق اسمهای اهل بیت رسول خدا است.	ملاحم ص ۱۴۶
قم	۱۸ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
قم	۱۸ نفر	غسان بن محمد عتبان (غسان)، و علی بن احمد بن بقره (بره) بن نعیم بن یعقوب بن بلا، و عمران بن خالد بن کلیب، و سهل بن علی	دلائل ص ۳۱۶

(۱) قرمیس در اطراف کرمانشاه است.

(۲) قلزم شهر است کنار دریای یمن از طرف مصر. (مراسد)

(۳) ظاهراً همان (قالی قلا) است که گذشت.

ذکر مصدر	اسم افراد	عدد افراد	اسم البلاد
	<p>بن صاعد، و عبدالعظیم بن عبدالله بن  الشاه، و حسکه بن هاشم بن الدایه،  والاخوص بن محمد بن اسماعیل  بن نعیم بن طریف، و بلبل بن مالک  بن سعد بن طلحه بن جعفر بن احمد  بن جریر، و موسی بن عمران بن  لاحق، و عباس بن بقر (زفر) بن  سلیم، و حوید بن بشیر، و مروان  بن علابه بن جریر المعروف بابن  رأس الزق، و صقر بن اسحاق بن  ابراهیم، و کامل بن هشام.</p>		
	<p>مؤلف گوید این تعداد (۱۴) نفر بیش  نیست مگر گفته شود ممکن است در  بعض جاها (واو) عطف (بن شده) مثلا  (بلبل بن مالک و سعد بن طلحه)  بوده و او را (بن) خواندند و ممکن  است گفته شود نسخه ناقصی داشته  چنانچه نسخه مطبوع با خطی که در  کتابخانه آیه الله مرعشی موجود  است نواقص زیادی دارد و حال  آنکه خود نسخه خطی هم ناقص  است. والله العالم.</p>		



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
قندیل (قندایل) <sup>(١)</sup>	١ نفر	عمرو بن فروه	دلائل الامامہ ص ٣١٩
قورص <sup>(٢)</sup>	١ نفر		ملاحم ص ١٤٨
قوص <sup>(٣)</sup>	١ نفر		ملاحم ص ١٤٨
قومس <sup>(٤)</sup>	٢ نفر	محمود بن محمد بن ابی الشعب، و علی بن حمویہ بن صدقہ من قریة خرقان	دلائل الامامہ ص ٣١٦
قومس	٢ نفر	رباب بن الجلد (جلدود) و خلیل بن سید	دلائل الامامہ ص ٣١٨
قومیس <sup>(٥)</sup>	٢ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
قیروان	١ نفر		ملاحم ص ١٤٨
قیروان	٢ نفر		ملاحم ص ٢٠٣
قیروان	٢ نفر	علی بن موسی بن شیخ، و عنبره بن قرطه	دلائل الامامہ ص ٣١٨
قیموت <sup>(٦)</sup>	١ نفر		ملاحم ص ١٤٨
کازرون	١ نفر		ملاحم ص ١٤٧
کازرون	٣ نفر	عمر و معمر و یونس	الزام الناصب ج ٢ ص ٢٠٢

(١) در مراصد (قنداییل) داریم که شهریست در سند ولی قندیل و قندایل نداریم، والله العالم.  
(٢) قورس بسین شهریست در حوالی حلب فعلا خراب است. (مراصد) و قورص بصاد معلوم نیست کجاست.

(٣) قوص شهر بزرگیست در مصر. (مراصد)

(٤) قومس عربی کومس است بلوکیست در طبرستان. (مراصد)

(٥) قومیس شاید همان قومس باشد.

(٦) قیمون قلعه ایست نزدیک رمله فلسطین و اما قیמות معلوم نیست.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
کاشان		در قاشان گذشت	
کبش <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	فهد (محمد نسخه)	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
کراز	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
کربلا	۳ نفر	حسین و حسین و حسن	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
کرخ	۱ نفر	عبدالله	ملاحم ص ۱۴۶
کرخا بغداد	۱ نفر	قاسم	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
کرد	۱ نفر	عون	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
کرمان	۱ نفر	عبدالله	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
کوئی	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
کوئی ربا <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	حفص بن مروان	دلایل الامامه ص ۳۱۹
کوره <sup>(۳)</sup>	۱ نفر	ابراهیم	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
کوفه	۴ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
کوفه	۱۴ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
کوفه	۱۴ نفر	ربیعہ بن علی بن صالح، و تمیم بن الیاس بن اسد، و العضم بن عیسی و مطرف بن عمر الکندی، و هارون ابن صالح بن میثم (عثیم)، و وکایا بن سعد، و محمد بن روايه، و حرب بن عبدالله بن ساسان، و قودة الاعلم	دلایل الامامه ص ۳۱۸

(۱) کبش مزرعه ایست در بغداد معروف به خطاییه. (مرصد)

(۲) کوئی ربا در کوفه جای تولد حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام است. (م)

(۳) دهی است در لبنان. (م)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
کیدر	۲ نفر	و خالد بن عبدالقدوس، و ابراهیم بن مسعود بن عبدالحمید، و بکر بن خالد، و احمد بن ریحان ابن حارث و غوث (غرث) الاعرابی	ملاحم ص ۲۰۳
گرگان		در جرجان گذشت	
لنجویه <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	کوثر	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۸
لونجه	۱ نفر	کوثر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
لیان	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
مازن	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
مازن	۱ نفر	عبدالکریم بن غند (غندر)	دلایل الامامه ص ۳۱۸
مثقه	۱ نفر	هارون	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
محلہ	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
مدائن	۸ نفر	محمد، احمد، پسران منذر، و تیمور (میمون) بن حرث، و معاذ بن علی بن عامر بن عبدالرحمان بن معروف بن عبدالله، و حرسی بن سعید، و زهیر بن طلحه، و نصر، و منصور	دلایل الامامه ص ۳۱۹
مداغه (مراغه)	۱ نفر	صدقه	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
مدینه	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
مدینه	۱۰ نفر		ملاحم ص ۱۴۸

(۱) لنجویه جزیره ایست در افریقا. (م)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
مدینه	۱۰ نفر	علی، حمزه، جعفر، عباس، طاهر، حسن، حسین، قاسم، ابراهیم، محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
مدینه	۲ نفر	حمزه بن طاهر و شرحبیل بن جمیل	دلائل الامامه ص ۳۱۸
مراد	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
مراغه	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
مراغه	۱ نفر	صدقه	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
مرج (عرج)	۱ نفر	داود	ملاحم ص ۱۴۶
مرقون	۲ نفر	بشر و شعیب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
مرقیه <sup>(۱)</sup>	۲ نفر	بشر و شعیب	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
مرو	۱۰ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
مرو	۱۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
مرو	۱ نفر	حذیفه	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
مرو	۱۲ نفر	بندار بن خلیل عطار، و محمد بن عمر الصیدانی، و عریب بن عبدالله بن کامل، و مولی قحطب (قحطبه) و سعد الرومی، و صالح بن رحال، و معاذ بن هانی، و کردوس الازدی و دهیم بن جابر بن حمید، و طاشف بن علی قاجانی (فاجانی) و قرعان بن سوید، و جابر بن علی الاحمر، و خوشب بن جریر	دلائل الامامه ص ۳۱۴

(۱) قلعه ایست در ساحل حمص در سوریه. (م)

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
مروالروذ	۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
معاذه <sup>(۱)</sup>	۱۴ نفر	سوید، واحمد، ومحمد، وحسن، ويعقوب، وحسين، وعبدالله، و عبدالقديم، ونعيم، وعلي، وخيان (حيان)، وظاهر، وتغلب، وكثير	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
مغلثايا	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
مکه	۴ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
مکه	۴ نفر	عمرو، ابراهيم، محمد، عبدالله	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
ملزن (مازن) <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	عبدالکريم بن غند (غندر)	دلائل الامامه ص ۳۱۸
ممد (همد) <sup>(۳)</sup>	۲ نفر	علی، صالح	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
مملوکان	۲ نفر	عبد و ناصح	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
منارجرد <sup>(۴)</sup>	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
منصوریه	۲ نفر	عبدالرحمن و ملاعب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
موالی الانبياء	۴ نفر	صباح و صياح و ميمون و هود	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
موالی اهل البيت	۳ نفر	عبدالله و مخنف و براك	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
موصل	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
موصل	۱ نفر	سليمان بن صبيح من القرية الحديثه	دلائل الامامه ص ۳۱۷
موصل	۲ نفر	هارون و فهد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲

(۱) در بعض کتب (معاذه) است و آن محلی است نزدیک کوههای ادقیه بنی اقیشر یا قشیر. (مراصد)

(۲) ظاهرا ملزن درست نباشد (مازن) صحیح باشد که آبیست معروف کما فی المراسد.

(۳) ظاهرا هر دو غلط باشد (همدان) درست باشد چنانچه خواهد آمد.

(۴) در مراسد (منازجرد) ضبط کرده و آن شهر است مشهور و آن بین خلط و بلاذ و روم است از ارمنیه.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
موطه	۱ نفر	معشر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
موقان	۱ نفر	عبید بن محمد بن ماجور	دلایل الامامه ص ۳۱۶
مولیان (مولیار)	۱ نفر	حیدر بن ابراهیم	دلایل الامامه ص ۳۱۹
مهمه <sup>(۱)</sup>	۳ نفر	محمد و عمر و مالک	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
نجف	۲ نفر	محمد و جعفر	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۴
نسور	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
نصبین	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
نصبین	۲ نفر	احمد و علی	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
نصبین	۲ نفر	داود بن محق، و حامد صاحب البواری	دلایل الامامه ص ۳۱۷
نوبه	۲ نفر	واصل و فاضل	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
نهاوند	۱ نفر	عبدالرزاق	ملاحم ص ۱۴۶
نیزبان	۴ نفر		ملاحم ص ۲۰۲
نیسابور	۲ نفر	علی و مهاجر	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۹
نیسابور	۱۷ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
نیسابور	۱۸ نفر	سمعان بن فاخر، و ابو لبابه بن مدرک، و ابراهیم بن یوسف القصیر و مالک بن حرب بن سکین، و زرود بن سوکن، و یحیی بن خالد، و معاذ بن جبرئیل، و احمد بن عمر بن زفر و عیسی بن موسی السواق، و یزید	دلایل الامامه ص ۳۱۵

(۱) در بعض کتب (مهمه) ضبط شده و آن ولایتی است از اعمال زبید در یمن. (م)



اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
نیشابور		بن درست، و محمد بن حماد بن شیت و جعفر بن طرفان، و علان ماهویه، و ابومریم، و عمر بن عمیر بن مطرف، و بلیل بن ... و هایید بن هومردیار. مؤلف گوید این تعداد هم ناقصی دارد یا واو عطفی در بین افتاد یا نسخه ناقص است. والله العالم.	
نیل	۱ نفر	همان نیشابور است	ملاحم ص ۱۴۷
نیل	۱ نفر	شاکر بن عبده	دلایل الامامه ص ۳۱۹
وادی القری	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
وادی القری	۱ نفر	حر بن زبرقان	دلایل الامامه ص ۳۱۸
واسط	۳ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
واسط	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
واسط	۱ نفر	عقیل	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۲
وهان <sup>(۱)</sup>	۱ نفر	حسین	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
هَجَر	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
هَجَر <sup>(۲)</sup>	۲ نفر	موسی و عباس	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶
هَجَر	۱ نفر	عبدالقدوس	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱

(۱) وهان زاد قلعه سمیرم است از نواحی اصفهان. (معجم البلدان) مؤلف گوید چند فرسخی قمشه (شهر رضا) است.

(۲) هجر اسم است برای چند جا یکی قریه ایست در بحرین.

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
هرات	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۷
هرات	۱ نفر	نهروش	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۲۰
هرات	۱۲ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
هرات	۱۲ نفر	سعید بن عثمان الوراق، و ماسح (سحر) بن عبدالله ابن نبیل (نبیل) و المعروف بغلام (بغلام) الکندی، و سمعان القصاب، و هارون بن عمران، و صالح بن جریر، و المبارک بن معمر بن خالد، و عبد الاعلی بن ابراهیم بن عبده، و نزل بن حزم، و صالح بن نعیم، و ارم (آدم) بن علی، و خالد القوانس (القواس)	دلائل الامامه ص ۳۱۵
هراش	۱ نفر	نهروش	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
هلوان		در حلوان گذشت	
همد (همدان)	۲ نفر	علی و صالح	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
همدان	۳ نفر	جعفر، اسحاق، موسی	ملاحم ص ۱۴۶
همدان	۳ نفر		ملاحم ص ۲۰۳
همدان	۴ نفر	هارون بن عمران بن خالد، و طیفور بن محمد بن طیفور، و ابان بن محمد بن ضحاک، و عتاب بن مالک بن جمهور	دلائل الامامه ص ۳۱۵
هونین	۳ نفر	عبدالسلام و فارس و کلیب	نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۱۶

اسم البلاد	عدد افراد	اسم افراد	ذکر مصدر
هويقين <sup>(۱)</sup>	۳ نفر	عبدالسلام و فارس و كليب	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۱
يافا <sup>(۲)</sup>	۱ نفر	صالح بن هارون	دلائل الامامه ص ۳۱۸
يخشب	۱ نفر		ملاحم ص ۲۰۶
يلمورق	۲ نفر	باد صبا (صنا) بن سعد بن السحير (سحر) و احمد بن حميد بن سوار	دلائل الامامه ص ۳۱۷
يمامه	۱ نفر		ملاحم ص ۱۴۸
يمامه	۲ نفر	ظافر و جميل	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳
يمن	۱۴ نفر	جبير، و حويش، و مالك، و كعب، و احمد، و شيبان، و عامر، و عمار، و فهد، و عاصم، و حجرش، و كلثوم و جابر، و محمد	الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۳

ذکر تتمه حديث ابو بصير که در ملاحم ص ۲۴ بيان می کند که صدر حديث قبل از جدول ذکر شد و تتمه حديث این است که فرمود و از اصحاب كهف هفت نفر، و التاجران الخارجان من عانه الى انطاكيه<sup>(۳)</sup> و المستأمنه الى الروم احد

(۱) در بعض کتب (هونين) ضبط شده و آن شهر است در جبال عامله. (معجم)

(۲) يافا از شهرهای فلسطين است. (مراسد) و در بعض نسخ (يافا) آمده.

(۳) در ذیل حديث ابو بصير ص ۲۰۷ از ملاحم شرح می دهد (تاجران را) و می فرماید ایشان دو مرد هستند که یکی را سليم و دیگری را سلم می نامند، و برای ایشان غلامی است عجمی که او را مسلم می گویند، این با جماعتی از تجار قصد انطاكيه را دارند، وقتی که چند ميل به انطاكيه مانده صدائی را می شنوند پس بسوی صدا می روند مثل اینکه طلب نکرده اند جز آن را پس بسوی او می روند و از تجارت خود غافل می شوند. پس صبح رفقاء قافله داخل انطاكيه می شوند و ایشان را گم می کنند و

عشر رجلا<sup>(۱)</sup> و النازلون بسرانديب<sup>(۲)</sup> و المفقود من مركبه بسلاط رجل<sup>(۳)</sup> و من

❶ اثری از ایشان بدست نمی‌آورند بعضی از بعض دیگر سؤال می‌کنند که منازل ایشان را می‌شناسید می‌گویند بلی پس مال التجاره را می‌فروشند و جهش را برای اهلس می‌برند، پس از شش ماه می‌بینند با مقدمه لشکر حضرت قائم علیه السلام هستند.

(۱) مستأمنه را در ص ۲۰۷ ایضا شرح می‌دهند، می‌فرماید ایشان جماعتی هستند که از همسایه و اهل بیتشان و سلطان زمانشان اذیت دیده‌اند پس به روم پناهنده شده قصه خود را به پادشاه روم نقل می‌کنند پس ایشان را امان می‌دهند و زمینهای از قسطنطنیه به ایشان می‌دهند و ایشان آنجا هستند تا شبی که ایشان را سیر می‌دهند پس صبح همسایه‌ها و اهل زمین مجاورشان ایشان را مفقود می‌بینند، از اطراف و همسایه‌ها سؤال می‌کنند خبری از ایشان بدست نمی‌آید، به پادشاه خبر می‌دهند که ایشان گم شده و اثری از ایشان نیست. پس جاسوس می‌گذارد و راه‌ها را می‌بندد و در طلب ایشان کوشش می‌کند خبری بدست نمی‌آورد پس همه غمگین می‌شوند و شاه می‌گوید شما به ایشان امان دادید و برایشان تعدی نمودید، البته هرکس نزدیک ایشان بوده او را خواهم کشت تا وقتی یک خبر صحیحی از ایشان بیاورید پس اهل مملکت را بعضی محبوس و بعضی مقتول و بعضی معذب و بعضی مضروب داشت تا به پادشاه خبر راهبی را دادند که قرائت کتب نموده و گفته احدی در روی زمین نیست که از این کتب خبر و علمی داشته باشد جز مردی یهودی که در سرزمین بابل است، پس شاه امر به احضارش نمود و گفت می‌دانی که من در چه ناراحتی هستم تو هم که ادعا داری من کتب را خوانده‌ام پس اگر ایشان آن جماعت را کشته‌اند من ایشان را خواهم کشت اگرچه وزراء و مخصوصین من باشند.

راهب گفت ای پادشاه عجله مکن و ایشان را عذاب مده ایشان قاتل نیستند و ایشان هم نمرده‌اند و مکروهی هم به ایشان نرسیده بلکه ایشان از زمین پادشاه پریده‌اند به مکه برای ملاقات پادشاه اعظم که همه پیغمبران بشارت او را می‌دادند.

پادشاه گفت وای بر تو از کجا می‌گوئی و از کجا بدانم تو راست می‌گوئی؟

راهب گفت ای پادشاه من نمی‌گویم مگر حق و من از پانصد سال قبل چیزی به ارث برده‌ام که عالمی به عالم دیگر ارث داده.

پادشاه گفت اگر راست می‌گوئی بفرست کتاب را بیاورند پس موثقین را فرستاد کتاب را آوردند دیدند صفات حضرت حجت علیه السلام و اصحابش و اسم خودش و اسم رفیقش و محل خروجشان.

هرب من الشعب الى سندانية رجلا<sup>(۴)</sup> و المتخلي بسقلية<sup>(۵)</sup> والطواف لطلب

➔ پس راهب گفت ایشان بر بلاد تو غلبه پیدا کنند.

شاه گفت وای بر تو احدی همچو خبری به من نداده راهب گفت منم اگر از ترس کشته شدن یک دسته بی گناه نبود به تو خبر نمی دادم.

شاه گفت من او را خواهم دید گفت بلی به سال نرسد که لشکرش در وسط مملکت تو به دلالت رفقاء گم شده وارد شوند، شاه گفت بفرستم کسی را که خبر بیاورد و کنایی بنویسم بسوی او. راهب گفت (انت الذی یسلم الیه طلبه ولا بد ان تتبعه وتموت ویصلی علیک رجل من اصحابه) یعنی تو آنچه او طلب می کند به او تسلیم دهی و ناچار متابعت او نمائی و بمیری و یکی از اصحاب او بر تو نماز گزارد.

(۲) و در ملاحم ص ۲۰۸ شرح می دهد نازلین بسرندیب را که ایشان چهار مرد از اهل فارسند که تجارتشان را دور می گردانند تا از سرندیب و سمندار پنبه می گیرند ناگاه صدرا را می شنوند پس دنبال صدا می روند.

(۳) و اما المفقود الخ در ملاحم ص ۲۰۹ می فرماید مردی است از یهودیه اصفهان که از سلاط (اسم وادی است) خارج می شود و اراده دارد ایله (شهریست در ساحل پهلوی شام) برود همین طوریکه می رود در دریا در دل شب ندا داده می شود پس از مرکب خارج شده به زمین می رسد که سخت تر از آهن و نرم تر از حریر پس ندا می شود اهل مکه سوار شوید این صاحب شما است. پس این مرد صدا می زند بر من باکی نیست و جماعت همگی در مکه جمع هستند.

(۴) و اما الهاربان الخ در ملاحم ص ۲۰۶ می فرماید اینان دو نفر هستند که یکی کدر است و دیگری از اهل حبابا می روند بسوی مکه و همیشه در اینجا تجارت می کنند تا می بینند تجارتشان در قریه ای که آن را شعب می گویند بهتر است آنجا را انتخاب می کنند و مدتی آنجا مشغول هستند تا وقتی که اهل شعب ایشان را می شناسند بناء بر اذیت می گذارند، پس یکی به دیگری می گوید ما از وطن خود بواسطه اذیت مفارقت کردیم آمدیم مکه و از آنجا آمدین شعب و خیال کردیم اذیت ایشان کمتر از اذیت اهل مکه است حالا می بینیم اینجا هم اذیت می کشیم پس چه خوب است فرار کنیم به اطراف بلاد تا خداوند عدل بانمکش را برساند یا مرگی که ما را راحت کند، پس تهیه سفر می کنند و می روند به رقه و از آنجا به سندانیه و مدتی در اینجا هستند تا شبی که آنچه باید بشود می شود.

(۵) و اما المتخلي بقلبه (بسقلیه) در ملاحم ص ۲۰۶ می فرماید او مردیست از ابناء روم از قریه ای که آن

الحق من یخشب رجل<sup>(۱)</sup> و الهارب من عشیرته من بلخ رجل<sup>(۲)</sup>.  
و المجتبح بالکتاب من سرخس علی النصاب (شرح این جملات در پاورقی  
از خود حدیث بیان می شود)

پس اینها ۳۱۳ مردند که خداوند در یک شب ایشان را در مکه جمع خواهد  
کرد و آن شب جمعه خواهد بود پس صبح جمعه در مکه در مسجد الحرام جمع  
هستند و احدی از ایشان تخلف نخواهد کرد پس در کوچه های مکه برای جا و  
منزل گردش می کنند اهل مکه ایشان را شناسند پس بعضی به بعض دیگر  
بگویند امروز یک جماعت غریب دیده می شوند و از اهل یک بلده هم نیستند و  
اهل و عیال هم ندارند حیوان سواری هم ندارند.

ایشان در این گفتگو هستند که مردی از بنی مخزوم پیش می آید و می گوید  
دیشب خوابی دیده ام که خیلی عجیب است و از آن ترسانم، می گویند بیا تا  
برویم پیش فلانی ثقفی قصه را به او بگو وقتی که نزد ثقفی جمع می شوند مرد  
مخزومی می گوید خواب دیدم ابری از آسمان پاره شد و روی کعبه پخش شد و  
در آن ملخهای پردار و سبز بود که به اطراف عالم منتشر شدند و به هر بلدی  
رسیدند آتش زدند و به قلعه ای رسیدند آن را کوبیدند. ثقفی تعبیر کرد که در این

☞ راقونیه می گویند (از بزرگترین شهرهای روم است) و تسلیم گفتارش می باشد تا وقتی خداوند منت  
می گذارد و معرفت به او می دهد داخل سقلیه می شود و آنجا اقامت می کند و عبادت می نماید تا صدا  
را بشنود و اجابت کند. (یعنی صدای آسمانی را)

(۱) و اما الطواف لطلب الحق. در ملاحم ص ۲۰۶ می فرماید پس او مردیست از اهل یخشب که احادیث  
را نوشته و اختلاف را شناخته و همیشه در طلب علم بوده تا صاحب الامر علیه السلام را شناخته و همیشه به  
این حال بوده تا وقتی صاحبش بیاید.

(۲) و الهارب من عشیرته در ملاحم ص ۲۰۶ می فرماید آنکه فرار کرده از عشیره اش می رود اهواز و در  
بعض قراء اهواز اقامت می کند تا امر خدا برسد، و هر مخالفی را که ملاقات کند با او از روی کتاب  
خدا محاجه می کند و امر ما را ثابت می کند.

شب لشکری از لشکرهای خدا به شما وارد شده که طاقت مقاومت با ایشان را ندارید. پس از نزد او برخاسته و بفکر حمله افتادند ولی خداوند قلب ایشان را پر از ترس نموده بعضی با بعضی دیگر مشورت کردند یکی گفت عجله نکنید و حمله بر ایشان ننمائید هنوز که منکری از ایشان صادر نشده اظهار مخالفت نمودند اسلحه بیرون نکشیده‌اند شاید مردی از قبیله خودتان با ایشان باشد و اگر از ایشان چیز ناپسند دیدند آن وقت ایشان را بیرون کنید ولی ایشان مردمانی هستند عبات کن و با هیئت نیکو و در حرم خدا هستند که نمی‌شود ایشان را ترسانید مگر وقتی که خلافی انجام داده شود.

شخص مخزومی که خواب را دیده بود گفت من ایمن از ایشان نیستم می‌ترسم پشت سر ایشان ماده و دسته‌ای باشد که اگر به ایشان ملحق شوند کار مشکل می‌شود خوب است الان که کم هستند کارشان راساخت. و گمان نکنم تأویل خواب رفیقمان جز آنکه حق باشد. یکی گفت اگر دسته ایشان مثل ایشان بی سلاح باشند که کاری ندارد چون سلاح ندارند، و اگر لشکری آمد اینها مثل یک آب خوردن کارشان ساخته است.

در همین گفتگوها بودند که شب فراگرفت و ایشان را خواب ربود و دیگر جمع نشدند پس حضرت قیام فرمود و اصحابش را ملاقات فرمود مثل اینکه از یک پدر و مادر هستند صبح متفرق می‌شوند و شب جمع می‌گردند.

ابو بصیر گفت فدایت شوم غیر از ایشان مؤمنی نیست روی زمین فرمود چرا ولی ایشان عده‌ای هستند که حضرت در ایشان قیام می‌کند و ایشان نجباء و فقهاء و حکام و قضات هستند که پشت و روی ایشان را مسح فرموده هیچ امری مشکل بر شما نیاید.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۶ از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اصحاب طالوت مبتلی شدند به نهر آب که خداوند می‌فرماید زود است شما را مبتلا کنم



به نهر، و اصحاب قائم علیهم السلام هم به مثل این مبتلا خواهند شد.  
و ایضا در همان صفحه از امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید که اصحاب قائم  
جوانند کهول (یعنی ۳۵ تا پنجاه سالگی) ندارند مگر مثل سرمه در چشم یا  
نمک در آش و خوردنی.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۶ از امام صادق علیه السلام نقل کند که صاحب این امر  
اصحابش محفوظ است اگر تمام مردم بروند خداوند برای او اصحابش را  
می آورد الخ.

و در غیبت نعمانی ص ۲۰۰ در حدیثی حضرت صادق علیه السلام فرمود هرکس  
دوست دارد از اصحاب قائم ما باشد پس باید انتظار و عمل به ورع و محاسن  
اخلاق داشته باشد پس اگر این عمل را انجام داد و مرگ او را رسید پیش از  
آمدن حضرت، بوده باشد برای او مزد کسی که او را درک کرده باشد الحدیث.

### ﴿ اصفهان ﴾

در ملاحم ص ۱۴۶ می فرماید چهار نفر از اصفهان از یاران حضرت هستند  
بنام موسی و علی و عبدالله و غلفان.

و در ص ۲۰۳ می فرماید یک نفر بنام یونس.

و ایضا در ملاحم ص ۲۰۶ مرابط و سیاح را می فرماید مردیست از اصفهان  
از ابناء دجالین برای او عوده و چوب دستی است در او هفت چیز موجود است  
که غیر از او نمی داند از بلد خود خارج می شود و سیر در بلاد می کند و حق را  
طلب می نماید، پس ملحق نشود به مخالف جز آنکه از او راحتی یابد الخ.

و در ص ۲۰۹ المفقود من مرکبه را تفسیر می کند که مردی است از یهودیه  
اصفهان از سلاط (که اسم وادی است) خارج می شود و می خواهد ایله (که  
شهریست در حدود شام) برود همین طور که در دل شب در دریا سیر می کند ندا

کرده می شود از کشتی پیاده شده به زمینی می رسد که از آهن سخت تر باشد و از حریر نرم تر. پس ندا می شوند اهل مکه سوار شوید این صاحب شما است پس بر می گردد و آن مرد ندا می کند که بر من باکی نیست و جماعت همه مکه هستند و هیچ یک تخلف نمی کنند.

### ﴿ اصل ﴾

بنده سنگدل و بی اصل و نسب را. در آسیا حدیث ۱ گذشت.

### ﴿ اصهب ﴾

اصهب یعنی سرخ رو.

در بنی عباس حدیث ۱۷ اسمی از اصهب خواهد آمد.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲ در ذیل حدیثی امام باقر علیه السلام فرمود اول زمینی که خراب می شود شام است آن وقت سه پرچم اختلاف کنند پرچم اصهب و پرچم ابقع و سفیانی.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۶۹ حدیث ۱۶۰ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود ای برید پیرهیز جمع (در بعض کتب شر) اصهب را، گفتم اصهب چیست؟ فرمود ابقع، گفتم ابقع کدام است؟ فرمود ابرص، و پیرهیز سفیانی را، و پیرهیز دو فراری را از اولاد فلان که می آیند مکه و در آنجا اموال را تقسیم می کنند، و خود را شبیه قائم علیه السلام می سازند، و پیرهیز شذاذ آل محمد را (مراد زیدیه باشد) الخ. اختلاف سه پرچم در شام پرچم اصهب و ابقع و سفیانی (در شام خواهد آمد). اول زمین مغرب شام است آنجا بین سه پرچم اختلاف شود یکی اصهب الخ. در شام خواهد آمد.

در الامام المهدی از لوایح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۶ گفت اصهب از بلاد

جزیره خروج می‌کند. تا آنجا که گفت اول کسی که خروج می‌کند و بر بلاد غالب می‌شود اصهب است.

### ﴿ اطمینان ﴾

اطمینان به هرکس از عجز و ناتوانیست. در زمان حدیث ۸۴ خواهد آمد.

### ﴿ افریقیه ﴾

در البرهان ص ۱۴۹ از ابی‌قبیل روایت کند که در افریقیه امیری دوازده سال پادشاهی کند، و بعدش فتنه باشد، پس از آن مردی سبز رنگ پادشاهی کند و پر از عدل کند پس بسوی مهدی برود و حکومت را به او واگذار کند و دشمن را از او دفع کند.

### ﴿ افسر ﴾

افسر گسیخته شود. در فرج حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ اقرار ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که هرگز خداوند امتی را عذاب نکند مگر آنکه غدر کنند، سؤال شد غدرش کدام است؟ فرمود اقرار و اعتراف به گناه می‌کنند ولی توبه نمی‌کنند. الحدیث.

### ﴿ اقلیم ﴾

در کف دست خواهد آمد.

## ﴿الَاغ﴾

در شام حدیث ۶ و دجال حدیث ۲۴ و ۳۶ و ۳۸ و ۳۹ خواهد آمد.

## ﴿امانت﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۴ از ابن مسعود نقل می‌کند که اول چیزی که از دین شما گم می‌شود امانت است و آخر آن نماز. الحدیث.

## ﴿أَمْتٌ أَمْتٌ﴾

یعنی بمیر بمیر

در ملاحم ص ۶۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۷ فرمود شعار اصحاب مهدی عجل الله فرجه امت امت است.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۸ و ملاحم ص ۶۵ فرمود علامتشان امت امت است.

## ﴿أُمَّتٌ﴾

(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۰ از عوف بن مالک از رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم روایت کند که امت من هفتاد و چند فرقه شوند، و بزرگترین فرقه‌ها کسانی باشند که امور را برای خود قیاس کنند پس حرام را حلال کنند و حلال را حرام. (مثل طائفه حنفیه که تابع ابو حنیفه هستند)

(۲) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۹ دارد که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود همیشه امت من تظاهر برحق کنند تا وقتی که برپا شود ساعت ظهور.

(۳) ایضا در همان صفحه دارد که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود من از خدای خود سؤال کردم که امت مرا به گرانی مبتلا نکند، به من عطا فرمود، سؤال کردم که دشمن بر امت من مسلط نکند عطا فرمود، و سؤال کردم که خودشان را بهم

مبتلا نکند منعم کرد و قبول نفرمود، تا آنجا که فرمود من بر امتم نمی ترسم مگر از پیشوایان گمراه کننده، و ساعت ظهور برپا نشود تا آنکه ملحق شود قبائلی از امت من به مشرکین و تا اینکه قبایلی از امن من بت پرست شوند، و هر وقت شمشیر گذارده شود در امت من برداشته نشود تا روز قیامت.

(۴) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۹ در ذیل حدیثی است که فرمود از خداوند خود سؤال کردم برای امتم که به قحطی ایشان را هلاک نکند عطا فرمود، و درخواست نمودم که دشمن را بر ایشان مسلط نگرداند عطا فرمود، و درخواست نمودم که دشمن را بر ایشان مسلط نگرداند (و همدیگر را نکشند و اسیر نکنند) قبول نفرمود تا آنجا که فرمود زود است که سی نفر دروغگو خارج شوند و همه ایشان گمان کنند پیغمبرند و حال آنکه بعد از من پیغمبری نیست. ولکن همیشه در امت من طائفه هستند که برای حق تظاهر می کنند و می جنگند و خذلان کسی هم به ایشان ضرر نمی زند تا امر خدا برسد تا آخر خبر.

(۵) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود از خدای خود سؤال کردم که امت من را به غرق شدن هلاک نکند به من عطا فرمود و سؤال کردم که به قحطی هلاک نکند عطا فرمود و سؤال کردم که سختی و عذاب بین ایشان نباشد و خودشان به خودشان ظلم و ستم نکنند قبول نفرمود.

(۶) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ فرمود وقتی این امت حلال دانستند خمر را به نبیذ و ربا را به بیع و شراء، و رشوه را به هدیه، و با زکات تجارت کردند پس آن وقت وقت هلاکشان خواهد بود تا گناهشان زیاد شود.

(۷) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ فرمود هر وقت حلال دانست امت من پنج چیز را پس بر ایشان است هلاکت، وقتی لعن بر همدیگر ظاهر شود، و حریر بپوشند، و زنهای آوازه خوان بگیرند، و خمر یعنی شراب مست کننده بیاشامند، و مردها به مردها و زنهای اکتفاء کنند.

(۸) در مستدرک ج ۴ ص ۴۵۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که همیشه امت من در راه حق مقاتله کنند و بر دشمنان غلبه کنند تا اینکه مقاتله کند با آخر ایشان دجال.

(۹) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۸ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۴۹ از رسول خدا ﷺ روایت کنند که امت من امت مرحومه و رحم شده‌اند و عذابی در آخرت برای ایشان نیست. بلکه خداوند ایشان را در دنیا بواسطه زلزله و کشتار و فتنه عذاب می‌کند.

(۱۰) و در ص ۴۴۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) بر امت من مگر اینکه چند قبیله ایشان ملحق به مشرکین شوند، و چند قبیله بت پرست گردند.

(۱۱) در ملاحم سید ص ۷۰ باب ۱۴۹ در چند حدیث دارد که رسول خدا ﷺ فرمود امت من در زمان مهدی ﷺ چنان به نعمت برسند که هرگز همچو نعمتی ندیده باشند.

(۱۲) در ملاحم ص ۱۵۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بتحقیق رستگار خواهد شد امتی که من در اولش باشم و عیسی در آخرش الحدیث.

(۱۳) و در ص ۱۵۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر امت من آنچه بر بنی اسرائیل آمد بدون کم و زیاد و بنی اسرائیل هفتاد و دو فرقه شدند امت من هفتاد و سه فرقه می‌شوند یکی از آنها نجات دارد و مابقی هلاک خواهند شد. عرض شد آن ملت که نجات دارند کیانند فرمود آنهائیکه عملشان مثل عمل من و اصحاب من باشند.

(۱۴) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که هرگز خداوند امتی را عذاب نکند مگر وقتی که غدر کنند عرض شد غدرش کدام است؟ فرمود اقرار و اعتراف به گناه می‌کنند و توبه نکنند الحدیث.

(۱۵) و در ص ۵۱۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که جماعتی از این امت شب مشغول خوردن و آشامیدن و لهب و لعب هستند صبح که شد مسخ شده‌اند به خنزیر<sup>(۱)</sup> و یک جماعتی به زمین فرو می‌روند صبح که شد می‌گویند طائفه فلان دیشب به زمین فرو رفته‌اند و خانه فلان دیشب خسف شده‌اند و سنگباران می‌شوند چنانچه قوم لوط سنگباران شدند و باد عقیم می‌وزد و آنها را از بین می‌برد چنانچه قبل از ایشان را از بین برد، بواسطه شرب خمر و رباخواری و پوشیدن حریر و گرفتن زنان رقاصه و مغنیه و قطع رحم کردن.

(۱۶) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۶ در چند حدیث دارد که فرمود در امت من فرو رفتن به زمین و مسخ شدن و سنگباران شدن خواهد بود.

(۱۷) در حدیث دیگر فرمود بیتوته کنند جماتی از امت من بر اکل و لهو و لعب پس صبح کنند در حالیکه بوزینه و خنزیر شده باشند.

(۱۸) و در ص ۲۷۷ دارد که فرمود در آخر این امت فرو رفتن به زمین و مسخ شدن و سنگباران شدن خواهد بود گفته شد یا رسول الله آیا ما هلاک می‌شویم و حال آنکه در بین ماها اشخاص صالح موجودند؟ فرمود بلی وقتی بدی زیاد شد.

(۱۹) و در ص ۲۷۸ فرمود در امت من لرزه‌ای افتد که هلاک شوند ده هزار، بیست هزار، سی هزار (این بلاء را خداوند قرار داده) برای متقین موعظه و برای مؤمنین رحمت و برای کافرین عذاب.

(۲۰) و در ص ۲۱۹ دارد که فرمود ای کاش می‌دانستم چگونه است امت من بعد از من وقتی که مرده‌هایشان با تکبر قدم زنند و زنهاشان شادمان و روغن مالیده بیرون شوند. الخ.

(۲۱) و در ص ۲۶۶ فرمود هلاک نشود امتی که من در اولش باشم و عیسی

(۱) تا اینجا حدیث در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۶ موجود است.



در آخرش و مهدی در وسطش.

(۲۲) و در ص ۲۶۹ فرمود چگونه هلاک می شود امتی که من در اولش و عیسی در آخرش و مهدی در آخرش باشد.

(۲۳) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۵ و در کنز العمال ص ۲۴۷ رسول خدا ﷺ فرمود نازل بشود به امت من در آخر الزمان بلاء سختی از پادشاهانشان که نشنیده باشند بلائی سخت تر از آن حتی زمین با آن فراخی تنگ شود بر ایشان و حتی زمین پر از جور و ظلم شود، بطوریکه مؤمن پناهی که پناهنده آن شود پیدا نکند آن وقت خداوند بفرستد مردی از عترت من پس پر سازد زمین را از عدل چنانچه پر شده بود از ستم راضی شود از او ساکنین آسمان و زمین و ذخیره نکند زمین بذر خود را و نه آسمان باران رحمت را بلکه هرچه در جوف آنها است بریزند، زندگانی کند در ایشان هفت یا هشت یا نه سال، زندگان آرزو کنند مردگان را که ایشان ملاحظه کنند آنچه را خداوند برای اهل زمین فرو فرستاده از خیر و برکاتش.

(۲۴) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۳۳۵ از عروه روایت کند که بهترین این امت اول و آخرش می باشد، در اول ایشان رسول خدا است و در آخر ایشان عیسی بن مریم و بین این دو راهبانیست کج نه تو از ایشانی و نه ایشان از تو.

(۲۵) در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۳ و چهره درخشان ج ۳ ص ۱۶۱ در ذیل خطبه البیان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ای مردم شنیدم از برادرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که می فرمود جمع می شود در امت من صد خصلت، که در غیر ایشان جمع نشود تا آنجا که فرمود من به شما خبر می دهم آنچه را که پس از مرگ من جاری می شود و آنچه را تا خروج حضرت صاحب زمان قائم به امر از نسل امام حسین علیه السلام واقع می گردد، و چیزهایی را که در آخر زمان واقع می شود، تا شما بر حقیقت بیان مطلع و آگاه شوید، پس عرض کردند چه وقت اینها خواهد

شد ای امیر مؤمنان؟ حضرت فرمود زمانی که مرگ بر فقهاء واقع شود، و امت محمد مصطفی نماز را ضایع کنند، و متابعت شهوات کنند، و کم شود امانت داری، و زیاد شود خیانت، و قهوه‌ها آشامیده شود (یعنی خمر) و فحش به پدران و مادران شعار شود، و نماز از مسجدها برداشته شود بواسطه خصومتها، و مسجدها را محل طعام خوردن قرار دهند، و گناه زیاد شود، و حسنات کم شود، و آسمانها فشرده شود (یعنی بارانش را بریزد) (چند روز قبل یک نفر از بوشهر نقل می‌کرد که بارانی که باید یکسال بیاید در یک شب آمد لذا سیل خرابی بسیار نمود که کم نظیر بوده) پس در این زمان یکسال مانند یک ماه و یک ماه مانند یک هفته، و یک هفته مانند یک روز، و یک روز مانند یکساعت می‌شود، باران گرم بیارد، و بچه موجب نقص شود<sup>(۱)</sup> (یا موجب خشم گردد) و بوده باشد برای مردمان آن زمان صورتهای نیکو و باطنهای پست هرکس ایشان را ببیند بعجب آید، و هرکس با ایشان معامله کند ظلم و ستمش نمایند، صورت ایشان صورت آدمیان و دل‌های ایشان دل‌های شیاطین است، پس ایشان تلختر از صبر (شیره درختی است) و گندیده‌تر از مردار باشند و نجستر از سگ و فریبتنده‌تر از روباه باشند و باطمع‌تر از اشعب<sup>(۲)</sup> باشند، و از جرب (گری) چسبنده‌تر باشند، از منکراتی که عمل می‌کنند باز نمی‌ایستند، اگر سخنی به ایشان بگوئی تکذیب کند، و اگر امینشان دانی خیانت کنند، و اگر از ایشان روگردان شوی غیبت کنند، و اگر مالدار باشی حسد ورزند، و اگر از ایشان بخل کنی دشمنت شوند، و اگر پستشان دانی فحش می‌دهند، گوش دهنده به دروغ و بسیار خورنده حرامند، زنا و شرب خمر و گفتار باطل و طرب و غنا را حلال دانند، شخص فقیر بین ایشان خوار و کوچک است، و مؤمن نزد ایشان

(۱) لفظ حدیث (یکون المطر قیظا والولد غیضا)، و در نهاییه ابن اثیر گوید (الولد غیظا).

(۲) گویند لقب مردی بوده پرطمع.

ضعیف و کوچک است، عالم نزد ایشان پست است، فاسق نزد ایشان مکرم و محترم است و ستمکار نزد ایشان معظم و بزرگ است و ضعیف نزد ایشان بمنزله مرده است، شخص قوی نزد ایشان مالک و اختیاردار است، (تا آخر که در (زمان) حدیث ۵۵ خواهد آمد).

(۲۶) در بحار ج ۱۸ ص ۱۴۵ از امام صادق علیه السلام از آباء گرامش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود وقتی امت من با تبختر و دستهای کشیده راه رفت و فارس و روم خدمتگزار ایشان شد، آن وقت جنگ ایشان بین خودشان واقع خواهد شد.

(۲۷) در بحار ج ۱۸ ص ۱۴۶ و کافی ج ۲ ص ۲۹۶ از امام صادق علیه السلام از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود زود است بیاید بر امت من زمانیکه بد شود در آن باطنشان و نیکو شود ظاهرشان، برای طمعی که به دنیا دارند و نخواسته باشند به ظاهر سازیشان آنچه را نزد خدا است، کارهایشان ریائی باشد و ترسی به ایشان راه نداشته باشد، آن وقت خداوند بلائی عمومی شامل حال ایشان کند پس مثل غرق شده دعا کنند و به اجابت نرسد.

زود است بیاید بر امت من زمانیکه باقی نماند از قرآن مگر رسمش الخ. در قرآن حدیث ۲۴ خواهد آمد.

(۲۸) در الامام المهدی ج ۱ ص ۹۳ از مصابیح السنه بغوی ص ۱۹۳ نقل کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وقتی امت من پانزده خصلت را انجام دادند بلا بر ایشان نازل شود و شمرد این خصلتها را و ذکر نکرد یاد بگیرد برای غیر دین و گفت نیکوئی کند به رفیقش و به پدرش جفا کند، و گفت و خمر خورده شود و حریر پوشیده شود.

چرا این امت شبیه به خنازیر انکار این امر می کنند الخ. در صاحب الامر حدیث ۴ خواهد آمد.

چرا این امت ملعونه انکار می‌کنند الخ. در صاحب الامر حدیث ۴ خواهد آمد.

(۲۹) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۷ و ص ۵۱۱ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود زود است که مردمی از امت من از طرف مشرق خروج کنند و قرآن بخوانند ولی از حنجرشان تجاوز نکند (صرف خواندن باشد عمل به آن نکنند) هر رئیسی از ایشان خروج کند از بین برود تا وقتی که دجال در بقیه ایشان خروج کند.

### ﴿ امتحان ﴾

(۱) در کافی ج ۱ ص ۳۶۹ و غیبت نعمانی ص ۲۰۱ از حضرت صادق ﷺ روایت کنند که چون با امیرالمؤمنین ﷺ بعد از کشته شدن عثمان بیعت شد حضرت بالای منبر رفته خطبه خواندند و در آن فرمودند آگاه باشید که اختبار و ابتلاء شما عود کرد مثل روزی که پیغمبر مبعوث شد، قسم به آن کسی که او را فرستاد بحق، هر آینه شما را به هم و گرفتاری مبتلا کند و غربال نماید بطوری که بالای شما به زیر و پائین شما بالا رود (تا آنجا که فرمود) والله من کتمان نکردم علامت یا کلمه‌ای را و هیچ وقت دروغ نگفتم، و من خبر داده شده بودم به این مقام و به این روز.

(۲) و در کافی ج ۱ ص ۳۷۰ و غیبت نعمانی ص ۲۰۲ معمر بن خلاد از امام هشتم روایت کند که فرمود آیا مردم گمان می‌کنند و گذاشته می‌شوند بمجرد اینکه بگویند ما ایمان آوردیم و امتحان نمی‌شوند؟ (یعنی مسلماً امتحان خواهند شد)

پس حضرت به من فرمود مراد از فتنه و امتحان چیست؟ عرض کردم آنکه پیش ما است یعنی امتحان در دین است. فرمود امتحان و آزمایش شوند

چنانچه طلا آزمایش شود و فرمود خالص گردند چنانچه طلا (رازرگر) خالص کند.

(۳) و در کافی ج ۱ ص ۳۷۰ و غیبت نعمانی ص ۲۰۲ از حضرت صادق و امام باقر علیهما السلام روایت کند که فرمود این حدیث شما را قلوب مردم ناخوش دارند و نفرت جویند، پس هرکس پذیرفت و اقرار به آن نمود بیشتر به او بگوئید و اگر انکار نمود، او را واگذارید، بدرستی که ناچار باید امتحانی پیش آید که همه خاصان و دوستان سقوط کنند، بلکه سقوط کند کسی که (از زیرکی) یک مو را دوتا می کرد تا نماند مگر ما و شیعیان ما. (یعنی هرکس هرچه دانا و زیرک باشد وقتی که فتنه و امتحان سخت گشت از بین می رود و خود را نمی تواند نگاه دارد مگر شیعه خالص صد در صد آنهم جایش خالی است.)

(۴) در غیبت نعمانی ص ۲۰۳ روایت کند که روزی بعضی اصحاب داخل بر حضرت صادق علیه السلام شد و عرض کرد فدایت شوم من تو را دوست می دارم و دوست دارم هر که شما را دوست دارد، ای آقای من چقدر شیعیان شما زیادند. حضرت فرمود: یادآور ایشان را عرض کرد زیاد هستند حضرت فرمود: بشمار ایشان را عرض کرد بیش از اینها است. پس حضرت فرمود هر وقت عده ۳۱۳ نفر کامل شدند شما به مقصود می رسید، و لکن شیعه های ما کسی است که صدایش از گوشش تجاوز نکند، و حقد و حسدش از خودش تجاوز نماید، و ما را علنی مدح نکند، و با دشمن ما نزاع نکند، و با کسی که عیبجوئی ما می کند ننشیند، و با دشمن ما محادثه نکند و حدیث نگوید، و دشمن ما را دوست نداشته باشد، و دوست ما را دشمن نداند.

راوی عرض کرد پس ما چه کنیم با این شیعه مختلف که می گویند ما شیعه هستیم، پس حضرت فرمود در ایشان امتحان و آزمایش خواهد بود، و در ایشان تبدیل خواهد شد، سالهای گرانی بر ایشان وارد خواهد شد که ایشان را

فانی سازد و شمشیر ایشان را خواهد کشت و اختلاف ایشان را هلاک خواهد نمود. بدرستی که شیعیان ما کسی است که صدا نکند مثل صدای سگ، و طمع نداشته باشد مثل طمع کلاغ، و از مردم سؤال بکف نکند اگرچه از گرسنگی بمیرد، عرض کردم فدایت شوم اینها را از کجا پیدا کنم؟ فرمود در اطراف زمین پیدا کن، ایشانند که سهل المؤمنه هستند و عیش با آرامش دارند، و خانه بدوش هستند، اگر حاضر باشند کسی ایشان را نشناسد و اگر غائب و مخفی باشند کسی از ایشان تفقد نکند و اگر مریض گردند کسی به عیادت ایشان نرود، و اگر از کسی دختر خواستگاری کنند به ایشان زن ندهند، و اگر بمیرند تشییع ایشان نکنند، ایشانند که در اموالشان مواسات می کنند و در قبرشان همدیگر را زیارت می کنند و هوای مختلف ندارند، اگرچه شهرهاشان مختلف باشد.

(۵) در غیبت نعمانی ص ۲۰۴ و کافی ج ۱ ص ۳۷۰ حضرت صادق علیه السلام فرمود با قائم از عرب بسیار کم هستند، گفته شد کسانی که ادعای تشیع می کنند زیادند، فرمود باید مردم آزمایش بشوند و تمیز داده شوند، و غربال بشوند و از غربال هم بسیاری خارج شوند.

(۶) و در غیبت نعمانی ص ۲۰۵ از حضرت امام حسین یا امام حسن علیهما السلام روایت کند که فرمود این امری که شما انتظارش دارید نخواهد شد تا اینکه بعضی شما از بعضی دیگر تبری جویند و در صورت هم تف و آب دهن اندازند، و بعض شماها در حق بعض دیگر شهادت به کفر بدهند و همدیگر را لعن کنند. راوی عرض کرد خیری در آن زمان نیست حضرت امام حسین علیه السلام فرمود همه خیرها در همان زمان است قائم ما برخیزد و همه اختلافات را برطرف سازد.

(۷) در کافی ج ۱ ص ۳۷۰ حضرت صادق علیه السلام فرمود ای منصور این امر نخواهد آمد شما را مگر بعد از یأس نه بخدا تا اینکه تمیز داده شوید، نه بخدا تا

اینکه آزمایش شوید، نه بخدا تا وقتی هرکس بخواهد شقی و بدبخت شود و هرکس بخواهد سعید و خوشبخت گردد.

(۸) در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که این امر نخواهد آمد تا وقتی آب دهن بیندازد بعضی شما در صورت بعضی دیگر و تا اینکه لعن کند بعضی شما بعضی دیگر را، و تا وقتی که نام گذارید بعضی شما بعضی دیگر را دروغ گو.

(۹) و در کافی ج ۱ ص ۳۷۰ حضرت صادق علیه السلام به اصحابش فرمود هیئات هیئات یعنی دور است دور است نه بخدا آنچه را چشم به او دوخته‌اید نخواهد شد مگر وقتی که غربال شوید، نه بخدا مگر وقتی که امتحان شوید نه بخدا مگر وقتی که تمیز داده شوید، نه بخدا مگر وقتی که ناامید باشید، نه بخدا مگر وقتی که شقی و بدبخت بشود کسی که بدبخت است و سعید و رستگار گردد کسی که خوشبخت است.

(۱۰) در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ حضرت باقر علیه السلام فرمود باید امتحان شوید ای شیعه آل محمد مثل سرمه در چشم چون صاحب چشم می‌داند کسی سرمه به چشم کشیده ولی نمی‌داند کی سرمه از چشمش رفته و همچنین صبح می‌کند مردی بر شریعت و دین ما و شب می‌کند و حال آنکه از دین خارج شده و شب می‌شود بر شریعت ماست صبح می‌کند از دین خارج گشته.

(۱۱) در غیبت نعمانی ص ۲۰۷ حضرت صادق علیه السلام فرمود البته البته باید شکسته شوید شکستن شیشه ولی شیشه شکسته ممکن است آبش کنند و به حالت خود برگردد ولی شما شکسته شوید مثل شکستن کوزه که به حالت خود بر نمی‌گردد والله باید غربال شوید، والله باید تمیز داده شوید والله باید امتحان شوید و خالص گردید، حتی نماند از شما (در دین) مگر خیلی کم و حضرت



دستش را وارو نمود (کنایه از اینکه چیزی نمی ماند نعوذ بالله از امتحانات آخر الزمان)

(۱۲) و در غیبت نعمانی ص ۲۱۱ دارد که امام باقر علیه السلام فرمود مثل شیعیان ما مثل خرمن طعام است که حیوان خورنده‌ای در آن بیفتد پس پاک کنند دوباره بیفتد باز پاک کنند تا اینکه بماند در آن چیزی که دیگر حیوان خورنده ضرر به آن نرساند همچنین شیعیان ما باید تمیز داده شوند باید امتحان کرده شوند تا باقی نماند از ایشان مگر کسی که فتنه به او ضرر نرساند.

(۱۳) ایضا در ص ۲۱۱ امام صادق علیه السلام فرمود مؤمنین مبتلا خواهند شد پس خدا پیش خودش ایشان را تمیز خواهد داد. خداوند مؤمنین را ایمن نکرده از بلاء دنیا و تلخیش، بلی ایمن کرده ایشان را از کوری و بدبختی آخرت الخ.

(۱۴) در روضه کافی حدیث ۲۱ روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ای خواند پس حمد خدائی را نمود سپس صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستاد، سپس فرمود چیزی که بیشتر بر شما می ترسم دو خصلت است یکی متابعت هوا و دیگر آرزوی دراز، اما متابعت کردن هوا پس از حق باز دارد، و اما آرزوی دراز آخرت را از یاد انسان می برد، آگاه باشید دنیا بار خود را بسته و پشت کرده می رود و اما آخرت دارد جلو می آید، و برای دنیا و آخرت هر کدامی اولادی هست پس شما از اولاد آخرت باشید، و از اولاد دنیا نباشید، چون امروز روز عمل است و حسابی در کار نیست ولی فردای (قیامت) حساب است عمل در آن نیست.

و بدرستیکه ابتداء واقع شدن فتنه‌ها از پیروی هوای نفس و حکمهای مخالف شرع و خدا است، و در آن فتنه‌ها پیروی کنند مردانی، مردانی را و آگاه باشید اگر حق خالص بود اختلافی نبود، و اگر باطل خالص بود ترسی برای

صاحب عقلی نبود، ولکن پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل را گرفته باهم مخلوط می‌کنند، آن وقت شیطان بر دوستانش غلبه پیدا می‌کند، (مردم را گمراه می‌کند، دشمن نود و نه حرف حق می‌زند یک حرف باطل آن وقت امر بر اکثر مردم مشتبه می‌شود) و نجات مال کسانی می‌شود که رحمت خدا بر ایشان سبقت گرفته باشد.

بدرستی که شنیدم از رسول خدا ﷺ که می‌فرمود چه شود شما را وقتی که فتنه‌ای به شما برسد که کوچک در آن تربیت شود و بزرگ در آن پیر گردد، و مردم چنان در آن سیر کنند که آن را سنت گیرند بطوریکه اگر چیزی از آن تغییر کند گفته شود سنت تغییر کرد، و بدرستی که مردم منکر بجا آورند و بلاء سخت شود و ذریه اسیر گردد، و چنان فتنه مردم را بسوزاند که آتش هیزم را می‌سوزاند، و چنان نرمشان کند که آسیا (گندم یا جو را نرم می‌کند) آن وقت علم فقه بیاموزند برای غیر خدا و علم را یاد بگیرند برای غیر عمل، و دنیا را به اسباب آخرت طلب کنند، پس متوجه مردم شد در حالیکه مردان از اهل بیتش و خواصش و شیعیانش در اطراف او بودند. پس فرمود حکومت‌های قبل از من عملی انجام دادند که مخالفت کردند رسول خدا ﷺ را از روی عمد و عهدش را شکستند و سنتش را تغییر دادند بطوریکه اگر وادار کنم مردم را بر ترک آن و کارها را روی موازین خود بدارم چنانچه در زمان رسول الله ﷺ بود هر آینه لشکر من از دور من متفرق می‌شوند بطوریکه تنها می‌مانم، یا اندکی از شیعیانم که فضل مرا شناخته و امامت مرا واجب می‌دانند، از روی کتاب خدا و سنت رسول الله ﷺ آیا اگر می‌دیدید که من امر می‌کردم مقام ابراهیم علیه السلام را به آنجایی برگردانند که رسول خدا ﷺ گذاشته بود (و عمر جا بجا کرده) و می‌دیدید که فدک را رد می‌کردم به ورثه فاطمه علیها السلام و صاع رسول خدا ﷺ را

رد می‌کردم به همان نحوی که بود<sup>(۱)</sup>.  
 و می‌دیدید زمینهایی را که رسول خدا ﷺ واگذار نموده برای اشخاصی و  
 به آنها داده نشده من آن را اجرا می‌کردم.  
 و می‌دیدید که خانه جعفر را (که داخل مسجدش کرده‌اند) به ورثه‌اش رد  
 می‌کردم و مسجد را خراب می‌کردم.  
 و می‌دیدید که رد می‌کردم احکامی را که به ستم و جور حکم کرده‌اند<sup>(۲)</sup>.  
 و می‌دیدید که زنهایی را که بناحق زیر پای مردانی بودند می‌گرفتم و به  
 شوهرهای خود برمی‌گرداندم.  
 و می‌دیدید که اسیر می‌کردم بچه‌های بنی تغلب را<sup>(۳)</sup>.  
 و می‌دیدید که رد می‌کردم آنچه از زمین خیبر تقسیم شده<sup>(۴)</sup>.  
 و می‌دیدید دفتر عطایا و بخششها را نابود می‌کردم و مثل رسول خدا  
 بالسویه بین صاحبانش تقسیم می‌کردم، و نمی‌گذاشتم بین اغنیاء دور زند.  
 و می‌دیدید که مساحت را (در گرفتن خراج) ملغی می‌کردم<sup>(۵)</sup>.  
 و می‌دیدید که در ازدواج مساوات را مراعات می‌کردم (هر مرد مسلمانی  
 می‌توانست زن مسلمانی را ازدواج کند بخلاف عمر که گفت عرب نباید از غیر

(۱) صاع یک وزن خاصی بوده که تقریباً به وزن امروز سه کیلو می‌شود و پیغمبر ﷺ فرموده غسل با یک صاع آب می‌شود و مردم آن را کم دانسته‌اند.

(۲) مثل حرام کردن متعه و صیغه.

(۳) چون عمر جزیه را از ایشان برداشت و حال آنکه اهل ذممه نبودند و باید بود ذریه ایشان را اسیر می‌گرفتند پس برخلاف حکم خدا نسبت به ایشان عمل کرده.

(۴) زمین خیبر را رسول خدا با شرایطی به اهل خیبر داده بود، عمر ایشان را از خیبر بیرون نمود و زمینها را تقسیم کرد بین اشخاصی که می‌خواست.

(۵) در زمان رسول خدا خراج از روی درآمد بود عمر از روی مساحت زمین خراج گرفت کاری با درآمد نداشت.

عرب زن بگیرد) و خُمس رسول خدا ﷺ را همانطوری که خدا واجب کرده مقرر می‌داشتیم، (چون عمر منع کرد خمس آل محمد را چنانچه پیروانش امروزه نمی‌دهند اللهم العن من ظلمنا حقنا)

و رد می‌کردم مسجد رسول خدا را به همان جای اولش، و درهائی را که به مسجد رسول خدا باز کرده‌اند می‌بستم و درهائی را که بسته‌اند باز می‌کردم، و حرام می‌کردم مسح بر خف و کفشها (چون عمر تجویز کرده مسح بر کفشها را) و بر آشامیدن نبیذ (یک نوع خمریست) حد جاری می‌کردم، و متعه حج و متعه نکاح را امر به حلال بودنش می‌کردم، و امر می‌کردم پنج تکبیر بر جنازه‌ها بگویند، و مردم را ملزم می‌کردم که بسم الله الرحمن الرحیم را بلند بگویند (چون سنی‌ها نمی‌گویند و یا آهسته می‌گویند)

و خارج می‌کردم کسی را که با رسول خدا ﷺ داخل کرده‌اند در مسجد و حال آنکه رسول خدا ایشان را بیرون کرده، و داخل می‌کردم کسی را که بعد از رسول خدا خارجش کردند و حال آنکه رسول خدا داخلش کرده بود، و وادار می‌کردم مردم را به حکم قرآن، و بر طلاق دادن بر وجه سنت (که خدا و پیغمبرش دستور داده‌اند نه آنطور که سنی‌ها می‌گویند) و صدقات و زکات را از اقسام نه گانه می‌گرفتم با شرایط و حدودش (نه مانند سنی‌ها که بر غیر از اقسام نه گانه زکات بسته‌اند چنانچه امروزه بعضی از پیروانشان که اسماً شیعه هستند قائل شده‌اند)

و رد می‌کردم وضو و غسل و نماز را بر وقت و شرایط و جای خود. و رد می‌کردم اهل نجران را بجای خود (چون عمر ایشان را از نجران بیرون کرد) و رد می‌کردم اسیران فارس و سائر امم را به کتاب خدا و سنت پیغمبرش ﷺ (اگر این عملیات را انجام می‌دادم) هرآینه از دور من متفرق می‌شدند، بخدا قسم مردم را امر کردم که در شهر رمضان نافله را با جماعت نخوانند و آگاه کردم

ایشان را که نماز جماعت در نافله بدعت است پس بعضی لشکریانم که در جلو من شمشیر می زد صدا کردی ای اهل اسلام سنت عمر را تغییر دادند، نهی می کند نماز مستحبی را در شهر رمضان با جماعت نخوانیم، و ترسیدم که از ناحیه لشکر من به من شورش کنند، چه کشیدم از این امت از تفرق ایشان و پیروی نمودنشان از پیشوایان گمراه و دعوت کنندگان بسوی آتش (تا آنجا که فرمود) هیچ خانواده پیغمبری از امت پیغمبرش ندید آنچه را ما بعد از پیغمبر دیدیم، و خدا کمک کار ما است بر ضرر هر کس به ما ظلم کرده و لا حول ولا قوّة الا بالله العلیّ العظیم.

(۱۵) در غیبت نعمانی ص ۱۸۹ در ذیل حدیثی روایت کند که از بزرگترین امتحانات آن است که حضرت حجت به شکل جوانی خروج کند و حال آنکه مردم خیال کنند او پیر مرد بزرگی است.

(۱۶) در غیبت نعمانی ص ۱۹۵ از حارث اعور همدانی روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام روی منبر فرمود وقتی که خاطب هلاک شد و صاحب زمان پنهان شد و باقی ماند دلہائی که زیر و رو گردد، بعضی از دلہا پر خیر و بعضی بی خیر باشند، آرزومندان هلاک شوند، متلاشی شوندگان متلاشی شوند، و مؤمنین باقی بمانند، و ایشان اندک باشند، سیصد یا زیادتر خواهند بود، جهاد کنند به همراه ایشان جماعتی که همراه پیغمبر صلی الله علیه و آله در روز بدر جهاد کردند، که نه کشته شوند و نه بمیرند (یعنی ملائکه نه کشته شوند و نه می میرند)

### ﴿ امر ﴾ یعنی فرج

در فرج خواهد آمد.

در بحار ج ۵۱ ص ۴۲ حدیث ۲۷ و ۲۹ فرمود خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند. در انتظار فرج حدیث ۳ خواهد آمد.

امر ما از این روشنتر است. در پرچمها حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ امر به معروف ﴾

در کافی ج ۵ ص ۵۹ از امام رضا علیه السلام روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده هر وقت امت من امر به معروف و نهی از منکر را بهم دیگر واگذارند (و هیچ یک انجام ندهند) پس آماده باشند برای عذاب خدا.

ایضا در ص ۵۹ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق خدا می باشند هر کس ایشان را یاری کند، خداوند او را عزیز گرداند، و هر کس یاری نکند خداوند او را ذلیل گرداند.

ایضا در کافی ج ۵ ص ۵۸ نقل کند که خداوند وحی نمود به حضرت داود علیه السلام که من گناه تو را بخشیدم ولی عار گناه تو را برای بنی اسرائیل قرار دادم، داود عرض کرد چگونه می شود ای پروردگار من و حال آنکه تو ظلم نمی کنی؟ خطاب رسید برای آنکه ایشان تو را زود جلوگیری نکردند از گناه کردن، و البته این از باب (ایاک اعنی واسمعی یا جاره) است یعنی از باب کنایه است و الا پیغمبرها گناه نمی کنند.

در تهذیب ج ۶ ص ۱۸۱ از امام صادق علیه السلام روایت کند که آن حضرت فرمود سزاوار است که من مؤاخذه کنم از بی گناه شما بواسطه گناه کار شما چرا اینطور نباشد و حال آنکه خبر به شما می رسد که مردی از شماها کار زشتی انجام داده و شما او را نهی و منع نمی کنید، و از او دوری نمی جوئید، و اذیتش نمی کنید تا (خجالت کشد) از کار زشت خود دست بردارد.

در کافی ج ۵ ص ۵۶ و تهذیب ج ۶ ص ۱۸۱ از امام باقر علیه السلام روایت کند که خداوند وحی فرمود به شعیب پیغمبر که من صد هزار از قوم تو را عذاب خواهم کرد چهل هزار از بدان و شصت هزار از خوبان، عرض کرد خدایا بدها بجای

خود خوبها چرا؟ خطاب رسید برای اینکه با بدکاران سهل انگاری و سستی کردند و بواسطه غضب من به ایشان غضب نکردند.

ولی در کافی ج ۵ ص ۵۹ از امام صادق علیه السلام روایت کند که امر به معروف و نهی از منکر بر همه مردم واجب نیست بلکه برای کسی واجب است که قوت داشته باشد و اطاعتش بکنند، و عالم به معروف باشد، و اما کسی که ضعیف است و علم ندارد که کدام حق است و کدام باطل بر او واجب نیست. تا آنجا که می فرماید سؤال شد معنای این حدیث چیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده بهترین جهاد کلمه عدلیست نزد سلطان ظالم؟ جواب فرمود این در وقتی است که خودش دانا باشد و از او هم قبول کند، و الا اگر خود دانا نباشد یا ظالم از او قبول نکند بر او واجب نیست.

در تهذیب ج ۶ ص ۱۸۱ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود همیشه مردم به خیر و سلامت باشند مادامیکه امر به معروف و نهی از منکر بنمایند و کمک بر خوبی و تقوی داشته باشند، و اگر این کار را نکردند برکت از ایشان گرفته شود، و بعضی بر بعض دیگر مسلط شوند آن وقت نه یآوری در زمین داشته باشند و نه در آسمان.

ولی در چند حدیث در کافی ج ۵ ص ۶۳ و تهذیب ج ۶ ص ۱۸۰ از امام صادق علیه السلام رسیده که فرمود سزاوار نیست مؤمن خود را ذلیل کند، عرض کردند چگونه ذلیل کند؟ فرمود داخل در کارهایی شود که از عهده اش بر نمی آید.

در کافی ج ۵ ص ۵۶ از امام رضا علیه السلام روایت کند که باید امر به معروف و نهی از منکر بنمائید و الا حکومت می کنند بر شماها بدان شما آن وقت خوبان دعا کنند و به اجابت نرسد.

در ملاحم ص ۳۸ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود باید امر به معروف و نهی از منکر بکنید، و الا می فرستم بر شما عجم را که گردن شما را بزنند، و



مال شما را بخورند، و شیری باشند که فرار نکنند.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۷ دارد که گفته شد یا رسول الله چه زمانی امر به معروف و نهی از منکر از ما ساقط است که واگذاریم؟ فرمود... زمانیکه سستی در خوبان شما ظاهر شد، و زنا در شرار شما، و پادشاهی به کوچکان شما محول شد، و فقاقت در پست ترین شما (آن وقت است که تکلیف ساقط است) در کافی ج ۲ ص ۳۷۴ از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود چون امر به معروف و نهی از منکر نکنند و متابعت خوبان از اهل بیت من نمایند خداوند هم بدها را بر ایشان مسلط گرداند پس خوبان دعا کنند و به اجابت نرسد.

در کافی ج ۵ ص ۵۵ و تهذیب ج ۶ ص ۱۸۰ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود بیاید در آخر الزمان جماعتی که متابعت کنند جماعت ریاکار را، خود را به خواندن قرآن و عبادات وادارند ولی جاهل و سفیه باشند، امر به معروف و نهی از منکر را واجب ندانند مگر وقتی که ایمن از ضرر باشند، برای خود عذر تراشی کنند، و لغزش علماء و عمل فاسد ایشان را پیروی کنند، نماز و روزه را در وقتی که ضرر نداشته باشد استقبال کنند، اگر آنهم بر مال و جانشان ضرر داشت ترک می کردند چنانچه مهمترین واجبات را ترک کردند.

در روضه کافی ج ۸ ص ۴۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند (بیاید زمانیکه) که ببینی شخص سخن حق می گوید و امر به معروف و نهی از منکر می کند دیگری برپا خیزد و او را نصیحت کند که مزن این حرفها را این بر تو واجب نیست.

و در ص ۴۱ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرود بیاید زمانی که ببینی مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر با هم مساوی باشند (و حال آنکه نباید چنین باشند هرکس قدرت دارد و شرایط برای او موجود است باید امر به معروف کند)

در کافی ج ۵ ص ۶۰ امام صادق علیه السلام به مفضل فرمود ای مفضل هر کس متعرض پادشاه ظالم شود و به بلائی گرفتار گردد، خداوند به او نه اجر و مزد خواهد داد و نه صبر.

پس از مجموع آنچه ذکر شد معلوم شد که امر به معروف و نهی از منکر به چند شرط واجب است:

اول: باید عالم باشد چون جاهل حق امر به معروف ندارد.

دوم: معصیت کار اصرار بر معصیت خود داشته باشد.

سوم: ضرری برای خود یا دیگران از جهت مالی یا بدنی یا عرضی نداشته باشد.

چهارم: احتمال تأثیر بدهد، و الا اگر می داند صد در صد قبول نخواهند کرد واجب نیست.

پنجم: قوت داشته باشد و مطاع باشد، و در غیر این صورت امر به معروف دلبخواهی می شود نه شرعی.

### ﴿ امراء ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۴۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که پیامد بعد از صد و پنجاه سال امراء کفره، تمام حدیث در علامات ظهور خواهد آمد.

### ﴿ امم و ملتها ﴾

در ملاحم ص ۱۵۷ و ص ۲۰۰ از ثوبان غلام حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود زود است امم و ملتها با همدیگر دست بدست بدهند و دور شما جمع شوند و مثل کاسه خوراکی در میان گذارند و بخورند، کسی عرض کرد یا رسول الله از کمی ما است؟ فرمود خیر شما زیاد هستید ولی مثل کف روی آب

و چیزهای سبک هستید و خدا ترس را از دل دشمنها برمی دارد و وهن و سستی در دل شما جای می دهد، سائل عرض کرد وهن چیست؟ فرمود حب دنیا و کراهت داشتن مرگ است.

### ﴿ امنیت ﴾

در لوایح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۳ فرمود زمین امن شود بطوریکه پنج نفر زن حج کنند بدون اینکه مردی همراه داشته باشند نترسند جز از خدا.

### ﴿ اموال ﴾

و بعض اموال شما را بگیرند. در دشمن خواهد آمد.

### ﴿ امه ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۲ فرمود وقتی دیدی امه (و کنیز) مولی و سید و صاحب خود را زائید پس آن از اشراط ساعت ظهور است.  
در حدیث دیگر فرمود وقتی دیدی امه و کنیز صاحب خود را زائید، و دیدی صاحبان بنیان و ساختمان بر یکدیگر بلند پروازی کردند، و دیدی پابرهنه ها و گرسنه ها و عیال ها رئیس مردم شدند پس آن از علائم ساعت ظهور است.

### ﴿ امیر المؤمنین علیه السلام ﴾

در کافی ج ۱ ص ۴۱۱ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که به قائم علیه السلام امیر المؤمنین گفته می شود؟ فرمود خیر الحدیث. در قائم حدیث ۲۸ خواهد آمد.

## ﴿ انار ﴾

در ملاحم ص ۸۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که در زمان حضرت حجت ﷺ چندین نفر سر اناری بنشینند (یعنی بطوری انار بزرگ و با برکت باشد که جمعی را سیر کند)

## ﴿ انتظار فرج ﴾<sup>(۱)</sup>

(۱) در صحیفه سجادیه دعای روز عرفه حضرت سجاد ﷺ دعا می‌کند درباره کسانی که منتظر فرج آل محمدند. می‌فرماید (اللهم وصل علی اولیائهم المعترفین بمقامهم، المتبعین منهجهم، المقتفین آثارهم، المستمسکین بعروتهم، المتمسکین بولایتهم، المؤتمنین امامتهم، المسلمین لامرهم، المجتهدین فی طاعتهم، المنتظرین ایامهم) تا آخر دعا.

(۲) در اکمال الدین صدوق ص ۶۰۳ از امام صادق ﷺ روایت کند که فرمود هر یک از شماها در حالت انتظار بمیرد مثل آن است که در خیمه حضرت قائم ﷺ بوده.

(۳) در حدیث دیگر عبدالحمید واسطی بخدمت امام باقر ﷺ عرض می‌کند ما بازارها را ترک کرده‌ایم به انتظار این امر (ظهور) حضرت فرمود ای عبدالحمید خیال می‌کنی هر کس برای خدا زحمت کشید و خود را نگاه داشت خدای برای او راهی قرار نمی‌دهد؟ بلی بخدا قسم خداوند راه‌گشایی برای او قرار خواهد داد، خدا رحمت کند بنده‌ای را که خود را برای ما نگاه دارد، (یعنی بواسطه اطاعت ما از لذتهای دنیا چشم پوشی کند و به معصیت نیفتد) خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند، الحدیث.

(۱) در فرج اخباری خواهد آمد رجوع کن.

- (۴) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۶ عبدالحمید واسطی می گوید:
- خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم خدا شما را به اصلاح آورد ما بازارها را ترک نموده ایم به انتظار این امر (ظهور) بطوریکه نزدیک است از فقر سائل بکف شویم الحدیث و مثل حدیث سابق را ذکر فرموده.
- (۵) در اکمال الدین ص ۶۰۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود افضل اعمال امت من انتظار فرج است از طرف خدا.
- (۶) در حدیث دیگر از امام رضا علیه السلام نقل کند که از او سؤال از فرج شد، فرمود خداوند می فرماید منتظر باشید منهم با شما از انتظار کشیدگانم.
- (۷) در حدیث دیگر ابی نصر از امام رضا علیه السلام روایت کند که فرمود چه خوب است صبر و انتظار فرج الخ.
- (۸) در حدیث دیگر از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود کسی که منتظر امر ما باشد مثل کسی که در راه خدا در خون خود بغلطد.
- (۹) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال شد چه اعمالی نزد خدا محبوب تر است؟ فرمود انتظار فرج.
- (۱۰) در حدیث دیگر علی بن الحسین علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمود ای اباخالد بدرستی که اهل زمان غیبتش که قائل به امامتش باشند و منتظر ظهورش باشند افضلند از اهل تمام زمانها تا آنجا که فرمود انتظار فرج از بزرگترین فرجها است.
- (۱۱) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود منتظر فرج باشید، و از رحمت خدا مأیوس نباشید، بدرستی که بهترین اعمال نزد خدا انتظار فرج است.
- (۱۲) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۵ از امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود افضل عبادت انتظار فرج است.

(۱۳) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۵ از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد که چه می فرماید درباره کسی که بمیرد بر امر تشیع در حالیکه منتظر امام زمانش باشد؟ فرمود بمنزله کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد قدری ساکت شد سپس فرمود مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله باشد.

(۱۴) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۶ فیض بن مختار می گوید شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود هر یک از شماها بمیرید در حالیکه منتظر امام زمان باشید مثل این است که در خیمه حضرت باشید، مقداری ساکت شد سپس فرمود بلکه مثل کسی هستید که با او شمشیر می زنید، سپس فرمود نه والله بلکه مثل کسی هستید که با رسول خدا صلی الله علیه و آله شهید شده.

(۱۵) در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۸ محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام چیزی از فرج سؤال کرد، فرمود آیا انتظار فرج از فرج نیست خداوند می فرماید منتظر باشید بدرستی که من هم از منتظرینم.

(۱۶) در بحار ج ۵۲ ص ۱۳۰ حسن بن جهم از حضرت رضا علیه السلام سؤال از فرج می کند، پس حضرت فرمود آیا ندانستی که انتظار فرج از فرج است؟ عرض کرد خیر مگر آنکه یادم دهید، فرمود بلی انتظار فرج از فرج است.

(۱۷) در بحار ج ۵۲ ص ۱۳۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که افضل عبادت مؤمن انتظار فرج است.

(۱۸) در بحار ج ۵۲ ص ۱۳۲ در ذیل حدیثی فرمود چون عذاب بنی اسرائیل بطول انجامید چهل روز ضجه و گریه کردند و بسوی خدا زاری نمودند، خداوند به موسی و هارون وحی فرمود که صد و هفتاد سال از عذاب ایشان کم شد و ایشان را از فرعون خلاص کن، امام صادق علیه السلام فرمود اگر شما هم بسوی خدا ناله و گریه کنید خداوند فرج ما را نزدیک گرداند و اما اگر اینکار نکنید خدا امر را به انتها می رساند.

(۱۹) در غیبت نعمانی ص ۲۰۰ امام صادق علیه السلام فرمود هر کس خوشحال است که از اصحاب قائم باشد پس باید انتظار بکشد و عمل به ورع کند، و اخلاق نیکو داشته باشد، در حالی که منتظر هم باشد، پس اگر مرگ او رسید و حضرت بعد از او قیام کرد، مزدش مثل کسی است که او را درک نموده باشد، پس جدیت داشته باشید و انتظار هم بکشید گوارا باد شما را ای جماعتی که رحمت خدا شامل حال شما شده.

(۲۰) در غیبت نعمانی ص ۲۵۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال از این آیه شد که خدا می فرماید ﴿فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ الْخ﴾ حضرت فرمود از سه چیز انتظار فرج داشته باشید، عرض شد آن سه چیز کدام است؟ فرمود اختلاف اهل شام و پرچمهای سیاه از طرف خراسان و وحشتی در ماه رمضان، عرض شد وحشت و ترس در ماه رمضان کدام است؟ فرمود آیا نشنیده‌ای قول خدا را که می فرماید اگر بخواهیم نازل کنیم از آسمان علامتی را که همه گردنها ذلیل و خاضع شوند، این علامتی است که دخترها را از منزل بیرون کند، و خوابیده را بیدار سازد، و بیدار را بترس اندازد.

(۲۱) در بحار ج ۵۲ ص ۱۴۵ از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود انتظار فرج بواسطه صبر عبادت است.

(۲۲) در بحار ج ۵۲ ص ۱۵۰ در ذیل حدیثی امام صادق علیه السلام به ابی بصیر فرمود خوش بحال شیعه قائم ما که انتظار ظهورش را دارند، در غیبت او، و اطاعت او را می کنند در وقت ظهورش ایشانند اولیاء خدا نه خوف و ترسی برای ایشان است و نه محزون می شوند.

(۲۳) در اکمال الدین ص ۳۶۰ در ذیل حدیث عبدالعظیم حسنی امام نهم فرمود افضل اعمال شیعیان ما انتظار فرج است.

(۲۴) در اکمال الدین ص ۳۱۳ در ذیل حدیث علی بن الحسین علیه السلام است که



فرمود انتظار فرج از افضل اعمال است.

(۲۵) در تحف العقول ص ۲۷ از پیغمبر ﷺ روایت کند که فرمود افضل جهاد امت من انتظار فرج است.

(۲۶) در کفایة الخصام ص ۶۸۳ حدیث ۳۱ از حموینی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا ﷺ فرمود بهترین عبادات انتظار فرج است.

(۲۷) در کفایة الخصام ص ۷۰۴ از ابن بابویه از ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کرده که فرمود افضل عبادات انتظار فرج است.

(۲۸) در مسند امام رضا علیه السلام از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود افضل اعمال امت من انتظار فرج خدا است.

### ﴿ انتقام ﴾

در کفایة الخصام ص ۶۸۳ ذیل حدیث ۲۶ حق تعالی فرمود یا محمد اینانند حجت‌های من و مهدی خونخواه عترت تو است، قسم بعزت و جلال خودم که مهدی حجت واجبۀ دوستان من است و انتقام کشنده از دشمنان من.

در کفایة الخصام ص ۶۹۹ در ذیل حدیث دوم از ابن بابویه از ابن عباس از رسول خدا ﷺ روایت کند که خداوند فرمود این قائم شما است که حلال می‌کند حلال مرا و حرام می‌کند حرام مرا، و انتقام می‌کشد از دشمنان من الخ.

بواسطه این انتقام خواهم کشید برای حسین علیه السلام در قائم حدیث ۴۵ خواهد آمد. در دلائل الامامه طبری ص ۲۳۹ خداوند فرمود به این قائم انتقام می‌کشم از ایشان.

### ﴿ الاندر فالاندر ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ در ذیل حدیث امتحان فرمود تا باقی نماند از شما

بر این امر الا الاندر فالاندر یعنی مگر بسیار کم.  
در غیبت نعمانی ص ۲۰۸ از امام رضا علیه السلام روایت کند که فرمود والله نخواهد شد آنچه را شما چشم به آن دوخته‌اید مگر وقتی که امتحان و تمیز داده شوید و نماند از شما (در دین حق) الا الاندر فالاندر یعنی مگر بسیار کم.

### ﴿ اندلس ﴾<sup>(۱)</sup>

در الامام المهدی ج ۱ ص ۲۰۳ از تذکره قرطبی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود بعد از من زود است که فتح شود جزیره‌ای که آن را اندلس گویند غالب می‌شود در آن اهل کفر و اکثر اموال و اکثر بلادشان را بگیرند، و زنها و بچه‌ها را اسیر کنند، و هتک احترام کنند، و دیار را خراب کنند، و اکثر بلاد برگردد به بیابان خشک شده، و اکثر مردم از دیار خود جلاء وطن کنند.

### ﴿ انطاکیه ﴾

در ملاحم سید ص ۶۷ دارد که حضرت حجت علیه السلام تابوت را از غار انطاکیه خارج خواهد کرد.

و در همان صفحه دارد که حضرت حجت علیه السلام تورات و انجیل را از زمینی خارج کند که آن را انطاکیه گویند.

یک مرد هم از انطاکیه بنام عبدالرحمن از جمله سیصد و سیزده نفرند چنانچه در جدول ذکر شد.

و در ملاحم ص ۱۴۲ تمیم الداری خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض می‌کند من مرورم افتاد به شهری از شهرهای اعاجم که آن را انطاکیه می‌گفتند ندیدم شهری بزرگتر از آن هر ابری از بالای آن رد می‌شود می‌بارد، حضرت

(۱) در مرآصد گوید اندلس جزیره بزرگی است.

رسول ﷺ فرمود بدرستیکه در (غار ثور) (اسم غاری است در آنجا) در کوه انطاکیه ریزه‌هایی از الواح موسی و عصای شکسته او و ریزه‌هایی از تابوت سکینه می‌باشد پس مرور نکند بر آن ابری چه شرقی و چه غربی و چه کوفی و چه قبلی الا آنکه دوست دارد از برکاتش به آنجا بیارد و نگذرد روزگاری جز آنکه مردی از اهل بیت من به اینجا رسد که اسمش اسم من باشد (و اسم پدرش اسم پدر من) (و این از غلط نساخ است) خلقش خلق من می‌باشد پر کند آنجا را بعدل خود چنانچه پر شده باشد از ظلم و جور.

در الامام المهدی ج ۱ ص ۲۰۴ از تذکره قرطبی از حذیفه نقل کند که پیغمبر ﷺ فرمود مهدی و هرکس با اوست بیایند به شهری که آن را انطاکیه گویند، و آن شهر است بزرگ کنار دریا پس سه تکبیر بر آن بگویند به قدرت خدا دیوار طرف دریا بیفتد پس مردها را بکشند و زنها و بچه‌ها را اسیر کنند و اموال را بگیرند پس حضرت مهدی مالک انطاکیه شود و در آن مساجدی بنا کند و تعمیر کند عمارت‌های اهل اسلام را الخ.

تورات و سایر کتب خدا را از غار انطاکیه خارج کند الخ. در قائم حدیث ۱۲۱ خواهد آمد.

### ﴿ انگشتر ﴾

با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان الخ. در قائم حدیث ۱۲۳ خواهد آمد.  
کو عصای جدت رسول خدا و انگشتر الخ. در حسنی خواهد آمد.

### ﴿ اوصاف حضرت حجت ﴾

در شمائل می‌آید.

## ﴿ اول ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۱ فرمود اول زمین از جهت خرابی دست چپش می باشد بعد دست راستش .

و در ص ۲۱۱ ایضا و ص ۲۵۳ فرمود اول مردم از جهت هلاکت قریش است و اول قریش از حیث هلاکت اهل بیت من هستند .

و در حدیث دیگر فرمود اول مردم از جهت فنا قریش هستند و اول قریش از جهت فنا بنی هاشم هستند .

و در ص ۲۲۳ فرمود اول این امت خوبهانشان هستند و آخر ایشان شرار ایشانند .

و در ص ۲۵۲ فرمود اول مردم از جهت هلاکت عرب پس از ایشان اهل فارس هستند .

و در حدیث دیگر فرمود اول مردم از جهت هلاکت فارس و بعد از ایشان عرب هستند .

اول چیزی که از عدل حضرت ظاهر می سازد الخ . در قائم حدیث ۱۸ خواهد آمد .

اول چیزی که به آن ابتدا می کند سقف مسجدها است الخ . در قائم حدیث ۳۰ خواهد آمد .

اول چیزی که به آن نطق کند این آیه باشد ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ﴾ الخ . در قائم حدیث ۳۸ خواهد آمد .

اول چیزی که شروع کند دستهای بنی شیبه را قطع کند الخ . در قائم حدیث ۶۴ خواهد آمد .

اول فتنه ها از سال دویست هجری است که حکومت نمودن بچه ها است الخ .

در فتنه حدیث ۴۴ خواهد آمد.

### ﴿ اولاد ﴾

در بچه خواهد آمد ایضا.

در ملاحم ص ۱۵۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بهترین اولاد شما بعد از ۱۵۴ سال دخترانند. و بهترین زنهای شما بعد از ۱۶۹ زنهای نازاینده‌اند و در سال ۱۶۸ طلب خود را بطلب و در سال ۱۶۹ قرض خود را بده، و سال (ظاهراً ۱۹۰ باشد) ۹۰ هرج است بعضی گفتند نجات و خلاصی کجا است فرمود هرج (قتل و غارت) است تا ظهور امام.

و در جامع الاخبار ص ۱۰۶ دارد که رسول خدا ﷺ نظر به بعض از بچه‌ها کرد و فرمود وای بر اولاد آخر الزمان از پدرانشان، گفته شد یا رسول الله از پدران مشرکین؟ فرمود نه از پدران مؤمنین (بجهت آنکه) فرزندان خود را چیزی از واجبات یاد نمی‌دهند و اگر اولاد هم یاد بگیرند منعشان کنند و راضی باشند به چیز کمی از متاع دنیا، و من از ایشان بری هستم و ایشان هم از من بری هستند.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۴ در ذیل حدیثی فرمود (در آخر الزمان) اولاد داران محزون باشند و بی‌اولادها خوشحال.

### ﴿ اهل بیت ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود اهل بیت من زود است بعد از من برسد به ایشان از امت من کشتن و پراکندگی و سخت‌ترین مردم به ما از جهت بغض و کینه بنو امیه و بنو المغیره و بنو مخزومند. و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۷ دارد که فرمود ما اهل بیتی هستیم که خدا

برای ما آخرت را اختیار کرده نه دنیا را و بدرستی که اهل بیت من زود باشد که بعد از من ملاقات کنند بلاء و پراکندگی را و مطرود گردند تا آن وقتیکه گروهی از طرف مشرق بلند شوند که با ایشان پرچمهای سیاه باشد، پس حق را مطالبه کنند و به ایشان ندهند پس جنگ کنند پس یاری کرده شوند، پس داده شوند آنچه را که می خواستند پس قبول نکنند تا بدهند بدست مردی از اهل بیت من که اسمش مطابق اسم من است و اسم پدرش مطابق اسم پدر من<sup>(۱)</sup> پس مالک زمین شود پس پر سازد از عدل و داد چنانچه پر کرده بودند از جور و ظلم، پس هرکس درک کند از شما یا از اولاد شما آن زمان را پس برود بسوی ایشان ولو روی سینه از روی یخ باشد، بجهت آنکه پرچمهای هدایتند.

در کافی ج ۲ ص ۳۷۴ امام پنجم از پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت کند که هر وقت متابعت خوبان اهل بیت مرا نکردند خداوند شرارشان و بدهاشان را بر ایشان مسلط کند پس خوبها دعا کنند و مستجاب نشود.

### ﴿ اهواز ﴾

در ملاحم سید ص ۱۲۶ در ضمن حدیثی فرمود در اهواز زلزله شود بطوریکه خانهاشان قبرستان باشد پس راهها بریده شود و احدی از شهری به شهری نرود.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود غالب می شود عرب بر عجم و رو آور می شوند به اهواز بدون مردم (یعنی مردم با ایشان نیستند)

(۱) مکرر عرض شد که جمله (اسم پدرش اسم پدر من است) از زیادی نساخ است. یا از روی تقیه گفته شده چون راویها و مؤلفین در هر زمان مبتلا به حکومت جائز بوده اند و مجبور بوده اند که بدخواه ایشان سخن گویند.

### ﴿ ایران ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۱۳ از علائم ظهور نقل کند که یکی از علامات خروج سید حسنی است از طالقان و دیلم و فرموده از اخبار مستفاد می شود که این سید دعوت بخود نکند اما مثل پادشاه رفتار کند و این در وقتی است که ایران پادشاهی نداشته باشد و جمهوری گردد و یا هرج و مرج گردد و یا ملوک الطوائفی شود.

و در ص ۱۱۴ فرمود دیگر از علائم خارج شدن سلطان عجم است از ایران، (البته لفظ ایران در روایات دیده نشده ولی مرحوم ناظم الاسلام از کلمه عجم و شرق استفاده کرده)

### ﴿ ایستادن خورشید ﴾

در خورشید و رکود خواهد آمد.

### ﴿ ایکه ﴾

در زوراء حدیث ۱۱ خواهد آمد.

### ﴿ ایمان ﴾

(ایمان را بر ناصبی عرضه دارد). در قائم حدیث ۸ خواهد آمد.

### ﴿ باب الفیل ﴾

در ارشاد مفید ص ۳۶۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود پادشاهی ایشان (بنی العباس) نرود مگر وقتی که متعرض مردم شوند در کوفه در روز



جمعه مثل اینکه نظر می‌کنم به سرهایی که از بدنها جدا می‌شود در مابین باب الفیل و اصحاب صابون<sup>(۱)</sup>.

در حدیث دیگر فرمود برای پسر فلان نزد مسجد شما یعنی مسجد کوفه جنگی در روز جمعه واقع شود که چهار هزار در آن کشته شود از باب الفیل تا اصحاب صابون پس از این راه پرهیزید (رفت و آمد نکنید) و بهترین ایشان کسی است که از راه انصار برود.

### ﴿ باد ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۵۵ و در کنز ص ۲۲۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بادی بیاید پیشاپیش ساعت (قیامت یا ظهور) که روح هر مؤمنی را بگیرد.

و ایضا در مستدرک ص ۴۵۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۰ روایت کند که خداوند بادی را از یمن بفرستد که از حریر نرم‌تر باشد پس نگذارد احدی را که در قلب او حبه‌ای از ایمان باشد مگر آنکه بگیرد.

و در حدیث دیگر فرمود و ملحق سازد هر قومی را به آنچه پدرانشان در جاهلیت عبادت می‌کردند. و باقی بمانند احمقانی از مردم که امر به معروف نکنند و نهی از منکر ننمایند و در راهها نکاح کنند مثل حیوانات.

و در ص ۴۵۶ روایت شده که خداوند بادی را بفرستد که بوی مشک باشد و نرمیش نرمی حریر و نگذارد کسی را که در قلب او مثقال حبه ایمان است مگر آنکه بگیرد پس باقی ماند شرار مردم که ساعت (ظهور یا قیامت) بر ایشان قیام کند.

(۱) باب الفیل اسم دری است در مسجد الکوفه و اصحاب صابون لابد اسم محلی بوده که در آن زمان معروف بوده.

در ملاحم ص ۱۲۶ در ذیل حدیثی فرمود اول علامات صاعقه است پس از آن باد زرد است پس از آن باد دائمی است.

در زنها حدیث ۱۲ خواهد آمد که باد سرخی از طرف مشرق می آید که بعضی را مسخ و بعضی را به زمین فرو برد بواسطه گناهایی که مرتکب شده اند الخ. در زوراء خواهد آمد که باد سرخی به هیجان آید که مردم بترسند الخ. و باد عقیم می وزد و آنها را از بین می برد. در اُمت حدیث ۱۵ گذشت.

### ﴿ باران ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۴ و ص ۲۴۱ دارد که یکی از علامات ساعت (ظهور) آن است که باران گرم بیارد.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۳ دارد که بیاید بر مردم زمانی که آسمان باران بیارد ولی زمین گیاه نروید.

و در کنز ص ۲۴۵ دارد که باران زیاد باشد و ثمره کم.

و در کنز ص ۲۴۸ دارد که برپا نشود ساعت (ظهور) تا بیارد بر مردم بارانی که نماند از آن خانه های گلی، و نماند مگر خانه مویی (چادر نشین).

در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲ و غیبت طوسی ص ۲۶۹ و کشف الغمه ج ۲ ص ۴۶۰ فرمود در آن سالی که حضرت مهدی قیام می کند بیست و چهار باران بیارد که اثر و برکتش نمایان باشد.

در ارشاد مفید ص ۳۶۳ در ذیل حدیث عبدالکریم امام صادق علیه السلام فرمود چون وقت قیام قائم برسد جمادی الثانی و ده روز از رجب (که چهل روز باشد) بارانی برای مردم بیارد که خلائق مثلش را ندیده باشند. پس خداوند بواسطه آن گوشتهای مؤمنین را در قبورشان برویاند مثل اینکه نگاه می کنم از طرف جهینه می آیند و خاک را از موهای خود می تکانند.

### ﴿ بازار ﴾

ما بازارها را ترک کرده‌ایم. در انتضار فرج حدیث ۳ و ۴ گذشت.

### ﴿ باطل ﴾

باطل اگر خالص بود ترسی برای صاحب عقلی نبود. در امتحان حدیث ۱۴ گذشت.

### ﴿ بچه‌ها در آخرالزمان ﴾

در الزام الناصب ص ۱۹۵ چاپ قدیم از امیرالمؤمنین علیه السلام است که دولت بچه‌ها در همه جا ظاهر شود. و در ص ۱۹۴ دارد که بچه موجب نقص و اذیت باشد.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۰ بعد از ذکر بلیه بنو قنطوراء برای اهل عراق سؤال می‌شود چه وقت خواهد شد فرمود وقتی که پادشاهی بچه‌ها در زمین عملی شود.

در ملاحم سید ص ۹۵ در ضمن حدیثی دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود یکی از شما اگر بچه سگی را تربیت کنید بهتر است از تربیت کردن بچه.

و آقای طاوه‌یی در ص ۵۹ از ملاحم خود از تفسیر روح البیان ص ۷۳ سطر ۲۷ در ضمن تفسیر آیه شریفه ﴿أَسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که تربیت بچه سگ بهتر از تربیت بچه است و اگر زن مار بزاید بهتر است از زاییدن بچه.

و ایضا از وسیلة العفایف و عقود الجواهر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که زود است که بیاید بر امت من زمانی که حلال باشد برای ایشان عزوبت و

رهبانیت و اگر زن مار بزاید بهتر است تا بچه بزاید (یعنی غالبا اینطور است) و در ملاحم ص ۸۷ در ذیل حدیثی دارد که عراق طوری شود که نه یک قفیز ملکی داشته باشد و نه درهمی بدست آورد، و این وقتی است که بچه‌ها پادشاهی کنند بخدا قسم این خواهد شد تا سه مرتبه مکرر فرمود.

و در غیبت نعمانی ص ۲۷۴ حضرت باقر علیه السلام فرمود چون ظاهر شود بیعت بچه برخیزد و ظاهر سازد هر صاحب قدرتی قدرت خود را.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۴ و ص ۲۴۱ و ص ۲۴۵ دارد که یکی از علامات ساعت (ظهور) آن است که بچه‌ها موجب اذیت و آزار باشند.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۴ دارد ساعت ظهور نباشد تا اینکه زن‌های بچه‌دار محزون باشند و زنهای بی‌بچه خوشحال.

در جامع الاخبار ص ۱۲۹ فرمود بچه‌هاشان نازنازی و اذیت‌رسان باشند.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بوده باشد بچه اذیت‌رسان الخ.

بیعت با بچه‌گان در کودک خواهد آمد.

در بحار ج ۶ ص ۳۰۶ در ذیل حدیثی دارد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود یکی از علامات ساعت آن است که بچه‌ها منبر روند.

در زمان حدیث ۶۳ خواهد آمد که بچه‌ها بر بزرگان پیشی گیرند و مقدم شوند الخ.

اول فتنه‌ها از سال دویست هجری است که حکومت نمودن بچه‌ها است الخ.

در فتنه حدیث ۴۱ خواهد آمد.

بچه‌ها حکومت کنند. در زمان حدیث ۳۴ و ۵۰ خواهد آمد.

بچه بازیست. در فتنه حدیث ۱۴ و ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ بچه شتر ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۹ فرمود آیا نمی خواهی (در زمان فتنه) مثل بچه شتر باشی که نه شیر داشته باشی که بدوشند و نه سواری بدهی. در ابن لبون چند حدیث گذشت مراجعه کن.

### ﴿ بتها ﴾

چند قبیله بت پرست شوند. در اُمت حدیث ۱۰ گذشت.  
در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۸ فرمود ساعت ظهور نباشد تا اینکه بتها پرستش شود.  
و در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بتها منصوب گردد الخ.

### ﴿ بحرین ﴾

در سفیانی حدیث ۴۷ ذکری از آن خواهد آمد.

### ﴿ بخارا ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۲ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی رضی الله عنه به عمر فرمود یکی از شهرهای خراسان بخارا است، که در آنجا مردانی آیند که از کثرت عبادت ادیمی مانند که مالش داده باشند.

### ﴿ بدر ﴾

در ملاحم سید ص ۶۷ روایت کند که زهری گفت خارج می شود مهدی رضی الله عنه

از مکه بعد از خسف (بیداء) با سیصد و چهارده نفر مثل عده اهل بدر الخ .  
و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۳ از رسول خدا ﷺ روایت است که  
فرمود با او بیعت کنند مثل عده اهل بدر که راضی شود ساکن آسمان و ساکن زمین .  
تا اینکه قیام کنند جماعتی که در بدر حاضر بودند الخ . در خروج کنندگان  
حدیث ۸ و ۹ خواهد آمد .

### ﴿ بدعت ﴾

پس زمانیکه شما بدعت در دین گذاشتید الخ . در عمل خواهد آمد .

### ﴿ بدن ﴾

بدنی در چشم خورشید نمایان شود . در رجب خواهد آمد .  
در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۵ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود علامتی  
در رجب است داود بن سرحان عرض کرد علامت چیست ؟ فرمود صورتی  
است در ماه طلوع می کند و بدنی است ظاهر و بارز .  
در اثبات الهداة ص ۷۲۷ فرمود بدنی است که دیده می شود در چشم  
خورشید و می گوید خداوند فلانی را مبعوث فرمود و فرستاد پس بشنوید از او  
و اطاعتش کنید الخ .  
بدن هر دو تر و تازه باشد الخ . در علامات ظهور حدیث ۱۷ و در قائم  
حدیث ۱۰۹ و در مدینه حدیث ۱۵ و ۱۶ خواهد آمد .

### ﴿ برائا ﴾

در ملاحم ص ۱۳۰ دارد که رسول خدا ﷺ فرمود هر وقت مسجد برائا  
خراب شد حج باطل می شود (یعنی راهش بسته می شود) گفته شد مسجد برائا

کجا است فرمود در غربی زوراء (بغداد) از زمین عراق است که هفتاد پیغمبر و وصی آنجا نماز گزارده، و آخر کسی که آنجا نماز گزارد این است و اشاره به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود.

و از سلیلی نقل کرده که در سنه ۳۱۲ حنبلیها آنجا را خراب کردند و حج هم در آن سال تعطیل شد.

و در فقیه ج ۱ ص ۱۵۱ و تهذیب ج ۳ ص ۲۶۴ دارد که راوی گفت نماز خواند برای ما حضرت علی بن ابیطالب امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد (برائثا) بعد از رجوعش از قتال خوارج و ما مقدار صد هزار لشکر بودیم، پس نصرانی از صومعه خود بزیر آمد و سؤال کرد که رئیس این لشکر کیست؟ گفتیم این است پس رفت و سلام داد و عرض کرد ای آقای من تو پیغمبری حضرت فرمود نه، پیغمبر آقای من بود و فوت شد. پس عرض کرد تو وصی پیغمبری؟ فرمود بلی، پس حضرت فرمود بنشین چرا از این امور سؤال کردی؟ گفت من این صومعه را برای همین اینجا بنا کرده‌ام، و این (برائثا) است و در کتب آسمانی خوانده‌ام که نماز نخواند با این لشکر در این مسجد مگر پیغمبری یا وصی پیغمبر، و آمده‌ام که مسلمان بشوم پس اسلام را اختیار کرد و با ما آمد کوفه، پس حضرت فرمود کی اینجا نماز خوانده عرض کرد عیسی و مادرش، حضرت فرمود می خواهی تو را خبر دهم که چه کسی اینجا نماز خوانده عرض کرد بلی فرمود اینجا ابراهیم خلیل نماز خوانده.

قال الموسوی: وقد صلّیت فی زمان اقامتی فی النجف الاشرف فی هذا المسجد (برائثا) فی سنة ۱۳۷۰ و سنة ۱۳۷۵ هجری والحمد لله.

### ﴿ برادر ﴾

(۱) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۴۸ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود من

هر آینه مشتاق برادرانم هستم. عمر بن الخطاب گفت یا رسول الله آیا ما برادران شما نیستیم؟ فرمود نه شما اصحاب و یاران من هستید، برادران من کسانی هستند که ایمان به من آورده‌اند و مرا ندیده‌اند. الحدیث.

(۲) و در حدیث دیگر فرمود ای کاش می‌دیدم برادران خودم را وارد حوض من می‌شدند و منهم با ظرفهای آب استقبال ایشان می‌کردم و از حوضم ایشان را سیراب می‌کردم پیش از آنکه داخل بهشت گردند، گفته شد یا رسول الله آیا ما نیستیم از برادران شما؟ فرمود شما اصحاب من هستید، برادران من کسانی هستند که به من ایمان آورده‌اند و مرا ندیده‌اند.

(۳) و در کنز ص ۶۷ دارد که به حضرت عرض کردند یا رسول الله آیا احدی هست که بهتر از ما باشد و حال آنکه ما اسلام آورده‌ایم و در خدمت شما جهاد کرده‌ایم، حضرت فرمود بلی جماعتی می‌بوده باشند بعد از من ایمان می‌آورند به من و حال آنکه مرا ندیده‌اند. کتاب و نوشته‌ای را می‌بینند پس ایمان می‌آورند و مرا تصدیق می‌کنند، پس ایشان بهتر از شما هستند.

(۴) و در ص ۵۱ از رسول خدا ﷺ روایت کند که حضرت می‌فرمود کی ملاقات می‌کنم یارانم را کی ملاقات می‌کنم دوستانم را، بعضی صحابه عرض کردند آیا نیستیم ما دوستان شما؟ فرمود شما اصحاب من هستید، دوستان من کسانی هستند که مرا ندیده‌اند و به من ایمان آورده‌اند. من به ایشان مشتاقم.

(۵) در عبقری الحسان ج ۲ ص ۱۵ از النجم الزاهر از بصائر الدرجات از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود روزی رسول خدا ﷺ در حالیکه جماعتی از اصحاب در خدمتش بودند به درگاه الهی عرض نمودند خدایا برادران مرا به من برسان دو بار این را عرض نمود، اصحاب عرض کردند یا رسول الله آیا ما برادران شما نیستیم فرمود نه شما اصحاب ما هستید برادران من جماعتی هستند که در آخر الزمان می‌باشند ایشانند که به من ایمان می‌آورند و حال آنکه



مرا ندیده‌اند، بدرستیکه خدای تعالی ایشان را به نامهای خودشان و نامهای پدرانشان پیش از آنکه ایشان را از پشت‌های پدران و رحمهای مادران بیرون آورد به من شناسانید هرآینه باقی بودن هر یکی از ایشان در سر دین خود دشوارتر است از خرط قتاد در شب تاریک یا اینکه هر کس از ایشان در سر دین خود باشد مانند کسی است که آتش درخت غضا<sup>(۱)</sup> را در دستش نگاه دارد ایشان مانند چراغهای شب تارند، خداوند ایشان را از فتنه‌های تیره و تاریک نجات می‌دهد.

(۶) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود یکی از علامات آن است که برادران پدر و مادری در امر دین با هم اختلاف کنند.

و زود است که برادران ترک بیایند تا وارد جزیره شوند الخ. در علامات ظهور حدیث ۹ خواهد آمد.

به برادری ارث می‌دهد که در اظله الخ. در قائم حدیث ۲۹ خواهد آمد.

### ﴿ بربر ﴾

در ملاحم سید ص ۳۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زنهای بربر بهتر از مردانشان می‌باشند چون خداوند پیغمبری در ایشان مبعوث کرد او را کشتند آن وقت زنهای ایشان او را دفن کردند.

خروج کند بربر بسوی ناف شام. در بنو العباس حدیث ۱۷ خواهد آمد.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۷۴ از عبدالله بن عمر روایت کند که شر تقسیم شده بر هفتاد جزء و قرار داده‌اند شصت و نه جزء آن را در بربر و یک جزء آن را در باقی مردم.

(۱) درخت غضا درختی است که آتشش بغایت تیز است و از شدت گرمی تا چهار روز خاموش نمی‌شود الخ.

### ﴿ برگ ﴾

مثل شما امروز مثل برگیست. در زمان حدیث ۴۳ خواهد آمد.

### ﴿ بز ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۹۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود همیشه این شیعه (در گرفتاریست) تا جائی رسد که بمنزله بزى باشد که نداند قصاب یا ظالم به کجای او دست می خواهد بزند نه راه فرار داشته باشد و نه ملجأ و پناهگاهی که به آن تکیه کند، در امورات خود.

و ایضا در ص ۱۹۲ از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کند که فرمود همیشه مؤمنین (در گرفتاری هستند) تا به جائی رسد که بمنزله بز مرده باشند که ستمگران ندانند به کجای ایشان دستشان را بزنند و در بین ایشان ملجأ و مأوایی نباشد که به آن پناهنده شوند و نه تکیه گاهی باشد که به آن در امورات خود تکیه زنند. و ایضا در ص ۱۹۳ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود همیشه منتظر خواهید بود تا به جائی رسد که مثل بز ترسیده باشید که قصاب باکی نداشته باشد که هر جای آن بخواهد دست بزند و شما هم پناهگاهی نداشته باشید که به آن پناهنده شوید و تکیه گاهی نداشته باشید که به آن تکیه کنید.

و در روضه کافی ص ۲۶۳ ح ۳۷۹ و ۳۸۰ از امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که فرمود نخواهید دید آنچه را انتظار دارید تا وقتی مثل بز مرده باشید (که همه اعضا مساوی باشد در حرکت نکردن) بطوریکه ظالم باکی نداشته باشد هر جا بخواهد دست بزند و برای شما هم جای بلندی نباشد که بالا روید و تکیه گاهی نداشته باشید که در امور خود به آن تکیه دهید.

و چند عدد بز لاغر در پیش دارد الخ. در مکه حدیث ۱ خواهد آمد.

این همان صاحب بزها است. در بیعت حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ بشارت ﴾

در ملاحم ص ۱۶۳ باب ۱۸ رسول خدا ﷺ فرمود بشارت بدهم شما را به مهدی ﷺ مبعوث می شود در امت من وقتی که مردم اختلاف داشته باشند و زلزله باشد.

و در ص ۱۶۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بشارت بدهم شما را به مهدی ﷺ مبعوث می شود در امت من در وقتی که مردم اختلاف داشته باشند و زلزله باشد، پس پر می کند زمین را از عدل و داد چنانچه پر شده باشد از جور و ستم بطوریکه راضی شوند ساکنین آسمان و مال را بالسویه تقسیم کند الحدیث. در کافی ج ۳ ص ۵۳۸ امام صادق ﷺ فرمود بشارت باد پس بشارت باد پس بخدا قسم نیست حق مگر آنکه در دست شما است (یعنی مذهب حق مذهب شیعه است).

### ﴿ بُصْرَى ﴾

در آتش گذشت.

### ﴿ بَصْرَه ﴾

در بنو قنطوراء و ترک بیاید آنچه با بصره مناسبت دارد. در ملاحم ص ۹۱ سطر آخر از رسول خدا ﷺ روایت کند که اهل بصره (بعد از آمدن بنو قنطوراء) سه فرقه شوند یک فرقه مکت کنند، و یک فرقه ملحق به پدران خود شوند که منابت شیخ و قیصوم باشد و یک فرقه ملحق به شام گردند و اینها بهترین فرقه ها هستند.

و در ملاحم سید ص ۱۲۵ باب ۳۹ در ذیل حدیث از ابن عباس روایت کند که (فتنه) سوم در بصره است، و هلاک بصره از مردی است که دعوت می‌کند و تحریک می‌کند مر آن فتنه را، و اصل و فرعی هم ندارد. پس مردم دو فرقه می‌شوند یک فرقه با او و فرقه دیگر بر او خواهند بود. و تا چند سال مکث خواهد نمود، پس از آن خلیفه‌ای بر شما حکومت کند که فظ و غلیظ باشد. (یعنی بدخلق و خشن) که او را در آسمانها قتال (بسیار کشنده) و در زمین جبار نامند، خونها بریزد پس خونها را با آب ممزوج کند که آشامیده نشود، و اعراب را بر علیه ایشان به هیجان آورد و وقتی که اعراب هجوم آورند خلیفه کشته شود، و ستم و گناه بین مردم فاش گردد، الخبر. تمام حدیث در فتنه حدیث ۴۴ خواهد آمد.

و در ص ۱۲۶ باب ۴۰ روایت کند که فرمود راغب نباشید به سکونت بصره به جهت آنکه آنجا چشمه‌ای ظاهر شود که بصره و اطرافش را غرق کند حتی اینکه دیده نشود از آن مگر مسجدش که مثل سینه کشتی نمایان باشد.

و در همان صفحه باب ۴۱ فرمود واقع شد شمشیر واقع شد شمشیر، و چقدر زیاد است چشم گریان و چقدر زیاد است حرمت‌های حلال شده، و چقدر غم و اندوه که وارد گشته، پس از آن فرمود هلاک شد ضعیف هلاک شد ضعیف، فرمود بیاید شما را باد زرد از طرف قبله و تا سه روز و دو شب ادامه داشته باشد تا اینکه شب از شدت زردی مثل روز روشنائی دهد، و بعدش بصره غرق شود، پس از آن متوقع علامات پی در پی باشید از آسمان، مثل مهره در رشته کشیده منظومات باشد، و اول علامات صاعقه‌ها است پس از آن باد زرد است، پس از آن باد دائمی است و صوتی است از آسمان که مردم در آن بمیرند، و در واسط (شهریست) هلاک بیشمار باشد، و در کوفه عجائب باشد، و در اهواز زلزله باشد، پس خانه‌هاشان قبرستان باشد پس راهها بریده شود که احدی از شهری

به شهری نرود.

و در ص ۱۲۷ باب ۴۲ دارد که ربیعہ بن جوشن در بیت المقدس عبدالله بن عمر را ملاقات نمود عبدالله پرسید از کجا هستید گفت از اهل عراق پرسید از کجای عراق گفت از اهل بصره پس گفت آماده باشید ای اهل بصره، گفتیم از چه جهت آماده باشیم؟ - تا آنجا که گفت زود است بنو قنطوراء بر شما نازل شوند و به دجله برسند و به هر درخت خرمائی اسبی ببندند، پس شما را خارج کنند و ملحق سازند به (رکبه<sup>(۱)</sup> و ثنی<sup>(۲)</sup>) گفت گفتم بنو قنطوراء چیست؟ گفت خدا می داند اما از جهت اسم اینطور در کتب یافتیم و اما جهت صفت ترک است. و در ملاحم ص ۹۱ و ص ۱۲۷ و ص ۱۷۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زمینی است آن را بصره گویند، در جنب آن نهری است که آن را دجله گویند و درخت خرمای بسیاری دارد که بنو قنطوراء بر آن نازل شوند پس مردم سه دسته گردند، یک دسته به اصل خود برگردند پس هلاک شوند، و یک دسته خود را نگاه دارند پس کافر شوند، و یک دسته ذریه خود را پشت سر گذارند و بجنگند، کشته‌های ایشان شهدایند و خداوند به ایشان فیروزی دهد. و در بنو قنطوراء نظیرش خواهد آمد.

و در الزام الناصب ج ۱ ص ۲۰۷ از اربعین خوئی یکی از علامات ظهور را در حدیث معراج فرمود و بصره خراب شود بدست یکی از ذریه تو که متابعت او کنند زنوج (یعنی جماعتی از سودان)

و در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیر المؤمنین علیه السلام فرمود در نواحی و اطراف بصره حرکتی است که من آن را نمی‌گویم و عرب بر عجم غالب می‌شود و به

(۱) رکبه اسم چند موضع است بین مکه و طائف است. وادی است از وادیهای طائف. و از زمینهای بنی عامر است بین مکه و عراق. و کوهی باشد در حجاز الخ. م

(۲) و ثنی. علم است برای چند جا در جزیره الخ. م

اهواز روی آور می‌شوند بدون مردم.

در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۴ از شرح نهج البلاغه ابن میثم روایت کند که چون امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ جمل فارغ شد خطبه‌ای در بصره خواند پس از حمد خدا و درود بر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله فرمود ای اهل بصره ای شهری که زیر و رو می‌شود سه مرتبه با اهلش زیر و رو شده چهارمیش را هم خدا تمام خواهد کرد، ای لشکر زن (یعنی عایشه) و یاران حیوان صدا کرد و شما اجابتش کردید، پای شتر که زده شد همه فرار کردید، اخلاقتان ناچیز است، و دینتان نفاق است، آبتان تلخ است که آشامیده نمی‌شود، شهرتان از جهت خاک گندیده‌ترین بلاد خدا است، و دورترین بلاد است از آسمان، نه قسم از بدیها در اینجا است، کسی که در اینجا مانده بواسطه گنااهش می‌باشد، و کسی که از اینجا خارج شده به عفو خدا بوده، مثل اینکه نظر می‌کنم به قریه شما که آب او را گرفته بطوریکه دیده نشود از آن مگر بلندی که مثل سینه پرنده که در وسط دریا باشد... وقتی دیدید بصره را که خانه‌های سعفی تبدیل به ساختمان شد و خانه‌های نی‌ای تبدیل به قصرها شد، پس فرار کنید فرار کنید که آن روز بصره‌ای برای شما نخواهد ماند، پس التفاتی بدست راست نموده فرمود چه مقدار مسافت بین شما و ابله است <sup>(۱)</sup> منذر بن الجارود گفت پدر و مادرم فدایت باد چهار فرسخ است، فرمود راست گفתי قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث گردانیده و به نبوت گرامیش داشته و به رسالت اختصاصش داده و روحش را به بهشت با شتاب برده، شنیدم از او چنانچه شما از من می‌شنوید که فرمود یا علی آیا می‌دانی که بین بصره و ابله چهار فرسخ است و زود است که ابله جای اصحاب گمرگ باشد که در آنجا از امت من هفتاد هزار کشته و شهید شوند و ایشان در آن

(۱) ابله فعلا همان بصره و جای گمرک است که سابقا قریه‌ای بوده و چهار فرسخ فاصله داشته. در ابله

روز بمنزله شهداء بدر باشند، منذر عرض کرد یا امیرالمؤمنین چه کسی ایشان را می‌کشد پدر و مادرم قربانت شود؟ فرمود می‌کشد ایشان را دو برادر و ایشان طائفه‌ای هستند که مثل شیاطینند، روهای سیاه و بوهای گندیده دارند، سخت است شرشان و کم است غارتشان، خوشا بحال کسی که او را کشته‌اند کوچ کند برای جهاد ایشان در آن زمان گروهی که دلیل باشند نزد متکبرین اهل آن زمان، و نامعلوم باشند در زمین و معروف باشند در آسمان، گریه کند بر ایشان آسمان و سکانش و زمین و سکانش، پس چشم حضرت گریان شد، سپس فرمود (ویحک یا بصره) رحمت باد ترا ای بصره از لشکری که نه غبار دارد و نه حس و حرکت، منذر عرض کرد یا امیرالمؤمنین چه بر سر ایشان خواهد آمد قبل از غرق شدن و ویح چیست؟

فرمود آن دو باب است (یعنی ویح و ویل) ویح باب رحمت است و ویل باب عذاب، ای پسر جارود، بلی چند مرتبه فتنه‌هایی بزرگی یکی بعد از دیگری رخ خواهد داد در یکی از آن فتنه‌ها جماعتی همدیگر را بکشند و در یکی از آن فتنه‌ها خراب شدن منازل و دیار است و هتک اموال و اسیری زنان است ذبح کرده شوند یک نوع ذبحی ای وای کار ایشان تازه و عجیب است و یکی از آن فتنه‌ها منزل کردن دجال بزرگ یک چشمی است که چشم راستش ممسوح است و چشم دیگرش مثل اینکه ممزوج به خون است از سرخی خیال می‌شود یک پارچه خون است، و مثل دانه انگور که روی آب سیر می‌کند برجسته است پس متابعتش کنند از اهل آن (بصره) مثل عده‌ای که در ابله کشته شدند از شهداء (که عده ایشان هفتاد هزار بود).

انجیلهاشان در سینه ایشان آویزان است، پس کشته می‌شوند آنچه کشته شدند و فرار می‌کنند آنچه فرار کردند، پس زلزله است، پس از آن سنگباران است، پس از آن فرو رفتن به زمین است پس از آن مسخ و شکل بوزینه

درآمدن است. پس از آن گرسنگی سخت است، پس از آن مرگ سرخ است و آن غرق شدن است<sup>(۱)</sup>.

ای منذر بدرستیکه برای بصره سه اسم دیگر است در کتابهای گذشته نداند آن را مگر علماء یکی (ضریبه) دیگری (تدمر) سومی (المؤتفکه) تا آنجا که فرمود ای اهل بصره بدرستیکه خدا قرار نداده برای احدی از شهرهای مسلمین قصه شرف و نه کرم را جز آنکه قرار داده در شما افضل و بهترش را و از فضل خود در شما چیزی را زیاد کرده که در ایشان نیست، شما محکمترین مردم هستید از جهت قبله، قبله شما مقابل جائیست که امام جماعت در مکه می ایستد و قاریان شما قاری ترین مردمند، و زاهد شما زاهدترین مردم است و عابد شما عابدترین مردمند و تاجر شما تاجرترین مردمند و راستگوترین مردم در تجارتشان، و صدقه دهنده شما گرمی ترین مردمند از جهت صدقه و غنی شما سخت ترین مردمند از جهت بذل و تواضع و شریفان شما بهترین مردمند از جهت خلق، و شما بیشترین مردمید از جهت جوار و همسایه داری و کمترین مردمید از جهت تکلف نسبت به چیزهای بی فائده و حریص ترین مردمید در نماز جماعت، ثمره و میوه های شما بیشترین میوه ها است، و اموال شما بیش از همه است و کوچکان شما زیرک ترین بچه هایند، و زنان شما عزیزترین زنانند و بهترین زنانند از جهت شوهرداری، آب را برای شما مسخر کرده صبح و شب از کنار شما می گذرد برای اصلاح معاش شما، و دریا باعث کثرت اموال شماست پس اگر صبر کنید و مستقیم باشید (در راه دیانت) شجره طوبی مال شما و جای استراحت گاه شما است و در زیر سایه رحمت ابدی خواهید بود جز آنکه حکم خدا گذاشته و قضائش نافذ و حکمی بعد از حکم او نیست و اوست زود حساب

(۱) همه جا مرگ سرخ را کشته شدن با شمشیر معنا کرده اند الا در این حدیث که به معنای غرق شدن گرفته.



کننده، خداوند می فرماید هیچ قریه و دهی نیست جز آنکه ما آن را هلاک کننده ایم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده ایم آن را به یک عذاب سخت و این در علم خدا نوشته شده تا آنجا که فرمود روزی رسول خدا به من فرمود و غیر از من با او کسی نبود به اینکه جبرئیل مرا روی کتف راستش برداشت تا تمام روی زمین را با آنچه روی آن بود به من نشان داد و کلیدهای آن را به من عطا فرمود و یاد من داد آنچه در آن و پشت آن بود و آنچه را که تا روز قیامت خواهد بود و چیز بزرگ و مهمی هم نبود چنانچه آنچه به آدم یاد داده بودند و به ملائکه مقربین یاد نداده بودند و کنار شط فرات بقعه ای را دیدم که آن را بصره می گویند و آن دورترین زمینها است از آسمان و نزدیکترین زمینها است از آب و سریع ترین زمینها است از جهت خرابی و زبرترین زمینها است از حیث خاک و سخت ترین زمینها است از جهت عذاب، و چند مرتبه در زمانهای گذشته فرو رفته به زمین، و البته زمان دیگری هم خواهد دید و برای شما ای اهل بصره و دهات مجاور شما بلائی از آب خواهد بود و من جوشیدن آب را در این قریه شما می دانم کجا است و بلاهای بزرگی قبل از این آن را باید فرو گیرد که از شما مخفی است و ما آن را می دانیم. پس هرکس از آن خارج شود پیش از غرق شدن پس بواسطه رحمت خدا است و هرکس در آن باقی ماند و برای حفظ حدود نباشد بواسطه گنااهش بوده و خدا به کسی ظلم نمی کند.

در بصره سه خسف و فرو رفتن به زمین واقع خواهد شد پس از آن آب طغیان کند و هرکس که از شمشیر نجات یافته بود به آب غرق شود الخ. در فتنه حدیث ۴۴ خواهد آمد.

### ﴿ بعلبک ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۳۱ فرمود بواسطه امان دادن به بعلبک داخل

شوند و بلاها به اطراف لبنان وارد شود.

### ﴿ بغداد ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم ص ۱۳۲ روایت کند که فرمود در بغداد زمین فرورود و سنگباران شود و زلزله آید و آن سریع‌ترین زمینها است به خراب شدن.

و در ملاحم ص ۱۳۷ رسول خدا ﷺ فتنه‌ها را نام برد پس فرمود فتنه داخل زوراء یعنی بغداد شود پس چه بسیار مرد کشته شده و زن کشته شده و اموال غارت شده و فرج‌هایی که حلال دانسته‌اند، خدا رحمت کند کسی را که زنده‌های بنی‌هاشم را در آن روز جای دهد (و از فتنه حفظ کند) چون ایشان حرمت من هستند الحدیث.

و در ملاحم ص ۱۴۳ ابن عباس فرمود در زوراء (بغداد) باد سرخی به هیجان آید که مردم آن را منکر شمارند و با فزع و زاری به علماء خود پناهنده شوند پس ببینند علمائشان مسخ شده بصورت بوزینه و خوک گشته‌اند و صورت‌هایشان سیاه و چشمانشان کبود گشته.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۶ در ذیل حدیثی فرمود یکی از علامات خراب شدن بغداد است.

در کشف الغمه ج ۲ ص ۴۵۷ فرموده یکی از علامات ساخته شدن پلی است در محله کرخ بغداد.

در بحار ج ۵۳ ص ۱۴ در ذیل حدیث مفضل از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند آقای من در آن وقت (یعنی اوائل زمان ظهور) خانه فاسقین (بغداد) یا (تهران)<sup>(۲)</sup> چگونه است؟ فرمود در لعنت خدا و سخط اوست، فتنه‌ها آن را

(۱) در زوراء اخباری خواهد آمد ملاحظه شود.

(۲) آخر حدیث (زوراء) دارد و آن بر بغداد و تهران هر دو اطلاق شده.

خراب کنند و با زمین مساوی شود، پس وای بر آن و بر اهل آن، از پرچمهای زرد و پرچمهای مغرب و کسی که جزیره را بدوشد و از آن پرچمهایی که از نزدیک و دور به آن می‌رسد قسم بخدا هرآینه نازل شود بر آن عذابهایی که به مردم کافر از اول روزگار تا آخر آن نرسیده بود، و هرآینه نازل شود بر آن عذابی که مثلش را چشمش ندیده بوده و گوشش نشنیده بوده و طوفان اهل آن شهر نباشد مگر به شمشیر، پس وای بر کسی که آن را مسکن خود قرار دهد، پس هرکس آنجا مقیم شود با شقاوت باقی بماند، و هرکس از آنجا خارج شود خداوند رحمتش کند، بخدا قسم هرآینه باقی بماند از اهلش در دنیا تا وقتی که بگوید همین است دنیا، و خانه‌ها و قصورش همان بهشت است و دخترانش همان حورالعین است، و پسرانش همان پسران بهشتی است، و گمان کنند خداوند رزق بندگان را تقسیم نکرده مگر در آنجا و هرآینه ظاهر سازند در آن از افتراء به خدا و رسولش و حکم کنند بغیر کتاب خدا، و شهادت دروغی بدهند و خمر بیاشامند، و زنا کنند، و حرام بخورند، و خونها بریزند که در دنیا مثلش نریخته باشند، پس خداوند به آن فتنه‌ها و آن پرچمها آنجا را خراب کند بطوریکه مرور کننده به آن مرور کند و بگوید اینجا زوراء بود (بغداد یا تهران).

این شهر قسم به خدای علی ای عمرو بن سعد بغداد است الخ. در علامات ظهور حدیث ۱ خواهد آمد.

و فرورفتن مزوره که بغداد باشد. در زوراء حدیث ۴ خواهد آمد.

### ﴿ بقیة الله ﴾

بقیة الله خیر لکم الخ. در قائم حدیث ۲۸ و ۳۸ خواهد آمد.  
السلام علیک یا بقیة الله الخ. در قائم حدیث ۲۸ و ۳۸ خواهد آمد.

### ﴿ بلاء ﴾

در فقیه ج ۴ ص ۲۷۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که دفع کنید بلاء را به دعاء .  
و این بلاء به مقدار حمل یک زنی باشد . در زندهای آخر الزمان حدیث ۲  
خواهد آمد .

در کافی ج ۲ ص ۲۵۲ از امام ششم روایت کند که سخت ترین مردم از جهت  
بلاء انبیاء هستند پس از ایشان هرکس از حیث عقیده و عمل به ایشان نزدیک تر  
باشد . الخ .

ایضا در کافی ج ۲ ص ۲۵۲ از امام ششم روایت کند که مزد بزرگ با بلاء  
بزرگ است . و هرکس را خدا دوست دارد او را مبتلا می سازد .  
در فقیه ج ۴ ص ۲۷۲ فرمود بلاء موکل به نطق است (یعنی هرکس ساکت  
باشد سالم باشد)

### ﴿ بلاد ﴾

اکثر بلاد برگردد به بیابان خشک شده . در اندلس گذشت .

### ﴿ بلخ ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی رضی الله عنه به  
عمر فرمود یکی از شهرهای خراسان بلخ است که یکبار خراب و چون بار  
دیگر خراب شود هرگز آبادان نگردد ، کاش میان ما و بلخ کوه قاف و جبل صاد  
میانجی بودی .

### ﴿ بناها ﴾

بناها را بلند سازند. در زمان حدیث ۴۳ خواهد آمد.

### ﴿ بنو ابی العاص ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۰ در دو حدیث از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود چون بنی ابی العاص به سی مرد برسند مال خدا را بین خود تقسیم کنند و بندگان خدا را عبد خود گردانند. و دین خدا را خیانت کنند.

### ﴿ بنو اسرائیل ﴾

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۶۷ دارد مثل اینکه از رجال بنی اسرائیل است (یعنی حضرت حجت علیه السلام)  
در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۷۴ عمران بن حصین عرض کرد یا رسول الله اوصافش را برای ما بیان فرما تا بشناسیم او را، فرمود او مردیست از اولاد من مثل اینکه از مردان بنی اسرائیل است الخ.

### ﴿ بنو الاصفر ﴾

در هدنه خواهد آمد.

### ﴿ بنو امیه ﴾

(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۷۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که چون بنی امیه به چهل برسند بندگان خدا را عبد خود گردانند و مال خدا را نحله خود کنند، و کتاب خدا را خیانت کنند.

(۲) و در ص ۴۸۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود مبعوض ترین قبائل بسوی رسول خدا ﷺ بنو امیه و بنو حنیفه و ثقیف می باشند .

(۳) و در ملاحم سید بن طاووس ص ۲۸ در ذیل حدیثی دارد که افتتاح بنی امیه به میم است و ختم ایشان هم به میم است (اولشان معاویه و آخرشان مروان بن محمد) و پادشاهی ایشان نرود تا اینکه خلع شود خلیفه‌ای از ایشان بواسطه کشته شدن، و کشته شود دو شتر نرشان، و کشته شود جمل اصهب (شتر سرخ سپیدی آمیخته) که مروان باشد آن وقت پادشاهی ایشان منقطع شود و بدست او تاج خراب شود .

(۴) و در ملاحم سید بن طاووس ص ۳۰ باب ۲۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود اهل بیت من زود باشد برسند از امت من کشتار و پراکندگی را، و سخت ترین جماعت از جهت دشمنی با ما بنو امیه و بنو المغیره و بنو مخزومند .

(۵) و در ملاحم ص ۳۱ باب ۲۷ از ابن عباس روایت کند که امر خلافت همیشه در بنی امیه باشد مادامیکه اختلاف نکنند پس چون اختلاف کنند بین خود از ایشان خارج شود تا روز قیامت .

(۶) و در ص ۳۴ باب ۳۳ از رسول خدا روایت کند که فرمود وای بر امت من از دو دسته یک دسته بنو امیه و یک دسته بنو العباس که هر دو پرچم ضالالتند .

(۷) و در ص ۳۶ دارد که بعد از هلاک بنو امیه جالب الوحش<sup>(۱)</sup> خواهد آمد می فرستد خداوند بسوی او اهل زمین را از چهار گوشه عذاب می کند خداوند بواسطه او امت را .

(۸) و در ملاحم ص ۹۵ باب ۲۰۱ از کعب روایت کند که مالک می شود بنی امیه صد سال و شصت و چند سال شهرهائی بنا می کند مثل اینکه دیوار آهنی بر دور ایشان کشیده شده که هیچ مفارقتی نداشته باشد تا اینکه خودشان با دست

(۱) جالب الوحش شاید لقب کسی باشد .

خودشان از بین ببرند پس از آن هرچه بخواهند اصلاح کنند دیگر نشود هر طرف را درست کنند طرف دیگر از هم پیاشد، تا خدا ایشان را هلاک سازد، افتتاح ملکشان به میم باشد و انقراض و ختم ایشان هم به میم باشد (اول ایشان معاویه و آخر ایشان مروان) و ملک ایشان ساقط نشود جز آنکه خلیفه‌ای از ایشان خلع شود و دو شترشان (کنایه از دو خلیفه) کشته شود و ایضا خر جزیره کشته شود که مروان باشد با اوست شیطان و شرار مردم از ترس پس بدست او است منهدم شدن شهرها و بدست او است لرزه.

(۹) و در ص ۱۲۱ باب ۳۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که شر قبائل عرب بنو امیه و بنو حنیفه اند الحدیث.

(۱۰) و در ص ۱۶۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که اول کسی که تبدیل کند سنت مرا مردی است از بنی امیه.

(۱۱) و در حدیث دیگر آمده که هر دینی آفتی دارد و آفت این دین بنو امیه اند.

(۱۲) و در غیبت نعمانی ص ۱۹۵ حضرت باقر علیه السلام فرمود بدانکه برای بنی امیه ملکی است که مردم قدرت نداشته باشند از رد کردن آن.

(۱۳) و در غیبت شیخ طوسی ص ۱۱۶ از عبیدالله بن شریک روایت کند که امام حسین علیه السلام مرور و عبور کرد بر حلقه‌ای از بنی امیه که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند، فرمود آگاه باشید بخدا قسم دنیا نرود تا وقتی که خداوند مردی از نسل من بفرستد که هزار نفر از شما را بکشد و با آن هزار نفر دیگر را بکشد، و با آن هزار، هزار نفر دیگر بکشد (که مجموع سه هزار نفر می‌شود) راوی عرض کرد فدایت شوم ایشان عددشان به این مقدار نمی‌رسد. فرمود وای بر تو در آن زمان از صلب هر مردی چنان و چنان است. و مولی و غلام ایشان از خودشان می‌باشد (یعنی از قریش)

### ﴿ بنو حفصه ﴾

در ملاحم سید ص ۱۲۸ باب ۴۵ روایت کند که زود است بنو حفصه یعنی ترکها بروند بسوی عراق و غلبه کنند بر هر سفید و سیاهی و پادشاهی ایشان ادامه داشته باشد مثل پادشاهی فرعون، تا وقتی که خود را استمساک و منع کنند و خود را عزیز دانند و ستم نمایند خداوند باران را از ایشان منع و بواسطه بعضی ایشان از بعضی دیگر انتقام بکشد برای بد رفتاریشان با رعیت و کشتن مسلمانها، لباس ایشان لباس اهل کفر است، آن وقت بین ایشان دشمنی و بغض و کینه واقع شود آن وقت متواری و نابود شوند، آن وقت پادشاهی در نسل پیغمبر گذاشته شود و ایشان اولی از مردم هستند و سزاوارتر از دیگرانند به گفتار عدل.

### ﴿ بنوالحکم بن ابی العاص ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود خواب دیدم که بنوالحکم بن ابی العاص از منبر بالا می‌روند مثل بوزینه بعد از آنهم پیغمبر را خنده روی ندیدند تا وفات نمود.

### ﴿ بنو شیبه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۰۸ ذیل حدیث دوم از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که اول چیزی که حضرت حجت به آن ابتداء می‌کند آن است که دست بنی شیبه را قطع می‌کند و در کعبه آویزان می‌کند و منادی حضرت ندا می‌کند که ایشانند دزدان خانه خدا. الحدیث.

در تهذیب ج ۴ ص ۳۳۳ امام صادق از پدرش علیه السلام روایت کند که حضرت



حجت دستهای بنی شیبه را قطع کند و در کعبه آویزان نماید .  
و در وافی ج ۲ ص ۱۱۳ از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت دست‌های  
بنی شیبه را قطع کند و به کعبه آویزان نماید و بر آن بنویسد دزدان کعبه .

### ﴿ بنو العباس ﴾

(۱) در ملاحم سید ص ۳۲ روایت کند که چون خراسان فتح شد عمر بن  
الخطاب گریه کرد، عبدالرحمن بن عوف گفت آیا گریه می‌کنی یا امیرالمؤمنین و  
حال آنکه یک همچه فتحی برای شما شده، گفت چرا گریه نکنم دوست  
می‌داشتم بین ما و ایشان یک دریای آتش فاصل بود. چون از رسول خدا صلی الله علیه و آله  
شنیدم که فرمود چون پرچمهای اولاد عباس از گردنه خراسان رو آور شود خبر  
مرگ اسلام آورده شده و هرکس زیر پرچم ایشان درآید شفاعت من روز  
قیامت به ایشان نرسد .

(۲) و در ص ۳۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مرا با بنی العباس  
چکار؟ امت من را دسته دسته کردند، و خونهایشان را ریختند و لباس سیاه بر  
ایشان پوشانیدند، خدا لباس آتشین به ایشان پوشاند .

(۳) در حدیث دیگر فرمود وای بر امت من از دو دسته، بنو امیه و بنو العباس  
که هر دو پرچم گمراهی هستند .

خارج می‌شود پرچم سیاه برای بنی العباس الخ . در شعیب بن صالح خواهد  
آمد .

(۴) و در ص ۳۵ باب ۳۴ روایت کند که برای بنی العباس دو پرچم خواهد  
بود یکی اولش نصر و آخرش وزر است یاریش نکنید خدا یاریش نکند . دوم  
اولش وزر است و آخرش کفر یاریش نکنید خدا یاریش نکند .

(۵) و در ص ۳۶ باب ۳۹ روایت کند که خارج می‌شود از طرف خراسان

پرچمی و همیشه برپا هستند تا اینکه ظاهر شود هلاکشان از همان طرفی که ظهور پیدا کرده بودند (چون بنی العباس اول از طرف خراسان یاری شدند و آخر هم از طرف خراسان نابود شدند)

(۶) و در ص ۳۷ باب ۴۰ از کعب روایت کند که چون پادشاهی برسد به مردی از بنی العباس که او را عبدالله نامند و آن صاحب (عین) است و آخر ایشان است به عبدالله افتتاح می شود و به عبدالله ختم می گردد<sup>(۱)</sup> پس کلید بلاء و شمشیر فناء است. الحدیث.

(۷) و در ص ۳۹ باب ۴۹ روایت کند که همیشه مردم در خیر و راحتند مادامیکه پادشاهی بنی العباس منقضی نشده باشد، پس وقتی که پادشاهی ایشان منقضی شد همیشه مردم در فتنه باشند تا قیام مهدی علیه السلام.

(۸) و در ص ۳۹ باب ۵۰ روایت کند که بنی العباس به پادشاهی رسند بطوریکه مردم از خیر مأیوس باشند پس از آن امر ایشان پراکنده شود پس در آن وقت اگر نیافتید مگر سوراخ عقربی را پس داخل شوید در آن که مردم به شر طویلی مبتلا خواهند شد تا پادشاهی ایشان از بین برود و مهدی علیه السلام قیام کند.

(۹) و در ص ۳۹ باب ۵۱ از ابن عباس روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود چون پنجمی از اهل بیت من بمیرد (که مراد هارون الرشید باشد) پس فتنه و کشتار باشد تا هفتمی بمیرد همین طور فتنه باقی است تا مهدی قیام کند.

(۱۰) و در ص ۴۳ باب ۶۱ از کعب الاحبار روایت کند که علامت از بین رفتن سلطنت بنی العباس سرخی ایست که در آسمان ظاهر می شود. و ستاره‌ای است که از مشرق طلوع می کند مثل ماه شب چهارده روشنائی می دهد پس گره

---

(۱) یعنی اول خلفاء بنی العباس اسمش عبدالله است و آخرش نیز عبدالله است چون سفاخ اسمش عبدالله بن محمد است که اول خلفاء ایشان است و مستعصم که اسمش عبدالله بن مستعصم است آخر ایشان است.

می خورد (یا بر طرف می شود) ولید می گوید از کعب رسیده که قحطی در مشرق و بلائی در مغرب و سرخی در جو آسمان و مرگی از طرف قبله انتشار پیدا می کند. (۱۱) و در ص ۵۹ باب ۱۱۴ روایت کند که مردی از بنی هاشم سلطنت کند و بنی امیه را بکشد و از ایشان نگذارد مگر اندکی و از غیر ایشان نکشد پس از او مردی از بنی امیه خروج کند (یعنی سفیانی) و عوض هر مردی دو نفر بکشد، بطوریکه نماند مگر زنها پس از او مهدی علیه السلام خروج کند.

(۱۲) و در غیبت نعمانی ص ۱۹۹ ذیل حدیث ۱۲ امام چهارم علیه السلام فرمود: بدرستیکه در صلب او (یعنی ابن عباس) ودیعه ایست که خلق شده برای جهنم، زود است که جماعتی را از دین خدا فوج فوج خارج کند الخ.

(۱۳) و ایضا در ص ۲۴۹ حدیث چهارم از امیرالمؤمنین روایت کند که ملک و پادشاهی بنی العباس آسان است سختی در آن نیست، که اگر بر علیه ایشان ترک و دیلم و سند و هند و بربر و طیلسان قیام کنند نتوانند آن را زائل کنند و همیشه در فراخی عیش خواهند بود، تا اینکه اصحاب و دوستان ایشان کم شوند آن وقت خداوند مسلط می کند بر ایشان کافری را، خروج بر ایشان از همان طرفی که ملک به ایشان رسید (که خراسان باشد) بر شهری نگذرد جز آنکه فتح کند آن را، و پرچمی بلند نشود برای او مگر آنکه بشکنند آن را و نه نعمتی مگر آنکه زائل نماید آن را، وای بر کسی که معارضه کند او را، و همیشه اینطور خواهد بود تا پیروز شود و پیرویش را بدهد به مردی از عترت من که حق بگوید و بحق عمل کند.

(۱۴) و در غیبت نعمانی ص ۲۵۹ و بحار ج ۵۲ ص ۲۳۴ از امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که باید بنی العباس مالک شوند و چون به ملک برسند و اختلاف کنند و امرشان پراکنده شود، بر علیه ایشان خراسانی و سفیانی خروج کنند این از مشرق و آن از مغرب هر دو بسوی کوفه بشتابند مثل دو اسب گرو

بسته تا وقتی که بوده باشد هلاکشان بدست این دو طائفه آگاه باشید که یک نفر از ایشان را باقی نخواهند گذاشت.

(۱۵) و ایضا در ص ۲۸۷ حدیث ۷ مفضل بن عمر می گوید در طواف نزد امام ششم بودم پس به من نگاه کرده فرمود چرا مهموم می بینم تو را و رنگ صورتت متغیر است؟ عرض کردم فدایت شوم چشمم به بنی عباس است که چه سلطنتی دارند اگر این پادشاهی بدست شما بود ما هم با شما بودیم. حضرت فرمود ای مفضل (نه چنین است) اگر ملک و پادشاهی در دست ما بود باید بود شبها در حراست مردم بکوشیم و روزها به امور و مهمات مردم بپردازیم و غذایی درشت بخوریم و لباس خشن بپوشیم مثل امیرالمؤمنین علیه السلام (که نان جو می خوردند و لباس پشمی می پوشیدند) و الا آتش است پس پادشاهی از ما گرفته شده پس ما (آزاد شدیم) می خوریم و می آشامیم و آیا دیده ای که ظلمی را خداوند نعمت قرار دهد مثل این ظلم که به ما شده (یعنی تکلیف مردم بر حکومت وقت است چون حکومت نداریم مأموریتی هم که مثل امیرالمؤمنین علیه السلام زندگی بکنیم نداریم).

(۱۶) و در ص ۳۰۲ حدیث ۹ علی بن ابی حمزه روایت کند که من در بین مکه و مدینه با موسی بن جعفر علیه السلام بودم روزی به من فرمود ای علی اگر اهل آسمانها و زمین بر بنی العباس خروج کنند زمین از خون ایشان سیراب شود (یعنی هرکس بر علیه بنی العباس خروج کند روبرو می شود با شکست) تا وقتی سفیانی خروج کند عرض کردم امر سفیانی از علامت حتمیه است فرمود بلی، پس مقداری مکت فرمودند پس سر مبارک را بالا نموده فرمودند ملک بنی العباس مکر و خدعه است، می رود بطوریکه نماند از آن چیزی پس از آن دو مرتبه تجدید می شود بطوریکه گفته شود چیزی از آن نگذشته.

(۱۷) در ملاحم ص ۵۶ از کعب روایت کند که وقتی دور زد آسیای بنی

العباس و بستند صاحبان پرچمهای سیاه اسبهای خود را به درختهای زیتون  
شام و هلاک کرد خدا اصهب را، و کشت او را با عموم خانواده او، بر دست  
ایشان تا اینکه باقی نماند از ایشان یک نفر بنی امیه جز فرار کننده و مخفی شده،  
و ساقط می کند سفیانی بنو جعفر و بنو عباس را، و بنشینند ابن آكلة الاکباد (پسر  
هند جگر خوار) روی منبر دمشق، و خروج کند بر بر بسوی ناف شام (که دمشق  
است) پس آن علامت خروج مهدی است.

### ﴿ بنو فاطمه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۸۸ حدیث دوم از ابی خالد کابلی روایت کند که  
می گوید چون علی بن الحسین علیه السلام از دنیا رفت داخل شدم بر امام محمد  
باقر علیه السلام و عرض کردم فدایت شوم می دانی که من از همه دست کشیده به پدرت  
پیوسته و به او مأنوس بودم، و از مردم وحشت داشتم حضرت فرمود راست  
می گوئی ای ابا خالد حالا چه می خواهی؟ عرض کردم فدایت شوم پدرت  
صاحب این امر را به من معرفی فرموده بود به صفتی که اگر در راه او را ببینم  
هرآینه دستش را خواهم گرفت. حضرت فرمود حالا چه می خواهی ای ابا  
خالد؟ عرض کردم می خواهم نامش را پیری تا اسمش را بدانم (یعنی امام بعد از  
خود را به من معرفی کن) پس حضرت فرمود بخدا قسم ای ابا خالد از من سؤال  
کردی از چیزی که ناراحت کننده است و بدرستیکه سؤال کردی از من از امری  
که به احدی نگفته ام و اگر به کسی گفته بودم هرآینه بتو هم خبر می دادم، و  
بتحقیق سؤال کردی از امری که اگر اولاد فاطمه بشناسند او را جلدش را بکنند  
و او را قطعه قطعه کنند (پس وقتی که اولاد فاطمه زیر بار حق نروند پس وای بر  
مردم بیگانه)

### ﴿ بنو قنطوراء ﴾<sup>(۱)</sup>

(۱) در ملاحم ص ۸۷ از عبدالله بن عمر روایت کند که به اهل عراق گفت قسم به خدائی که جز او نیست زود است که بنو قنطورا شما را از خراسان و سجستان سوق دهند و بیرون کنند بیرون کردن سختی تا شما را به ابله (شهریست نزدیک بصره) برسانند و اسبی را باقی نگذارند پس بفرستند بسوی اهل بصره که یا از بلاد ما خارج شوید و یا ما بر شما نازل خواهیم شد، پس سه فرقه می شوند یک فرقه ملحق به کوفه می شوند و یک فرقه ملحق به حجاز می گردند و یک فرقه به زمین بادیه که زمین عرب باشد می روند، پس داخل بصره شده یکسال اقامت می کنند پس می فرستند بسوی اهل کوفه که یا از بلاد ما خارج شوید و یا ما بر شما نازل خواهیم شد ایشان هم سه فرقه می شوند یک فرقه به شام ملحق می شوند و یک فرقه به حجاز و یک فرقه به بادیه زمین عرب می روند و باقی می ماند عراق که احدی یک قفیز زمین و نه درهمی نداشته باشد و این وقتی است که حکومت با بچه ها باشد پس بخدا البته البته این خواهد شد سه مرتبه تکرار کرد.

(۲) در ملاحم سید بن طاووس ص ۹۰ باب ۲۰۰ از عبدالله بن عمر روایت کرد که زود است بنو قنطورا ابن کنکر خارج بشوند و اهل خراسان را ترغیب کنند بر سیر کردن ترغیب کردن سختی، تا اسبهاشان را وارد بر نهر ابله<sup>(۲)</sup> پس

(۱) بنو قنطوراء فی نهاية الارب هم بطن من العمالقة من العرب العارئة البائدة.

وقال فی القاموس: بنو قنطورا الترك او السودان، او جارية لابراهيم عليه السلام من نسلها الترك.

و در لسان العرب گوید بنو قنطوراء هم الترك یعنی ایشان ترکند. و در حدیث ابی بکره دارد که چون آخرالزمان شود بیاید بنو قنطورا و اقوال گذشته را هم نقل کرده انتهى.

(۲) در معجم البلدان گوید الابله شهریست در کنار دجله بصره و اقدم از بصره است.

و در بصره و ترک گذشت و خواهد آمد آنچه مناسب این مقام است.

بفرستند بسوی اهل بصره که واگذارید برای ما زمینهای خود را یا ما بر شما نازل می شویم پس (اهل بصره) سه فرقه شوند یک فرقه ملحق به عرب شوند و یک فرقه ملحق به شام گردند و یک فرقه به دشمنهایشان ملحق شوند، و علامت این آن است که حکومت بی خردان همه زمین را بگیرد.

(۴) و ایضا از رسول خدا ﷺ روایت کند که زمینی است آن را بصره یا بصیره گویند بیاید بسوی ایشان بنو قنطورا تا وارد شوند به نهری که آن را دجله گویند صاحب نخل خرما است. پس (اهل بصره) سه فرقه شوند، یک فرقه ملحق به اصل خود شوند پس هلاک گردند، و یک فرقه خودداری کنند پس کافر شوند، و یک فرقه عیالات خود را پشت سر نگاه دارند و با ایشان مقاتله نمایند خداوند هم فتح کند بر ایشان.

و در ص ۱۲۷ باب ۴۳ ایضا به این مضمون روایت شده.

(۵) و در ص ۹۲ راجع به بنو قنطوراء آمده است که چشمهایشان مثل وزغ است و رویهایشان مثل سپر است و برای ایشان جنگی است بین دجله و فرات، و جنگی است به مرج حمار و جنگی است در دجله که اول روز هر کس بخواهد عبور کند به شام صد دینار باید بدهد و در آخر روز زیادتر می شود.

(۶) در حدیث دیگر از رسول خدا ﷺ روایت کند که متفرق شوند به سه فرقه یک فرقه مکت کنند و یک فرقه به پدرانیشان منابت الشیخ<sup>(۱)</sup> و قیصوم ملحق شوند، و یک فرقه به شام ملحق شوند و ایشان بهترین فرقه ها هستند.

(۷) و در ص ۹۲ از عبدالله بن عمر روایت کند که زود است بنو قنطوراء شما را از زمین عراق خارج کنند راوی گفت پس برمی گردیم؟ گفت تو می خواهی برگردی گفت بلی گفت بلی برمی گردید و برای شما زندگی پاکیزه ای خواهد بود.

(۱) الشیخ در معجم البلدان گوید موضعی است در دیار بنو یربوع و موضعی است به یمامه و موضعی است در جزیره.

(۸) در ص ۱۲۷ باب ۴۲ از عبدالله بن عمر نقل کرده که به اهل بصره گفت زود است بنو قنطوراء بر شما نازل شوند و به هر درخت خرمائی اسبی ببندند. پس شما را از آن خارج کنند تا ملحق به رکه و سنی کنند<sup>(۱)</sup> پرسیدند بنو قنطورا چیست گفت خدا می داند اما از جهت اسم پس ما در کتابها یافته ایم و اما از جهت صفت صفتِ تُرک است.

(۹) و در ملاحم ص ۱۷۰ روایت کند که زود است پادشاهی عرب برچیده شود گفته شد کی برمی چیند گفت بنو قنطورا و ایشان جماعتی هستند که صورت های عریض و بینی های پهن و چشمهای کوچک دارند صورتهاشان مثل سپر چکش خورده است. می آیند و در دهی نزدیکی زمین عرب بلکه از زمین عرب است نازل می شوند که آن ده را جبانة اللون گویند عرب با ایشان قتال شدیدی کنند پس ترک (یعنی بنو قنطوراء) بگویند برادران ما را که از عجم هستند به ما بدهید ما جنگ نمی کنیم عرب به عجم می گویند ملحق شوید به برادران خود آنها بگویند وای بر شما بعد از اسلام برویم کافر شویم (بی برادر بمانیم چنین برادری نمی خواهیم) پس عجم با ایشان بجنگند و ایشان را بکشند بطوریکه خبرنگاری هم برای ایشان باقی نماند پس عجم اموال ایشان را به غنیمت بردارند عربها بگویند از این غنیمت به ما هم بدهید عجم بگویند هیچ به شما نخواهیم داد شما ما را ذلیل کردید و کمک نکردید.

(۱۰) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۲ از عبدالله بن عمر روایت کند که از اهل عراق پرسید چه مقدار مسافت است بین شما و بین اُبُلّه گفتند چهار فرسخ گفت زود است که بنو قنطوراء پسر کرکر شما را از خراسان و سجستان سوق دهند و برانند سوقی سختی پس خارج شوند و بروند تا اینکه اسبهای خود را به نهر دجله ببندند جماعتی هستند ایشان که چشمان کوچک و بینی پهن دارند

(۱) رکه اسم موضعی است و هکذا سنی.



مثل اینکه صورتهایشان سپر چکش خورده است.

### ﴿ بنو کاوان ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۷۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال می شود کسی خداوند زمین را از ظالمین پاک می کند تا آنجا که فرمود هر وقت برخیزد قیام کننده ای از خراسان و غلبه کند بر زمین کرمان و ملتان (شهریست در هند) و بگذرد بر جزیره بنی کاوان تا آخر حدیث.

### ﴿ بنو کلاب ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل خطبه البیان روایت کند که حضرت مهدی علیه السلام از طرف دریاچه بطرف قبیله بنی کلاب می رود تا آنکه به دمشق می رسد، و لشکری بطرف قبیله های بنی کلاب می فرستد و زنان ایشان را اسیر می کند، و اغلب مردان ایشان را می کشد پس اسیران را می آورند و آنها به حضرت ایمان می آورند الخ.

### ﴿ بنو مرداس ﴾<sup>(۲)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۹۱ از محمد بن الحنفیه روایت کند که فرمود بلی والله برای بنی مرداس پادشاهی و سلطنتی است استوار و پابرجا، در پادشاهی شان خیری نباشد در پادشاهی شان سختی باشد و آسانی نباشد اشخاص دور را نزدیک و اشخاص نزدیک را دور سازند تا وقتی که از مکر خدا و عقابش ایمن شوند صیحه ای بر ایشان زده شود که احدی را باقی نگذار تا آخر حدیث.

(۱) جزیره بنی کاوان جزیره لافت هم می گویند بین عمان و بحرین است.

(۲) مراد بنی العباس است.

### ﴿ بنو هاشم ﴾

در ملاحم ص ۴۹ و ص ۵۹ از ابی قبیل روایت کند که مردی از بنی هاشم به حکومت رسد پس از بنی امیه آنقدر بکشد که نماند از ایشان مگر اندکی، و از غیر ایشان کسی را نکشد. پس مردی از بنی امیه خروج کند پس به هریک مرد دو نفر بکشد، تا وقتی که نماند مگر زنها آن وقت مهدی خروج کند.

در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۶ از امام صادق علیه السلام روایت کند که خروج نکند قائم علیه السلام مگر بعد از آنکه دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند و همه دعوت بخود کنند (یعنی ادعای امامت داشته باشند)

خلیفه‌ای از بنی هاشم وارد بیت المقدس شود الخ. در بیت المقدس خواهد آمد.

### ﴿ بواسیر ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۲۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که یکی از علامات ظهور بواسیر و مرگ ناگهانی و مرض خوره است.

### ﴿ بهائم ﴾

در ملاحم سید ص ۱۶ و ص ۱۸ و ص ۱۵۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که در فتنه پنجم مردم مثل بهائم می‌شوند (یعنی اختیاری از خود ندارند).

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام در ذیل حدیثی روایت کند که فتنه‌ای خواهد آمد که کورکننده و کرکننده و شامل همه خواهد شد، در آن فتنه مردم مثل بهائم و چهارپایان می‌شوند.

و در ص ۵۰۵ از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که در فتنه سیاه و تار مردم مثل بهائم می‌باشند.

### ﴿ بهترین مردم در آخر زمان ﴾

در مستدرک ج ۴ ص ۴۴۶ و ص ۴۶۴ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بهترین مردم در فتنه مردی باشد که افسار اسب خود را گرفته باشد و پشت دشمنان خدا باشد که او از ایشان بترسد و ایشان از او، یا مردی که گوشه بیابانی باشد و حق خدا را ادا نماید.

و در ص ۴۴۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فتنه‌ای خواهد شد که سالمترین مردم در آن فتنه یا بهترین مردم در آن فتنه لشکر غربی هستند.

و در الزام الناصب چاپ قدیم ص ۱۹۷ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود بهترین مردم در زمان فتنه آن است که در خانه خود مخفی باشد و با کسی رفت و آمد نداشته باشد و آن کسی که در نزدیکی بیت المقدس سکونت داشته باشد الخ.

در ملاحم سید ص ۶۸ دارد که بهترین یاران مهدی علیه السلام کسانی هستند که یاریش و بیعتش کنند و آنها از اهل کوفه و یمن و ابدال شام هستند.

### ﴿ بهلول ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۴۹ و چاپ قدیم ص ۲۱۳ از خطبه تطنجیه امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کند که فرمود سپس بیاید بهلول (الایدح الانددی الاریح المشوم یومه) بحسب ترجمه آیه الله زاده مرعشی نجفی دام ظلّه یعنی بهلول خوش طبع و همتا و خوش خلق می‌آید که روزش شوم و زشت است، و در مرصد گفته (ایدح) قریه‌ایست در سمرقند ایضا (انددی) قریه‌ایست در نسف که آنهم شهریست بین جیحون و سمرقند والله العالم بمراده.

و بعضی با بهلول زنده بنام حاج شیخ محمد تقی معروف تطبیق کرده‌اند.

### ﴿ بیت الحرام ﴾

در مسجد الحرام خواهد آمد.

### ﴿ بیت الحمد ﴾

در صاحب الامر حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ بیت المقدس ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۹ در ضمن حدیثی رسول خدا ﷺ فرمود که زودی باشد که بیت المقدس را بهتر از دنیا بدانند یا بهتر از دنیا و آنچه در دنیا است.

در الزام الناصب ص ۲۰۳ دارد که سه نفر از یاران حضرت حجت از بیت المقدس است اسم یکی بشر و دیگری داود و سومی عمران.

در ملاحم ص ۸۰ محمد بن حنفیه فرمود خلیفه‌ای از بنی هاشم در بیت المقدس نازل شود که زمین را پر از عدل کند و بیت المقدس را بنائی کند که مثلش دیده نشده باشد و چهل سال مالک شود و هفت سال به خلافتش مانده صلح با روم بدست حضرتش واقع شود، پس به او مکر و حيله کنند و در عمق برای او اجتماع کنند پس بغم بمیرد بعد از او مردی از بنی هاشم سرکار آید، پس شکست رومیها و فتح قسطنطنیه بر دست او باشد. الخ.

در ص ۸۱ از کعب روایت کند که پادشاهی در بیت المقدس لشکری به هند بفرستد و آن را فتح کند و گنجهایش را بگیرد و زیور بیت المقدس سازد الخ.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۸ در ذیل خطبة البیان فرمود پس مهدی می‌رود به بیت المقدس و تابوت سکینه را با انگشتر سلیمان بن داود عليه السلام و الواحی که بر

موسی بن عمران نازل شده بیرون می آورد .  
در شعیب بن صالح خواهد آمد که در بیت المقدس نازل شود و آماده کند  
برای مهدی سلطنتش را و فاصله بین خروج او و تسلیم امر به مهدی هفتاد و دو  
ماه طول خواهد کشید .

### ﴿ بیداء ﴾

در ملاحم سید ص ۷۶ باب ۱۶۶ از معجم البلدان نقل کند که بیداء اسم زمینی  
است نرم بین مکه و مدینه و به مکه نزدیکتر است در عداد شرق و جلو  
ذوالحلیفه است .

در ملاحم ص ۷۵ فرمود چون لشکر سفیانی به زمین بیداء برسند اینجا  
خسف شود و به زمین فرو روند .

و در غیبت نعمانی ص ۲۸۰ از امام پنجم که چون امیر لشکر سفیانی به بیداء  
وارد شوند نداکننده‌ای از آسمان ندا کند ای زمین هلاک گردان ایشان را پس  
همه فرو روند و نماند مگر سه نفر که خداوند صورت ایشان را به عقب  
برگرداند . الحدیث .

و در ص ۲۶۴ یکی از علائم حتمیه را خسف بیداء شمرده .

### ﴿ بیست و چهار باران ﴾

در باران گذشت .

### ﴿ بیست و هفت حرف ﴾

علم ۲۷ حرفست . در علم حدیث ۸۴ خواهد آمد .

### ﴿ بیست و هفت نفر ﴾

از پشت کوفه ظهور کند با بیست و هفت نفر الخ. در قائم حدیث ۵۱ خواهد آمد.

وقتی قائم از پشت این خانه ظهور کند خداوند بیست و هفت نفر مرد را الخ. در قائم حدیث ۱۰۳ خواهد آمد.

### ﴿ بیعت ﴾

(۱) در ملاحم سید ص ۶۸ باب ۱۴۱ دارد که در پرچم مهدی علیه السلام نوشته است (البیعة لله) بیعت برای خدا است.

(۲) و در ملاحم ص ۶۸ ایضا دارد که بهترین مردمی که او را (مهدی) یاری و بیعت می‌کنند از اهل کوفه و یمن و ابدال شام اند الخ.

(۳) و در ملاحم ص ۱۴۹ در ذیل حدیثی دارد که حضرت به یارانش می‌فرماید بیعت کنید به چهل خصلت و شرط کنید ده چیز را، احنف از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کرد که آن خصلتها کدام است؟ حضرت فرمود بیعت می‌کنند که دزدی نکنند، زنا نکنند، مردم را نکشند، حرمت کسی را هتک نکنند، مسلمانی را فحش ندهند، به منزل کسی هجوم نکنند، و کسی را نزنند بحق (شاید بغیر حق باشد یعنی کسی را بناحق نزنند)، و اسبهای لاغر را سوار نشوند، و کمر بند طلا نبندند، و لباس خز نپوشند، و لباس حریر نپوشند، و کفشی که تابحال پوشیده نشده نپوشند، و مسجدی را خراب نکنند، و راهی را قطع نکنند، و یتیمی را ظلم نکنند، و رهگذر را ترسانند، و بخیال مکر نباشند، و مال یتیم را نخورند، و با غلامی فسق نکنند، و خمر نیاشامند، و خیانت به امانت نکنند، و خلف عهد نکنند، و طعامی را حبس نکنند چه گندم باشد یا جو،

و کسی را که امان داده‌اند نکشند، و کسی را که فرار کرده دنبال نکنند، و خونی را نریزند، و مجروح و زخمی را نکشند، و لباس درشت بپوشند، و خاک را بالش خود کنند، و نان جو بخورند، و به کم راضی باشند، و در راه خدا جهاد کنند آنچه سزاوار اوست، و عطر بپویند، و از نجاست دوری کنند. (مؤلف گوید این خصلتها ۳۳ تا بیشتر نشد شاید مابقی خصلتها از راوی سقط شده باشد) و شرط می‌کند برای ایشان بر خود که رفیقی نگیرد، و برود هر جا ایشان رفتند، و بوده باشد هر طور ایشان میل دارند، و به کم راضی باشد، و زمین را به کمک خدا پر از عدل کند چنانچه پر از جور و ستم گشته بود، و خدا را آنطوریکه سزاوار است عبادت کند، خراسان برای او فتح شود و اهل یمن او را اطاعت کنند الحدیث.

(۴) و در ملاحم ص ۱۶۴ از نوف روایت کند که نوشته شده بر پرچم مهدی علیه السلام البیعة لله یعنی بیعت برای خدا است.

(۵) در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۱ از ام سلمه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود بیعت شود با مردی از امت من در بین رکن و مقام مثل عده اهل بدر پس جماعتی از عراق و ابدال شام بیایند نزد او، و لشکری از طرف شام ایشان خروج کنند چون به زمین بیداء رسند در زمین فرو روند. الخبر.

(۶) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود با او بیعت کنند مثل عده اهل بدر راضی شود از ایشان ساکن آسمان و ساکن زمین.

(۷) و در غیبت نعمانی ص ۱۹۱ ح ۴۵ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که قیام کند قائم و حال آنکه در گردن او بیعت احدی نباشد.

(۸) و در همان ص ۱۹۱ ح ۴۶ حضرت فرمود قیام کند قائم و حال آنکه در گردن او نه عقدی باشد و نه عهدی و نه بیعتی.

(۹) و در ص ۲۶۳ حضرت صادق علیه السلام فرمود مثل اینکه نظر می‌کنم بسوی آن حضرت که بین رکن و مقام با مردم بیعت می‌کند بر کتاب جدید و بر عرب سخت است.

(۱۰) و در همان صفحه از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که ندا می‌شود به اسم آن حضرت پس می‌آیند نزد او در وقتی که در پشت مقام است پس به او گفته می‌شود به اسم شما ندا شد چه انتظاری داری پس دستش را گرفته و با او بیعت می‌کنند.

(۱۱) و در ص ۲۷۴ حضرت باقر علیه السلام فرمود چون ظاهر شود بیعت با بچه آن وقت اظهار کند هر صاحب قدرتی قدرت خود را.

(۱۲) و در ص ۳۱۴ از حضرت باقر علیه السلام روایت کند اول کسی که با حضرت بیعت می‌کند جبرئیل است. و بعد سیصد و سیزده نفر (از اصحاب خاص) الحدیث.

(۱۳) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۱ فرمود بیعت کنند با مردی از امت من بین رکن و مقام مثل عدد بدر پس بیایند جوانان عراقی و ابدال شام پس لشکری از طرف شام بیاید چون به بیدا (بیابانی بین مدینه و مکه) برسند زمین ایشان را فرو برد، الخ.

بیعت کند بر کتاب جدید الخ. در عرب حدیث ۴ خواهد آمد.

(۱۴) بیعت کند با مهدی هفت نفر عالم الخ. در مهدی علیه السلام بعنوان (اذا انقطعت التجارات الخ) و بعنوان (بیایع المهدی سبعة رجال علماء الخ) خواهد آمد.

(۱۵) در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۷ حضرت صادق علیه السلام به مفضل فرمود ای مفضل هر بیعتی پیش از ظهور قائم علیه السلام کفر و نفاق و خدعه است، خدا بیعت کننده و بیعت گیرندگان او را لعنت کند، بلکه ای مفضل (مهدی علیه السلام) تکیه به خانه خدا می‌دهد و دستش را دراز می‌کند و نوری از او می‌جهد و می‌گوید این دست خدا و از جانب خدا، و با امر خدا است، پس این آیه را می‌خواند ﴿إِنَّ



الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ﴿﴾ یعنی کسانی که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند دست خدا بالای دست ایشان است و هر کس بیعت را بشکند بضرر خود کار کرده، پس اول کسی که دست او را می‌بوسد پس از آن بیعت می‌کند جبرئیل است. پس از آن ملائکه و نجباء جن بیعت می‌کنند، پس از آن نقباء مردم صبح می‌کنند در مکه پس بهم می‌گویند این مرد کیست که در جانب کعبه است و این مردم کیانند با او و این چه علامتی بود شب گذشته مشاهده شد و مثلش را ندیده بودیم پس بعضی دیگر بگویند این مرد همان صاحب بزها است، پس بعضی به بعضی می‌گویند نگاه کنید آیا کسی را می‌شناسید پس می‌گویند ما جز چهار نفر از اهل مکه و چهار نفر از اهل مدینه احدی را نمی‌شناسیم و اسم آن هشت نفر را می‌برند، و این اول طلوع آفتاب است و چون آفتاب بلند شد از چشمه خورشید صداکننده‌ای صدا کند به زبان عربی فصیح بطوریکه هر کس در آسمان و زمین است بشنوند ای گروه مردمان این مهدی از آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و اسم او را به اسم جدش می‌خواند و کنیه‌اش را ذکر می‌کند و نسبش را از حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام تا امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام ذکر می‌فرماید بیعت کنید هدایت یابید و مخالفت نکنید که گمراه شوید پس اول کسی که دستش را می‌بوسد ملائکه است پس از آن جن پس از ایشان نقباء اند و می‌گویند شنیدیم و اطاعت کردیم، هیچ کس نماند جز آنکه آن صدا را بشنود الخ.

بیعت کردن با کودک. در کودک خواهد آمد.

و بیعت کردن با غلام. در فرج حدیث سوم خواهد آمد.

### ﴿ بینه ﴾

حکم کند به آنچه د اود و سلیمان حکم می‌کردند بینه نخواهد. در قائم

حدیث ۴ و ۲۱ خواهد آمد.

### ﴿ بیوح ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۷۱ حدیث (۴۴) احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید شنیدم از حضرت رضا علیه السلام که می فرمود قبل از این امر (ظهور) بیوح پس ندانستم بیوح چیست تا حج رفتم پس از عربی شنیدم که می گفت هذا یوم بیوح گفتم بیوح چیست گفت گرمای سخت.

و در قرب الاسناد نقل شده که حضرت رضا علیه السلام فرمود جلو این امر (ظهور) قتل بیوح است سؤال شد بیوح چیست فرمود دائم که هیچ سستی نداشته باشد.

### ﴿ پابرهنه ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۷ دارد که یکی از علامات ساعت (ظهور) آن است که پابرهنه ها و لختی ها رئیس مردم باشند.

و در ص ۲۴۰ دارد که ببینی پابرهنه ها و لختی ها که گوسفند چران بودند به همدیگر مباحات کنند در ساختمان.

و در ص ۲۰۲ فرمود هر وقت دیدی لختی ها و پابرهنه ها رئیس مردم شدند پس آن از اشراط ساعت است.

در حدیث دیگر فرمود وقتی دیدی پابرهنه ها و گرسنه ها و عیال ها رئیس مردم شدند پس همان از علائم ساعت ظهور است.

اهل آن فتنه پابرهنه ها و لختی ها هستند الخ. در فتنه حدیث ۹ خواهد آمد.

(۱) بیوح را در نوائب الدهور ج ۳ ص ۳۱۵ حدیث هشتم (بیوح) نقل کرده به تقدیم یا و در ص ۳۱۶ حدیث دهم (بیوح) نقل کرده.

### ﴿ پادشاه ﴾

از دین پادشاهی به آئین پادشاهی درآید. در زمان حدیث ۴۵ خواهد آمد.  
تا وقتی که نبینی در آن مگر پادشاه ستمگر. در زمان حدیث ۴۳ خواهد آمد.

### ﴿ پادشاهان ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۴۸ ح ۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که بیاید بعد از  
صد و پنجاه سال پادشاهان کافر تا آنجا که می فرماید عدل خداوندی همیشه بر  
این امت شامل است تا وقتی که میل نکند قراء ایشان بسوی پادشاهان الخ. در  
علامات ظهور تمام حدیث خواهد آمد انشاء الله.

هلاک کننده پادشاهانند الخ. در علامات ظهور حدیث ۱ خواهد آمد.  
پادشاه پادشاهان در مصر قیام کند الخ در علامات ظهور حدیث ۸ خواهد آمد.  
نازل شود بر امت من در آخر الزمان بلاء سخت از پادشاهانشان که هرگز  
نشیده شده باشد. در زمان حدیث ۱۲ خواهد آمد.

### ﴿ پادشاهی بچه ها ﴾

در بچه ها گذشت.

### ﴿ پادشاهی حضرت ﴾

در حکومت خواهد آمد.

(۱) در سلاطین هم خواهد آمد.

### ﴿ پادشاهی سالانه رفته ﴾

در قائم حدیث ۷۲ خواهد آمد.

### ﴿ پانزده ﴾

وقتی امت من پانزده خصلت را انجام دهد الخ. در امت حدیث ۲۸ گذشت.  
و بکشد فلان از پسر فلان پانزده قوچ الخ. در فرج حدیث ۱۲ خواهد آمد.  
پانزده نفر ایشان از قوم موسی هستند الخ. در قائم حدیث ۵۰ خواهد آمد.

### ﴿ پانصد ﴾

پانصد نفر از قریش را گردن خواهد زد الخ. در قائم حدیث ۱۰ و ۱۱۸  
خواهد آمد.  
در حیره مسجدی بنا کند که پانصد در داشته باشد الخ. در کوفه حدیث ۱۱  
خواهد آمد.

### ﴿ پدران ﴾

وای بر اولاد آخر الزمان از پدرانشان. در اولاد حدیث ۲ گذشت.

### ﴿ پرچمها ﴾

(۱) در ملاحم سید ص ۳۴ از رسول خدا ﷺ روایت کند که هر وقت  
پرچمهای سیاه خروج کرد پس بدرستی که اولش فتنه است و وسطش گمراهی  
است، و آخرش کفر است.

(۲) و در ص ۳۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که وقتی دیدید پرچمهای

- سیاه را ملازم زمین باشید و دست و پا حرکت مدهید الخ.
- (۳) ایضا در ص ۳۶ از حدیقه روایت کند که مردی از طرف مشرق خروج کند و مردم را به آل محمد ﷺ دعوت کند و حال آنکه خودش دورترین مردم است از آل محمد ﷺ پرچمهای سیاه نصب کند که اولش نصر است و آخرش کفر، الخ.
- (۴) و در ص ۳۷ روایت کند که چون پرچمهای زرد به مصر برسد فرار کن در زمین، و چون خبردار شوی که به شام (دمشق) رسیده‌اند اگر بتوانی به آسمان بروی یا در زمین بجا آور.
- (۵) و در ص ۳۱ باب ۲۸ از زهری روایت کند که گفت به من رسیده که پرچمهای سیاه از خراسان خروج می‌کند پس چون از گردنه خراسان سرازیر شد پس خبر مرگ اسلام رسیده است و رد نکند آنها را جز پرچمهای عجمها از اهل مغرب.
- (۶) و ایضا از عمر روایت کند که چون پرچمهای سیاه از مشرق و پرچمهای زرد از مغرب رو آور شوند به دمشق و شام پس آنجا است بلا.
- (۷) و ایضا در ص ۳۲ از رسول خدا روایت کند که چون پرچمهای اولاد عباس از گردنه‌های خراسان رو آور شود آن وقت خبر مرگ اسلام را آورده‌اند و هرکس زیر پرچم ایشان برود در روز قیامت شفاعت من به او نرسد.
- (۸) در ملاحم سید ص ۶۸ دارد که عبدالله بن شریک گفت با مهدی ﷺ پرچم رسول خدا است که علامت دارد ای کاش من آن را درک می‌کردم و حال آنکه من جوان بودم.
- (۹) و در همان صفحه دارد که در پرچم مهدی ﷺ نوشته است (البيعة لله) بیعت برای خدا است.
- (۱۰) در ملاحم سید ص ۷۲ باب ۱۵۷ دارد که اول پرچمی که حضرت

مهدی علیه السلام می‌بندد می‌فرستد بسوی ترک و ایشان را منهزم می‌کند و هرچه اسیر و مال دارند از دست ایشان می‌گیرد پس از آن می‌رود بسوی شام و آنجا را فتح می‌کند الخ.

(۱۱) و در ص ۷۳ باب ۱۶۰ دارد که حضرت با پرچم رسول خدا خروج می‌کند که از پشم زده شده مخمل سیاه چهار گوشه است.

بین خروج پرچم سیاه از خراسان و سعید بن صالح الخ. در سعید بن صالح خواهد آمد.

خارج می‌شود پرچم سیاه برای بنی العباس الخ. در شعیب بن صالح خواهد آمد.  
(۱۲) و در ملاحم ص ۷۷ باب ۱۶۹ از کعب روایت کند که علامت خروج مهدی پرچمهاییست که از طرف مغرب می‌آید و پرچم‌دار مردی است لنگ از طائفه کنده.

(۱۳) و در ص ۸۸ ملاحم دارد که چون پرچمهای زرد داخل مصر شدند و غالب شدند بر آن و روی منبرش نشستند پس باید اهل شام در زمین قبرهای خودشان را مهیا کنند چون زمان بلاء است.

(۱۴) و در ملاحم ص ۱۶۱ باب ۱۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که جماعتی از طرف مشرق خروج کنند که با ایشان است پرچمهای سیاه، حق را مطالبه کنند به ایشان ندهند، باز مطالبه کنند و به ایشان ندهند پس جنگ کنند و صبر نمایند پس راضی شوند که ملک را به ایشان بدهند پس قبول نکنند تا اینکه بدهند به مردی از اهل بیت من که پر کند از قسط و عدل چنانچه پر شده باشد از ظلم و جور. پس هرکس ایشان را درک کند برود بسوی ایشان ولو اینکه چهار دست و پا روی یخ باشد.

(۱۵) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۲ دارد که چون پرچمهای سیاه را دیدید که از طرف خراسان خارج شد بروید بسوی ایشان ولو اینکه با چهار

دست و پا باشید چون خلیفه خدا حضرت مهدی در ایشان است .

(۱۶) در غیبت نعمانی ص ۱۵۲ دارد که حضرت صادق علیه السلام فرمود ۱۲ پرچم مشتبّه بلند خواهد شد که شناخته نشود کدام حق است کدام باطل . مفضل گوید پس گریان شدم، حضرت فرمود چه شد که گریه می کنی عرض کردم فدایت شوم چگونه گریه نکنم و حال آنکه شما می فرمائید دوازده پرچم مشتبّه بلند خواهد شد که حق از باطل شناخته نشود . پس حضرت نگاه به سوراخ خانه نموده که خورشید افتاده مجلس را روشن نموده پس فرمود آیا این خورشید روشنائی می دهد؟ عرض کردم بلی فرمود بخدا قسم امر ما از این روشنتر است .

و نظیر این حدیث را در تنویه از کافی نقل خواهیم کرد انشاء الله .

(۱۷) و در غیبت نعمانی ص ۳۵۶ از امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که در پرچمها پرچمی از پرچم یمانی با هدایت تر نیست آن رایت هدایت است به علت آنکه شما را بسوی صاحبان دعوت می کند .

(۱۸) و در غیبت نعمانی ایضا ص ۲۹۱ از محمد بن بشیر از محمد بن حنفیه روایت کند که قبل از پرچم ما یک پرچم مال آل جعفر است و یک پرچم مال آل مرداس (یعنی بنی العباس) اما پرچم آل جعفر چیزی نیست (محمد بن بشر) گوید من غضب کردم و نزدیکترین مردم بودم به او پس عرض کردم فدایت شوم پیش از پرچم ما پرچمها نیست؟ فرمود بلی بخدا قسم برای بنی مرداس (یعنی بنی عباس) حکومت پابرجا نیست، پس شناسند در حکومتشان چیزی از خیر و خوبی را، سلطنت ایشان سخت است آسانی در آن نیست، دورها را نزدیک سازند و نزدیکانشان را دور کنند تا وقتی از مکر خدا و عذابش ایمن شوند، آن وقت صیحه ای به ایشان زده شود که کسی را برای ایشان باقی نگذارد نه نگهبانی که جمعشان کند و نه آواز دهنده ای که بشنواند به ایشان و نه گروهی که دورش جمع شوند، خداوند مثلی در کتاب خود برای ایشان زده (در سوره

یونس آیه ۲۴) ﴿ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا ﴾ تا آنکه زمین زینت خود را گرفت و زینت داد و اهل زمین گمان کردند که ایشان مسلط بر آن هستند، ناگاه امر ما (عذاب ما) در شب یا روز به ایشان رسید، پس محمد بن حنفیه قسم یاد کرد به خدا که این آیه در شأن ایشان وارد شده پس عرض کردم فدایت شوم بدرستی که حدیث کردی مرا درباره ایشان به امر بزرگی پس کی هلاک خواهند شد؟ فرمود وای بر تو ای محمد خدا علمش مخالفت می کند با وقت گذاران، موسی علیه السلام با گروهش سی روز وعده کرد و در علم خدا چهل روز بود و موسی را هم با خبر نکرده پس قومش کافر و گوساله پرست شدند بجهت آنکه ده روز از وعده گذشته بود، و یونس با قومش وعده عذاب کرد، و در علم خدا بود که عفویشان کند، و شد آنچه را که می دانی (پس وقت برای هلاکت ایشان نمی شود معین کرد) و لکن وقتی که دیدی حاجت ظاهر شد (یعنی مردم اظهار احتیاج می کنند) و شخصی بگوید دیشب بی شام خوابیدم، و مردی تو را ملاقات کند به یک رو و روز دیگر ملاقات کند به روی دیگر، عرض کردم ظاهر شدن حاجت را فهمیدم و دیگری را نفهمیدم مراد چیست؟ فرمود با روی باز با تو ملاقات می کند چون از او قرض خواسته باشی با روی گرفته با تو ملاقات می کند پس آن وقت است که صدای آسمانی نزدیک است واقع شود.

(۱۹) و در غیبت نعمانی ص ۲۹۹ دارد که حضرت صادق علیه السلام فرمود چون پرچم حق ظاهر شود اهل مشرق و مغرب آن را لعن کنند، آیا می دانی برای چیست عرض کردم نه، فرمود برای آن چیز است که مردم از اهل بیتش می بینند قبل از خروجش.

(۲۰) و در همان صفحه حضرت صادق علیه السلام فرمود چون پرچم حق بلند شود اهل مشرق و مغرب آن را لعن کنند راوی گفت برای چه؟ فرمود برای آنچه که از



بنی هاشم ملاقات می کنند.

مرحوم حاج شیخ جواد خراسانی می فرماید پس از این دو حدیث ظاهر می شود که قبل از حضرت بنی هاشم جور و تعدیاتی خواهند داشت که مردم از ایشان به تنگ آمده باشند که چون رایت حق را هم ببینند بر آن قیاس کنند.

(۲۱) ایضا در غیبت نعمانی ص ۳۰۷ در دو حدیث دارد که پرچم رسول خدا را باز نکرد مگر امیرالمؤمنین علیه السلام در روز بصره و حضرت قائم علیه السلام در روز خروجش و چون حضرت قائم علیه السلام آن را بحرکت آورد نماند احدی در مشرق و نه در مغرب جز آنکه آن را لعن کند (البته این مضمون بعضی جملات حدیث است) علتش هم قبلاً معلوم شد که چرا لعن می کنند و تمام حدیث در قائم حدیث ۶۴ خواهد آمد.

(۲۲) در غیبت نعمانی ص ۳۰۸ از ابی حمزه ثمالی نقل شده که گفت حضرت باقر علیه السلام به من فرمود ای ثابت گویا قائم اهل بیتم را می بینم که روی به این نجف شما آورده - و با دست اشاره به جانب کوفه فرمود - و همین که روی به نجف شما آورد پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را باز کند و چون آن را باز کند ملائکه بدور او جمع شوند عرض کردم پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود عمودش از عمودهای عرش و رحمت خدا است، و بقیه اش از نصرت خدا است، و فرود نیاورد آن پرچم را به چیزی مگر آنکه آن را هلاک سازد، عرض کردم آن نزد شما پنهان است تا قائم قیام کند یا آورده می شود؟ فرمود نه بلکه آورده می شود گفتم چه کسی آن را می آورد؟ فرمود جبرئیل (ما شکی نداریم که مواریث انبیاء نزد ائمه است و اینکه فرموده نه بلکه آورده می شود از باب تقیه یا مصالح دیگری بوده)

و از ابان بن تغلب هم این روایت با مختصر کم و زیادی نقل شده.

(۲۳) و در غیبت نعمانی ص ۳۱۰ ایضا از ابان بن تغلب روایت کند که

حضرت صادق علیه السلام فرمود گویا نظر می‌کنم به قائم که چون در پشت نجف قرار می‌گیرد زره سفید رسول خدا را می‌پوشد و خود را حرکتی می‌دهد پس بر بدنش راست و قالب آید پس لباس سبزی بر روی آن می‌پوشد، و بر اسب سیاه و سفیدی که دارد و میان دو چشمش سفید است سوار می‌شود و حرکتی به آن می‌دهد بطوریکه همه خیال کنند حضرت با ایشان است، و پرچم رسول خدا را باز کند که عمودش از عمودهای عرش خدا است، و بقیه‌اش از نصر خدا است، و بهره با آن اشاره کند هلاکش سازد.

عرض کردم آیا آن پرچم نزد شما پنهان است یا آورده می‌شود؟ فرمود بلکه جبرئیل می‌آورد آن را پس چون آن پرچم را باز کند نماند مؤمنی مگر آنکه قلبش قوی و از پاره آهن سخت‌تر باشد، و قوت چهل مرد به او داده شود، و هیچ میت مؤمنی نباشد جز آنکه فرحی در قبرش داخل شود و این در هنگامی است که در قبرشان به زیارت همدیگر می‌روند و بهم بشارت قیام قائم علیه السلام را می‌دهند و وارد شوند بر او سیزده هزار و سیصد و سیزده ملک، راوی گفت همه اینها قبل از حجت با احدی از انبیاء بوده‌اند؟ فرمود بلی ایشان با نوح در کشتی بوده و با ابراهیم در آتش بودند و با موسی در وقت شکافتن دریا بودند، و با عیسی در وقت بالا رفتن به آسمان بودند، و چهار هزار صف زده با پیغمبر صلی الله علیه و آله بودند و سیصد و سیزده ملک در روز بدر بودند، و چهار هزار ملک آمدند که در رکاب امام حسین علیه السلام جنگ کنند و حضرت اذنشان نداد پس بازگشت کردند که دستور بگیرند ولی چون دوباره آمدند دیدند امام حسین علیه السلام کشته شده پس ایشان نزد قبر شریفش مو پریشان و غبارآلود گریه می‌کنند تا روز قیامت و رئیسی دارند که او را منصور می‌نامند پس زیارت نکند او را زائری مگر آنکه به استقبال او می‌روند، و وداع نکند او را وداع کننده‌ای مگر آنکه مشایعتش کنند، و مریضی نباشد مگر آنکه عیادتش کنند و نمیرد کسی مگر آنکه نماز بر او

بخوانند و استغفار برایش کنند بعد از مرگش پس همه اینها منتظر قیام قائم هستند پس درود بر کسی که این منزلت و مرتبت و مقام را نزد خدا دارد و دور گرداند خدا کسی را که ادعای این مقام را برای غیر ایشان بنماید که مستحق این مقام نیستند، و اهلیت ندارند و مورد رضای خدا نیستند، و خداوند گرامی دارد ما را بواسطه موالات و دوستی او و قرار دهد ما را از یاران او و تابعین او برحمت و منت خودش.

(۲۴) و در روضه کافی ج ۸ ص ۲۹۵ ح ۴۵۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که هر پرچمی بالا رود قبل از قیام قائم پس صاحب آن طاغوت است و عبادت کرده شود غیر از خدا.

(۲۵) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۱ فرمود وقتی دیدید پرچمهای سیاه از طرف خراسان آمد بروید رو به آن که در آنست خلیفه خدا مهدی.

(۲۶) در ملاحم سید ص ۷۲ و در البرهان ص ۱۳۰ دارد که اول پرچمی که مهدی علیه السلام مهیا می کند می فرستد بسوی ترک الخ.

(۲۷) در البرهان ص ۱۴۸ از ثوبان از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که پرچمهای سیاه از طرف مشرق می آید مثل اینکه قلبشان (یعنی صاحبان پرچم) پاره آهن است هرکس شنید آمدنشان را برود بسوی او و بیعت کند با او گرچه با سینه اش از روی یخ برود.

(۲۸) در البرهان ص ۱۴۹ دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یادآور شد ناراحتی و گرفتاریهاییکه به اهل بیتش رو آور می شود، تا اینکه خداوند می فرستد پرچمی از مشرق که سیاه باشد، هرکس آن را یاری کرد خدا هم او را یاری کند و هرکس آن را خوار کرد خدا هم او را خوار و ذلیل کند تا بیاید مردی که اسمش اسم من باشد، پس کار خود را به او واگذار کنند پس خدا او را تایید و نصرت دهد.

شاید مراد از این حدیث و حدیث ۲۶ - ۲۸ آن باشد که از باب تقیه بروید و با

او بیعت ظاهری کنید که مال و جان شما محفوظ بماند تا صاحب شما هم بیاید و شاهد بر این جمع حدیث ۲۴ باشد والله العالم.

(۲۹) در نوائب الدهور ج ۳ ص ۳۲ در ذیل حدیث سدید نقل کند که حضرت صادق علیه السلام اشاره به شام فرمود که سه پرچم بلند می شود پرچم حسینی و پرچم اموی و پرچم قیس، در حالتیکه این سه پرچم بلند می شود سفیانی خروج می کند و آنها را مثل زراعت می چیند که هرگز مثلش دیده نشده باشد. هر وقت پرچمهای قیس در مصر بحرکت آمد الخ. در فرج حدیث ۱۵ خواهد آمد.

با پرچم رسول خدا و انگشتر سلیمان و سنگ موسی و عصای او ظاهر خواهد شد الخ. در قائم حدیث ۱۲۲ خواهد آمد. داخل شدم من و ابان بر امام صادق علیه السلام و این در وقتی بود که پرچمهای سیاه در خراسان ظاهر شده بود الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۷ خواهد آمد. پرچمهای سیاه دوومی چیست. در حمص خواهد آمد.

### ﴿ پرنده ﴾

در ملاحم ص ۱۴۹ فرمود حضرت حجت اشاره کند به پرنده پس بیفتد روی کتف آقا الخ.

مؤمن از هوا پرنده را بخواند و ذبح کند و کباب کند و بخورد و استخوانش را نشکند الخ. در قائم حدیث ۱۰۲ خواهد آمد.

### ﴿ پسر ﴾

پسر شما است فرمود خیر گفتم پسر پسر شما است الخ. در صاحب الامر ح ۸ خواهد آمد.

### ﴿ پشم ﴾

در زمان حدیث ۸۵ خواهد آمد.

### ﴿ پل ﴾

یکی از علامات ساخته شدن پلیست در پهلوی محله کرخ در بغداد.  
چنانچه در کشف الغمه ج ۲ ص ۴۵۷ ذکر شده.

### ﴿ پلاس خانه باش ﴾

در مستدرک ج ۴ ص ۴۴۰ فرمود فتنه‌هایی در پیش دارید که مثل پاره شب  
تاریک است. راوی عرض کرد چه کنیم یا رسول الله حضرت فرمود پلاس  
خانه باشید.

در مستدرک ج ۴ ص ۴۴۸ فرمود فتنه‌ها مثل سیل خواهد آمد و چون دیدید  
آن را در خانه‌های خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید و صورت  
خود را بپوشانید.

و در مستدرک ج ۴ ص ۵۲۵ در ذیل حدیثی دارد که رسول خدا ﷺ فرمود  
مالک زبانت باش و بنشین در خانه‌ات و آنچه را می‌شناسی بگیر و آنچه را  
نمی‌شناسی رها کن و بر تو باد به شخص خودت و امور عامه مردم را رها نما.  
(چون مردم به حرف خدا و پیغمبر عمل نکردند و به حرف تو بطریق اولی عمل  
نخواهند کرد مرد هستی خودت را نگاه دارد خداوند می‌فرماید: اگر راه حق را  
بینند پیروی آن نکنند و اگر راه باطل را مشاهده کنند دنبال آن می‌دوند اگر قبول  
نداری امتحانش مجانیست)

در مستدرک ص ۵۲۹ در ذیل حدیثی دارد که دجال از یهودیه اصفهان

خروج می‌کند. فرمود امرشان کن که پلاسی باشند از پلاسه‌های خانه خود. در بحار ج ۵۲ ص ۱۲۶ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که چون سلمان داخل کوفه شد و نظر به آن کرد یادآور بلاها و حکومت بنی امیه و بنی العباس شد پس از آن فرمود چون آن وقت رسد ملازم پلاس خانه خود باشید تا حجة بن الحسن ظهور فرماید.

لفظ حدیث (حتى يظهر الطاهر بن الطاهر المطهر ذو الغيبة الشرید الطرید) و به این مضامین حدیث بسیار است.

و در غیبت نعمانی ص ۱۹۴ و ۲۶۳ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که ناچار است برای آتش از آذربایجان که هیچ چیز مقابله آن نتواند و چون آن زمان پیش آمد کرد بوده باشید پلاسی از پلاسه‌های خانه خود الحدیث.

و در غیبت نعمانی ایضا ص ۱۹۷ در ذیل حدیثی از حضرت صادق علیه السلام دارد که بوده باشید پلاس خانه خود چون غبار به چشم کسی می‌رود که آن را بر هوا کرده (یعنی ضررش به خودش برمی‌گردد).

و ایضا در ص ۱۹۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که نگاه دارید زبانهای خود را و ملازم خانه‌های خود باشید که هرگز بلاء خصوصی به شما نرسد. بلی بلاء عمومی می‌رسد و همیشه زیدیه سپر شمایند (چون زیدیه مرامشان آن است که هرکس با شمشیر بلند شد و جنگید آن امام است پس همیشه امام دارند و می‌جنگند)

و در روضه کافی ج ۸ ص ۲۶۴ حدیث ۳۸۳ حضرت صادق علیه السلام به سدید فرمود ای سدید ملازم خانه‌ات باش و پلاسی باش از پلاسه‌های خانه و ساکن باش مادامیکه شب و روز ساکنند پس هر وقت خبردار شدی که سفیانی آمده بیا بسوی ما ولو پیاده باشی.

### ﴿ پناه ﴾

و در زمان حدیث ۴۲ خواهد آمد که مؤمن پناهی نداشته باشد که به آن پناهنده شود از دست ظلم الخ.

### ﴿ پنج چیز ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ فرمود هر وقت پنج چیز را امت من حلال دانستند هلاکت بر ایشان خواهد رسید. در امت ذکر یافت.

در کافی ج ۲ ص ۳۷۳ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود پنج چیز است اگر درک نمودید پناه بخدا برید، کارهای بد در جماعتی ظاهر نشود و علنی نگردد مگر آنکه وبا و دردهائی که قبلاً نبوده در ایشان ظاهر گردد، و کم فروشی نکنند مگر آنکه مبتلا به خشکسالی و زندگانی سخت و ستم سلطان شوند، و زکات را منع نکنند مگر آنکه آسمان از بارانش منع کند و اگر حیوانات نبودند اصلاً باران نمی بارید، و عهد خدا و رسول را نشکنند مگر آنکه خدا دشمن را بر ایشان مسلط کند و بعضی از آنچه در دست دارند بگیرند، و حکم بغیر ما انزل الله نکنند مگر آنکه جنگ و سختی را خدا بین خودشان قرار دهد.

در فقیه ج ۴ ص ۴۱ امام ششم علیه السلام فرمود پنج چیز از پنج کس محال است: حرمت از فاسق محال است، مهربانی از دشمن محال است، نصیحت کردن از حسود محال است، وفا از زن محال است، ترس و هبیت از فقیر محال است.

در روضه کافی حدیث ۸۲ امام صادق علیه السلام فرمود برای خدا در بلاش پنج حرمت است: حرمت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، حرمت آل پیغمبر، حرمت کتاب خدا، حرمت کعبه، حرمت مؤمن (اینها پیش خدا محترمند)

در تهذیب ج ۶ ص ۵۲ وافی ج ۳ ص ۳۹ از امام یازدهم علیه السلام روایت کند که

علامت مؤمن پنج چیز است پنجاه رکعت نماز<sup>(۱)</sup>، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام، انگشتر بدست راست نمودن، پیشانی را بخاک مالیدن، و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

در کافی ج ۵ ص ۱۵۰ از امام صادق علیه السلام از جوشن روایت کند که فرمود هر کس بخواهد خرید و فروش کند باید پنج چیز را مراعات کند و الا خرید و فروش نکند: یکی ربا، دوم قسم یاد نمودن، سوم عیبی را پوشانیدن، چهارم مدح کردن در وقت فروختن، پنجم مذمت کردن در وقت خریدن (یعنی باید ربا در معامله اش نباشد، و قسم در معامله یاد نکند، کتمان عیب نکند، مدح و ذم نکند)

### ﴿ پنج روز ﴾

پنج روز از ماه رمضان گذشته خورشید می گیرد. در خورشید و ماه خواهد آمد.

### ﴿ پنج علامت ﴾

پنج علامت قبل از قیام قائم الخ. در قائم حدیث ۶۳ و ۶۷ خواهد آمد.

### ﴿ پنج نهر ﴾

ظاهر نشود تا اینکه کفار پنج نهر را مالک شوند الخ. در قائم حدیث ۸۸ خواهد آمد.

### ﴿ پنج و دو ﴾

پنج و دو چیست. در حکومت حضرت ح ۳۱ خواهد آمد.

(۱) در تهذیب چاپ جدید و قدیم (خمسین است) ولی در مصباح شیخ در بعض نسخ (احدی و خمسین است) یعنی پنجاه و یک رکعت.



### ﴿ پنج هزار ﴾

با پنج هزار ملائکه که جبریل از طرف راست الخ. در قائم حدیث ۴۱ خواهد آمد.

### ﴿ پنجاه زن ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۹۵ دارد که رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه برای پنجاه زن یک قیم باشد.

در مستدرک ج ۴ ص ۴۹۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۳ فرمود برپا نشود ساعت تا یک مرد قیم پنجاه زن گردد.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۸ دارد که برپا نشود ساعت تا اینکه تدبیر پنجاه زن بدست یک مرد باشد.

و در کنز ص ۲۱۰ فرمود مردها بروند و زنها بمانند حتی اینکه پنجاه زن را یک قیم باشد.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۵ رسول خدا ﷺ فرمود خداوند تمیز دهد و جدا کند دوستان خود را تا زمین از منافقین و گمراه کنندگان و اولاد ایشان پاک کند، و تا اینکه پنجاه زن مردی را ملاقات کنند یکی گوید ای بنده خدا مرا بخر، و دیگری گوید ای بنده خدا مرا جای بده.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۳ از امام باقر علیه السلام روایت کند که پنجاه زن همراه آن عده یعنی سیصد و سیزده تن خواهد بود.

و در ایشان پنجاه زن باشد. در مهدی علیه السلام حدیث ۱۴۴ خواهد آمد.

در سیزده خواهد آمد که چرا و برای چه زن همراه دارند.

### ﴿ پنجاه نفر ﴾

در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۱ فرمود پنجاه نفر نماز بخوانند و از هیچ کدام قبول نشود. در ساعت ظهور حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ پنهان ﴾

مردها پنهان شوند و بر زنها چیزی نیست. در سفیانی حدیث ۲۸ خواهد آمد.

### ﴿ پوشیده برهنه ﴾

در صحیح بخاری ج ۲۴ ص ۱۵۳ حدیث (۶۶۴۲) از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود چه بسا کسانی که در دنیا پوشیده‌اند و در آخرت برهنه می‌باشند. و در فقیه ج ۳ ص ۲۴۷ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود ظاهر می‌شود در آخرالزمان و نزدیکی ساعت (ظهور) که آن بدترین زمانها است زنهایی که مکشفه<sup>(۱)</sup> و برهنه‌اند از دین خارجند و در هر فتنه‌ای داخلند و مائل به شهوترانی و به هر لذتی سرعت کننده‌اند و هر حرامی را حلال می‌دانند و در جهنم خالد می‌باشند. (یعنی همیشه در جهنم هستند)

و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زنهای امت آخرالزمان پوشیده و برهنه هستند (در آن واحد هم پوشیده و هم برهنه‌اند مثل لباسهای بدن نما که امروزه متداول است) موهای سرشان مثل کوهان شتر

---

(۱) در روایات ما (کاشفات عاریات) نقل شده و در روایات عامه (کاسیات عاریات) نقل شده و این درست است و معجزه است که فرموده باشند پوشیده و برهنه‌اند و تا چند سال قبل معنای حدیث مفهوم نمی‌شد بلکه تناقض فهمیده می‌شد ولی فعلا بخوبی معنای حدیث (کاسیات عاریات) معلوم می‌شود که زن در حالیکه پوشیده است برهنه است.

خراسانی است پس ایشان را لعن کنید که ایشان ملعونانند .  
 در کنز العمال ج ۱۶ ص ۳۸۳ فرمود دو صنف از اهل آتشند یک صنف  
 گروهی هستند که با ایشان است تازیانه‌ها مثل دم گاو که به آن مردم را می‌زنند  
 (و صنف دیگر) زنهایی که پوشیده‌اند برهنه‌اند (ممیلات مائلات) خمان و چمان  
 روند از ناز<sup>(۱)</sup> و گردن‌کشی، و یا مایل‌اند از اطاعت خدا و آنچه ایشان را لازم  
 است از حفظ فرج یا شانه میلا کنند که کراهت دارد یا مایلند بسوی بدی و  
 فساد، سرهاشان مثل کوهان شتر بختی است، داخل بهشت نشوند و بوی آن را  
 هم نشنوند (با اینکه از پانصد سال راه بوی بهشت شنیده می‌شود)  
 در کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۰۱ فرمود زود است بیاید در آخرالزمان زنهایی که  
 سوار شوند بر زینها مثل مردها درب مسجد پیاده شوند، پوشیده‌اند برهنه‌اند  
 سرهاشان مثل کوهان شتر بختی لاغر است (یک نوع شتر خراسانیست) پس  
 ایشان را لعن کنید که ایشان لعن کرده شده‌گاند، حاضرند خدمت‌گزار کفار  
 باشند چنانچه قبلا زنهای کفار خدمت‌گزار شما بودند .  
 مؤلف گوید حدیث دیگری مشابه این در دو چرخه خواهد آمد .

### ﴿ پیر ﴾

فتنه‌هایی روی دهد که پیر شود در آن اشراف مردم الخ . در فتنه حدیث ۴۰  
 خواهد آمد .

### ﴿ پیراهن حضرت حجت علیه السلام ﴾

در لباس خواهد آمد .

(۱) یعنی در وقت راه رفتن با ناز و غمزه راه روند .

### ﴿ پیشوایان ﴾

در امت حدیث ۳ گذشت که رسول خدا ﷺ فرمود من نمی‌ترسم بر امتم مگر از پیشوایان گمراه کننده الخ .  
 بوده باشد برای شما پیشوایانی که مالک شوند ارزاق شما را. در سلطان حدیث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ تابوت ﴾

در ملاحم سید ص ۶۷ روایت کند که کعب گفت مهدی عجل الله فرجه جماعتی بفرستند برای قتال روم و ده نفر بفرستند که تابوت سکینه را از غار انطاکیه خارج کنند. در آن است تورات موسی و انجیل عیسی که خدا برای ایشان نازل کرده (پس حضرت) حکم کند بین اهل تورات به توراتشان و بین اهل انجیل به انجیل شان. و در ملاحم ص ۷۱ باب ۱۵۳ دارد که بر دست مهدی عجل الله فرجه ظاهر شود تابوت سکینه از بحیره طبریه الخ .

### ﴿ تاجر ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۶ دارد که ساعت (ظهور) برپا نشود تا وقتی که تاجر به مغرب و مشرق برود و ربحی بدست نیاورد.

### ﴿ تاجرانی که به انطاکیه می‌روند ﴾

در اصحاب مهدی عجل الله فرجه گذشت .

### ﴿ تازاج ﴾

در غنیمت خواهد آمد.

### ﴿ تازه ﴾

بدن هر دو نفر تر و تازه باشد الخ. در علامات ظهور حدیث ۱۷ و در قائم حدیث ۱۰۹ و ۱۲۸ و در مدینه حدیث ۱۵ خواهد آمد.  
ای خالد بعد از من چیزهای تازه رخ خواهد داد. در مقتول خواهد آمد.

### ﴿ تازه جوانان ﴾

در سنن ترمذی ج ۴ ص ۴۸۱ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود در آخرالزمان گروهی خروج کنند که تازه جوانانند (سفهاء الاحلام) یعنی سبک سر و سفیه و بی بردبارند، قرآن را می خوانند ولی از گلویشان تجاوز نمی کند از قول بهترین خلق نقل می کنند (ولی عمل نمی کنند) از دین بیرون می روند چنانچه تیر که از کمان بیرون می رود.

### ﴿ تازیانه های آخرالزمان ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که جماعتی را خواهی دید که صبح می کنند در سخط خدا و عصر می کنند در لعنت خدا، در دست دارند (تازیانه) مثل دم گاو.

و در ص ۴۳۶ ایضا دارد که خارج می شوند در آخرالزمان در این امت مردانی که با ایشان است تازیانه ای مثل اینکه دم گاو است.

و در ص ۴۶۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که یکی از علامات سخن گفتن

تازیانه است با انسان .

و در کنز العمال ج ۱۶ ص ۳۸۳ فرمود دو صنف از اهل آتش هستند یکی گروهی که با ایشان است تازیانه‌هایی مثل دم گاو که به آن مردم را می‌زنند .  
در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۵ دارد که پیشاپیش ساعت (ظهور) باشد که مردی از خانه خود خارج شود پس برنگردد مگر آنکه کفش و تازیانه‌اش او را خبر دهند به آنچه اهل بیتش انجام داده‌اند بعد از خودش .  
به تازیانه بزرگ اعتنائی نکند ولی بچه را گرفته سر ببرد . در سفیانی حدیث ۱۷ خواهد آمد .

### ﴿ تبریز ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ ذیل خطبه‌ای امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود گروهی از خراسان مالک می‌شوند تبریز را .

### ﴿ تجارت در آخرالزمان ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۶ و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۰ در ذیل حدیث است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود پیشاپیش ساعت (ظهور) (تسلیم الخاصة) (ینی سلام به آشناها بدهند) و فاش شدن تجارت است بطوریکه زنها در تجارت کمک شوهرشان می‌کنند و حتی اینکه مردم اموالشان را بردارند و اطراف زمین سیر کنند و باز گردند و بگویند هیچ ربی نبردیم .

و در ص ۴۴۶ ایضا روایت کند که خارجه بن الصلت البرجمی گفت روزی با عبدالله داخل مسجد شدم و مردم به رکوع بودند پس مردی گذر کرد و سلام کرد به او پس گفت راست گفت رسول خدا راست گفت رسول خدا، پس از این مطلب سؤال کردم پس جواب داده که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه

مسجدها را محل عبور و مرور قرار دهند و حتی اینکه مرد بر مرد سلام دهد بواسطه شناسائی که با هم دارند و حتی اینکه زن با مردش تجارت کنند و حتی اینکه اسب و زن گران شود. پس از آن ارزان شود و دیگر گران نگردد تا قیامت. در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۰ در دو حدیث دارد که آشکارا شود تجارت تا اینکه زن کمک کند شوهر خود را در تجارت.

### ﴿ تحسین ﴾

مگر وقتی که کارهای زشتشان را تحسین کنید. در سلطان حدیث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ تحیت و سلام دادن مردم آخرالزمان ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۴ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که در آخرالزمان مردمانی باشند که وقتی همدیگر را ملاقات می کنند تحیت بین ایشان تلاعن باشد یعنی همدیگر را لعن کنند.

و در مستدرک ص ۵۲۴ و کنز ص ۲۴۶ و ص ۲۴۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه مسجدها را محل رفت و آمد قرار بدهند و تا اینکه سلام ندهند مگر به کسی که آشنا باشند و تا اینکه زن با شوهر خود مشغول تجارت گردند الخبر.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۰ در دو حدیث دارد که سلام دادن برای خاصه است (یعنی به آشناها سلام می دهند به عموم مردم سلام نمی دهند)

و در ص ۶۱۳ فرمود سلام بین ایشان برای آشنائی باشد (یعنی هرکس را می شناسند سلام بدهند و به عموم مردم که دستور اسلامی است سلام ندهند)

### ﴿ تر و تازه ﴾

بیرون می آورم کسانی را که در آنجا دفن شده‌اند در حالتی که بدنهای هر دو تر و تازه‌اند الخ. در علامات ظهور حدیث ۱۷ و در قائم حدیث ۹۸ خواهد آمد. گویا می بینم تو و صاحبیت را از قبر خارج کرده‌اند تر و تازه الخ. در قائم حدیث ۱۰۹ و ۱۲۷ خواهد آمد.

به مردم می فرماید این دو را از قبرشان بیرون کشید مردم هم از قبر بیرون می آورند در حالی که تر و تازه باشند الخ. در مدینه حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ ترس ﴾

در کفایة الخصام ص ۶۸۷ حدیث ۶۳ از جابر از امام باقر علیه السلام روایت کند که خدا رعبی و ترسی در دل‌های شیعیان ما می اندازد و چون قائم ما قیام کند و مهدی ما ظهور نماید هر مردی از آنها جری تر باشد از شیر ژیان و گذرنده تر از نیزه و سنان می شوند.

تا تایید کند به سه چیز به ملائکه و مؤمنین و ترس الخ. در (عجله کنندگان) خواهد آمد.

ترسی اهل عراق را بگیرد که هیچ راه فرار نداشته باشند. الخ در آتش حدیث ۱۸ گذشت.

یاری شود بترس و مؤید باشد به نصر الخ. در قائم حدیث ۳۸ خواهد آمد. نماند بین مغرب و مشرق چیزی مگر آنکه از او بترسد. در قائم حدیث ۱۴ خواهد آمد.

می ترسد او را بشکند. در قائم حدیث ۱۷ خواهد آمد.



### ﴿ ترک ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۷۴ از رسول خدا ﷺ روایت کند بیاید جماعتی که چشمان کوچک و صورتهای پهن داشته باشند مثل اینکه صورتهشان سپر است. پس اهل اسلام را به منابت شیخ (اسم محلی است) ملحق سازند مثل اینکه می بینم ایشان را که اسبهای خود را به حلقه مسجد بسته اند گفته شد کیانند ایشان فرمود ترک هستند (شاید اشاره به لشکر هلاکو باشد) در حدیث دیگر فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه با ترک جنگ کنید (که ایشان) صورتهای پهن و چشمان کوچک و بینی پهن دارند صورتهایشان مثل سپر چکش خورده است.

در حدیث دیگر فرمود قسم به کسی که جانم بدست او است برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه با ترک جنگ کنید که چشمهای کوچک دارند و صورتهای سرخ و بینی کوچک مثل اینکه صورتهایشان سپر چکش خورده است و احادیث به این مضامین زیاد است.

و در ملاحم ص ۸۷ باب ۱۹۸ از حدیث روایت کند که به اهل کوفه فرمود البته شما را از کوفه خارج کنند جماعتی که چشمان کوچک و بینی پهن دارند و صورتهایشان مثل سپر چکش خورده است و نهالشان از مو است، اسبان خود را به نخل جوخا<sup>(۱)</sup> بیندند و بیاشامند یک قسمت از فرات را.

و در ملاحم ص ۸۸ از رسول خدا ﷺ روایت شده که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه جنگ کنید با ترک که صورتهای سرخ و چشمان کوچک و بینی پهن دارند مثل اینکه صورت ایشان سپر چکش خورده است.

در ملاحم ص ۹۰ از کعب روایت کند البته ترک وارد جزیره می شود و

(۱) اسم نهری و محلی است در حوالی بغداد. م

اسبهای خود را از فرات سیراب کنند پس خداوند وبا بر ایشان بفرستد و همه ایشان را بکشد جز یک نفر.

و در همان صفحه ایضا از کعب روایت کند که خلاصه‌اش آن است ترک بر (آمد)<sup>(۱)</sup> وارد شوند و از آب دجله و فرات بیاشامند و در جزیره سیر کنند و اهل اسلام متحیر بمانند و هیچ کاری نتوانند انجام دهند پس خداوند یخ بدون کیل بفرستد و ایشان را از اول تا به آخرشان نابود سازد.

و در ص ۹۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برای ترک دو خروج هست در یکی آذربایجان را خراب می‌کنند و در دیگری سرعت بسوی شط فرات کنند. و در حدیث دیگر فرمود سرعت کند ترک بر نهر فرات پس مثل اینکه می‌بینم اسبهای زردشان صف کشیده بر نهر فرات.

در حدیث دیگر فرمود خداوند مرگ را بر اسبهای ایشان می‌فرستد پس پیاده می‌شوند پس می‌بوده‌باشد در ایشان ذبح الله الاعظم که دیگر ترکی بعدش نماند. در ص ۱۲۷ از بنو قنطوراء سؤال می‌شود پس جواب داد که اسم ایشان اینطور به ما رسیده و اما اوصافشان اوصاف ترک است.

و در ص ۱۲۸ دارد که زود است بنو حفصه یعنی ترکها بروند بسوی عراق. تمام حدیث در بنی حفصه گذشت.

زود است که برادران ترک بیایند تا وارد جزیره شوند الخ. در علامات ظهور حدیث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ ترمذ ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام فرمود اما شهر ترمذ را بلای طاعون فرو گیرد و مردمش را نابود کند.

(۱) آمد: در معجم البلدان گوید بلد قدیمی است دجله را مثل هلال احاطه نموده.

## ﴿ ترنجبین ﴾

در رومیه خواهد آمد.

## ﴿ تسبیح سی و سه دانه ﴾

در شیعه حدیث ۶ خواهد آمد.

## ﴿ تصدیق ﴾

و هرچه دروغ می گویند تصدیقشان کنید. در سلطان حدیث ۹ خواهد آمد.  
و هرکس داخل ایشان شود و دروغشان را تصدیق کند - از من نیست. در  
سلطان حدیث ۱۷ خواهد آمد.

شما تصدیق ما می کنید و مردم تکذیب می کنند. در کوفه حدیث ۱۲ خواهد آمد.

## ﴿ تعجب ﴾

در عجب خواهد آمد.

## ﴿ تعیین وقت ﴾

در وقت خواهد آمد.

﴿ تف ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ از امام حسین علیه السلام روایت کند که فرمود این امری  
را که شما انتظارش را دارید (یعنی ظهور حضرت) نخواهد شد تا وقتی که بعض

(۱) یعنی آب دهن.

شماها از بعض دیگر بیزاری جوید و بعضی در صورت بعض دیگر تف اندازید  
الخبر.

و در ص ۲۰۶ ایضا از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود نخواهد شود  
این امر (ظهور) تا وقتی که تف بیندازد بعض شما بصورت بعض، و حتی بعض  
شما بعض دیگر را لعن کنید و همدیگر را دروغ گو نامید.

و در ص ۲۱۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود قسم به آن کسی که  
جانم در دست اوست این امری که دوست می دارید نخواهد شد تا وقتی که تف  
بیندازد بعض شما در صورت بعض. الخبر.

(یعنی آنقدر اوضاع مردم درهم و برهم شود که کار شماها به اینجا برسد)

### ﴿ تقسیم ﴾

تقیسم کند بالسویه الخ. در قائم حدیث ۱۲۱ خواهد آمد.  
مال را بالسویه تقسیم می کند الخ. در مال خواهد آمد.

### ﴿ تقوی ﴾

علیکم بتقوی الله وحده لا شریک له الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۲  
خواهد آمد.

### ﴿ تکریت ﴾

در عوف سلمی خواهد آمد.

### ﴿ تمنای مرگ ﴾

در مرگ خواهد آمد.

## ﴿ تمیم داری ﴾

تمیم داری نصرانی بوده مسلمان شده و قصه مفصلی راجع به دجال دارد که در دجال حدیث ۳ خواهد آمد. در اسلام هم قصه‌ای دارد که گذشت.

## ﴿ تنویه ﴾<sup>(۱)</sup>

در کافی ج ۱ ص ۳۳۶ حضرت صادق علیه السلام فرمود پرهیزید از تنویه و بلند کردن (آوازه حضرت حجت) پس بدرستیکه امام شما سالهائی را از نظر غائب شود و شما امتحان شوید حتی گفته شود مرد کشته شد هلاک شد در کدام بیابان رفته، و باید چشمان مؤمنین برای او گریه کنند و باید مثل کشتی در امواج دریا وارو شوید و نجات نیابد مگر کسانی که خداوند از ایشان میثاق گرفته و در قلبش ایمان را نوشته و به روح القدس او را تأیید فرموده، و باید دوازده پرچم مشتبه<sup>(۲)</sup> برپا شود که ندانی کدام حق است و کدام باطل. راوی گفت گریه کردم و عرض کردم پس چه کنیم؟ حضرت نگاهی به خورشیدی که در صفا می درخشید نمود پس فرمود ای بنده خدا می بینی این آفتاب را عرض کردم بلی فرمود والله امر ما از این روشنتر است. (یعنی اگر کسی طالب حق باشد و مریض نباشد و حب دنیا و ریاست چشم و گوش او را کور و کر نکرده باشد حق برای او پوشیده نخواهد ماند)

و در غیبت نعمانی ص ۱۵۱ و ص ۱۵۲ امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود پرهیزید از تنویه و بلند کردن (اسم حضرت و خصوصیاتش) و مثل حدیث سابق را ذکر فرمود.

(۱) تنویه یعنی بلند کردن و شایع ساختن اسم کسی.

(۲) در پرچمها نظیرش ذکر شد رجوع کنید.

### ﴿ تنها می مانم ﴾

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اگر بعض حقایق را بگویم لشگرم از دور من متفرق می شوند و تنها می مانم الخ. در امتحان حدیث (۱۴) گذشت مراجعه کن.

### ﴿ توبه ﴾

توبه از دست شما رفته الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۲ خواهد آمد.  
و احدی را توبه ندهد الخ. در قائم حدیث ۱۱۷ خواهد آمد.  
هر کس توبه کند خدا هم توبه او را قبول کند الخ. در مرجئه خواهد آمد.  
و از احدی توبه نخواهد. در سیره حدیث ۵ خواهد آمد.

### ﴿ توبیخ ﴾

مردم مرا توبیخ می کنند. در ندا حدیث ۲۴ خواهد آمد.

### ﴿ تورات و انجیل ﴾

تورات و سائر کتابهای خدا را از غار انطاکیه خارج کند الخ. در قائم حدیث ۱۲۱ خواهد آمد.

در آن است تورات موسی و انجیل عیسی الخ. در تابوت گذشت.

### ﴿ توقیت ﴾

در وقت خواهد آمد.

### ﴿ توله سگ ﴾

در ملاحم ص ۹۵ دارد که اگر یکی از شما توله سگ را تربیت کنید بهتر است از تربیت بچه .

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ روایت کند که وقتی نزدیک شود زمان (ظهور) زیاد شود پوشیدن لباس کبود رنگ و زیاد شود تجارت، و زیاد شود مال و صاحب مال تعظیم شود، و عمل قبیح زیاد شود، و حکومت با بیچگان گردد، و زنها زیاد شوند، و پادشاه ظلم کند و کم فروشی رواج شود، در آنوقت اگر مردی توله سگی را تربیت کند بهتر است از تربیت بچه پسر، بزرگان را احترام نکنند، به کوچکان رحم نمایند، اولاد زنا زیاد شود، بطوریکه در وسط جاده با زنی زنا کنند، گرگان لباس میش بپوشند، خوبان ایشان در آن زمان کسانی هستند که مداهنه و سستی کنند (یعنی امر به معروف و نهی از منکر نکنند)

### ﴿ تیر ﴾

در غیبت نعمانی از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود البته باید هر کدامی از شماها آماده کند برای خروج قائم علیه السلام ولو اینکه یک تیری باشد بجهت آنکه اگر خدا بداند این آمادگی را از او امید می رود که عمرش را طولانی کند تا آن حضرت را درک کند (پس بوده باشد از یاران و انصار او)

### ﴿ نار ﴾

یا رب ناری و النار الخ . در سفیانی حدیث ۳۴ خواهد آمد .

### ﴿ ثلث ﴾

در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۷ حضرت صادق علیه السلام فرمود این امر نخواهد شد تا اینکه دو ثلث مردم بروند گفته شد اگر دو ثلث بروند چه باقی خواهد ماند؟ فرمود شما نمی خواهید و راضی نیستید از ثلث باقی باشید.

در ملاحم ص ۵۸ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود مهدی علیه السلام خروج نکند تا اینکه یک ثلث مردم کشته شوند و یک ثلث بمیرند و یک ثلث باقی باشند.

### ﴿ جابیه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۸۰ یکی از علامات را خسف و فرو رفتن قریه از قریه های شام که آن را جابیه گویند شمرده.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۶ دارد که مسلمانها وارد بر زمینی می شوند که آن را جابیه گویند اموال و چهارپایانشان زیاد شود پس فرستاده شود بر ایشان جرب مثل دمل پاکیزه شود اموالشان و شهید گردد بدنهایشان.

### ﴿ جاده ﴾

در (راه) خواهد آمد.

### ﴿ جالب الوحش ﴾

در ملاحم ص ۳۶ نقل شد که بعد از هلاک بنی امیه جالب الوحش<sup>(۱)</sup> خواهد آمد خداوند می فرستد بسوی او اهل زمین را از چهار طرف آن و بواسطه او خداوند امت را کیفر و عذاب می کند.

(۱) شاید کنایه از لقب شخصی باشد.



### ﴿ جان ﴾

اگر دو جان داشتید الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۲ خواهد آمد.  
فاصله نیست میان - جز آنکه جانش به اینجا رسد و اشاره به گلویش  
فرمود. در کوفه حدیث ۱۲ خواهد آمد.

### ﴿ جاهل ﴾

چون جاهل سخنی گوید یارانی پیدا کند و چون فقیهی سخن گوید مغلوب  
شود. در علم حدیث ۳۲ خواهد آمد.

### ﴿ جاهلیت ﴾

روبرو شود با مردم پیش از آنچه رسول خدا با مردم جاهلیت روبرو شد الخ.  
در صاحب الامر حدیث ۱۳ خواهد آمد.  
درک جاهلیت نکرده ولی الخ. در عرب حدیث ۳ خواهد آمد.

### ﴿ جایزه ﴾

یک سر شیعه هزار درهم جایزه. در سفیانی حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ جبرئیل ﴾

یکی از آسمان و آن صوت جبرئیل است الخ. در صوت حدیث ۴ خواهد آمد.  
صوت جبرئیل از آسمان است الخ. در صوت حدیث ۱۱ خواهد آمد.  
آن صیحه جبرئیل است. در صیحه حدیث ۵ خواهد آمد.  
و صدای جبرئیل روح الامین است. در قائم حدیث ۷۵ و در ندا حدیث ۱۲

خواهد آمد.

صدای اول صدای جبرئیل است. در ندا حدیث ۲۷ خواهد آمد.  
با پنج هزار ملائکه جبرئیل از طرف راست میکائیل از الخ. در قائم حدیث  
۴۱ خواهد آمد.

و آن صدا صدای جبرئیل است. در قائم حدیث ۶۳ خواهد آمد.  
جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ الخ. در قائم حدیث ۶۴  
خواهد آمد.

جبرئیل را بصورت پرنده سفیدی می فرستند الخ. در قائم حدیث ۱۰۶  
خواهد آمد.

### ﴿ جدال ﴾

در کنز العمال ج ۱ ص ۳۷۴ از عمر روایت کند که زود است بیایند مردمی که  
جدال کنند با شما به متشابهات قرآن پس با سنت (و اخبار نبوی) با ایشان بحث  
کنید که اصحاب سنت داناترند به کتاب خدا.

در کنز العمال ج ۱ ص ۳۷۸ از علی علیه السلام روایت کند که زود است گروهی با  
شما جدال کنند پس با سنت با ایشان بحث کنید پس بدرستیکه اصحاب سنت  
داناترند به کتاب خدا.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۵۷ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود بیاید زمانیکه  
شخص منافق کافر مشرک با مؤمن جدال کند به مثل آنچه مؤمن می گوید.

### ﴿ جدید ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۵۵ از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که  
فرمود هر وقت امام زمان خروج کند قیام کند به امر جدید و کتاب جدید و سنت

جدیده و حکم جدید الحدیث (یعنی امر دین چنان کهنه و از بین رفته باشد که هرچه بیاورد خیال کنند چیز تازه‌ای آورده)

در غیبت نعمانی ص ۲۶۳ حضرت صادق علیه السلام فرمود بخدا قسم مثل اینکه نگاه می‌کنم به او (حضرت حجت) بین رکن و مقام بیعت می‌کند با مردم بر کتاب جدید الحدیث.

در غیبت نعمانی ص ۳۲۱ امام باقر علیه السلام فرمود بدرستی که قائم ما هر وقت قیام کند مردم را به امر جدید دعوت فرماید چنانچه رسول خدا مردم را به امر جدید دعوت فرمود (مردم زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله از چوب و سنگ و گل و غیره بت می‌ساختند و عبادت می‌کردند حضرت فرمود اینها را که نه نفعی دارند و نه ضرری به کنار گذاشته خدای نادیده که همه چیزها مال اوست عبادت کنید) و در وافی ج ۲ ص ۱۱۳ از امام صادق علیه السلام روایت کند که چون قائم قیام کند مردم را از نو دعوت کند به اسلام الحدیث.

بیعت کند بر کتاب جدید الخ. در عرب حدیث ۴ خواهد آمد.

بر کتاب جدید بیعت می‌کند الخ. در عرب حدیث ۸ خواهد آمد.

قیام می‌کند قائم به امر جدید و کتاب جدید الخ. در قائم حدیث ۱۱۷ خواهد آمد.

### ﴿ جرأت ﴾

کوچکان به بزرگان جرأت جسارت داشته باشند. در ساعت حدیث ۹۹ خواهد آمد.

### ﴿ جرهمی ﴾

در الامام المهدی از لوايح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۶ گفت جرهمی از

شام خروج می‌کند و در ص ۱۹۵ از تذکره قرطبی نقل کند که جرهمی می‌آید و با سفیانی بیعت می‌کند و اسم جرهمی عقیل بن عقال است.

### ﴿ جزیره ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۲ روایت کند از کعب که گفت جزیره ایمن است از خرابی تا ارمنیه خراب شود، و مصر ایمن است از خرابی تا جزیره خراب شود الخ.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۶۶ در چند حدیث فرمود جمع نشود دو دین در جزیره العرب.

و در حدیث دیگر فرمود باقی نمی‌ماند در جزیره العرب دو دین.

و در حدیث دیگر به علی رضی الله عنه فرمود اگر امر خلافت بدست شما افتاد بعد از من اهل نجران را از جزیره العرب برون کن.

با جزیره العرب جنگ کنید خداوند فتح کند ایشان را الخ. در جنگ خواهد آمد. جزیره را با دست و پا به شدت لگدکوب کند. در فتنه حدیث ۴ خواهد آمد.

### ﴿ جزیره بنی کاوان ﴾

در بنو کاوان گذشت.

### ﴿ جزیره العرب ﴾

در جزیره گذشت.

### ﴿ جسّاسه ﴾

در دجال ذکر می‌شود ص ۲۸۹ کنز.

## ﴿ جسر ﴾

در پل گذشت.

## ﴿ جسم ﴾

در البرهان ص ۹۳ دارد که جسمش جسم اسرائیلی است یعنی قد طولانی دارد.

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۶۵ و ص ۲۸۷ دارد که جسمش جسم اسرائیلی است (یعنی طویل القامه است)

## ﴿ جنب ﴾

درشت. و در بنو العباس ح ۱۵ گذشت.

## ﴿ جگر خوار ﴾

خارج می شود پسر هند جگر خوار الخ. در سفیانی حدیث ۶ و ۳۵ خواهد آمد. پسر هند جگر خوار از وادی یابس خروج خواهد کرد الخ. در شام حدیث ۵ خواهد آمد.

## ﴿ جلاء وطن ﴾

اکثر مردم از دیار خود جلاء وطن کنند. در اندلس گذشت.

## ﴿ جماع ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۶ دارد که ساعت ظهور برپا نشود تا وقتی که مردم در راه مثل حیوانات جماع کنند.

### ﴿ جماعت ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۶ از ابن مسعود روایت کند که فرمود بر شما باد به تقوای خدا و ملازم باشید بر جماعت محمد ﷺ پس بدرستیکه خدای تعالی جمع نکند جماعت محمد ﷺ را بر گمراهی و اینکه دین یکی است و دوری کنید از تلّون و رنگ به رنگ شدن در دین و بر شما باد بتقوی الله و صبر کنید تا استراحت کند شخص نیکوکار یا راحت کرده شود از فاجر .

و در ص ۵۰۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بر شما باد به پرهیزکاری خدا و جماعت پس بدرستیکه خداوند تعالی جمع نکند این امت را بر گمراهی و بر شما باد به صبر نمودن تا اینکه استراحت کند شخص نیکوکار یا راحت کرده شود از فاجر .

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۴۸ از ابن مسعود روایت کند که فرمود پرهیزید از خدا و صبر کنید تا وقتی که نیکوکار استراحت کند و یا راحت کرده شود از فاجری .

### ﴿ جمعه ﴾

قیام قائم در روز جمعه خواهد بود . در قائم حدیث ۳۹ خواهد آمد .

### ﴿ جمهوری در ایران ﴾

در ایران گذشت رجوع شود .

### ﴿ جمیل ﴾

در الزام الناصب چاپ قدیم ص ۲۱۱ و چاپ جدید ج ۲ ص ۲۴۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمود ویقتل مدرب الجمیل الاحمر بعد آن یسجن الاسمر عند وصول رسل المغاربة الیه ومثولهم بین یدیه الخبر .

## ﴿ جنازه ﴾

در مرگ خواهد آمد.

## ﴿ جنگ و جهاد ﴾

سیزده شهر و طائفه با حضرت جنگ کنند. در سیزده خواهد آمد.  
در مستدرک ج ۴ ص ۴۲۶ از نافع بن عتبه از رسول اکرم ﷺ روایت کند که فرمود با جزیره العرب جنگ کنید و خداوند ایشان را فتح کند سپس با روم جنگ کنید آنجا را هم فتح کند سپس با فارس جنگ کنید آنجا را هم فتح کند پس از آن با دجال جنگ کنید آن را هم فتح کند (یعنی با هر کس جنگ کنید خداوند برای شما فتح و پیروزی نصیب کند کما اینکه آنچه را خبر داده بود شد باقی مانده دجال)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۵۰ در ذیل حدیثی رسول خدا ﷺ فرمود همیشه در امت من طائفه‌ای هستند که برای حق تظاهر می‌کنند و می‌جنگند و ضرر نزنند به ایشان یاری نکردن کسی تا امر خدا بیاید.

و در حدیث دیگر فرمود همیشه از امت من طائفه‌ای هستند که برای حق جهاد کنند و مقاتله نمایند و غلبه کنند بر دشمنان تا اینکه مقاتله کند با آخر ایشان دجال.

و در کافی ج ۵ ص ۲۱ در ذیل حدیثی از امام هشتم علیه السلام روایت کند که اگر دشمن بیاید در حدودی که شخص آنجا نگهبان است چه کند فرمود مقاتله کند از بیضه اسلام نه از خلفاء جور چون از بین رفتن اسلام از بین رفتن دین محمد ﷺ است.

در فقیه ج ۴ ص ۲۵۴ از امام ششم از جدش روایت کند که فرمود هر کس

صبح کرد و قصد ظلم احدی را نکرد آن بهترین جهاد است .  
 در کافی ج ۵ ص ۵۹ از امام صادق علیه السلام سؤال شد از این حدیث که رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله فرمود بهترین جهاد کلمه عدل است نزد امام جائز و ستمگر <sup>(۱)</sup> معنی  
 چیست حضرت فرمود معنایش این است که امر کنندۀ معرفت داشته باشد  
 آنوقت امر کند او هم قبول نماید و الا فلا (یعنی اگر امر کننده عالم نباشد به آنچه  
 امر می کند یا آن ستمگر قبول نکند بر او واجب نیست)  
 در کافی ج ۵ ص ۲۳ و ۲۷ راوی خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض می کند  
 من در خواب دیدم که به شما عرض می کنم جنگ با غیر امام که طاعتش واجب  
 است حرام است مثل گوشت مردار و خون و خنزیر شما هم در خواب فرمودید  
 همین طور است حضرت در بیداری فرمود بلی همین طور است همین طور است .  
 در تهذیب ج ۶ ص ۱۷۰ امام صادق از امام باقر علیه السلام روایت کند اول کسی که  
 جنگ نموده حضرت ابراهیم علیه السلام است وقتی که روم حضرت لوط را اسیر کردند  
 الحدیث .

در تهذیب ج ۶ ص ۱۳۴ مردی به علی بن الحسین علیه السلام عرض کرد رو کرده ای  
 بر حج و ترک کرده ای جهاد را دیده ای حج نرم و بی زحمت است و حال آنکه  
 خداوند فرموده ﴿ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ ﴾ الآية .  
 حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود تنمه آیه را بخوان پس باقی آیه را خواند  
 ﴿ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ - أَلِي قَوْلِهِ - وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ﴾ حضرت فرمود هر  
 وقت این جماعت پیدا شدند ما هم چیزی را بر جهاد مقدم نمی کنیم (یعنی جهاد  
 شرایطی دارد هر وقت جمع شد ما هم جهاد می کنیم)

در کافی ج ۵ ص ۲۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که خلاصه اش این است  
 عباد بصری علی بن الحسین علیه السلام را در راه مکه ملاقات نمود و عرض کرد از راه

(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۶ این حدیث را نقل کرده .



اعتراض ای علی بن الحسین جهاد را ترک کرده‌ای برای سختی آن و حج را گرفته‌ای برای راحتی آن و حال آنکه خداوند فرموده ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ﴾ الخ تا آنجا که علی بن الحسین علیه السلام فرمود آیه را تمام بخوان پس خواند ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ - أَلِي قَوْلِهِ - وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ حضرت فرمود هر وقت به این صفت اشخاص را دیدیم آن وقت جهاد افضل است از حج.

در البرهان ص ۱۲۹ دارد که حذیفه سؤال می‌کند یا رسول الله چگونه جهاد و قتال ایشان حلال است و حال آنکه ایشان موحد هستند حضرت فرمود ایشان آن روز از دین برگشته‌اند گمان می‌کنند خمر حلال است و نماز نمی‌خوانند. در امت حدیث ۲۶ گذشت که هر وقت امت با تبختر و دستهای کشیده راه رفتند و فارس و روم خدمتگزار ایشان شد آن وقت جنگ ایشان بین خودشان باشد. در حدیثی دارد که با مسلمانها بجنگند و با کفار صلح کنند.

### ﴿ جوان ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۸۸ حدیث ۴۳ و ص ۲۱۱ حدیث ۲۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که اگر قائم قیام کند مردم او را انکار کنند چون بسوی مردم برمی‌گردد جوانیست موفق (یعنی رشید) و ثابت بر او نماند مگر مؤمنی که در عالم ذر خداوند میثاق از او گرفته باشد.

و در ص ۳۱۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که اصحاب قائم همه جوانند، کهول (۳۵ تا پنجاه ساله) در ایشان نباشد مگر مثل سرمه در چشم یا نمک در آش. و در ص ۳۱۶ از امام صادق علیه السلام روایت کند که همین طور که جوانان شیعه روی پشت بام خود خوابیده‌اند در یک شب به صاحب خود متصل شوند بدون وعده قبلی پس صبح در مکه باشند.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۶ فرمود ساعت (ظهور) برپا نشود تا وقتی جوان پیرمردی را نامه رسان بین مشرق و مغرب گرداند.

در غیبت نعمانی ص ۱۸۹ در ذیل حدیث ۴۳ فرمود بزرگترین امتحانات آن است که حضرت به شکل جوانی بر مردم خروج کند و حال آنکه خیال می‌کردند پیرمرد بزرگی است.

بصورت جوانی رشید سی و دو ساله ظهور کند الخ. در قائم حدیث ۱۲۵ خواهد آمد.

### ﴿ جوجه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۹۹ در ذیل حدیثی از امام چهارم روایت کند که زود است رنگین شود زمین از خون جوجه هائی از جوجه‌های آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن جوجه‌ها پرواز می‌کنند در غیر وقتش و طلب می‌کنند چیزی را که درک نکنند.

الحدیث.

و در حدیث دیگر امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید مَثَلْ كَسِيْ كَخُرُوْجِ كَنْدِ اَزْ مَا اَهْلِيَّتِ قَبْلَ اَزْ قِيَامِ قَائِمٍ مَثَلْ جَوْجِهٍ اَسْتِ كِهْ پَرُوْازِ كَنْدِ وَاَزْ اَشْيَانِهْ خُوْدِ بِيْفْتَدِ وِ بَچِهْ هَا اَوْ رَا گِرْفْتِهْ اَسْبَابِ بَا زِي قَرَارِ دِهَنْدِ.

### ﴿ الجهجاه ﴾<sup>(۱)</sup>

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۲ دارد که نرود روزها و شبها تا اینکه به پادشاهی رسد مردی که او را جهجاه گویند.

(۱) این لفظ را چند قسم خوانده‌اند (جهجاه و جهها و جهجا به ترک‌ها در آخرش) در قاموس گفته همه در صحیح مسلم است. و در نهایت گوید گرگی به گوسفند مردی حمله کرد و گوسفندی را گرفت (فجهجاه الرجل ای زیره) یعنی چنگ زد و زجر کرد و نهی کرد.

و در ص ۲۱۳ دارد که نرود شب و روز تا اینکه به پادشاهی رسد از آزاد شدگان که او را جهجاه گویند.

و در ص ۲۴۸ دارد که ساعت (ظهور) برپا نشود مگر وقتی پادشاهی کند مردم را مردی از آزاد شدگان که او را جهجاه گویند.

### ﴿ جهاد ﴾

در جنگ گذشت.

### ﴿ جهل و نادانی ﴾

در صحیح بخاری ج ۲۴ ص ۵۱ حدیث (۶۶۳۸) از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود پیش از ساعت ظهور روزگاری خواهد آمد که علم بر طرف شده جهل نازل شود و هرج زیاد شود و هرج یعنی قتل و کشتار.

و در ص ۱۵۲ روایت کند که پیشاپیش ساعت (ظهور) روزگاری هرج باشد که علم زائل و جهل ظاهر شود ابو موسی گفت هرج به لسان اهل حبشه یعنی قتل و کشتار.

### ﴿ جهنیه ﴾

در سفیانی حدیث ۵۹ خواهد آمد.

### ﴿ چراغ ﴾

چون پسر من علی بمیرد چراغی بعد از او ظاهر شود الخ. در فتنه حدیث ۴۰ خواهد آمد.

در او چراغی است نور می دهد الخ. در صاحب الامر حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ چشم ﴾

کجا است خروج او و حال آنکه خروج نکرده شکننده چشم او از صنعاء . در سفیانی حدیث ۲۲ خواهد آمد .

خداوند چشم او را روشن کند . در کوفه حدیث ۱۲ خواهد آمد .  
تا اینکه چشم دنیا از حدقه بیرون شود . در علامات ظهور حدیث ۱ خواهد آمد .

### ﴿ چشم دنیا ﴾

فرمود برپا نشود قیام قائم تا اینکه چشم دنیا از حدقه بیرون شود الخ . در علامات ظهور حدیث اول خواهد آمد مراجعه کن .

### ﴿ چشمه ﴾

در وسطش چشمه ایست از روغن الخ . در کوفه حدیث ۹ خواهد آمد .

### ﴿ چوب ﴾

مثل کسی است که بخواهد چوب خاردار را خراطی کند الخ . در صاحب الامر حدیث ۷ خواهد آمد .

### ﴿ چوپان ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۷ دارد که یکی از علامات آن است که چوپانها و گوسفندچرانها در ساختمان بلند پروازی کنند .

و در ص ۲۴۰ دارد که یکی از علامات آن است که ببینی چوپانها رئیس مردم شده اند و ببینی که پابرهنه ها و لختی ها و چوپانهای گوسفندان در ساختمان بهم مباحثات می کنند .

### ﴿ چهار چیز ﴾

طلب نکنید از دنیا چهار چیز را در دنیا خواهد آمد.

### ﴿ چهار صد هزار ﴾

در قسطنطنیه حدیث ۱۲ خواهد آمد.

### ﴿ چهار هزار ملک ﴾

چهار هزار ملک برای یاری امام حسین علیه السلام آمدند و ایشان از یاران حضرت قائم علیه السلام خواهند بود در پرچم حدیث ۲۳ گذشت.

### ﴿ چهل خصلت ﴾

به چهل خصلت بیعت کند. در بیعت حدیث ۳ گذشت.

### ﴿ چهل سال ﴾

در ملاحم ص ۱۵۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود رستگار است اُمتی که اولش من باشم و آخرش عیسی که نماز بخواند پشت سر مردی از اولاد من پس چون نماز صبح بخواند عیسی برخیزد تا بنشیند در مقام و زیست او در دنیا چهل سال باشد.

و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مؤمن اولاد دار شود پس نمیرد تا چهل سال بعد از خروج دابة الارض الحدیث.

### ﴿چهل مرد﴾

قوت چهل مرد به او داده شود. در پرچمها حدیث ۲۳ گذشت.

### ﴿چهل و چهار﴾

ای مفضل تو و چهل و چهار مرد با قائم جمع شوید الخ. در مفضل بن عمر خواهد آمد.

### ﴿چهل هزار زیدی﴾

در حسنی حدیث ۳ خواهد آمد.

### ﴿چین﴾

بسیاری از اهل چین را بکشد الخ. در (حق) حدیث ۳ خواهد آمد.  
 بلاد چین را فتح کند. در قائم حدیث ۸۴ خواهد آمد.  
 اول حرکت (پرچمهای سیاه) از طرف چین از ناحیه‌ای که آن را ختن گویند الخ. در شعیب بن صالح خواهد آمد.  
 هرگاه قیام کند قیام کننده‌ای به خراسان همان کس که از چین و ملتان آمده الخ. در حق حدیث ۴ خواهد آمد.

### ﴿حب دنیا﴾

در ملاحم ص ۱۵۷ در ذیل حدیثی حضرت رسول ﷺ و هن را تفسیر کرده‌اند به حب دنیا.  
 در کافی ج ۵ ص ۳۱۳ از امام پنجم روایت کند که فرمود حب دنیا و مال فتنه

است که انسان را از آخرت روگردان می‌کند .  
 و در کافی ج ۲ ص ۱۳۶ و ۳۱۷ از امام ششم روایت کند که فرمود حب دنیا سر همه خطاها است .  
 و در کافی ج ۲ ص ۱۳۶ ایضا از امام ششم روایت کند که فرمود حب دنیا کور و کر و گنگ می‌کند و گردنها را ذلیل می‌نماید .  
 و در کافی ج ۲ ص ۳۱۵ از امام ششم روایت کند که فرمود سر همه خطاها حب دنیا است .  
 و در کافی ج ۲ ص ۱۳۵ امام ششم فرمود بدان که هر فتنه ابتدائش حب دنیا است .  
 و در روضه کافی ج ۸ ص ۱۳۱ فرمود بدانکه سر هر خطائی و گناهی حب دنیا است .

### ﴿ حبشه ﴾

(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۵۳ و بحار ج ۱۸ ص ۱۴۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود واگذارید حبشه را مادامیکه با شما کاری ندارند، بسجته آنکه استخراج نکند گنج کعبه را مگر ذوالسویقتین<sup>(۱)</sup> از حبشه .  
 (۲) و در ص ۴۵۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود خراب می‌کند کعبه را ذوالسویقتین<sup>(۲)</sup> .  
 (۳) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۱ دارد که خراب کند کعبه را ذوالسویقتین از اهل حبشه .  
 (۴) و در کنز ص ۲۵۱ فرمود خراب کند کعبه را ذوالسویقتین از حبشه و زیورهایش را غارت کند و پرده‌اش را ببرد .

---

(۱ و ۲) ذوالسویقتین ، لقب سیاهی است که کعبه را خراب خواهد کرد . (منتهی الارب) ولی از خود روایات مفهوم می‌شود که مراد مردی است که دو ساق پاهایش باریک است از اهل حبشه است . و در نهایه گوید السویقه تصغیر ساق است . و در کعبه اخبار مناسب مقام ذکر خواهد شد انشاء الله .

- و در حدیث دیگر فرمود ذوالسویقتین خراب کند بیت الله را.
- (۵) و در ملاحم سید ص ۹۷ باب ۲۰۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود زیاد طواف کنید دور این خانه (کعبه) مثل اینکه می بینم مردی را که ساقه های پایش باریک است و با او بیلی است کعبه را خراب می کند.
- (۶) و در حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود خراب می کند کعبه را ذوالسویقتین از حبشه.
- (۷) و در حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که بیاید حبشی پس خانه خدا را خراب کند بطوریکه بعدا هرگز تعمیر نگردد و هم ایشانند که گنج کعبه را استخراج کنند.
- (۸) ایضا از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مثل اینکه نظر می کنم به کسی که پیش سرش مو ندارد و کچل است و میان دندانهایش باز است نشسته روی کعبه و می زند با کردیه (کردیه شاید آلت خاصی باشد). و در کنز ص ۲۵۱ می زند با بیل و کلنگش.
- (۹) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۷ و ۳۳۸ دارد که از هرج سؤال شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود هرج به لسان حبشه یعنی قتل و کشتار.
- (۱۰) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۵ دارد که حبشه تغییر دهند خانه خدا را و آن را بشکنند و سنگ را از اینجا برداشته و در مسجد کوفه نصب کنند.

### ﴿ حبشی ﴾

در ملاحم ص ۱۶۰ از علی علیه السلام روایت کند که فرمود حج بجا آورید قبل از آنیکه شما را منع کنند از حج پس مثل اینکه من نگاه می کنم بسوی حبشی ای که گوش کوچک دارد و گر می باشد بدستش تیشه است (کعبه را) سنگ به سنگ خراب می کند الحدیث.



### ﴿ حتمی ﴾

در علائم حتمی خواهد آمد.

### ﴿ حج ﴾

در ملاحم ص ۱۶۰ از علی علیه السلام روایت کند که فرمود حج کنید قبل از آنیکه حج نکنید (یعنی مانع شما می شوند) پس مثل اینکه من نگاه می کنم به حبشی ای که گوش کوچک دارد و سرش بی مو می باشد در دستش تیشه ای است (کعبه را) سنگ به سنگ خراب می کند.

پدر و مادر من مرده و حج بجا نیاورده الخ. در غیبت حدیث ۱۳ خواهد آمد.  
(یحج الناس مع الخ) در مهدی علیه السلام خواهد آمد.

### ﴿ حجاج ﴾

حجاج بر سه قسمت باشند. در زمان حدیث ۵۵ خواهد آمد.

### ﴿ حجاز ﴾

در ملاحم ص ۱۵۹ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه بیابانی از بیابانهای حجاز سیل آتش گردد. (الحمد لله که این حدیث در چند سال قبل در منی مصداق پیدا کرد) و به این مضمون چند حدیث در آتش گذشت مراجعه کن.

در ملاحم ص ۷۴ و البرهان ص ۱۰۰ روایت شده که مهدی مردیست تبختر کننده، گشاده ابرو، فراخ چشم، از حجاز خروج می کند و بر منبر دمشق قرار گیرد و او به شکل پسر هیجده ساله باشد.

اعراب حجاز جمع شده‌اند برای شما. در صیحه حدیث ۲ خواهد آمد.

### ﴿ حجره ﴾

و خراب می‌کنم حجره پیغمبر ﷺ را و بیرون می‌آورم الخ. در علامات ظهور حدیث ۱۷ و مدینه خواهد آمد.

### ﴿ حرام و حلال ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۶۷ از حدیفه روایت کند که اگر یکی از شماها بخواهد بداند که آیا فتنه به او رسیده یا نرسیده، پس نگاه کند اگر چیزی را حلال می‌داند که سابقاً حرام می‌دانسته پس بداند که فتنه به او رسیده، و اگر چیزی را حرام می‌داند که سابقاً آن را حلال می‌دانسته بداند که فتنه به او رسیده (یعنی میزان در شناختن رسیدن فتنه و نرسیدنش همین امتحان است که احوال خود را ملاحظه کند که سابقاً چه عقیده صحیح داشته نسبت به احکام شرع حالا چه عقیده دارد مثلاً سابقاً گوشت میت را حرام می‌دانسته اگر حالا حلال بداند معلوم می‌شود فتنه به او رسیده یا بی‌حجابی را حرام می‌دانسته فعلاً حلال می‌داند بداند فتنه به او رسیده، هكذا و هكذا العاقل یکفیه الاشاره)

### ﴿ حرث ﴾

بیرون می‌آید مردی از ماوراء النهر که او را حرث می‌گویند الخ. در آمادگی گذشت.

### ﴿ حرسنا ﴾

در معجم البلدان گوید قریه بزرگی است در بین بستانهای دمشق و در غیبت

نعمانی ص ۳۰۶ دارد یکی از علامات فرو رفتن قریه ایست از دمشق که آن را حرستا گویند. در سفیانی حدیث ۵۸ و در شام حدیث ۵ خواهد آمد.

### ﴿ حره ﴾

در ملاحم ص ۵۸ از ابی هریره روایت کند که در مدینه جنگی واقع شود که سنگهای زیت غرق (خون) شود که قصه و جنگ حره نزد آن مثل زدن تازیانه‌ای باشد (حره محلی است نزدیک مدینه سال دوم سلطنت یزید علیه اللعنه در آنجا با اهل مدینه جنگید و لااقل هزار زن بی شوهر آبستن شدند و آن بچه‌ها را اولاد الحره نامیدند و قصه لشکر سفیانی و جنگیدن با اهل مدینه چنان بالا می‌گیرد که قصه حره نسبت به آن مثل زدن تازیانه‌ای باشد) و به فاصله کمی از این واقعه در مکه با حضرت حجت علیه السلام بیعت شود (آن وقت فرجی برای مؤمنین باشد)

در ملاحم ص ۷۵ از ابی رومان روایت کند که چون سفیانی به مصر برسد لشکری بسوی آنکه در مکه است (مهدی علیه السلام) می‌فرستد پس مدینه را سخت تر از جنگ حره خراب می‌کند (و بعد از خرابی مدینه لشکر سفیانی بطرف مکه می‌روند) چون به بیداء (بیابانیست) برسند زمین همه را فرو برد.

### ﴿ حساب ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود شبی که مرا به آسمان بردند از خدای خود سؤال کردم که ای خدای من حساب امت مرا به من واگذار کن که احدی بر اعمال (زشت) ایشان اطلاع پیدا نکند جز من، پس ناگاه از بالا ندا آمد ای احمد ایشان بندگان من هستند دوست نمی‌دارم تو هم بر عیبهای ایشان اطلاع پیدا کنی. پس عرض کردم الهی و سیدی و مولائی

گنهكاران از امت من؟ پس ندا از بالا آمد كه اى احمد وقتى كه من خدائى باشم رحيم و تو هم باشى شفيع ديگر گنه كارى بين ما نخواهد ماند، پس عرض كردم مرا كفايت است مرا كفايت است.

و در ص ۳۶۹ از رسول خدا ﷺ روايت كند كه فرمود از خدا خواستم كه حساب امت مرا به من واگذارد تا نزد مردمان مفتضح نشوند پس خدا وحى فرمود اى محمد من ايشان را حساب مى كنم كه اگر لغزشى دارند پيش تو هم مفتضح نشوند.

و در حديث ديگر فرمود البته داخل بهشت مى شوند از امت من هفتاد هزار كه نه حساب بر ايشان باشد و نه عذاب و با هر هزارى هفتاد هزار داخل بهشت شوند (يعنى هر هزار نفر از آن هفتاد هزار هفتاد هزار شفاعت كنند)

### ﴿ حسنى ﴾

پس حسنى پيشى گيرد و خروج كند اهل مكه بر او شورش كنند الخ. در فرج حديث ۷ خواهد آمد.

در ملاحم ص ۱۴۹ در ذيل حديثى دارد كه حسنى با دوازده هزار لشكر ملحق به حضرت گردد.

در بحار ج ۵۳ ص ۱۵ در ذيل حديث مفضل فرمود پس حسنى خروج مى كند و آن جوانيست خوشرو، از طرف ديلم مى آيد، و به صدائى فصيح صدا مى كند اى آل احمد اجابت كنيد ملهوف را (يعنى ستمديده مضطر، و دادخواه، و حسرت خورنده، و سوخته دل) و ندا كننده اى از اطراف ضريح ندا كند. پس اجابتش كنند گنجهاى خدا در طالقان، گنجهاى و چه گنجهاى از نقره و طلا نيستند بلكه مردانى هستند مثل پاره هاى آهن، بر اسبهاى سفيد كه سياهى هم دارند سوارند و حربه ها بدست گرفته ستمكاران را همى كشند تا به كوفه رسند و

اکثر زمین را صاف کرده و کوفه را برای او پناهگاه قرار دهند که ناگاه خبر مهدی علیه السلام به او و اصحابش برسد، اصحابش به او بگویند ای پسر پیغمبر این کیست که به زمین ما آمده؟ حسنی بگوید ما را بپرید بسوی او که بدانیم کیست، و چه می خواهد، حضرت صادق علیه السلام فرمود بخدا قسم حسنی می داند که او مهدیست، و می شناسد او را فقط می خواهد او را به اصحابش معرفی کند پس حسنی برود بسوی او و بگوید اگر تو مهدی آل محمد هستی پس کو عصای جدت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و انگشتر و لباس و زرهش که فاضل نام دارد، و عمامه سحابش و اسب یربوعش، و شتر عضبائش، و قاطر دلدل، و الاغ یعفور، و نجیب براقش، و قرآن امیرالمؤمنین علیه السلام پس همه را به او نشان می دهد، پس عصا را گرفته در سنگ سخت غرس کند و بکارد و آن سبز شده ورق آورد، و حسنی اراده ای نداشته باشد مگر آنکه به اصحابش بفهماند فضل مهدی علیه السلام را تا با او بیعت کنند.

پس حسنی بگوید الله اکبر ای پسر رسول خدا دستت را بده تا بیعت کنیم، پس حضرت دست مبارکش را دراز کند و حسنی با او بیعت کند و سائر لشکریانش نیز بیعت کنند، مگر چهل هزار زیدی که ایشان اصحاب مصاحفند (یعنی قرآنها را همیشه با خود دارند) ایشان بیعت نکنند و بگویند اینها سحر بزرگیست، پس دو لشکر مختلط شوند، پس مهدی علیه السلام رو کند به آن طائفه منحرفه و موعظه کند و ایشان را دعوت کند تا سه روز، و ایشان را جز کفر و طغیان چیزی نیفزاید، پس حضرت امر فرماید به کشتن ایشان پس همه را بکشند پس حضرت امر فرماید که قرآنها را از ایشان جدا نکنند تا در قیامت بیشتر باعث حسرتشان شود، همانطوریکه تبدیل و تغییر و تحریف کردند و عمل به آن نکردند.

در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود خروج کند

حسینی صاحب طبرستان با جمع کثیری از لشکریانش از سواره و پیاده و بروند نیشابور را فتح کنند و دروازه‌های آن را تقسیم کنند پس بروند اصفهان، سپس بروند قم و بین او و اهل قم جنگ بزرگی واقع شود، و مردم بسیاری در آن کشته شوند پس اهل قم شکست خورده فرار کنند، پس حسینی اموال ایشان را غارت کرده و زنان و فرزندان ایشان را اسیر کند، و خانه‌هایشان را خراب کند، پس اهل قم پناهنده شوند به کوهی که آن را وژ اردهار می‌گویند سپس حسینی چهل روز در آن بلده اقامت کند و بیست نفر را بکشد و دو نفر را بدار آویزد سپس کوچ کند.

حدیث ۲ و ۳ در (حق) خواهد آمد که مناسب مقام است.  
اول حرکت (پرچمهای سیاه) از طرف چین از ناحیه ختن باشد الخ. در  
شعیب بن صالح خواهد آمد.

### ﴿ حسین بن علی علیه السلام ﴾

چون حسین علیه السلام کشته شد خداوند غضبش بر اهل زمین سخت شد. در وقت  
ح ۲ خواهد آمد.

و زمانی که او شهید شد امام حسین علیه السلام به تجهیز او مباشرت می‌کند. در سبب  
مرگ حضرت خواهد آمد.

در قائم حدیث ۴۵ خواهد آمد که بواسطه این انتقام خواهم کشید برای  
حسین علیه السلام.

و در قائم حدیث ۵۲ و ۵۳ خواهد آمد که خروج حضرت مصادف با روز  
عاشورا است که حسین بن علی علیه السلام در آن روز کشته شد.

## ﴿ حق ﴾

(۱) در ملاحم ص ۱۶۱ باب ۲۴ در ذیل حدیثی حضرت رسول ﷺ فرمود خارج شود جماعتی از این طرف و اشاره به مشرق فرمود با ایشان باشد پرچمهای سیاه حق را مطالبه کنند و داده نشوند باز مطالبه کنند و داده نشوند پس جنگ کنند و صبر نمایند پس به ایشان بدهند آنچه را می خواستند و ایشان قبول نکنند تا بدهند به مردی از اهل بیت من که پر سازد به عدل و داد چنانچه پر شده بود از ظلم و ستم پس هر کس ایشان را دوست دارد برود طرف ایشان ولو اینکه با سینه و روی یخ باشد.

(۲) و در غیبت نعمانی ص ۲۷۳ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود گویا می بینم جماعتی را که از طرف مشرق خارج شده اند طلب می کنند حق را پس به ایشان داده نشود باز طلب کنند و به ایشان داده نشود چون این را ببینند شمشیرهای خود را روی شانه گذارند پس به ایشان بدهند آنچه را می خواستند و ایشان قبول نکنند تا اینکه قیام کنند و ندهند جز به صاحب شما کشته هاشان شهدایند ولی اگر من درک کنم آن زمان را خودم را برای صاحب این امر نگاه می دارم.

(۳) و در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۰ از اربعین میرلوحی از فضل بن شاذان از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که فرمود گویا می بینم جماعتی را که خروج کرده اند از دورترین بلاد مشرق از شهری که آن را شیلا نامند طلبد کنند حقشان را از اهل چین پس به ایشان ندهند باز طلب کنند و به ایشان ندهند پس چون این را ببینند شمشیرهای خود را بر دوش گذارند پس (اهل چین) راضی شوند که بدهند به ایشان آنچه را طلب می کردند پس قبول نکنند و بسیاری از اهل چین را بکشند پس از آن همه بلاد ترک و هند را در تصرف خود درآورند و

متوجه خراسان شوند و از اهل آن مطالبه کنند پس به ایشان ندهند پس به قهر و غلبه از ایشان بگیرند و اراده دارند که ندهند پادشاهی را مگر به صاحب شما.

(۴) و در همان صفحه نیز از اربعین میرلوحی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود هرگاه قیام کند قیام کننده به خراسان همانکس که از چین و ملتان<sup>(۱)</sup> آمده متوجه کند سفیانی لشکری را بسوی وی ولی بر او غلبه نکند سپس قیام کند از ما قیام کننده‌ای در گیلان، و مشرقی به کمک او برمی‌خیزد برای دفع پیروان عثمان (که سفیانی باشد) و اجابت کنند او را (ابر) و دیلم<sup>(۲)</sup> و می‌یابند از او اعطاها و بخششها و نعمتها، و بلند شود بنفع فرزندان من (قائم) صداها و پرچمها و متفرق می‌کند آن پرچمها را در اطراف جهان و حرماها، و می‌آید به جانب بصره و خراب می‌کند و کوفه را آباد می‌سازد، و محکمش می‌کند<sup>(۳)</sup> تا آخر حدیث.

(پس معلوم می‌شود کسی که از طرف خراسان می‌آید از خود خراسان نیست بلکه بعد از تسخیر چین و ملتان است و عبورش از خراسان است)

در غیبت نعمانی ص ۲۹۹ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که چون پرچم حق ظاهر شود شرق و غرب او را لعن کنند الخ. در پرچم حدیث ۱۹ و ۲۰ گذشت ملاحظه شود.

قل جاء الحق وزهق الباطل الخ. در قائم حدیث ۴۸ خواهد آمد.

اگر حق خالص بود اختلافی نبود. در امتحان حدیث ۱۴ گذشت.

ایشان بر حق نیستند و بسوی حق هم نمی‌روند. در خروج کنندگان حدیث

(۱) در معجم البلدان گوید: ملتان شهر است از نواحی هند نزدیک غزنه اهلش همه مسلمانند از زمان قدیم.

(۲) ابر: شهر منطقه‌ایست از خراسان و دیلم در قسمت شمالی قزوین است.

(۳) لفظ عربی این طور است (ويعمر الكوفة ويوربها) از ماده ارب ای احکمه و در نوائب الدهور ج ۲ ص ۲۷۸ این طور ترجمه فرموده (و معمور و آباد می‌کند بعد از خرابی کوفه را) شما هم در ترجمه مختارید.



۸ خواهد آمد.

### ﴿ حکم بن ابی العاص ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۱ روایت کند که حکم بن ابی العاص اذن طلبید که بر پیغمبر ﷺ داخل شود پس حضرت از صدا و کلامش او را شناخت پس فرمود اذن دهید او را، بر او باد لعنت خدا و هرکس در صلب اوست، مگر مؤمنین ایشان که بسیار کم هستند، در دنیا با شرافت و در آخرت پست هستند، صاحبان مکر و حيله‌اند، دنیا به ایشان داده شده و در آخرت نصیبی ندارند.

و در همان صفحه از عبدالله بن زبیر روایت کند که رسول خدا ﷺ لعن فرمود حکم و اولادش را.

### ﴿ حکم ﴾

حکم کند بین اهل تورات به توراتشان الخ. در تابوت گذشت.  
حکم کند بین اهل تورات به تورات و بین اهل انجیل به انجیل الخ. در قائم حدیث ۱۲۱ خواهد آمد.  
حکمای مخالف شرع. در امتحان حدیث ۱۴ گذشت.

### ﴿ حکومت حضرت ﴾<sup>(۱)</sup>

- (۱) در ملاحم ص ۷۰ باب ۱۴۹ دارد که حضرت هفت سال حکومت می‌کند.
- (۲) و در ص ۷۸ باب ۱۷۴ دارد که چهل سال است.
- (۳) و در حدیث دیگر دارد که سی سال است.

(۱) در عمر حضرت حجت علیه السلام بعد از ظهورش بنحو فهرست خواهد آمد که تا ۳۱ قول روایت دارد.

- (۴) و در ص ۷۸ باب ۱۷۵ دارد که هفت سال یا هشت سال یا نه سال است .
- (۵) و در ص ۷۸ باب ۱۷۶ دارد هفت سال است .
- (۶) و در ص ۷۹ باب ۱۷۷ دارد هفت سال یا نه سال است .
- (۷) و در ص ۷۹ باب ۱۷۸ دارد که اگر کوتاه باشد هفت سال است و الا هشت یا نه سال است .
- (۸) و در حدیث دیگر هفت سال و دو ماه .
- (۹) و در حدیث دیگر چهارده سال است .
- (۱۰) و در باب ۱۷۹ دارد چهل سال است .
- (۱۱) و در ص ۸۰ باب ۱۸۲ دارد که چهل سال است و قسطنطنیه و رومیه را فتح خواهد کرد .
- (۱۲) و در ص ۱۳۸ باب ۶۲ دارد هفت سال است .
- (۱۳) و در ص ۱۴۱ دارد که عمرش اگر کوتاه باشد هفت سال است و الا هشت و الا نه سال است .
- (۱۴) و در ص ۱۵۳ دارد چهل سال است .
- (۱۵) و در ص ۱۶۶ باب ۲۳ دارد هفت سال است یا هشت سال است یا نه سال است و بعد از آن خیری در زندگانی نیست .
- (۱۶) و در ص ۱۶۶ باب ۲۴ دارد هفت سال است .
- (۱۷) و در حدیث دیگر دارد اگر طولانی باشد ده سال و اگر کوتاه باشد هفت یا هشت سال است .
- (۱۸) و در همان صفحه باب ۲۴ دارد اگر عمرش کوتاه باشد هفت سال زندگی کند یا هشت سال و یا نه سال .
- (۱۹) در همان صفحه در حدیث دیگر دارد هفت سال است .
- (۲۰) و در غیبت نعمانی ص ۳۳۱ از امام صادق علیه السلام روایت کند که قائم علیه السلام

نوزده سال و چند ماه مالک شود .

- (۲۱) در حدیث دیگر فرمود مالک شود قائم از ما نوزده سال و چند ماه .  
 (۲۲) و در ص ۳۳۲ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود والله هر آینه مالک شود مردی از ما سیصد و سیزده سال و زیاد شود نه ، راوی گوید چه وقت خواهد شد این ؟ فرمود بعد موت قائم علیه السلام راوی عرض می کند چه مقدار قائم علیه السلام قیام می کند تا بمیرد ؟ فرمود نوزده سال از روز قیامش تا روز مرگش .  
 (۲۳) و در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام روایت کند که قائم علیه السلام مالک شود نوزده سال و چند ماه .

- (۲۴) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۸ فرمود بیست سال مالک شود و گنجها را بیرون کند و بر شهرهای شرک پیروز آید .  
 (۲۵) و در کنز ص ۲۶۶ دارد که هفت سال یا هشت سال پس اگر زیادتر باشد نه سال است .

- (۲۶) در غیبت طوسی ص ۲۸۳ حضرت باقر علیه السلام فرمود حکومت او سیصد و نه سال است چنانچه اصحاب کهف در غارشان مکث کردند الخبر .  
 (۲۷) و در حدیث دیگر از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد چه مقدار مالک شود فرمود هفت سال که با سالهای شما هفتاد سال می شود .  
 (۲۸) و در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۳۲۲ روایت کند نه سال مکث خواهد کرد .

- (۲۹) و در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۳۳۰ از عقد الدرر از ابی سعید خدری از نبی اکرم صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مالک می شود شش یا هفت یا نه سال .

- (۳۰) و در المهدی الموعود ج ۱ ص ۳۳۵ از کتاب البیان از ابی سعید خدری از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود زندگی کند هفت یا هشت سال .

(۳۱) و در المهدی الموعود ج ۱ ص ۳۳۸ از مقدمه ابن خلدون از ابی هریره از رسول اکرم ﷺ سؤال شد چقدر مالک می شود فرمود پنج و دو عرض کرد پنج و دو چیست فرمود نمی دانم .

(۳۲) در المهدی الموعود ج ۱ ص ۳۴۱ از حذیفه یمانی از پیغمبر ﷺ روایت کند که فرمود مالک می شود ده سال .

(۳۳) در المهدی الموعود ج ۱ ص ۳۵۶ فرمود در روایتی بیست و یک سال است . و بنحو فهرست در عمر حضرت بعد از ظهورش ذکر می شود رجوع کن .

### ﴿ حکومت ﴾

حکومتهایی قبل از من عملی انجام دادند . در امتحان حدیث ۱۴ گذشت .  
حکومت می کنند بر شما بدان شما . در امر به معروف حدیث ۹ گذشت .  
حکومت کنند بچه ها . در زمان حدیث ۵۰ خواهد آمد .  
حکومت سفهاء کدام است . در سفهاء خواهد آمد .

### ﴿ حلب ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۳۲۱ از امیرالمؤمنین ﷺ فرمود وای بر اهالی حلب بعد از محاصره شدنشان ، و وای بر خرابی آن بعد از ریشه کن شدنشان و زود باشد که آهوها چند روزی از خون ایشان سیراب شوند ، و زود است که اسیران ایشان رانده شوند پس پناهگاهی نیابند ، الخ .

### ﴿ حلس ﴾

در پلاس گذشت .

### ﴿ حلقه ﴾

تا اینکه حلقه کامل شود. در قائم ح ۶۴ خواهد آمد.

### ﴿ حلوان ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود وقتی واقع شود بلائی بین همدان و حلوان، و مردمانی در حلوان کشته شوند تا نهر وان، و ملک دیلم از بین برود و آن را عربی که لسانش عجمی است مالک شود و خوبان اهل آن زمان را بکشد، و این اول شاهد است.

### ﴿ حله ﴾

در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود زود است شهری بنا شود که آن را حله سیفیه گویند (چون سیف الدوله بنا کرده) مردی از بنی اسد آنجا سکونت کند، گروهی از خوبان آنجا ظاهر شوند که اگر خدا را قسم بدهند خدا قسم ایشان را قبول فرماید.

### ﴿ حماقت ﴾

در ملاحم ص ۵۶ ابن شوذب گوید نزد حسن بودم که یاد کردیم حمص را (یکی از شهرهای شام است) پس گفت ایشان یعنی اهل حمص خوش بخت ترین مردم هستند بواسطه پرچمهای سیاه اولی، و بدبخت ترین مردمند بسبب پرچمهای سیاه دومی، گفتم پرچمهای سیاه دومی چیست ای ابا سعید گفت اول ظهور خروج می کنند از مشرق هشتاد هزار که دلهای ایشان پراست از سرزنش کردن مانند پر بودن داخل انار از دانه، و هلاکت صاحبان پرچمهای اولی بدست

ایشان است.

### ﴿ حملِ زنی ﴾

در روایات متعددی دارد که مدت حکومت سفیانی به مقدار حمل زنیست یعنی نه ماه بیشتر نخواهد شد و در سفیانی خواهد آمد.

### ﴿ حمیراء ﴾

حمیراء را برگرداند الخ. در قائم حدیث ۱۱۰ خواهد آمد.

### ﴿ حوَأب ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم ص ۲۶ دارد که رسول خدا ﷺ به زنهاى خود فرمود کدام یک از شما سگهای حوَأب بر وی پارس کند، پس چون عائشه مرورش به آنجا افتاد سگها به رویش پارس کردند پس از اسم آنجا سؤال کرد گفتند حوَأب است عایشه گفت گمان ندارم خودم را جز آنکه برگردم مریدها گفتند ای ام المؤمنین تو برای اصلاح بین مردم آمده‌ای.

در ملاحم ص ۱۰۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود کاش می دانستم کدام یک از شما زنها سگهای حوَأب بر او آواز کند که آن زن از راست و چپش صدها از مردم کشته شوند.

و در ص ۱۶۹ منجمله از چیزهایی که رسول خدا ﷺ پیشگوئی فرموده نهی فرموده عائشه را که با مولای متقیان جنگ کند و خبر داده که سگهای حوَأب بر وی آواز دهند (در رفتن به جنگ جمل این پیش آمد محقق شد)

و در فقیه ج ۳ ص ۴۴ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود اول شهادتی که در اسلام به زور شهادت دادند شهادت هفتاد نفر بود که وقتی به حوَأب رسیدند

(۱) حوَأب موضعی است در راه بصره. (مراصد)

و سگهای آنجا به روی عایشه آواز دادند خواست برگردد چون گفت شنیدم رسول خدا ﷺ به زنهایش فرمود یکی از شما که متوجه قتال وصی من هستید سگهای حوآب بر او آواز زنند. پس هفتاد نفر دروغی شهادت دادند که اینجا ماء حوآب نیست (یعنی از هفتاد نفر خواستند که شهادت بدهید که اینجا آنجا نیست هرکس گفته اینجا حوآب است دروغ گفته آنها هم برای پول شهادت دروغ دادند).

### ﴿ حوض ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۴ دارد که حوض من طولش مثل عرضش می باشد سفیدتر از شیر و شیرین تر از عسل است و ظرفهایش بعدد ستارگان است از طلا و نقره هرکس از آن بیاشامد دیگر تشنه نشود. و مردی حوضش را اصلاح کرده برای آب دادن. در ابر گذشت.

### ﴿ حیی بنی کلاب ﴾

در بنو کلاب گذشت.

### ﴿ حیران ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۴ دارد که خداوند بر مردم دین فروش فتنه و بلائی بفرستد که شخص حلیم در آن حیران بماند.

### ﴿ حیرت ﴾

در غیبت حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ حیره و کوفه ﴾

در فرج حدیث ۱۱ خواهد آمد.  
در حیره مسجدی ساخته شود که پانصد در داشته باشد الخ. در کوفه حدیث  
۱۱ خواهد آمد.

### ﴿ خار ﴾

زمین درخت خار نرویانند. در قائم حدیث ۱۰۲ خواهد آمد.

### ﴿ خاصف النعل ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم ص ۱۶۹ از رسول خدا ﷺ است که فرمود بعضی از شماها  
جنگ کند بر تأویل قرآن چنانچه من جنگ کردم بر تنزیلش سؤال شد کیست او  
یا رسول الله فرمود خاصف النعل (آنکه کفش را اصلاح می کند حضرت هم  
کفشش را داده بود جناب علی رضی الله عنه اصلاح بکند).

### ﴿ خاطب ﴾

وقتی که خاطب هلاک شود الخ. در امتحان حدیث ۱۶ گذشت.

### ﴿ خالد ﴾

ای خالد زود است که بعد از من چیزهای تازه ای رخ دهد الخ. در مقتول  
خواهد آمد.

(۱) در منتهی الارب گوید خصف النعل یعنی دوخت کفش را. خاصف یعنی دوزنده.



### ﴿ خالص ﴾

اگر حق خالص بود... اگر باطل خالص بود. در امتحان حدیث ۱۴ گذشت.

### ﴿ خالهای حضرت ﴾

در البرهان ص ۹۳ و ص ۱۲۹ در ذیل حدیثی است که در طرف راست صورتش خالی است سیاه.

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۹۳ دارد که بر گونه راستش خالی سیاهی است.

درینابیع الموده ص ۴۶۹ دارد که بر گونه راستش خالی است و بر دست راستش خالی است.

در ملاحم ص ۷۳ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ دارد که در صورتش خالی است. در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ دارد که در پشت حضرت دو خال هست یکی به رنگ پوست بدن و دیگر به رنگ خال پیغمبر ﷺ.

در البرهان ص ۹۴ دارد که بر رخسار راستش خالیست مثل ستاره درخشانده. در غیبت نعمانی ص ۲۱۶ امام باقر علیه السلام فرمود در سر و بین دو کتفش خالی است. در قائم حدیث ۱۱۳ خواهد آمد.

### ﴿ خانقین ﴾

در کشف الغمه ج ۲ ص ۴۵۷ یکی از علامات را فرموده: وإحراق رجل عظیم القدر من شیعة بنی العباس بین جلولا و خانقین یعنی یکی از علامات سوزاندن مرد بزرگی از شیعه بنی العباس بین جلولا و خانقین است.

### ﴿ خانه ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۳ فرمود فتنه‌ای بین شما شود که هیچ خانه مسلمان نباشد مگر آنکه داخلش شود.

و در ص ۲۱۵ فتنه‌ای شود که از عرب خانه‌ای نماند جز آنکه داخلش شود. در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۶ فرمود فتنه‌ای شود که نماند خانه مسلمان جز آنکه داخلش شود.

در ص ۲۳۶ ایضا فرمود فتنه‌ای شود که داخل خانه هر یک از شماها بشود. در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۹ فرمود خانه‌ای نماند مگر آنکه (از آن فتنه) داخلش شود و مسلمان نماند مگر آنکه شکایتش کند.

در شمشیر حدیث ۱ خواهد آمد که فرمود ملازم خانه‌ات باش عرض کرد اگر به خانه‌ام آمدند چه کنم الخ. در خانه خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید الخ. در شمشیر خواهد آمد.

مثل خانه ایست که در آن طعامی باشد الخ. در شیعه حدیث ۸ خواهد آمد. خانه ایشان پشت دوششان می باشد الخ. در شیعه حدیث ۹ خواهد آمد. برای صاحب این امر خانه ایست که آن را بیت الحمد گویند الخ. در صاحب الامر حدیث ۱۶ خواهد آمد.

هیچ خانه روی زمین نباشد نه گلی و نه چادر نشین جز آنکه اسلام و دین داخل آن می شود. در اسلام گذشت.

مرا وصیت کن فرمود وصیت می کنم تو را بتقوی الله و اینکه ملازم خانه‌ات باشی الخ. در خروج کنندگان خواهد آمد.

بنشینید در خانه‌های خود الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿ خانه نشستن ﴾

در پلاس گذشت و در ملازم خواهد آمد.

### ﴿ خانه‌های کوفه ﴾

خانه‌های کوفه متصل به نهر کربلا گردد. در قائم حدیث ۳ خواهد آمد.

### ﴿ خبرنگار ﴾

بطوریکه خبرنگاری هم برای ایشان نماند. در بنو قنطورا حدیث ۹ گذشت.

### ﴿ ختن ﴾

از طرف چین از ناحیه‌ای که آن را ختن گویند الخ. در شعیب بن صالح خواهد آمد.

### ﴿ خدمت ﴾

تا زنده‌ام خدمتگذارش می‌باشم. در قائم حدیث ۱۴۷ خواهد آمد.  
فارس و روم خدمت‌گذار ایشان شده. در اُمت حدیث ۲۶ گذشت.  
حاضرند خدمت‌گذار کفار باشند. در پوشیده و برهنه حدیث ۵ گذشت.

### ﴿ خراسان و خراسانی ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۷۳ معروف بن خربوذ گفت ما هرگز داخل نشدیم بر حضرت باقر علیه السلام جز آنکه می‌فرمود خراسان خراسان، سجستان سجستان مثل

(۱) اخباری در بنوالعباس و پرچمها گذشت و در سفیانی خواهد آمد.

اینکه به ما بشارت می داد.

و در ص ۲۷۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که چون بپاخیزد قیام کننده به خراسان و غلبه کند بر زمین کوفان (کرمان) و ملتان و بگذرد از جزیره بنی کاوان تا آخر حدیث و تمامش در علائم خواهد آمد.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۳۱ در ذیل حدیثی حضرت باقر علیه السلام فرمود ناچار باید بنی فلان (بنی العباس) پادشاهی کند پس چون مالک شوند پس فیما بین ایشان اختلاف افتد پس متفرق شوند و امرشان پراکنده شود پس خراسانی و سفیانی خروج کنند این از مشرق و این از مغرب و با هم به کوفه رسند و احدی از ایشان را باقی نگذارد پس فرمود خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود.

و در بحار ج ۵۲ ص ۲۳۴ حضرت باقر علیه السلام فرمود ناچار از اینکه بنو العباس به پادشاهی برسند و چون به پادشاهی رسیدند اختلاف کنند و امرشان پراکندگی پیدا کند و خراسانی و سفیانی بر ایشان خروج کنند این از مشرق و این از مغرب هر دو مثل دو اسب مسابقه به کوفه رسند و هلاک ایشان (بنی العباس) بدست ایشان (خراسانی و سفیانی) باشد بطوریکه احدی از ایشان را باقی نگذارد.

چون خراسان فتح شد عمر گریه کرد الخ. در بنو العباس حدیث اول گذشت رجوع کن.

در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۴ حضرت صادق علیه السلام فرمود اهل خراسان از بزرگان ما هستند و اهل قم از یاران ما هستند و اهل کوفه از اوتاد ما هستند و اهل این سواد (یعنی عراق) از ماست و ما از ایشانیم.

هرگاه قیام کند قیام کننده‌ای به خراسان همان کس که از چین و ملتان آمده. در حق حدیث ۴ گذشت.

### ﴿ خراطی ﴾

در صاحب الامر حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ خرما ﴾

بدست اوست شاخه خرمائی که خرماهای او نور می دهد. در قائم حدیث ۱۰۰ خواهد آمد.

### ﴿ خرمن ﴾

در امتحان حدیث ۱۲ گذشت.

### ﴿ خروج ﴾

در خروج کنندگان خواهد آمد.  
و خروجش مثل خروج رسول خدا است. در عجله کنندگان حدیث ۳ خواهد آمد.

### ﴿ خروج کنندگان ﴾

(۱) در مقدمه و سند صحیفه سجادیه حضرت صادق علیه السلام فرمود پس خارج نشده و نخواهد شد از ما اهل بیت تا قیام قائم احدی که غرضش هم دفع ظلم باشد یا یاری حق جز آنکه بلاء او را بیچاره سازد، و قیامش موجب زیادی ناراحتی ما و شیعیان ما بوده باشد.

(۲) و در ملاحم سید بن طاووس ص ۱۲۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که حضرت در کوفه خطبه ای خواند پس فرمود ای مردم بعد از من ملازم زمین

گردید و پرهیزید از شذاذ آل محمد ﷺ<sup>(۱)</sup>. پس بدرستیکه خروج می‌کند شذاذ آل محمد پس نخواهند دید آنچه را دوست می‌دارند بواسطه آنکه امر مرا عصیان و مخالفت کردند و عهد مرا کنار انداختند.

و پرچمی از اولاد حسین خارج می‌شود و در کوفه ظاهر می‌گردد (بدعامه امیه<sup>(۲)</sup>) و مردم را بلاء فراگیرد، و خداوند بهترین خلق خود را مبتلا سازد تا بد از خوب جدا شود، و مردم بعض از بعض دیگر بسزاری جویند، و این بلاء طولانی گردد تا وقتی که خداوند بواسطه حضرت حجت بر طرف سازد و هرکس از اولاد من خروج کند و عمل بغیر عمل من نماید و کردارش بغیر کردار من باشد پس من از او بیزارم و هرکس خروج کند از اولاد من قبل از حضرت مهدی ﷺ پس بدرستیکه او جزور است (یعنی مثل چیز است که مباح باشد برای کشتن مثل شتر و گوسفند) و پرهیزید از دروغ‌گویان اولاد فاطمه بجهت آنکه از اولاد فاطمه ﷺ دروغ‌گویی خواهند آمد که (ادعاء امامت کنند) و خروج کند دروغ‌گوئی از دجله بصره و از من نیست و او مقدمه همه دروغ‌گویان است.

سید بن طاووس در ذیل حدیث می‌فرماید این حدیث صریح است در نهی مولای ما حضرت علی ﷺ اولادش را از خروج کردن قبل از قیام حضرت مهدی ﷺ.

(۳) و ایضا در ملاحم سید ص ۱۲۳ از امیرالمؤمنین ﷺ روایت کند که آن حضرت به اولادش فرمود طلب نکنید این امر را (خلافت را) پس بدرستیکه طلب نکند آن را احدی از شماها جز آنکه کشته شود قبل از رسیدن به مقصود.

(۱) الشذاذ من الناس الذین یكونون فی القوم ولیسوا من قبائلهم. (المنجد) و در منتهی الارب گوید شذاذ یعنی اندک و کم عدد.

(۲) دعامة القوم سیدهم. و مراد این جمله معلوم نیست.

(۴) و در همان صفحه از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که فرمود به خلافت نخواهد رسید احدی از اولاد علی علیه السلام (غیر از معصومین) در وقت معین.

(۵) و در همان صفحه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود مالک نشود (خلافت را) احدی از اولاد علی علیه السلام.

(۶) در غیبت نعمانی ص ۱۶۷ از عبدالله بن عطا مکی روایت کند که گفت به امام باقر علیه السلام عرض کردم بدرستی که شیعه شما در عراق بسیارند و بخدا قسم مثل شما در اهل بیت شما نیست چرا خروج نمی کنی؟ حضرت فرمود ای عبدالله بن عطا گوش به سخنان احمقان داده ای؟ بلی بخدا قسم من صاحب شما نیستم، پس عرض کردم کیست صاحب ما؟ فرمود نظر کنید هر کس ولادتش از مردم (سنیها) نامعلوم است آن صاحب شما است، برای آنکه هر کس از ماها به او اشاره شود بدست یا به زبان او خشمناک بمیرد یا به مرگ خدائی.

(۷) در ص ۱۶۸ ایضا از عبدالله بن عطا روایت کند که گفت به حج رفتیم و داخل بر امام باقر علیه السلام شدم از احوال مردم و قیمت اشیاء سؤال کرد، عرض کردم مردم گردن بسوی شما کشیده اند اگر خروج کنی مردم متابعت کنند فرمود ای پسر عطا شروع کرده ای به حرف احمقان گوش دهی، نه بخدا قسم من صاحب شما نیستم، چون هر یک از ماها به انگشت یا ابرو به او اشاره شود کشته شود یا در فراش خود خشمناک بمیرد، تا وقتی که خدا بفرستد کسی را که به ولادتش التفاتی نباشد، عرض کردم کیست که به ولادتش التفات نیست؟ فرمود نگاه کن به کسی که سنیها نمی دانند متولد شده یا نشده آن صاحب شما است.

(۸) و در غیبت نعمانی ص ۱۹۴ از ابی الجارود از امام باقر علیه السلام روایت کند که عرض کردم مرا وصیت کن فرمود وصیت می کنم تو را بتقوی الله و پرهیزکاری از خدا و اینکه ملازم خانه ات باشی و در فتنه مردم بنشیننی و دوری کنی از کسانی که از ماها خروج می کنند (مثل زید و پسران امام حسن علیه السلام) پس

بدرستیکه ایشان بر حق نیستند و بسوی حق هم نمی‌روند، و بدان که برای بنی‌امیه ملک و پادشاهی است که مردم نتوانند آن را بگیرند و برای اهل حق هم دولتی است وقتی آمد خداوند به اهلش می‌دهد و او از ما اهل بیت است. پس هرکس از شماها آن را درک کند با ما خواهد بود در مقام بلند و اگر خداوند او را قبض روح فرمود پیش از آمدن دولت حقه خدا خیر او را خواسته.

و بدانکه برپا نخیزد هیچ جماعتی که بخواهد دفع ظلم کند یا دین را عزیز نماید مگر آنکه بلا و مرگ ایشان را بر زمین افکند تا وقتی که جماعتی برپا خیزند که با رسول خدا بدر را مشاهده کرده‌اند و کشتگان ایشان دفن نشوند و زمین افتاده‌های ایشان را برندارند و مجروحین ایشان را مداوا نکنند عرض کردم کیانند ایشان فرمود ملائکه (چون همه ساله به انتفاء موضوع است چون ملائکه نه کشته می‌شوند و نه زمین می‌افتند و نه مجروح می‌شوند یعنی باید همچو اشخاصی بیایند تا بتوانند حق را بگیرند و به اهلش بدهند)

(۹) و ایضا در غیبت نعمانی ص ۱۹۵ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود نیست از ما اهل بیت احدی که بخواهد دفع ظلم کند یا بخواند کسی را بسوی حق جز آنکه بلاء او را از پا درآورد تا وقتی که بپا خیزد جماعتی که در (جنگ) بدر حاضر بوده‌اند و کشته‌هایشان دفن نشود و مجروحین ایشان مداوا نگردد، راوی گفت چه کسانی را امام باقر قصد کرده گفت ملائکه را (یعنی هر وقت ایشان قیام کنند آن وقت است که به مقصود خواهید رسید کارها دلبخواهی نیست دستور خدائست)

(۱۰) ایضا در غیبت نعمانی ص ۱۹۹ از امام چهارم روایت کند که فرمود زود است رنگین شود زمین از خون جوجه‌هایی از جوجه‌های آل محمد صلی الله علیه و آله چون آن جوجه‌ها پرواز می‌کنند در غیر وقتش و طلب می‌کنند چیزی را که درک نکنند الخ.



(۱۱) و در ص ۱۹۹ حضرت باقر علیه السلام فرمود مثل خروج قائم از ما اهل بیت مثل خروج رسول خدا صلی الله علیه و آله است، و مثل کسی که خروج کند از ما اهل بیت پیش از قیام قائم علیه السلام مثل جوجه‌ای است که پرواز کند و از آشیانه خود خارج شود (یا در سوراخ پنجره‌ای بیفتد) آن وقت بدست بچه‌ها افتاده با او بازی کنند.

(۱۲) در روضه کافی حدیث ۳۸۱ روایت کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود بر شما باد بتقوای خدا و حده لا شریک له و برای جان خود نظر کنید و با نظر باشید تا اینکه فرمود بخدا قسم اگر هر یک از شما را دو جان می‌بود که با یکی مقاتله می‌کردید و تجربه می‌آموختید و با دیگری عمل می‌کردید با کی نبود و لیکن هر یک از شما را یک جان بیشتر نیست هرگاه آن یک برود پس بخدا قسم که توبه از دست شما رفته پس شما سزاوارتر هستید به اینکه برای جان خود خیر بینی و خیر اندیشی کنید پس اگر قیام کننده و دعوت کننده‌ای بر شما بیاید نظر کنید که بر چه و برای چه خروج می‌کنید و نگوئید زید بن علی بن الحسین علیه السلام خروج کرد زیرا که زید مردی بود عالم و راستگو و با صداقت و هم شما را دعوت به نفس خود و پیشوائی خود نکرد بلکه او شما را دعوت به رضای آل محمد صلی الله علیه و آله نموده و اگر او غالب می‌شد هر آینه وفا می‌کرد به آنچه دعوت کرده بود (تا اینجا تقیه بوده و شاهدش جملات بعد است) تا اینکه فرمود کسانی که از ما خروج می‌کنند به چه چیز دعوت می‌کنند جز به رضائی از آل محمد صلی الله علیه و آله و ما اکنون شما را شاهد می‌گیریم که راضی به خروج ایشان نیستیم آن خروج کنندگان الان که هنوز هیچ کس با او نیست نافرمانی ما می‌کند وقتی که بیرقها و علمها با او باشد سزاوارتر خواهد بود که از ما نشوند و نپذیرد.

(۱۳) در کافی ج ۱ ص ۱۷۴ باب اول از حجت حدیث پنج ابان گوید احوال مرا خبر داد که زید بن علی بن الحسین علیه السلام فرستاد بسوی من و او مخفی بود پس من بنزد او رفتم پس فرمود ای ابا جعفر چه می‌گوئی اگر کسی از ما خروج

کند آیا با او خروج می‌کنی؟ عرض کردم اگر پدرت یا برادرت باشد بلی خروج می‌کنم با او. پس فرمود من می‌خواهم خروج کنم و با بنی‌امیه جهاد کنم پس تو هم با من خروج کن عرض کردم من این کار نخواهم کرد فدایت شوم پس فرمود جانت را از ما دریغ می‌داری؟ عرض کردم یک جان بیش ندارم اگر خدا روی زمین حجت و امام دارد هرکس از تو تخلف کند نجات خواهد یافت و هرکس با تو خروج کند هلاک خواهد شد و اگر خدا روی زمین حجت و امامی ندارد آنکه با تو خروج کند و آنکه خروج نکند مساویست. پس فرمود ای اباجعفر با پدرم سر سفره می‌نشستم لقمه‌های چرب بدهان من می‌گذاشت و لقمه گرم را برای من سرد می‌کرد از روی مهربانی که با من داشت آن وقت از آتش جهنم بر من نمی‌ترسید، دین را (یعنی امام را) به تو معرفی کرد و به من معرفی نکرد، عرض کردم فدایت شوم چون نسبت به شما مهربان بود و از آتش جهنم برای شما می‌ترسید خبر نداد ترسید شما قبول نکنید پس در نتیجه داخل آتش شوید، ولی به من خبر داد قبول کردم نجات می‌یابم قبول نکردم داخل آتش می‌شوم باکی هم نداشت پس از آن عرض کردم فدایت شوم شما افضلید یا پیامبران؟ فرمود بلکه پیغمبران عرض کردم یعقوب به یوسف فرمود ﴿يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا﴾ یعنی خوابی را که دیده بودی به برادرانت مگو که درباره تو کید و حيله‌ای انجام دهند، چرا یعقوب به پسرانش خبر نداد که حيله‌ای نسبت به یوسف انجام ندهند و کتمان کرد همینطور پدرت به تو خبر نداد و کتمان کرد چون می‌ترسید قبول نکنی پس زید فرمود حالا که اینطور است پس بدان صاحب تو (امام صادق علیه السلام) به من خبر داد که من کشته می‌شوم و در کناسه کوفه به دار آویخته می‌شوم و نزد او توماریست که قصه کشته شدن و دار آویختن من آنجا نوشته شده، پس حج رفتم و به امام صادق علیه السلام قصه زید را نقل کردم و گفتم او چه گفت و من چه

جواب دادم حضرت فرمود از شش جهت او را احاطه کرده‌ای از پیش رو، و از پشت سر و از طرف راست و چپ و از بالا و از پائین و نگذاشته‌ای برای او راهی را که بتواند برود.

(۱۴) در کافی ج ۱ ص ۳۵۶ باب ۸۱ از حجت حدیث ۱۶ روایت کند که زید بن علی بن الحسین داخل شد بر ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام و با او بود نامه‌هایی از اهل کوفه که در آن نامه‌ها زید را بسوی خود دعوت کرده بودند و خبر داده بودند به اجتماعشان و امر به خروجش کرده بودند حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود این نامه‌ها از طرف ایشان ابتدائست یا جواب نامه شما است که به ایشان نوشته‌اید و ایشان را به خود دعوت کرده‌اید؟ عرض کرد خیر ایشان ابتداء به نامه کرده‌اند برای معرفت ایشان به حق ما و نزدیکی ما به رسول خدا صلی الله علیه و آله و برای آنکه در کتاب خدا یافته‌اند وجوب دوستی و وجوب اطاعت ما را، و برای آنکه (می‌بینند) ما در چه گرفتاری و سختی و بلاء زندگی می‌کنیم، حضرت باقر علیه السلام فرمود بدرستی که اطاعت از طرف خدا واجب است و سنتی است که در اولین امضاء شده و در آخرین هم جاری خواهد بود ولی اطاعت یک نفر ماها واجب است (نه همه) بلی دوستی برای همه ماها است (یعنی باید مردم اولاد رسول خدا را دوست داشته باشند و واجب هم هست بخلاف اطاعت که آن مختص امام است اطاعت همه اولاد رسول خدا واجب نیست) و امر خداوند نسبت به اولیائش جاریست (به حکم موصول و قضاء مفصول و حتم مقضی و قدر مقدور و اجل مسمی لوقت معلوم) تو را سبک نکنند کسانی که یقین ندارند، ایشان چیزی را نتوانند از تو دفع کنند اگر از طرف خدا برسد (یعنی اگر بلائی از طرف خدا به تو برسد ایشان کاری انجام نتوانند داد) پس عجله مکن خدا برای عجله کردن مردم عجله نخواهد کرد، از خدا پیشی مگیر که بلا تو را عاجز کند و زمینت زند.

پس زید به اینجا که رسید غضب نمود و گفت امام نیست از ما کسی که در خانه‌اش بنشیند و پرده‌اش را آویزان کند و از جهاد کوتاهی کند، ولکن امام از ما کسی است که از مملکت خود منع کند (دشمن را) و در راه خدا جهاد کند و از رعیتش دفاع کند و (دشمن را) از حریم خود دور سازد.

پس حضرت باقر علیه السلام فرمود ای برادر اینهائی را که نسبت دادی هیچ یک را در خود مشاهده می‌کنی پس یک شاهدهی از کتاب خدا و یا دلیلی از رسول خدا بیاوری و یا یک مثلی بزنی؟ پس بدرستی که خداوند حلال نموده حلالی را و حرام گردانیده حرامی را و واجب نموده واجباتی را و مثالهایی آورده و سنتهایی قرار داده و امامی را که قائم به امر اوست در شبهه قرار نداده نسبت به چیزهایی را که بر او واجب نموده تا جلو زند نسبت به چیزی که هنوز محلش نیامده و یا جهاد کند پیش از آمدن وقتش و حال آنکه خداوند درباره صید (و شکار نمودن) فرموده ﴿لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ یعنی در حال احرام شکار نکنید، آیا شکار نمودن بزرگتر است یا قتل نفس که خدا حرام کرده آن را؟ و قرار داده برای هر چیزی محل و جائی و فرموده ﴿وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا﴾ و هر وقتی که محلّ شدید و از احرام بیرون آمدید آن وقت صید و شکار کنید.

و نیز فرموده ﴿لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشُّهْرَ الْحَرَامَ﴾ حرمت شعائر خدا و ماه حرام را نگاه دارید پس شهور را عده معلومه قرار داده و چهار ماه آن را حرام گردانیده.

و نیز فرموده ﴿فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ﴾ یعنی سیر کنید در زمین چهار ماه و بدانید که خدا را نمی‌توانید عاجز کنید سپس فرمود ﴿فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحَرُمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ﴾ یعنی پس هر وقت ماهای حرام تمام شد مشرکین را بکشید هر جا ایشان را یافتید.

پس برای این محلی قرار داده و نیز فرموده ﴿وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ﴾ یعنی عزم عقد و ازدواج نکنید تا زمان عده آنها منقضی گردد.

پس برای هر چیزی امدی قرار داده و برای هر امدی کتابی، پس اگر تو دلیلی از طرف خدایت داری و نسبت به کار خود یقین داری پس خود دانی و الا قصد نکن چیزی را که تو در شک و شبهه هستی نسبت به آن و امید زوال حکومتی را نداشته باش که هنوز اجلس بسر نیامده بلی وقتی که اجل سر آمد.. خداوند ذلت و خواری را به ایشان می‌رساند چه در تابع و چه در متبوع، پناه می‌برم به خدا از امامی که وقتش را گم کند آن وقت تابع اعلم از متبوع باشد، آیا می‌خواهی ای برادر زنده کنی ملت و روش گروهی را که کافر شدند به آیات خداوند (مثل اولی و دومی) و پیغمبر را مخالفت کردند و متابعت کردند هوای نفس خود را بدون هیچ دلیلی که از طرف خدا داشته باشند و ادعای خلافت کردند بدون دلیلی از خدا و نه عهدی از پیغمبر ﷺ داشته باشند، پناه می‌دهم تو را به خدا ای برادر از اینکه فردا در کناسه کوفه بدار آویخته شوی پس چشمان حضرت گریان و اشکش جاری شد سپس فرمود خدا (حاکم باشد) بین ما و بین کسانی که هتک حرمت ما کردند و حق ما را انکار نمودند و سر ما را فاش کردند و ما را نسبت بغیر جدمان دادند و گفتند درباره ما چیزی را که ما برای خود نگفته بودیم.

(۱۵) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۴ حضرت امام محمد باقر علیه السلام در ذیل حدیثی فرمود دوری کنید از عده قلیلی از آل محمد علیهم السلام پس بدرستیکه برای آل محمد و علی پرچمی است و برای غیر ایشان پرچمهایی است پس ملازم زمین باشید و احدی از ایشان را متابعت نکنید تا مردی را از نسل حسین علیه السلام ببینی که با او عهد پیغمبر خدا و پرچمش و سلاحش می‌باشد، پس بدرستیکه عهد

پیغمبر ﷺ رسید به علی بن الحسین علیه السلام بعد از او رسید به محمد بن علی (یعنی خود حضرت) و بجا می آورد خدا آنچه را بخواهد الخ.

(۱۶) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۱ از علی علیه السلام روایت کند که فرمود البته خروج خواهد کرد مردی از اولاد من در نزدیکی ساعت (ظهور) وقتی که دلهای مؤمنین مرده باشد چنانچه بدنها می میرد بواسطه آنچه به ایشان می رسد از بد حالی و شدت و گرسنگی و کشتار و فتنه های پی در پی و جنگهای بزرگ و میراندن سنتها و زنده کردن بدعتها، و ترک نمودن امر به معروف و نهی از منکر، پس خداوند بواسطه مهدی علیه السلام ... زنده کند سنتهای از بین رفته را و بواسطه عدل و برکتش دلهای مؤمنین مسرور شود. و جماعتی از عجم و قبائلی از عرب با هم الفت گیرند و جمع شوند پس به این حال سالهائی بماند و زیاد نباشد بلکه کمتر از ده سال باشد پس از آن حضرت بمیرد (در عمر حضرت خواهد آمد که چند قسم روایت داریم آنجا رجوع شود)

قصه خروج محمد بن عبدالله بن حسن (در ساکن باش) خواهد آمد که عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام سؤال می کند که محمد بن عبدالله بن حسن خروج کرده و مردم هم با او هستند چه می فرمائید خروج با او را؟ حضرت فرمود ساکن باش مادامیکه آسمان و زمین ساکنند الخ مراجعه کن.

(۱۷) در غیبت نعمانی ص ۱۹۷ ابی بکر حضرمی می گوید من و ابان داخل بر حضرت صادق علیه السلام شدیم و این در وقتی بود که پرچمهای سیاه خراسان ظاهر شده بود پس ما عرض کردیم چه صلاح می دانی؟ فرمود بنشینید در خانه های خود، هر وقت دیدید که ما (اهل بیت) بر کسی اجتماع کرده ایم شما هم مثل شیر و جوانمردانه با سلاح خود بیاید بسوی ما (یعنی گول این حرکات را نخورید که جز کشته شدن و بیچارگی و خانمان سوزی و وزر دنیا و آخرت چیزی ندارد اگر قبول نداری امتحانش مجانیست)

(۱۸) در غیبت نعمانی ص ۲۰۰ جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود ساکن باشید مادامیکه آسمانها و زمین ساکن است<sup>(۱)</sup> یعنی بر احدی خروج نکنید، بدرستی که در امر شما خفائی نیست آگاه باشید آن علامتی است از طرف خدا نه از طرف مردم، آگاه باشید آن علامت خدائی از خورشید روشنتر است، بر بدان و خوبان مخفی نخواهد ماند، آیا صبح را می شناسید آن مثل صبح است که بر احدی مخفی نیست (یعنی خیال نکن هر کس قیام کرد آن امام زمان است امام زمان و ظهورش مثل روز روشن است هر وقت مشیت خدا قرار گرفت بر احدی پوشیده نخواهد ماند)

### ﴿ خروس ﴾

صدای خروس و سگها و اسبها از بالای سرشان شنیده شود. در سفیانی حدیث ۴۵ خواهد آمد.

### ﴿ خسف ﴾

(خسف یعنی فرو رفتن به زمین)

(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۸ در ذیل حدیثی روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ساعت (ظهور) نباشد تا ده علامت ظاهر گردد یکی از آنها خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب باشد، الخ.  
(۲) و در ص ۴۴۵ روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ساعت (ظهور) برپا نشود تا اینکه قبائلی از عرب خسف شوند.

(۳) و در ص ۴۲۹ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود پناهنده شود به حرم پناهنده‌ای پس برانگیزد بسوی او لشکری پس چون به بیابانی از زمین

(۱) یعنی آسمان از ندا و زمین از خسف پیدا.

برسند زمین ایشان را فرو برد.

عرض شد یا رسول الله کسی که از روی اکراه با آن لشکر بوده فرمود فرو می‌رود با ایشان ولکن در روز قیامت با نیتش مبعوث می‌شود.

(۴) و در ملاحم سید ص ۱۲۵ در ذیل حدیثی روایت کند که فرمود در نزد هلال مصر (یعنی سقوط آن) خسفی در بصره خواهد شد یکی در علفزارش و دیگری در اطراف آن، و دیگری در بازارش، و دیگری در مسجدش، پس طوفانی شود هرکس از دست جنگ رهائی جسته از آب نجاتی نخواهد داشت مگر کسانی که در حوالی و اطراف آن ساکن شوند.

(۵) و در ملاحم ص ۷۵ در چند حدیث دارد که چون جیش سفیانی به بیدار برسند زمین ایشان را فرو برد.

(۶) و در ملاحم ص ۷۷ باب ۱۶۷ دارد که چون زمین جیش بیدار را فرو برد پس او علامت خروج مهدی عجل الله فرجه است.

(۷) و در غیبت نعمانی ص ۳۰۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که چون لشکر سفیانی به بیدار برسند خداوند ایشان را فرو برد.

(۸) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۶ در یازده حدیث دارد که فرمود در امت من خسف و مسخ و قذف خواهد بود (خسف یعنی فرو رفتن به زمین، مسخ به شکل بوزینه و خوک شدن، و قذف سنگ باران شدن)

(۹) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۷ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا وقتی که چند قبیله به زمین فرو روند بطوریکه گفته شود چه کسی از طائفه فلان باقی مانده.

(۱۰) در حدیث دیگر فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا وقتی که مردی که مال و اولاد زیاد دارد به زمین فرو رود.

(۱۱) و در ص ۲۸۰ فرمود زود است بوده باشد بعد از من خسفی در مشرق و خسفی در مغرب و خسفی در جزیره العرب گفته شد فرو می‌روند و حال آنکه



در بین ایشان اشخاص شایسته هستند؟ فرمود بلی وقتی که خبث ایشان زیاد شود. (۱۲) و در ص ۲۸۰ ایضا دارد که فرمود در این امت خسف و مسخ و قذف خواهد بود عرض شد چه وقت؟ فرمود وقتی زنهای رقاصه و تار و تنبک و شرب خمر ظاهر شد.

(۱۳) در حدیث دیگر فرمود قسم به کسی که مرا بحق مبعوث نموده دنیا از بین نرود مگر وقتی که به ایشان برسد خسف و مسخ و قذف عرض کردند چه وقت خواهد شد یا نبی الله؟ فرمود وقتی که دیدید زنها سوار زین شده‌اند (مثل ماشین و دوچرخه و موتور و غیره) و زنهای آوازه خوان زیاد شده و شهادت دروغ داده شود و علنا شرب خمر شود، و نماز خوانها در ظرف طلا و نقره چیزی بیاشامند (پنجاه سال است که مشاهده می‌کنم) و مردها به مردها اکتفا کنند (یعنی لواط کنند) و زنها به زنها اکتفا نمایند (یعنی مساحقه کنند) پس در این هنگام سخت آمادگی پیدا کنید و پرهیزید از سنگ باران شدن از آسمان (یعنی آماده یک همچو بلائی باشید)

(۱۴) و در ص ۲۸۰ و ص ۶۲۳ فرمود ناچارید از خسف و مسخ و لرزه، گفته شد یا رسول الله در این امت؟ فرمود بلی وقتی زنهای آوازه‌خوان بگیرند و زنا را حلال شمارند و رباخواری کنند و صید حرم را حلال دانند، و لباس حریر بپوشند، و مردها به مردها و زنها به زنها اکتفا کنند (همچو بلائی هم خواهند دید).

### ﴿ خسوف ﴾

در خورشید و ماه خواهد آمد.

### ﴿ خشن ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۸۷ و ص ۲۸۸ حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر امر در

دست ما باشد باید مثل امیرالمؤمنین علیه السلام خوراک درشت و پست و پوشاک خشن و زبر داشته باشیم و الا آتش است.

### ﴿ خصلت ﴾

در امت حدیث ۲۵ و ۲۸ گذشت.  
و بیعت کند به چهل خصلت. در بیعت حدیث ۳ گذشت.

### ﴿ خصومات ﴾

نماز از مسجدها برداشته شود بواسطه خصومتها. در امت حدیث ۲۵ گذشت.

### ﴿ خصیان ﴾

در دولت حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ خضر علیه السلام ﴾

در بحار ج ۵۲ ص ۱۵۲ از حضرت رضا علیه السلام روایت کند که فرمود خضر از آب زندگانی نوشید پس او زنده است و نمی میرد تا نفخ صور، و او نزد ما می آید و به ما سلام می دهد و صدای او را می شنویم ولی شخص او را نمی بینیم و او را هر جا یاد کنید حاضر می شود پس هر کس از شماها او را یاد کند سلام به او عرض کند، و در موسم حج حاضر می شود و تمام اعمال حج را بجا می آورد و در عرفه وقوف را انجام می دهد و بر دعاء مؤمنین آمین می گوید، و زود است که خداوند در غیبت قائم ما او را مانوس قائم ما گرداند که وحشت و تنهایی از آن حضرت بر طرف شود.

### ﴿ خطباء ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۲ ابن مسعود فرمود شما در زمانی هستید که علماء زیاد هستند و خطباء کم.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۱ دارد که نزدیکی ساعت ظهور وقتی است که خطباء شما بر منبرهای شما زیاد باشند.

و در کنز ص ۲۴۵ فرمود قیام ساعت نباشد مگر وقتی که قیام کنند خطباء به دروغ گفتن و حق مرا برای شرار امت من قرار دهند، پس کسی که تصدیق کند ایشان را و راضی باشد به او بوی بهشت را نشنود.

و در ص ۲۵۴ فرمود شما صبح کرده‌اید در زمانی که زیاد است فقهاء اش و کم است خطباء اش قلیل است سؤال کننده اش و کثیر است دهنده اش، عمل در آن بهتر است از علم، و زود است بیاید بر شما زمانیکه قلیل باشد فقهاء اش و زیاد باشد خطباء اش زیاد باشد سؤال کننده و کم باشد دهنده، علم در آن زمان بهتر است از عمل. (چون وسیله گمراهی زیاد است)

و در ص ۲۵۵ فرمود شما در زمانی هستید که علماء اش زیاد است، خطباء اش کم، کسی که ترک کند ده یک آنچه می‌داند هلاک خواهد شد، و زود است بیاید زمانیکه کم باشند علماء و زیاد باشند خطباء کسی که چنگ زند به ده یک آنچه می‌داند نجات یابد.

### ﴿ خلافت ﴾

در ملاحم ص ۱۳۰ باب ۴۷ اسود می‌گوید به عایشه گفتم ای ام المؤمنین آیا تعجب نمی‌کنی از مردی که آزاد شده است با مردی که از اهل بدر است درباره خلافت نزاع می‌کند؟ عائشه گفت تعجب مکن بدرستیکه فرعون چهارصد سال

حکومت بنی اسرائیل را می‌کرد، خداوند پادشاهی را به خوب و بد می‌دهد.  
هر وقت دیدی خلافت در بیت المقدس نازل شده الخ. در شام حدیث ۱۷  
خواهد آمد.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۵ و ص ۲۷۴ فرمود زود است بوده باشد بعد از  
من خلفاء و بعد از خلفاء امراء و بعد از امراء ملوک و بعد از ملوک جبابره پس از  
آن خارج شود مردی از اهل بیت من که پر کند زمین را از عدل چنانچه پر شده  
بود از جور.

و در کنز ص ۲۶۶ دارد که فرمود بعضی از خلفاء شما خلیفه‌ایست که مال را  
بدون شماره تقسیم کند.

### ﴿ خلیفه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود در بین  
اینکه مردم در عرفات وقوف دارند ناگاه شخصی که سوار بر شتر ماده تیزرو  
است خبر مرگ خلیفه را می‌آورد که در مرگ او فرج آل محمد صلی الله علیه و آله و فرج همه  
مردم است.

و در ص ۲۶۸ از حدیث روایت کند که فرمود کشته شود خلیفه که نه در  
آسمان عذرخواهی داشته باشد و نه در زمین یاوری و خلع شود خلیفه‌ای که  
چون روی زمین راه می‌رود هیچ نداشته باشد و جانشین می‌شود او را پسر اسیر  
شده که (مراد حضرت حجة بن الحسن علیه السلام است).

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۳ فرمود بوده باشد در آخر امت من خلیفه‌ای که  
مال را مشت مشت به مردم بدهد که شماره نداشته باشد.

خلیفه‌ای از بنی هاشم وارد بیت المقدس شود الخ. در بیت المقدس گذشت.

و در ص ۲۶۴ فرموده باشد در آخر الزمان خلیفه‌ای که مال را تقسیم کند

بدون شماره.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود خداوند خلیفه‌ای را انتخاب کند که ثابت بر هدایت باشد و در حکم خود رشوه نگیرد... دهن منافقین را بشکند، غمهای مؤمنین را برطرف سازد، آگاه باشید این شدنیست و دماغ متکبرین را بخاک خواهد مالید والحمد لله رب العالمین و صلاته علی سیدنا محمد خاتم النبیین وآله واصحابه اجمعین .  
دوازده خلیفه که همه از قریش باشند. در دین حدیث ۸ خواهد آمد.

### ﴿ خلیل ﴾

به مقدار عمر خلیل یکصد و بیست سال عمر کند الخ. در قائم حدیث ۱۲۵ خواهد آمد.

### ﴿ خمر ﴾

یعنی شراب مسکر

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ فرمود هر وقت این امت خمر را به نبیذ حلال دانستند... آن وقت وقت هلاکشان خواهد بود. تمام حدیث در امت گذشت.  
در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۶ فرمود هر وقت امت من پنج چیز را حلال دانستند بر ایشانست هلاکت یکی خوردن خمر است.

### ﴿ خنازیر ﴾

چرا این امت شبیه به خنازیر و خوکها انکار این امر را می‌کنند الخ. در صاحب الامر حدیث ۴ خواهد آمد.

### ﴿ خنزیر ﴾

خنزیر را بکشد. در ساعت ظهور حدیث ۱۰۶ خواهد آمد.

### ﴿ خواب ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فتنه‌ای خواهد آمد که اگر شخصی خواب باشد بهتر از کسی است که به پهلو خوابیده باشد، و کسی که به پهلو خوابیده باشد بهتر است از کسی که نشسته باشد، و کسی که نشسته باشد بهتر است از کسی که ایستاده باشد، و کسی که ایستاده باشد بهتر است از کسی که رونده باشد، و کسی که رونده باشد بهتر است از کسی که سواره باشد، و کسی که سواره باشد بهتر است از کسی که در جریان باشد، راوی عرض کرد این چه وقت خواهد شد فرمود در وقت هرج که مرد از همنشین خود ایمن نباشد، عرض کرد مرا به چه امر می‌فرمائید اگر آن زمان را درک کنم؟ فرمود باز دار خود را و دست خود را و داخل خانه‌ات شو عرض کردم اگر داخل خانه آمد چه کنم؟ فرمود داخل اطاق شو؟ عرض کردم اگر داخل اطاقم شد چه کنم؟ فرمود داخل مسجدت شو، و این کار کن (پس دو دست خود را مثل دست به سینه بست) یعنی دستها را روی هم بگذار و بگویی الله تا مرگ تو را فراگیرد به این حال.

و به این مضامین اخبار در فتنه ذکر خواهد شد انشاء الله.  
دیشب خوابی دیده‌ام. در اصحاب مهدی گذشت.

### ﴿ خوارج ﴾

دوری کن از خوارج از ما الخ. در خروج کنندگان حدیث ۸ گذشت.

### ﴿ خوارزم ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در علائم ظهور ص ۱۴۲ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام به عمر فرمود یکی از شهرهای خراسان خوارزم است و آن از ثغور اسلام بشمار می رود آنکس که در آنجا اقامت جوید آن پاداش یابد که مردی شمشیر گرفته در راه خدا جهاد می کند طوبی کسی که در خوارزم بیاید و از نمازگزاران باشد.

### ﴿ خوراک ﴾

در طعام خواهد آمد آنچه مناسب مقام است .  
در قائم حدیث ۷۸ خواهد آمد که فرمود نیست خوراک او مگر درشت .  
در قائم حدیث ۹۵ فرمود نرم ترین خوراک او نان جو با نمک است .

### ﴿ خورشید و ماه ﴾

یکی از علامات طلوع خورشید از مغرب است . در علامات ظهور حدیث ۱۵ خواهد آمد .

در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۳ ح ۶۷ و غیبت طوسی ص ۲۷۰ و غیبت نعمانی ص ۲۷۱ و روضه کافی حدیث ۲۵۸ امام باقر علیه السلام فرمود دو آیت و علامت است قبل از قیام قائم علیه السلام که از روزی که آدم به زمین آمده اتفاق نیفتاده یکی گرفتن خورشید است در نصف شهر رمضان و ماه در آخر آن ، مردی گفت یا بن رسول الله خورشید در آخر ماه و ماه در نصف شهر گرفته می شود (خیال کرد حضرت اشتباه نموده) پس حضرت جواب فرمود من می دانم تو چه می گوئی ولکن این دو علامت است و از زمان آدم تا کنون نبوده .

در غیبت نعمانی ص ۲۷۲ حضرت صادق علیه السلام فرمود علامت خروج مهدی کسوف شمس است در ماه رمضان در سیزدهم و چهاردهم.

در حدیث دیگر امام باقر علیه السلام فرمود پیشاپیش این امر (ظهور) گرفتن ماه است در بیست و پنجم شهر رمضان و کسوف شمس است در پانزدهم آن، و اینجا است که حساب منجمین ساقط می شود و از بین می رود (چون بنا بر قاعده نجوم باید ماه گرفتن در نیمه ماه باشد و گرفتن خورشید در آخر ماه) در البرهان متقی ص ۱۰۷ از امام باقر علیه السلام روایت کند که خلاصه اش آن است که دو آیت و علامت با مهدی ما است یکی آنکه اول شهر رمضان ماه می گیرد و دیگر آنکه در آخر ماه خورشید می گیرد.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۸ از کشف الغمّه روایت کند که یکی از علامات رکود یعنی ایستادن خورشید است از زوال روز تا وسط عصر و طلوع آن است از طرف مغرب.

در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۲ حدیث ۸۲ و ارشاد مفید ص ۳۵۹ امام باقر علیه السلام فرمود خداوند فرموده ﴿إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ﴾ الخ مراد بنی امیه و شیعیان ایشان است و آیت و علامت ایستادن خورشید است مابین زوال شمس تا وقت عصر و خروج سینه و صورت مردی در چشم خورشید و معرفی نمودن حسب و نسبش و این در زمان سفیانی است و آن وقت است هلاک او و گروهش.

در اکمال الدین ص ۶۱۴ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود پیشاپیش این امر (ظهور) دو اشاره و علامت است گرفتن ماه در پنجم<sup>(۱)</sup> و گرفتن خورشید در پانزدهم که از هبوط آدم به زمین تا آن روز اتفاق نیفتاده آن وقت است که حساب منجمین ساقط می شود.

(۱) به قرینه بعض روایات گذشته (بیست و پنجم باشد)



در اکمال دین ص ۶۱۵ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود قبل از قیام قائم علیه السلام پنج روز از ماه رمضان گذشته خورشید می‌گیرد.  
امر ما روشن‌تر از این خورشید است. در غیبت حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ خون ﴾

در بحار ج ۵۲ ص ۱۹۵ در ذیل حدیثی امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یکی از علامات آن است که خونریزی را سبک شمارند.  
در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۴ در ذیل خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود فیما بین مردم خونریزی زیاد باشد.  
در روضه کافی ذیل حدیث هفت حضرت صادق علیه السلام فرمود یکی از علامات ظهور سبک شمردن خونریزی است.  
در غیبت نعمانی ص ۲۸۴ دارد که مرجئه می‌گویند اگر مهدی قیام کند به مقدار یک شیشه حجامت کننده خون نخواهد ریخت، حضرت باقر علیه السلام فرمود هرگز اینطور نباشد قسم به آن کسی که جانم بدست اوست اگر کارها بدون زحمت و مشقت درست می‌شد هرآینه برای رسول خدا می‌شد و دندانهای پیشینش نمی‌شکست و صورتش مجروح نمی‌شد کلا (هرگز) این نخواهد شد تا وقتی که ما و شما عرق و خون بسته شده را از پیشانی خود پاک کنیم.  
بطوریکه از جمره خون جاری شود الخ. در شهر رمضان خواهد آمد.

### ﴿ خیر و خوبی ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۵۹ و کافی ج ۱ ص ۳۴۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود چه شود تو را وقتی حمله‌ای واقع شود بین دو مسجد (مکه و مدینه) غلم خود را جمع کند چنانچه مار خود را در سوراخ جمع کند و شیعه اختلاف

کنند و بعضی بعضی را در غگو نامند و آب دهن بر یکدیگر بیندازند راوی عرض کرد فدایت شوم در آن زمان خیری نیست فرمود همه خیرها در آن زمان است سه مرتبه فرمود (یعنی فرج نزدیک است)

در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ از حسین (حسن) بن علی علیه السلام روایت کند که فرمود (و بعضی فتنه‌ها را بیان کرد) راوی عرض کرد خیری در آن زمان نیست حضرت فرمود همه خیرها در آن زمان است قائم ما قیام کند و تمام آن اختلافات را بر طرف سازد.

همه خیرها در آن زمان است الخ. در شیعه حدیث ۱۰ خواهد آمد.

### ﴿ خیمه ﴾

خیمه‌های مسلمانان آن روز در زمینی است که آن را غوطه گویند الخ. در شش چیز حدیث ۲ خواهد آمد.

خیمه زده‌اند و قرآن یاد مردم می‌دهند الخ. در قرآن حدیث ۲۱ و ۲۲ خواهد آمد.

خیمه‌ها در مسجد کوفه برپا کنند. در اصحاب مهدی حدیث ۲ گذشت. بمنزله کسی است که در خیمه قائم باشد. در انتظار فرج حدیث ۱۳ و ۱۴ گذشت.

### ﴿ دابة الارض ﴾<sup>(۱)</sup>

دابة الارض که در آیه ۸۱ از سوره نمل در قرآن وارد شده و اخبار بشمارى از طرق سنی و شیعه رسیده بعضی آیات را متشابه دانسته‌اند و در اخبار بسیاری تفسیر به امیرالمؤمنین علیه السلام شده و بعضی از علامت ظهور حضرت حجت علیه السلام و

(۱) آقای میرجهانی دام ظلّه در نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۵۲ فرموده خروج دابه الارض بعد از خروج یاجوج و ماجوج است و آن از علامات قیامت کبری است.

بعضی از علامات رجعت شمرده‌اند. و شاید مرجع هر دو قول یکی باشد چون از ظهور حضرت حجت شروع به رجعت می‌شود. چون پیغمبر و ائمه علیهم‌السلام و مؤمنین خالص در زمان حضرت باید بیایند و شکایت کنند و حضرت حجت علیه‌السلام انتقام ایشان را از ستمکاران بگیرند.

در ملاحم سید ص ۱۰۱ از نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم روایت کند که فرمود خروج دابه بعد از طلوع شمس است و چون خارج شود ابلیس را بکشد و او در سجده باشد، و مؤمنین در زمین چهل سال زندگی کنند، و هرچه تمنا کنند به ایشان داده شود، جور و ستمی نباشد و همه اشیاء تسلیم خدا باشند طوعاً و کرهاً، (راضی باشند یا نباشند) البته مؤمنین از روی رضا و کفار از روی اجبار تسلیم باشند. چنانچه درندگان و طیور از روی اجبار تسلیم می‌باشند، حتی اینکه درنده حیوانات و پرنده را اذیت نکنند، و تا چهل سال مؤمنین هرچه اولاد دار شوند نمیرند، پس از چهل مرگ به ایشان رو آور شود، پس مکث کنند آن مقداریکه خدا خواهد پس از آن مرگ با سرعت به ایشان رو آور شود، بطوریکه مؤمنی نماند پس کفار بگویند تا بحال ما از مؤمنین می‌ترسیدیم فعلاً مؤمنی باقی نمانده پس چرا زنا نکنیم و بنا می‌کنند در راه مثل حیوانات روی هم روند، تا حدی که یکی از ایشان برخیزد و مادر و خواهر و دختر خود را در وسط راه نکاح کند یکی برخیزد و دیگری مشغول شود و کسی انکار نکند و به غیرت نیاید خوبانشان بگویند اگر کنار می‌گرفتید از راه بهتر بود، و همینطور ادامه داشته باشد تا وقتی که اولاد نکاح باقی نماند هرچه باشند اولاد زنا باشند، مدتی که خدا خواهد بمانند پس از آن رحم زنها عقیم شوند (و بچه نیاورند) تا سی سال بطوریکه روی زمین طفلی نباشد بلکه همه اولاد زنا باشند و شرورترین مردم باشند و بر ایشان ساعت (قیامت) قیام کند.

### ﴿ دار ابجرود ﴾

مخفف داراب ولایتی است در فارس

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام فرمود اما مردم داراب جرد در آخر زمان بدست دشمنی مقهور و مقتول شوند.

### ﴿ دامغان ﴾

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا از علی علیه السلام نقل می کند که فرمود دامغان را چون سواره و پیاده فراوان باشند بسختی معاش کنند تا آنگاه که قائم آل محمد بیرون شود و آن جماعت را روز فرج برسد.

### ﴿ داود علیه السلام ﴾

وحی نمود به حضرت داود علیه السلام که من گناه تو را بخشیدم. در امر به معروف حدیث ۳ گذشت.

مثل حکم داود. در قائم حدیث ۲۱ خواهد آمد.

### ﴿ دجال <sup>(۱)</sup> ﴾

(۱) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۸۲ فرمود اما فتنه دجال پس بدرستی که نبوده پیغمبری جز آنکه امت خود را از او ترسانیده من هم شما را می ترسانم ترسانیدنی که هیچ پیغمبری امت خود را آنطور نترسانیده بدرستیکه او یک

---

(۱) دجال یعنی دروغ گو. و آقای میرجهانی دام ظلّه در نوائب الدهور ج ۲ ص ۱۵۳ فرموده خروج دجال پس از هفت سال از ظهور حضرت خواهد بود و شاید دلیلش حدیثی باشد که در قسطنطنیه حدیث ۱۱ ذکر می شود.

چشمی است، و خدا یک چشمی نیست، در پیشانی او نوشته (کافر) هر مؤمنی می تواند بخواند الخ.

(۲) در کنز العمال ص ۲۸۵ فرمود اگر دجال خارج شد و من در بین شما هستم پس من با او خصومت کنم نه شما، و اگر آمد و من در بین شما نیستیم پس هر کس خودش با او خصومت کند و خدا خلیفه من است بر هر مرد مسلمان، او جوانی است موهای سرش کوتاه و یکی از چشمانش مثل دانه انگور طائفی می درخشد مثل اینکه من او را تشبیه می کنم به (عبدالعزی پسر قطن) پس هر کس از شماها او را درک نمود بخواند بر او اول سوره کهف را (سوره ۱۸) و او خارج می شود از راهی که بین شام و عراق است و پس فساد کند از طرف راست و چپ، پس ای بندگان خدا ثابت باشید عرض کردیم ای رسول خدا چه مقدار در زمین می ماند؟ فرمود چهل روز یک روز مثل یک سال است و یک روز مثل یک ماه است و یک روز جمعه است، و باقی روزهایش مثل روزهای شما است، عرض کردیم یا رسول الله آن روزی که مثل یک سال است نماز یک روز کفایت می کند؟ فرمود نه باید اندازه گیری کنید گفتند چه اندازه سرعت دارد فرمود مثل بارانیکه پشت سرش باد باشد پس می آید پیش مردم و دعوت می کند ایشان را و ایشان هم اجابت می کنند پس امر می کند آسمان می بارد و زمین گیاه می روید پس برگ درختان طولانی تر از آنچه قبلا بوده و گوسفندانشان پر شیرتر و کمرشان چاق تر پس باز می آید و ایشان را دعوت می کند و ایشان قولش را رد می کنند پس بر می گردد و ایشان صبح می کنند ناگاه می بینند گول خورده و خشکسالی است و هیچ از اموالشان در دست ندارند، و مرور می کند به خرابه و می گوید خارج کن برای من گنج خود را پس گنج خدا به همراه او می شود مثل زنبور عسل که همراه شاهشان می روند، باز مرد جوانی را گرفته با شمشیر می زند دو قطعه می کند پس صدا می زند جوان پیش می آید

در حالیکه خوشحال و صورت نورانی داشت و می‌خندید، در این هنگام خداوند عیسی بن مریم را می‌فرستد پس نزد مناره سفید در شرقی دمشق در بین دو حله نازل می‌شود در حالیکه کف دستش را روی شانه دو ملک گذاشته،  
الخبر.

(۳) و در کنز ص ۲۸۹ فرمود ای مردم می‌دانید برای چه شما را جمع کردم؟  
بخدا قسم من شما را جمع نکردم برای رغبتی یا ترسی ولکن جمع کردم شما را برای اینکه تمیم داری مردی بود نصرانی پس آمد و بیعت کرد و مسلمان شد و قصه‌ای برای من نقل کرد که موافق بود با آنچه من شما را خبر داده بودم از مسیح دجال قصه تمیم داری آن است که سوار کشتی شده با سی نفر مرد از (طائفه) لخم و جذام پس باد با ایشان یک ماه بازی کرده تا در جزیره‌ای از دریا طرف مغرب کشانده و داخل جزیره شدند، پس ملاقات کردند با حیوانی که موی زیاد داشت و جلو از عقب تمیز داده نمی‌شد، گفتند وای بر تو کیستی گفت من جساسه‌ام گفتند جساسه چیست؟ گفت ای گروه مردم بروید پیش مردی که در دیر است، که به خبر دادن مشتاق است، و چون مردی را برای ما نام برد ترسیدیم از او که مبادا شیطانی باشد پس بزودی روانه شدیم و به دیر داخل شدیم پس ناگاه در آن انسان بزرگی دیدیم که دست و پاها به گردنش با آهن بسته گفتیم وای بر تو کیستی گفت حالا که شما قدرت پیدا کردید از من پس بگوئید شما کیستید گفتیم ما مردمی هستیم از عرب در کشتی سوار شدیم دریا مضطرب شد موج با ما یک ماه بازی کرد پس ما را به نزدیک جزیره تو آورد پس داخل شدیم حیوان پر مویی را دیدیم که از کثرت مو جلو و عقبش دانسته نمی‌شد گفتیم تو کیستی گفت من جساسه‌ام گفتیم جساسه چیست؟ گفت بروید نزد این مرد در دیر که بخواهد خبر دادن شما شوق دارد، پس بنزد شما آمدیم گفت خبر

دهید مرا از درخت خرما بیسان<sup>(۱)</sup> گفتیم از چه جهت گفت درخت خرما سؤال می‌کنم که آیا ثمر می‌دهد؟ گفتیم بلی، گفت اما من امیدوارم که ثمر ندهد گفت خبر دارم کنید از بحیره طبریه<sup>(۲)</sup> گفتیم از چه جهت گفت آیا آب دارد گفتیم آب زیادی دارد گفت امید است که آبش برود، خبر دارم کنید از چشمه زُعر<sup>(۳)</sup> آب دارد و مردم زراعت می‌کنند با آبش؟ گفتیم بلی، آبش زیاد است، و مردم از آبش زراعت می‌کنند، گفت خبر دهید نبی امی چه کرد گفتند از مکه خارج شده و به یثرب نزول فرموده گفت عرب با او مقاتله کردند؟ گفتیم بلی، گفت چه کرد با ایشان؟ خبرش دادیم که بر عرب غالب شد، و عرب او را اطاعت می‌کنند، گفت اینطور است؟ گفتیم بلی، گفت آگاه باشید که این (اطاعت) برای ایشان بهتر است و من از خودم خبر می‌دهم شما را که من مسیح دجالم و امیدوارم که بزودی به من اجازه خروج بدهند پس در زمین سیر کنم و قریه‌ای نگذارم مگر آنکه در آن هبوط کنم در چهل شب جز مکه و طیبه که این دو برای من حرامند، و هر وقت اراده کنم داخل آنها بشوم ملکی شمشیر کشیده مانع من می‌شود، (پیغمبر فرمود) آیا خبر بدهم شما را که این (مدینه) طیبه است این طیبه است این طیبه است آیا حدیث نکردم شما را از دجال و از مدینه و مکه پس بدرستی که بعجب درآورد مرا حدیث تمیم که موافق بود با آنچه از دجال و مدینه و مکه شما را خبر داده بودم جز آنکه او در دریای شام است یا دریای یمن نه بلکه از طرف مشرق است الخبر. (منافات ندارد که تمیم داری دجال را در دریای شام یا یمن ملاقات کرده باشد و در وقت ظهورش از مشرق باشد)

(۴) و در ص ۲۹۱ در ذیل حدیث مقدم دارد که خارج می‌شود از بلده‌ای که

(۱) شهرست در شام. م

(۲) یعنی دریاچه طبریه. م

(۳) چشمه‌ای است در شام. م

آن را اصفهان گویند از قریه‌ای که آن را رستقباد گویند و خارج می‌شود وقتی که خارج می‌شود و در مقدمه لشکرش هفتاد هزار عمامه بسر می‌بوده باشد و دو نهر با اوست نهری از آب و نهری از آتش پس هرکس از شما او را درک کرد و گفته شد به او داخل آب بشو داخل نشود که آن آتش است و اگر گفته شد داخل آتش شو پس داخل شو که آب است.

(۵) و در کنز ص ۲۹۴ دارد هفتاد هزار یهودی متابعت دجال کنند که همه با شمشیرهای طلائی و رداهای گشاده و مدور باشند پس وقتی نظر دجال به حضرت عیسی افتاد آب می‌شود چنانچه نمک در آب، آب می‌شود و فرار می‌کند عیسی می‌فرماید من باید یک ضربتی به تو بزنم که قبل از من کسی نکرده باشد، پس نزد درب لُد<sup>(۱)</sup> شرقی او را بکشد پس یهود را خدا منهزم سازد، و هر چیزی که خداوند آفریده (جزء غرقده) که درخت یهود است همه به زبان آیند و بگویند ای مسلمان این یهودی در من مخفی شده بیا بکش او را الخبر.

(۶) و در ص ۲۹۵ فرمود قبل از خروج دجال سه سال سخت باشد، مردم گرسنگی سختی بکشند، خدا به آسمان امر کند که سال اول ثلث باران را حبس کن، سال دوم ثلث سال سوم همه را و همچنین زمین را امر کند که در سال اول یک ثلث نبات خود را حبس کن سال دوم دو ثلث سال سوم همه را پس نماند صاحب سمی جز آنکه هلاک شود، گفته شد پس مردم به چه چیز زندگی کنند فرمود به تهلیل و تکبیر و تسبیح و تحمید و این ذکرها بجای طعام ایشان می‌شود.

(۷) و در ص ۲۹۶ فرمود خارج شود دجال پس مردی از مؤمنین متوجه بسوی او می‌شود پس با لشکریان دجال روبرو می‌شود می‌گویند کجا قصد داری بروی مؤمن می‌گویند بسوی این مردی که خروج کرده پس به او می‌گویند آیا تو ایمان به خدای ما نداری مؤمن می‌گوید در خدای ما چیزی پوشیده

(۱) لُد: قریه‌ایست در نزدیک بیست المقدس . م



نیست پس لشکریان دجال می گویند بکشید او را پس بعضی به بعض دیگر می گویند مگر خدای ما (دجال) نگفت کسی را نکشید جز من پس مؤمن را می برند نزد دجال پس چون نظرش به دجال افتاد می گوید ای مردم این دجال است که رسول خدا ﷺ یادآور می شد پس دجال امر می کند مثل پوست به چهار میخ می کشند و می گوید اذیتش کنند تا غصه دار گردد پس پشت و شکم او را با ضرب کتک پهن کنند، دجال گوید آیا باز هم به من ایمان نیاوری؟ مؤمن بگوید تو همان مسیح دروغ گو هستی پس امر کند او را با اره دو نصف کنند و از بین آن دو قطعه عبور کند پس بگوید به او بایست او هم زنده شده بایستد پس به او بگوید آیا ایمان به من آوردی مؤمن بگوید تازه بیشتر تو را شناختم و به مردم بگوید ای مردم این کاری که به من کرد با احدی نخواهد کرد بعد از من پس دجال او را گرفته می خواهد سر ببرد پس آهنی به گردنش بگذارد و نتواند کاری انجام دهد پس از دست و پایش بگیرد و او را بیندازد مردم خیال کنند او را به جهنم انداخت و حال آنکه او را به بهشت انداخته پس رسول خدا ﷺ فرمود این مؤمن از همه مردم شهادتش بزرگتر است نزد خدای عالمیان.

(۸) در ص ۲۹۹ فرمود دجال چشمش کور است به پیشانیش نوشته (کافر)

هر مسلمانی می تواند بخواند.

در حدیث دیگر فرمود برای دجال اولاد نمی شود و داخل مدینه و مکه

نمی شود.

(۹) و در ص ۳۰۰ فرمود طعام مؤمنین در زمان دجال طعام ملائکه است

تسبیح و تقدسی است پس هر کس منطقش یعنی گفتارش آن روز تسبیح و تقدیس باشد گرسنگی را خدا از او برطرف سازد.

(۱۰) در حدیث دیگر فرمود مابین خلقت آدم تا قیامت امری بزرگتر از

دجال نیست.

(۱۱) و در ص ۳۰۲ و ۳۰۳ در چند حدیث دارد که فرمود هر پیغمبری امت خود را از دجال ترسانیده منهدم شما را می ترسانم او کور است یک چشم دارد در بازار چیز می خورد و راه می رود و شما او را می بینید و خدای شما کور نیست و او را نمی بینید پس شک به خود راه ندهید (البته این مضمون چند حدیث است)

(۱۲) در ص ۳۰۴ فرمود دجال را متابعت کند از یهود اصفهان هفتاد هزار که ردهای مدور پوشیده باشند.

(۱۳) و در ص ۳۰۶ فرمود دجال می آید و برای او حرام است داخل مدینه شود بلکه به شوره زاری وارد می شود. پس مردی بر او خروج می کند که او بهترین مردم یا از بهترین مردم است. پس به دجال می گوید من شهادت می دهم که تو همان دجالی که رسول خدا ﷺ به ما خبر داده دجال می گوید اگر من بکشم و زنده کنم آیا شک می کنید در این امر؟ پس می گویند نه پس او را می کشد و زنده می کند آن مرد مؤمن می گوید بعد از زنده شدن بخدا قسم امروز بصیرتم نسبت به تو بیشتر شد دجال می خواهد او را بکشد قدرت پیدا نمی کند.

(۱۴) و در ص ۳۰۶ فرمود دجال پشت سرش راه راه است (یعنی موهای پشت سرش مثل راه است یا چین دار است) او می گوید (انا ربکم الاعلی) من خدای بزرگ شمایم هرکس تصدیق کرد به فتنه افتاده و هرکس گفت دروغ می گوئی خدای من الله است بر او توکل می کنم و بسوی او توبه و بازگشت می کنم ضرری به او نرساند.

(۱۵) و در ص ۳۰۷ فرمود من شما را از دجال می ترسانم و همه پیغمبران امت خود را ترسانیده اند ولی دجال در شما خواهد بود من اوصافش را برای شما نقل می کنم که پیغمبران نقل نکرده بودند، قبل از آمدن دجال چند سال خشک سالی و قحطی است که هر صاحب سمی (مثل گوسفندان اسب الاغ

شتر) بمیرند، گفته شد پس چگونه مؤمنین زندگی کنند فرمود مثل زندگی ملائکه (که با تسبیح و تهلیل و تقدیس و تحمید زندگی می کنند) پس او خروج می کند و کور است و خدای شما کور نیست بین دو چشمش (نوشته) کافر، که هر مؤمن با سواد و بی سواد بتواند بخواند و اکثر تابعینش یهود و زنان و اعراب هستند، بخیال می آورد که آسمان می بارد و حال آنکه نمی بارد، و زمین گیاه رویانیده و حال آنکه نرویانیده، آن وقت به اعراب (بادیه نشینان) می گوید چه می خواهید از من آیا برای شما بارانی پی در پی نیاردم و گوسفندان شما را زنده نکردم آنها را چاق و شیردار نکردم و شیاطین را بصورت پدران و برادران که قبلا مرده بودند می آورد و ایشان به زندگان می گویند آیا مرانمی شناسی من فلانی هستم این خدای شما است ایمان بیاورید، چهل سال عمر کند هر سالی مثل یک ماه باشد و هر ماهی مثل یک هفته باشد و هر هفته ای مثل یک روز باشد و هر روزی مثل یک ساعت باشد و هر ساعتی مثل سوختن هیز می باشد، و هر جایی برود جز مسجد الحرام و مسجد النبی، بشارت باد اگر خارج شد و من در بین شما هستم که کفایتش با خدا و رسولش می باشد و اگر نیستم و بعد از من خارج شد پس خدا خلیفه من است برای هر مسلمانی.

(۱۶) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۹۲ فرمود دجال چهل روز مکت کند که یک روز آن مطابق یک سال باشد و یک روز آن مطابق یک ماه و یک روز آن مطابق یک هفته و باقی روزهایش مثل روزهای شما است.

(۱۷) و در کنز ص ۳۱۸ فرمود دجال خارج می شود و آن چشم چپش کور است و ناخنک غلیظی روی آن را گرفته و او کور مادرزاد را شفا می دهد و شخص برص دار را خوب می کند و مرده را زنده می نماید و به مردم می گوید من خدای شمایم، پس هرکس گفت تو خدای منی در فتنه افتاده و هرکس گفت خدا رب من است تا وقت مردن پس او از فتنه دجال نجات یافته و بعد از او

فتنه‌ای و عذاب قبری برای او نخواهد بود پس مکت کند در زمین آنچه خدا خواهد پس از آن عیسی نزول فرماید و تصدیق محمد ﷺ را بنماید و دجال را بکشد.

(۱۸) در حدیث دیگر فرمود دجال همه جا رود مگر چهار مسجد، مسجد الحرام و مسجد مدینه و مسجد طور سینا و مسجد اقصی.

(۱۹) و در چند حدیث دارد که دجال یک چشمش کور است و خدای شما کور نیست (پس نباید گول او را بخورید اگرچه بحسب ظاهر معجزه نشان دهد از قبیل مرده زنده کردن و کور شفا دادن و بهشت و جهنم نشان دادن و غیر ذلک) (۲۰) و در ص ۳۲۱ فرمود دجال خارج نشود مگر وقتی میراث را تقسیم نکنند و بغنیمت خوشحال نگردند.

(۲۱) و در ص ۳۲۳ فرمود دجال خارج نشود مگر وقتی که بهترین چیزها نزد مؤمن بیرون آمدن جانش باشد (یعنی آنقدر روزگار فشار دارد که مؤمن آرزوی مرگ می‌کند)

(۲۲) و در حدیث دیگر دارد که خارج نشود دجال مگر وقتی که مردم غافل باشند و یادی از دجال نکنند و حتی خطباء در منبرها ذکرش نکنند.

(۲۳) و در کنز ج ۱۴ ص ۳۲۶ فرمود خارج می‌شود دجال از یهودیه اصفهان تا می‌آید کوفه پس جماعتی از مدینه ملحق به او می‌شوند و جماعتی از طور و جماعتی از ذی یمن و جماعتی از قزوین الخ.

(۲۴) و در چند حدیث دارد که دجال از اصفهان خارج می‌شود یا از یهودیه اصفهان و الاغی دارد که پهنی مابین دو گوش آن چهل ذرع است.

(۲۵) و در ص ۳۲۶ فرمود دجال خارج می‌شود و با او هفتاد هزار جولا و بافنده است که در پیشاپیش لشکر دجالند و با شعورترین ایشان آن است که می‌گوید بدو بدو.

- (۲۶) و در ص ۳۲۸ فرمود با دجال هفتاد هزارند که عمامه بسر دارند پس اکثر آن کسانی که با او هستند یهود و زنانند.
- (۲۷) و در الزام الناصب چاپ قدیم ص ۱۸۱ از رسول خدا روایت کند که متابعت می کند دجال را از امت من هفتاد هزار عمامه بسر.
- (۲۸) و در کنز ص ۳۲۹ ج ۱۴ فرمود: دجال نازل می شود به این شوره زار پس اکثر کسانی که با او خروج می کنند زنانند، حتی اینکه مرد بر می گردد بسوی مادرش و دخترش و خواهرش و عمه اش و دست و پای ایشان را با ریسمان می بندد از ترس اینکه مبادا بسوی او بروند.
- (۲۹) و در کنز ج ۱۴ ص ۵۹۹ حذیفه از رسول خدا سؤال می کند که آیا دجال قبل از عیسی است یا عیسی قبل از دجال است؟ حضرت فرمود دجال قبل از عیسی است.
- (۳۰) و ایضا در ص ۵۹۹ از ابوبکر نقل کند دجال از یهودیه مرو خروج کند.
- (۳۱) و در حدیث دیگر دارد که از طرف مشرق از زمینی که آن را خراسان گویند خروج می کند.
- (۳۲) در کنز ج ۱۴ ص ۵۹۹ حدیث دیگر دارد که ابوبکر سؤال کرد آیا در عراق زمینی هست که آن را خراسان گویند؟ گفتند بلی گفت دجال از آنجا خروج کند.
- (۳۳) و در حدیث دیگر دارد که رسول خدا ﷺ فرمود خارج می شود دشمن خدا و با او لشکری است از یهود و اصناف مردم و با او بهشت و جهنم تا آنجا که می فرماید - سیزده هزار زن یهودیه با او خواهند بود و خدا رحمت کند مردی را که زن خود را منع کند از متابعت او الخ.
- (۳۴) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که دجال از خراسان خروج می کند و تابعینش مردمانی هستند که صورتهای ایشان

مث سیر چکش خورده است .

(۳۵) و در مستدرک ص ۵۲۹ دارد که ابوالطفیل گفت کوفه بودم که گفته شد دجال خروج کرده پس رفتم نزد حذیفه بن اسید و او حدیث می گفت گفتم این دجال است خروج کرده، گفت بنشین پس نشستیم، پس دانائی آمد و گفت این دجال است خارج شده و اهل کوفه هم اطاعتش می کنند باز گفت بنشین پس نشست، (تا آنجا که) حذیفه گفت اگر دجال در زمان شما خروج کند بچه ها او را سنگباران کنند ولکن دجال وقتی خروج می کند که مردم با هم بغض و کینه دار باشند و دینشان سست باشد و بین خودشان خوب نباشد الخ .

(۳۶) و در بحار ج ۵۲ ص ۱۹۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود دجال صائد بن الصید یا (صائد بن الصائد) است پس شقی کسیکه او را تصدیق کند و سعید کسی که او را تکذیب کند، خروج می کند از شهری که آن را اصفهان گویند از دهکده ای که آن معروف به یهودیه است، چشم راستش کور است و چشم دیگرش در پیشانیش می باشد مثل ستاره صبح می درخشد، و در چشمش چیزی است مثل اینکه ممزوج به خون است، در بین دو چشمش نوشته شده (کافر) هر با سواد یا بی سواد می تواند بخواند، به دریاها فرو می رود، خورشید با او سیر می کند، پیش روی او کوهی است از دود و پشت سر او کوهیست سفید، مردم خیال می کنند آن طعام و خوردنی است . در قحطی سختی خروج می کند، زیر پایش الاغی است سفید که هر گامش یک میل راه است، زمین منزل به منزل زیر پای او پیچیده می شود، به آبی نگذرد مگر آنکه خشک شود تا روز قیامت، با صدای بلند ندا کند بطوریکه همه از جن و انس و شیاطین بشنوند، می گوید بسوی من بیائید ای دوستان من، من کسی هستم که ایجاد نمود و درست کرد، و مقدر کرد پس راهنمایی نمود، من خدای بزرگ شمایم، و دروغ می گوید دشمن خدا او یک چشمش کور است غذا می خورد و

راه می‌رود و خدای شما کور نیست و غذا نمی‌خورد و راه نمی‌رود و همیشه برجا است، و آگاه باشید که اکثر تابعینش اولاد زنا و صاحبان پوستین سبز هستند الخ.

(۳۷) و در ملاحم سید بن طاووس ص ۱۰۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود پیرهیزید از دجالین (یعنی دروغگویان) اولاد فاطمه پس بدرستی که از اولاد فاطمه دروغ‌گویانند (مثل بعضی‌ها که ادعای امامت کردند)

(۳۸) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۶۱۲ دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه‌ای خواند و حمد و ثنای الهی را بجای آورد و صلوات بر پیغمبر فرستاد پس از آن فرمود ای مردم سؤال کنید از من پیش از آن که مرا نیابید سه مرتبه این فرمایش را فرمود صعصعة بن صوحان عبدی برخاسته عرض کرد یا امیرالمؤمنین کی دجال خروج می‌کند. پس حضرت فرمود ساکت باش ای صعصعه خدا به مقام تو دانا و کلام تو را شنید مسئول از سائل داناتر نیست<sup>(۱)</sup> ولی برای خروج او علامات و اسبابی است پشت سر هم یکی بعد از دیگری خواهد آمد، پس اگر بخواهی تو را آگاه سازم به علامات خروجش؟ عرض کرد از همین سؤال کردم از شما یا امیرالمؤمنین، فرمود پس با دستت بشمار و حفظ کن آنچه را به تو می‌گویم وقتی که مردم نماز را بکشند (یعنی نماز نخوانند) و امانت را ضایع کنند، و حکم ضعیف شود، و ستم فخر باشد، و فرماندهان فاجر باشند، و وزراء خائن باشند، و اعوان و یاران ایشان ظلمه باشند، و قرّاء ایشان فاسق باشند، و جور و ستم ظاهر گردد، و زنا فاش شود، و رباخوارگی ظاهر شود، و ارحام قطع شود، و زنان خواننده بگیرند، و شراب و خمر خورده شود، و عهدها را بشکنند، و نماز عشاء ضایع شود، و در نماز جماعت کوتاهی کنند، و مساجد را زینت کنند، و مناره‌ها را دراز سازند، و قرآن‌ها را به طلا زینت دهند، و رشوه

(۱) چون عقل مردم کشش نداشته این را فرموده و الا علم امام علیه السلام بی پایان است.

گرفته شود، و ربا خورده شود، و از سفها کار بکشند، و خونریزی را سبک شمارند، و دین را به دینا بفروشند، و زنها با شوهرهاشان تجارت کنند برای حرصی که به دنیا دارند، و زنها منبر روند و خود را شبیه به مردان سازند، و مردها شبیه به زنان شوند، سلام به آسانایان دهند (نه به عموم مردم که دستور اسلام است) و شاهد شهادت دهد بدون اینکه از او شهادت خواسته باشند، و قسم خورد بدون اینکه او را قسم دهند، پوست میش بر دلهای گرگان پوشیده شود، (یعنی گرگ به لباس میش درآید و گوسفندان مردم را طعمه خود سازد)، و دلهای ایشان تلختر از صبر (چادروا) باشد، و زبانشان شیرین تر از عسل باشد، و باطنشان گندیده تر از مردار باشد، علم فقه برای غیر دین طلب شود، و معروف منکر شود، و منکر معروف باشد، و النجاء النجاء<sup>(۱)</sup> و الوحاء الوحاء<sup>(۲)</sup> چه خوب محل سکونت است عبادان، خواب در آن مثل جهاد در راه خدا است (فعلا که محل فتنه و جنگ است تا بعدا خدا چه خواهد) و آن اول بقعه ایست که ایمان به حضرت عیسی علیه الصلاة والسلام آورده، و البته بیاید بر مردم زمانیکه هریک بگوید کاش من گاهی بودم در خشتی از خانه های عبادان. اصبع بن نباته از جا برخاست و عرض کرد یا امیرالمؤمنین دجال کیست؟ فرمود صافی بن صائد<sup>(۳)</sup> شقی کسی است که او را تصدیق کند. و سعید کسی است که او را تکذیب نماید آگاه باش دجال طعام می خورد و آب می آشامد و در بازار راه می رود، و خدا از این اوصاف بزرگتر است. آگاه باش دجال طولش چهل ذراع به ذراع اول است، زیر پایش خریست سفید طول هر گوشش سی ذراع است، مابین سم خرش تا سم دیگرش یک روز و یک شب راه است، و

(۱) النجاء به معنای خلاص است.

(۲) الوحاء به معنای سرعت است.

(۳) در بعض روایات گذشته (صائد بن صائد) است.



زمین پیچیده می شود برای او به مقدار یک منزل، و ابر را بدست راستش می گیرد، و از خورشید سبقت می گیرد، فرو می رود تا قوزکش به دریا، پیش رویش کوهی است از دود، پشت سرش کوه سبزیست، ندا کند به صدائی که مشرق تا مغرب بشنوند، بسوی من بیائید دوستان من بسوی من بیائید دوستان من - پس من خلق کردم و درست کردم من مقدر کردم پس هدایت یافت و من پروردگار اعلائی شما هستم و حال آنکه دروغ می گوید دشمن خدا پروردگار شما اینطور نیست، آگاه باشید که اکثر اتباع و اعوان دجال یهود و اولاد زنا هستند خدا او را در شام بر گردنه افیق خواهد کشت سه ساعت از روز برآمده بدست حضرت عیسی بن مریم پس آن وقت دابه الارض از صفا خارج شود با اوست انگشتر سلیمان بن داود و عصای موسی بن عمران، پس با انگشتر پیشانی هر مؤمنی را بنویسد این مؤمن است حقا حقا و در پیشانی هر کافری را بنویسد این کافر است حقا حقا، آگاه باشید که مؤمن در آن هنگام به کافر بگوید وای بر تو ای کافر حمد خدایی را که مرا مثل تو قرار نداد و کافر بگوید به مؤمن خوش بحال تو ای مؤمن کاش من مثل تو بودم تا به فیض بزرگ می رسیدم (تا اینجا که رسید حضرت فرمود) از بعد این از من سؤال نکنید که رسول خدا ﷺ به من عهد فرمود که پیوشانم و کتمان کنم.

(۳۹) در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۹ در ذیل خطبه البیان فرمود بدرستی که دجال اعور خروج می کند از بلدهای که آن را یهوداء گویند و آن قریه‌ای است از قراء اصفهان و آن شهر است از شهرهای کسری‌ها برای او یک چشم است در پیشانیش مثل ستاره می درخشد سوار بر الاغی است که هر گامش یک چشم انداز است و طولش هفتاد ذراع است و روی آب می رود مثل اینکه روی زمین می رود پس ندا کند به صدائی برسد به آنجائی که خدا می خواهد و بگوید بسوی من بیائید بسوی من بیائید ای دوستان من منم خدای بزرگ شما آن

خدائیکه عالم را خلق کرده و بحد کمال رسانیده آن خدائی که هر چیزی را قدر و اندازه‌ای داد و هدایتش نمود آن خدائی که چراگاه را رویانید پس آن روز اولاد زنا و پست‌ترین مردم از اولاد یهود و نصاری او را متابعت کنند و جمع کثیری که عددش را غیر از خدا کسی نداند دور او جمع شوند، پس می‌رود و پیش روی او دو کوه است یکی از گوشت و دیگری از نان خورد شده پس خروجش در زمان قحطی سخت باشد پس کوهها جلو روی او می‌روند و هیچ چیزی از آن کم نمی‌شود پس هرکس اقرار به خدائی او کند به او می‌دهد پس امام علیه السلام می‌فرماید ای جماعت مردمان آگاه باشید که او دروغگو و ملعون است چون خدای شما کور یک چشم نیست و چیزی نمی‌آشامد و نمی‌خورد و اوست زنده و نمی‌میرد بدست اوست هر خیر و خوبی و اوست بر هر چیزی قادر تا آنجا که فرمود لشکر مهدی علیه السلام در مدت چهل روز لشکر دجال را می‌کشند از طلوع آفتاب تا غروب آن.

(۴۰) در الامام المهدی ج ۱ ص ۶۷ از کتاب بدء و التاريخ ابی زید ص ۱۸۶ نقل کند که دجال صائف بن صائد یهودیست لعنت الله علیه در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله متولد شده و گاهی در گهواره‌اش باد می‌کرد، و گاهی در خانه‌اش بطوری باد می‌کرد که خانه را پر می‌کرد پس به پیغمبر صلی الله علیه و آله به این خبر دادند پس با بعض اصحابش نزد او تشریف بردند چون نظرش به او افتاد شناخت او را دعا فرمود خداوند او را به جزیره‌ای از جزایر دریا ببرد تا وقت خروجش.

(۴۱) و در روایت دیگر دارد که مسیح دجال چیز می‌خورد و در بازار راه می‌رود و روایت شده که اسمش عبدالله است و او با بچه‌ها بازی می‌کند، پس ابن صیاد گفت آیا شهادت می‌دهی من رسول الله هستم، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود شهادت می‌دهم من رسول الله هستم سپس ابن صیاد گفت آیا شهادت می‌دهی من رسول الله هستم، پس پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود من چیزی را برای تو

مخفی کردم گفت آن چه باشد؟ فرمود (دخ) یعنی دود، پس پیغمبر ﷺ فرمود دور شو و از قدر خود تجاوز مکن، عمر گفت اجازه می فرمائید گردنش را بزنم؟ پیغمبر ﷺ فرمود واگذار او را اگر همان است (که خدا خبر داده) هرگز تو مسلط بر او نخواهی شد و الا اگر او نیست پس خیری در کشتنش نیست.

این خلاصه اخباری بود که راجع به دجال ترجمه شده و معلوم شد که دجال دو قسم است یک قسم دجال نوعی که شامل حال هر دروغگوئی می شود و این قسم دجالها از زمان خود ائمه بوده و خواهند بود و بسیارند، و یک قسم دجال شخصی که بدست حضرت عیسی یا حضرت حجت کشته خواهد شد و معلوم شد که اخبار نسبت به زمان خروج دجال و مکان خروجش و کیفیت آن و عملیات او بسیار مختلف بود هرچه را فهمیدید فبها و آنچه را نفهمیدید حق رد ندارید علمش را به اهلش بگذارید چون بسیاری از چیزها چند سال قبل فهمیده نمی شد و الان فهمیده شده و چه بسا چیزهایی را امروز نفهمیم فردا معلوم و آشکار شود.

و کسی نگوید این اخبار ضعیف است و از طرق عامه رسیده حجت نیست به جهت آنکه اینها از اخبار غیبیه هستند راه جعل در آن تصور نداد، فافهم.

### ﴿ دجله ﴾

در ملاحم ص ۹۰ در حدیث کعب دارد که ترک نازل شود بر آمد و از آب دجله و فرات بیاشامد الخبر.

و در ص ۹۱ از رسول خدا ﷺ روایت کند که نهریست آن را دجله گویند الخ. در بنو قنطورا ذکر شد.

### ﴿ دختر عمو ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۵ دارد که ساعت برپا نشود تا وقتی که همه برگردید زراعتکار شوید و تا وقتی که مرد برود دختر نبطیه را (طائفه‌ای از عربها) بگیرد برای معیشت خود و دختر عموی خود را ترک کرده نگاه نکند.

### ﴿ درخت غصاء ﴾

در برادران حدیث ۵ گذشت.

### ﴿ درسهای باطل ﴾

در زمان حدیث ۵۵ خواهد آمد که چیزهای باطل را ما بین خود درس بخوانند.

### ﴿ درندگان ﴾

در ملاحم ص ۹۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود درندگان (در زمان حضرت حجت) بیایند درب خانه‌ها و طعام طلب کنند و احدی را اذیت نکنند.

و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۷ و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود قسم به کسی که جانم بدست اوست برپا نشود (ساعت ظهور) تا اینکه درندگان با انسان سخن گویند و مرد با تازیانه و بند کفشش سخن گوید. و خبر دهد به او آنچه اهلش بعد از خودش عمل می‌کنند.

### ﴿ دروغگویان ﴾

در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۵ و بحار ج ۵۲ ص ۲۰۹ و غیبت طوسی ص ۲۶۶

از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه خروج کنند شصت نفر دروغگو و همه بگویند من پیغمبرم.

در (صد و پنجاه سال) خواهد آمد که اگر گفتند لا اله الا الله خداوند از بالای عرشش بفرماید دروغ می گوئید.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۹۶ روایت کند که فرمود در امت من (۲۷) دروغگو و دجال هستند که چهار نفر ایشان زنند، و بدرستیکه من خاتم انبیاء هستم و پیغمبری بعد از من نخواهد آمد.

و در ص ۱۹۷ دارد که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه هفتاد نفر دروغگو خروج کنند.

و در حدیث دیگر فرمود پیش از پیا شدن ساعت، دروغ گویانی هستند از دین ایشان در حذر باشید.

در حدیث دیگر دارد که فرمود من شهادت می دهم بعدد خاکهای دنیا که مسیلمه دروغ گو است.

و در حدیث دیگر فرمود در (طائفه) ثقیف دروغ گو و هلاک کننده است.

و در ص ۲۰۱ چند حدیث به این مضمون رسیده.

و در ص ۱۹۸ دارد که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه خارج شود سی نفر دروغ گو همه گمان کنند که پیغمبرند.

و در حدیث دیگر دارد برپا نشود ساعت تا اینکه برانگیخته شود دروغ گویان قریب به سی نفر همه گمان کنند که ایشان رسول خدایند.

و در ص ۱۹۹ دارد که برپا نشود ساعت تا سی نفر دروغ گو خروج کنند که یکی از ایشان مسیلمه و دیگر عنسی و دیگر مختار است و شرقبائل عرب بنوامیه و بنو حنیفه و ثقیف هستند.

در حدیث دیگر دارد برپا نشود ساعت تا سی نفر دروغ گو خروج کنند که

آخر ایشان دجال یک چشمی است دروغ‌گو است که چشم چپ او مالیده است خیال می‌کنی چشم است.

در حدیث دیگر فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه سه نفر دجال و دروغ‌گو خروج کنند همه خیال کنند پیغمبرند پس هرکس این را بگوید او را بکشید و هرکس یک نفر از ایشان را بکشد پس برای اوست بهشت.

در ص ۲۰۰ در حدیث دیگر فرمود پیش از ساعت (ظهور) دجال است و پیش از او سی نفر یا بیشتر دروغ‌گویانند و نشانه‌اش این است که یک سنتی برای تو بیاورند که قبل نبوده و بواسطه آن سنت دین شما را تغییر دهند پس وقتی ایشان را ببینی دوری کن و دشمنی نما با ایشان.

و در ص ۵۴۸ و ص ۱۹۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که پیش از وفاتش به یک ماه فرمود پیشاپیش ساعت دروغ‌گویانی هستند یکی از ایشان صاحب یمامه است و یکی از ایشان صاحب صنعا عنسی است و یکی از آنها صاحب حمیراست و یکی از ایشان دجال است که از جهت فتنه بزرگ‌تر (یا غلیظتر است).

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۳ از عبدالله روایت کند که چون کم فروشی شود باران حبس شود و چون زنا زیاد شود کشتار و طاعون (وباء) زیاد شود و چون دروغ زیاد شود هرج و مرج زیاد شود.

در فقیه ج ۴ ص ۲۷۲ از پیغمبر ﷺ روایت کند که رباتر از ربا دروغ است. در کافی ج ۲ ص ۳۳۹ از امام پنجم روایت کند که دروغ خرابی ایمان است. در کافی ج ۶ ص ۴۰۳ از امام پنجم ﷺ روایت کند که خداوند برای شر و کارهای بد قفل‌هایی قرار داده و کلیدهای آن را دروغ قرار داده.

در کافی ج ۲ ص ۳۴۱ از امام ششم روایت کند که عیسی ع فرمود هرکس دروغ زیاد بگوید آبرویش می‌ریزد.

در فقیه ج ۳ ص ۳۷۲ از امام ششم علیه السلام روایت کند که فرمود دروغ بر خدا و رسول از گناهان کبیره است.

در فقیه ج ۴ ص ۲۵۶ از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود دروغ نگو که نور از تو می رود.

در روضه کافی ذیل حدیث ۴ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود هیچ بدی نیست که بدتر از دروغ باشد.

در کافی ج ۲ ص ۳۴۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود نچشد بنده‌ای طعم و مزه ایمان را مگر وقتی که دروغ گفتن را ترک کند چه از روی شوخی باشد یا جدی.

در کافی ج ۲ ص ۳۴۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود سزاوار است برای مرد مسلمان که دوری کند از برادری کردن با دروغگو الخبر.

در بحار ج ۷۲ ص ۲۵۹ از امام صادق علیه السلام از جدش از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود کمترین مردم از مروت کسی است که دروغگو باشد.

و در حدیث دیگر فرمود بدترین روایت روایت دروغ است.

و در ص ۲۶۱ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود عادت به دروغ گفتن موجب فقر می شود.

و در ص ۲۶۳ از امام عسکری علیه السلام است که فرمود تمام بدیها در خانه‌ای قرار داده شده و کلیدش دروغ است.

در حدیث دیگر فرمود دوری کنید از دروغ که دروغ هدایت به فجور می کند و فجور راهنمایی به آتش می نماید.

### ﴿ درهم ﴾

در زمان حدیث ۸۵ خواهد آمد.

### ﴿ دستکره ﴾ یعنی ده

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۹ و ملاحم سید ص ۱۵۹ دارد که بیاید زمانیکه یک شتر با جهاز بهتر باشد از دستکره و دهیکه در هر سال صد هزار غله و عایدی داشته باشد.

### ﴿ دستی ﴾

دستی در چشم خورشید نمایان شود. در رجب خواهد آمد.

### ﴿ دشمن ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۴۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که پنج چیز است اگر به آن مبتلا شدید و پناه می‌برم به خدا که شما آن را درک کنید، یکی از آنها وقتی که عهد خدا و رسولش را نقض و شکستید مسلط می‌کند بر شما دشمن شما را از غیر خودتان و می‌گیرند بعضی اموال شما را الخ. با دشمن ما نزاع نکند با دشمن ما حدیث نکند، دشمن ما را دوست ندارد. در امتحان حدیث ۴ گذشت.

هر وقت دشمن قصد سوءای به شما داشته باشد ایشان را مشغول خود سازد. در عجله کنندگان حدیث ۱ خواهد آمد.

در کافی ج ۲ ص ۳۷۴ از امام باقر از جدش ﷺ روایت کند وقتی مردم عهدشکنی کنند خداوند مسلط می‌کند بر ایشان دشمن را.

در کافی ایضا از امام باقر ﷺ روایت کند که پنج چیز است اگر درک کردید آنها را پناه به خدا برید. یکی آنکه نشکنند عهد خدا و رسول را مگر آنکه خدا مسلط کند بر ایشان دشمنان ایشان را و بگیرند از ایشان بعضی آنچه در دست دارند.



در روضه کافی حدیث ۴۴۹ امام باقر علیه السلام به عبدالملک ابن اعین فرمود آیا راضی نیستید دشمنهای شما همدیگر را بکشند و شما در امن و امان باشید.  
در وافی ج ۸ ص ۴۱ فرمود دشمنترین دشمنها نفس خودت می باشد.

### ﴿ دعاء ﴾

(۱) در روضه کافی ج ۸ ص ۳۰۶ و بحار ج ۵۲ ص ۱۹۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود زود است بیاید بر امت من زمانیکه باطناً بد باشند و ظاهراً خوب باشند، برای طمعی که بدنیا دارند و نخواهند آنچه را نزد خدا است و دین ایشان ریائی باشد و هیچ ترسی هم نداشته باشند (در عوض) خداوند عقوبتش را شامل حال ایشان گرداند، بطوریکه دعا کنند و خدا را بخوانند مانند کسی که غرق شده و دعای ایشان به اجابت نرسد.

(۲) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۵ از حذیفه روایت کند که بیاید بر شما زمانیکه نجات نیابد مگر کسی که دعا کند مانند کسی که غرق شده (یا می خواهد غرق شود)

(۳) و در کافی ج ۲ ص ۴۷۰ و ج ۶ ص ۴۱۳ و تهذیب ج ۹ ص ۱۱۳ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود بر تو باد به دعا کردن، بدرستی که آن شفا است از هر دردی.

(۴) در کافی ج ۲ ص ۴۷۰ از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت کند که فرمود بر شما باد به دعا کردن، پس بدرستی که خدا را خواندن و از او طلب کردن بلا را رد می کند.

(۵) در کافی ج ۲ ص ۴۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود بر شما باد به دعا کردن پس بدرستی که شما تقرب پیدا نمی کنید به خدا به چیزی که مثل دعاء باشد.

(۶) در کافی ج ۲ ص ۴۶۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بر شما باد به سلاح انبیاء گفته شد سلاح انبیاء چیست؟ فرمود دعاء کردن.

(۷) در کافی ج ۲ ص ۴۶۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود آیا شما را راهنمایی نکنم بر سلاحی که شما را از دشمن نجات دهد، و روزی شما را پی در پی برساند؟ عرض کردند بلی فرمود خدای خود را شب و روز بخوانید پس بدرستی که سلاح مؤمن دعا کردن است.

(۸) در کافی ج ۲ ص ۴۸۶ در ذیل حدیثی حضرت صادق علیه السلام فرمود کسی که خدا را اطاعت کند، و از راهش خدا را بخواند البته جواب می دهد، راوی عرض کرد راهش کدام است؟ فرمود اول حمد خدا بگو و نعمتهایش را بیاد آور و شکرش را بکن و درود بر پیغمبرش بفرست، سپس گناهانت را یاد آور، و پناه بخدا ببر اینست راه دعاء.

(۹) در کافی ج ۱ ص ۳۳۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که زراره عرض کرد اگر آن زمان را درک کنم چه کنم؟ فرمود این دعا را بخوان (اللهم عرّفنی نفسک فإنّک إنّ لم تعرّفنی نفسک لم أعرف نبیّک، اللهم عرّفنی رسولک فإنّک إنّ لم تعرّفنی رسولک لم أعرف حجّتک اللهم عرّفنی حجّتک فإنّک إنّ لم تعرّفنی حجّتک ضللت عن دینی) الحدیث.

(۱۰) در بحار ج ۵۲ ص ۱۴۹ از امام صادق علیه السلام فرمود زود است برسد به شما شبهه‌ای پس باقی بمانید بدون علمی و پرچمی و نه امام هدایت کننده‌ای پس در آن شبهه نجاتی نباشد مگر برای کسی که دعای غریق را بخواند، راوی عرض کرد دعاء غریق کدام است؟ فرمود بگو (یا الله یا رحمن یا رحیم یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک) پس راوی گفت: یا مقلب القلوب والابصار ثبت قلبی علی دینک حضرت فرمود خدا مقلب القلوب والابصار هست ولی بگو آنطور که من گفتم (یا مقلب القلوب ثبت قلبی علی دینک)

(۱۱) در بحار ج ۹۵ ص ۳۳۰ از جمال الاسبوع از یونس بن عبدالرحمن روایت کند که حضرت رضا علیه السلام امر فرموده دعا کنند صاحب الامر علیه السلام را به این دعاء: (اللهم ادفع عن وليك وخليفتك وحجتك على خلقك، ولسانك المعبر عنك بإذنك، الناطق بحكمك، وعينك الناظرة على بريتك، وشاهدك على عبادك الجحجاج المجاهد<sup>(۱)</sup> العائذ بك عندك، وأعدّه من شرّ جميع ما خلقت وبرأت، وأنشأت وصوّرت، واحفظه من بين يديه ومن خلفه وعن يمينه وعن شماله، ومن فوقه ومن تحته، بحفظك الذي لا يضيع من حفظته به واحفظ فيه رسولك وآبائه أئمتك، ودعائم دينك واجعله في وديعتك التي لا تضيع، وفي جوارك الذي لا يخفر<sup>(۲)</sup> وفي منعك وعزك الذي لا يقهر، وآمنه بأمانك الوثيق الذي لا يخذل من آمنته به، واجعله في كنفك الذي لا يرام<sup>(۳)</sup> من كان فيه، وأيده بنصرك العزيز وأيده بجندك الغالب، وقوّه بقوّتك واردفه بملائكتك، ووال من والاه<sup>(۴)</sup> وعاد من عاداه، وألبسه درعك الحصينة<sup>(۵)</sup> وحفّه بالملائكة حفّاً<sup>(۶)</sup>).

اللهم وبلغه أفضل ما بلغت القائمين بقسطك من أتباع النبيين، اللهم اشعب به الصدع<sup>(۷)</sup> وارفق به الفتق<sup>(۸)</sup> وأمّته به الجور، وأظهر به العدل، وزين بطول بقائه الأرض، وأيده بالنصر وانصره بالرعب، وقوّ ناصره، واخذل خاذليه، ودمدم

(۱) الجحجاج ای السید. (المجمع)

(۲) لا يخفر ای لا ينقض عهده. (المجمع)

(۳) لا يرام ای لا يطلب. (المجمع)

(۴) دوست دار کسی که او را دوست دارد.

(۵) زره.

(۶) حفّه ای زینّه. (المجمع)

(۷) ای أصلح به ما تشعب (تفرّق متاً). (المجمع)

(۸) التیام بده پارگیها را.

علی من نصب له<sup>(۱)</sup> ودمّر من غشه<sup>(۲)</sup> واقتل به جبابرة الكفر وعمده ودعائمه<sup>(۳)</sup> واقصم به رؤوس الضلالة، وشارعه البدع، وممیتة السنّة، ومقویة الباطل، وذللّ به الجبارین وأبرّ به الكافرین<sup>(۴)</sup> وجميع الملحدين فی مشارق الارض ومغاربها وبرّها وبحرها، وسهلها وجبلها، حتى لا تدع منهم دیارا ولا تبقى لهم آثارا، اللهم طهرّ منهم بلادك واشف منهم عبادك، وأعزّ به المؤمنین وأحی به سنن المرسلین، ودارس حکمة النبیین، وجدّد به ما امتحی من دینک<sup>(۵)</sup> وبدّل من حکمک حتی تعید دینک به وعلی یدیه جدیدا غضا<sup>(۶)</sup> محضا صحیحا لا عوج<sup>(۷)</sup> فیہ ولا بدعة معه وحتىّ تغیر بعدله ظلم الجو، وتطفیء به نیران<sup>(۸)</sup> الکفر، وتوضح به معاهد الحق، ومجهول العدل، فإنّه عبدک الذی استخلصته لنفسک، واصطفیته من خلقک، واصطنعته علی عینک<sup>(۹)</sup> وائتمنته علی غیبک، وعصمته من الذنوب، وبرأته من العیوب<sup>(۱۰)</sup> وطهرّته من الرجس وسلّمته من الدنس.

اللهم فإنّا نشهد له یوم القیامة، ویوم حلول الطامة<sup>(۱۱)</sup> انه لم یذنب ذنبا ولا أتى حوبا<sup>(۱۲)</sup> ولم یرتکب معصیة، ولم یضیع لك طاعة، ولم یهتک لك حرمة، ولم یبدّل

(۱) دمدم ای اهلک وأطبق علیهم العذاب.

(۲) دمر ای اهلک.

(۳) ستونهای کفر.

(۴) وأبر ای اهلک. (المنجد)

(۵) امتحی یعنی محو شده بود.

(۶) یعنی تازه.

(۷) کجی نداشته باشد.

(۸) آتش کفر.

(۹) تربیت کردی او را پیش چشمت.

(۱۰) پاک کردی او را از عیبها.

(۱۱) ای الداهية والبلاء.

(۱۲) ای ذنبا. (المجمع)

لك فريضة، ولم يغيّر لك شريعة، وأنّه الهادى المهدي الطاهر التقى النقى الرضى الزكى .

اللهم اعطه فى نفسه واهله وولده وذريته وأُمَّته وجميع رعيته ما تقرّ به عينه، وتسرّ به نفسه، وتجمع له ملك المملكات كلّها، قريبا وبعيدا وعزيزها وذليلها، حتى يجرى حكمه على كل حكم، ويغلب بحقه كل باطل .

اللهم اسلك بنا على يديه منهاج الهدى، والمحجّة العظمى<sup>(١)</sup>، والطريقة الوسطى التى يرجع اليها القالى<sup>(٢)</sup> ويلحق بها التالى<sup>(٣)</sup> وقوّننا على طاعته، وثبّتنا على مشايعته، وامن علينا بمتابعته، واجعلنا فى حزبه القوّامين بأمره، الصابرين معه، الطالبين رضاك بمناصحتهم، حتى تحشرنا يوم القيامة فى انصاره وأعوانه ومقوية سلطانه .

اللهم واجعل ذلك لنا خالصا من كل شك وشبهة، ورياء وسمعة، حتى لا نعتمد به غيرك، ولا نطلب به الا وجهك، وحتى تحلنا محله، وتجعلنا فى الجنة معه، واعذنا من السامة<sup>(٤)</sup> والكسل والفترة، واجعلنا ممن تنتصر به لدينك، وتعزّ به نصر وليك، ولا تستبدل بنا غيرنا، فان استبدالك بنا غيرنا عليك يسير، وهو علينا عسير .

اللهم صلّ على ولاة عهده، والائمة من بعده، وبلّغهم آمالهم، وزد فى آجالهم، واعزّ نصرهم، وتمّم لهم ما اسندت اليهم من امرك لهم، وثبّت دعائهم واجعلنا لهم اعوانا، وعلى دينك انصارا، فانهم معادن كلماتك، واركسان توحيدك ودعائم دينك وولاية امرك وخالصتك بين عبادك وصفوتك من خلقك، واوليائك وسلائل

(١) المحجّة جادة الطريق . (المجمع)

(٢) القالى اى المتكبر . (المجمع)

(٣) يعنى عقب افتاده .

(٤) ملول شدن .

اولیائک، و صفوة اولاد رسلك والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته .  
 (۱۲) و در بحار ج ۹۵ ص ۳۳۷ از مهج الدعوات از جابر بن یزید جعفی روایت کند که امام باقر علیه السلام فرمود هر کس دعا کند به این دعاء در تمام عمرش یک مرتبه نوشته شود در زمره بندگان و بالا رود در دیوان قائم علیه السلام پس چون قائم ما قیام کند ندا شود به اسم خود و پدرش پس این کتاب را به او بدهند و گفته شود این عهدنامه ایست که در دنیا با ما عهد بستنی و شاهد این قول خدای عزوجل است که فرمود ﴿إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾ و بخوان این دعا را در حالی که با طهارت باشی .

(اللهم یا اله الالهه یا واحد یا احد، یا آخر الاخرین، یا قاهر القاهرین، یا علی یا عظیم، انت العلی الاعلی، علوت فوق کل علو، هذا یا سیدی عهدی وانت منجز وعدی فصل یا مولای وعدی، وانجز وعدی، آمنت بك، واسألك بحجابك العربی، وبحجابك العجمی، وبحجابك العبرانی، وبحجابك السریانی، وبحجابك الرومی، وبحجابك الهندی، واثبت معرفتك بالعیایة الاولى فانك انت الله لا ترى وانت بالمنظر الاعلی، واتقرب الیک برسولك المنذر صلی الله علیه وآله، وبعلی امیر المؤمنین صلوات الله علیه الهادی، وبالحسن السید وبالحسنین الشهید سبطی نبیک، وبفاطمة البتول، وبعلی بن الحسنین زین العابدین ذی الثنات<sup>(۱)</sup> ومحمد بن علی الباقر عن علمك، وبعلی بن محمد الصادق الذی صدق بميثاقك وبمیعادك، وبموسی بن جعفر الحصور القائم بعهدك، وبعلی بن موسی الرضا الراضی بحکمك، وبمحمد بن علی الحبر الفاضل المرتضی فی المؤمنین، وبعلی بن محمد الامین المؤمن هادی المسترشدين، وبالحسن بن علی الطاهر الزکی خزانه الوصیین، واتقرب الیک بالامام القائم العدل المنتظر

(۱) ذی الثنات یعنی سینه شتر و سر زانوی آن، پیشانی حضرت سجاد علیه السلام هم از کثرت سجود مثل سر زانوی شتر پینه بسته بود لذا تشبیه به آن شده چنانچه از مجمع استفاده می شود .

المهدى امامنا وابن امامنا صلوات الله عليهم اجمعين يا من جل وعظم و(هو) اهل ذلك فعفى ورحم، يا من قدر فلطف، اشكو اليك ضعفى، وما قصر عنه عملى من توحيدك وكنه معرفتك، واتوجه اليك بالتسمية البيضاء، وبالوحدانية الكبرى التى قصر عنها من ادبر وتولى وآمنت بحجابك الاعظم وبكلماتك التامة العليا، التى خلقت منها دار البلاء، واحللت من احببت جنة المأوى، آمنت بالسابقين والصديقين اصحاب اليمين من المؤمنين (و) الذين خلطوا عملا صالحا وآخر سيئا الا تولينى غيرهم، ولا تفرق بينى وبينهم غدا اذا قدمت الرضا بفصل القضاء آمنت بسرهم وعلانيتهم وخواتيم اعمالهم فانك تختتم عليها اذا شئت، يا من اتحفنى بالاقرار بالوحدانية، وحبانى بمعرفة الربوبية وخلصنى من الشك والعمى، رضيت بك ربا وبالاصفياء حججا وبالمحجوبين انبياء وبالرسل ادلاء وبالمتقين امراء وسامعا لك مطيعا).

### ﴿ دعاء الغريق ﴾

مثل غرق شده دعا کنند و به اجابت نرسد. در امت حديث ۲۷ گذشت.

### ﴿ دعوة نبيكم فى آخر الزمان ﴾

در (ملازم زمين باشيد) خواهد آمد.

### ﴿ دلها ﴾

در مستدرک ج ۴ ص ۵۱۰ از رسول خدا ﷺ روايت کند که فرمود ای خدای من درک نکنم زمانى را یا درک نکنم زمان جماعتى را که متابعت علم نمى کنند و از شخص حلیم حیا نمى کنند دلهاشان دلهاى عجم است و زبانهايشان زبان عرب.

در روضه کافی ذیل حدیث هفت حضرت صادق علیه السلام فرمود یکی از علامات ظهور قساوت دل‌های مردم است.

در روضه کافی ذیل حدیث ۳۹ حضرت صادق علیه السلام و در فقیه ج ۱ ص ۲۴۸ از امام محمد باقر علیه السلام روایت است که فرمودند کورترین کوریها کوری دل است. و در فقیه ج ۴ ص ۲۸۸ از امام صادق علیه السلام روایت کند که بدترین کوریها کوری دل است.

در کافی ج ۲ ص ۱۳۰ از امام ششم روایت کند که دل چون صفا یابد زمین برای او تنگ آید تا برسد به مرتبه اعلا.

در کافی ج ۲ ص ۴۲۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که برای دل در شب و روز ساعتی باشد که نه کفر داشته باشد و نه ایمان مثل لباس کهنه.

در کافی ج ۲ ص ۲۶۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که برای دل دو گوش می‌باشد وقتی بنده‌ای اراده گناه کند روح ایمان می‌گوید نکن و شیطان می‌گوید بکن.

در کافی ج ۲ ص ۴۲۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود چه بسا مردی که خطیب و بلیغ است بطوریکه یک کلمه خطا ندارد ولی دلش مثل شب تاریک است و بعکس شخصی حرف عادی نمی‌تواند بزند و مقصودش را با زبان قدرت ندارد بیان کند ولی دلش نورانی است مثل چراغ می‌درخشد.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۰ دارد که فتنه‌ای بشود که دل مؤمن بمیرد چنانچه بدنش می‌میرد.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۹ فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه دلها با هم دشمن باشند و گفتارها مختلف باشد الخ.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۶۱۳ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود دل‌های مردم تلختر از صبر (چادروا) باشد و زبانهایشان از عسل شیرین تر باشد و باطنشان گندیده‌تر



از مردار باشد.

این امر طولانی شد بر ما بطوریکه دلهای ما بتنگ آمد الخ. در فرج حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿دمرو﴾

در کافی ج ۱ ص ۳۳۶ و ص ۳۳۸ از امام صادق علیه السلام روایت کند باید مردم امتحان شوند و مثل کشتی در امواج دریا دمرو شوند.

### ﴿دمشق﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۰۶ امام باقر علیه السلام در ذیل حدیثی دارد که یکی از علامات خسف و فرو رفتن قریه‌ای از دمشق است که آن را حرستا نامند.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۶ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که روز شورش و فتنه بزرگ خیمه‌های مسلمین در زمینی است که آن را (غوطه) نامند و در آنجا شهریست که آن را دمشق گویند بهترین منزلهای مسلمانان است.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۰ فرمود پناهگاه مسلمانان در روز جنگ و شورش دمشق است. و از شر دجال بیت المقدس است. و از شر یاجوج و ماجوج طور است (یعنی طور سینا)

و بنشینند ابن آكلة الاکباد روی منبر دمشق الخ. در بنی عباس حدیث ۱۷ گذشت. دیوار مسجد دمشق خراب می‌شود. در ملازم حدیث ۵ خواهد آمد.

سالم نماند مگر دمشق و نواحی آن الخ. در شام حدیث ۱۱ خواهد آمد.

صوتی از طرف دمشق آید الخ. در صوت حدیث ۸ و ۹ خواهد آمد.

صیحه‌ای در دمشق شود که اعراب حجاز الخ. در صیحه حدیث ۲ خواهد

آمد.

در غیبت نعمانی ص ۲۷۹ امام باقر علیه السلام فرمود متوقع صدائی باشید که ناگهان از طرف دمشق به شما می‌رسد در آن است برای شما گشایش بزرگی .  
یکی از علامات خروج سفیانی ساقط شدن دیوار غربی مسجد دمشق است . در سفیان حدیث ۵۸ خواهد آمد .

### ﴿ دندان ﴾

اگر زیر دندان کسی چیزی غصبی باشد . دارالمهدی حدیث ۱۲۶ خواهد آمد .

### ﴿ دنیا ﴾

در جامع الاخبار ص ۱۸۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود طلب نکنید از دنیا چهار چیز را بدرستیکه تو آن را نخواهی یافت و حال آنکه به آنها احتیاج داری ، یکی عالمی با عمل که به علمش عمل کند آن وقت بی عالم خواهی ماند ، دیگری عمل بدون ریا آن وقت بی عمل خواهی ماند ، سوم طعام و خوراکی بدون شبهه آن وقت بی طعام خواهی ماند ، چهارم رفیق بی عیب آن وقت بی رفیق خواهی ماند . (خلاصه آنکه اگر بخواهی این چهار چیز را بدون عیب پیدا کنی نمی‌توانی) .

در ملاحم ص ۱۰۴ از ابن عباس روایت کند که دنیا یک جمعه از جمعه‌های آخرت است که هفت هزار سال است ، شش هزار و صد سال گذشته و صد سال بیاید که موحد و خداپرست نباشد .

از کعب الاحبار روایت کند که دنیا شش هزار سال است .

در حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که دنیا هفت هزار سال است و من در آخر آنم .

و در ص ۱۶۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که اگر از دنیا نماند مگر یک روز آن را خدا طولانی کند تا فرزندی از اهل بیت من حکومت کند و مالک شود قسطنطنیه را.

در ص ۱۷۸ از ابن عباس روایت کند که اگر باقی نماند از دنیا مگر یک شب یا یک روز هرآینه مهدی خروج خواهد کرد.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود دنیا شیرین و رنگش سبز است خدا شما را در دنیا جای داده که ببیند چگونه عمل می‌کنید پس پرهیزید از دنیا و زنها، آگاه باشید که بنی آدم بر طبقات مختلف خلق شده‌اند بعضی مؤمن متولد می‌شوند و مؤمن زندگی می‌کنند و مؤمن از دنیا می‌روند، و بعضی کافر متولد می‌شوند و کافر زندگی می‌کنند و کافر از دنیا می‌روند، و بعضی مؤمن متولد می‌شوند و مؤمن زندگی می‌کنند و کافر از دنیا می‌روند، و بعضی کافر متولد می‌شوند و کافر زندگی می‌کنند و مؤمن از دنیا می‌روند الخ.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود قسم به خدائی که مرا بحق فرستاد مگذرد این دنیا تا اینکه واقع شود بر مردم خسف (فرو رفتن به زمین) و مسخ (به شکل سگ و بوزینه و خوک شدن) و سنگباران شدن، گفته شد چه وقت اینها خواهد شد؟ فرمود وقتی دیدی زنها بر زین سوار شوند، و زنه‌های آوازه خوان زیاد گردد، و به ظلم شهادت بدهند، و مسلمانها در ظروف اهل شرک طلا و نقره چیزی بیاشامند، و مردها به مردها اکتفا کنند، و زنها به زنها، در آن وقت مثل اینکه از جیفه گندیده فرار می‌کنید و دماغ خود را می‌گیرید صورت خود را بپوشانید و رد شوید.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه دنیای شما را شرار و بدان شما به ارث ببرند.

دنیا نرود تا وقتی که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من الخ. در عرب خواهد آمد.

### ﴿ دو ﴾

بدن هر دو تر و تازه باشد الخ. در علامات ظهور حدیث ۱۷ و در قائم حدیث ۱۰۹ و در مدینه حدیث ۱۵ و ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده پرچم ﴾

در غیبت حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده امام عادل ﴾

در آن دوازده امام عادل نماز بخواند الخ. در کوفه حدیث ۱۱ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده خلیفه ﴾

در دین حدیث ۸ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده میل ﴾

برکت از دوازده میلی آن است الخ. در کوفه حدیث ۶ و ۹ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده نفر از بنی هاشم ادعای امامت کنند ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۹ از کشف الغمه روایت کند که یکی از علامات خروج کردن دوازده نفر از آل ابيطالب است که همه ادعای امامت کنند. در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۶ و ۷۳۱ و غیبت طوسی ص ۲۶۷ و ارشاد مفید ص ۳۵۸ از امام صادق علیه السلام روایت کند که خروج نکند قائم مگر بعد از اینکه

دوازده نفر از بنی هاشم خروج کنند و همه دعوت به خود کنند (یعنی ادعای امامت داشته باشند)، و در قائم حدیث ۶۸ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده نفر قیام کنند و همه بگویند ما او را دیدیم ﴾

در قائم حدیث ۵۴ خواهد آمد.

### ﴿ دوازده هزار زره ﴾

دوازده هزار زره، دوازده هزار شمشیر، دوازده هزار کلاه خود الخ. در قائم حدیث ۱۲۷ خواهد آمد.

### ﴿ دو ثلث ﴾

در ثلث گذشت.

### ﴿ دو چرخه و موتور ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۶ و کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۰۱ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زود است که بوده باشد در آخر این امت مردمانیکه سوار بر دو چرخه و موتور شوند<sup>(۱)</sup> و به درب مسجدهای خود وارد شوند، زینهاشان پوشیده و برهنه‌اند (یعنی در حالیکه پوشیده‌اند مثل برهنه‌اند لباسهای بدن نما دارند) و روی سرهاشان مثل کوهان شترهای بختی لاغر است (یک نوع شتر خراسانی است) لعن کنید ایشان را که لعن کرده شده‌اند و اگر جلوی شما امتی باشند از اُمم (یعنی کفار) هر آینه خدمتگذار ایشان باشند چنانچه خدمتگذار شما بودند زینهای کفار قبل از این.

(۱) در لفظ حدیث این طور دارد (یرکبون علی المیاثر از ماده (وثر) و میاثر را در ذیل همین حدیث تفسیر کرده به زینهای بزرگ که ما تطبیق به دو چرخه و موتور کرده‌ایم شما هم مختارید در فهم خود.

### ﴿ دود ﴾

یکی از علامات دود است الخ. در ساعت ظهور بعنوان (ان الساعة لا تقوم الخ) (ان من اشراط الساعة دخانا الخ) و در علامات ظهور حدیث ۹ خواهد آمد. آتشی بدون دود حاجیان را فراگیرد الخ. در شهر رمضان حدیث ۱۱ خواهد آمد.

دودی چهل روز بین مشرق و مغرب را پر کند الخ. در ساعت ظهور بعنوان (ان من اشراط الساعة دخانا الخ) خواهد آمد.

در نوائب الدهور ج ۱ ص ۲۱۱ از مختصر تذکره قرطبی روایت کند که رسول خدا ﷺ فرمود بدرستی که از شرطهای قیامت ظاهر شدن دودی است که پر کند میانه مشرق و مغرب را و تا چهل روز در زمین درنگ کند پس به مؤمن می‌رسد از آن عارضه‌ای مانند زکام و اما کافر بمنزله آدم مست میافتد و بیرون آید آن دود از بینی و سوراخهای بینی و دو چشم و دو گوش و سوراخ مقعد او.

### ﴿ دو علامت ﴾

دو علامت در شهر رمضان خواهد شد یکی گرفتن خورشید در نیمه ماه دیگری گرفتن ماه در آخر ماه. در خورشید و ماه گذشت. دو علامت قبل از قیام قائم عجله خواهد بود که از زمان هبوط آدم نشده بود الخ. در قائم حدیث ۶۹ خواهد آمد.

### ﴿ دو کتاب ﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۰۸ از امام صادق عجله در ذیل حدیثی دارد که حضرت خروج نکند مگر وقتی که دو کتاب خوانده شود یکی در بصره و دیگری در

کوفه در برائت از علی علیه السلام . در قائم حدیث ۶۴ خواهد آمد .

### ﴿ دولت ﴾

(۱) در غیبت نعمانی ص ۳۱۹ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود آیا ندانسته‌ای برای حق دولتی است و برای باطل دولت ، هر کدام در حکومت دیگری دلیل اند هر کس در دولت باطل خوشی دیده در دولت حق از او قصاص خواهند کرد .

(۲) و در ص ۱۹۵ در ذیل حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت کند که برای اهل حق دولتی است وقتی برسد خدا می دهد به آنکه می خواهد از ما اهل بیت .  
(۳) در روضه کافی حدیث ۱۵۷ امام باقر علیه السلام فرمود هر وقت خدا بخواهد دولتی را سرنگون کند امر می فرماید فلک را که بسرعت بگردد آن مقداریکه می خواهد .

(۴) در روضه کافی ص ۲۵۸ در ذیل حدیث ۳۷۲ دارد که برای شیطان هم دولتی است .

(۵) در کافی ج ۲ ص ۳۷۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که خداوند دین را دو دولت قرار داده دولت آدم و دولت ابلیس هر وقت بخواهد علنا عبادت کرده شود آن وقت دولت آدم است و هر وقت بخواهد در خفا عبادت کرده شود آن وقت دولت ابلیس است و اگر کسی فاش کن آن را که خدا خواسته مخفی باشد از دین خارج است .

(۶) و در روضه کافی ص ۲۸۷ ذیل حدیث ۴۳۲ امام باقر علیه السلام فرمود چون قائم قیام کند دولت باطل خواهد رفت .

(۷) و در روضه کافی ص ۳۴۱ حدیث ۵۳۸ دارد که حضرت باقر در مسجد الحرام بودند که اسم دولت بنی امیه پیش آمد بعض اصحاب عرض

کردند امیدواریم بدست شما دولت ایشان سرنگون گردد حضرت فرمود من طرف مقابل ایشان نیستم و دوست هم نمی دارم که باشم بلکه طرف مقابل ایشان اولاد زنا هستند (یعنی بنی العباس چون بنی العباس بودند که دولت بنی امیه را از هم پاشیدند) الحدیث .

(۸) و در کافی ج ۲ ص ۴۴۷ نقل کند که شخصی نزد حضرت صادق علیه السلام شکایت از فرزندان و برادرانش کرد حضرت فرمود ای مرد بدرستی که برای حق دولتی است و برای باطل دولتی و هر یک از ایشان در دولت دیگر ذلیل اند، و کمتر چیزی که در دولت باطل به مؤمن می رسد عقوق فرزندان و جفای برادرانش می باشد، و هر مؤمنی در دولت باطل خوشی داشته باشد قبل از مرگش مبتلا خواهد شد یا در بدنش و یا در فرزندش و یا در مالش تا خدا خالص گرداند او را از آنچه در دولت باطل کسب نموده و زیاد گرداند نصیب او را در دولت حق پس صبر کن و بشارت باد تو را.

(۹) و در روضه کافی حدیث ۲۵۶ در ضمن حدیثی حضرت باقر علیه السلام به ابی الدوانیق (منصور) فرمود بلی ای ابا جعفر دولت شما قبل از دولت ما است و سلطنت شما قبل از سلطنت ما است سلطنت شما سخت است راحتی ندارد و برای آن مدت طویلی است والله مالک نشوند بنی امیه یک روز مگر شما دو روز مالک شوید و مالک نشوند یک سال مگر آنکه شما دو مقابل ایشان مالک گردید و پادشاهی را بچه های شما چه رسد به مردهای شما مثل گو (توپ بازی) از دست یکدیگر بربایند آیا فهمیدی؟ الخ .

(۱۰) و در کافی ج ۵ ص ۳۳ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود روش علی علیه السلام در اهل بصره برای شیعیانش بهتر بود از آنچه خورشید بر آن می تابد چون می دانست برای ایشان دولتی خواهد بود اگر آن روز از اهل بصره اسیر می گرفت ایشان هم از شیعیانش اسیر می گرفتند. راوی می گوید آیا حضرت



حجت هم به سیره و روش علی رفتار می کند فرمود نه علی علیه السلام رفتار کرد با ایشان به منت چون می دانست ایشان را دولتی است و حضرت قائم علیه السلام بخلاف سیره و روش او رفتار خواهد کرد چون می داند دولتی برای ایشان دیگر نخواهد بود.

(۱۱) و در کافی ج ۲ ص ۲۶۱ امام صادق علیه السلام فرمود برای شیعیان خالص ما در دولت باطل غیر از قوت چیزی نیست می خواهند مشرق بروند یا مغرب روزی ایشان نشود جز قوت.

(۱۲) و در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۴ و ص ۱۸۵ در ذیل خطبة البیان فرمود و ظاهر شود دولت بچه ها و دولت اشرار.

(۱۳) در غیبت طوسی ص ۲۸۲ دارد که حضرت باقر علیه السلام فرمود دولت ما آخر دولتها است و نماند اهل بیته که برای ایشان دولتی باشد مگر آنکه قبل از ما به دولت می رسند، تا نگویند وقتی روش ما را دیدند اگر ما هم به پادشاهی می رسیدیم مثل روش ایشان سیر می کردیم لذا خداوند فرموده ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (یعنی چون دولت ما در آخر دولتها است خدا فرمود: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ).

(۱۴) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۷ و غیبت طوسی ص ۲۷۸ عمار یاسر گفت بدرستی که دولت پیغمبر شما در آخر الزمان است، و برای آن علامات است پس چون دیدید ملازم زمین شوید و باز دارید خود را تا نشانه هایش بیاید، پس وقتی که هیجان کردند بر شما روم و ترک، و مجهز شدند لشکرها، و بمیرد خلیفه شما که جمع اموال می نمود، و طلب خلافت کند بعد از او مرد صحیح، پس خلع شود بعد از سالهائی از بیعتش، و بیاید هلاک ملک و سلطنت ایشان از همان طرفی که شروع و ابتدا شده بود (بنی العباس از طرف خراسان به خلافت رسیدند و از همان طرف از بین رفتند) و مخالفت کنند روم و ترک، و جنگها

روی زمین زیاد شود، و ندا کند نداکننده‌ای از حصار دمشق: وای بر اهل زمین از شرّی که نزدیک شده، و در غربی مسجدش زمین فرو رود و دیوارش بیفتد، و سه نفر ظاهر شوند در شام و همه طلب سلطنت کنند، یک نفر ایشان ابقع یعنی ابلق باشد، و یک نفر اصهب یعنی سرخ رو باشد، و یک نفر از اهل بیت ابی سفیان باشد با طائفه کلب<sup>(۱)</sup> خروج کند (که دائی زاده‌ها سفیانی هستند) و مردم در دمشق حاضر شوند، و اهل غرب خروج کنند بسوی مصر، پس چون داخل شوند همان علامت حکومت سفیانی است، و قبل از آن خروج کند کسی که مردم را برای آل محمد ﷺ دعوت می‌کند، و ترک وارد حیره (نزدیک کوفه) شوند، و روم در فلسطین نزول کنند و عبدالله سبقت بگیرد تا در قرقیسا دو لشکر با هم ملاقات کنند بر نهری، و کشتار بزرگی باشد، و صاحب مغرب سیر کند پس مردان را بکشد و زنان را اسیر سازد، پس بسوی قیس (قبیله‌ای است) برگردد تا در جزیره فرود آید که سفیانی هست، و پیشی گیرد یمانی را، و حیازت کند سفیانی آنچه را ایشان جمع کرده بودند، سپس بسوی کوفه رود و یاران آل محمد ﷺ را بکشد، و بکشد مردی را که همانم آل محمد است، پس بیرون می‌آید و خروج می‌کند مهدی ﷺ و پرچمدارش شعیب بن صالح است، و چون ببینند اهل شام که مردم با پسر ابی سفیان اجتماع کرده‌اند پس ملحق به مکه شوند و در آن وقت نفس زکیه و برادرش در مکه بیگناه کشته شوند، پس منادی از آسمان ندا کند ای مردم امیر شما فلان است، و او مهدی است که زمین را پر از عدل و داد کند همانطوریکه پر از ظلم و جور شده بود.

(۱۵) در ارشاد مفید ص ۳۶۵ در ذیل حدیث علی بن عقبه از پدرش دارد که

(۱) بعضی کُلب به معنای قحطی یا کَلَب به معنای غضب آلود گرفته‌اند و نزد حقیر همان کَلَب درست

است شما در فهم خود مختارید.

در سفیانی اخباری ذکر شده رجوع کن تا روشن شود حق.

فرمود دولت ما آخر دولتها است، و باقی نماند اهل بیتی که برای ایشان دولتی باشد جز آنکه قبل از ما به دولت می‌رسند تا نگویند وقتی روش ما را دیدند اگر ما هم حکومت می‌کردیم مثل ایشان رفتار می‌کردیم و این است فرمایش خدا که فرموده ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ عاقبت مال پرهیزکاران است.

(۱۶) در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۲۵ دارد که پرسیده شده از امام صادق علیه السلام از ظهور آن حضرت؟ فرمود زمانیکه حکومت کنند در دولت خصیان و کسانیکه مردی ندارند و زنها، و بگیرند فرمانروائی را جوانان و کودکان، و مسجد کوفه خراب شود از آبادانی، و بهم بستگی پیدا کردند همسایگان، پس آن وقت است وقت زایل شدن حکومت پسر عمویم عباس و ظهور قائم ما اهل بیت، چون قائم ما قیام کند دولت باطل از بین می‌رود. در قائم حدیث ۴۸ خواهد آمد.

(۱۷) در غیبت نعمانی ص ۲۰۰ در ذیل روایت ابی بصیر از امام باقر علیه السلام فرمود بدرستی که برای ما دولتی است هر وقت خداوند بخواهد می‌آورد آن را.

### ﴿ دونفر ﴾

بدنهای هر دونفر تر و تازه باشد الخ. در علامات ظهور حدیث ۱۷ و در قائم حدیث ۹۹ و در مدینه حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ ده خصلت ﴾

یا علی ده خصلت پیش از قیام است الخ. در علامات ظهور حدیث ۲۱ خواهد آمد.

### ﴿ ده علامت ﴾

در ساعت ظهور حدیث ۹ و علامات ظهور حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ ده نشینی ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۷۵ و ج ۱۵ ص ۴۰۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرموده ده محوطه‌ای است از جهنم که نه در آن حدی جاری می‌شود و نه جمعه و نه جماعتی برپا می‌شود بچه‌هایشان سخت و پلید هستند جوانهایشان شیاطین هستند پیرانشان جاهل می‌باشند، مؤمن نزد ایشان گندیده‌تر است از مردار.

### ﴿ ده هزار ﴾

کامل شدن حلقه چیست؟ فرمود ده هزار که جبرئیل از طرف راست الخ. در قائم حدیث ۶۳ خواهد آمد.  
هر وقت ده هزار مرد با او جمع شدند خروج کند. در قائم ح ۳۸ خواهد آمد.

### ﴿ ده یک ﴾

هر کس عمل کند به ده یک آنچه را می‌داند نجات یابد. در زمان حدیث ۲۵ و ۲۶ خواهد آمد.

### ﴿ دیدی ﴾

هر وقت دیدی - در فرج خواهد آمد.

### ﴿ دیلم ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود وقتی بلائی واقع شود بین همدان و حلوان<sup>(۱)</sup> تا نهر وان و زایل می‌شود ملک دیلم و عربی که زبانش

(۱) همدان از یمن و حلوان از عراق است.

عجمی است مالکش می شود و خوبان آن زمان را می کشد و این اول شاهد است الخ.

حسنی جوانیست خوش رو از طرف دیلم می آید الخ. در حسنی گذشت مراجعه کن.

در زمین دیلم که آن را قزوین می گویند. در قزوین حدیث ۶ و ۱۰ خواهد آمد.

### ﴿ دیوار مسجد کوفه ﴾

در ارشاد مفید ص ۳۶۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که چون دیوار مسجد کوفه از طرف خانه عبدالله بن مسعود خراب شد آن وقت است که پادشاهی بنی العباس از بین خواهد رفت و آن وقت است که خروج قائم علیه السلام خواهد بود.

### ﴿ دیوانه ﴾

دیوانه شده ریا می کند. در قائم حدیث ۶ خواهد آمد.

### ﴿ دیوانگی ﴾

و دیوانگی زیاد شود. در زمان حدیث ۵۵ خواهد آمد.

### ﴿ دین ﴾

(۱) در غیبت نعمانی ص ۱۶۹ از امام صادق علیه السلام روایت کند که برای صاحب این امر (حضرت حجت) غیبتی است (یعنی از نظرها پنهان شود) کسی که بخواهد در آن زمان دین خود را حفظ کند مثل کسیکه بخواهد شاخه خاردار را از پائین به بالا دست بکشد (یعنی بسیار مشکل است دینداری) الخبر.

(۲) و در کافی ج ۱ ص ۳۳۵ از امام صادق علیه السلام ایضا روایت کند مثل این حدیث را پس فرمود کدام یک از شما شاخه خار دار را در دستش نگاه می‌دارد پس کمی سر مبارک را به زیر انداخته پس فرمود برای صاحب این امر غیبتی خواهد بود پس باید بنده از خدا پرهیزد و دین خود را محکم نگاه دارد.

(۳) و در غیبت نعمانی ص ۳۱۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود وقتی قائم علیه السلام خروج کند خارج شود از این دین کسیکه خود را از اهل دین می‌دانست و داخل در زمره بت پرستان شود (که خورشید و ماه را خدای خود می‌دانستند).  
(۴) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۹ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که همیشه دین (اسمش) برپا است و برای آن مسلمانها جنگ کنند تا ساعت (ظهور).

(۵) و در ص ۴۹۶ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که مردم از دین فوج فوج خارج شوند چنانچه در اول فوج فوج داخل می‌شدند.

(۶) و در ملاحم ص ۱۷۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که مردم داخل دین خدا می‌شوند فوج فوج و زود است که خارج شوند فوج فوج.  
(۷) و در ملاحم ص ۱۶۲ روایت کرده که برای هر دینی آفتی است و آفت این دین بنی امیه‌اند.

(۸) در ص ۱۷۸ از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که این دین همیشه عزیز و قوی است کسی نتواند آن را ببرد تا دوازده خلیفه که همه از قریش باشند.

(۹) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۷ در ذیل حدیثی نقل کند که مرد از خانه‌اش بیرون شود با دین و برگردد بی دین الخبر.

(۱۰) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۴ از ابن مسعود روایت کند که اول چیزی که از دین شما گم می‌شود امانت است و آخر چیزی که باقی می‌ماند نماز است الخبر.

(۱۱) و در ص ۵۰۷ از ابن مسعود روایت کند که دین خدا یکی است و دوری کنید از تلّون و رنگ به رنگ شدن در دین خدا، و بر شما باد به تقوای خدا و صبر کنید تا راحت شود نیکوکاری و یا راحت کرده شود از فاجری.

(۱۲) در مستدرک ج ۴ ص ۵۱۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که گریه نکنید برای دین وقتی که اهلش متولی آن باشند بلکه گریه کنید برای آن وقتی که غیر اهل متولی آن گردد.

(۱۳) و در ص ۵۲۲ احنف بن قیس گوید دیدم از مردی مردم فرار می‌کنند گفتم کیستی که از تو فرار می‌کنند فرمود من ابوذر من اصحابه رسول خدا ﷺ گفتم چرا فرار می‌کنند فرمود نهی می‌کنم ایشان را از گنجها همانطوریکه رسول خدا ﷺ نهی می‌فرمود گفتم (به این مضمون) امروز پول زیاد است آیا می‌ترسی برای ما از چیزی فرمود امروز نه ولی امید می‌رود که پول دینتان باشد هر وقت دیدید که پول دینتان شد و اگذارید و دوری کنید از آن (و متأسفانه امروزه مردم دین را زیر پا گذاشته برای پول و الا چرا مردم بچه‌های خود را به بلاد کفر می‌فرستند یعنی احتمال می‌دهی برای یاد گرفتن مسائل شرعی باشد حاشا و کلا بلکه می‌فرستد که دکتر یا مهندس یا دزد برگردد که پول بیشتری بجیب بزنند امید است که انشاء الله مسلمانها از خواب غفلت بیدار شده و به دین خدا رو آور شوند که شاید پاره از بلاها کم شود ولی هیئات (الناس نیام اذا ماتوا فانتبهوا) مردم خواب هستند وقتی مردند از خواب بیدار می‌شوند).

(۱۴) و در ص ۵۲۲ ایضا از رسول خدا ﷺ روایت کند که در هر صد سالی خدا می‌فرستد کسی را که دین را تازه کند.

(۱۵) در کافی ج ۲ ص ۳۰۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که آفت دین حسد و عجب و فخر نمودن است.

(۱۶) و در کافی ج ۲ ص ۲۱۸ از امام صادق علیه السلام روایت کند که پرهیزد بر

- دین خود و پنهان کنید بواسطه تقیه و الا ایمان ندارد کسی که تقیه نکند.
- (۱۷) و در کافی ج ۲ ص ۲۲۴ از امام صادق علیه السلام روایت کند که تقیه نمودن از دین منست و دین پدران من، و دین نیست کسی را که تقیه نکند.
- (۱۸) و در کافی ج ۵ ص ۱۰۵ و تهذیب ج ۶ ص ۳۳۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که پرهیزید از خدا و نگاه دارید دین خود را بواسطه ورع و پرهیزگاری، الخبر.
- (۱۹) و در روضه کافی ص ۲۴۸ ذیل حدیث ۲۳۷ از امام صادق علیه السلام روایت کند که محکم کنید امر دین خود را چنانچه اهل دنیا محکم می کنند امر دنیایشان را. الخبر.
- (۲۰) در کافی ج ۲ ص ۲۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که حضرت در جواب سائل که گفت خبر بده به دینی که خدا واجب کرده برای بندگانش فرمود شهادت به اینکه نیست خدائی جز خدا و محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خدا است و پیاداشتن نماز و دادن زکاة و رفتن به حج برای توانا و روزه ماه رمضان، پس کمی ساکت شد پس از آن دو مرتبه فرمود ولایت (یعنی دوست و فرمان بردار از ائمه علیهم السلام) الخبر.
- (۲۱) در کافی ج ۵ ص ۱۹ و تهذیب ج ۶ ص ۱۳۴ از امام ششم روایت کند که خداوند این دین را یاری می کند بواسطه جماعتی که هیچ نصیبی نداشته باشند.
- (۲۲) در کافی ج ۲ ص ۸۶ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود این دین متین است پس با رفیق و مدارا داخل شوید و اگر اه ن کنید بندگان خدا را به عبادت خدا پس بوده باشد مثل شما مثل کسی که در راه باز مانده باشد و به مقصد نرسیده باشد نه مسافتی را قطع کرده باشد و نه کمری و پستی داشته باشد.
- (۲۳) و در کافی ج ۲ ص ۴۰۵ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود دین واسع است ولکن خوارج از روی جهلشان بر خود تنگ گرفتند الخبر.



(۲۴) و در فقیه ج ۳ ص ۳۷۰ از امام هشتم روایت کند که فرمود اگر مردی دین را کاملاً بشناسد جایز نیست با جهال سکونت کند.

(۲۵) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۱ و مکارم الاخلاق ص ۵۲۷ دارد که بیاید بر مردم زمانیکه صبر کننده در آن بر دین مثل کسی باشد که آتش در دست داشته باشد.

(۲۶) در کنز ص ۲۳۰ دارد که (در آخر زمان) گروهی دین خود را به مال دنیا بفروشند.

در حدیث دیگر دارد اخلاق و دینشان را بفروشند به مال دنیا.

(۲۷) در اربعین شیخ بهائی فرمود سالم نماند برای صاحب دینی مگر کسی که فرار کند از سر کوهی به سر کوهی و از سوراخی به سوراخی مثل روباه و بچه‌هایش الخبر. تمام حدیث در (زمان) حدیث (۶۵) خواهد آمد.

(۲۸) در وسائل ج ۱۸ ص ۹۵ از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما السلام روایت کند که فرمودند هرکس دینش را از دهن مردمان بگیرد همان‌ها زائلش کنند، و هرکس دینش را از کتاب خدا و سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله گرفت کوهها جابجا می‌شوند و او جابجا نمی‌شود.

(۲۹) در اکمال الدین ص ۳۱۵ امام چهارم فرمود دین خدا به عقلهای ناقص و رای‌های باطل و قیاسهای فاسد درک نشود و درک نشود مگر به تسلیم پس هرکس تسلیم ما شد سالم می‌ماند و هرکس اقتداء به ما کرد هدایت یابد، و هرکس به قیاس و رای عمل کند هلاک می‌شود، و هرکس در پیش خود از آنچه ما گفته‌ایم و حکم نموده‌ایم اعتراضی داشته باشد او کافر شده به آن کسی که سبع مثانی و قرآن عظیم را نازل فرموده و حال آنکه نداند.

(۳۰) هرکس بخواهد دینش را نگاه دارد مثل کسی است که آتش درخت غضا را در دست داشته باشد الخ. در برادران حدیث ۵ گذشت رجوع کن.

### ﴿ ذریه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۴۸ روایت کند که رسول خدا ﷺ به عباس فرمود وای بر ذریه من از بچه‌های تو، و وای به بچه‌های تو از بچه‌های من. پس عرض کرد یا رسول الله دوری کنم از زنها یا خودم را اخته کنم (که نسلم قطع شود) حضرت فرمود علم خدا گذشته و کارها بدست اوست الخیر.

در ص ۲۴۸ ایضا دارد که حضرت رسول ﷺ به عباس فرمود ای عموی پیغمبر آیا خبر بدهم به آنچه جبرئیل به من خبر داد؟ عرض کرد بلی یا رسول الله حضرت فرمود جبرئیل به من گفت وای بر ذریه تو از اولاد عباس. عباس عرض کرد یا رسول الله آیا دوری کنم از زنها (که اولاددار نشوم) حضرت فرمود خداوند فارغ است از آنچه که باید بشود (یعنی در علم خدا گذشته).

ذریه کشندگان امام حسین علیه السلام را بکشد. در قائم حدیث ۱۳۰ خواهد آمد.

### ﴿ ذعلبه ﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۶۷ دارد که حضرت صادق علیه السلام فرمود همین طوریکه مردم در عرفات وقوف کرده‌اند ناگاه بباید ایشان را شخصی که سوار بر شتر (ذعلبه) است (یعنی شتر ماده تیزرو) و خبر دهد ایشان را به مردن خلیفه که در مردن او فرج آل محمد و مردم است.

و در ص ۲۶۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که ابن کواء از ایشان سؤال کرد از غضب حضرت فرمود هیئات دور است غضب دور، مرگهائی است بین ایشان مرگهائی (وراکب الذعلبة وما راکب الذعلبة) مختلط شد جوفش با چیزی که زیر شکمش مثل کمر بند بسته‌اند (کنایه باشد از شدت سیر) پس مردم

(۱) ذِغْلِبِه. در منتهی الارب گوید یعنی شتر ماده تیزرو.

را خبردار می‌کند به خبری (مرگ خلیفه) مردم هم او را می‌کشند پس غضب آن وقت است.

### ﴿ ذلیل ﴾

دین و اهل آن در قم ذلیلند. در قم حدیث ۶ خواهد آمد.

### ﴿ ذوالحجه ﴾

در ملاحم ص ۱۴۰ و ص ۱۵۹ و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۹ دارد که در ذی الحجه حجاج را غارت کنند.

در ص ۴۲ و ۱۴۳ دارد که خونها ریخته شود در ذی الحجه.

و در کنز ص ۲۷۴ دارد که آتشی بی دود در ذی الحجه حاجیان را فراگیرد (چندی قبل در منی آتش سوزی شد).

### ﴿ ذوالسویقتین ﴾<sup>(۱)</sup>

در حبشه ذکر شد.

### ﴿ ذوطوی ﴾

اشاره به طرف ذی طوی نمود الخ. در غیبت حدیث ۱۷ خواهد آمد.

### ﴿ ذوالقعه ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که در ذی القعه قبائل بکش مکش بیفتند و بی وفائی کنند پس حجاج غارت شوند پس

(۱) لقب مرد سیاهی است که کعبه را خراب می‌کند.

شورشى در منى برپا شود كه كشتار زياد باشد كه خونها جارى گردد و حتى به گردنه جمره هم برسد، و حتى صاحبشان فرار كند و بپايد بين ركن و مقام پس بيعت كند از روى كراهت و گفته شود اگر ابا كنى گردنت را مى زنيم بيعت كند با او مثل عدد بدر راضى شود از ايشان ساكنين آسمان و زمين.

و در ملاحم ص ۱۴۰ و كنز ص ۲۷۴ دارد كه در ذى القعدة قبائل با هم بجنگند. و در ص ۴۲ و ص ۱۴۳ دارد از رسول خدا ﷺ كه در ذى القعدة تباهى افتد بين قبائل.

و در كنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۹ فرمود در ذى القعدة قبائل بكش مكش بيفتند و در آن سال حجاج غارت كرده شونند. پس شورشى در منى برپا شود پس صاحبشان فرار كند و در بين ركن و مقام با كراهت بيعت شود و عدد ايشان مثل عدد اهل بدر باشد، ساكنين آسمان و زمين از او راضى باشند.

### ﴿ راضى ﴾

راضى نشوند از شما مگر وقتيكه الخ. در سلطان حديث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ رافضه مى گویند ﴾

در شيعه حديث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ راه ﴾

مادر و خواهر و دختر خود را در وسط راه نكاح كند. در دابة الارض حديث ۲ گذشت.

اى گروه اسب سواران از وسط راه برويد الخ. در قائم حديث ۵ خواهد آمد. هر مسجدى كه در راه واقع شده خراب خواهد كرد. در قائم حديث ۸۴ خواهد آمد.

### ﴿ راهب ﴾

راهب نزد مهدی علیه السلام بیاید و از مسائل زیادی سؤال می‌کند. در ارمنیه حدیث ۳ گذشت.

### ﴿ رأی و قیاس ﴾

در ملاحم ص ۱۵۸ از عمر بن الخطاب روایت کند که گفت ای مردم دوری کنید از اصحاب رأی بدرستیکه اصحاب رأی دشمن سنت‌اند سنت ایشان را خسته کرده نمی‌توانند حفظ کنند و وقتی از ایشان سؤال می‌کنند حیاء می‌کنند که بگویند نمی‌دانیم پس پرهیزید از ایشان.

در کنز العمال ج ۱ ص ۳۷۳ عمر بن الخطاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود خداوند نازل کرد کتاب را و فرض فرمود فرائضی را پس ناقصش نکنید و حدودی را معین فرمود پس تغییرش ندهید و حرام گردانید محارمی را پس نزدیکش نروید و از اشیائی ساکت شده نه از روی فراموشی بلکه رحمت است برای شما پس قبولش کنید بدرستیکه اصحاب رأی دشمن سنتند تکبر کردند نگاهداریش کنند و خسته شدند از اینکه حفظش نمایند و حیاء کردند بگویند نمی‌دانیم پس با رأی خود با سنت پیغمبر معارضه کردند پس دور شوید از ایشان الخبر.

در کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۶۸ از عمر نقل کند که گفت اصحاب رأی دشمن سنت هستند احادیث ایشان را خسته کرده که حفظ کنند و از حفظش خود را رها کرده‌اند، و حیا می‌کنند وقتی از ایشان سؤال می‌کنند بگویند نمی‌دانیم پس با سنت به رأی خود معارضه می‌کنند.

در حدیث دیگر گفت دوری کنید از اصحاب رأی که ایشان دشمن سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله هستند، احادیث ایشان را خسته کرده که حفظش نمایند پس به

رأی خود سخن می‌گویند پس گمراه می‌شوند و هم گمراه می‌کنند.  
در کنز العمال ج ۱۰ ص ۲۹۸ عمر گفت بترسید از رأی در دین بجهت آنکه  
رأی رسول خدا مصیب بود چون خدا حق را به او نشان می‌داد، ولی از ما تکلف  
و ظن است و ظن و گمان هم جای حق را نمی‌گیرد.

در کافی ج ۱ ص ۵۶ از امام هفتم روایت کند که یونس عرض کرد به چه  
وسیله خدا را به یگانگی پیرستم؟ فرمود ای یونس بدعت گزار مباش کسی که  
به رأی خود نظر کند و عمل نماید هلاک شود، و هر کس رها کند خانواده  
پیغمبرش را گمراه شود، و هر کس قرآن و گفتار پیغمبرش را ترک کند کافر  
گردد.

و در ص ۵۶ دارد که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند که برای ما  
مسائلی پیش آمد می‌کند که حکمش را از کتاب خدا نمی‌فهمیم و سنت و  
حدیثی هم نداریم پس ما نظر و رأی بدهیم یا خیر، فرمود نه زیرا که اگر درست  
رفته باشی ثواب و اجر نداری و اگر خطا کرده باشی به خدا دروغ بسته‌ای.

و در ص ۵۷ امام صادق از پدرانیش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند حضرت  
امیر به مسعده فرمود هر کس خود را بر کرسی قیاس نشانده همیشه روزگار در  
اشتباه است و کسی که به رأی خود خداپرستی کند همیشه عمر در باطل فرو رفته.  
و امام باقر فرمود هر کس فتوائی دهد مردم را به رأی خود ندانسته  
خداپرستی کرده و کسی که ندانسته خداپرستی کند مخالفت خدا نموده چون  
حرام و حلال کرده در چیزیکه علم نداشته.

و در ص ۵۸ دارد که مردی از امام صادق علیه السلام مسأله‌ای پرسید حضرت هم  
جوابش دادند پس آن مرد گفت به رأی شما اگر چنین و چنان باشد جوابش  
چیست فرمود خاموش باش هر جوابی که من به تو می‌دهم از قول رسول خدا  
است، ما از خود رأی نداریم. یا امیرالمؤمنین رأی شما چیست؟ در کتاب

حدیث ۶ خواهد آمد.

### ﴿ رئیس ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۷ دارد که یکی از علامات ساعت (ظهور) آن است که پابرهنه‌ها و لختی‌ها رئیس مردم باشند. هر رئیسی از ایشان خروج کند از بین برود. در اُمت حدیث ۲۹ گذشت.

### ﴿ رباء ﴾

هر وقت این امت حلال دانستند خمر را به نبیذ و ربا را به بیع و شراء. در اُمت حدیث ۶ و ۱۵ گذشت.

### ﴿ ربیع ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۹ و ملاحم ص ۱۵۹ دارد که قبائل در شهر ربیع نزاع کنند.

### ﴿ رجب ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۸۱ در ذیل حدیثی حضرت رضا علیه السلام فرمود سه ندا در رجب است اولش (الا لعنة الله على الظالمين) دوم (ازفت الآزفة یا معشر المؤمنین) سوم دستی یا بدنی آشکارا با چشمه خورشید ببینند که ندا می‌کند (الا ان الله قد بعث فلانا علی هلاک الظالمین) پس در آن وقت فرج مؤمنین خواهد آمد که شفا بخش سینه ایشان است و برنده خشم دلهاشان می‌باشد.

در ملاحم ص ۱۵۹ دارد العجب کل العجب بین جمادی و رجب.

در بحار ج ۵۲ ص ۱۸۲ از حضرت رضا علیه السلام روایت کند که حضرت باقر فرمود چهار حادثه قبل از قیام قائم علیه السلام خواهد بود که دلالت بر خروجش کند بعضی آنها گذشته و یکی باقی مانده، گفتم فدایت شویم چه گذشته از آنها؟

فرمود یک رجب گذشته که صاحب خراسان در آن خلع شد. و رجب دیگر که حمله بر ابن زبیده (امین پسر هارون الرشید) شد. و رجب دیگر که محمد بن ابراهیم در کوفه خروج کرد. پس گفتیم رجب چهارم متصل به اوست فرمود اینطور فرموده است ابو جعفر (که حضرت باقر باشد).

در غیبت نعمانی ص ۳۰۰ در چند حدیث وارد شده که خروج سفیانی در رجب است.

در کنز العمال فرمود عجب تمام عجب بعد از جمادی و رجب است در (العجب کل العجب خواهد آمد)

هر وقت ماه در شب چهاردهم رجب گرفت الخ. در علامات ظهور حدیث ۲۲ خواهد آمد.

### ﴿ رَجْفَه ﴾<sup>(۱)</sup>

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۸ نقل می کند که (فرمود) می بوده باشد در امت من رجفه ای (لرزه) که هلاک شود در آن ده هزار، بیست هزار، سی هزار، خدای تعالی آن را موعظه برای متقین قرار داده و رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافرین.

و در غیبت نعمانی ص ۳۰۵ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود رجفه ای بوده باشد در شام که هلاک شود در آن بیش از صد هزار، خدا آن را برای مؤمنین رحمت قرار می دهد و برای کافرین عذاب.

### ﴿ رَحْبَةُ كُوفَةٍ ﴾

شهریست در سه فرسخی کوفه

در سفیانی حدیث ۱۶ و قائم حدیث ۱۲۷ خواهد آمد.

(۱) رجفه یعنی لرزه. در زلزله خواهد آمد.



## ﴿ رحم ﴾

در صاحب الامر حدیث ۱۲ خواهد آمد که خدا رحم به دلش اندازد.

## ﴿ رستاق ﴾

در ده گذشت.

## ﴿ رستقباد ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۹۱ و ص ۶۰۸ در وصف دجال گوید که خارج می شود وقتی که خروج می کند از شهریکه آن را اصبهان گویند از قریه از قراء آن که آن را رستقباد گویند وقتی خارج می شود هفتاد هزار عمامه بسر در مقدمه لشکر او هستند الخ.

## ﴿ رشوه خواری ﴾

در اُمت حدیث ۶ گذشت.

﴿ رضوی ﴾<sup>(۱)</sup>

در بحار ج ۵۲ ص ۱۵۳ عبدالاعلی گوید با حضرت صادق علیه السلام خارج شدم چون به روحاء رسیدیم نگاه به کوه آنجا کرد ... پس به من فرمود می بینی این کوه را؟ این کوه را رضوی می گویند از کوههای فارس بود ما را دوست می داشت پس خداوند منتقلش کرد بسوی ما آگاه باش در آن هر میوه خوش طعمی هست، و خوب جای امان است برای خائف و ترسناک (یعنی امام زمان)

(۱) رضوی کوهیست بین مکه و مدینه نزدیک یتبع. (المراصد)

آگاه باش برای صاحب این امر در این کوه دو غیبت است یکی کوتاه و دیگری طولانی.

### ﴿ رعب ﴾

در ترس گذشت.

### ﴿ رعیت ﴾

و عدالت کند در رعیت الخ. در قائم حدیث ۱۲۰ خواهد آمد.

### ﴿ رفتار حضرت ﴾

در سیره خواهد آمد.

### ﴿ رقاصه ﴾

و گرفتن زنان رقاصه - در اُمت حدیث ۱۵ گذشت.

### ﴿ رکود خورشید ﴾

در کشف الغمه ج ۲ ص ۴۵۷ روایت کند که یکی از علامات رکود یعنی ایستادن خورشید است از زوال روز تا وسط عصر و طلوع آن است از مغرب. و در ص ۴۶ ابو بصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که مراد از (آیه) که در قرآن فرموده ﴿ **إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ خَاضِعِينَ** ﴾ چیست؟ فرمود رکود خورشید است مابین زوال شمس تا وقت عصر الخ.

در ارشاد مفید ص ۳۵۹ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۲ ح ۸۲ از ابی بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود قول خدای تعالی که فرمود ﴿ **إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ خَاضِعِينَ** ﴾ فرمود زود است که این را انجام دهد خدا برای ایشان، عرض کردم ایشان کیانند؟ فرمود بنو امیه و شیعیان شان عرض

کردم آیه چه باشد؟ فرمود رکود و ایستادن خورشید از اول ظهر تا وقت عصر و خروج سینهٔ مردی و صورتش در چشمه خورشید معرفی می‌کند حسب و نسب خود را و این در زمان سفیانی است که هلاک خودش و گروهش آن وقت خواهد بود.

### ﴿رمضان﴾

در شهر رمضان خواهد آمد.

### ﴿رمله﴾<sup>(۱)</sup>

در غیبت نعمانی ص ۲۸۰ ذیل حدیثی از امام باقر علیه السلام روایت کند که زود است کسی که از دین خارج شده و رومی است وارد بر رمله شود، پس در آن سال اختلاف شدیدی در مغرب زمین باشد، الخبر.

### ﴿رنگ﴾

در شمائل خواهد آمد.

به هر رنگی خواسته باشد به همان رنگ گردد.

### ﴿رود نیل﴾

در مصر گذشت.

### ﴿روز قیام حضرت﴾

در قائم حدیث ۳۹ خواهد آمد که روز جمعه است.

و در حدیث ۵۲ خواهد آمد که روز شنبه است.

(۱) در معجم البلدان گوید (رمله) شهر بزرگیست در فلسطین.

### ﴿ روزنامه‌ها ﴾

در شیخ فضل الله خواهد آمد.

### ﴿ روستا ﴾

در ده ذکر شد.

### ﴿ روش حضرت ﴾

در سیره خواهد آمد.

امت من بگیرند روش کفار را. در ساعت ظهور حدیث ۳۲ خواهد آمد.

### ﴿ روم ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم ص ۶۷ از کعب روایت کند که حضرت مهدی علیه السلام لشکری برای قتال با روم بفرستد و ده نفر هم بفرستد که تابوت سکینه را از غار انطاکیه خارج کنند که در آن است تورات و انجیلی که برای موسی و عیسی نازل شده آن وقت برای اهل تورات از توراتشان و برای اهل انجیل از انجیلشان حکم فرماید.

و در ص ۱۵۰ در ذیل حدیث سفیانی دارد که پادشاه روم خروج کند با صد هزار صلیب<sup>(۲)</sup> که در زیر هر صلیبی ده هزار لشکر باشد پس طرسوسا<sup>(۳)</sup> را با سر نیزه فتح کند، و اموال و مردم را بغارت برد، خداوند جبرئیل را بفرستد

(۱) روم: در معجم البلدان و منتهی الارب گوید گروهیست از اولاد روم بن عیصو (ابن اسحاق بن ابراهیم خلیل علیه السلام).

(۲) صلیب در المنجد گوید یعنی علم (و پرچم).

(۳) طرسوس شهریست در حدود شام بین انطاکیه و حلب. م

بسوی مصیصه<sup>(۱)</sup> و منازلش و هرچه در آن موجود است، پس از جا برکند و بین زمین و آسمان (نگاه دارد) پادشاه روم با لشکرش بیایند زیر مصیصه و بگویند که آن شهریکه روم و نصرانیها از آن ترسان بودند پس صدای خروسها و سگها و اسبان را از بالای سرشان بشنوند (دیگر ندارد که آن لشکر چه خواهد شد) در غیبت نعمانی ص ۲۸۰ دارد که زود است خوارج از دین از روم به رمله وارد شوند.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۱ دارد که رسول خدا ﷺ من جمله از اخبار آینده را بیان می فرماید که خلاصه اش آن است که شما با روم صلح خواهید کرد و بعد از صلح جنگ خواهید کرد.

و در ص ۴۲۸ دارد که از مصیبات دنیا روم است.

و در ملاحم ص ۸۰ دارد که خلیفه بنی هاشم چهل سال حکومت کند و صلح روم هفت سال مانده بخلافتش بدست او باشد پس ایشان غدر کنند و در عمق بر علیه او جمع شوند پس بغم بمیرد الخ.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۷ دارد که برپا شود ساعت (ظهور) و حال آنکه روم بیشتر مردم باشند.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۷ در ذیل خطبة البیان فرمود پس مهدی با کسانی که با او هستند از مؤمنین بعد از کشتن سفیانی می روند و در شهری از شهرهای روم فرود می آیند پس می گویند لا اله الا الله محمد رسول الله ﷺ پس دیوارهای آن می افتد.

### ﴿ رومیه ﴾

در ملاحم ص ۸۰ دارد که حضرت به رومیه می رود پس آنجا را فتح کند و

(۱) مصیصه شهر است در کنار جیحان در حدود شام نزدیک طرسوس است. م

گنجهایش را در آورد، الخبر.

و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۸ دارد که از حضرت رسول ﷺ سؤال شد کدام یک از دو شهر زودتر فتح می شود؟ قسطنطنیه یا رومیه؟ حضرت فرمود شهر هرقل که قسطنطنیه است.

در البرهان ص ۱۵۴ از حذیفه از رسول خدا روایت کند که چهار تکبیر بگویند پس دیوارهای رومیه سقوط کند، و رومیه را رومیه گویند، چون مثل انار است از کثرت مردم پس ششصد هزار نفر را بکشند، و زیورهای بیت المقدس را خارج می کنند و تابوتی که در آن سکینه است، و مائده بنی اسرائیل، و پاره های لوح های موسی، و عصای موسی، و مهر سلیمان، و دو قفیز از من (ترنجبین) که خدا برای بنی اسرائیل نازل کرده بود؛ از شیر سفیدتر، پس همه را برداشته برگردانند به بیت المقدس الخ.

پس بروند بطرف رومیه و قسطنطنیه الخ. در قسطنطنیه خواهد آمد.

### ﴿ رویبضه ﴾<sup>(۱)</sup>

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۶۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر مردم سالهائی که سخت باشد و گیاه نروید و مردم ذلیل باشند آن وقت دروغگو تصدیق شود و راستگو تکذیب گردد و خائن و خیانت کار امین گردد و امین خائن شود، و رویبضه در ایشان نطق کند. سؤال شد رویبضه کدام است یا رسول الله؟ فرمود مردم فرومایه و معیوب در امور عامه مردم سخن گوید.

و در ص ۵۱۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زود است بر مردم سالهائی بیاید که دروغگو تصدیق شود، و راستگو تکذیب گردد (یعنی هرکس دروغ بگوید می گویند راست است و هرکس راست بگوید می گویند دروغ است

(۱) رویبضه در خود حدیث معنا شده مرد فرومایه و سفیه و بی خرد و عاجز و فاسق و پست ترین مردم.

﴿وَأِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا﴾، و امین خیانت کند و خائن امین گردد، و رویبضه سخن گویند، گفته شد یا رسول الله رویبضه چیست؟ فرمود شخص سفیه و بی خرد در امور عامه مردم سخن گوید.

و در غیبت نعمانی ص ۲۷۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود پیش از آمدن قائم علیه السلام سالهائی است فریبنده در آن سالها تکذیب می شود راستگو و تصدیق می شود دروغگو، و مقرب می شود سخن چین و جاسوس و در حدیثی نطق می کند در آن رویبضه <sup>(۱)</sup> الخبر.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۶ و ص ۲۲۹ سؤال شد رویبضه چیست؟ فرمود مرد فرومایه و بی مزه سخن در امور عامه مردم می گوید.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۹ دارد که رویبضه در آخر زمان تکلم کند و سخن گوید گفته شد رویبضه چیست؟ فرمود فاسق در امور عامه مردم سخن گوید. در کنز ص ۲۳۱ دارد که قبل از خروج دجال رویبضه تکلم کند یعنی پست ترین مردم.

در حدیث دیگر دارد که قبل از دجال رویبضه نطق کند گفته شد یا رسول الله رویبضه چیست؟ فرمود کسی که اعتنائی به او نیست.

## ﴿ری﴾

در زوراء و طهران خواهد آمد.

در ملاحم ص ۵۳ و البرهان ص ۱۵۱ دارد که خارج می شود از ری مردی چهار شانه گندم گون مولای (غلام) بنی تمیم است کوسج است به او شعیب بن صالح گفته می شود، در چهار هزار لشکر که لباس ایشان سفید و پرچمهای

(۱) مدرک قبل.

ایشان سیاه مقدمه است برای آمدن مهدی علیه السلام ملاقات نکند احدی او را مگر آنکه او را بکشد (در برهان) او را فراری دهد.

در علائم ظهور ناظم الاسلام کرمانی ص ۱۴۴ از جلد خلفا ناسخ نقل کند که در شهر ری مردم فتنه انگیز فراوان آیند، و در آخر الزمان دیلمان بر ایشان تاختن کنند، و در آن دروازه که بسوی جبل (کوه) است چنان مردم مقتول (کشته) شوند که شمار ایشان را جز خدای نداند، و در آن دروازه هشت کس از بنی هاشم نماز گذارند که هر یک دعوی دار خلافت باشند، و مرد بزرگی که سمی (هم نام) پیغمبری بود در شهر بدر بندان افتد و او را چهل روز حصار دهند آنگاه مأخوذ دارند و مقتول (کشته) سازند، و در آن ایام کارداری بلاد به سفیان افتد، مردم ری را داهیه (بلاء) بزرگ رسد و بلای قحط و غلا (گرانی) بالا گیرد در میان ایشان.

در بحار ج ۶۰ ص ۲۲۳ از معجم البلدان روایت کند که در تورات نوشته شده ری دریست از درهای زمین و محل تجارت مردم آنجا است، و از اصمعی نقل کند که گفت ری عروس دنیا است و محل تجارت مردم است.

و از امام صادق علیه السلام روایت کند که ری و قزوین و ساوه لعن شده‌اند و شوم هستند.

در غیبت نعمانی ص ۲۹۹ نقل کند که یکی از جاهائی که جنگ می‌کنند با حضرت حجت اهل ری هستند.

در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۶ در ذیل حدیثی دارد که فرمود یکی از علامات خراب شدن زورا است که ری باشد.

## ﴿ ریح ﴾

در باد گذشت.



### ﴿ ریگ باران ﴾

در سجستان خواهد آمد.

### ﴿ زانوبند ﴾

در غنیمت خواهد آمد.

### ﴿ زبان ﴾<sup>(۱)</sup>

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۵ دارد که چون رسول خدا ﷺ یاد آور فتنه شد و سائل سؤال کرد چه کنیم در آن زمان فرمود زبانت را نگاه دار و در خانه بنشین و بگیر آنچه را می شناسی و واگذار آنچه را نمی دانی و منکر می پنداری، و تو خودت را مواظب باش مردم را کاری نداشته باش. (چون مردم به حرف خدا و پیغمبر نمی روند چه رسد به حرف تو)

و در غیبت نعمانی ص ۱۹۷ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود باز دارید زبان خود را و ملازم خانه خود باشید که اگر این کار کنید بلاء خصوصی به شما نرسد بلکه عامه مردم را برسد (و نگوئید اگر ما سکوت کنیم دشمن ما را از پا در آورد) چون همیشه زیدیه سپر شمایند (یعنی چون ایشان جنگ را واجب می دانند و هرکس که قیام به شمشیر کند او را امام می دانند پس همیشه خواهند جنگید شما هم ساکت باشید تا صاحبان تشریف بیاورد آن وقت هرچه دستور فرمود عمل کنید و کاسه از آتش داغتر نباشید).

در کافی ج ۲ ص ۱۱۴ رسول خدا ﷺ فرمود نگاه دار زبان خود را که صدقه ای است (برای دفع بلا) از جان خود.

(۱) در پلاس گذشت و در سکوت خواهد آمد آنچه مناسب مقام است.

و در کافی ج ۲ ص ۱۱۵ از امام چهارم روایت کند که فرمود هر صبح زبان از تمام جوارح انسان سؤال می‌کند که چگونه صبح کردید؟ همه می‌گویند صبح کردیم بخیر و خوبی اگر تو بگذاری.  
زبان ایشان از عسل شیرین تر است. در زمان حدیث ۲۸ خواهد آمد.

### ﴿ زراعت ﴾

در بین زراعت چراکنند و خوشه‌ای را نخورند. در گوسفند خواهد آمد.

### ﴿ زره ﴾

دوازده هزار زره الخ. در قائم حدیث ۱۲۷ خواهد آمد.

### ﴿ زکات ﴾

با زکات تجارت کنند. در اُمت حدیث ۶ گذشت.

### ﴿ زکام ﴾

دودی چهل روز بین مشرق و مغرب را پر کند مؤمنین را شبه زکامی عارض شود الخ. در ساعت ظهور بعنوان (ان من اشراط الساعة دخانا الخ خواهد آمد).

### ﴿ زکریا بن آدم ﴾

در بحار ج ۶ ص ۲۱۷ نقل کند که زکریا بن آدم به امام رضا علیه السلام عرض کرد ای آقای من، من اراده دارم از اهل بیتم بیرون شوم چون سفهاء (و بی خردان) زیاد شده اند حضرت فرمود این کار مکن چون بلا بواسطه تو از اهل قم دفع شود چنانچه دفع می‌شود بلا از اهل بغداد بواسطه موسی بن جعفر علیه السلام.

### ﴿ زلزله ﴾

در ملاحم ص ۴۲ فرمود زلزله‌ای به اهل دمشق برسد در چند روز از ماه رمضان گذشته که مردم بسیاری هلاک شوند، الخبر.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۵ دارد که در مدینه سه زلزله شود بطوریکه هر منافق و کافری از آن خارج شود.

در غیبت نعمانی ص ۳۰۵ دارد که چون زلزله‌ای در شام شود بیش از صد هزار هلاک شود، رحمت است برای مؤمنین و عذابست برای کافرین، در شام حدیث ۵ خواهد آمد.

در ستاره خواهد آمد که در یک شب دو زلزله خواهد شد.

سرخس را چنان زلزله عظیم افتد که مردمش از فزع بمیرند. در سرخس خواهد آمد.

وقتی زنا ظاهر شد زلزله هم ظاهر شود. در زنا خواهد آمد.

چه می‌گذرد بر ایشان از ترس و زلزله. در زنها حدیث ۱ خواهد آمد.

### ﴿ زمان ﴾

(۱) در ملاحم ص ۱۳۲ در ذیل حدیثی حدیفه فرمود وای بر اهل آن زمان که چه می‌گذرد بر ایشان از هوسها و فزعه‌ها و زلزله‌ها و با آواز بلند گریه کردن خصوصا برای کسانی که مال ظاهری دارند از قبیل طلا و نقره و خوش بحال کسی که خودش و عیالش راضی باشند و شناخته نشود که او صاحب طلا و نقره است.

(۲) و در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۱ از عبدالله بن مسعود روایت کند که شما در زمانی هستید که گوینده حق بهتر از ساکت است و قائم به حق بهتر از قاعد است. و بدرستیکه بعد از شما زمانی باشد که سکوت در آن بهتر باشد از سخن

گفتن و نشسته بهتر است از ایستاده الخبر .

(۳) و در ص ۴۳۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که خلاصه اش این است که بیاید زمانیکه مردم در آن غربال شوند غربال شدنی ، و باقی ماند مردمان رذل و پست ، و به عهد و امانت خود عمل نکنند و باهم در اختلاف باشند ، گفته شد به چه چیز امر می فرمائید ما را ؟ فرمود آنچه پیش شما معروفست بگیرید و آنچه منکر است عمل نکنید و قبول کنید آنچه را خاصان شما می گویند و واگذارید آنچه را عامه مردم می گویند .

(۴) و در ص ۴۳۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زود باشد بیاید در آخر این امت مردانیکه سوار بر (میائیر) دوچرخه و موتور شوند و درب مسجدهای خود حاضر شوند زنهایشان پوشیده و برهنه باشند (مثل لباس بدن نما) سر آن زنها مثل کوهان شترهای خراسانی باشد لعنت کنید ایشان را پس بدرستیکه ایشان لعنت کرده شدگانند الخبر .

(۵) و در ص ۴۳۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که خارج شود در این امت در آخر زمان مردمانیکه با ایشان باشد تازیانها مثل دم گاو ایشان صبح کنند در سخط خدا و شب کنند در غضب خدا .

(۶) و در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۸ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر مردم زمانیکه مخیر شود مرد بین عجز و فجور . پس کسیکه آن زمان را درک کرد عجز را بر فجور اختیار کند .

(۷) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زیاد نکند زمان جز شدت را و مردم زیاد نکنند جز بخل را و برپا نشود ساعت جز بر شرار مردم .

(۸) و در ص ۴۴۲ نقل کند که بیاید بر مردم زمانیکه در مساجد جمع شوند ولی یک مؤمن در بین ایشان نباشد .

(۹) و در ص ۴۵۴ از ابن مسعود روایت کند که گفت بیاید بر مردم زمانیکه مرد برود سر قبر و بخوابد و بگوید ای کاش من بجای صاحب این قبر بودم، و این کار نه برای این است که دوست داشته باشد ملاقات خدا را بلکه بواسطه شدت بلا است (از شدت بلاهای زمانه آرزوی مرگ می کند)

(۱۰) و در ص ۴۵۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که زود است بیاید بر امت من زمانیکه قرآء و خوانندگان زیاد باشند و فقها کم، و علم گرفته شود و هرج زیاد باشد. گفته شد هرج چیست یا رسول الله؟ فرمود کشتار بین خودتان، پس از آن بیاید زمانیکه گروهی قرآن بخوانند ولی فقط زبانی باشد پس از آن بیاید زمانیکه اشخاص منافق و کافر و مشرک با مؤمن مجادله کنند به آنچه مؤمن می گوید (مثل اینکه معاویه علیه اللعنه برای امیرالمؤمنین علیه السلام می نوشت ﴿لَسِنُ أَشْرَكْتَ لِيَحْبِطَنَّ عَمَلُكَ﴾).

(۱۱) ایضا در ص ۴۵۷ دارد که عبدالله بن عمر گفت بیاید بر مردم زمانی که نماند مؤمنی مگر آنکه ملحق به شام شود.

(۱۲) و در ص ۴۶۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که نازل می شود بر امت من در آخرالزمان بلاء سخت از پادشاهانشان که هرگز نشنیده شده باشد بلایی سخت تر از ظلم و جور بطوریکه مؤمن هیچ پناهی نداشته باشد، در آن وقت خداوند مردی را از عترت من بفرستد که زمین را پر از عدل و داد کند، چنانچه پر از ظلم شده بود، راضی باشد از او ساکنین آسمانها و زمین، و ذخیره نکند زمین از بذر خود چیزی را و آسمان حبس نکند باران را بلکه پی در پی باران رحمتش را بفرستد، زندگی کند در ایشان هفت و یا هشت و یا نه سال. زنده ها تمنا کنند زنده شدن مردگان را بواسطه آن خیری که خداوند برای اهل زمین مرحمت فرموده.

(۱۳) و در ص ۴۶۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر مردم سالهائی

که علف نروید و سخت مردم گرفتار باشند، دروغگو را تصدیق کنند و راستگو را تکذیب نمایند تا آخر خبر که در رویبضه ذکر شد.

(۱۴) و در ص ۴۸۲ از عبدالله بن مسعود روایت کند که شما در زمانی هستید که علماء زیاد و خطبا کم هستند و عطا کننده زیاد است، نماز در آن کوتاه است و خطبه اش طولانی است پس خطبه را کوتاه و نماز را طولانی کنید. پس بدرستی که بعض بیانها سحر است کسی که آخرت بخواهد ضرر بدنیا می‌رساند و کسی که دنیا بخواهد ضرر به آخرت می‌رساند. پس ای گروه من ضرر بزنید به چیزی که فانی می‌شود برای چیزی که باقی می‌ماند.

(۱۵) و در ص ۴۸۶ از ابن مسعود روایت کند که بیاید بر مردم زمانی که غبطه خورند بر حال مردی که سبکبار باشد چنانچه امروز آرزوی مرد مالدار و بچه دار را می‌خورید. الخبر.

(۱۶) و در ص ۵۱۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود خدایا درک نکند مرا زمانی یا درک نکنم زمان گروهی را که متابعت علم نمی‌کنند و از شخص حلیم حیا نمی‌نمایند دلهاشان دل عجمها است و زبانشان زبان عربها.

(۱۷) و در ص ۵۱۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر مردم زمانی که آسمان بیارد باران را ولی زمین گیاه نروید.

(۱۸) و در غیبت نعمانی ص ۱۵۹ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که بیاید بر مردم زمانی که برسد به ایشان از ترس سکوتی و سستی که علم خود را جمع کند مثل مار در سوراخ خود، همین طور باشند تا ناگاه ستاره ایشان طلوع کند راوی گفت در اینمابین ما چه کنیم؟ فرمود بوده باشید بر آنچه بودید تا خدا ستاره شما را برساند. (یعنی حضرت حجت علیه السلام را)

(۱۹) و در ص ۲۰۶ از حسین (حسن) بن علی علیه السلام روایت کند که فرمود (و بعض فتنه‌ها را) بیان کرد راوی عرض کرد خیری در آن زمان نیست حضرت

فرمود همه خیرها در آن زمان است قائم ما قیام کند و تمام آن اختلافات را برطرف سازد.

(۲۰) و در ص ۲۴۸ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود بیاید شما را بعد از صد و پنجاه سال پادشاهان کافر، و امینهای خائن، و عرفاء فاسق تجارت زیاد شود، ربح و سودها کم شود، ریا فاش گردد، و اولاد زنا زیاد باشد، و زنا زیاد گردد و معارف منکر شود، و ماه شب اول بزرگ باشد، و زنها به زنها اکتفا کنند و مردها به مردها، عرض شد ما در آن زمان چه کنیم؟ فرمود فرار کنید فرار کنید و همیشه عدل خدائی بر این امت شامل است مادامیکه قرآء و خوانندهایشان میل به پادشاهانشان نکنند، و نیکوکارانشان نهی از منکر از فاجرشان بکنند، و اگر این کارها را ترک کنند پس از آن طلب نفرت کنند پس بگویند (لا اله الا الله) خداوند در عرشش بگوید دروغ گفتید و راست نمی گوئید.

(۲۱) و در فتن بخاری ج ۲۴ ص ۱۸۳ روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود صدقه بدهید پس زود است بیاید بر مردم زمانیکه صدقه را دور بگردانند و کسی را پیدا نکنند که آن را قبول کند.

(۲۲) و در فتن بخاری ج ۲۴ ص ۱۵۲ روایت کند که نیاید زمانی جز آنکه بعدش می آید شرتر از آن.

(۲۳) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۴ روایت کند که فرمود شما در زمانی هستید که هرکس ترک کند ده یک آنچه را امر به آن شده هلاک شود، پس از آن بیاید زمانیکه هرکس عمل کند ده یک آنچه را امر به آن شده نجات یابد.

(۲۴) و ایضا در ص ۲۵۴ روایت کند که شما صبح کردید در زمانیکه زیاد است فقهاء شما و کم است خطباء شما، کم است سؤال کنندگان شما، زیاد است عطاء کنندگان شما، عمل در آن بهتر است از علم و زود است بیاید بر شما زمانی که کم باشند فقهاء شما، زیاد باشند خطباء شما، زیاد باشد سؤال کنندگان شما،

- کم باشند عطا کنندگان شما، علم در آن زمان بهتر است از عمل.
- (۲۵) و در ص ۲۵۵ فرمود شما در زمانی هستید که علماء شما زیادند و خطباء شما کم کسی که ترک کند ده یک آنچه را می داند هلاک شود، و زود است بیاید بر مردم زمانیکه کم باشد علماء ایشان و زیاد باشد خطباء ایشان کسی که دست زند به ده یک آنچه می داند نجات یابد.
- (۲۶) در حدیث دیگر دارد که شما امروز در زمانی هستید که هرکس ترک کند ده یک آنچه را امر به آن شده هلاک می شود و زود است بیاید زمانی که هرکس (عمل) کند از ایشان به ده یک آنچه مأمور بوده نجات یابد.
- (۲۷) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۳ دارد که بیاید بر مردم زمانیکه یک ساعت بایستند و امامی را نیابند که با او نماز خوانند.
- (۲۸) و در ص ۲۱۴ دارد که بیاید در آخر زمان مردانیکه صید کنند دنیا را بواسطه دین بپوشند برای مردم لباس جلد گوسفند، زبان ایشان از عسل شیرینتر و قلبشان قلب گرگ است خداوند می فرماید آیا به من گول می زنید یا به من جرأت پیدا می کنید بخودم قسم که فتنه و بلائی به ایشان برسانم که شخص حلیم در آن حیران بماند (کزماننا هذا)
- (۲۹) و در ص ۲۱۷ دارد که فرمود زود است بیاید بر امت من زمانی که خوانندگان قرآن زیاد باشند و فقها کم باشند، علم گرفته شود هرج زیاد باشد (یعنی کشتار) بعد از آن بیاید زمانیکه مردانی از امت من قرآن بخوانند ولی از حنجرشان تجاوز نکند بعد از آن بیاید زمانیکه مشرک به خدا نزاع و جدال کند با مؤمن در مثل آنچه مؤمن می گوید چنانچه در حدیث ۱۰ نظیرش گذشت.
- (۳۰) در ص ۲۲۱ دارد که هرآینه بیاید بر مردم زمانیکه تکذیب شود راستگو و تصدیق شود دروغگو، و امین را خائن و خائن را امین دانند. و مرد شهادت بدهد بدون اینکه از او طلب شهادت کنند، و سوگند یاد کند بدون اینکه



از او سوگند خواهند و سعادت‌مندترین مردم در دنیا (نزد آنها) لیم پسر لئیم است که ایمان به خدا و رسولش ندارد.

(۳۱) و در ص ۲۲۱ ایضا دارد که بیاید بر مردم زمانیکه صبرکننده در آن بر دین مثل کسی باشد که آتش در دست داشته باشد.

(۳۲) و در ص ۲۲۲ دارد که بوده باشد در آخرالزمان عبادت‌کننده جاهل و قرآن خوان فاسق.

(۳۳) و در ص ۲۲۲ دارد که بیاید بر مردم زمانیکه مرد دور بزند که صدقه از طلا بدهد و کسی پیدا نشود که بگیرد الخ.

(۳۴) و در ص ۲۲۶ دارد که هر وقت نزدیک شد زمان (ظهور) پوشیدن ردهای بلند زیاد شود و تجارت زیاد گردد و مال زیاد باشد، و تعظیم کنند صاحب مال را برای مالش، و زنا زیاد گردد، و بچه‌ها حکومت کنند، و زنها زیاد باشند، و سلطان ستم کند، و کم فروشی رواج گیرد، پس مرد توله سگ را تربیت کند بهتر از بچه است، و بزرگان توقیر نشوند، و بچه‌های کوچک رحم کرده نشوند، و اولاد زنا زیاد باشد حتی مرد در وسط راه با زنی جماع کند، پوست گوسفند بر دل‌های گرگ‌ها بپوشند.

(۳۵) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۷ دارد که وقتی ظاهر شد در شما مثل آنچه ظاهر بود در بنی اسرائیل (آن وقت منتظر فرج باشید) وقتی بوده باشد زنا در بزرگان شما و پادشاهی در صغیران شما و علم در پستهای شما.

(۳۶) و در ص ۲۲۷ دارد که گفته شد یا رسول الله چه زمانی ما امر به معروف و نهی از منکر را واگذاریم فرمود وقتی ظاهر شد سستی در خوبان شما و زنا در شرار شما و پادشاهی محوّل به بچه‌های شما شد، و فقه در پست‌ها و بی‌اصل‌های شما.

(۳۷) و در ص ۲۲۷ دارد که چون ساعت (ظهور) نزدیک شود زمان هم

نزدیک می شود پس یک سال مثل یک ماه می شود و یک ماه مثل یک جمعه ، و جمعه مثل سوختن سعف خرما در آتش .

و در ص ۲۲۸ جمعه مثل یک روز و روز مثل یک ساعت است و ساعت مثل سوختن سعف خرما است .

(۳۸) و در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۳ دارد که بیاید بر مردم زمانیکه آسمان باران بیارد ولی زمین گیاه نروید .

(۳۹) و در ص ۲۵۱ فرمود بیاید بر مردم زمانیکه مباحات و فخر کنند به مسجدها پس آباد نکنند آن را مگر کمی .

(۴۰) و در ص ۲۵۵ فرمود بوده باشد در آخر الزمان عادت خوانندگی پس هر کس آن زمان را درک کرد پناه ببرد بخدا از شیطان رجیم ، و ایشانند گنبدیدگان پس از آن ظاهر شود کلاههای پرزدار (مثل کلاه فرنگی) پس حیاء نکنند از ربا خواری و در آن روز هر کس متمسک به دینش باشد مثل کسی است که آتش در دست داشته باشد و اجرش مثل اجر پنجاه نفر است گفتند از ما یا از ایشان فرمود بلکه از ایشان .

(۴۱) و در ص ۲۵۶ فرمود هرگز زیاد نکند زمان مگر سختی را ، و زیاد نکنند مردم مگر بخل را و برپا نشود ساعت مگر بر شرار مردم .

(۴۲) و در کنز ج ۱۴ ص ۲۷۵ و در مستدرک حاکم ص ۴۶۵ فرمود نازل شود به امت من در آخر الزمان بلاء سختی از سلطان شان که نشنیده شده باشد مثل آن بطوریکه زمین با وسعتش بر ایشان تنگ آید و تا اینکه پر از ظلم و جور شده باشد و تا اینکه مؤمن پناهی نداشته باشد که به آن پناهنده شود از دست ظلم ، آن وقت خداوند بفرستد مردی از عترت من پس پر سازد زمین را از عدل همانطوری که پر از ظلم و جور شده بود ، راضی باشد از او ساکنین آسمان و زمین ، ذخیره نکند زمین از بذر خود چیزی را مگر آنکه خارج کند ، و آسمان از

باران خود مانع نشود و بلکه بریزد آن را و زندگی کند هفت سال یا هشت سال یا نه سال (در امت گذشت با زیادی).

(۴۳) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۶۳ در حدیث جابر دارد که رسول خدا ﷺ فرمود بدانید خدا شما را رحمت کند مثل شما امروز مثل برگیست بی خار تا صد و چهل سال، و بعد از این بیاید برگ و خار تا دویست سال، و بعد از این بیاید خاریکه برگ نداشته باشد تا وقتیکه نبینی در آن مگر پادشاه ستمگر، یا مال دار بخیل، یا عالم دنیا دوست، یا فقیر دروغگو، یا پیرمرد فاجر (زنا کار) یا بیچۀ بی حیاء، یا زن گول خور و بی عقل، پس از آن رسول خدا گریست، پس سلمان بسوی او برخاست و عرض کرد چه وقت اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود ای سلمان وقتی که علماء شما کم گردند و قرّاء شما بروند و زکات را ندهید و منکرات را فاش سازید، و صداهای شما در مسجد بلند شود و دنیا را روی سر گذارید و علم را زیر پا نهدید، و دروغ گفتن حدیث شما باشد، و غیبت کردن میوه شما شود، و حرام غنیمت شما گردد، و بزرگ شما رحم بر کوچک شما نکند، و کوچک شما احترام به بزرگ شما ننماید، پس آن وقت است که لعنت بر شما نازل شود و جنگ را بین خودتان قرار دهد، و باقی بماند دین بین شما صرف لفظ به زبان (یعنی به دین عمل نکنید)

پس وقتی این خصلتها را داده شوید، متوقع باشید باد سرخ را یا مسخ شدن (و به شکل سگ و خوک درآمدن) را و یا سنگباران را، و مصداق این بلاها در کتاب خدا است که فرمود (ای محمد) بگو او قادر است که بفرستد بر شما عذابی را از بالای سر شما و از زیر پای شما یا شما را دسته دسته ساخته و بجان هم انداخته تا بچشید سختی و رنج همدیگر را پس نظر کن که چگونه ما آیات خود را بیان می کنیم شاید ایشان بفهمند.

پس جماعتی از اصحاب روی پا برخاستند و عرض کردند یا رسول الله خبر

ده ما را که چه وقت این امور واقع خواهد شد؟ فرمود وقتی نمازها را از وقت خود بتأخیر اندازید، و متابعت شهوات کنید و شراب بیاشامید، و پدر و مادرها دشنام داده شوند.

تا ببینید حرام را غنیمت شمارید، و زکات دادن را ضرر پندارید، و مرد اطاعت کند زن خود را و ستم کند به همسایه خود، و قطع رحم کند، و دل رحمی بزرگان برود، و کودکان کم حیا شوند، و بناها را بلند سازند، و ظلم کنند غلامان و کنیزان را، و به لهو حاضر شوند، و به ظلم حکم کنند، و مرد سب و دشنام دهد پدرش را، و حسادت کند نسبت به برادرش، و شریکان بهم خیانت کنند، و وفا کم شود، و زنا شایع گردد، و مردان به لباس زنانه زینت کنند، و پرده و چادر حیا از زنها برداشته شود، و سرایت کند تکبر در دلها مثل سرایت کردن زهر در بدنها، و معروف کم شود، و ظلمها ظاهر گردد، گناهان بزرگ را کوچک پندارند، و طلب کنند مدح بواسطه مال، و انفاق کنند مال را برای غنا، و مشغول شوند به دنیا و از آخرت روگردان باشند، و ورع کم شود، و طمع و هرج و مرج زیاد گردد، و صبح کند مؤمن ذلیل و منافق عزیز باشد، مساجدشان به اذان معمور باشد، و دلهاشان از ایمان خالی، و استخفاف کنند به قرآن، و برسد به مؤمن از ایشان هر خواری و ذلت.

پس در آن وقت بینی صورتشان صورت آدمیان است و قلوبشان قلوب شیاطین، کلامشان از عسل شیرین تر و قلبشان از حنظل تلخ تر، پس ایشان گرگانند فقط لباس در بر دارند، روزی نیست مگر آنکه خداوند می فرماید آیا به من مغرورید یا بر من جرأت می کنید، آیا گمان می کنید من شما را عبث و بیهوده خلق کرده ام و شما بسوی من بازگشت ندارید، بعزت و جلالم قسم اگر نبود برای خاطر کسانی که مرا از روی اخلاص عبادت می کنند هرآینه معصیت کار را مهلت نمی دادم به یک چشم هم زدن، و اگر برای خاطر بندگان پرهیزکارم

نبود یک قطره باران از آسمان نازل نمی‌کردم، و یک ورق سبزی نمی‌رویاییدم. پس جای تعجب است که گروهی خداشان اموالشان می‌باشد، و آرزوی طولانی و عمر کوتاه دارند، و طمع مجاورت مولای خود را دارند و حال آنکه به این مقامات نمی‌رسند مگر به عمل کردن و عمل تمام نمی‌شود مگر به عقل. (۴۴) در بحار ج ۶ ص ۳۰۶ از ابن عباس نقل کند که گفت در حجة الوداع با رسول خدا ﷺ حج کردیم پس حضرت درب (حلقه) کعبه را گرفت و بسوی ما توجه نموده فرمود آیا خبر بدهم به شما از اشراط ساعت و آن روز سلمان نزدیکترین مردم بود به آن حضرت عرض کرد بلی یا رسول الله فرمود یکی از شرایط آمدن قیامت ضایع کردن نماز است و متابعت نمودن شهوات، و میل با هوی و هوسها و بزرگ شمردن مال (یا تعظیم صاحب مال) و فروختن دین را به دنیا، پس آن وقت است که قلب مؤمن آب می‌شود چنانچه نمک در آب حل می‌شود بواسطه آنچه از منکرات می‌بیند و قدرت بر تغییر آن را ندارد، سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست.

ای سلمان آن وقت پادشاهان ستمگر باشند، و وزراء فاسق باشند، و عرفاء ظالم باشند، و امناء خائن باشند سلمان عرض کرد اینها خواهند شد یا رسول الله؟ فرمود: بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست ای سلمان آن وقت منکر معروف و معروف منکر باشد، و خائن امین باشد و امین خیانت کند، و دروغگو تصدیق شود و راستگو تکذیب گردد.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، ای سلمان آن وقت زنها حکومت کنند، و با کنیزان مشورت شود، و بچه‌ها بر منبر بالا روند، و دروغ را شوخی پندارند، و دادن زکات را ضرر بدانند، و فیء (که مختص پیغمبر و اولادش صلوات الله علیهم

اجمعین می باشد) آن را غنیمت شمارند، و مرد به پدر و مادرش جفا کند و به رفیقش نیکی نماید و ستاره دنباله دار طلوع کند.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست.

ای سلمان آن وقت زنها با شوهرشان تجارت کنند (بجهت حرصی که به دنیا دارند) آن وقت باران گرم بیارد (لفظ حدیث (المطر قیظا) بعضی ترجمه کرده اند که باران فراوان آید و بعضی فرموده اند باران در تابستان آید) مردم محترم بخشم آیند، و مرد فقیر حقیر باشد، پس آن وقت است که بازارها نزدیک هم باشند یکی گوید نفرو ختم دیگری گوید ربیحی نبردم، همه را مذمت کننده خدا بینی، سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست.

ای سلمان در آن وقت حکومت کند بر ایشان کسانی که اگر سخن گویند بکشند ایشان را و اگر سکوت کنند مستأصل کنند ایشان را، و حقشان را اختصاص به خود بدهند و حرمتشان را پایمال کنند و خونشان را بریزند، و دلهاشان را پر از ترس کنند، نبینی ایشان را مگر ترسناک.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست.

ای سلمان در آن وقت چیزی از مشرق و چیزی از مغرب بیاورند و امت مرا رنگارنگ کنند، پس وای بر ضعیفان امت من از ایشان و وای بر ایشان از خدا، رحم نکنند بر صغیر و احترام نکنند بر کبیر، و عفو نکنند از گناهکار، خبرهاشان فحش است جثه ایشان جثه آدمیان و دلهای ایشان دل شیاطین است.

سلمان گفت اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، آن وقت است که مردها به مردها اکتفا کنند و زنها به زنها و

فریفته پسران شوند چنانچه فریفته دخترها می‌شوند و مردها شبیه به زنها و زنها شبیه به مردها شوند و زنها سوار زین شوند (مثل اسب دوچرخه و موتور) پس بر آن زنان لعنت خدا باد.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، ای سلمان در آن وقت مسجدها را زینت به طلا کنند، چنانچه معبد یهود و نصاری زینت شده، قرآن‌ها را آب طلا کاری کنند، و منارها را طولانی سازند، و صفهای نماز زیاد باشد ولی قلبهایشان بغض و کینه‌دار باشد و زبانهایشان مختلف.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، مردان امت من انگشتر طلا بپوشند و حریر و دیباج را لباس خود گردانند و پوست پلنگ را خرید و فروش کنند یا زیر جامه بپوشند، و یا برای دهل و آلت لهو بخرند.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، ای سلمان در آن وقت ربا علنی شود و معامله بعینه<sup>(۱)</sup> و رشوه شود، و دین را زیر پا گذارند و دنیا را بالای سر.

سلمان گفت اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، در آن زمانست که طلاق زیاد می‌شود و حدی برای خدا جاری نمی‌شود، و بخدا هم ضرری نمی‌رسانند.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، آن وقت است که زنها خواننده و آلت لهو ظاهر می‌شود و حکومت بر ایشان شرار امت من می‌باشند.

(۱) یعنی متاعی را بفروشدند به نسیه به قیمت معین بعد آن را بایع از مشتری به کمتر بخرد و این حيله‌ای برای تحلیل ربا است.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، آن وقت حج می‌کنند اغنیاء برای تفرج و نزهت، و متوسطین برای تجارت و فقراء برای ریاء و سمعه، پس در آن وقت بوده باشند گروهی که قرآن را برای غیر خدا یاد بگیرند و آن را مزامیر و آلت غنا بگیرند، و گروهی برای غیر خدا علم فقه یاد بگیرند و اولاد زنا زیاد باشد و قرآن را به غناء بخوانند و به دنیا مباحات کنند.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، ای سلمان در آن وقت هتک حرمتها بشود و گناهان را کسب کنند، و اشرار مسلط بر اخیار بشوند، و دروغ فاش شود، و لجاجت ظاهر گردد، و در لباس با هم مباحات کنند، و باران در غیر وقتش بیارد، و دهل و آلت لهو را نیکو دانند، و امر به معروف و نهی از منکر را انکار کنند، بطوری بشود که مؤمن در آن زمان ذلیل تر باشد از کنیز، و ظاهر بشود بین قرآء و عبادت کنندگان ملامت، پس ایشان در ملکوت آسمانها ارجاس و انجاس اند (پلید و نجس) سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، آن وقت غنی نترسد مگر از فقر، تا بجائی رسد که سائل از این جمعه تا جمعه دیگر سؤال کند و کسی به او چیزی ندهد.

سلمان عرض کرد اینها خواهد شد یا رسول الله؟ فرمود بلی قسم به کسی که جانم در دست اوست، ای سلمان آن وقت است که رویبضه<sup>(۱)</sup> تکلم کند، گفت رویبضه چیست یا رسول الله؟ فرمود سخن گوید در امور عامه مردم کسی که سخن گو نبوده پس طولی نکشد که زمین مثل گاو صدا کند و همه خیال کنند که صدا نزد ایشان بوده پس مردم مکث کنند آنقدر که خدا خواهد... پس از آن زمین طلا و نقره‌های خود را بیرون افکند مثل این ستونها (یعنی مقدار آن طلا و

(۱) در رویبضه گذشت رجوع شود.



نقره‌ها مثل ستونهای مسجد باشد) ولی آن روز نفعی نداشته باشد و معنای آیه شریفه که فرمود ﴿فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾ اینست.

(۴۵) و در روضه کافی ذیل ح ۵۸۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند ه فرمود زود است بیاید بر شما بعد از من زمانیکه نباشد در آن زمان چیزی مخفی تر از حق و آشکارتر از باطل، و زیاد دروغ بستن به خدا و رسولش، و نباشد نزد اهل آن زمان متاعی بورتتر از کتاب خدا وقتی که بحق تلاوت شود، و نباشد متاعی رواجتر و پراستفاده‌تر از کتاب خدا وقتی که برخلاف حق تفسیر شود، و نباشد در بلاد و نه در عباد (یعنی بندگان خدا) چیزیکه منکرتر باشد از معروف (و کارهای خوب) و معروف تر از منکر (و کارهای زشت) و نباشد در آن زمان فاحشه‌ای که منکر باشد... سرپرستی کارهایشان و دینشان بدست مردمی باشد که کارشان مکر و حيله و رشوه‌خواری و کشتن باشد، گویا خود را پیشوایان قرآن می‌دانند و حال آنکه قرآن پیشوای ایشان است از حق نزد ایشان نباشد جز اسم و شناسند از قرآن مگر خطش را... و از دین پادشاهی به آئین پادشاهی درآید و از تحت سرپرستی پادشاهی به سرپرستی پادشاهی دیگر درآید، و از پیروی زمامداری به پیروی زمامدار دیگری درآید و از تعهدات سلطانی زیر بار تعهدات دیگری برود، و به تدریج از آنجائیکه خود خبر ندارد خدای تعالی آنان را بوسیله آرزو و امید به نابودی کشاند... مساجد ایشان در آن زمان از گمراهی آباد و از هدایت خراب است، قاریان قرآن و آباد کنندگان مساجد در آن زمان نومیدترین خلق خدایند، گمراهی از آنان سرچشمه گیرد و به ایشان باز گردد، و از این رو حضور در مساجد ایشان و رفتن بسوی آنها کفر به خدای بزرگ است، مگر آن کسی که به مساجد آنان برود، و گمراهی ایشان را بداند، در نتیجه رفتار و کرداری که بدان منوال دارند مساجد آنها از هدایت ویران و از گمراهی آباد است، سنت خدا را تبدیل کرده‌اند و از حدودش تجاوز

نموده‌اند، و به هدایت دعوت نمی‌کنند، و غنائم را بین اهلس تقسیم نکنند و به عهد خود وفا نکنند، کشته‌های خود را شهید نامند، و با افتراء و انکار بنزد خدا روند، و بوسیله نادانی از علم بی‌نیازی جویند، تا آخر حدیث که مفصل است ما چند جمله‌اش را بنحو اختصار ذکر کردیم.

(۴۶) در کافی ج ۲ ص ۲۹۶ و بحار ج ۱۸ ص ۱۴۶ از امام ششم از جدش رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود زود است بیاید بر مردم (امت من) زمانیکه بواسطه طمع به دنیا باطنشان بد باشد و ظاهرش خوب، نخواهند آنچه را که نزد خدا است، دینشان ریائی باشد ترسی نداشته باشند، خداوند هم عقابش را شامل حال ایشان کند بطوریکه او را بخوانند مانند شخص غریق و به اجابت نرسد.

(۴۷) در روضه کافی حدیث (۴۷۹) و بحار ج ۵۲ ص ۱۹۰ از امام صادق از جدش رسول خدا ﷺ روایت کند که زود است بیاید بر مردم زمانیکه باقی نماند از قرآن مگر رسمش و از اسلام مگر اسمش، می‌گویند مسلمانیم ولی دورترین مردمند به اسلام، مسجدهاشان آباد است ولی از هدایت و رستگاری خراب است. فقهاء آن زمان شرورترین فقهاء زیر سایه آسمانند، از ایشان فتنه خیزد و بسوی ایشان برگردد.

(۴۸) و در کافی ج ۲ ص ۹۱ و بحار ج ۱۸ ص ۱۴۷ از امام صادق ﷺ از جدش ﷺ روایت کند که فرمود زود است بیاید بر مردم زمانیکه به حکومت و سلطنت نرسند مگر به کشتن مردم و ستم کردن، و به توانگری نرسند مگر به غصب کردن اموال مردم و بخل ورزیدن، و به محبت نرسند مگر به خارج شدن از دین و متابعت کردن هوای نفس، پس اگر کسی درک کرد آن زمان را پس صبر کند بر فقر و حال آنکه قدرت دارد بر توانگری، و صبر کند بر عداوت و حال آنکه قدرت دارد بر محبت، و صبر کند بر مذلت و حال آنکه قدرت دارد بر

عزت، خداوند هم (در عوضش) ثواب پنجاه صدیق که خدا را تصدیق کرده‌اند به او عطا فرماید.

(۴۹) در کافی ج ۲ ص ۱۱۷ از امام ششم روایت کند که زود است بیاید بر مردم زمانیکه نجات نیابد صاحب دینی مگر کسی که گمان کنند او ابله است و تحمل کند که به او می‌گویند ابله است عقل ندارد.

(۵۰) در روضه کافی حدیث ۲۵ از امام صادق از جدش علیه السلام روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه فاجر را زیرک دانند (یا فاجر پرروئی و شوخی کند و حیا نکند) و نزدیک کنند ماجن را (یعنی کسی که باکی ندارد هرچه بکند و هرچه بگوید) و منصف را ضعیف دانند، گفته شد چه وقت اینها خواهد شد یا امیرالمؤمنین؟ فرمود وقتی که امانت را غنیمت بگیرند و زکات دادن را ضرر دانند و عبادت را طولانی دانند (و خسته کننده دانند) و در صله رحم منت نهند، باز سؤال شد اینها چه وقت خواهد شد یا امیرالمؤمنین؟ فرمود وقتی تسلط پیدا کنند زنها و مسلط شوند کنیزان و حکومت کنند بچه‌ها.

(۵۱) و در تهذیب ج ۲ ص ۲۸۳ و فقیه ج ۱ ص ۱۸۴ امیرالمؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه اذان گفتن را بر عهده ضعیفاء خود گذارند (و اغنیاء عارشان شود اذان بگویند) خداوند گوشت آن ضعیفان را بر آتش حرام گرداند.

(۵۲) و در کافی ج ۴ ص ۴۶ از امام صادق علیه السلام روایت کند که بیاید بر مردم زمانیکه هرکس سؤال کرد از مردم زندگانی کند و هرکس ساکت نشست خواهد مرد، (راوی) می‌گوید چه کنم اگر درک کردم آن زمان را؟ فرمود آنچه داری به ایشان کمک کن اگر نداری جدیت کن.

(۵۳) و در کافی ج ۵ ص ۳۱۲ و تهذیب ج ۷ ص ۲۲۶ امام پنجم از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه از خدا شاکی

باشند، گفته شد چگونه شاکی باشند؟ فرمود مردی گوید والله هیچ چیزی ربح نبردم در این مدت و نخورده‌ام و نیاشامیده‌ام مگر از رأس المال، وای بر تو آیا اصل مال از خدا نبود؟

(۵۴) و در کافی ج ۵ ص ۵۵ و تهذیب ج ۶ ص ۱۸۰ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود می‌بوده باشد در آخر زمان گروهی که متابعت کنند در آن زمان گروه دیگری را که این صفت دارند ریاکننده‌اند و خود را جزء قرّاء و عبّاد و نسّاک می‌کنند و حال آنکه تازه‌رس و سفیه‌اند، امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی‌دانند مگر وقتی ایمن از ضرر باشند، و برای خود رخصت جوئی و عذر تراشی می‌کنند، و متابعت لغزش علماء را می‌کنند و عمل فاسدشان را معیار قرار می‌دهند، الخبر.

(۵۵) و در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۸۳ و نوائب الدهور ج ۲ ص ۴۷ در ذیل خطبة البيان دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ای مردم من شنیدم از برادرم رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود جمع شود در اُمت من یکصد خصلت که در غیرش جمع نشده، پس علما و فضلا برخاسته کف پایش را بوسه داده و عرض کردند ای امیرالمؤمنین تو را قسم به پسر عمت رسول الله صلی الله علیه و آله بیان فرما برای ما آنچه را در طول زمان جاری خواهد شد به کلامی که عاقل و جاهل بفهمند... فرمود من خبر می‌دهم شما را به آنچه جاری می‌شود بعد از مرگ من تا خروج صاحب الزمان که قائم به امر است از ذریه بچه‌های حسین علیه السلام و از آنچه می‌بوده باشد در آخر زمان تا حقیقت را درک کنید از بیان. پس عرض کردند چه وقت اینها خواهد شد یا امیرالمؤمنین؟ فرمود وقتی که واقع شود مرگ در فقهاء، و ضایع کنند امت محمد مصطفی نماز را، و متابعت کنند شهوات را، و امانت‌داری کم شود، و خیانتکاری زیاد گردد، و خمر بیاشامند، و فحش به پدر و مادر را شعار

خود گیرند، و نمازها را بواسطه خصومت از مسجدها بردارند، و مسجد را مجالس طعام قرار دهند، و به گناهان زیاد عمل کنند، و حسنات و کارهای خوب را کم انجام دهند، و آسمانها فشرده شود (یعنی باران کم بیاید) در این هنگام سال مثل ماه باشد ماه مثل هفته باشد و هفته مثل یک ساعت باشد، و باران گرم بیارد و بچه موجب اذیت و آزار باشد و بوده باشد برای مردم آن زمان صورتهای نیکو و باطنهای پست، هرکس ایشان را ببیند خوشش آید و هرکس با ایشان معامله کند ظلمش کنند، صورت ایشان صورت آدمیان است، و دلهای ایشان دلهای شیاطین است، پس ایشان از صبر (دوائی است) تسلخ ترند و از مردار گندیده ترند و از سگ نجس ترند، و از روباه حيله گرتند، و از اشعب<sup>(۱)</sup> طمعشان بیشتر است و از جرب (مرضی است) چسبنده تر، و از منکرات نهی نمی کنند، و اگر حدیث کنی ایشان را تکذیب کنند، و اگر امینشان قرار دهی خیانت کنند، و اگر از ایشان روگردانی غیبت کنند، و اگر مال دار باشی حسادت کنند، و اگر بخل کنی از ایشان دشمنت شوند، و اگر ایشان را پست دانی فحش دهند، و دروغها را گوش دهند، و حرام را بخورند، و زنا و خمر و مقاله ها و طرب و غناء را حلال داند، و فقیر بین ایشان ذلیل و حقیر باشد، و مؤمن ضعیف و کوچک باشد، و عالم نزد ایشان پست باشد، و فاسق نزد ایشان گرامی باشد، و ظالم نزد ایشان بزرگ باشد، و ضعیف نزد ایشان به هلاکت رسد، و قوی نزد ایشان دولت است، امانت غنیمت است، زکات ضرر است، و اطاعت کند مرد زن خود را (غافل از آنکه اطاعة المرأة ندامة) و عصبانی کند پدر و مادر را (پی حرف ایشان نرود) و ایشان را جفا کند، و کوشش کند در هلاک برادرش، و صدای فجار بلند شود، و فساد و غنا و زنا را دوست دارند، و معامله کنند به

حرام و ربا (و یعار علی العلماء)<sup>(۱)</sup> عیب جوئی کنند بر علماء، و فی ما بین خود خونریزی زیاد باشد، و قضاتشان رشوه قبول کنند، و زنها با زنها ازدواج کنند، و فرستاده شوند چنانچه عروس را به خانه شوهر می فرستند، و دولت بچه‌ها در همه جا ظاهر شود، و آلت لهو و خوردن خمر را جوانان حلال دانند، و مردها به مردها و زنها به زنها اکتفا کنند، و زنها روی زینها سوار شوند (و این سبب به هیجان آمدن شهوت آنان خواهد شد) پس زن غلبه کند بر شوهرش در تمام چیزها، و حجاج سه قسمت باشند: اغنیاء برای خوش گذرانی، و متوسطین برای تجارت و فقراء برای گدائی، و احکام باطل شود، و اسلام ضعیف شود، و دولت اشرار ظاهر شود، و ستم در جمیع شهرها شایع گردد، پس در آن زمان تاجر در تجارتش و زرگر در زرگری خود و صاحب هر صنعتی در صنعت خود دروغ گوید، پس محل کسب کم شود، و محل طلب معاش تنگ گردد، و مذاهب مختلف شود، و فساد زیاد گردد، و هدایت کم شود، پس آن وقت است که قلب‌ها سیاه شود، و حکم کند برایشان پادشاه ستمگر، و کلامشان از صبر تلخ تر باشد، و دلهاشان از جیفه و مردار گندیده تر باشد، پس وقتی که اینطور شد علماء بمیرند، و قلبها فاسد شود، و گناه زیاد شود، و قرآنها بکنار رود، و مسجدها خراب گردد (از هدایت) و آرزوها طولانی شود، و اعمال (صالحه) کم شود (وتبني الاسوار فی البلدان مخصوصة لوقع (لدفن) العظیم النازلات) ظاهر معنی یعنی دیوارها دور شهرها بنا شود که مخصوص باشد برای واقع شدن بلاهای آینده، یا برای دفع بلاهای آینده و این ظاهرتر است.

(در پنجاه سال قبل برای دفع دشمن و دزدها و یاغیها دور شهرها دیوار و دروازه بوده که هرکس به شهر نتواند داخل شود)

(۱) بعضی یغار علی الغلمان (یعنی رشک برند به بچه‌ها) نقل کرده‌اند ولی ما دو نسخه داریم (یعبار علی العلماء) است.

پس آن وقت اگر یکی از ایشان روز و شب نماز بخواند چیزی برای او نوشته نشود و قبول درگاه نگردد، چون در وقت نماز خواندن پیش خود فکر می کرده چگونه به مردم ستم کند، و چگونه بر مسلمانان حيله نماید، و طلب ریاست می کند برای فخر کردن یکدیگر و ظلم و ستم نمودن، و جا برای مسجدهاشان تنگ می شود، و مردمان متألف<sup>(۱)</sup> بر ایشان حکومت کنند، و بعضی بر بعضی دیگر ستم کنند، و بعضی از روی دشمنی و کینه بعضی دیگر را بکشند، و به خوردن شراب و می افتخار کنند، و در مسجدها نی و زرنا و آلت لهو و لعب بزنند و کسی ایشان را نهی نکند، و اولاد کفار در آن زمان بزرگان ایشان باشند، و سرپرست مردم سفهاء و کم عقل ایشان باشد، و بدست می گیرد مال را کسی که مالکش نبوده، و اهلیت هم ندارد احمقی است از اولاد احمقها یا لئیم و پست است از اولاد پستها، و رؤساء ریاست را به کسی می دهند که استحقاقش را ندارد، و سست و ضعیف شود طاقت و به مقصد نرسد، و زراعت فاسد شود، و بدعتها فاش گردد، و فتنه ها ظاهر شود، کلامشان فحش باشد، و عملشان وحشیانه باشد، و کارشان شیطنت باشد، و ایشان ستمگران باشند، و بزرگانشان بخیل و گدا باشند، و فقهایشان به آنچه بخواهند فتوا دهند، و قضاتشان به آنچه نمی دانند حکم کنند، و اکثر ایشان به دروغ شهادت دهند، هر کس پولدار باشد نزد ایشان بلند بالا، و کسی که کم پول باشد نزد ایشان پست باشد، فقیر دور افتاده و کینه اش در دلها جا داده شده و مالدار و ثروتمند محبوب و از خاصان باشد، و مرد صالح در آن زمان کسی است که سیلش دراز

(۱) متألف از الف است (و مؤلفه قلوبهم) کسانی بودند که ایمان نداشتند به ظاهر اسلام آورده بودند پیغمبر ﷺ از طرف خدا مأمور بود به ایشان در جنگ چنین مال زیادی بدهد تا شاید قلب آنان مایل به ایمان گردد که منجمله ابو سفیان و معاویه بودند که به هر کدام صد شتر داد یعنی کار مسلمانان بجائی برسد مثل معاویه که سالهای زیاد با مسلمانان جنگ می کرد بیاید و حکومت بر

باشد، و بزرگ می‌شمارند قدر هر کسی که سخن چین و دروغگو باشد، خداوند هم سر ایشان را بزیر اندازد و دلهاشان را کور گرداند، خوراک ایشان مرغای چاق باشد و پوشاکشان خز<sup>(۱)</sup> یمانی و حریر باشد، ربا و مال مشتبه را حلال دانند، و برای شهادت دادن معارضه می‌کنند (این می‌گوید من شهادت می‌دهم آن می‌گوید من شهادت می‌دهم) ریاء می‌کنند بواسطه اعمالشان، عمرهاشان کوتاهست، (کار کسی) امضاء نمی‌شود نزد ایشان مگر سخن چینان، حلال را حرام دانند، کارهاشان منکر باشد، و دلهاشان مختلف باشد، چیزهای باطل را در بین خود درس بخوانند و بگویند، از منکراتیکه انجام می‌دهند همدیگر را نهی نکنند، خوبها از بدها بترسند، در غیر ذکر خدا همدیگر را کمک کنند، و در بین خودهاشان هتک حرمت کنند، و با هم مهربانی نکنند بلکه بهم پشت کنند، اگر شخص شایسته را ببینند ردش کنند، و اگر سخن چین گناهکار را ببینند استقبالش نمایند، و کسی که بدی کند به ایشان بزرگش شمارند، و بچه‌های زنا زیاد شود، و پدران خوشحال باشند، اگر ببینند بچه‌ها کارهای زشت انجام می‌دهند و نهیشان نکنند، و از آن بازش ندارند، و ببینند مرد از زن خود چیزهای قبیح را و نهیش نکند و بارش ندارد، و آنچه را که زنش از بی‌عفتی بدست آورده و به شوهرش می‌دهد شوهر هم از او می‌گیرد و هیچ اهمیت نمی‌دهد، و حتی اگر زنش از جلو و عقب زنا دهد او را متهم نمی‌کند و حرفهای زشت اگر کسی درباره او بگوید قبول نمی‌کند، و این همان دیوث است که خداوند قبول نکند نه گفتارش را و نه کردارش را و نه عذرخواهیش را، پس خوراک او حرام است و محل نکاح او حرام است، پس کشتن او در شرع اسلام و رسوا کردنش در بین مردمان واجب است، و در قیامت به آتش جهنم انداخته شود، و در آن زمان است که فحش به پدر و مادر علنی شود، و سادات ذلیل شوند، و آدمهای

(۱) خز لباس ابریشمی را گویند.



بی اصل بلند شوند، و دیوانگی زیاد شود، پس برادری برای خدا کم شود و درهمهای حلال کم باشد، پس برگردند مردم به بدترین حال آن وقت است که دولت شیاطین روی کار خواهد آمد، و بجهند بر اضعف مساکین، و برگردد یوزپلنگ بسوی شکار خود، و توانگر بخل ورزد به آنچه دارد (در نتیجه بخل توانگر) فقیر آخرت خود را به دنیا بفروشد، پس وای بر آن فقیر و آنچه به او می رسد از زیان و خواری در آن زمان، که ضعیف کرده شده بواسطه اهلش، و زود است که طلب کنند چیزی را که برای ایشان حلال نیست پس چون اینطور شود فتنه ها و بلاهایی به ایشان رو آور شود که طاقت مقاومت نداشته باشند، آگاه باشید که اول آن فتنه ها از (الهجری القطیری فی) (الهجری والرقطی)<sup>(۱)</sup> است و آخر آن فتنه ها با سفیانی و شامی است.

و شما هفت طبقه می شوید :

پس طبقه اول تقوای زیاد داشته باشند تا هفتاد سال از هجرت، و بنا بر نسخه دیگر که شاید اصح باشد.

طبقه اول - اهل سختی و دشوار و بد زندگی کردن و قلب قسی باشند، تا ساد هفتادم از هجرت.

طبقه دوم - اهل بخشش و با عاطفه هستند، تا سنه دویست و سی از هجرت.

طبقه سوم - مردم حيله و رو از هم بریده اند تا سال پانصد و پنجاه از هجرت.

طبقه چهارم - مردمانی هستند به صفت سگ بهم می پرند و بر یکدیگر حسد

می برند.

(۱) بعضی ها (الهجر والرفض) خوانده اند و معنا کرده اند به دربدری و ترک خانه کردن. و بعضی فرموده اند (الهجری والرقطی) یعنی اول فتنه از هجری از اهل قصبه ایست از بحرین و رقطی که شخصی است دارای مرض پیسی شروع می شود.

طبقه پنجم - اهل تکبر و بهتان زن می‌باشند، تا هشتصد و بیست سال از هجرت.

طبقه ششم - اهل خونریزی و مختلط حال باشند، و دشمنها سگ صفت باشند (به هر کس حمله کنند) و مردم فاسق و خائن باشند تا نهصد و چهل سال از هجرت.

طبقه هفتم - اهل حيله و بی‌وفا و جنگ و خدعه و فسق و پشت بهم کردن و از هم بریدن، و دشمنی کردن، و آلت بازی‌گری‌های بزرگ، و آلت آوازه‌خوانی‌های حرام، و امور مشکله در ارتکاب شهوات، و خراب شدن شهرها و خانه‌ها، و منهدم شدن عمارات و قصرها، و در آن زمان است که ظاهر می‌شود ملعون از وادی میشوم، (یعنی سفیان از شام) و در آن زمان پرده حیاء برداشته شده و سترها ظاهر شده و قصرهایی که ناموس انسان در آن محفوظ بوده کشف و ظاهر شده و همین طور خواهد بود تا ظهور قائم ما المهدی صلوات الله و سلامه علیه، الخبر.

زود است بیاید بر امت من زمانیکه باقی نباشد از قرآن مگر رسمش الخ. در قرآن حدیث ۲۴ خواهد آمد.

(۵۶) در جامع الاخبار ص ۱۲۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه صورتهایشان صورت آدمیان است و دلهایشان دلهای شیاطین، مثل گرگهای ضرر زن، بسیار خونریز باشند، از منکراتیکه بجای می‌آورند روی گردان نباشند، اگر متابعتشان کنی شک می‌کنند درباره تو، و اگر حدیث کنی ایشان را تکذیب کنند، و اگر از ایشان پنهان شوی غیبت کنند، سنت نزد ایشان بدعت باشد، و بدعت سنت، بردبار و حلیم نزد ایشان بی‌وفاء باشد، و بی‌وفاء حلیم باشد، مؤمن در بین ایشان مستضعف باشد، و فاسق بین ایشان باشرف باشد، و بچه‌هاشان نازنازی و اذیت رسان باشند، و زنهایشان

شوخی و بی‌باکی باشند، و بزرگان‌شان امر به معروف و نهی از منکر نکنند، پناهندگی به ایشان خواری است و اعتنا به ایشان ذلت است، و طلب نمودن آنچه را در دست دارند فقر است، آن وقت خداوند از باران آسمان در وقتش محروم‌شان می‌کند، و در غیر وقتش نازل می‌کند، مسلط می‌کند بر ایشان بدترین ایشان را پس ستم کنند ایشان را به بدترین ستم‌ها که پسرانشان را سر برند و دخترهایشان را زنده گذارند پس خوبها دعا کنند و مستجاب نگردد.

(۵۷) و ایضا از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانی که شکم ایشان خدای ایشان باشد، و زنهایشان قبله ایشان باشد، و پولشان دینشان، و شرفشان متاعشان، نماند از ایمان مگر اسمش، و از اسلام مگر رسمش، و از قرآن مگر درسش، مساجدشان معموره باشد، و دلهاشان خراب از هدایت باشد، علماء ایشان شرورترین خلق الله باشند در روی زمین، آن وقت است که خداوند مبتلا می‌کند ایشان را به چهار خصلت ستم از سلطان‌شان و قحط از زمانشان و ظلم از آستاندار و حکامشان.

(۵۸) و در جامع الاخبار ص ۱۳۰ ایضا از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید در آخرالزمان مردمانی از امت من که در مسجدها بیایند و بنشینند، ذکرشان دنیا باشد و حبشان دنیا باشد، مجالست با ایشان نکنید که خدا را حاجت به ایشان نیست.

(۵۹) و در جامع الاخبار ص ۱۳۰ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود زود است بیاید بر امت من زمانیکه فرار کنند از علماء مثل فرار کردن گوسفند از گرگ، و چون اینطور شود خداوند ایشان را به سه چیز مبتلا سازد:  
اول آنکه برکت را از اموال ایشان بگیرد.  
دوم آنکه سلطان ستمگر بر ایشان مسلط سازد.  
سوم آنکه از دنیا بی‌ایمان خارج شوند.

(۶۰) ایضا از آن حضرت منقول است که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه صبرکننده بر دین مثل کسی باشد که آتش در دست گرفته باشد.

(۶۱) و نیز از آن حضرت منقول است که بیاید بر مردم زمانیکه پادشاهانشان بر ظلم و جور باشند، علمائشان با طمع باشند، عابدهاشان ریاکار باشند، تجارشان رباخوار باشند، زنهایشان زینت دنیا را طالب باشند، جوانهایشان به فکر تزویج باشند، پس آن وقت کساد امت من مثل کساد بازارها است، شخص مستقیمی پیدا نشود، مرده‌ها در قبورشان از خیر این مردم مأیوسند، و خوبها در بین ایشان زندگی نتوانند بکنند، پس در آن زمان فرار کردن بهتر از ایستادنست.

(۶۲) در حدیث دیگر فرمود بیاید زمانی بر امت من که نشناسند علماء را مگر به لباس نیکو، و نشناسند قرآن را مگر به صوت نیکو، و عبادت نکنند خدا را مگر در شهر رمضان، و چون اینطور شود خداوند مسلط کند بر ایشان شاهی را که نه علم داشته باشد و نه حلم و نه رحم.

(۶۳) مقدس اردبیلی در حدیقة الشیعه و شیخ حر عاملی در اثنی عشریه و حاج شیخ عباس قمی در سفینه البحار ج ۲ ص ۵۷ و طاوئی در ملاحم از سید مرتضی رازی از ابی هاشم جعفری روایت کنند که امام حسن عسکری علیه السلام فرمود ای ابا هاشم زود است بیاید زمانی بر مردم که صورتهای ایشان خندان و باز، و دلهای ایشان تاریک و گرفته باشد، سنت در ایشان بدعت و بدعت در ایشان سنت باشد، مؤمن بین ایشان حقیر و فاسق محترم باشد، فرماندهان ایشان ستمگر باشند، و علماء ایشان در ب خانه ظلمه می‌روند، اغنیاء ایشان زاد فقراء را بدزدند (یعنی زکات و صدقه ندهند) بچه‌ها بر بزرگان پیشی گیرند و مقدم شوند، هر جاهلی نزد ایشان دانا باشد، و هر حيله گری نزد ایشان فقیر باشد، بین خوب و بد را تمیز ندهند، گوسفند را از گرگ تمیز ندهند، علماء

ایشان شرار خلق خدایند در روی زمین بعلت آنکه میل به فلسفه و صوفی‌گری دارند، بخدا قسم ایشان از دشمنها و اهل انحراف هستند، مبالغه در دوستی با مخالفان ما دارند، و شیعیان و دوستان ما را گمراه می‌کنند، اگر به منصبی رسند سیر نشوند از رشوه گرفتن و اگر خوار شوند خدا را از روی ریاء عبادت کنند، آگاه باشید که ایشان راهزن مؤمنین هستند و دعوت می‌کنند به روش کفار، پس هر کس ایشان را درک کرد باید بترسد و دین خود را کمک کند و حفظش نماید، سپس فرمود ای ابا هاشم این حدیثی بود که پدرم از پدرانش از جعفر بن محمد علیه السلام مرا حدیث کردند و این از اسرار ما است پس کتمانش کن مگر از اهلش.

(۶۴) در فضائل اشهر الثلاثة ص ۹۱ و در بحار ج ۹۶ ص ۳۰۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه کار فاحشه‌گری بالا رود و صنعت خود قرار دهند، و هتک شود در آن حرمتها، و علنی شود در آن زنا، و حلال دانند مال یتیمان را و رباخواری کنند، و کم فروشی نمایند، و خمر و می را به اسم نیبذ حلال دانند، و رشوه را به اسم هدیه حلال شمارند، و خیانت کنند به اسم امانت، و متشبه شوند مردها به زنها، و زنها به مردها، و سبک شمارند حدود نماز را (نماز را اول وقت نخوانند و به مکان غصبی و لباس غصبی اعتنا نکنند) و حج کنند برای غیر خدا، پس چون آن زمان آید هلال (ماه شب اول) باد کرده خود را دو شبه نشان دهد و گاهی هم مخفی شود (بطوریکه) اول ماه رمضان مردم افطار کنند و آخر آن روز عید روزه بگیرند، پس در این هنگام بترسید بترسید که مبادا خداوند شما را غافلگیر کند (که فرصت توبه از شما گرفته شود) بجهت آنکه پس از این امور مرگها سریع باشد، و مردم ناگهانی بمیرند تا این حد که مرد صبح سالم باشد و شب دفن شده باشد، و شب زنده باشد و صبح مرده، پس وقتیکه اینطور شد واجب است وصیت را مقدم دارد پیش از اینکه بلا برسد، و واجب است نماز را اول وقت بخواند چون نمی‌داند تا

آخر وقت زنده است یا مرده، پس اگر شماها آن زمان را درک کردید شب بدون وضو نخوابید، و اگر قدرت دارید همیشه با طهارت باشید بجا آورید، چون انسان ترسانست نمی داند چه وقت اجلش می رسد و کی ملک الموت بسراغش می آید، و بتحقیق من شما را ترسانیدم اگر بترسید و شناسانیدم اگر بشناسید و موعظه کردم اگر قبول نمائید پس از خدا بترسید در باطن و ظاهر و مواظب باشید از دنیا نروید مگر مسلمان، چون هرکس غیر از اسلام را بخواهد از او قبول نخواهد شد و او در آخرت از زیانکارانست.

(۶۵) مرحوم شیخ بهائی در اربعین خود ص ۱۳۳ ذیل حدیث (۱۸) از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود البته بیاید بر مردم زمانیکه سالم نماند برای صاحب دینی دینش الا کسی که فرار کند از سر کوهی به سر کوهی و از سوراخی به سوراخی مثل روباه که بچه هایش را برداشته و فرار می کند، گفتند چه وقت این زمان خواهد آمد؟ فرمود وقتی که معیشتش نرسد مگر به معصیت خدا پس آن وقت است که حلال می شود عزوبت و بی زنی، گفتند یا رسول الله امر می کردید ما را به تزویج، فرمود بلی ولکن وقتی آن زمان پیش آید پس هلاک مردها بدست پدر و مادرانشان خواهد بود و اگر پدر و مادر ندارند بدست زن و اولادش خواهد بود، و اگر زن و اولاد نداشته باشد، بدست خویشان و همسایگانش خواهد بود، عرض کردند چگونه این طور می شود؟ فرمود سرزنش می کنند به تنگی معیشت و وادارش می کنند به چیزی که طاقت فرسا است تا اینکه واردش می کنند به کارهایی که هلاکش می کند.

(۶۶) در کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۰۱ فرمود زود است بوده باشد در آخرالزمان زنهایی که سوار بر زینها شوند مثل مردها، و درب مسجدها پیاده شوند الخ. تمام حدیث در حرف (پ) پوشیده گذشت.

(۶۷) در بخاری ج ۲۵ ص ۱۸۳ رسول خدا ﷺ فرمود صدقه بدهید پس

زود است که بیاید بر مردم زمانیکه صدقه را دور بگردانند و کسی نباشد که قبول کند. و حدیث ۱۲ و ۱۳ در سلاطین را ملاحظه کن که مناسب مقام است.

(۶۸) در کنز العمال ج ۱۵ ص ۲۱۷ فرمود بیاید بر مردم زمانی که بازی کنند به آن (یعنی به شطرنج) و بازی نکند به آن مگر هر ستمگری و ستمگر در آتش است، و در آن زمان بزرگان را توقیر نکنند و بر کوچکان رحم نمایند، و بعضی بعضی را برای خاطر دنیا بکشند، دلهاشان دل عجمان است و زبانشان زبان عرب، معروفی را نشناسند و منکری را انکار نکنند، رفتار شخص صالح در بین ایشان خفت و خواریست، آن مردم شرار خلق خدایند، و خداوند در روز قیامت نظر رحمت به ایشان نکند.

(۶۹) و در کنز العمال ج ۱۵ ص ۲۶۶ فرمود: بوده باشد در آخر زمان گروهی که کوهان شتر را دوست دارند و دنبه گوسفند را قطع کنند، آگاه باشید هرچه از زنده بریده شود آن میته است.

(۷۰) در تحف العقول ص ۳۷ از رسول خدا ﷺ منقول است که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه باکی نداشته باشند هرچه از دینش تلف شود وقتی دنیاشان سالم بماند.

(۷۱) و در ص ۳۸ فرمود بیاید بر مردم زمانیکه مردم گرگ باشند و هرکس گرگ نباشد گرگان او را بخورند.

(۷۲) در تهذیب ج ۵ ص ۶۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود بیاید بر مردم زمانیکه حج پادشاهان برای خوشگذرانی باشد، و حج مالداران برای تجارت باشد، و حج گدایان برای سؤال باشد.

(۷۳) در کافی ج ۵ ص ۳۱۲ و تهذیب ج ۷ ص ۲۲۶ امام باقر از رسول خدا ﷺ روایت کند که بیاید بر مردم زمانیکه از خدا شکایت داشته باشند راوی عرض کرد چگونه شکایت کند از خدا؟ فرمود مرد بگوید والله امروز چند

روز است هیچ ربح نکردم و نخورده‌ام و نیاشامیده‌ام مگر از رأس المال. وای بر تو مگر رأس المال مال خدا نیست؟

(۷۴) خارج شوند در آخر زمان گروهی که تازه جوانند الخ. در تازه جوانان گذشت.

(۷۵) در نهج البلاغه در خطبه ۴۱ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ما صبح کردیم در زمانی که اکثر مردم آن زمان مردم حيله گر را زیرک پندارند الخ.

(۷۶) و در خطبه ۱۰۳ فرمود ای مردم زود است بیاید بر شما زمانیکه وارو و سرنگون شود در آن اسلام چنانچه ظرف وارونه شود آنچه در اوست الخ.

(۷۷) و در خطبه ۱۰۸ فرمود اهل آن زمان گرگانند، و پادشاهانشان درندگانند و متوسطین ایشان بسیار خورنده‌اند و فقراشان مردگانند.

(۷۸) و در خطبه ۲۳۳ فرمود: بدانید خدا شما را رحمت کند که شما در زمانی هستید که گوینده حق کم است و زبان از راست گفتن کند است، و ملازم حق ذلیل است، اهل آن زمان مواظب بر معصیتند، طلب اصلاح می‌کنند به روغن مالیدن، جوانهایشان بد خلق و پیرانشان گنهکارند، و عالیشان منافق است، و او که نزدیک می‌شود دوستی او مخلوط با غش است، کوچکان بزرگ نمی‌شمارند بزرگانیشان را، و بی‌نیازشان فقیرشان را اداره نمی‌کنند.

(۷۹) در کنز العمال ج ۱ ص ۱۹۸ فرمود بیاید بر مردم زمانی که طاقت معیشت را نداشته باشند مگر به معصیت و حتی اینکه مرد تکذیب بشود و قسم داده شود، پس چون به آن زمان رسیدید بر شما باد به فرار کردن، عرض شد یا رسول الله کجا فرار کنند؟ فرمود بسوی خدا و کتابش و سنت پیغمبرش.

(۸۰) در کنز العمال ج ۱ ص ۲۱۱ فرمود زود است بیاید بر امت من آنچه بر بنی اسرائیل بدون هیچ کم و زیادی حتی اینکه اگر در بنی اسرائیل کسی با مادر خود علنا زنا کرده در امت من هم مثلش خواهد بود، الحدیث.



(۸۱) در کنز العمال ج ۱ ص ۳۶۳ از علی علیه السلام روایت کند که فرمود البته خواهد آمد بر مردم زمانیکه مقدرات الهی را تکذیب کنند زنی به بازار رفته برای حاجتی که دارد چون به منزلش برگردد ببیند شوهرش به شکل بوزینه یا خوک شده مسخ گشته بواسطه تکذیب نمودنش قدر را.

دعوة نبیکم فی آخر الزمان الخ. در (ملازم زمین باشید) خواهد آمد.

خیر الجهاد فی آخر الزمان الخ. در (دولت) گذشت.

(۸۲) در بحار ج ۶۰ ص ۲۱۵ در ذیل حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود زود

است بیاید زمانیکه اولیاء و دوستان ما را از ما دور سازند و کوچ دهند ایشان را و این مصلحتی باشد برای ایشان تا شناسند ایشان را که دوست ما هستند و به این واسطه خونها و اموالشان محفوظ بماند الخ. (شاید یکی از مصادیقش، در این ازمنه بیرون کردن شیعه‌های ایرانی بود از عراق)

(۸۳) در کافی ج ۱ ص ۵۲ امام صادق علیه السلام فرمود بنویس و منتشر کن علم

خود را بین برادرانت و اگر مردی کتابهای خود را میراث قرار ده بجهت آنکه بیاید زمانی بر مردم که فتنه باشد و انس نگیرند در آن زمان مگر به کتابها و نوشته‌های خود.

(۸۴) در تحف العقول ص ۲۶۵ از امام صادق علیه السلام روایت کند که هر وقت

زمان زمان جور و ستم شد و اهل آن خیانتکار شدند، پس اطمینان به هر کس از عجز و ناتوانیست.

(۸۵) در تحف العقول از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود بیاید بر مرد

زمانیکه نباشد در آن چیزیکه عزیزتر باشد از برادری که انیس باشد و از کسب درهم حلال.

(۸۶) در مکارم الاخلاق ص ۵۵۶ رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابی ذر فرمود ای اباذر

بوده باشد در آخر زمان گروهی که در تابستان و زمستانشان پشم بپوشند و

خیال کنند این یک فضلی است که بر دیگران دارند ایشان را لعنت می‌کند ملائکه آسمانها و زمین.

(۸۷) در نهج البلاغه در کلمات قصار (۴۶۸) و مسند امام رضا علیه السلام ص ۴۷ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود می‌آید بر مردم زمانی (عضوض) داندان گیرنده که شخص ثروتمند و توانگر به دندان می‌گیرد آنچه که به دو دست خود گرفته از مال و دارائی (یعنی بخل می‌ورزد و در راه خدا انفاق نمی‌کند) و حال آنکه خدای پاک می‌فرماید ﴿وَلَا تَتَسَوَّأَ الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾ فضل و احسان را در میان خود فراموش نکنید، ریاست کنند در آن زمان اشرار و مردم بد، و ذلیل و خوار می‌شوند نیکان و خوبان، و با شخص مضطر و بیچارگان بیع و شراء کنند و حال آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده از خرید و فروش با بیچارگان و مضطربین (چون شخص مضطر را باید کمک کرد، و نگذاشت چیزهای مورد حاجت خود را مثل منزل و اسباب خانه و مرکب سواری خود را بفروشد و آبرویش بریزد و قهراً هرچه بخواهد بفروشد نصف قیمت هم می‌فروشد لذا شرعاً کراهت دارد از او خریدن یا فروختن مثل اینکه مجبور است چیزی را بخرد طرف مقابل هم می‌بیند او مجبور است قیمت را دو مقابل یا بیشتر می‌گوید)

(۸۸) در مسند امام رضا علیه السلام ص ۴۷ فرمود بیاید بر مردم زمانی که مقدم دارند اشرار و بدان را و ذلیل و خوار کنند خوبان را و با مضطربین خرید و فروش کنند و حال آنکه پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نهی فرموده الخ.

### ﴿ زمستان ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۵ در ذیل حدیثی دارد که یکی از علامات ظهور آن است که زمستان گرم باشد.

### ﴿ زمین ﴾

زمین نورانی شود الخ. در قائم حدیث ۱۳ و ۳۲ و ۱۰۷ و ۱۱۲ خواهد آمد. نصیب تو از زمین بیش از آنچه است که در دست داری. در قائم حدیث ۱۶ خواهد آمد.

و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۵ در ذیل حدیثی دارد که زمین جمع کرده شود جمع کردنی.

و در کنز ص ۲۶۶ فرمود باید پر شود زمین از جور و ظلم پس وقتی پر کرده شد از جور و ظلم می فرستند خداوند مردی را از (نسل) من که اسمش اسم منست و اسم پدرش اسم پدر من است<sup>(۱)</sup> پس پر کند از عدل و داد چنانچه پر شده بود از جور و ستم، آن وقت آسمان بارانش را و زمین نباتش را منع نکند و مکت کند در شما هفت سال یا هشت سال و اگر زیادتر شود نه سال است.

در حدیث دیگر دارد باید پر شود زمین از ظلم و عداوت، پس باید خارج شود البته مردی از اهل بیت من تا پر کند از داد و عدل چنانچه پر شده بود از ظلم و عداوت.

واعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها یعنی خدا زمین را زنده می کند بعد از مرگش الخ. در عدل خواهد آمد.

یملاً الارض عدلاً الخ. یعنی پر می کند زمین را از عدالت (در عدل خواهد آمد) در بحار ج ۶ ص ۳۰۹ در ذیل حدیث پیغمبر ﷺ است که زمین مثل گاو صدا کند و همه خیال کنند که صدانزد ایشان است.

چه وقت خداوند زمین را از ظالمین پاک می کند. در علامات ظهور حدیث ۸ خواهد آمد.

(۱) روایاتی که (اسم پدرش اسم پدر من است) یا تقیة گفته شده یا از زیادی نساخ است و هو الاظهر.

### ﴿ زن ﴾

در زنه‌های آخر زمان خواهد آمد.  
 قیّم پنجاه زن الخ. در پنجاه زن گذشت.  
 سیزده زن با قائم خواهد بود الخ. در سیزده خواهد آمد.  
 پنجاه زن همراه آن عده خواهد بود الخ. در پنجاه زن گذشت.  
 چنانچه زن از زیر پای شوهرش خارج می‌شود. در عدل حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ زنا ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۰۳ از عبدالله روایت کند که چون کم فروشی  
 شود باران حبس شود، و چون زنا زیاد شود کشتار و طاعون (وباء) زیاد شود،  
 و چون دروغ زیاد شود هرج و مرج زیاد شود.  
 در کافی ج ۵ ص ۵۴۱ امام هفتم فرمود پیرهیز از زنا که رزق را می‌برد و دین  
 را باطل می‌کند.  
 در فقیه ج ۴ ص ۱۴ از امام پنجم روایت کند که فرمود وقتی زانی زنا کند روح  
 ایمان از او خارج می‌شود.  
 در کافی ج ۲ ص ۳۷۴ از امام پنجم از پیغمبر است که وقتی ظاهر شود زنا بعد  
 از من مرگ فجاً (سکته) زیاد شود.  
 در کافی ج ۵ ص ۵۴۱ از پیغمبر ﷺ روایت شده که وقتی بعد از من زنا زیاد  
 شود مرگ ناگهانی زیاد شود.  
 در کافی ج ۵ ص ۵۴۲ از امام باقر از جدش ﷺ روایت کند که در زنا پنج  
 خصلت است: آبرو را می‌برد، موجب فقر می‌شود، عمر را کوتاه می‌کند، خدا  
 را به سخط می‌آورد، و مخلد در آتش می‌کند، پناه به خدا از آتش.

در کافی ج ۶ ص ۴۷۸ از امام ششم از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که هر وقت کلاهای ترک ترکی ظاهر شد زنا ظاهر خواهد شد.

در فقیه ج ۱ ص ۳۳۲ و کافی ج ۲ ص ۴۴۸ و تهذیب ج ۳ ص ۱۴۷ از امام ششم روایت کند که فرمود وقتی زنا فاش و ظاهر شود زلزله هم فاش و ظاهر شود.

در کافی ج ۵ ص ۵۴۱ از امام هفتم علیه السلام روایت کند که فرمود دوری کن از زنا که آن برکت را می برد و دین را هلاک می کند.

در فقیه ج ۴ ص ۱۳ فرمود زنا موجب فقر می شود و دیار را خالی می گذارد.

در فقیه ج ۴ ص ۱۱۳ از امام پنجم روایت شده که به موسی خطاب شد ای موسی اگر می خواهی برکت و خیر خانهات زیاد شود دوری کن از زنا، چون به هر دستی بدهی با همان دست خواهی گرفت.

در کافی ج ۵ ص ۵۵۳ به موسی خطاب شد ای موسی هرکس روزی زنا کند زنا کرده خواهد شد (یعنی هرکس با زنی زنا کند دیگری با زن او زنا خواهد کرد).

در وسط راه زنا کنند و احدی انکار نکنند. در ساعت ظهور حدیث ۵۹ خواهد آمد.

### ﴿ زنادقه ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم سید ص ۹۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که در سال صد و پنجاه زنادقه ظاهر شوند.

در سفینه ج ۱ ص ۵۵۹ فرمود زنادقه همان دهریه هستند که می گویند نه خدائی هست و نه بهشتی و نه آتشی، و ما را هلاک نمی کند مگر دهر.

در قائم حدیث ۹۴ خواهد آمد که عرض شد خدمت امام باقر علیه السلام که می گویند اگر فلک تغییر کند فاسد می شود حضرت فرمود این گفتار زنادقه است الخ.

(۱) زنادقه جمع زندیق و او کسی است که در باطن کافر باشد و در ظاهر مسلمان م.

### ﴿ زنبور ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۰۹ حضرت امیر علیه السلام فرمود بوده باشید مثل زنبور عسل در پرنده‌ها، هیچ پرنده‌ای نیست مگر آنکه زنبور عسل را ضعیف می‌داند، و اگر پرنده‌ها می‌دانستند که چه برکتی در جوف و شکم آنها هست این عمل را نمی‌کردند شما با مردم با زبان و بدن آمیزش داشته باشید ولی با دل با ایشان نباشید و با اعمال از ایشان فرق داشته باشید، الخبر.

و در ملاحم ص ۷۰ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که پناهنده شوند بسوی او (حجت) چنانچه زنبور عسل به پادشاه خود پناهنده می‌شود، زمین را پر می‌کند با عدل چنانچه پر شده بود از جور و ستم الخبر.

### ﴿ زنبیل ﴾

گویا می‌بینم پیرزنی را که یک زنبیل گندم روی سر گذاشته برود کربلا آردش کند. در مهدی حدیث ۱۵۰ خواهد آمد.

### ﴿ زنده شدن مردگان ﴾

در عبقری الحسان النجم الازهر ص ۵۳ از ارشاد مفید یکی از علامات زنده شدن مردگان و رجعت نمودن ایشان است به دنیا. لفظ مفید در ارشاد ص ۳۵۷ (واموات ینشرون من القبور حتی یرجعوا الی الدنیا فیتعارفون فیها ویتزاورون) یعنی مردگانی زنده می‌شوند و از قبرها بیرون می‌آیند تا بدنیای برمی‌گردند پس هم دیگر را می‌شناسند و همدیگر را زیارت می‌کنند.

در العجب کل العجب خواهد آمد که مردگان زنده می‌شوند و بر سر زندگان از دشمنان خدا و اهل بیت می‌زنند.

### ﴿ زندگی حضرت حجت ﴾

در حکومت گذشت و در (عمر حضرت) خواهد آمد.

### ﴿ زندیق ﴾

در قزوین خواهد آمد.

### ﴿ زنگیان ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۰۸ در ذیل خطبة البیان فرمود پس مهدی علیه السلام به شهر بزرگ زنگیان می رود، که در آن هزار بازار هست و در هر بازاری هزار دکان هست پس آن را فتح کند.

### ﴿ زندهای آخر الزمان ﴾

(۱) در ملاحم سید ص ۱۳۲ از حدیفه روایت کند که فرمود مثل اینکه می بینم زندهای قریش را پشت سر ردیف کرده اند و گیسوانشان را به درخت خرما بسته اند از طرف بصره و ایشان صدا به واویلا و گریه بلند کرده اند و اطراف را اسیر کرده اند پس وای بر اهل آن زمان چه می گذرد بر ایشان از ترس و زلزله و فریاد کشیدن خصوصا کسانی که مال ظاهری دارند و خوشا بحال کسانی که راضی هستند به خودشان و عیالشان و شناخته نشوند که صاحب طلا و نقره هستند.

(۲) در ملاحم ص ۱۳۷ در ذیل حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود فتنه داخل زوراء (بغداد) می شود پس چقدر است مرد کشته شده و زن کشته شده و مال غارت شده و فرجهای مباح شده، رحمت کند خداوند کسانی را که پناه دهند به زندهای بنی هاشم در آن روز و حال آنکه ایشان حرمت من هستند، تا آنجا که

فرمود در مدینه شکم زنهای بنی هاشم را پاره کنند پس وقتی آن زمان آمد بر شما باد به سر کوهها و پشت خانهها و این بلا به مقدار حمل یک زنی است (که نه ماه باشد)

(۳) در جامع الاخبار ص ۱۲۹ دارد که زنهای آخر الزمان شوخ و بی باکند.  
 (۴) در حدیث دیگر دارد که بیاید بر مردم زمانیکه زنهایشان قبلهشان باشد.  
 (۵) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۶ در ذیل حدیثی دارد که زنهایشان (کاسیات عاریات) پوشیده و برهنه هستند روی سرهایشان مثل کوهان شتر بختی لاغر است، لعن کنید ایشان را که ایشان ملعونانند الخ.

(۶) در مستدرک ج ۴ ص ۴۳۷ دارد که رسول خدا ﷺ فرمود قسم به آن کسی که مرا بحق فرستاده دنیا منقضی نشود مگر وقتی که زمین فرو برد ایشان را و مسخ شوند و سنگباران شوند، سؤال شد چه وقت اینها خواهد شد؟ فرمود وقتی دیدید زنها سوار بر زین شوند و کنیزان آوازه خوان زیاد شود و شهادت زور بسیار باشد، و مسلمانان در ظروف طلا و نقره که ظروف اهل شرک است چیز بیاشامند، و مردها اکتفا کنند به مردها و زنها اکتفا کنند به زنها الخ.

(۷) در مستدرک ج ۴ ص ۴۵۹ در چند حدیث و در کنز ص ۲۴۳ دارد که زنی گزارش افتد به یک قطعه کفش پس بگوید برای این کفش یک وقت مردی بوده، و بیاید وقتی که پنجاه زن را یک مرد قیّم باشد.

(۸) ایضا در مستدرک ج ۴ ص ۴۹۵ و در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۸ در ذیل حدیثی دارد بیاید وقتی که زن در روز علنی در وسط جاده زنا دهد، و کسی نهی نکند و تغیر ننماید و کسی که خیلی خوب باشد مثل عمر و ابوبکر بین شما بگوید اگر کنار بروید کمی بد نیست.

(۹) در مستدرک ج ۴ ص ۵۲۵ در ذیل حدیثی از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود رستگار نشود گروهی که مالک ایشان زن باشد.



(۱۰) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۹ فرمود کاشکی می دانستم بعد از من امت من چگونه خواهند بود وقتی مردهاشان خودنمائی و نازند و زنهایشان شادمان باشند، الخ.

(۱۱) در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۲ در ذیل حدیثی دارد که دیده شود که چهل زن به یک مرد پناهنده شده‌اند بواسطه قلت و کمی مردها و کثرت و زیادی زنها.

(۱۲) در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۶ دارد که چون زنها به زنها مستغنی شوند و مردها به مردها پس بشارت بده ایشان را به باد سرخی که از قبل مشرق می آید پس بعضی را مسخ کند و بعضی را به زمین فرو برد بواسطه گناهی که مرتکب شده‌اند و از حد تجاوز نموده‌اند.

(۱۳) در کنز ص ۲۲۶ فرمود دنیا نرود تا وقتی که زنها (بواسطه مساحقه) به زنها اکتفا کنند و مردها (بواسطه لواط) به مردها، و مساحقه<sup>(۱)</sup> زنهاست فیما بین خود.

(۱۴) در کنز العمال ج ۱۶ ص ۳۷۹ فرمود زنها را به بالا خانه جاسدهید و نوشتن یاد ایشان ندهید و پیلی ریزی یادشان بدهید و سوره نور را.  
(۱۵) در ص ۳۸۰ فرمود سکونت ندهید زنها را به بالا خانه و یادشان ندهید نوشتن را.

(۱۶) در ص ۳۸۳ فرمود دو صنف از اهل آتش می باشند، گروهی که تازیانه در دست دارند مثل دم گاو مردم را می زنند، و زنانی که پوشیده و برهنه هستند (مثل لباس بدن نما در آن واحد که پوشیده است برهنه است) خمان و چمان روند از ناز و گردن کشی، سرهاشان مثل کوهان شتر بختی است، داخل بهشت نشوند و بوی بهشت را هم نشوند، و حال آنکه بوی بهشت از (پانصد سال راه) شنیده می شود.

(۱) یعنی زنها روی هم بخوابند و خود را بهم بمالند تا دفع شهوتشان بشود.

(۱۷) در ص ۳۸۴ فرمود خدا لعنت کند زنانی را که خود را از جهت رأی و معرفت مشابه مردان می‌کنند.

(۱۸) در ص ۳۸۴ ایضا فرمود هر چشمی زنا کننده است و زن چون عطر استعمال کند و به مجلسی درآید زنا کننده است.

(۱۹) در ص ۳۸۵ فرمود لعنت کند خدا زنهایی که متشبه به مردها می‌شوند و مردهائی که متشبه به زنها می‌گردند.

(۲۰) در ص ۳۸۹ فرمود وای به زنها از دو سرخ یکی طلا و دیگری لباس‌های رنگین.

(۲۱) در کنز ص ۳۹۲ فرمود وقتی دیدید زنها سرهاشان مثل کوهان شتر درست کرده‌اند ایشان را آگاه کنید که نمازشان مقبول نیست.

(۲۲) در کنز ص ۴۰۱ فرمود زنهاشان پوشیده برهنه هستند، روی سرهاشان مثل کوهان شتر بختی لاغر است، لعنت کنید ایشان را که ایشان ملعونانند الخ.

(۲۳) در کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۰۳ فرمود خیری نیست در اجتماع زنان مگر نزد میتی چون هر وقت اجتماع کنند این بگو و آن بگو (غیر از غیبت و تهمت و یاوه گوئی چیز دیگری ندارند)

در همان صفحه فرمود خیری نیست در اجتماع زنان مگر نزد ذکری یا جنازه‌ای و بدرستیکه مثل جمع شدن زنان با هم مثل کسی است که شمشیر درست می‌کند آهن را در آتش داخل می‌کند تا خوب گرم شود آن وقت آن را می‌کوبد هر جا جرقه آن افتد می‌سوزاند.

(۲۴) در کنز ج ۱۶ ص ۴۰۹ فرمود مثل زن صالحه در بین زنها مثل کلاغ اعصم است که یک پای آن سفید است.

(۲۵) و در ص ۴۱۵ فرمود اگر زن نمازش را در پستو خانه‌اش بخواند بهتر است تا در اطاقش بخواند و اگر در اطاقش بخواند بهتر است از صحن خانه، و

- اگر در صحن خانه‌اش بخاند بهتر است از مسجد.
- (۲۶) و در ص ۴۱۶ فرمود نماز زن اگر تنها و فرادا باشد افضل است از بیست و پنج درجه که با جماعت باشد.
- (۲۷) و در حدیث دیگر فرمود بهترین مسجدهای زن ته اطاقش می باشد.
- (۲۸) در کنز ج ۱۶ ص ۵۷۱ دارد که کمک کنید به زنها که برهنه باشند چون اگر لباسش زیاد باشد و زینتش نیکو گردد هوس بیرون رفتن از خانه دارد (و فساد آن را غیر از خدا نداند)
- (۲۹) در کنز ج ۱۶ ص ۶۰۱ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده که روزی رسول خدا از ما سؤال کرد که چه چیز برای زن نیکو است ما جوابی نداشتیم، و چون بنزد فاطمه رفتم گفتم ای دختر محمد رسول خدا مسأله‌ای پرسید و ما جواب نداشتیم حضرت فاطمه فرمود مسأله چه بود؟ گفتم پرسید چه چیز برای زن نیکو است؟ فاطمه فرمود نتوانستید جواب دهید گفتم نه، حضرت فاطمه فرمود بهترین چیزها برای زن آنست که نه او مردی را ببیند و نه مردی او را ببیند. شب (قصه را خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کردم) فرمود راست گفته او پاره تن من است.
- (۳۰) در کافی ج ۵ ص ۵۹ تهذیب ج ۶ ص ۱۷۷ امام صادق علیه السلام از جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود چگونه باشید شما وقتی که زنهای شما فاسد شود و جوانان شما فاسق و امر به معروف نکنید و نهی از منکر ننمائید گفته شد این نحو خواهد شد؟ فرمود بلی و بدتر از این چگونه باشید شما وقتی امر به منکر کنید و نهی از معروف، عرض کردند یا رسول الله اینها خواهد شد؟ فرمود بلی و بدتر از این چگونه باشید وقتی که ببینید معروف منکر شده و منکر معروف.
- (۳۱) و در روضه کافی ذیل حدیث (۷) حضرت صادق علیه السلام فرمود یکی از

علامات آن است که زنها به زنها اکتفا کنند و ببینی که زنها با زنها ازدواج کنند و خود را برای همخوابی فربه کنند - و ببینی که معیشت زن و زندگی از فرجش باشد (یعنی زنا بدهد و زندگی کند) و ببینی که زنها مثل مردها برای خود مجلس ترتیب دهند - و ببینی که زنها به دادن زنا ستایش شوند - و ببینی که زن رشوه می دهد به شوهرش که با مردان لواط کند (وقتی شوهر که سرگرم لواط شد زن هم هر مرد خوشگلی را اختیار خواهد کرد زنا می دهد) و ببینی که بیشتر مردم و بهترین خانواده ها کسانی هستند که بر فسق زنان کمک کنند و ببینی که مرد از کسب زنش که زنا داده می خورد و می داند آن را و به آن تن داده ایستادگی می کند، و ببینی که زن بر شوهرش غلبه کرده و آنچه را او میل ندارد انجام داده و خرجی شوهرش را می دهد و ببینی که آنها خود را به کفار می بخشند - و ببینی که زنها بر حکومت و هر کاری غالب شده و هرچه را میل و هوای نفسشان باشد انجام دهند.

(۳۲) و در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود زنهای مخدرات شما را فتوا دهند.

(۳۳) و در بحار ج ۶ ص ۳۰۶ فرمود در آن زمان زنها حکومت کنند - و با شوهرشان تجارت کنند (به جهت حرصی که به دنیا دارند) - و زنها به زنها اکتفا کنند - و زنها شبیه به مردها شوند - و وزنها سوارزین شوند پس بر آن زنان لعنت خدا باد - در آن وقت زنهای خوانند و آلت لهو ظاهر می شود.

(۳۴) در کافی ج ۵ ص ۳۳۷ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود خلق شده اند مردها از زمین و همت ایشان در زمین است، و خلق شده اند زنها از مردها و همت ایشان در مردها است، پس حبس و نگاهداری کنید زنهای خود را ای گروه مردان.

(۳۵) در کافی ج ۵ ص ۳۳۷ از امام صادق علیه السلام نقل کند که فرمود خداوند آدم را از آب و گل خلق فرموده پس همت ابن آدم در آب و گل است، و حواء را

خلق کرده از آدم پس همت زنها در مردان است پس زنها را در خانه حفظ کنید.  
 (۳۶) در کافی ج ۵ ص ۳۳۸ امیرالمؤمنین علیه السلام به پسرش امام حسن علیه السلام  
 فرمود دوری کن از مشورت کردن زنها که رأی و عزمشان ضعیف است و  
 بواسطه حجاب خود چشمان ایشان را باز دار (از نامحرم) و سخت گیری تو در  
 حجاب هم برای تو خوب است و هم برای ایشان، و خارج شدن ایشان از منزل  
 بدتر از داخل شدن کسانی که و ثوق به ایشان نداری نیست. و اگر بتوانی کاری  
 کنی که غیر از تو را نشناسند بجای آور.

(۳۷) در کافی ج ۵ ص ۵۱۳ حضرت صادق علیه السلام فرمود مثل زن مثل استخوان  
 کج است اگر به حال خود واگذاری نفع خواهی برد، و اگر بخواهی راستش کنی  
 می شکند.

(۳۸) در کافی ج ۵ ص ۵۱۳ از امام صادق علیه السلام روایت کند که مردی از انصار  
 در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد مسافرت داشت، به زن خود سفارش نمود که از  
 خانه بیرون نروی تا من برگردم، (در اثنا) پدر زن مریض شد، زن از رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله اجازه طلب نمود که به عیادت پدر برود حضرت اجازه نداده فرمود  
 در خانه بنشین و اطاعت شوهرت کن، پس حال پدر بدتر شد ثانیاً اجازه  
 خواست حضرت اجازه نفرمود، پدر از دار دنیا رفت زن اجازه نماز بر جنازه  
 پدر طلبید، حضرت اجازه نفرمود تا پدر دفن شد حضرت کس بسوی زن  
 فرستاد که خدا تو را و پدرت را آمرزید بواسطه اطاعت تو شوهر خود را.

(۳۹) در کافی ج ۵ ص ۵۱۴ حضرت صادق علیه السلام فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله  
 خطبه ای خواند برای زنها پس فرمود ای گروه زنان صدقه بدهید ولو از زینت  
 خود ولو به یک دانه خرما باشد ولو به یک پاره خرما باشد، چون اکثر شما  
 هیزم جهنم خواهید بود بجهت اینکه شما لعن زیاد می کنید و کفران نعمت  
 می نمائید، زن عاقله از طائفه بنی سلیم عرض کرد یا رسول الله آیا ماها مادری

نکردیم و حامله و شیر دهنده نیستیم؟ آیا از ما نیست دختران حاضرت به خدمت و خواهران مهربان؟ پس رسول خدا ﷺ رقت به حال ایشان کرده فرمود حامله‌ها، مادرها، شیر دهنده‌ها، مهربانها، اگر نبود مخالفت شماها با شوهران یک نفر از نمازگزاران شما داخل آتش نمی‌شد، (یعنی درست که شما زحمت حمل و وضع حمل و شیر دادن و مهربانی کردن و مادری نمودن را دارید ولی مخالفت با شوهر گناهش بزرگتر است)

(۴۰) در کافی ج ۵ ص ۵۱۶ از امام صادق علیه السلام از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود زنهای را در بالا خانه جای ندهید و نوشتن یاد ایشان ندهید، بلکه پیلی ریزی و سوره نور یاد بدهید، نظیر این حدیث از کنز العمال در حدیث ۱۴ گذشت.

(۴۱) در کافی ج ۵ ص ۵۱۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود یاد ندهید به زنهای خود سوره یوسف را و نخوانید برای ایشان، چون در سوره یوسف فتنه و امتحان است، بلکه سوره نور را یاد بدهید که در آن مواعظ است (ولی مخفی نماند سوره نور را هم از حفظ باید یاد بگیرد و الا اگر از روی خط باشد سوره نور و یوسف ندارد)

(۴۲) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود زنهای خود را سوار زین نکنید که شهوت ایشان بهیجان آید و منجر به فجور و زنا گردد.

(۴۳) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۷ امام ششم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود پرهیزید از زنهای بد و از خوبهانشان بر حذر باشید، و اگر امر کردند شما را به چیزهای خوب و معروف مخالفت کنید ایشان را که در منکرات به شما طمع نداشته باشند.

(۴۴) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۷ امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند

که فرمود مخالفت کنید زنها را پیش از آنکه شما را امر به منکر کنند، و پناه به خدا برید از بدهاشان، و از نیکانشان هم بر حذر باشید.

(۴۵) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۸ از امام صادق عليه السلام روایت کند که فرمود پناه بخدا برید از زنهاى بد، و از خوبهاشان بر حذر باشید، و اطاعت نکنید ایشان را در معروف تا شما را به منکر دعوت نکنند.

(۴۶) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۷ از امام صادق عليه السلام از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود هر کس اطاعت کند زنش را خداوند او را به رو به آتش اندازد، عرض شد این چه اطاعتی است؟ فرمود زن از او طلب کند رفتن به حمامها و عروسیها و مراسم عیدها و لباسهای نازک (شوهر هم قبول کند این مسی شود اطاعت زن، و بعضی فرموده اند اینها در صورتی عیب دارد که ضرورتی نباشد و الا عیب ندارد)

(۴۸) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۷ فرمود مشورت نکنید با زنها در نجوی (چیزهائی که سزاوار است مخفی باشد) و اطاعتش نکنید در خویشان خود (اگر زن بدگوئی کرد نسبت به مادر شوهر یا خواهر یا بستگان دیگر شوهر نباید ترتیب اثر بدهد)

(۴۸) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۷ امام صادق عليه السلام فرمود دوری کنید از مشورت کردن با زنها که (دارای سه خصلت بد هستند) ضعف و سستی و عجز.  
(۴۹) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۸ امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود در خلاف زنها برکت است.

(۵۰) و در کافی ج ۵ ص ۵۱۸ فرمود مردی که زن تدبیر کارهایش را بکند پس او ملعون است.

(۵۱) در فقیه ج ۳ ص ۲۴۷ از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود زنها جهل و عورتند پس عورتشان را به خانه و جهلشان را به سکوت حفظ کنید.

(۵۲) در فقیه ج ۳ ص ۲۸۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود الهام کنید و بفهمانید به زنهای حب و دوستی علی علیه السلام را و بگذارید ابله بمانند (چون هرچه دانایتر باشند ناسازگارتر می شوند اگر قبول نداری امتحانش مجانی است)

(۵۳) در تهذیب ج ۳ ص ۲۹۰ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود کم کنید از زنهای هیئت نیکو را تا سؤال نکنند بیرون رفتن از خانه را (چون اگر پزشش عالی شد هوس بیرون رفتن می کند و چون عادت به کوچه و بازار نمود دیگر حریف او نخواهی شد اینهم اگر قبول نداری امتحانش مفت است)

(۵۴) و در کافی ج ۵ ص ۵۳۶ امام صادق علیه السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود ای اهل عراق خبردار شدم که زنهای شما در راه و جاده‌ها با مردها برخورد می کنند آیا حیاء نمی کنید و غیرت ندارید که زنهای شما به بازار در آیند و با مردها مزاحمت کنند. و در حدیث دیگر دارد که فرمود خدا لعنت کند کسی را که غیرت نداشته باشد.

(۵۵) در کنز العمال ج ۶ ص ۷۹ فرمود زن حاکم نباید باشد.

(۵۶) در حدیث دیگر فرمود رستگار نشود گروهی که امورشان بدست زن باشد.

(۵۷) در حدیث دیگر فرمود رستگار نشود گروهی که اسناد بدهند امرشان را به زنی.

(۵۸) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۶۱۳ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود یکی از علامات خروج دجال آن است که زنهای منبر بروند و متشبه به مردها شوند و مردها متشبه به زنهای گردند، الخبر.

(۵۹) در البرهان متقی ص ۱۲۸ از حذیفه روایت کند زنی را در مسجد دمشق بگردانند و از این مجلس به آن مجلس بزنند در یک روز (یا در یک لباس) تا اینکه بیاید و روی زانوی سفیانی که در محراب نشسته بنشیند پس



مردی از مسلمانان اعتراض کند و بگوید وای بر شما آیا کافر شدید بعد از ایمانتان؟ این کار حرام است پس سفیانی بلند شود و گردنش را در مسجد دمشق بزند، و هرکس با او هم قول باشد او را بکشد، پس آن وقت است که منادی از آسمان ندا کند ای مردم خدا مدت حکومت ستمکاران را خلاص کرد، و بهترین امت محمد را برای شما به حکومت رسانید پس در مکه ملحق به او شوید که اوست مهدی اسمش (محمد بن عبدالله است).

(۶۰) در نهج البلاغه خطبه (۸۰) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ای گروه مردان، زنها ایمانشان ناقص است ارثهانشان ناقص است عقلهانشان ناقص است اما سبب اینکه ایمانشان ناقص است برای آن است که در حال حیض نماز و روزه ندارند. و اما سبب اینکه عقلشان ناقص است، برای آن است که شهادت دو زن بجای یک مرد قبول می شود و اما سبب اینکه ارثشان کم است برای آن است که نصف مرد ارث می برد، پس از زنهای بد پرهیزید و از نیکانشان در حذر باشید، در کارهای خوب اطاعت ایشان نکنید تا در کارهای زشت طمع نکنند. (۶۱) و در ذیل خطبه ۱۵۳ فرمود همت زنها زینت زندگانی دنیا و فساد کردن در آن است.

(۶۲) و در ذیل کتاب ۱۴ در جنگ صفین سفارش می فرماید که زنها را بواسطه اذیت و آزار به هیجان نیاورید اگرچه فحش دهند عرض و بزرگان شما را به جهت آنکه قوت نفس و عقل ایشان ضعیف است.

(۶۳) و در ذیل کتاب ۳۱ در وصیتش به فرزندش امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود پرهیز از مشورت کردن با زنها بجهت اینکه رای ایشان رو به ناتوانی است، و تصمیمشان رو به سستی است، و با حجاب خود چشمهای ایشان را از دیدن (نامحرمان) باز دار، پس بدرستیکه سخت گرفتن حجاب بیشتر موجب بقاء ایشان است، و نیست خارج شدن ایشان از منزل سخت تر از داخل کردن تو

بر ایشان کسی را که اطمینان به او نداری، و اگر بتوانی کاری کنی که غیر از تو را نشناسند بجای آور، و مسلط مکن زن را به آنچه مربوط به او نیست، زیرا که زن مثل ریحان است (خوش بو) نه کارفرما، الخ (جای این فرمایشات امروزه خالی است روغن نباتی نوشابه‌های گوناگون و گوشت یخ زده و جوهر عذره که بعنوان شیرینی خورد مردم می‌دهند غیرتی باقی نگذاشته اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین بحق محمد و آله)

(۶۴) در نهج السعاده ج ۳ ص ۱۱۷ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود گروه مردمان در هیچ حال اطاعت زنها را نکنید، و بر اموال خود ایشان را امین نکنید، امر عیال را واگذار ایشان نکنید، چون اگر زنها را به میل خود واگذار کنید به هلاکت می‌کشانند و از امر مالک تجاوز کنند، چون ما یافتیم ایشان را که در وقت حاجتشان ورع ندارند، و در وقت شهوتشان صبر ندارند، تکبر لازمه ایشان است، اگرچه پیر باشند، و عجب و خودنمائی چسبیده به ایشان است اگرچه عاجز باشند و احسان زیاد را شکر نکنند اگر از چیز کمی منعشان کنی هر خوبی را فراموش کنند، و هر بدی را یاد داشته باشند، سرعت به بهتان کنند و ادامه به طغیان دهند، متصدی شیطان باشند، پس در هر حالی مدارا کن ایشان را و نیکوئی کن با ایشان در گفتار شاید ایشان هم رفتارشان خوب شود.

(۶۵) در بحار ج ۱۸ ص ۳۵۱ از عیون اخبار رضا از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود من و فاطمه داخل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله شدیم پس یافتیم او را که گریه سختی می‌فرمود گفتم پدر و مادرم فدای شما چرا گریه می‌کنی؟ فرمود یا علی شبی که مرا به آسمان بردند دیدم زنهای امت من در عذاب سختی هستند پس ناخوش داشتم شأن ایشان را و گریان شدم برای سختی عذاب ایشان، زنی را دیدم به موی خود آویزان شده و دماغ سرش می‌جوشد، و زنی را دیدم که به زبانش آویزان است و آب گرم به حلقش ریخته می‌شود و زنی را دیدم به

پستانش آویزان است، و زنی را دیدم گوشت بدنش را می خورد، و از زیرش آتش شعله ور است، و زنی را دیدم دست و پاها بهم بسته و مارها و عقربها بجانش ریخته، و زنی را دیدم کر و کور و گنگ در تابوتی از آتش است و مغز سرش از بینی خارج می شود، و بدنش از اثر خوره و برص قطعه قطعه شده، و زنی را دیدم به پایش آویزان است در تنوری از آتش، و زنی را دیدم که جسدش را از جلو و عقب با مقراض آتشی قطعه قطعه می کنند و زنی را دیدم که صورت و دستهایش می سوزد و روده های خود را می خورد، و زنی را دیدم که سرش سر خنزیر و بدنش بدن خر بود و به هزار هزار عذاب معذب بود، و زنی را دیدم بصورت سگ و آتش از دبرش داخل می شود و از دهنش خارج می گشت و ملائکه با عمود آتشی به سر و بدنش می زدند.

پس حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد حبیبم و نور چشمم مرا خبر ده که عمل ایشان چه بود که خداوند اینطور عذاب به ایشان روا داشت؟ حضرت فرمود ای دختر من آنکه آویزان به مویش بود زنی بود که موهایش را از مردان نمی پوشانید، و آنکه به زبانش آویزان بود زنی بود که شوهرش را اذیت می کرد، و آنکه آویزان به پستانش بود زنی بود که مانع همخوابی با شوهرش بود، و آنکه به پایش آویزان بود زنی بود که بدون اجازه شوهرش از خانه بیرون می شد، و آنکه گوشت جسدش را می خورد زنی بود که آرایش می کرد برای مردم، و آنکه دستها و پاهایش بهم بسته بود و مارها و عقربها مسلط او بودند زنی بود که وضوئش نجس و لباسش نجس و غسل از حیض و جنابت نمی کرد و نظافت نداشت و نمازش را سبک می شمرد، و آنکه کور و کر و گنگ بود زنی بود که اولاد از زنا بهم می رسانید و به گردن شوهرش می انداخت، و آنکه صورت و دستش می سوخت و روده های خود را می خورد زنی بود جاکش (زن و مرد را جمع می کرد به حرام)، و آنکه سرش سر خنزیر و بدنش

بدن خر بود زنی بود سخن چین و دروغگو، و آنکه بر صورت سگ بود و آتش از دبرش داخل و از دهنش خارج می شد زنی بود آوازه خوان و نوحه خوان و حسود، پس از آن فرمود وای بر زنی که شوهرش را بغضب آورد و خوش بحال زنی که شوهرش از او راضی باشد.

(۶۶) در غیبت نعمانی ص ۲۳۹ امام باقر علیه السلام فرمود در زمان حضرت چنان علم داده شوند که زنها در خانه خود به کتاب خدا و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قضاوت کنند.

### ﴿ زندهای بنی هاشم ﴾

در بغداد حدیث ۳ گذشت.

### ﴿ زوراء ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم سید ص ۱۳۴ باب (۵۴) فرمود محل حکومت به زوراء برگردد، و امور به مشورت باشد هرکس به هرچه غلبه کرد آن را عمل کند آن وقت خروج سفیانی است که سوار کار می شود روی زمین و مدت نه ماه حکومت می کند و بدترین عذاب را به مردم بچشانند پس وای بر مصر و بغداد و کوفه و واسط گویا می بینم واسط را در حالتیکه خبر دهنده ای نیست که خبری را برساند و نزد آن خروج سفیانی است و طعام کم شود و قحطی مردم را فرو گیرد، و باران کم شود، و گیاه از زمین نروید و باران از آسمان نبارد، پس در آن وقت بیرون می آید مهدی آل محمد که راهنمائی کننده و راه یافته است و کسی است که پرچم را از دست عیسی علیه السلام می گیرد پس از آن خروج می کند دجال از میسان نواحی بصره پس می آید سفوان (که یک منزل است تا بصره) و می آید به سنم

(۱) بغداد و طهران را زوراء گفته اند.

(که بلندی ایست یا کوهیست نزدیک بصره) پس سحر و جادو می‌کند ایشان را و سحر می‌کند مردم را (و بنظر مردم می‌آورد) که ترید (نان و آب گوشت) است و حال آنکه اینطور نیست، از جهت گرسنگی و قحطی و این (فتنه) سخت است پس از آن طلوع کند آفتاب از مغرب خود آن وقت تا قیام ساعت چهل سال مانده است.

(۲) در ملاحم ص ۱۳۷ باب (۶۰) فرمود فتنه داخل شهر زوراء گردد، پس چقدر زیاد باشد مرد کشته شده و زن کشته شده و مال غارت زده و فرج حلال شده، خدا رحمت کند کسی را که در آن روز زنان بنی هاشم را جای دهد و نگاهداری کند که ایشان حرمت مند.

(۳) در ملاحم ص ۱۴۳ باب (۷۳) فرمود در زوراء باد سرخی بهیجان آید که مردم بترسند پس به علمائشان پناهنده شوند ناگاه ببینند ایشان بشکل بوزینه و خنزیر مسخ شداند و صورت‌هایشان سیاه و چشمانشان کبود گشته.

(۴) در روضه کافی حدیث (۱۹۸) حضرت صادق علیه السلام تمثل جست به شعر ابن ابی عقب:

وینحر بالزوراء منهم لدی الضحی  
ثمانون الفا مثل ما تنحر البدن  
یعنی در زوراء هشتاد هزار نزد چاشت سرهایشان بریده شود مثل قربانی کردن شتران پس فرمود می‌شناسی زوراء را؟ گفتم فدایت شوم می‌گویند بغداد است فرمود نه ری رفته‌ای؟ عرض کردم بلی فرمود بازار حیوان رفته‌ای؟ عرض کردم بلی، فرمود کوه سیاهی در دست راست جاده دیده‌ای؟ عرض کردم بلی، فرمود آنجا است زوراء، که کشته می‌شود در آنجا هشتاد هزار نفر که هشتاد نفر ایشان از اولاد فلان هستند که همه ایشان صلاحیت خلافت دارند، گفتم چه کس ایشان را می‌کشد؟ فرمود می‌کشد ایشان را اولاد عجم.

(۵) در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۶ فرمود برای قائم از ولد علی علیه السلام غیبتی است مثل

غیبت یوسف و رجعتی است مثل رجعت عیسی بن مریم پس از آن ظاهر شود با طلوع ستاره دیگر (با ستاره سرخ) و خراب شدن زوراء که ری باشد و فرو رفتن مزوره که بغداد باشد الخ.

(۶) در سفینه البحار ج ۱ ص ۵۶۷ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود سیزده<sup>(۱)</sup> صنف از امت جدم ما را دوست نمی‌دارند یکی از ایشان اهل شهری هستند که نامش زوراء است در آخر زمان بنا می‌شود که به خون ما استشفا می‌کنند و به بغض ما تقرب می‌جویند، و دشمنان ما را دوست می‌دارند، و جنگ با ما را واجب و کشتن ما را حتمی می‌دانند، الخبر.

(۷) در سفینه ج ۱ ص ۵۶۷ و مستدرک السفینه ج ۴ ص ۳۴۳ دارد که امام سجاد علیه السلام فرمود زمانیکه امیرالمؤمنین علیه السلام از جنگ خوارج برگشته بود عبورش به زوراء افتاد پس به مردم فرمود ای مردم اینجا زوراء است پس سیر کنید و دور شوید از آن بجهت آنکه خسف و فرو رفتن به این زمین سریعتر است از میخ در نخاله (یعنی سبوس).

(۸) در سفینه البحار ج ۱ ص ۵۶۷ و مستدرک السفینه ج ۴ ص ۳۴۳ دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه لؤلؤه‌اش<sup>(۲)</sup> خبر داده که شهری بنا می‌شود بین دجله و فرات آن را زوراء می‌گویند، اگر ببینی خواهی دید که بنا شده با گچ و آجر و زینت شده به طلا و نقره و لاجورد و مرمر و سنگ سفید نرم الخ.

(۹) و در سفینه از مستدرک نوری و مستدرک السفینه از روضات از علامه حلی رحمته الله روایت کرده که فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌اش فرموده (الزوراء

(۱) در بحار ج ۵ ص ۲۷۸ بسندی سیزده و بسندی شانزده صنف و در ج (۶۰) ص ۲۰۶ ایضا شانزده صنف نقل کرده و مرحوم مجلسی در جلد ۶۰ ص ۲۰۷ فرمود ممکن است احوال این بلاد (مذومه) تغییر کند بواسطه اختلاف زمانها و این روایت که مذمت می‌کند ناظر به آن زمان باشد.

(۲) خطبه لؤلؤه در بحار ج ۳۶ ص ۳۵۴ و ج ۴۱ ص ۳۱۸ و ص ۳۲۹ و ج ۵۰ ذکر شده مراجعه شود.

وما ادراک ما الزوراء) زوراء چه زورائی زمینی است صاحب درخت شوره گز، در آن بناهای بلند ساخته شود و ساکنین در آن زیاد باشند، بوده باشد برای آن خراب کننده‌ای و خزانهایست، و آنجا را اولاد عباس جایگاه خود قرار دهند و برای زینتشان مسکن قرار دهند بوده باشد برای ایشان خانه لهو و لعب و بسوده باشد در آن ستم ستمکار و ترس ترسناک و پیشوایان فاجر و فرماندهان فاسق و وزراء خائن، اولاد فارس و روم خدمتگذار ایشان باشند و امر به معروف نکنند وقتی بدانند و نهی از منکر نکنند وقتی منکر شمارند و اکتفا کنند مردان به مردان و زنان به زنان پس در آن هنگام غم سرتاپای ایشان را بگیرد و گریه طولانی داشته باشند پس وای بر اهل زوراء از ترک و ایشان گروهی باشند که حدقه چشمانشان کوچک و صورتها مثل سپر چکش خورده باشد لباسشان آهن باشد جوانان بی مو باشند پیشاپیش ایشان پادشاهی باشد از طرفی که پادشاهی به ایشان رسید (که خراسان باشد) جمهوری الصوت باشد صولت قوی داشته باشد و با همت عالی باشد بر هیچ شهری نگذرد مگر آنکه فتح کند و هیچ پرچمی بر علیه او برپا نشود مگر آنکه روبروی با شکست باشد پس وای بر کسی که با او مخالفت کند (این اوصاف را امیرالمؤمنین علیه السلام برای زوراء که بغداد باشد و بنی العباس و هلاکوبیان فرموده و تمام محقق شده)

و در طهران خواهد آمد که از مفضل سؤال شد از زوراء و اینکه زوراء شهریست در حوالی ری بنام تهران الخ رجوع شود.

(۱۰) در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۰ امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از ذکر وقایع فرمود این در وقتی است که بلاء به زوراء<sup>(۱)</sup> هجوم آورد و مصیبتها در عالم متصل باشد.

(۱۱) و در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۱ و چهره درخشان ج ۳ ص ۲۱۵ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود زود باشد احاطه کند در زوراء (بغداد) کسی که کافر

(۱) ممکن است طهران باشد و ممکن است بغداد باشد.

است از اولاد قنطور با اشرار چه اشراری و کفار چه کفاری که رحمت از قلبشان رفته، و آرزوها ایشان را وادار نموده که به مطلوب خود برسند، پس (اهل) ایکه<sup>(۱)</sup> را می‌کشد و پنهان شدگان را (پیدا کرده) اسیر کنند، و پسران را بکشند و زنان را زنده گذارند، الخ.

(۱۲) در البرهان متقی ص ۱۲۷ و در الامام المهدی ص ۱۹۷ از تذکره قرطبی از حدیفه از رسول خدا ﷺ روایت کند که در زوراء جنگی واقع شود، عرض کردند زوراء چیست؟ فرمود شهر است در مشرق بین نهرهائی، ساکن آن شوند شرار خلق خدا و ستمکاران از امت من به چهار بلا مبتلا شوند، به شمشیر و فرو رفتن به زمین و سنگباران و مسخ شدن (مسخ آنست که بشکل بوزینه و خنزیر درآیند)

(۱۳) در البرهان ص ۱۲۸ ذیل حدیثی دارد که لشکری سفیانی به عراق بفرستد، پس در زوراء صد هزار را بکشد الخ.

(۱۴) در بحار ج ۵۳ ص ۱۵ در ذیل حدیث مفضل حضرت صادق علیه السلام فرمود چنان خراب شود آن که مرور کننده‌ای از آنجا عبور کند و بگوید اینجا بود زوراء (یعنی بغداد یا طهران)

### ﴿ زید بن علی بن الحسین علیه السلام ﴾

در خروج کنندگان حدیث (۱۱ و ۱۲ و ۱۳) گذشت مراجعه کن.  
و کسی نگوید زید بن علی خروج کرد - در خروج کنندگان حدیث ۱۲ گذشت.

### ﴿ زیدیه ﴾

در کافی ج ۲ ص ۲۲۵ و غیبت نعمانی ص ۱۹۷ امام صادق علیه السلام فرمود باز

(۱) ایکه را بعضی تبوک و بعضی مدین دانسته‌اند. و بعضی (ایله) خوانده‌اند که مراد بصره باشد.



دارید زبان خود را و ملازم خانه خود باشید که بلاء خصوصی هرگز به شما نرسد (اگر کسی بگوید پس ما همین طور بنشینیم و توسری بخوریم دین از بین می رود حضرت جواب فرموده اند) همیشه زیدیه سپر شما هستند (چون ایشان را عقیده آنست که هرکس قائم به شمشیر باشد او امام است پس دائماً با مخالفین شیعه می جنگند و شما خود را به مهلکه نیمندازید کفی الله المؤمنین القتال)

در روضه کافی حدیث (۳۱۴) عبدالله بن مغیره از حضرت امام موسی امام هفتم علیه السلام سؤال می کند که من دو تا همسایه دارم یکی ناصبی و دیگری زیدی است و من ناچار باید با یکی از ایشان معاشرت کنم با کدام یک معاشرت کنم؟ فرمود هر دو یکسانند، کسی که یک آیه از قرآن را تکذیب کند بتحقیق که اسلام را پشت سر انداخته و جمیع قرآن را تکذیب کرده و جمیع انبیاء و مرسلین را دروغگو پنداشته، پس از آن فرمود ناصبی دشمن تو است و زیدی دشمن ما اهل بیت است (بعضی فرموده اند مراد از ناصبی سنی ها هستند که با شیعه دشمنی می کنند ولی زیدی ها با اهل بیت دشمنی می کنند که چرا نباید مثل زید بن علی قیام کنند و اگر کسی قیام کرد چرا نباید او را یاری کنند لذا با اهل بیت عداوت داشتند حکمشان را بخدا واگذار می کنیم)

در بحار ج ۵۳ ص ۱۶ در ذیل حدیث مفضل حضرت صادق علیه السلام فرمود چهل هزار زیدی که در اصحاب حسنی بودند با حضرت حجت بیعت نکنند و بعد از سه روز موعظه آنها را بکشند و با قرآن آنها که به هیکل دارند دفنشان کنند تا در قیامت بیشتر باعث حسرتشان شود (در حسنی گذشت مراجعه کن).

### ﴿ زیورک ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۴۰ از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد کدام مؤمن

زیرک است فرمود آنکه بیشتر بیاد مرگ و آماده مرگ باشد پیش از آنکه اجلش آید.

در روضه کافی ذیل حدیث ۳۹ و فقیه ج ۴ ص ۲۸۸ امام صادق علیه السلام از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود زیرک ترین زیرکها کسی است که پرهیزکار باشد. در کافی ج ۶ ص ۵۲ روایت شده که زیرکترین بچه ها آنهایی هستند که با مکتب و مدرسه عداوتشان سخت تر است.

در فقیه ج ۴ ص ۲۷۴ از امام هفتم علیه السلام سؤال شد زیرک ترین مردم کیست؟ فرمود کسی که بینا تر باشد بر مثل خود از گمراهیش پس میل به رشدش کند.

در فقیه ج ۴ ص ۲۸۲ از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود زیرک ترین مردم کسی که بیشتر در یاد مرگ باشد.

در مکارم الاخلاق ص ۵۴۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود ای اباذر زیرک کسی است که خود را دین دار کند و عمل کند برای بعد از مرگش الخ.

حتی کسانی که از زیرکی یک مورادو تا کنند ایشان هم خطا کنند الخ. در فتنه حدیث ۳۶ خواهد آمد.

### ﴿ زین ﴾

در دو چرخه و زنها حدیث ۶ و ۳۲ گذشت مراجعه کن. چه می فرمائید درباره کسانی که زین و ادوات آن را به شام حمل می کند الخ. در هدیه حدیث (۱۰) خواهد آمد.

### ﴿ سائل ﴾

سائل بکف نباشد اگر چه از گرسنگی بمیرد. در شیعه حدیث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ ساختمانهای آخر الزمان ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۷ فرمود یکی از اشراط ساعت (ظهور) آن است که چوپانها و گوسفند چرانها در بلند کردن ساختمان بهم افتخار کنند.

و در ص ۲۴۰ فرمود از اشراط ساعت است که بینی چوپانها رئیس مردم شوند، و بینی که پابرهنه‌ها و لختیها که گوسفند چران بودند در سخاتمان به همدیگر مباحات و فخر کنند الخ.

و در ص ۲۴۴ فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه بالا خانه‌ها بنا شود و در بلندی ساختمان افتخار نمایند.

### ﴿ سادات ﴾

سادات ذلیل شوند. در زمان حدیث ۵۵ گذشت.

### ﴿ ساعت ظهور و قیام قائم آل محمد ﷺ ﴾

(۱) (انّ بین یدی الساعة تسلیم الخاصة الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۰ فرمود پیش از ساعت ظهور سلام دادن اختصاص پیدا می‌کند به اشخاصی که می‌شناسند (و حال آنکه شرعا سلام دادن بر همه مستحب است بشناسی یا نشناسی) و منتشر شود تجارت بطوریکه نداند به کدام یک شروع کند، تا اینکه زن کمک کند شوهرش را بر تجارت و تا اینکه مرد مال التجاره خود را در اطراف زمین بگرداند پس برگردد و بگوید ربح نکردم چیزی را.

(۲) در حدیث دیگر فرمود (انّ بین یدی الساعة تسلیم الخاصة الخ) پیش از ساعت ظهور سلام دادن اختصاص پیدا می‌کند به اشخاصی که می‌شناسند و

منتشر شود تجارت حتی اینکه زن کمک کند شوهرش را بر تجارت و حتی اینکه قطع رحم شود و شهادت زور ظاهر شود، و شهادت حق کتمان گردد، و قلم (فرسائی) ظاهر شود.

(۳) (ان بین یدی الساعة ثلاث سنوات الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۳۰ فرمود پیش از ساعت ظهور سه سال آسمان باران خود را نگاه دارد سال اول یک ثلث باران و زمین هم یک ثلث نباتش را حبس کند، سال دوم آسمان دو ثلث باران و زمین دو ثلث گیاه را حبس کند، و سال سوم آسمان همه باران و زمین هم همه گیاهش را حبس کند، بطوریکه نه گاو و گوسفندی و نه اسبی باقی نماند الخ.

(۴) (ان بین یدی الساعة سنین خداعه الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۹ فرمود پیش از ساعت ظهور سالهائی باشد فریبنده و گول زن که متهم بشود در آن امین، و امین گردد خائن، و تصدیق شود دروغگو، و تکذیب شود راستگو، و سخن گوید در آن رویبضه عرض شد یا رسول الله رویبضه چیست؟ فرمود شخص سفیه در امور عامه مردم سخن گوید.

(۵) (ان بین یدی الساعة فتنا الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۹ فرمود پیش از ساعت ظهور فتنه‌هائی باشد مثل شب تار که صبح کند شخص در آن مؤمن و شب رسد کافر باشد، یا شب کند مؤمن باشد و صبح کند کافر گردد، بفروشنند گروهی اخلاق اسلامی خود را (یعنی از دین دست بردارند) برای متاع کمی از دنیا.

در حدیث دیگر فرمود بفروشنند دینشان را الخ.

(۶) (ان بین یدی الساعة فتنا الخ)

در کنز ص ۲۳۰ فرمود پیش از ساعت ظهور فتنه‌هائی باشد مثل پاره‌های شب تار، یا مثل پاره‌های دود سیاه، بمیرد قلب شخص مثل اینکه بدنش



ایشان هر جا ایشان بیتوته کنند و استراحت کند با ایشان هر جا ایشان استراحت کنند.

(۱۰) ان للساعة اعلاما الخ

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۴ به ابن مسعود فرمود بدرستیکه برای ساعت ظهور علامتها بیست و شرایطی آگاه باش یکی از علامتها و شرائط ساعت ظهور آن است که بچه‌ها موجب اذیت باشند و باران گرم بیارد، و قبض کنند و بگیرند اشرار گرفتنی.

ای ابن مسعود از علامتها و شرائط ساعت ظهور آن است که دروغ‌گو تصدیق شود و راستگو تکذیب گردد.

ای ابن مسعود از علامتها و شرائط ساعت ظهور آن است که خائن را امین، و امین را خائن دانند.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که با اشخاص دور و بیگانه وصلت کنند و از ارحام قطع کنند.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که منافقین هر قبیله‌ای بزرگان ایشان شوند، و بزرگ هر بازاری فجارشان باشند.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که مؤمن در هر قبیله‌ای ذلیل تر باشد از گوسفند کوچک.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که محرابها رازینت کنند و دلها را خراب نمایند، (حاج آقا حاضر است دویست هزار تومان به محراب مسجدی کمک کند ولی به خویشان فقیرش حاضر نیست دویست ریال بدهد چون اولی اسم دارد و دومی اسمی ندارد)

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که مردها به مردها اکتفا کنند (لواط کنند) و زنها به زنها (مساحقه نمایند)

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که اطراف مساجد چنان ساختمان شود که مساجد پنهان شوند و منبرها بلند گردد.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که خرابه‌ها آباد شود و آبادیها خراب گردد.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که آلت لهو و لعب و خوردن شراب ظاهر و علنی باشد.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که خمر و شراب بیاشامند.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که شرطی و پاسبان و غیبت کنندگان و چشمک زدن و در پیش رو عیب گویی کردن زیاد باشد.

ای ابن مسعود از علامتها و شرایط ساعت ظهور آن است که اولاد زنا زیاد باشد.

(۱۱) (ان من اشراط الساعة اخراب العامر الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۵ فرمود یکی از شرایط ساعت ظهور آن است که آبادیها را خراب کنند و خرابه‌ها را آباد کنند و بوده باشد جنگ فداء (یعنی حال جنگیدن نداشته باشند فدیة بدهند و خود را ذلیل کنند ولی جنگ نکنند) و مرد با امانتش بازی کند چنانچه شتر با شاخه درخت بازی می‌کند.

(۱۲) (ان من اشراط الساعة ان تقاتلوا اقواما الخ)

در ملاحم سید ص ۹۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که از شرایط ساعت ظهور آن است که شماها جنگ کنید با گروهی که صورتشان مثل سپر چکش خورده است و جنگ کنید با گروهی که کفش ایشان از مو باشد (راوی فرموده

اول را دیدم که ایشان ترک بودند (زمان هلاکو) دومی را دیدیم که از کردها هستند)

(۱۳) (ان من اشراط الساعة ان يتدافع الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که اهل مسجد همدیگر را دفع کنند و کسی را نیابند که با ایشان جماعت بخوانند.

(۱۴) (ان من اشراط الساعة ان يرفع العلم الخ)

و در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که برداشته شود علم و ظاهر شود جهل، و زنا فاش شود، و آشامیده شود خمر، و مردها بروند و زنها بمانند حتی اینکه پنجاه زن یک قیم داشته باشد.

(۱۵) (ان من اشراط الساعة ان يفشو المال الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۳۱ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که فاش و پراکنده شود مال و زیاد شود قلم (یعنی ارباب قلم) و فاش و پراکنده شود تجارت و ظاهر شود جهل، و بفروشد شخص متاع خود را پس بگوید خیر تا با تاجر بنی فلان مشورت کنم، و در طائفه بزرگ طلب نویسنده کنند و پیدا نشود.

(۱۶) (ان من اشراط الساعة ان يلتمس العلم عند الاصاغر)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که علم را از کوچک و خردسالان طلب کنند.

(۱۷) (ان من اشراط الساعة دخانا الخ)

در عقائد الامامیه ج ۳ ص ۳۱۵ و نوائب الدهور ج ۱ ص ۲۱۱ از مختصر تذکره ص ۲۵۰ از حدیقه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود از اشراط ساعت آن است که دودی چهل روز بین مشرق و مغرب را پر کند مؤمنین را شبه زکامی عارض شود و کفار بمنزله مستان باشند دود از بینی و گوش و چشم و دبرشان خارج شود.



(۱۸) (ان من اقترب الساعة ان تصلى الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۱ فرمود از علامات نزدیک ساعت ظهور آن است که پنجاه نفر نماز بخوانند ولی از هیچ یک قبول نشود.

(۱۹) (انها امارات الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۳۵ فرمود از علامات پیش از ساعت ظهور آن است که زود باشد مردی خسار ج شود (از منزل) پس برنگردد مگر آنکه کفش و تازیانه اش به او خبر دهد آنچه را اهل خانه اش بعد از او انجام داده اند.

(۲۰) (بین یدی الساعة عشر آیات الخ)

در کنز ص ۲۶۰ فرمود پیش از ساعت ظهور ده علامت است مثل مهره که در نخی باشد که اگر یکی از آنها سقوط کند مابقی پشت سر هم می آید که خروج دجال و نزول عیسی و فتح یاجوج و ماجوج و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و این وقتی است که ایمان نفع نداشته باشد (یعنی وقت توبه گذشته باشد)

(۲۱) (بین یدی الساعة فتن الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۵ فرمود پیش از ساعت ظهور فتنه هائست مثل پاره شب تاریک.

(۲۱) (تقوم الساعة والروم اکثر الناس)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۷ فرمود برپا شود ساعت ظهور و حال آنکه اکثر مردم را رومیها تشکیل دهند.

(۲۲) (تقوم الساعة يوم الجمعة الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۱ فرمود برپا شود ساعت (ظهور یا قبامت) در روز جمعه و نیست حیوانی جز آنکه در روز جمعه سرش را بالا گرفته از ساعت ترسناک است تا غروب آفتاب.

(۲۴) (تكون بين یدی الساعة ایام الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۱۵ فرمود بوده باشد پیش از ساعت روزگاری که علم برداشته شود، و جهل نازل شود، و زیاد شود در آن هرج، و هرج یعنی کشتار.  
(۲۵) (تکون بین یدی الساعة فتن الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۵ فرمود بوده باشد پیش از ساعت ظهور فتنه‌هایی که مثل پاره‌های شب تاریک باشد بطوریکه مرد صبح مؤمن باشد و شب کافر، و شب مؤمن باشد و روز کافر، گروهی دین خود را به چیز کمی از متابع دنیا بفروشنند.

(۲۶) (صلی بنا رسول الله صلی الله علیه و آله صلاة الصبح فلما قضی صلاته ناداه رجل متی الساعة الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۵۷ از علی علیه السلام روایت کند که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را با ما خواند و چون نماز تمام شد مردی صدا زد چه وقت است ساعت - تا آنجا که فرمود - هر وقت ائمه و رهبران ظلم کنند و ستاره شناسی را تصدیق کنند، و قضا و قدر را تکذیب کنند، و امانت را غنیمت دانند، و صدقه را زیان شمارن الخ.

(۲۷) (عشر بین یدی الساعة خسف الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۶۰ فرمود پیش از ساعت ظهور ده علامت است خسفی<sup>(۱)</sup> در مغرب، و خسفی در مشرق، و خسفی در جزیره العرب، و دود، و نزول عیسی بن مریم، و دجال، و دابة الارض<sup>(۲)</sup>، و یأجوج و مأجوج، و بادی که وزیدن گیرد و ایشان را به دریا ریزد، و طلوع آفتاب از مغربش باشد<sup>(۳)</sup>.

(۲۸) (عن الساعة فقال عند ایمان بالنجوم وتکذیب القدر)

(۱) خسف فرورفتن.

(۲) دابة الارض یعنی امیرالمؤمنین علیه السلام.

(۳) مراد طلوع امام زمان است.

در بحار ج ۵۲ ص ۱۸۸ از رسول خدا سؤال از ساعت ظهور شد فرمود وقتی که ایمان به ستاره آورند و تکذیب قدر کنند.

(۲۹) (لا تقوم الساعة الا على حثالة الناس)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۹۶ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۸ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور مگر بر اراذل مردم.

(۳۰) (لا تقوم الساعة الا على شرار الناس)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۹۴ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۲ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور مگر بر شرار مردم.

(۳۱) (لا تقوم الساعة الا نهارا)

در کنز ص ۲۴۱ فرمود برپا نشود ساعت ظهور مگر در روز.

(۳۲) (لا تقوم الساعة حتى تأخذ أمتي مأخذ الامم الخ)

در ملاحم سید ص ۱۳۱ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه امت من بگیرند روش کفار و قرنهای گذشته را و جب به و ذراع به ذراع (یعنی امت من در آن زمان بدون هیچ کم و زیادی روششان و کردارشان مثل کفار باشد و لباس همان لباس و خوراک همان خوراک و ساختمان همان ساختمان و مرکب همان مرکب و تربیت اولاد همان تربیت و چیزهاییکه شما بهتر از حقیر می دانید)

(۳۳) (لا تقوم الساعة حتى تتخذ المساجد طرقا الخ)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۴ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۸ از رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مسجدها را راه عبور و مرور قرار دهند، و تا اینکه مرد به مرد سلام کند بواسطه اینکه همدیگر را می شناسند (نه برای دستور اسلام) و تا اینکه زنها با شوهرشان تجارت کنند برای حرصی که بدنیا دارند و تا اینکه اسب و زن گران شود. (مثل امروزه که مهر زنان به میلیون و

قیمت اسب هم ده هزار تومان یا بیشتر رسیده) ولی پس از این ارزان شوند و تا قیامت گران نشوند.

(۳۴) (لا تقوم الساعة حتى تخرج نار من ارض الحجاز الخ)

در بخاری کتاب فتن ص ۱۸۲ و مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۳ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خارج شود آتشی در حجاز که از روشنی آن گردن شتران در (بصری) دیده شود (بصری) محلی است در شام و آتش سوزی چند سال قبل در منی مصداق روشن این حدیث است)

(۳۵) (لا تقوم الساعة حتى ترجعوا حرائین الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۵ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه برگردید و زراعت کنید و تا اینکه مردی قصد کند دختر نبطیه را<sup>(۱)</sup> ازدواج کند برای معیشتش و دختر عموی خود را ترک کند و نظر به او نکند.

(۳۶) (لا تقوم الساعة حتى ترضخ رؤوس اقوام الخ)

در کنز ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه کوبیده شود سرهای گروهی به ستارهائی از آسمان بواسطه حلال دانستنشان عمل قوم لوط را (یعنی لوط را حلال بدانند)

(۳۷) (لا تقوم الساعة حتى تضرب الیات نساء دوس الخ)

در بخاری کتاب فتن ص ۱۸۱ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۷ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه حرکت کند دنبه زنهای دوس (قبیله ابی هریره) بر ذی الخلصه (که اسم خانه ایست در خثعم بنام کعبه الیمانیه) و ذوالخلصة طاغیه دوس است که در جاهلیت عبادت می کردند (یعنی ایشان از دین برگردند بر بت پرستی و اطراف آن خانه که ذی الخلصه است

(۱) نبط طائفه‌ای هستند صحرائین.

طواف کنند (چنانچه از شرح کرمانی مفهوم می شود)

(۳۸) (لا تقوم الساعة حتی تطلع الشمس من مغربها الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۶ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خورشید از طرف مغرب طلوع کند (مراد طلوع امام زمان علیه السلام است از مکه) و چون طلوع کند از مغرب و مردم ببینند او را همه ایمان آورند و این وقتی است که اگر قبلا ایمان نداشته اند ایمان فعلی ایشان نفعی ندهد.

(۳۹) (لا تقوم الساعة حتی تظھر نار بارض الحجاز الخ)

در ملاحم سید ص ۱۵۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه ظاهر شود آتشی در زمین حجاز که از روشنی آن گردن شتران در بصری (نام شهریست در شام) دیده شود.

(۴۰) (لا تقوم الساعة حتی تعود ارض العرب مروجا وانهار الخ)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۷۷ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۹ و ص ۲۳۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه برگردد زمین عرب به یک زمین پر آب و علفی که حیوانات هر جا خواسته باشند چرا کنند، و تا اینکه سواره سیر کند بین عراق و مکه و از هیچ نترسد مگر گم کردن راه را، و تا اینکه هرج زیاد شود، گفتند یا رسول الله هرج چیست؟ فرمود کشتار.

(۴۱) (لا تقوم الساعة حتی تفتح خزائن الخ)

در کنز العمال ج ۱ ص ۳۱ فرمود برپا نشود ساعت مگر وقتی که فتح شود خزینه های کسری و قیصر.

(۴۲) (لا تقوم الساعة حتی تفتح مدینة هرقل الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۶۰۳ فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه فتح شود شهر هرقل قیصر و اذان بگویند در آن اذان گویان و مالها در آن با سپر تقسیم شود الخبر (هرقل اسم پادشاه روم است و قیصر لقب اوست).

(۴۳) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا الترك الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۵ و مستدرک ج ۴ ص ۴۷۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه با ترک بجنگید آن ترکی که چشمان کوچک و صورت سرخ و بینی پهن دارند مثل اینکه صورتشان سپر چکش خورده است. (در زمان هلاکو واقع شده)

(۴۴) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا خوزا و کرمان الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۵ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگید با خوز و کرمان از عجمها که صورت سرخ و بینی پهن و چشمان کوچک دارند مثل اینکه صورتشان سپر چکش خورده است و کفشهای ایشان از مو است.

(۴۵) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا قوما دلف الانف الخ)

در ملاحم شید ص ۹۴ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه جنگ کنید با گروهی که بینی پهن و چشمان کوچک داشته باشند مثل اینکه صورتشان سپر چکش خورده است.

(۴۶) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا قوما صغار الاعین الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۶ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگید با گروهی که چشمان کوچک و صورت پهن دارند مثل اینکه چشمانشان چشم ملخ است و مثل اینکه صورتشان سپر چکش خورده است کفشهای از مو دارند و سپرهای محکم با خود دارند تا وقتی که اسبهای خود را به خرما ببندند (کنایه از اینکه عراق را در تصرف خود درآورند مثل زمان هلاکو)

(۴۷) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا قوما کان وجوههم الخ)

در ملاحم ص ۹۴ و کنز ص ۲۴۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگید با گروهی که صورتشان مثل سپر چکش خورده است.

(۴۸) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا قوما نعالهم الشعر)

در ملاحم ص ۹۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگید با گروهی که کفشهایشان از مو است .

(۴۹) (لا تقوم الساعة حتى تقاتلوا اليهود الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه با یهود مقاتله کنید تا اینکه سنگی که پشتش یهودی پنهان شده بگوید ای مسلمانان این یهودی پشت من پنهان شده بکش او را .

(۵۰) (لا تقوم الساعة حتى تقتل فئتان عظيمتان الخ)

در بخاری کتاب فتن ص ۱۸۳ از رسول خدا است که فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه دو طائفه بزرگ با هم بجنگند و کشتار زیادی بین ایشان واقع شود که ادعای هر دو یکی باشد، و تا اینکه قریب سی نفر دروغگو برانگیخته شوند و هر یکی گمان کند او رسول الله است، و تا اینکه علم گرفته شود و زلزله زیاد گردد و زمانها نزدیک شوند، و فتنه ظاهر شود، و هرج که کشتار باشد زیاد گردد، و در بین شما مال زیاد شود، بطوریکه روان گردد، و حتی اینکه صاحب مال قصد کند صدقه بدهد و کسی از او قبول نکند، و حتی اینکه مردم در ساختمان گردن کشی کنند، و حتی اینکه مردی عبورش به قبری افتد و بگوید ای کاش من بجای او بودم، و حتی اینکه آفتاب از مغربش طلوع کند و چون طلوع نمود و مردم آن را دیدند همه ایمان آورند، ولی آن وقت ایمان نفعی ندهد چون قبلا ایمان نداشته اند الخ .

(۵۱) (لا تقوم الساعة حتى تقتلوا امامكم الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگید با امام خود (مثل جنگهایی که با امیرالمؤمنین علیه السلام کردند) و اختلاف کنید با شمشیرهای خود در نتیجه دنیای شما بدست بدترین شما افتد .

(۵۲) (لا تقوم الساعة حتى تكلم السباع الانسان الخ)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۶۷۴ و کنز ص ۲۱۲ رسول خدا ﷺ فرمود  
قسم به کسی که جانم در دست اوست برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه حیوانات  
درنده با انسان بسخن آیند. و حتی اینکه بند تازیانه و کفش با انسان سخن گوید  
و او را خبردار کند به آنچه بعد از او اهلش بجای آورند.

(۵۳) (لا تقوم الساعة حتى تكون عشر آيات الخ)

در مستدرک ج ۴ ص ۲۸۴ از رسول خدا ﷺ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۶۱  
فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه ده علامت ظاهر شود: خسفی در  
مشرق، و خسفی در مغرب، و خسفی در جزیره العرب، و دجال، و دود، و  
نزول عیسی، و یاجوج و ماجوج، و جنبنده که دابة الارض باشد، و طلوع  
آفتاب از مغربش، و آتشی که از ته عدن خارج شود که مردم را به محشر سوق  
دهد جمع کند ذر و مور را.

(۵۴) (لا تقوم الساعة حتى تلحق قبائل الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه چند  
قبیله از امت من ملحق به مشرکین شوند، و تا اینکه بتها پرستش شوند، و زود  
است که بوده باشد در امت من سی نفر دروغ گو که همه گمان کنند که او پیغمبر  
است و حال آنکه من خاتم انبیاءم و پیغمبری بعد از من نیست.

(۵۵) (لا تقوم الساعة حتى تملأ الارض ظلما الخ)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۵۷ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت  
ظهور مگر وقتی که زمین پر شود از ظلم و جور و دشمنی پس مردی از اهل بیت  
من خارج شود و پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.

(۵۶) (لا تقوم الساعة حتى تناكر القلوب الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه دلها با هم



دشمن باشند، و گفتارها مختلف باشد، و برادر پدر و مادری با هم در دین مختلف باشند.

(۵۷) (لا تقوم الساعة حتى تنصب الاوثان الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بتها منصوب گردد (شاید مراد مجسمه‌ها باشد که در شهرها متداول بوده و هست) و اول کسی که نصبش کرده اهل قلعه‌ای بوده از تهامه.

(۵۸) (لا تقوم الساعة حتى تنفي المدينة شرارها)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مدینه بدهایش را از خود دور سازد.

(۵۹) (لا تقوم الساعة حتى لا يبقى على وجه الارض الخ)

در مستدرک ج ۴ ص ۴۹۵ و کنز ج ۴ ص ۲۴۷ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه باقی نماند روی زمین کسی که خدا به او حاجتی داشته باشد، و حتی اینکه با زن در روز علنی در وسط راه زنا کنند و احدی انکار نکند و تغیر ننماید، و خوبها که مثل عمر و ابوبکر باشند در بین شما بگویند کمی از از وسط راه کنار شود (و اینطور که شنیده شده در خارج از ممالک اسلامی این کار عملی شده و الحمد لله که فرمایش پیغمبر اسلام بعد از هزار و چهارصد سال مصداق پیدا کرده)

(۶۰) (لا تقوم الساعة حتى لا يحج البيت)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۳ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه حج خانه خدا نشود.

(۶۱) (لا تقوم الساعة حتى لا يعبد الله في الارض قبل ذلك بمائة سنة)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه از صد سال قبل خدا عبادت نشود.

(۶۲) (لا تقوم الساعة حتى لا يقال في الارض الله الله)

در مستدرک ج ۴ ص ۴۹۴ و ص ۴۹۵ و کنز ص ۲۲۲ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود (ساعت ظهور) تا اینکه گفته نشود در زمین خدا خدا.

(۶۳) (لا تقوم الساعة حتى لا يقال في الارض لا اله الا الله)

در مستدرک ص ۴۹۴ و ص ۴۹۵ رسول الله ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه گفته نشود در زمین لا اله الا الله.

(۶۴) (لا تقوم الساعة حتى يأخذ الله شريطه من اهل الارض الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۷ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خداوند خوبها را از اهل زمین بگیرد، پس باقی مانند احمقها که نه معرفی را شناسند و نه منکری را.

(۶۵) (لا تقوم الساعة حتى يبعث دجالون الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۰۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه برانگیخته شوند دجالها نزدیک به سی نفر که همه گمان کنند او رسول الله است.

(۶۶) (لا تقوم الساعة حتى يتباهى الناس في المساجد)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۲ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مردم در مسجدها با هم مباحات و فخر کنند.

(۶۷) (لا تقوم الساعة حتى يتسافد الناس الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۶ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مردم مثل بهائم در راهها روی هم روند (ولواط یا زنا کنند)

(۶۸) (لا تقوم الساعة حتى يتغابر على الغلام كما يتغابر على المرأة الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بر پسران رشک برند چنانچه بر زنان رشک برند.

(۶۹) (لا تقوم الساعة حتى يتقارب الزمان الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۰۲ و ص ۲۲۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه زمانها نزدیک شوند پس سال مثل ماه شود، و ماه مثل هفته شود، و هفته مثل یک روز شود، و روز مثل ساعت باشد، و ساعت مثل آتش زدن هیزم باشد.

(۷۰) (لا تقوم الساعة حتى يجتمع كل مؤمن بالكوفة)

در غیبت طوسی ص ۲۷۳ دارد که برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه همه مؤمنین در کوفه جمع شوند.

(۷۱) (لا تقوم الساعة حتى يجعل كتاب الله عارا الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه کتاب خدا (قرآن) عار باشد، و اسلام غریب باشد، و دشمنی بین مردم ظاهر شود، و علم گرفته شود، و زمانه پیر کند، و عمر بشر کوتاه باشد، و کم می شود چهارپایان و ثمرات، و متهمین امین می شوند، و امناء متهم می شوند، و دروغگو تصدیق می شود، و راستگو تکذیب می گردد، و قتل و کشتار زیاد می شود، و بالاخانه ها بناء می شود، و در بلندی از هم سبقت می گیرند، و صاحبان اولاد محزون می شوند، و بی بچه ها خوشحال می گردند، و زنا (و یا ظلم) و حسد و بخل زیاد شود، و مردم هلاک شوند، و متابعت هوی کنند، و به ظن قضاوت و حکم کنند (و حال آنکه بغیر علم قضاوت نمی توان کرد) و باران زیاد باشد ولی ثمره کم باشد، و علم کم داده شوند، و جهل زیاد، و بچه موجب آزار و اذیت رسان باشد، و زمستان گرم باشد (که خود بلائی است) و تا اینکه فحشاء و منکرات آشکار باشد، و زمین گرفته شود گرفتنی، و برپا خیزند خطباء به دروغ گفتن و حق مرا قرار دهند برای شرار امت من، پس هرکس ایشان را تصدیق کند و راضی باشد بوی بهشت را نشنود.

(۷۲) (لا تقوم الساعة حتى يحسر الفرات عن جبل من ذهب الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۳ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه کشف

شود در فرات کوهی از طلا که کشته شوند مردم برای خاطر آن از هر صد نفر نود و نه نفر پس هر مردی بگوید شاید من نجات یابم.

و احادیثی به این مضمون در طلا و فرات خواهد آمد انشاء الله.

(۷۳) (لا تقوم الساعة حتى يحمل الرجل الخ)

در کنز العمال ج ۱ ص ۳۱ فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه مردی یک همیان مال بردارد و دور زند و کسی را پیدا نکند که آن مال را قبول کند پس بر زمین زند و بگوید ای کاش نبودى ای کاش خاک بودى.

(۷۴) (لا تقوم الساعة حتى يخرج رجل من قحطان يسوق الناس بعصاه)

در بخاری کتاب فتن ص ۱۸۲ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خارج بشود مردی از قحطان<sup>(۱)</sup> که مردم را با عصایش سوق دهد.

(۷۵) (لا تقوم الساعة حتى يخرج قوم يأكلون بالسنتهم كما يأكل البقر بالسنتها)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۵ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خارج شوند گروهی که با زبانشان چیزی خورند چنانچه گاو با زبانش می خورد.

(۷۶) (لا تقوم الساعة حتى يخرج الناس من المدينة الى الشام يبتغون الصحة)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خارج شوند مردم از مدینه بسوی شام بروند برای طلب صحت (و هواخوری)

(۷۷) (لا تقوم الساعة حتى يخرج نحو من ستين كذابا كلهم يقولون انا نبي)

در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۹ و غیبت طوسی ص ۲۶۶ از رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه خارج شوند شصت نفر دروغگو و همه بگویند من پیغمبرم.

(۷۸) (لا تقوم الساعة حتى يدبر الرجل خمسين امرأة)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه تدبیر پنجاه زن بدست یک مرد باشد.

(۷۹) (لا تقوم الساعة حتى يدل الحجر على الرجل اليهودي الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۵ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه سنگ راهنمایی کند بر مرد یهودی ... و بگوید ای بنده خدا این همان است که طلبش می کردی.

(۸۰) (لا تقوم الساعة حتى يذهب الحياء من الصبيان والنساء الخ)

در بحار ج ۶ ص ۳۱۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت (ظهور) تا حياء از بچه ها و زن ها برود، الخ.

(۸۱) (لا تقوم الساعة حتى يسوق الناس رجل من قحطان)

در الامام المهدي ج ۱ ص ۶۴ از کتاب (بدء والتاريخ) ابی زید ص ۱۸۳ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه سوق دهد مردم را مردی از قحطان.

(۸۲) (لا تقوم الساعة حتى يسيل واد من اودية الحجاز بالنار الخ)

در ملاحم سيد ص ۱۵۹ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه روان شود بیابانی از بیابانهای حجاز به آتش که روشنائی دهد بسبب آن گردن شتران در بصری (شهریست در شام) در آتش گذشت اخبار این باب.

(۸۳) (لا تقوم الساعة حتى يظفر الفاجر الخ)

در بحار ج ۶ ص ۳۱۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بلند پروازی کند فاجر و عاجز شود منصف، و مقرب شود بی حياء، و عبادت را استطاله دانند بر مردم، و صدقه را غرامت دانند و امانت را غنیمت شمارند، و نماز با منت بخوانند.

(۸۴) (لا تقوم الساعة حتى يظهر الفحش والبخل الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۲ فرمود قسم به کسی که جانم بدست اوست برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه ظاهر بشود فحش و بخل و خیانت کند امین، و مؤتمن شود خائن، و هلاک شود و عول و ظاهر گردد تحوت، گفته شد و عول کیست و تحوت چیست؟ فرمود و عول وجوه مردم هستند و تحوت کسانی که زیر پای ایشان بودند (یعنی مردمان حساسی از بین می‌روند و مردمان بی‌اعتبار روی کار می‌آیند)

(۸۵) (لا تقوم الساعة حتى يظهر الفحش والتفحش الخ)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۱۳ فرمود قسم به کسی که جان محمد بدست اوست برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه ظاهر شود فحش و طلب کننده فحش و بد همسایگی و قطع رحم و تا اینکه خیانت کند امین و امین دانند خائن را الخیر.

(۸۶) (لا تقوم الساعة حتى يعز الله فيه ثلاثا)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه عزیز کند خداوند در آن سه چیز را، یکی درهم حلال، و دیگری علم نافع، و سوم برادری که برای خدا باشد.

(۸۷) (لا تقوم الساعة حتى يغلب اهل القفیز علی قفیزهم الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه غلبه کرده شود اهل قفیز بر قفیزشان، و اهل مد (وزن خاص است) بر مدشان، و اهل کیل بر کیلشان، و اهل دینار بر دینارشان، و اهل درهم بر درهمشان، و برگردانند مردم را به بلادشان (شاید یکی از مصادیق این حدیث در همین زمان ما باشد که ایرانیهای ساکن عراق را اموال و هستی ایشان را گرفتند و به بلادشان برگردانیدند)

(۸۸) (لا تقوم الساعة حتى يفتح الله علی المؤمنین الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۰ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه فتح کند خدا

برای مؤمنین قسطنطنیه و رومیه را بواسطه تسبیح و تکبیر (سبحان الله و الله اکبر گفتن)

(۸۹) (لا تقوم الساعة حتی یقاتل المسلمون الترك الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۵ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگند مسلمانان با ترک و آنها گروهی هستند که صورتهایشان مثل سپر چکش خورده است لباس و پاپوش ایشان مو است.

(۹۰) (لا تقوم الساعة حتی یقاتل المسلمون اليهود الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بجنگند مسلمانان با یهود و ایشان را بکشند تا اینکه یهود می آید پشت سنگ یا درختی پنهان می شود، سنگ و درخت بنطق آیند و بگویند ای مسلمان و ای بنده خدا، این یهودیست پشت من مخفی شده بیا او را بکش، مگر درخت (غرقد) که آن از درخت یهود است.

(۹۱) (لا تقوم الساعة حتی یقبض العلم الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۰۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه گرفته شود علم و زیاد شود زلزله ها، و نزدیک شود زمان، و ظاهر شود فتنه ها، و زیاد شود هرج یعنی کشتار.

(۹۲) (لا تقوم الساعة حتی یقتل فتنان الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۰۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه دو طائفه بزرگ همدیگر را بکشند و حال آنکه ادعای هر دو یکی باشد (هر دو مسلمان باشند مثل جنگ صفین)

(۹۳) (لا تقوم الساعة حتی یقتل الرجل اخاه)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۳۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مرد برادر خود را بکشد.

(۹۴) (لا تقوم الساعة حتى يقوم قائم الحق الخ)

در دلائل الامامه طبری ص ۲۴۰ و بحار ج ۵۱ ص ۶۵ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه قائم بحق قیام کند و این وقتی است که خداوند به او اذن دهد کسی که متابعت او کند نجات یابد و کسی که تخلف کند هلاک شود الله الله ای بندگان خدا بروید بطرف او ولو با سینه از روی بیخ باشد که او خلیفه خدا و خلیفه من است.

(۹۵) (لا تقوم الساعة حتى یكثر فیکم المال الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۰۴ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه زیاد شود در شما مال و مثل آب جاری شود و صاحب مال قصد کند صدقه بدهد و کسی از او قبول نکند و بگوید محتاج نیستم.

(۹۶) (لا تقوم الساعة حتى یكثر الهرج قیل وما الهرج؟ قال القتل)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه زیاد شود هرج، گفته شود هرج چیست؟ فرمود قتل و کشتار.

(۹۷) (لا تقوم الساعة حتى یكون الزهد رواية والورع تصنعاً)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۲۳ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه زهد روایت و سخنی باشد و ورع تصنعی باشد (یعنی به تکلف خود را به ورع دارد)

(۹۸) (لا تقوم الساعة حتى یكون السلام علی المعرفة الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۲۴۶ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بوده باشد سلام بر حساب شناسائی (یعنی هرکس را بشناسد سلام دهد خدا منظور نباشد) و تا اینکه مسجدها را راه عبور و مرور قرار دهند و برای خدا سجده در آن نشود، و تا اینکه کودکی پیرمردی را قاصد و پستیچی قرار دهد بین مغرب و مشرق، و تا اینکه تاجر مشرق و مغرب را ببیند و ربی بدست نیاورد.

(۹۹) (لا تقوم الساعة حتى یكون الولد غیظاً و یفیض الایام فیضا الخ)



در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه بوده باشد بچه موجب اذیت و روزگار مثل آب جریان داشته باشد، و اشخاص شریف خشمگین شوند. و کوچکان به بزرگان جرأت جسارت داشته باشند، و اشخاص پست جرأت بر اشخاص کریم پیدا کنند.

(۱۰۰) (لا تقوم الساعة حتى يلتمس رجل من اصحابي كما تلتمس الضالة

فلا يوجد)

در کنز ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه طلب کنند مردی از اصحاب من را مثل اینکه گمشده را طلب می کنند پس پیدا نکنند (یعنی وقتی قدر اصحاب من دانسته شود که احدی از ایشان باقی نمانده باشد)

(۱۰۱) (لا تقوم الساعة حتى يلي اثنا عشر اميرا يعني من قریش)

در ملاحم ص ۱۲۲ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه

بیایند پی در پی دوازده امیر (یعنی از قریش)

(۱۰۲) (لا تقوم الساعة حتى يلي (الناس) رجل من اهل بيتي يواطىء اسمه

اسمي)

در فرائد السمطين ج ۲ ص ۳۲۷ از عبدالله از رسول خدا ﷺ روایت کند که

برپا نشود ساعت تا وقتی که حکومت کند مردم را مردی از اهل بیت من که اسمش موافق اسم منست.

(۱۰۳) (لا تقوم الساعة حتى يمر الرجل بقبر الرجل فيقول يا ليتني مكانه)

در بخاری کتاب فتن ص ۱۸۱ و کنز ج ۱۴ ص ۲۲۳ فرمود برپا نشود ساعت

ظهور تا اینکه مرور کند مردی به قبر مردی و بگوید کاش من بجای تو بودم.

(۱۰۴) (لا تقوم الساعة حتى يمطر الناس مطرا لا تكن منه الخ)

در کنز ص ۲۴۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مردم را بارانی رسد

که خانه‌های گلی ایشان را نگاه ندارد، و نگاه داشته نشود از آن باران مگر خانه‌های موئی.

(۱۰۵) (لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجل من الموالی يقال له جهجاه)

در کنز ص ۲۴۸ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مالک شود مردم را مردی از غلامان که او را جهجاه گویند (در جیم گذشت رجوع شود)

(۱۰۶) (لا تقوم الساعة حتى ينزل عیسی الخ)

در کنز ج ۱۴ ص ۳۳۷ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه عیسی بن مریم نازل شود و حاکمی باشد با عدالت، و امامی باشد عادل، صلیب را بشکنند و خنزیر را بکشند و فراوان شود مال بطوریکه دیگر کسی آن را قبول نکند.

(۱۰۷) (لا تقوم الساعة على احد يقول لا اله الا الله)

در کنز ص ۲۴۴ فرمود برپا نشود ساعت بر احدی که بگوید لا اله الا الله.

(۱/۱۰۷) (عن البهائی فی کشکوله: قال النبی ﷺ: لا تقوم الساعة على

أمتی حتى یخرج قوم منهم یحلقون للذکر واسمهم الصوفیة هؤلاء لیسوا بأمتی بل إنهم یهود أمتی یرفعون أصواتهم بالذکر یظنون انهم على طریق الابرار بل اضلّ من الکفار لهم شهقة کشهقة الحمار وقولهم کقول الابرار وعملهم عمل الفجار، هم ینازعون العلماء لیس لهم ایمان وهم معجبون بأعمالهم لیس لهم من عملهم إلا التعب)

از کشکول مرحوم شیخ بهائی نقل شده که پیغمبر ﷺ فرمود ساعت ظهور برپا نشود مگر وقتی که جماعتی خروج کنند که دور هم جمع شده‌اند برای ذکر گفتن و اسمشان صوفیه است ایشان امت من نیستند بلکه ایشان یهود امت من هستند صداهاى خود را بلند می‌کنند به ذکر گفتن و خیال می‌کنند ایشان به راه خوبان رفته‌اند، بلکه ایشان گمراه‌تر از کفارند، برای ایشان صدائیست مثل صدای خر، و گفتارشان گفتار خوبان است و عملشان عمل فجار، با علماء نزاع

کنند، نباشد برای ایشان ایمانی، بعمل خود تکبر کنند، و از عمل خود جز رنج و تعب چیزی نداشته باشند.

و در زمان حدیث ۶۳ مناسب مقام گذشت.

«(۱۰۸) (لا تقوم الساعة علی رجل یقول لا اله الا الله ویامر بالمعروف وینهی عن المنکر)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۹۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۴ فرمود برپا نشود ساعت بر مردی که بگوید لا اله الا الله و امر به معروف و نهی از منکر کند.

(۱۰۹) (لا یقوم الساعة حتی یملک الارض رجل من الخ)

در فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۲۴ از ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه مالک شود زمین را مردی از اهل بیت من که پیشانی گشاده و بینی کشیده دارد، پر کند زمین را از عدل همانطوریکه پر شده بود از ظلم تا هفت سال.

(۱۱۰) (لا یقوم الساعة حتی یملک رجل من اهل بیتی الخ)

در فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۱۸ از ابی هریره از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت تا مالک شود مردی از اهل بیت من فتح کند قسطنطنیه و دیلم را و اگر باقی نماند مگر یک روز خداوند آن را طولانی کند تا آنجا را فتح کند.

(۱۱۱) (لا یقوم القائم حتی تفقأ عین الدنیا الخ)

در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۶ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود برپا نشود قائم تا اینکه چشم دنیا را کور کند و ظاهر شود سرخی در آسمان و آن اشک چشم ملائکه است که حمله عرش اند بر اهل زمین.

(۱۱۲) (لن تقوم الساعة حتی یسود کل قبيلة منافقوها)

در کنز ص ۲۱۹ فرمود هرگز برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه منافقین هر قبيله و فامیلی بزرگ ایشان گردد.

(۱۱۳) (من اشراط الساعة انتفاخ الاهلة)

در ملاحم سید ص ۱۶۰ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود از شرائط ساعت ظهور آن است که اول ماه باد کرده باشد و درشت دیده شود.

(۱۱۴) (من اشراط الساعة ان ترى الرعاه رؤوس الناس الخ)

در کنز ص ۲۴۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که ببینی چوپانها رئیس مردم شده‌اند.

(۱۱۵) (من اشراط الساعة ان يؤتمن الخائن ويخون الامين)

در کنز ص ۲۴۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که خائن را امین دانند و امین را نسبت به خیانت دهند.

(۱۱۶) (من اشراط الساعة ان يملك من ليس أهلاً الخ)

در کنز ص ۲۴۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور آن است که مالک شود کسی که اهلیت نداشته مالک گردد و اشخاص پست بلند شوند و اشخاص بلند پست گردند.

(من اشراط الساعة دخانا الخ) تقدم (ان من اشراط الساعة دخانا الخ).

(۱۱۷) (من اشراط الساعة سوء الجوار الخ)

در کنز ص ۲۴۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور بدرفتاری با همسایگان، و قطع ارحام، و معطل نمودن شمشیرها از جهاد، و صید کردن دنیا است بدین.

(۱۱۸) (من اشراط الساعة الفحش والتفحش الخ)

در کنز ص ۲۲۰ و ص ۲۴۰ فرمود از شرایط ساعت ظهور فحش دادن و فحش شنواییدن، و قطع رحم و خائن دانستن امین، و امین دانستن خائن است.

(۱۱۹) (من اشراط الساعة كثرة القراء الخ)

در تحف العقول ص ۴۱ فرمود از اشراط ساعت (ظهور) است که قراء و

خوانندگان زیاد باشند و فقهاء کم و امراء زیاد باشند و امناء کم، و باران زیاد باشد و نباتات کم.

(۱۲۰) (من اعلام الساعة ان يكون الولد غيظا والمطر قيظا الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۱ فرمود از علائم ساعت ظهور آن است که بچه موجب آزار و اذیت باشد، و باران گرم بیارد، و اشرار بجریان افتند، و دروغگو تصدیق و راستگو تکذیب شوند، خائن را امین و امین را خائن دانند، و منافقین هر فامیلی و فجار هر بازاری بزرگ شوند و آقائی کنند، پس محرابها را زینت کنند و دلها را خراب نمایند، و مردها به مردها اکتفا کنند و زنها به زنها (مردها بواسطه لواط و زنها بواسطه مساحقه) و آبادیهای دنیا خراب شود و خرابیهای آن آباد گردد، و بدگمانی و رباخواری ظاهر شود، و آلت لهو (و کبول<sup>(۱)</sup>) و شرب خمر ظاهر شود، و پاسبان و اشاره کنندگان به گوشه چشم و غیبت نمودن زیاد شود.

(۱۲۱) (من اقتراب الساعة اذاكثر خطباء منابركم الخ)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۱ فرمود از (علامات) نزدیکی ساعت ظهور وقتی است که خطباء منبری شما زیاد باشند، و علماء شما اتکاء به سلاطین شما داشته باشند پس حلال کنند برای ایشان حرام را، و حرام کنند برای ایشان حلال را، پس فتوا دهند ایشان را به آنچه می خواهند، و یاد بگیرند علماء شما برای اینکه دنانیر و دراهم شما را حلال کنند، و قرآن را اسباب تجارت خود بگیرند.

(۱۲۲) (من اقتراب الساعة ان يري الهلال قبلا<sup>(۲)</sup> الخ)

(۱) و کبول از کبل به معنای پوستین و قید بزرگ که بر پای زندانی نهند آمده، کدام مراد است خدا می داند.

(۲) قبلا ای ساعة ما يطلع لعظمه ووضوحه من غير ان يتطلب. (النهاية)

در کنز ص ۲۲۰ فرمود از (علامات) نزدیکی ساعت ظهور آن است که هلال دیده شود در ساعت طلوعش بواسطه بزرگی و روشنی آن، پس گفته شود دو شبه است، و دیگر آنکه مساجد را راه قرار دهند، و دیگر آنکه موت فجاءه ظاهر شود.

(۱۲۳) (من اقتراب الساعة كثرة القطر الخ)

در کنز ص ۲۲۰ فرمود از (علامات) نزدیکی ساعت ظهور آن است که باران زیاد باشد و گیاه کم، و خواننده زیاد باشد و فقهاء کم، و فرمانده زیاد باشد و امناء کم.

(۱۲۴) (من اقتراب الساعة هلاك العرب)

در کنز ص ۲۲۰ فرمود از (علامات) نزدیکی ساعت ظهور هلاک شدن عرب است.

### ﴿ ساکت ﴾

در سکوت خواهد آمد.

### ﴿ ساکن باش ﴾

ساکن باشید مادامیکه آسمانها و زمین، ساکن هستند الخ. در خروج کنندگان حدیث ۱۸ گذشت.

در بحار ج ۵۲ ص ۱۸۸ حسین بن خالد گفت خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم عبدالله بن بکیر حدیثی نقل می کند و تأویل می کند من دوست داشتم آن را خدمت شما عرضه بدارم، حضرت فرمود چیست آن حدیث؟ عرض کردم ابن بکیر مرا حدیث کرد از عبید بن زراره که گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم در ایامی که محمد بن عبدالله بن حسن خروج کرده بود که ناگاه مردی از اصحاب ما وارد شد و عرض کرد فدایت شوم محمد بن عبدالله خروج

کرده و مردم هم با او هستند چه می فرمائید خروج با او را؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود ساکن باش مادامیکه آسمان و زمین ساکنند، پس عبدالله بن بکیر گفت اگر اینطور باشد که تا آسمان و زمین ساکنند خروجی نباشد پس هیچ وقت نه قیامی هست و نه خروجی؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود حضرت صادق علیه السلام راست فرموده ولی عبدالله بن بکیر نفهمیده مراد حضرت صادق را، چون مراد حضرت صادق که فرمود ساکن باش تا آسمان ساکن است یعنی آسمان ساکن است از نداء و زمین ساکن است از خسف یعنی فرو بردن لشکر سفیانی (چون نداء آسمانی و فرو بردن زمین لشکر سفیانی را از علامات حتمی است تا این دو نباشد خروج حضرت حجت نیست تا خروج حضرت نباشد خروج دیگران معنا ندارد)

در روضه کافی حدیث ۴۵۳ حضرت صادق علیه السلام به سدید فرمود ای سدید ملازم باش خانه خود را و پلاسی باش از پلاسه‌های خانه‌ات، و ساکن باش مادامیکه شب و روز ساکنند تا وقتی که خبردار شوی سفیانی خروج کرده پس آن وقت بیا بسوی ما ولو پیاده باشی (و در پلاس اخباری گذشت مراجعه شود)

### ﴿ سال ﴾

یک سال مانند یک ماه. در اُمت حدیث ۲۵ گذشت.

### ﴿ سالهای فریبنده ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۹ فرمود پیش از خروج دجال سالهاییست فریبنده که راستگو تکذیب می شود و دروغگو تصدیق، و امین را نسبت به خیانت دهند و خائن را امین دانند، و رویبضه در آنوقت سخن گوید، گفته شود رویبضه چیست؟ فرمود شخص فاسق و معصیت‌کار در کارهای مردم سخن

گوید (در رویبضه اخباری به این مضمون گذشت رجوع شود)  
 در کنز ص ۲۳۰ فرمود پیش از ساعت ظهور سالهائی باشد که آسمان از باران خودداری کند (در ساعت حدیث ۳ گذشت رجوع کن)  
 در کنز ص ۲۳۱ فرمود پیش از خروج مسیح دجال سالهائی باشد فریبنده که راستگو تکذیب و دروغگو تصدیق شود، و خائن را امین و امین را خائن دانند. و رویبضه یعنی شخص پست از قبل مردم سخن گو باشد.  
 در کنز ص ۲۳۱ ایضا فرمود پیش از دجال سالهائی باشد فریبنده، باران زیاد باشد و گیاه کم، و راستگو تکذیب شود و دروغگو تصدیق، و خائن را امین دانند و امین را خائن. و رویبضه بنطق آید، گفته شد یا رسول الله رویبضه چیست؟ فرمود کسی که اعتنائی به او نیست.

در کنز ص ۲۵۳ فرمود سالی نیست مگر آنکه بعدش بدتر خواهد شد.  
 در حدیث دیگر فرمود هیچ سالی نیست مگر آنکه خیر کم شود و شر زیاد.  
 در کنز ص ۲۵۴ فرمود نباید بر شما سالی و نه روزی جز آنکه بعدش بدتر باشد.

در کنز ص ۲۵۶ فرمود نباید بر شما سالی مگر آنکه آن بدتر باشد از دیگری.  
 در غیبت نعمانی ص ۲۷۸ از اصبع بن نباته روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود پیش از قیام قائم سالهائیسست فریبنده، راستگو در آن زمان تکذیب می شود و دروغگو تصدیق می شود، ماحل یعنی مکار در آن مقرب باشد.  
 در حدیث دیگر فرمود رویبضه سخن گو باشد، عرض کردم رویبضه و ماحل چیست؟ فرمود آیا قرآن نخوانده اید فرمایش خدا ﴿ وَهُوَ شَدِيدُ الْحِمَالِ ﴾ فرمود یعنی مکر و حيله. پس عرض کردم ماحل چیست؟ فرمود مراد مکار است.



### ﴿ سایه ﴾

در کفایة الخصام ص ۶۸۴ از امام هشتم در ذیل حدیثی سؤال می شود قائم شما کیست؟ می فرماید کسی که او را سایه نباشد.

### ﴿ سایه بان ﴾

مسجدها را خراب کند و مثل سایه بان حضرت موسی بنا کند، در قائم حدیث ۳۰ و ۳۶ و ۸۴ خواهد آمد.

### ﴿ سؤال ﴾

بباید بر مردم زمانیکه هرکس سؤال کند از مردم زندگی نماید و اگر ساکت نشیند بمیرد. در زمان حدیث ۵۲ گذشت.

### ﴿ سباع ﴾

در درنده گذشت.

### ﴿ سبب غیبت حضرت ﴾

در اکمال الدین ص ۴۴۷ ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود ولادت صاحب این امر بر مردم پوشیده است تا اینکه وقت خروجش بیعت احدی بر گردنش نباشد.

در اکمال الدین ص ۴۴۷ از جمیل بن صالح از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود مبعوث می شود قائم در حالیکه بیعت احدی بر گردنش نباشد.

در ص ۴۴۸ از هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود قیام

می‌کند قائم علیه السلام در حالیکه بر گردنش بیعتی برای احدی نباشد.  
و به این مضامین احادیث بسیار است.

و در چند حدیث در اکمال ص ۴۴۹ نقل شده که برای قائم غیبتی است گفته شد چرا سبب چیست؟ فرمود می‌ترسد بر نفس خود.

ایضا در اکمال ص ۴۴۹ در حدیث عبدالله بن الفضل هاشمی امام صادق علیه السلام فرمود برای صاحب این امر غیبتی است که ناچار باید واقع شود تا به شک افتد هرکس باطل است. راوی عرض کرد چرا فدایت شوم؟ فرمود بجهتی که ما مأذون نیستیم در کشف آن برای شما، عرض کرد وجه حکمتش چیست در غیبت او؟ فرمود... سببش معلوم نمی‌شود مگر بعد از ظهورش چنانچه آنچه را خضر بجا آورد از سوراخ نمودن کشتی و کشتن کودک و ساختن دیوار برای موسی معلوم نشد مگر وقت جدا شدن ایشان از همدیگر.

در بحار ج ۵۲ ص ۹۰ امام باقر علیه السلام فرمود وقتی خداوند کراهت داشته باشد که ما مجاور گروهی باشیم ما را از بین ایشان دور می‌کند.

در بحار ج ۵۲ ص ۹۸ در حدیث ابی خالد کابلی دارد که سؤال از اسم قائم علیه السلام شد امام باقر علیه السلام فرمود ای ابا خالد سؤال کردی از امری که اگر بنی فاطمه بشناسند او را هرآینه او را قطعه قطعه می‌کنند.

در نوائب الدهور ج ۳ ص ۳۵۸ در ذیل حدیث علی بن مهزیار سبب مستور بودن آن حضرت را این طور نقل کرده که خود حضرت فرمود شما زیاد کردید مالهای خودتان را و به مال و ثروت رسیدید و به ضعیفان از اهل ایمان تکبر کردید و رحمهایی که در میان شما بود قطع کردید پس چه عذریست برای شما الخ.

در بحار ج ۵۲ ص ۹۰ امام صادق علیه السلام به سدید می‌فرماید بدرستی که برای قائم ما غیبتی است که مدتش طولانی است سدید عرض کرد برای چه فرمود

خداوند ابا کرده جز آنکه سنتهای پیغمبران را از جهت غائب بودن ایشان در او جاری سازد (یعنی همین طور که در انبیاء گذشته غیبت بوده باید برای حضرت حجت هم غیبت باشد) الخ.

در بحار ج ۵۲ ص ۹۷ در ذیل حدیث ۱۹ سؤال شد چرا امیرالمؤمنین علیه السلام با مخالفین خود جنگ نکرد در مرحله اول، امام صادق علیه السلام جواب فرمود برای یک آیه که در قرآن بود (و آن آیه ۲۵ از سوره فتح است) ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً﴾ یعنی اگر شما عناصر کفر و ایمان از هم جدا می‌گشتید همانا آنان که کافرند به عذاب دردناک معذب می‌ساختیم. سؤال می‌شود تزییل ایشان چیست؟ فرمود مؤمنین در صلب کفار، همین طور قائم هرگز ظاهر نشود تا اینکه مؤمنین از صلب کفار خارج شوند الخ.

### ﴿سبب مرگ حضرت﴾

در ملاحم ص ۷۱ دارد که تابوت سکینه از بحیره طبریه بدست حضرت ظاهر شود و در بیت المقدس جلوی روی خود بگذارد چون یهود نگاهشان به آن افتد مسلمان شوند مگر اندکی، پس از آن حضرت بمیرد.

در قحطانی حدیث ۱۰ خواهد آمد که در فراش خود بمیرد.

در برهان متقی ص ۱۳۲ دارد که هفت سال زندگی کند پس بمیرد.

در ملاحم سید بن طاووس ص ۷۹ باب ۱۷۹ فرمود بلی مردی از ما در آخر الزمان چهل سال سلطنت کند تا آنجا که فرمود پس در اعماق<sup>(۱)</sup> از غم و اندوه بمیرد.

و ایضا در ص ۸۰ باب ۱۸۲ دارد که چهل سال سلطنت می‌کند پس در عمق (که شهر است بین حلب و انطاکیه) از غم و اندوه می‌میرد.

(۱) در معجم البلدان گوید: اعماق جمع عمق است و آن شهر است بین حلب و انطاکیه.

و در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۷ از بعض علماء نقل کنند که او را زنی از بنی تمیم که نامش سعیده است می‌کشد و برای آن زن ریشی مانند ریش مرد است و حضرت را با سنگ بزرگی در حالیکه او از راه عبور می‌کند می‌زند و زمانیکه حضرت شهید شد امام حسین علیه السلام به تجهیز او مباشرت می‌کند الخ.

### ﴿ سبطه ﴾

یعنی فترت و اندک سستی .  
در فتنه حدیث ۴۲ خواهد آمد .

### ﴿ ستاره ﴾

در ملاحم سید ص ۴۳ فرمود علامت انقطاع پادشاهی اولاد عباس سرخی ایست در وسط آسمان و ستاره ایست که طلوع می‌کند از مشرق مثل ماه شب چهارده نور می‌دهد، الخبر .

و در همان صفحه از حضرت باقر علیه السلام روایت شده که چون عباسی به خراسان رسد (ستاره) طلوع کند از مشرق ... و مثل اینکه اول که طلوع کرد خداوند امر به هلاکت قوم نوح علیهم السلام کرد وقتی غرق کرد ایشان را، و در زمان ابراهیم طلوع کرد او را به آتش انداختند، و در زمانیکه فرعون و آنچه با او بود هلاک شد، و در زمانیکه یحیی بن زکریا کشته شد، پس در هر وقت آن را دیدید پناه به خدا برید از شر فتنه‌ها و طلوعش بعد از انکساف شمس و قمر است پس مکتب نکنند تا ظاهر شود ابقع به مصر . (ابقع لقب کسی است) .

و در ص ۴۴ فرمود علامتی در صفر بوده باشد که ابتداء می‌شود به ستاره دم‌دار .

و در ص ۴۶ فرمود طلوع کند ستاره‌ای از مشرق قبل از خروج مهدی که

برای آن دمی باشد که مثل ماه شب چهارده می درخشد و به اهل زمین روشنائی می دهد، الخبر.

و در ص ۴۶ از کعب روایت کند که مجملش آن است که هلاک بنی عباس در نزد شما با خوف و مصیبت است مابین بیست و بیست و پنج، ستاره‌ای که پرتاب می شود نور می دهد مثل ماه، و ستاره‌ای که پرتاب می شود آتشی است که از آسمان جدا می شود با اوست صدائی سخت می آید تا در مشرق واقع می شود سپس مثل مار بخود می پیچد که خیال می کنی دو طرف آن بهم می رسد، و دو زلزله در یک شب واقع می شود<sup>(۱)</sup> و ستاره‌ای که پرتاب می شود آتشی است که از آسمان جدا می شود و با اوست صدای سخت که در مشرق واقع می شود پس می رسد به مردم از آن بلاء سختی.

در بحار ج ۶ ص ۳۰۷ در ذیل حدیثی پیغمبر ﷺ فرمود یکی از علامات ساعت (ظهور) طلوع ستاده دنباله دار است.

### ﴿ ستم ﴾

در ملاحم ص ۱۶۱ باب ۱۵ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود ستم بعد از من مکث نکند مگر اندکی تا اینکه ظاهر می شود پس هر مقدار ستم ظهور پیدا کند عدل بهمان مقدار می رود تا اینکه مرد اولاد دار شود در ایام ستم که غیر از آن را نداند گفته شد یا رسول الله اهل عدل کیست؟ فرمود ما اهل بیت، گفته شد پس اهل ستم کیست؟ فرمود ایشان برادران ما از بنی امیه اند که دنیا وسعت پیدا می کند برای ایشان.

در حدیث دیگر فرمود بعد از من بزودی شاخ ستم طلوع کند و هرچه از ستم

(۱) لفظ عربی اینطور نوشته شده (والرجفتان فی لیلة التحسین) مراد از لیلة التحسین برای حقیر معلوم

نشد. بعضی ها اینطور معنی کرده اند (در یک شب دو زلزله نحس اتفاق می افتد)

طلوع کند مثلش از عدل بمیرد تا وقتی که متولد می‌شوند و غیر از ستم چیزی ندانند الخ.

در عدل خواهد آمد که حضرت حجت علیه السلام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد چنانچه پر از ستم شده بود.

### ﴿ سجستان ﴾

در ملاحم سید ص ۹۱ باب ۲۰۰ در ضمن حدیث بنو قنطوراء دارد که سوق بدهند ایشان اهل خراسان و اهل سجستان را یک سوق سختی الخ.

در غیبت نعمانی ص ۲۷۳ راوی گوید هر وقت داخل بر حضرت باقر علیه السلام شدیم می‌فرمود خراسان خراسان سجستان سجستان مثل اینکه به ما بشارت می‌داد.

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام فرمود در سجستان جماعتی باشند که قرائت قرآن می‌کنند و احکام قرآن را بکار نیندند و از اسلام چنان بیرون شوند که تیر از کمان، بر آن جماعت ریگ بارد و جمله را فرو پوشد.

### ﴿ سخن ﴾

حضرت سخن بگوید و ایشان بشنوند. در قائم حدیث ۱۴ خواهد آمد.

### ﴿ سخن گفتن حیوان و غیره با انسان ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۶۷ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود قسم به کسی که جانم در دست اوست برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه حیوانات درنده با انسان سخن گویند، و حتی اینکه

بند تازیانه و بند کفشش با او سخن گویند و خبر دهند به آنچه اهلش بجا آورده‌اند بعد از خودش.

در مستدرک ص ۴۶۷ نقل کند چوپانی گوسفند خود را در حره می‌چرانید ناگاه گرگی تعدی کرده یک گوسفند از گوسفندانش را ربود چوپان مانع شد گرگ به صدا درآمد و گفت ای بنده خدا چرا مانع می‌شوی بین من و بین رزقی که خدا به من داده، مردک گفت عجیب است گرگ مثل انسان با من حرف می‌زند، گرگ گفت می‌خواهی تو را خبر دهم به عجیبت از این؟ رسول خدا ﷺ مردم را خبر می‌دهد در بین حرتین به خبرهای گذشته.

پس چوپان گوسفندان خود را در زاویه‌ای از مدینه گذاشت و خدمت حضرت رسید و خبر گرگ را به آن حضرت داد، حضرت هم تشریف آورد نزد مردم و فرمود راست می‌گوید قسم به کسی که جانم در دست اوست.

### ﴿ سد ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۸ از رسول خدا ﷺ راجع به سد (یا جوج و مأجوج) سؤال شد فرمود هر روز او را حفر کنند تا اینکه نزدیک شود سوراخ شدن آن رئیس ایشان بگوید برگردید فردا سوراخ می‌کنم، پس خداوند آن را به حالت اولی برگرداند، تا مدت سرآید و خداوند خروج ایشان را اراده کند، پس رئیس ایشان بگوید (بعد از کندن) برگردید فردا انشاء الله سوراخ خواهیم کرد (چون انشاء الله گفتند) فردا برگردند و ببینند به حالت کندگی باقی مانده و به حالت اول برنگشته پس سوراخ کنند و بر مردم خروج کنند، و آنها را بیاشامند و مردم از ایشان فرار کنند، پس تیرهای خود را به آسمان پرتاب کنند، پس تیرها خون‌آلوده برگردند پس بگویند بر اهل زمین و آسمان غلبه کردیم، پس خداوند برانگیزد کرمی را و مسلط کند بر گردن ایشان پس همه هلاک شوند، و

قسم به کسی که جانم بدست اوست، حیوانات زمین از گوشت ایشان چاق شوند و خوشحال باشند و شکرگزار باشند.

### ﴿ سر ﴾

هریک از شما صبح زیر سرش نوشته‌ای خواهد دید الخ. در قائم حدیث ۳۶ خواهد آمد.

یک سر شیعه هزار درهم جایزه. در سفیانی حدیث ۱۶ خواهد آمد.  
دست مرحمت بر سر بندگان بگذارد. در قائم حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ سرانندیب ﴾

در ملاحم ص ۲۰۸ فرمود (اما النازلون بسرانندیب و من سمندار الخ) پس ایشان چهار نفر از اهل فارس هستند که به تجارات خودشان دور می‌زنند و از سرانندیب و سمندار پنبه می‌گیرند، تا اینکه صدا را می‌شنوند و دنبال آن صدا می‌روند (در اصحاب مهدی علیه السلام گذشت).

### ﴿ سر جنبانی نباشد ﴾

در ملاحم ص ۵۹ باب ۱۱۳ فرمود خارج نشود مهدی تا اینکه نماند سر جنبانی.

### ﴿ سرخس ﴾

از اطراف خراسان است

ناظم الاسلام کرمانی ص ۱۴۳ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام فرمود سرخس را چنان زلزله عظیم درافتد که مردمش از فرع بمیرند.



### ﴿ سرخی ﴾

سرخی در آسمان نمایان شود و آن اشک چشم ملائکه الخ. در علامات ظهور حدیث ۱ خواهد آمد.

### ﴿ سر شیعه ﴾

در سفیانی حدیث ۱۶ خواهد آمد.

### ﴿ سرمه ﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۱۶ دارد که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اصحاب قائم جوانند کهول ندارند مگر مثل سرمه در چشم یا نمک در آش. باید امتحان شوید مثل سرمه در چشم. در امتحان حدیث ۱۰ گذشت. در نظر مردم از سرمه کمترند. در نفس زکیه حدیث یک خواهد آمد.

### ﴿ سعادت ﴾

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۳۳۹ و بشارة الاسلام ص ۲۷۸ از ینابیع المودة از ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مالک می شود مهدی علیه السلام امر مردم را هفت یا ده سال با سعادت ترین مردم به او اهل کوفه هستند.

سعادت مندترین ایشان فارس باشند. در عجم حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ سعید بن صالح ﴾

در ملاحم ص ۴۹ از ابن حنفیه روایت کند که بین خروج پرچم سیاه از

خراسان و سعید بن صالح و خروج مهدی و بین اینکه امر را تسلیم مهدی دهند هفتاد و دو روز است.

### ﴿ سفهاء ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۴ فرمود مردی از بنی اسرائیل شخصی را مهمان کرد و در خانه‌اش ماده سگی بود حامله، سگ گفت والله بانگ و صدا نکنم مهمان صاحبم را (یعنی به روی مهمان پارس نکنم) پس توله سگها در شکمش صدا بلند کردند، گفته شد این دیگر چه بود؟ خداوند به ایشان وحی فرمود، این مثل اُمّتی است که بعد از شما بوده باشند سفهائشان بر حلمائشان غلبه کنند.

ایضا در کنز ج ۱۴ ص ۲۵۶ فرمود مردی بود قبل از شماها از یک دسته مهمانی طلبید ایشان هم او را مهمان کردند و ایشان سگی ماده (حامله) داشتند که آواز می داد و صدا می کرد پس سگ گفت والله امشب مهمان صاحبم را آواز ندهم و روی او پارس نکنم، پس توله‌هایی که در شکمش بودند بنا کردند صدا و عوعو کردن، پس این خبر رسید به پیغمبری که بین ایشان بود یا فقیهی که بین آنان بود، پس فرمودند مثل این مثل اُمّتی است که بعد از شما خواهند بود، غلبه کنند سفهائشان حلمائشان را یا سفهائشان علمائشان را.

ایضا در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۷ فرمود سگ آبستنی بود در بنی اسرائیل پس صاحبش مهمانی طلبید سگ گفت امشب من روی مهمان پارس نکنم، پس عوعو و صدای توله‌ها در شکمش بلند شد، پس خداوند وحی نمود به مردی از ایشان که مثل این سگ مثل اُمّتی است که بعد از شما می آیند، سفهاء ایشان بر علماء ایشان استیلاء و غلبه پیدا کنند.

در همان صفحه در حدیث دیگر فرمود در بنی اسرائیل مهمانی بر جماعتی وارد شد و برای ایشان سگی بود حامله پس گفت من روی مهمان صاحبم

عوعو نکنم پس توله‌ها در شکمش بصددا درآمدند، فردا به پیغمبرشان خبر دادند، فرمود آیا می‌دانید چیست مثل ایشان؟ گفتند نه، فرمود مثل اُمّتی است که بعد از شما می‌آیند سفهائشان بر علمائشان غالب آیند.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۲ جابر از رسول خدا ﷺ روایت کند که به کعب بن عجزه فرمود پناه می‌دهم تو را به خدا ای کعب از حکومت سفهاء، عرض کرد حکومت سفهاء کدام است ای رسول خدا؟ فرمود امراء و حکم فرمایان بعد از من می‌بوده باشند هدایت نمی‌کنند به هدایت من و به سنت من عمل نمی‌کنند پس هرکس تصدیق کند دروغ ایشان را و کمک بر ظلمشان نماید از من نیستند و بر حوض من وارد نخواهند شد، و هرکس دروغ ایشان را تصدیق نکرد و کمک بر ظلمشان ننمود پس ایشان از منند و من از ایشانم و زود است بر حوض من وارد شوند الخ.

### ﴿ سفیانی ﴾

سفیانی از نسل بنی‌أمیه است اسمش عثمان بن عنبسه است خروجش از علائم حتمیه است تا او خروج نکند حضرت حجت عجله خروج نخواهند کرد و هرکس در هر زمان ادعاء امامت کند و خروج نماید و خود را قائم آل محمد صلی الله علیه و آله داند قبل از سفیانی او کذاب و دروغگو است.

(۱) و در البرهان منقی ص ۱۱۲ از امیرالمؤمنین عجله روایت کند که سفیانی از اولاد خالد بن یزید بن ابی سفیان است مردیست که سر بزرگ دارد در صورتش علامت آبله هست در چشمش علامت سفیدی است از طرف دمشق خروج می‌کند.

(۲) در بحار ج ۵۲ ص ۱۸۲ از ابی الحسن عجله روایت کند که فرمود امر سفیانی حتمی است از طرف خداوند، و قائمی نباشد مگر به آمدن سفیانی.

- (۳) در بحار ج ۵۲ ص ۱۹۰ در ذیل حدیث حضرت صادق علیه السلام دارد که سفیانی با حضرت حجت جنگ خواهد کرد.
- (۴) و در بحار ج ۵۲ ص ۱۹۲ حضرت باقر علیه السلام فرمود یکی از علامات خروج سفیانی است از شام.
- (۵) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۳ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که یکی از علائم پنجگانه حتمی خروج سفیانیست.
- (۶) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۴ حضرت صادق علیه السلام فرمود امر سفیانی حتمی است و خروجش در رجب است.
- (۷) در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۵ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۱ حدیث ۲۶ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود خارج می شود پسر هند جگرخوار از وادی یابس و آن مردیست متوسط القامه صورت نحس دارد، و سر بزرگ، اثر آبله در صورت دارد وقتی او را ببینی خیال کنی یک چشم دارد، اسمش عثمان است پدرش عنبسه است از اولاد ابی سفیان است بیاید تا به کوفه رسد و بر منبرش بالا رود.
- (۸) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۵ ایضا از آن حضرت است که فرمود اگر تو سفیانی را ببینی هرآینه خبیث ترین مردم را دیده ای رنگش بین زردی و سرخی است و سرخیش بیشتر است، کبود چشم است می گوید یارب یارب و با اینحال مصیرش در آتش است، و خبائثش بجائی رسد که ام ولد خود را زنده بگور کند از ترس آنکه او را لو ندهد.
- (۹) در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۶ از حضرت صادق علیه السلام از اسم سفیانی سؤال شد فرمود به اسمش چکار داری؟ وقتی مالک پنج شهر شام شد که دمشق و حمص و فلسطین و اردن و قنسرین باشد پس متوقع خروج باشید، عرض کردم نه ماه سلطنت می کند؟ فرمود خیر ولکن هشت ماه یک روز زیادتر نشود.
- (۱۰) در بحار ج ۵۲ ص ۲۰۹ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ده چیز است قبل

ساعت ظهور یکی از آنها سفیانست .

(۱۱) در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۰ حضرت صادق علیه السلام فرمود خروج خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و در یک ماه و در یک روز خواهد بود الخ .

(۱۲) و در ص ۲۳۲ حضرت باقر علیه السلام فرمود خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود الخ .

(۱۳) در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۰ محمد بن مسلم فرماید خارج می شود قبل از سفیانی مصری و یمانی .

(۱۴) در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۵ حضرت صادق علیه السلام فرمود سفیانی بعد از تصرفش شهرهای پنجگانه را به مقدار حمل زنی (که نه ماه است) مالک شود ، پس از آن فرمود استغفر الله بمقدار حمل شتری<sup>(۱)</sup> و این از امر حتمی است که ناچار باید بشود .

(۱۵) در بحار ج ۵۲ ص ۲۴۸ و غیبت نعمانی ص ۳۰۰ از حضرت صادق علیه السلام است که فرمود سفیانی از محتوم است و خروجش از اول تا آخر پانزده ماه می شود شش ماه می جنگد تا پنج شهر را مالک شود پس نه ماه سلطنت کند یک روز بیشتر نشود .

(۱۶) ایضا در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۵ و غیبت طوسی ص ۲۷۳ امام صادق علیه السلام فرمود مثل اینکه سفیانی یا رفیق و سرکرده او را می بینم که رحلش را در رحبه شما در کوفه انداخته پس ندا کند منادیش که هرکس یک سر شیعه علی را بیاورد هزار درهم جایزه دارد ، پس همسایه پریده سر همسایه اش را ببرد و بگوید این از ایشان است پس سرش را جدا کرده هزار درهم بگیرد ، آگاه باشید آن روز فرمان فرمائی شما نبوده باشد مگر در دست زنازادگان ، و مثل اینکه نظر می کنم به صاحب برقع (نقاب دار) گفتم صاحب برقع کیست ؟ فرمود

(۱) در معجم ذوولوجی ج ۲ ص ۱۱۱ فرمود مدت حمل شتر سیزده ماه است .

مردیست از شما و گفتارش گفتار شما است نقاب پیوشد و یک یک شما را بدام اندازد و او نیست مگر ولد زنا.

(۱۷) و در ص ۲۱۷ دارد که سفیانی از بلاد روم می آید در حالی که خود را به شکل نصرانیها درآورده و صلیب به گردن انداخته و اوست صاحب گروه.

(۱۸) و در ص ۲۱۹ در ذیل حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام در وصف براتا و بغداد فرمود آن وقت می آیند طرف قبر من که نبش کنند پس سفیانی دفع کند ایشان را، تا آنجا که فرمود و داخل می شود لشکر سفیانی به کوفه و احدی را زنده نگذارند مگر آنکه بکشند ایشان را و مردی از لشکر سفیانی مرورش به تازیانه بزرگ بیفتد و اعتنائی نکند به آن ولی بچه کوچک را گرفته سر ببرد، الخ.

(۱۹) در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۲ ذیل حدیث حضرت باقر علیه السلام فرمود و با سفیانی است اخوالش یعنی دائیهایش با او هستند، تا آنجا که فرمود و ظاهر می شود سفیانی و کسانی که با او هستند و همتی ندارد جز آل محمد و شیعیان ایشان، پس لشکری به کوفه فرستد و کشتار و دار آویخته از شیعیان (بسیار باشد) الخ.

(۲۰) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۲۴ در ذیل حدیثی دارد که جماعتی از اصحاب سفیانی ملحق به اصحاب حضرت حجت علیه السلام می شوند و جماعتی از اصحاب حجت علیه السلام ملحق به لشکر سفیانی می شوند و آن روز را روز (ابدال) گویند (چون جماعتی از کفر تبدیل به ایمان شدند و گروهی از ایمان مبدل به کفر گردیدند).

(۲۱) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۳۳ حضرت رضا علیه السلام فرمود قبل از این امر (یعنی قیام قائم علیه السلام سفیانی و یمانی و مروانی و شعیب بن صالح است فکیف يقول هذا وهذا) پس چگونه محمد بن ابراهیم یا غیره می گویند ما قائم آل محمد هستیم و حال آنکه هیچ یک از این علامات ظاهر نشده)

(۲۲) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۳۳ و غیره در اخبار بسیاری دارد که خروج سفیانی از علامات حتمیه است.

(۲۳) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۴۵ و غیبت نعمانی ص ۲۷۷ فرمود یادی از سفیانی شد نزد حضرت صادق علیه السلام پس حضرت فرمود کجا است خروج او و حال آنکه خروج نکرده شکننده چشم او از صنعا.

(۲۴) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۴۹ و غیبت نعمانی ص ۳۰۲ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که سفیانی باید خروج کند و خروج نکند مگر در ماه رجب عرض شد اگر خروج کرد پس حال ما چه خواهد شد؟ فرمود وقتی خروج کرد بسوی ما آئید.

(۲۵) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۵۰ از حضرت باقر علیه السلام سؤال شد از سفیانی فرمود کجائید شما از سفیانی باید قبلش شیصبانی خروج کند و او در زمین کوفه باید مثل آب بجوشد و وفد شما را بکشد<sup>(۱)</sup> پس متوقع باشید بعد از او سفیانی و خروج قائم علیه السلام را.

(۲۶) در بحار ج ۵۲ ص ۲۵۰ و غیبت نعمانی ص ۳۰۳ دارد که راوی خدمت حضرت جواد علیه السلام بود که یادی از سفیانی پیش آمد و آنچه که روایت شد که او از علائم حتمی است پس آیا بدا از خدا راجع به حتمی ممکن است فرمود بلی گفتیم پس می ترسیم راجع به قائم بدا حاصل شود، فرمود قائم از میعاد است. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ﴾ خدا در میعاد خلف نکند.

(۲۷) در بحار ج ۵۲ ص ۲۵۱ و غیبت نعمانی ص ۳۰۳ دارد که عرض شد خدمت حضرت رضا علیه السلام ایشان حدیث می کنند که سفیانی قیام کرده در حالیکه سلطان بنی العباس از بین رفته؟ فرمود دروغ می گویند سفیانی قیام خواهد کرد و سلطنت ایشان هم باقی خواهد بود.

(۱) وفد رسولی که نزد کسی فرستند.

(۲۸) در غیبت نعمانی ص ۳۰۰ از حدیث حضرت باقر علیه السلام چنین معلوم می شود که سفیانی اول با شیعیان کاری ندارد، از دیگران بسیار می کشد ولی بعد از تسلطش همی ندارد جز شیعه کشی، لذا از حضرت سؤال می شود آن وقت ما چه کنیم فرمود مردها پنهان شوند و بر زنها چیزی نیست انشاء الله باز سؤال می شود به کجا رویم؟ اول می فرماید به مدینه و مکه یا به بعض بلدان ولی بعد می فرماید مدینه نروید چون لشکر فاسق مدینه را قصد می کند بلکه مکه بروید که مجتمع شما آنجا خواهد بود.

(۲۹) و در غیبت نعمانی ص ۳۰۱ عبدالملک بن اعین می گوید نزد حضرت باقر علیه السلام بودم که یادی از قائم پیش آمد. پس عرض کردم امیدواریم حضرت قائم زودتر از سفیانی بیاید، حضرت فرمود نه بخدا آمدن سفیانی از علائم حتمیه است که چاره‌ای نیست از او (یعنی سفیانی باید بیاید تا حضرت ظهور فرماید)

(۳۰) در غیبت نعمانی ص ۳۰۱ از امام باقر علیه السلام روایت کند که بعض امور موقوف است و بعضی حتمی است و بدرستی که سفیانی از امور حتمی است که ناچار باید بیاید.

(۳۱) در غیبت نعمانی از حضرت باقر علیه السلام روایت کند که فرمود برای ولد عباس و مروانی جنگی در قرقیساء<sup>(۱)</sup> خواهد بود که بچه در آن پیر گردد، و خداوند یاری ایشان نکند و وحی شود به پرنده‌های آسمان و درندگان زمین که از گوشت جبارین سیر شوید پس از آن خارج شود سفیانی.

(۳۲) و در بحار ج ۵۲ ص ۲۵۲ و غیبت نعمانی ص ۳۰۴ از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که چون سفیانی مسلط شود بر شرهای پنجگانه پس بشمارید برای او نه ماه، و هشام خیال کرده شهرهای پنجگانه دمشق، و

(۱) قرقیساء شهری است نزد نهر خابور و فرات. م و در قاموس گوید از شهرهای فرات است.



فلسطین، و اردن، و حمص و حلب است.

(ولی در حدیث نه گذشت که بجای (حلب) (قنسرین) ذکر شده بود و قنسرین نزدیک حلب است)

(۳۳) و در غیبت نعمانی ص ۳۰۴ در ذیل حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام که چون سفیانی خروج کند به مقدار حمل زنی که نه ماه است حکومت کند و از شام خروج کند و اهلش اطاعت او کنند جز اندکی که بر حق و شیعه هستند که خدا ایشان را حفظ می کند و نمی گذارد با او خروج کنند، و با لشکر خونخواری می روند مدینه و چون به بیابان مدینه رسند زمین ایشان را فرو برد الخ.

(۳۴) و در غیبت نعمانی ص ۳۰۶ حضرت صادق علیه السلام به یونس بن ابی یعفر فرمود وقتی سفیانی خروج کند لشکری بسوی ما فرستد و لشکری بسوی شما (یعنی به مدینه و کوفه) پس وقتی چنین شد بیاید طرف ما (مکه) ولو به هر زحمتی باشد.

(۳۵) در غیبت نعمانی ص ۳۰۶ حضرت باقر علیه السلام فرمود سفیانی سرخ رو مخلوط به زردی است و چشمانش کبود است هرگز خدا را عبادت نکرده، مکه و مدینه را هرگز ندیده، می گوید یارب ثاری و النار، یارب ثاری و النار یعنی ای خدای من طلب خونخواهی می کنم ولو به داخل شدن آتش باشد.

(۳۶) و در همان صفحه در ذیل حدیثی دارد که پسر خورنده جگرها (یعنی سفیانی) از وادی یابس خروج می کند و بر منبر دمشق قرار می گیرد و چون اینطور شود منتظر خروج مهدی علیه السلام باشید.

(۳۷) در ملاحم سید ص ۲۱ فرمود فتنه ای از شکم شام خواهد بود و آن فتنه سفیانی است.

(۳۸) و در ص ۴۵ فرمود در حکومت سفیانی و خروجش علامتی در آسمان دیده شود.

(۳۹) در ملاحم ص ۵۰ از ابن عباس روایت کند که اگر خروج سفیانی در سال ۳۷ باشد ۲۸ ماه حکومت کند و اگر خروجش در ۳۹ باشد نه ماه حکومت کند.

(۴۰) و در ص ۵۰ حدیفه فرمود وقتی سفیانی داخل زمین مصر شود چهار ماه آنجا اقامت کند می‌کشد و اسیر می‌کند اهلش را پس در آن روز نوحه سرائی زنها برپا شود یکی گریه کند برای عرضش، دیگری گریه کند برای کشته شدن اولادش، سومی گریه کند برای ذلتش بعد از عزتش، چهارمی گریه کند برای شوقی که به قبرش دارد (یعنی بطوری روزگار فشار آورد که برای مردن گریه شوق نمایند)

(۴۱) و در ص ۵۶ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود سفیانی بنویسد برای (سر لشکرش) که داخل کوفه شده و آنجا را با خاک یکسان نموده برو به مدینه و شمشیر را بین قریش بگذار، پس از ایشان و از انصار چهارصد مرد بکشد و شکمها را پاره کند، و بچه‌ها را بکشد و دو برادر را از قریش بکشد که یکی مرد باشد و دیگری زن بنام محمد و فاطمه و درب مسجد مدینه بدار آویزد.

(۴۲) و در ص ۵۷ فرمود سفیانی لشکری به مدینه بفرستد پس امر کند به کشتن هرکس از بنی هاشم در مدینه هست حتی زنهای حامله و باردار، به جهت آنچه هاشمی که از طرف مشرق خروج کرده نسبت به اصحاب سفیانی عملی کرده و بگوید این بلاء و کشته شدن اصحاب من نیست مگر از قبل ایشان، و امر به کشتن ایشان کند بطوریکه احدی در مدینه شناخته نشود، و مردم زن و مرد فرار کنند به صحرا و کوهها و مکه الخبر.

(۴۳) و در ص ۵۸ فرمود جنگی در مدینه رخ دهد که سنگهای زیت در خون

غرق شود، که قصه حره<sup>(۱)</sup> نسبت به این مثل زدن یک تازیانه باشد.  
(۴۴) در ص ۷۵ فرمود وقتی برسد سفیانی که در مصر است لشکری به مکه فرستد و مدینه را خراب کند سخت تر از حره تا وقتی که به بیداء برسند زمین ایشان را فرو برد.

(۴۵) در ص ۱۵۰ احنف از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد که سفیانی از کدام گروه است؟ حضرت فرمود از بنی امیه - تا آنجا که فرمود - خارج شود با اسبانش و جماعتش و مردانش و لشکریانش و با اوست صد و هفتاد هزار لشکر، پس در بحیره طبریه نازل شود، و سیر کند حضرت مهدی از راست و چپش و جبرئیل از پیش رویش پس سیر کنند در شب و روز پنهان شوند، و مردم هم متابعت او کنند، پس سفیانی را در بحیره طبریه<sup>(۲)</sup> ملاقات کنند پس خدا غضب کند بر سفیانی و خلق خدا هم برای غضب خدا غضب کنند و ایشان را تیرباران کنند پرنده‌ها با پرشان، و کوهها با سنگهایشان و ملائکه با صداهايشان، و یک ساعت نگذرد که اصحاب سفیانی هلاک شوند، و غیر از خود سفیانی کسی باقی نماند، پس حضرت او را گرفته و در زیر درختی که شاخه‌هایش سر فرود آورده بسوی بحیره طبریه ذبحش کند، و مالک شود شهر دمشق را، و پادشاه روم با صد هزار صلیب که زیر هر صلیبی ده هزار لشکر باشد پس طرسوسا را با سرنیزه فتح کند و اموال مردم را بغارت برد، پس خداوند جبرئیل را بسوی مصیصه فرستد و آن شهر را از زمین کنده بین زمین و

(۱) قصه حره که اسم موضعی است در یک میلی مسجد مدینه مرحوم محدث قمی در تتمه المنتهی چاپ سوم ص ۵۸ شرح داده ملخصش آن است که سال دوم سلطنت یزید لشکری به مدینه فرستاد و با اهل مدینه جنگید و هزارها کشته شدند و هزار زن بی شوهر فرزندان زنا متولد کرد و بقولی ده هزار و حتی در حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله زنا کردند الخ پس مقایسه کن که فتنه سفیانی چقدر بزرگ است که فتنه حره را نسبت به آن مثل یک تازیانه زدن حساب کرده.

(۲) بحیره طبریه بحیره مثل حوض بزرگی است و طبریه اسم شهری در شامات است.

آسمان نگاه دارد و پادشاه روم با لشکرش بیاید و زیر مصیصه قرار گیرد و بگوید کجا است شهری که روم و نصرانیت از آن خائف بود که ناگاه صدای خروس و سگها و اسبها از بالای سرشان شنیده شود.

(۴۶) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۲۰ و کنز ج ۱۴ ص ۲۷۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند فرمود خارج شود مردی که اسم او سفیانی است از عمق دمشق (شهری است در نواحی حلب) و اکثر تابعینش از طائفه کلب هستند پس می‌کشد حتی شکم زنها را پاره می‌کند و بچه‌ها را هم می‌کشد، پس طائفه قیس بر او اجتماع کنند پس ایشان را هم بکشد حتی آنقدر بکشد که هیچ جا نماند الخبر.

(۴۷) در ذیل خطبة البیان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود سفیانی خارج می‌شود در حالیکه صد هزار مرد با اوست پس وارد زمین عراق می‌شود و بین جولولا<sup>(۱)</sup> و خانقین را قطع می‌کند، پس کشته می‌شود در آن (فجفاج)<sup>(۲)</sup> و مثل گوسفند ذبح کرده می‌شود. (تا آنجا که می‌فرماید) ابن یقطین و جماعتی از وجوه اصحابش عرض کردند یا امیرالمؤمنین شما یادی از سفیانی شامی فرمودید ما می‌خواستیم او را برای ما بیان فرمائید؟ حضرت فرمود خروج او را برای شما ذکر کردم که در آخر سال خواهد بود (شاید مراد سال متصل به قیام باشد) باز عرض کردند شرح دهید آن را که دل‌های ما ترسان است تا اینکه از بیان شما بی‌نا شویم.

حضرت فرمود علامت خروجش آن است که سه پرچم اختلاف کنند، یکی از عرب (مغرب) است پس وای بر مصر و آنچه از آنان بر آن وارد می‌شود.

(۱) جولولا در معجم البلدان گوید: و دهی است در هفت فرسخی خانقین.

(۲) فجفاج در نهاییه ابن اثیر گوید شخصی است که زیاد سخن می‌گوید و مخلوط می‌کند کلامش را که سزاوار او نیست.

دیگری از بحرین از جزیره اوال از زمین فارس بلند شود .  
 و سومی از شام بلند شود که تا یک سال فتنه در بین ایشان ادامه داشته باشد .  
 پس خارج شود مردی از اولاد عباس ، پس اهل عراق بگویند رو آور شد به  
 شما گروهی (حفات) (جفات) پابرهنه یا جفاکار که اصحاب هواهای مختلفه  
 هستند ، پس مضطرب شوند اهل شام و فلسطین ، و برگردند بسوی رؤسای شام  
 و مصر پس بگویند طلب کنید پسر پادشاهی را پس در طلبش برآیند و در  
 غوطه دمشق که آن را صرتا (حرستا)<sup>(۱)</sup> گویند با او توافق کنند و چون به ایشان  
 وارد شود دائیهای خود را که از بنی کلب و بنی دهانه (طائفه‌اند) خارج کند و در  
 وادی یابس هم گروهی دارد ، پس می‌گوید به او ای مرد حلال نیست برای تو که  
 اسلام را ضایع کنی آیا نمی‌بینی مردم را که در ترس و فتنه افتاده‌اند پس از خدا  
 بترس و خروج کن و دینش را یاری کن ، پس بگوید من رفیق شما نیستم ، پس  
 به او بگویند آیا تو از قریش و اهل بیت پادشاه قائم نیستیم آیا تو تعصب نداری  
 برای اهل بیت پیغمبرت و حال آنکه مدتیست ایشان در ذلت و خواری بسر  
 می‌برند تو هم که خروجت برای مال و زندگی خوش نیست بلکه برای یاری  
 دینت می‌باشد و همینطور آن گروه با ایشان رفت و آمد کنند یکی بعد از دیگری  
 در آن وقت بگوید بروید بسوی خلفاء خود که این مدت با ایشان بودید ، پس  
 بیاید طرف ایشان و روز جمعه با ایشان خروج کند پس بر منبر دمشق بنشیند و  
 این اول منبریست که بالا رفته پس خطبه بخواند و امر به جهاد کند و با او بیعت  
 کنند که مخالفت امرش نکنند خواه مورد رضای ایشان باشد و خواه نباشد ، پس

(۱) در دو چاپ الزام الناصب (صرتا) دارد و بعضی (حرستا) نقل کرده‌اند و در معجم البلدان گویند  
 حرستا قریه بزرگی است یک فرسخ بیشتر فاصله دارد تا دمشق . و اما صرتا معنائی ندارد و ظاهراً  
 غلط باشد .

بسوی غوطه<sup>(۱)</sup> حرکت کند هنوز به اینجا نرسیده مردم دور او جمع شوند، و اهل (صقائر)<sup>(۲)</sup> به او ملحق شوند، پس پنجاه هزار جنگجو با او باشند، پس بفرستد دایه‌هایش را بسوی بنی کلاب پس مثل سیل بطرف او جمع شوند، پس ابا کنند از این مردانی از برین که جنگ کنند با مردانی که از طرف پادشاه ابن عباسند.

پس آن وقت سفیانی با جماعتی از اهل شام خروج کنند پس پرچمها با هم مختلف شوند، پس یک پرچم مال ترک و عجم است و آن سیاه است، و یک پرچم مال برین که مال ابن عباس است اول زرد است، و یک پرچم مال سفیانی است پس در بطن ازرق<sup>(۳)</sup> با هم بجنگند، یک جنگ سختی که شصت هزار کشته شوند، پس سفیانی بر ایشان غالب شود، و جماعت بسیاری را بکشد، و مالک شکم ایشان شود و با عدالت با ایشان رفتار کند، بطوریکه بدگوئیهای راجع به او را تکذیب کنند و بگویند کسانی که بدگوئی می‌کردند دروغ بوده، ولی ایشان دروغ گفته‌اند نمی‌دانند که امت محمد ﷺ چه از دست او خواهند کشید؟ و الا اینحرف را نمی‌زدند، پس همیشه با اصحابش با عدالت رفتار کند تا اینکه سیر کنند و اول سیرش به حمص باشد و مردمان آن در بدترین حال باشند، پس از فرات از دروازه مصر رد شود پس خداوند رحمت را از قلبش بیرون کند و برود بجائی که آن را قریه سبأ گویند پس در آنجا جنگ بزرگی واقع سازد که خبرش به همه جا برسد، و مردم را ترس بگیرد و بجزع آیند، پس پیوسته از شهری به شهری داخل و با ایشان بجنگند، پس اول

(۱) غوطه، شهر دمشق یا شهرستانیست از آن (منتهی الارب).

(۲) صقائر اگر از صقر باشد به معنای تبر و کافر و فحاش و لعن کننده آمده و به معنای شیره‌پز نیز آمده کدام مراد است معلوم نیست.

(۳) ازرق، آبی است در راه شام برای حاجیان نرسیده به تیماء (معجم البلدان) بعضی ها بجای ازرق



حسین و فاطمه و جعفر و موسی و زینب و خدیجه و رقیه است برای بغضی که با آل محمد دارد، پس بفرستد به اطراف همه بلاد و بچه‌ها را جمع کند و روغن زیت بجوشاند، (که ایشان را در آن روغن‌ها انداخته بمیرند) بچه‌ها به او بگویند اگر پدران ما تو را معصیت کرده‌اند ما چه گناهی داریم؟ پس بگیرد هر بچه‌ای که اسمش بنحوست که ذکر شد و در روغن زیت بجوشاند پس برگردد به کوفه شما و در کوچه‌های کوفه دور می‌زند، مانند تویی که دور می‌زند پس معامله کند با مردان بنحوی که با بچه‌ها کرد، و در دروازه کوفه بدار کشد هرکس را که اسمش حسن و حسین است، پس برود بطرف مدینه و آنجا را سه روز غارت کند و مردم بسیاری را بکشد و در مسجدش بدار آویزد هرکسی را که اسمش حسن و حسین است پس آن وقت خونها بجوش آید مثل خون یحیی بن زکریا، پس چون این امر را مشاهده کند یقین به هلاکت کند و فرار را برقرار اختیار کند، و به شام برگردد و هر که را در بین راه ببیند که مخالف او باشد او را بکشد، و چون به شهرش برسد مشغول شرب خمر و معصیت گردد، و رفیقانش را هم امر به معصیت کند. پس سفیانی خارج شود و در دستش حربه‌ای باشد، و امر کند زنی را نزد او آورند پس بدهد به بعض اصحابش و بگوید با او زنا کن، در وسط راه، پس او زنا کند پس از آن شکم زن را پاره کرده و بچه از شکمش سقط شود و کسی را یارای سخن نباشد، و قدرت انکار نداشته باشند.

پس در آن وقت است که ملائکه در آسمانها مضطرب شوند و خداوند اذن به خروج قائم علیه السلام بدهد، الخبر.

(این خلاصه آنچه بود که در خطبة البیان راجع به سفیانی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده بود).

(۴۸) و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۱ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود بیعت شود با مردی از امت من بین رکن و مقام مثل عده بدر پس جماعتی



از عراق و ابدال شام بسوی او آیند، پس لشکری از طرف شام در مقابل ایشان خروج کنند و چون به بیداء رسند زمین ایشان را فرو برد پس مردی از قریش که از طائفه کلاب است (یعنی سفیانی) بسوی او حرکت کند خداوند ایشان را منهزم سازد و گفته شده که زیانکار کسی است که از غنیمت طائفه کلب (که سفیانی باشد) محروم بماند.

(۴۹) و در حدیث دیگر فرمود محروم کسی است که از غنیمت طائفه کلب محروم باشد ولو اینکه عقالی باشد الخبر.

(۵۰) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۸۹ از علی علیه السلام روایت کند که چون سفیانی لشکری بسوی مهدی بفرستد و ایشان را زمین بیداء فرو برد و خبر به اهل شام برسد به خلیفه خود بگویند بدرستی که مهدی خروج کرده پس با او بیعت کن و داخل طاعتش شو و الا تو را می کشیم، بیعت خود را بسوی او بفرستد، و مهدی علیه السلام سیر کند تا به بیت المقدس برسد و خزائن به او منتقل شود، و عرب و عجم و جنگجویان و روم و غیر ایشان همه در اطاعتش داخل شوند، بدون کشتاری<sup>(۱)</sup> حتی اینکه در قسطنطنیه مسجدها بنا شود، و پیش از او مردی از اهل بیتش در مشرق خروج کند و شمشیر بر دوش گذارد و هشت ماه بجنگد و بکشد و مثله کند (یعنی لب و بینی برد) و متوجه بیت المقدس بشود و به آنجا نرسیده بمیرد.

(۵۱) در البرهان ص ۱۳۰ گوید جنگ کند سفیانی با ترکها پس از آن بیچارگیش بدست مهدی علیه السلام باشد.

(۵۲) در البرهان ص ۱۳۲ دارد که سفیانی سه نفرند و مهدی ایضا سه نفرند پس سفیانی اول خروج کند و چون خبرش فاش شود مهدی اول بر علیه او

(۱) این خبر با خبری که می گوید بسیار بکشد منافاتی ندارد چون ممکن است بعضی جاها را با کشتن و بعضی جاها را بدون کشتن در تصرفش درآورد.

خروج کند پس سفیانی دوم خروج کند و مهدی دوم بر علیه او خروج کند، پس از آن سفیانی سوم خروج کند و مهدی سوم بر علیه او خروج کند پس خداوند بواسطه او اصلاح کند آنچه را قبلا فاسد شده بود، و اهل ایمان را نجات دهد، و سنت پیغمبر را بواسطه او زنده کند، و آتش بدعت را خاموش سازد، و مردم در زمان او عزیز باشند، و بر مخالفین غالب گردند، و بهترین زندگی بکنند، و آسمان بارانش را به امر خدا پی در پی بفرستد، و زمین گیاهان خود را بیرون آورد، پس به این حال هفت سال باقی باشد پس بمیرد.

(۵۳) در البرهان ص ۱۵۲ از عمار یاسر روایت کند که چون سفیانی به کوفه برسد یاران آل محمد علیهم السلام را بکشند، مهدی علیه السلام خروج کند و پرچمدارش شعیب بن صالح باشد، پس اصحاب سفیانی را شکست دهد.

(۵۴) در البرهان ص ۱۵۲ از علی علیه السلام روایت کند که چون سواران سفیانی به کوفه برسند بفرستند در طلب اهل خراسان، و اهل خراسان در طلب مهدی باشند پس او با هاشمی با پرچمهای سیاه که در مقدمه اش شعیب بن صالح است در باب اصطخر همدیگر را ملاقات کنند، و جنگ بزرگی روی دهد، پس پرچمهای سیاه غالب شوند، و سواران سفیانی فرار کنند، آن وقت مردم تمنای مهدی علیه السلام کنند و در طلبش باشند.

(۵۵) در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۵۹ در ذیل حدیث مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کند که پس مردی که صورتش به عقب و پشتش به سینه برگشته است، به نزد قائم علیه السلام آمده پیش او می ایستد و می گوید آقا من بشیر هستم یکی از ملائکه به من امر کرده که به تو ملحق شوم و شما را بشارت دهم که لشکر سفیانی هلاک شد، حضرت به او فرماید که قصه خود و برادرت را بیان کن، پس بگوید من و برادرم در لشکر سفیانی بودیم و دنیا را از دمشق تا زوراء (بغداد) خراب کردیم و بحال خرابی گذاشتیم، و کوفه را خراب کردیم و مدینه را

خراب کردیم و منبرش را شکستیم و استران ما در مسجد رسول الله ﷺ سرگین کردند و از آنجا خارج شدیم و عدد ما سیصد هزار نفر بود می خواستیم خانه خدا را خراب کنیم و اهلش را بکشیم، چون به بیداء (بیابان) بین مکه و مدینه رسیدیم آنجا استراحت کردیم، ناگاه صیحه‌ای زده شد که ای بیابان هلاک کن جماعت ستمکاران را، پس زمین شکافته شد و همه را فرو برد، و حتی عقاب شتری باقی نگذاشت، جز من و برادرم ناگاه ملکی زد و صورت ما به پشت برگردانید، همین طور که مشاهده می فرمائید، پس به برادرم گفت وای بر تو برو به دمشق نزد سفیانی ملعون و بترسان به ظهور حضرت مهدی از آل محمد ﷺ و بگو خدا لشکریانت را هلاک نمود، و به من فرمود ای بشیر برو نزد مهدی در مکه و به او بشارت ده به هلاک شدن ستمکاران و بدست او توبه کن که او توبه تو را قبول خواهد کرد، الخ.

(۵۶) در اکمال الدین ج ۲ ص ۶۱۱ ابو حمزه ثمالی به حضرت صادق علیه السلام عرض می کند ابو جعفر امام باقر علیه السلام می فرمود خروج سفیانی از امور حتمی است، فرمود بلی، گفت عرض کردم از امور حتمی است؟ فرمود بلی، و اختلاف بنی العباس محتوم است، و قتل و کشته شدن نفس زکیه محتوم است، و خروج قائم محتوم است پس عرض کردم به او آن ندا چگونه است؟ فرمود ندا کند نداکننده‌ای از آسمان اول روز آگاه باشید حق در علی و شیعیان علی است، سپس ابلیس لعنه الله ندا کند در آخر روز آگاه باشید حق در سفیانی و شیعیان سفیانیست پس در آن وقت باطل جویان بشک افتند.

(۵۷) در الامام المهدی ج ۱ ص ۵۸ از کتاب (بدء والتاریخ) از ابی زید ص ۱۷۷ روایت کند اوصاف سفیانی را که در صورتش آثار آبله است و در چشمش نکته سفیدی هست، خارج می شود از ناحیه دمشق و لشکریانش را پراکنده می کند به بیابان و دریا، پس شکم زنهای آبستن را پاره می کند و بااره

مردم را قطعه قطعه می‌کند و در دیگها مردم را می‌پزد و لشکری به مدینه می‌فرستد که اهل آنجا را می‌کشد، اسیر می‌کند، می‌سوزاند، پس قبر پیغمبر ﷺ و فاطمه علیها السلام را نبش کند، پس بکشد هر کس را که اسمش محمد و فاطمه است. درب مسجد ایشان را بدار آویزد، غضب خدا شدت کند بر ایشان و همه را به زمین فرو برد، و این قول خدای تعالی است که فرمود ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأَخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ ای من تحت اقدامهم یعنی از زیر پایشان ایشان را بگیرد.

(۵۸) در الامام المهدی ج ۲ ص ۱۶ از کتاب لوایح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۶ نقل کند که چون سفیانی خروج کند از دمشق از بیابانی که آن را وادی یابس گویند در خواب به او گفته می‌شود بلند شو خروج کند بلند شده کسی را نبیند در مرتبه دوم همین طور در مرتبه سوم گفته می‌شود بلند شو در خانه را ببین، بلند شده به در خانه رفته ناگاه هفت یا نه نفر را می‌بیند که با ایشان است پرچم پس می‌گویند ما اصحاب تو هستیم، و با مردی از ایشان پرچمی است بسته شده احدی آن پرچم را نبیند جز آنکه فرار کند، پس سفیانی داخل دمشق شام شود با سیصد و شصت سوار، و یک ماه نگذرد که سی هزار با او جمع شوند از طایفه کلب که دائیهای او هستند، و علامت خروجش فرو رفتن قریه حرستا است، و ساقط شدن دیوار غربی مسجد دمشق پس از آن ابقع و اصهب خروج کنند پس سفیانی از شام و ابقع از مصر و اصهب از جزیره العرب و اعرج کندی از مغرب و جنگ ادامه داشته باشد بین ایشان تا یک سال پس سفیانی بر ابقع و اصهب غلبه کند و مغربی سیر کند و مردان را بکشد و زنان را اسیر کند پس برگردد تا وارد جزیره شود در قیس بسوی سفیانی پس سفیانی بر او هم غالب شود و آنچه اموال جمع کرده بود حیازت کند و با ترک مقاتله کند ایشان را درهم شکنند پس در زمین فساد کند و داخل بغداد شود و از اهلش بکشد، پس خارج

شود از وراء النهر (ای ماوراء النهر) خروج کننده‌ای که او را حارث گویند در مقدمه او مردی است که او را منصور گویند برای آل محمد آماده و زمینه سازی کند واجب است بر هر مؤمنی او را یاری کند، الخ.

(۵۹) در الامام المهدی ج ۱ ص ۱۹۴ از تذکره قرطبی متوفی سنه ۶۷۱ هـ از حذیفه یمانی از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود فتنه‌ای بین اهل مشرق و مغرب بوده باشد که ناگاه سفیانی بر ایشان خروج کند از وادی یابس و در دمشق نازل شود پس دو لشکر بفرستد یکی برای مشرق و دیگری برای مدینه، لشکری که برای مشرق بود در بابل در شهری که ملعونه و بقعه خبیثه است یعنی شهر بغداد نازل شود و بیش از سه هزار نفر را بکشد، و بیش از صد نفر زن را بکارتشان را ببرد و بیش از سیصد نفر از بزرگان بنی العباس را بکشد پس از آن متوجه شام شوند. پس پرچم هدایتی از کوفه در تعقیب ایشان خروج کند و بعد از دو شب ملحق به لشکر سفیانی شده همه را بکشند بطوریکه خبرنگاری برای ایشان نماند و هرچه اسیر و غنیمت گرفته بودند از دست ایشان بگیرند و لشکر دوم سفیانی وارد مدینه شود و تا سه روز و سه شب مشغول غارت‌گری باشند سپس از مدینه متوجه مکه شوند و چون به بیداء رسند خداوند جبرئیل را بفرستد و امر فرماید که ایشان را نابود کن پس پا بر زمین زند همه را خداوند به زمین فرو برد، و این است مصداق فرمایش خداوند که فرموده ﴿وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾ و اگر تو ای رسول سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند و هیچ از عذاب آنها فوت نشود و از مکان نزدیکی دستگیر شوند پس باقی نماند از ایشان مگر دو نفر که یکی بشیر و دیگری نذیر که از طایفه جهنیه هستند و از این جهت است که در خبر آمده نزد جهنیه است خبر یقینی.

(۶۰) در دلائل الامامه طبری ص ۲۴۸ فضیل بن یسار خدمت امام

صادق علیه السلام عرض کرد اگر سفیانی خروج کرد چه امر می فرمائی ما را؟ فرمود هر وقت خروج کرد می نویسم برای تو عرض کرد از کجا بدانم نامه نامه شماست، فرمود می نویسم برای تو به علامت فلان و فلان و یک آیه از قرآن را تلاوت فرمود (عمر بن اذینه) به فضیل گفت آن آیه چه بود گفت به کسی نگفته ام جز به برید عجلی ز راره فرمود من به تو خبر می دهم آن آیه اینست ﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتُ بَلَىٰ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا﴾ یعنی کافران با مبالغه و تأکید کامل قسم یاد می کنند که هر کسی مرد خدا او را زنده نخواهد کرد بلی (خیال باطلی است) البته قیامت (یا وقت ظهور حجت) وعده حتمی خدا است پس فضیل ساکت شد نه گفت نه و نه گفت بلی.

### ﴿سقارون﴾<sup>(۱)</sup>

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۴ حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود همیشه امت بر شریعتی (و دینی) هستند مادامیکه سه چیز بین ایشان ظاهر نشود یکی آنکه علم از ایشان گرفته نشود دیگر آنکه بچه های پست در بین ایشان وجود پیدا نکند. سوم آنکه سقارون بین ایشان ظاهر نگردد، گفته شد سقارون چیست یا رسول الله؟ فرمود: بشریست که در آخر زمان می بوده باشند که تحیت و سلام دادن ایشان چون همدیگر را ملاقات می کنند لعن کردن باشد.

### ﴿سقف﴾

اول چیزی که به آن ابتداء کند سقف مسجدها است. در قائم حدیث ۳۰ خواهد آمد.

(۱) السقار والصغار: اللعان لمن لا يستحق اللعن.

### ﴿ سگ ﴾

مثل کسی که سگ دیوانه او را گزیده باشد الخ. در مهدی حدیث (۱۳۰) خواهد آمد.

ایشان مجوس امت من و سگان آتش هستند، در قرآن حدیث ۲۳ خواهد آمد.

مثل سگ به روی مردم صدا نکند الخ. در شیعه حدیث ۹ خواهد آمد.  
در کنز ج ۱۱ فرمود بیاید بر مردم زمانیکه علماء را بکشند چنانچه سگها را می‌کشند پس ای کاش علماء خود را به حماقت می‌زدند.

### ﴿ سگ بنا شد عوعو و پارس نکند در شکمش عوعو کردند ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۴ فرمود مهمان شد مردی نزد یکی از بنی اسرائیل که در خانه سنگ حامله‌ای داشت سگ گفت والله من به روی مهمان صاحبم پارس نکنم پس توله‌ها در شکمش بصدآ آمدند گفته شد این دیگر چیست؟ خداوند به یکی از ایشان وحی فرمود که این مثل اُمتی است که بعد از شما می‌باشند که سفهائشان غالب آیند بر حلما و بردبارانشان.

و در ص ۲۵۶ فرمود مردی بود در کسانیکه قبل از شما بودند از جماعتی طلب مهمانی کرد ایشان هم او را مهمانی کردند و ایشان را سگی بود که پاس می‌کرد پس سگ گفت والله من پارس به روی مهمان صاحبم نکنم. پس توله‌هایش در شکمش بصدآ درآمدند، پس این خبر به پیغمبری یا فقیهی که بین ایشان بود رسید، پس فرمود مثل این سگ مثل اُمتی است بعد از شما می‌آیند که سفهائشان بر حلما یا سفهائشان بر علماء غالب شوند.

و در ص ۲۵۷ فرمود سگی بود در بنی اسرائیل که حامله بود پس صاحبش

مهمانی را دعوت کرد، پس سگ گفت من امشب به روی مهمان صاحبم پارس نکنم، پس توله‌هایش در شکمش بصددا درآمدند. پس خداوند به مردی از ایشان وحی فرمود که مَثَل این سگ مَثَل اُمّتی است که بعد از شما می‌آیند که سفهائشان بر علمائشان استیلا پیدا کنند و غالب شوند.

و در ص ۲۵۷ ایضا روایت کند که فرمود در بنی اسرائیل مردی مهمان گروهی شد و ایشان را سگی بود حامله پس سگ گفت من پارس و عوعو به روی صاحبم نکنم پس توله‌هایش از شکمش بصددا آمدند پس صبح رفت نزد پیغمبری که برای ایشان بود و خبرش دادند، پس آن پیغمبر فرمود می‌دانید چیست مثل این سگ؟ گفت: نه نمی‌دانیم فرمود مَثَل اُمّتی است که بعد از شما می‌آیند که غالب شود سفهائشان بر علمائشان.

### ﴿ سکوت ﴾

- (۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۱ در ذیل حدیث ابن مسعود دارد که بیاید زمانیکه سکوت بهتر باشد از سخن گفتن و نشسته بهتر باشد از ایستاده الخیر.
- (۲) در کافی ج ۲ ص ۲۳۷ حضرت صادق علیه السلام فرمود دوستان خدا ساکتند و سکوتشان ذکر است و نگاه می‌کنند و نگاهشان پند است، و سخن می‌گویند پس سخنشان حکمت است، و راه می‌روند پس راه رفتنشان بین مردم برکت است، و اگر اجل حتمی برایشان نوشته نشده بود روح در بدنشان استقرار نداشت به جهت ترس از عذاب و شوق به ثواب.
- (۳) و در کافی ج ۲ ص ۱۱۴ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود نگاهدار زبان خود را که صدقه‌ایست (برای دفع بلاء) از جان خود.
- (۴) و در ص ۱۱۳ از امام هشتم علیه السلام روایت کند که فرمود سکوت کسب محبت می‌کند و راهنمای هر خوبی است.



- (۵) و در ص ۱۱۵ امام چهارم علیه السلام فرمود هر روز صبح زبان از تمام جوارح انسان سؤال می‌کند که چگونه صبح کردید همه می‌گویند صبح کردیم به خوبی اگر تو بگذاری.
- (۶) و در فقیه ج ۴ ص ۲۸۳ امام ششم علیه السلام فرمود سکوت گنجی است بزرگ و زینت است برای شخص حلیم و ستر و پرده است برای جاهل.
- (۷) و در کافی ج ۲ ص ۱۱۴ لقمان به پسرش فرمود ای پسر جان اگر خیال کنی کلام نقره است بدانکه سکوت طلا است.
- (۸) و در روضه کافی ذیل حدیث چهارم امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود حافظی بهتر از سکوت نیست.
- (۹) و در فقیه ج ۴ ص ۲۸۳ دارد که مرد مسلمان همیشه در زمره محسنین نوشته می‌شود تا مادامیکه ساکت است ولی چون سخن بگوید یا نیکوکار نوشته می‌شود یا بدکار.
- (۱۰) و در ص ۲۸۳ از امام ششم علیه السلام نقل کند که کلام در حق بهتر است از سکوت بر باطل.
- (۱۱) در کافی ج ۲ ص ۱۱۶ امام ششم فرمود همیشه بنده مؤمن جزو محسنین نوشته می‌شود مادامیکه ساکت است ولی چون سخن بگوید یا نیکوکار نوشته می‌شود یا بدکار.
- (۱۲) در کنز العمال ج ۱۵ ص ۸۷۱ و بحار ج ۷۱ ص ۲۷۹ فرمود بر تو باد بطول سکوت که آن طرد و دورکننده شیطان است و کمک به دین تو است.
- (۱۳) در بحار ج ۷۱ ص ۲۷۴ از احتجاج نقل کند که از علی بن الحسین علیه السلام سؤال شد از کلام و سکوت که کدام یک افضل است؟ حضرت فرمود برای هریک از آنها آفاتی است اگر هر دو سالم بمانند کلام بهتر است از سکوت، الخبر.

(۱۴) و در بحار ج ۷۱ ص ۲۷۹ از خصال نقل کند که بیاید بر مردم زمانی که عافیت ده جزء باشد، نه جزء در کناره گیری از مردم است و یک جزء در سکوت.

(۱۵) و در همان صفحه از خصال نقل کند که حضرت صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که سه چیز نجات دهنده است: زیانت را بازدار، و برگناهانت گریه کن و ملازم خانهات باش.

(۱۶) و در ص ۲۸۰ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود ملازم سکوت باش سالم بمان.  
 (۱۷) در بحار ج ۷۱ ص ۲۸۴ از مصباح الشریعه روایت کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود سکوت شعار محققین است بحقیقت آنچه گذشته است و قلم به آن خشک گشته، و آن کلید راحتی دنیا و آخرت است، و در آن رضای خدا است، و تخفیف حساب و حفظ از خطایا و لغزشها است، خداوند آن را برای جاهل ستر قرار داده و برای عالم زینت، و با اوست دوری از هوی و ریاضت نفس و شیرینی عبادت و برطرف شدن قساوت قلب، و با اوست عفاف و مروت و زیرکی پس ببند زیانت را مگر آنچه را ناچاری از آن، خصوصاً اگر اهلی پیدا نکنی برای گفتار خو و کمکی نداشته باشی در مذاکره برای خدا و در خدا.

(۱۸) و ربیع بن خثیم کاغذی جلو خود می گذاشت و هرچه می گفت می نوشت و شب خود را محاسبه می کرد که چه بر نفع بود و چه بر ضرر بعد می گفت آوه ساکتها نجات یافتند و ما باقی ماندیم.

(۱۹) و بعضی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند که ریگ در دهان می گذاشتند و چون می خواستند سخن بگویند که می دانستند آن برای خدا و در خدا و برای خاطر خدا است آن ریگ را بیرون می آوردند.

(۲۰) و زیادی از صحابه بودند که مثل غرق شدگان نفس می کشیدند و مثل مریضها سخن می گفتند، الخبر.

و در هر حال اخبار بسیاری در فضیلت سکوت وارد شده خصوصاً در آخر زمان.

و مرحوم مجلسی ۸۵ حدیث در بحار ج ۷۱ ص ۲۷۴ تا ص ۳۰۷ ذکر فرمود هرکس طالب است مراجعه می‌کند.

(۲۱) در کنز العمال ج ۱۵ ص ۹۰۹ و ص ۹۲۸ فرمود بر تو باد به سکوت جز از خیر که آن سکوت شیطان را از تو دور سازد و کمک بر امر دینت باشد.

### ﴿ سکه ﴾

به اسم شما سکه زدند الخ. در صاحب الامر حدیث ۱۵ خواهد آمد.

### ﴿ سلام ﴾

ملائکه به مؤمنین سلام کنند. در قائم حدیث ۹۸ خواهد آمد.  
سلام دادن در تحیت گذشت.

### ﴿ سلطان و سلاطین ﴾

(۱) در کنز العمال ج ۶ ص ۴ فرمود سلطان سایه خدا است در زمین پناهنده می‌شود به او هر مظلومی از بندگانش، اگر با عدالت رفتار نمود برای او اجر است و برای رعیت تشکر، و اگر ستم کرد و خیانت نمود برای او و زراست و بر رعیت صبر، الخبر.

(۲) و در ص ۵ فرمود سلطان در زمین سایه خدا است ضعیف بسوی او پناهنده می‌شود و بواسطه او مظلوم یاری می‌شود هرکس گرامی داشت سلطان خدا را در دنیا خداوند در روز قیامت او را گرامی دارد.

(۳) در حدیث دیگر فرمود سلطان سایه خدا است در زمین پس هرکس

- غش کند او را گمراه می‌شود و هرکس نصیحت کند او را هدایت یابد.
- (۴) در حدیث دیگر فرمود سلطان سایه خدا است در زمین پس اگر یکی از شماها داخل شهری شدید که آنجا سلطان ندارد آنجا اقامت نکنید.
- (۵) در ص ۶ فرمود سب سلطان نکنید که او سایه خدا است در زمین.
- (۶) در حدیث دیگر فرمود مشغول نسازید دل‌های خود را به فحش دادن پادشاهان و لکن بسوی خدا تقرب جوئید به دعا کردن برای ایشان تا خدا دل‌های ایشان را نسبت به شما مهربان گرداند.
- (۷) در ص ۷ فرمود چون خداوند اراده کند نسبت به گروهی خیر و خوبی را مسلط می‌کند بر ایشان حلما و بردبارانشان را و قضاوت می‌کند بین ایشان علمائشان و قرار می‌دهد مال را در بین اشخاص سخی و اگر اراده شری داشته باشد (به حسب استحقاق بشر) مسلط می‌کند بر ایشان سفهاء و بی‌خردهاشان را و قضاوت می‌کند بین ایشان جهالشان و مال را قرار می‌دهد بدست اشخاص بخیل.
- (۸) در کنز العمال ج ۶ ص ۵۰ فرمود زود است سلطنت کنند بر شما فرماندهانی که فساد می‌کنند و آنچه را خدا اصلاح می‌کند بیشتر است پس هرکس از ایشان عمل به طاعت خدا کرد برای ایشان اجر و بر شما است شکرگذاری، و هرکس از ایشان عمل به معصیت کرد برای ایشان است وزر و برای شما است صبر کردن.
- (۹) در کنز العمال ج ۶ ص ۶۷ فرمود زود است بوده باشد برای شما پیشوایانی که مالک شوند از زاق شما را حدیث کنند شما را (وعده بدهند) پس دروغ گویند به شما و عملشان بد باشد، راضی نشوند از شما مگر وقتی که کارهای زشتشان را تحسین کنید و هرچه دروغ می‌گویند تصدیقشان نمائید، پس شما حق را به ایشان بدهید مادامی که راضی بحق باشند، و اگر تجاوز از

حق کردند (اطاعتشان نکنید) پس کسی هم که کشته شود برای مخالفت ایشان پس او شهید است.

(۱۰) در حدیث دیگر فرمود اطاعت در معصیت خدا برای احدی نیست، بلکه اطاعت در معروفست.

(۱۱) در حدیث دیگر فرمود اطاعتی نیست برای کسی که اطاعت خدا نمی‌کند.

(۱۲) در حدیث دیگر فرمود حکومتی که امر کند شما را به معصیتی پس اطاعتش نکنید.

(۱۳) و در ص ۶۸ فرمود زود است فرماندهانی باشند که شما را بشناسند ولی انکار کنند پس هرکس ایشان را کنار گذارد نجات یابد، و هرکس از ایشان دوری کند سالم بماند، و هرکس با ایشان آمیزش کند هلاک شود.

(۱۴) و در ص ۶۹ فرمود شخص هرچه به سلطان نزدیک شود از خدا دور گردد، و هرچه اتباعش زیاد شود شیاطینش بیشتر می‌شوند و هرچه مالش زیاد شود حسابش زیادتر گردد.

(۱۵) و در ص ۷۰ فرمود بپرهیزید از دربان سلطان و حواشی او که نزدیکترین مردم به او دورترین مردم است به خدا، و هرکس سلطانی را مقدم بر خدا داند خداوند هم فتنه در قلبش قرار دهد در ظاهر و باطن و ورع را از او ببرد و او را حیران و سرگردان گذارد.

(۱۶) در حدیث دیگر فرمود گوش دهید بدرستی که زود است فرماندهانی برای شما باشد، پس در ظلمشان کمک نکنید و دروغشان را تصدیق نکنید که هرکس کمک به ظلم کردن ایشان کند و دروغشان را تصدیق کند، بر حوض من (حوض کوثر در قیامت) وارد نشود.

(۱۷) و در ص ۷۱ به کعب بن عجره فرمود پناه می‌دهم تو را به خدا از

فرمانفرمائی سفهاء، پادشاهانی بعد از من بوده باشد که نه به هدایت و راهنمایی من اقتدا می‌کنند و نه به سنت من عمل می‌نمایند پس هرکس داخل ایشان شود و دروغشان را تصدیق کند و بر ظلم کردن ایشان کمک کند پس از من نیستند و من هم از ایشان نیستم، و بر حوض من وارد نخواهند شد، و هرکس داخل ایشان نشود و تصدیقش نکند و کمک ننماید پس ایشان از من و منم از ایشانم و زود است که بر حوض من وارد شوند.

(۱۸) و در ص ۷۳ فرمود خداوند نفرستاد پیغمبری مگر آنکه برای او بود یارانی و بین امت او آنچه خدا میلش بود ایست می‌کردند و چون ایشان منقرض می‌شدند بعد از ایشان فرماندهانی باشد که روی منبر رفته حرفهای خوب می‌زنند ولی در وقت عمل منکر بجا می‌آورند پس هر وقت ایشان را ببینید سزاوار است بر هر مؤمنی که با ایشان بجنگد یا با دست و اگر نتوانست با زبان و اگر با زبان هم نتوانست پس با قلبش و در غیر این صورت اسلام نیست.

(۱۹) و در ص ۷۷ فرمود بیاید بر مردم زمانی که بوده باشد برای ایشان پادشاهانی سفیه مقدم می‌دارند شرار مردم را و اظهار می‌کنند دوستی با خوبان را، نماز را از وقتش عقب انداخته پس هرکس از شما آن زمان را درک کرد پس نبوده باشد البته قیم ایشان و نه پاسبان و نه مالیت‌گیر و نه خزینه‌دار.

(۲۰) در حدیث دیگر فرمود بوده باشد در آخر زمان پادشاهان ستم‌گر و وزراء فاسق و قضات خائن و فقهاء دروغ‌گو، پس هرکس درک کند از شماها آن زمان را پس قیم ایشان نباشد و نه مالیات جمع‌کن و نه خزینه‌دار و نه پاسبان.

(۲۱) در تحف العقول ص ۲۶۶ امام صادق علیه السلام فرمود کسی که متعرض سلطان ستم‌گر شود پس از او بلائی به او برسد مأجور نخواهد بود و صبر هم داده نشود.

### ﴿ سلطان بنی العباس ﴾

در سفیانی حدیث ۲۷ گذشت .

### ﴿ سلطنت ﴾

در زمان حدیث ۴۸ گذشت که بیاید بر مردم زمانی که به حکومت و سلطنت نرسند مگر به کشتن مردم و ستم کردن الخ .  
سلطنت سالانه گذشته سلطنت ماهیانه خواهد آمد . در عبدالله خواهد آمد .  
سلطنت را برای مهدی مهیا کند الخ . در آمادگی گذشت .

### ﴿ سلمان ﴾

پس سلمان - عرض کرد اینها چه وقت خواهد شد . در زمان حدیث ۴۳ و ۴۴ گذشت .

### ﴿ سلیمان بن داود ﴾

در ملاحم سید ص ۸۰ از محمد بن حنفیه روایت کند که خلیفهای از بنی هاشم به بیت المقدس نازل شود تا آنجا که فرمود پس رومیه را فتح کند و گنجهای آن را و مائده سلیمان بن داود علیه السلام را بیرون کند الخ .  
و سیر خواهد کرد به سیره سلیمان بن داود . در قائم حدیث ۸۲ خواهد آمد .

### ﴿ سمرقند ﴾

در غیبت طوسی ص ۲۷۰ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۷ فرمود خروج کند شعیب بن صالح از سمرقند .

ناظم الاسلام کرمانی در ص ۱۴۲ از ناسخ جلد خلفا نقل کند که علی علیه السلام به عمر فرمود یکی از شهرهای خراسان سمرقند است خداوند نیکی دهد اهل سمرقند را و این شهر در آخر زمان بدست ترکان (شوروی) پایمال شود.

### ﴿ سنگ موسی ﴾

سنگ موسی را با خود بردارد الخ. در قائم حدیث ۲ و ۱۲۳ خواهد آمد.

### ﴿ سنگباران ﴾

در ملاحم ص ۱۳۲ روایت کند که در بغداد زمین فرورود و سنگباران شود. در مصر سه خسف و شش زلزله و سنگباران خواهد شد الخ. در فتنه حدیث ۴۱ خواهد آمد.

در صحیح ترمذی ج ۴ ص ۴۹۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود منتظر باشید زلزله و خسف و مسخ و سنگباران شدن را. در همان صفحه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود در این امتست خسف و مسخ و سنگباران شدن.

عرض شد یا رسول الله چه وقت خواهد شد؟ فرمود وقتی که زندهای آوازه خوان و تار و طنبور و شرب خمر علنی شد.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۶ در یازده حدیث دارد که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده در امت من خسف و مسخ و سنگباران خواهد بود.

در سجستان گذشت که آنجا سنگباران شوند.

و در بصره ایضا گذشت که یکی از فتنه های بصره سنگباران شدن است.

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۱۵ در ذیل حدیثی دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود سنگباران می شوند چنانچه قوم لوط سنگباران شدند، تمام حدیث در



امت حدیث ۱۴ گذشت مراجعه کن .

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۸۰ در ذیل حدیثی پیغمبر ﷺ فرمود وقتی دیدید زنها سوار زین شدند، و زندهای آوازه خوان زیاد شده، و شهادت به دروغ داده شود و علنا شرب خمر شود، و نمازخوانها در ظرف طلا و نقره چیزی بیاشامند، و مردها به مردها اکتفا کنند و زنها به زنها پس در این هنگام سخت آمادگی پیدا کنید و پرهیزید از سنگباران شدن از آسمان .

دنیا منقضی نشود مگر وقتی که سنگباران شوند . در زندهای آخرالزمان حدیث ۶ گذشت .

### ﴿ سن ﴾

صاحب این امر کوچکترین ما است از حیث سنّ الخ . در فرج حدیث سوم خواهد آمد .

سنّ مبارکش زیاد ولی بصورت جوان باشد الخ . در قائم حدیث ۴۵ خواهد آمد .

### ﴿ سنت ﴾

در ملاحم ص ۱۶۲ از رسول خدا ﷺ روایت کند که اول کسی که سنت مرا تبدیل می کند مردیست از بنی امیه .

در امتحان حدیث (۱۴) گذشت که صدا زنند ای اهل اسلام (علی) سنت عمر را تغییر داد .

در جدال گذشت که با سنت با ایشان بحث کنید که اصحاب سنت داناترند به کتاب خدا .

در قائم حدیث ۹۱ خواهد آمد که با حضرت حجّت سنت هفت پیغمبر است .

در صاحب الامر حدیث ۱۲ خواهد آمد که در او سنت چهار پیغمبر است الخ.  
در صاحب این امر سنتی از یوسف است الخ. در صاحب الامر حدیث ۱۹  
خواهد آمد.

### ﴿ سوزانیدن ﴾

یکی از علامات ظهور سوزانیدن مرد بزرگ مرتبه است الخ. در علامات  
ظهور حدیث ۲۴ خواهد آمد.

### ﴿ سه پرچم ﴾

در بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲ و غیبت نعمانی ص ۲۷۹ در ذیل حدیثی امام باقر علیه السلام  
فرمود اول زمینی که خراب می شود شام است.  
آن وقت سه پرچم اختلاف کنند پرچم اصبه، و پرچم ابقع، و پرچم سفیانی  
الخ. در شام و علامات ظهور حدیث ۹ خواهد آمد.

### ﴿ سه چیز ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۹۸ حدیث ۱۱ از ابی خالد کابلی روایت کند که امام  
زین العابدین علیه السلام می فرمود دوست داشتم که در گفتار آزاد بودم و با مردم سه  
کلمه حرف می زدم و سپس خدا درباره من هر چه می خواست حکم می فرمود  
ولی چه کنم که عهدی است از طرف خدا که باید صبر کنم، آن وقت این آیه را  
تلاوت فرمود ﴿ وَ لَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴾ البته می دانی خبرش را بعد از زمانی.  
و نیز این آیه را تلاوت فرمود ﴿ وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ  
وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيراً وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴾  
آیه (۱۸۶) سوره آل عمران یعنی و حتما بر شما از زخم زبان آنانکه پیش از

شما کتاب داده شده بودند و از کسانی که شرک به خدا آوردند آزار فراوانی خواهد رسید، و اگر صبر کنید و پرهیزکار باشید پس آن سبب اراده و قوت نیرو در کارها است.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۲۳ فرمود سه چیز را وقتی دیدید پس در آن وقت است خرابی آبادی و آبادی خرابی، یکی آنکه معروف منکر شود، و منکر معروف گردد، سوم آنکه مرد با امانت بازی کند چنانچه شتر با درخت بازی می کند یا امانت را از بیخ انکار کند و ریشه کن کند چنانچه شتر شاخه درخت را از بیخ می کند.

و در ص ۲۴۳ فرمود همیشه امت بر شریعت نیکو هستند مادامیکه سه چیز در ایشان ظاهر نشده، یکی آنکه علم از ایشان گرفته نشده باشد دوم آنکه بچه بد در ایشان زیاد نشده باشد، سوم آنکه سقارون در ایشان ظهور پیدا نکرده باشد، گفته شد سقارون چیست؟ فرمود بشری در آخر زمان پیدا می شوند که تحیت و سلام ایشان وقتی همدیگر را ببینند لعن به یکدیگر باشد.

و در ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه سه چیز را خداوند عزیز کند و کمیاب باشد یکی درهم حلال دیگری علم با فائده سوم برادر دینی که برای خدا با هم برادر باشند.

و در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۱۶ رسول خدا ﷺ فرمود از خدا سه چیز سؤال کردم دو تای آن را داد و از یکی منعم کرد، از خدا خواستم که امت مرا به گرانی و خشکسالی هلاک نکند به من عطا فرمود دوم خواستم دشمنی از غیر خوداشن بر ایشان مسلط نکند به من عطا فرمود.

سوم از خدا خواستم که امت مرا دسته دشته نکند و عذاب و بلای خودشان را به خودشان نچشانند قبول فرمود (لذا از روزی که پیغمبر خدا از دنیا رفته تا به امروز مسلمانها بجان هم افتاده از همدیگر می کشند)

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۱۷ عبدالله بن عمر سؤال کرد که آیا می‌دانی آن سه چیزی که پیغمبر از خدا خواست چه بود؟ راوی گفت بلی، گفت به من خبر ده کدام است، گفت از خدا خواست دشمنی از غیر خودشان بر ایشان غالب نشود و ایشان را به قحطی و گرانی هلاک نسازد خدا هم عطا فرمود، و از خدا خواست که بین خودشان جنگ نیندازد خدا قبول فرمود. تا تأیید کند به سه چیز الخ. در عجله کنندگان خواهد آمد.

### ﴿ سه هزار از قریش را گردن زند ﴾

در قائم حدیث ۱۰ خواهد آمد.

### ﴿ سهله ﴾

در اخلاق منسوب به راوندی خطی است<sup>(۱)</sup> در باب ۱۴ دارد که از موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد که وقتی قائم علیه السلام قیام کند مسکنش کجا است؟ فرمود کوفه مسجد سهله الخ. در قائم حدیث ۹۵ خواهد آمد.

در کافی ج ۳ ص ۴۹۵ از امام صادق علیه السلام روایت کند که یادی از مسجد سهله شد فرمود آگاه باشید آنجا منزل صاحب ما است هرگاه با اهل خود وارد شود. در بحار ج ۱۰۰ ص ۴۳۵ از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود گویا می‌بینم نزول قائم علیه السلام را با اهل و عیال خود در مسجد سهله ابو بصیر عرض کرد فدای تو شوم آیا منزل او در مسجد سهله است؟ فرمود بلی. الخ.

و در بحار ج ۱۰۰ ص ۴۳۶ و ج ۵۲ ص ۳۸۱ از ابی بصیر روایت کند که امام صادق علیه السلام به من فرمود ای ابا محمد گویا می‌بینم نزول قائم علیه السلام را در مسجد سهله با اهل و عیالش، عرض کردم منزلش می‌باشد فدایت شوم؟ فرمود بلی،

(۱) در مکتبه مجلس در طهران در اول مجموعه رقم ۵۳۶۴ در فهرست آن ج ۱۶ ص ۲۷۱.

منزل ادریس و ابراهیم خلیل الرحمان آنجا بوده و خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاده جز آنکه در آنجا نماز خوانده و مسکن خضر هم آنجا بوده، و کسی که در آن مقیم باشد مثل آن است که در خیمه رسول خدا مقیم بوده و هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای نیست مگر آنکه قلبش میل به آن می‌کند، و در آن است سنگی که صورت همه انبیاء در آن است، و کسی نیست که در آن نماز بخواند و خدا را با نیت راست بخواند جز آنکه خداوند حاجت او را برآورد و کسی نیست که به او پناه برد جز آنکه خداوند او را پناه دهد از چیزی که می‌ترسد، عرض کردم اینست فضل و فضیلت، حضرت فرمود زیادتر برایت بگویم؟ عرض کردم بلی، فرمود این از بقاع آنچنانیست که خدا دوست می‌دارد در آن عبادت شود و هیچ شب و روزی نیست جز آنکه ملائکه زیارت می‌کنند این مسجد را و عبادت می‌کنند در آن، اگر من نزدیک شما بودم نماز نمی‌کردم مگر در آن ای ابا محمد آنچه را که وصف نکردم بیش از این است، عرض کردم فدایت شوم همیشه قائم آنجا خواهد بود؟ فرمود بلی، عرض کردم کسانی که بعد از او هستند؟ فرمود همین طور است تا انقضاء خلق.

از وادی السلام عبور کرده به مسجد سهله می‌رود الخ. در قائم حدیث ۱۰۰ خواهد آمد.

در اوست مسجد سهله که هیچ پیغمبری را خدا نفرستاده جز آنکه در آن مسجد نماز خوانده و در آن عدل خدا ظاهر شود الخ. در کوفه حدیث ۷ خواهد آمد.

### ﴿ سی نفر دروغ گو ﴾

در اُمت حدیث ۴ و در ساعت ظهور حدیث ۵۰ و ۵۴ و ۶۵ گذشت.

### ﴿ سی نفر همیشه با حضرت حجت هستند ﴾

در کافی ج ۱ ص ۳۴۰ و بحار ج ۵۲ ص ۱۵۳ دارد که با سی نفر وحشتی نیست، چنانچه در صاحب الامر و غیبت خواهد آمد.

### ﴿ سیاست ﴾

سیاست کند امورشان را الخ. در عرب حدیث ۳ خواهد آمد.

### ﴿ سیاه ﴾

در پرچمها گذشت و در لباس سیاه خواهد آمد.

### ﴿ سیره و روش حضرت حجت علیه السلام ﴾

(۱) در تهذیب ج ۶ ص ۱۵۴ از امام صادق علیه السلام سؤال شد که آیا قائم علیه السلام سیر می کند بخلاف سیره و روش حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام؟ حضرت فرمود بلی بجهت آنکه علی علیه السلام سیرش از روی منت و گذشت بود چون می دانست که شیعیانش زود مغلوب خواهند شد، ولی حضرت قائم علیه السلام چون قیام کند با شمشیر و اسیر گرفتن است چون می داند شیعیانش هرگز مغلوب نخواهند شد بعد از خودش.

(۲) و در تهذیب ج ۶ ص ۱۵۴ از امام باقر علیه السلام سؤال شد از حضرت حجت علیه السلام که به چه روشی سیر خواهد فرمود در مردم؟ حضرت فرمود به آنچه رسول الله صلی الله علیه و آله سیر فرمود تا اسلام ظاهر شد، عرض شد رسول الله به چه سیره و روشی سیر نمود؟ فرمود آنچه در زمان جاهلیت بود باطل سات، و با مردم با عدل رفتار فرمود، و همچنین چون حضرت حجت قیام فرماید باطل کند آنچه

در زمان صلح بوده و با مردم با عدل رفتار فرماید.

(۳) و در کافی جلد پنج ص ۳۳ و تهذیب جلد شش ص ۱۵۵ از امام صادق علیه السلام روایت کند که هر آینه روش علی علیه السلام در اهل بصره بهتر بود برای شیعیانش از آنچه آفتاب بر آن می تابید چون می دانست که برای آن گروه دولتی خواهد بود اگر از ایشان اسیر می گرفت ایشان هم در وقت تسلطشان شیعه ها را اسیر می کردند. راوی عرض کرد مرا از سیره حضرت قائم علیه السلام خبردار کن که آیا سیر می کند به سیره علی علیه السلام فرمود خیر، علی با ایشان از راه منت و گذشت عمل فرمود، چون علم به دولت آنها داشت ولی حضرت حجت به خلاف سیره علی با مردم رفتار کند چون می داند برای دشمنان دین دولتی دیگر نخواهد بود.

(۴) در غیبت نعمانی ص ۲۳۱ از حضرت صادق علیه السلام سؤال از سیره و رفتار مهدی علیه السلام شد که به چه نحوی در مردم سیر خواهد کرد؟ حضرت در جواب فرمود بجا آورد آنچه را رسول خدا عمل فرمود خراب کند آنچه را قبل از خود بوده چنانچه رسول خدا خراب کرد آنچه را در جاهلیت بوده و اسلام را از نو پیا کند.

(۵) در حدیث دیگر زراره از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمود که آیا حضرت حجت سیر می کند به سیره محمد صلی الله علیه و آله؟ حضرت باقر علیه السلام فرمود خیر هیئات هیئات ای زراره سیر نخواهد کرد به سیره او، عرض کرد فدایت شوم چرا؟ فرمود برای آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله با امتش از راه منت سیر فرمود و بین مردم الفت ایجاد می کرد ولی حضرت حجت با شمشیر رفتار خواهد کرد، چون در کتابی که با حضرت است این طور مأموریت دارد و از احدی توبه نخواهد و ای بر کسی که با او دشمنی و نزاع کند.

(۶) در غیبت نعمانی ص ۲۳۲ معلی بنخنیس از حضرت صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا وقتی حضرت قیام کند بخلاف سیره علی علیه السلام سیر خواهد کرد؟

فرمود بلی بعلت آنکه علی علیه السلام با منت و گذشت (با اصحاب جمل) عمل کرد چون می دانست شیعیانش بعد از خودش زود مغلوب خواهند شد ولی حضرت حجت چون قیام کند با شمشیر و اسیر کردن با ایشان رفتار کند چون می داند شیعیانش هرگز بعد از خودش مغلوب نخواهند شد.

(۷) در غیبت نعمانی ص ۲۳۲ عبدالله بن عطا از امام باقر علیه السلام سؤال می کند که وقتی حضرت حجت قیام می کند به چه روشی سیر می کند در مردم؟ فرمود خراب می کند ماقبل خود را چنانچه رسول الله خدا خراب کرد، و اسلام را از نو پیا کند.

(۸) در غیبت نعمانی ص ۲۳۳ محمد بن مسلم می گوید از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود اگر مردم بدانند که حضرت حجت چه عملیاتی انجام خواهد داد بعد از قیامش از کشتار، اکثر مردم آرزو می کردند ای کاش نمی دیدند آن حضرت را، آگاه باشید که ابتدا نکند مگر به قریش و نگیرد از ایشان مگر به شمشیر و ندهد مگر به شمشیر حتی اینکه زیادی مردم می گویند این از آل محمد نیست اگر از آل محمد بود هرآینه رحم می کرد (ولی مردم غافلند که قریش چه جنایتی کرده اند با پیغمبر ۲۳ سال چه کردند با دخترش چه کردند با دامادش چه کردند با وصیش که کردند با حسن و حسین چه کردند با امامان بعد از حسین علیه السلام چه کردند با شیعیان چه کردند پس هر قسم انتقامی حضرت حجت علیه السلام از ایشان بکشد عین حق و صواب است اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه بحق محمد و آله المظلومین).

و در قائم و مهدی علیه السلام اخبار مناسبی ذکر خواهد شد مراجعه شود.

(۹) و در ملاحم ص ۶۶ امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود خداوند فتنه را بواسطه مردی از ما بر طرف سازد، تا آنجا که فرمود هشت ماه شمشیر بر دوش گرفته از کفار بکشد حتی اینکه بگویند والله این از اولاد فاطمه علیه السلام نیست و الا به ما رحم



می کرد، انتقام می کشد از بنی العباس و بنی امیه .  
 به سیره سلیمان بن داود عمل خواهد کرد. در قائم حدیث ۸۱ خواهد آمد.  
 از موسی بن جعفر علیه السلام سؤال شد به چه روشی سیر خواهد کرد فرمود به سیره  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم الخ. در قائم حدیث ۹۵ خواهد آمد.

### ﴿ سیزده ﴾

سیزه فرقه خیال می کنند با ولایت و محبت ما هستند الخ. در فرقه خواهد آمد.  
 در غیبت نعمانی ص ۲۹۹ حضرت صادق علیه السلام فرمود سیزده شهر و طائفه با  
 حضرت حجت علیه السلام جنگ کنند، اهل مکه و اهل مدینه و اهل شام و بنو امیه و  
 اهل بصره و اهل دست میسان و کردها و عربها و طائفه ضبه و غنی و باهله و ازد  
 و اهل ری. (تهران)

در دلائل الامامه طبری ص ۲۶۰ مفضل بن عمر گفت شنیدم حضرت  
 صادق علیه السلام می فرمود سیزه زن با قائم خواهد بود، گفتم چه کند ایشان را؟ فرمود  
 برای مداوای مجروحین و مریضداری چنانچه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود، گفتم  
 اسم ایشان را بیان فرما؟ فرمود قنوا دختر رشید، و ام ایمن، و حبابه و البیه، و  
 سمیه مادر عمار بن یاسر، و زبیده، و ام خالد احمسیه، و ام سعید حنفیه، و  
 صبانہ ماشطه، و ام خالد جهنیه.

(سیزده هزار و سیصد و سیزه ملک) در پرچم حدیث ۲۳ گذشت.

### ﴿ سیصد و سیزده نفر ﴾

در اصحاب مهدی علیه السلام ذکر کردم رجوع فرمائید.  
 در غیبت نعمانی ص ۲۸۲ ذیل ح ۶۷ فرمود خداوند جمع کند اصحاب او را  
 سیصد و سیزده نفر بدون وعده گذاری مثل ابرهای اول پائیز و این علامتی است

که خداوند در کتاب خود ذکر فرموده ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ الخبر.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۳ از مفضل بن عمر از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که فرمود چون امام اذن داده شود خداوند به اسم عبرانیش می خواند پس آماده می شود برای او اصحابش، که سیصد و سیزده نفرند، مثل ابر پائیز جمع شوند، که ایشانند صاحبان پرچمها، (یعنی هر کدام حکومت مملکتی را عهده دار شوند) بعض ایشان شب از رختخوابش ناپدید شود، و صبح در مکه باشد، و بعضی روز دیده شوند که در ابر حرکت می کند، و اسم خود و اسم پدرش و زنش و نسبش را معرفی می کند، راوی عرض کرد فدایت شوم کدام یک از ایشان ایمانش بیشتر است فرمود آنکه روز با ابر سیر می کند. الخ.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۳ ابان بن تغلب می گوید با جعفر بن محمد علیه السلام در مسجد مکه بودم و حضرت دست مرا گرفته بود پس فرمود با ابان زود است که خداوند بیاورد سیصد و سیزده نفر مرد را در این مسجد شما می دانند اهل مکه که خلق نشده اند هنوز پدران ایشان و نه اجداد ایشان، دارای شمشیرهایی هستند که بر هر شمشیری اسم او و اسم پدر او و مشخصات او و نسب او نوشته است، الخبر.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۴ حدیث ۷ حضرت صادق علیه السلام فرمود زود است که خداوند بفرستد سیصد و سیزده نفر را بسوی مسجدی که در مکه است، می دانند اهل مکه ایشان متولد نشده اند و نه اجداد ایشان، دارای شمشیرهایی هستند که نوشته شده بر آن هزار کلمه و هر کلمه کلید هزار کلمه است، و خداوند بفرستد باد را از هر وادی که بگوید این است مهدی که حکم می کند به حکم داود و بیته طلب نکند.

و در ص ۳۱۵ حدیث ۸ حضرت باقر فرمود اصحاب قائم سیصد و سیزده

نفرند از اولاد عجم هستند بعضی بواسطه ابرها در روز وارد می‌شوند در حالی که اسم او و اسم پدرش و نسبش و مشخصاتش شناخته شده و بعضی خواب هستند که ناگاه خود را در مکه می‌بینند بدون سابقه و عده گذاری.

و در غیبت نعمانی ص ۳۱۳ حضرت صادق علیه السلام فرمود وقتی اذن داده شود امام خدا را به اسم عبرانش خواند پس اصحاب را برای او مهیا کند سیصد و سیزده نفر مثل ابر اول پائیز به هم متصل شوند و ایشانند صاحب پرچمها بعض ایشان از رختخوابش شبانه مفقود شود، صبح در مکه باشد، و بعض ایشان دیده شود که بر ابر سوارند در روز روشن، که اسم خود و پدر و حسب و نسبش شناخته شده باشد راوی عرض کرد فدایت شوم کدام یک ایمانش کامل تر است فرمود آنکه با ابر سیر می‌کند در روز، و ایشانند مفقودین و در ایشان نازل شده این آیه ﴿ اَیُّنَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللهُ جَمِيعًا ﴾.

در غیبت نعمانی ص ۳۱۵ حضرت باقر علیه السلام فرمود بدرستیکه قائم علیه السلام از ثنیه ذی طوی پائین بیاید در عده اهل بدر که سیصد و سیزده نفرند و پشتش را تکیه دهد به حجر الاسود، و پرچم پیروزی به حرکت آید.

در غیبت نعمانی ص ۲۰۳ حضرت صادق علیه السلام در ذیل حدیثی فرمود آگاه باش هر وقت عده‌ای که وصف شده‌اند که سیصد و سیزده نفرند کامل شد آن وقت است که بوده باشد آنچه را شما می‌خواهید.

### ﴿ سینه و صورت ﴾

در کشف الغمه ج ۲ ص ۴۶۰ و در ارشاد مفید ص ۳۵۹ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۲ ح ۸۲ یکی از آیات و علامت را خارج شدن سینه و صورتی در چشم خورشید شمرده که حسب و نسب خود را بیان می‌کند و این در زمان سفیانی است که هلاکت او و جماعتش در همان وقت خواهد بود. تمام حدیث در

خورشید و رکود گذشت.

### ﴿ شاخ ﴾

شاخ ستم طلوع کند. در ستم حدیث ۲ گذشت.

### ﴿ شام ﴾

- (۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۵۷ فرمود بیاید بر مردم زمانیکه نماز در آن مؤمنی مگر آنکه ملحق شود به شام.
- (۲) در مستدرک ج ۴ ص ۵۵۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام است که سب اهل شام نکنید بلکه ظالمهاشان را سب کنید چون ابدال در شام هستند.
- (۳) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۸ از علی علیه السلام روایت کند که دشنام به اهل شام ندهید بلکه ستمگراشان را سب کنید چون ابدال در اهل شامند.
- (۴) در ملاحم سید ص ۱۳۲ در ذیل حدیثی فرمود وقتی فتنه شام را دیدی پس مرگ مرگ (شاید کنایه از این باشد که در آن وقت مردن بهتر از زندگی است)
- (۵) در غیبت نعمانی ص ۳۰۵ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۰ ح ۶۹ حضرت باقر از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود وقتی در شام دو نیزه به اختلاف کشیده شد کشف نشود مگر از یک آیتی از آیات خدا، عرض شد آن آیت چیست یا امیرالمؤمنین؟ فرمود زلزله‌ای در شام شود که بیش از صد هزار هلاک شوند، آن را خداوند برای مؤمنین رحمت قرار دهد و برای کافرین عذا، پس چون اینطور شود نظر کنید به صاحبان اسبهای سیاه و سفید که (گوش بریده یا دم بریده‌اند) و پرچمهای زرد که از طرف مغرب می‌آید تا داخل شام می‌شود و این در وقت جزع اکبر و مرگ سرخ است.

و چون اینطور شد نظر کنید فر و رفتن دهی از دمشق که آن را حرستا گویند و چون اینطور شد پسر هند جگر خوار از وادی یابس خروج خواهد کرد و بر منبر دمشق خواهد نشست و چون اینطور شد منتظر خروج مهدی عجل الله فرجه باشید.

(۶) و در مستدرک ج ۴ ص ۵۰۵ ابن مسعود فرمود زود است که بهترین چیزها روی زمین برای یکی از شماها آن باشد که الاغهای داشته باشد که اهلس را نقل به شام بدهد.

(۷) و در ص ۵۰۹ از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که فرمود شام برگزیده خدا است از بلادش و بندگان برگزیده اش را بسوی آن می فرستند و هر کس از شام خارج شود و بغیر شام برود بواسطه سخط خدا است، و هر کس داخل آن شود بواسطه رحمت خدا است.

(۸) و در ص ۵۰۹ در ذیل حدیثی فرمود آگاه باشید که در وقت فتنه ایمان در شام است.

(۹) و در ص ۵۱۰ فرمود چند لشکر تهیه و فرستاده خواهد شد لشکری در شام و لشکری در عراق و لشکری در یمن راوی عرض کرد یکی را برای من اختیار کنید فرمود بر تو باد به شام که خداوند برای من کفیل شده شام و اهل شام را.

(۱۰) و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۴۹ فرمود برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مردم از مدینه بروند شام برای طلب صحت و عافیت.

(۱۱) در الزام الناصب ج ۲ ص ۲۲۱ از امیر المؤمنین عجل الله فرجه است که فرمود زود است که حصارهای شامات خراب شود و بلاء و آفت در آنها دور زند، و سالم مانند مگر دمشق و نواحی آن. و در طرف مشرق و بلندیهایش خونها ریخته شود.

(۱۲) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۳۵ دارد که زمین چهل سال قبل از شام خراب شود.

- (۱۳) اذا ملك رجل الشام و آخر مصر الخ. در مهدی خواهد آمد.
- (۱۴) در غیبت طوسی ص ۲۶۹ و نعمانی ص ۲۷۹ و بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود:
- اول زمینی که خراب می شود شام است پس بین سه پرچم اختلاف شود: پرچم اصبه و ابقع و سفیانی.
- (۱۵) در بحار ج ۵۲ ص ۲۶۹ در ذیل حدیثی امام صادق علیه السلام فرمود تا اینکه شام خراب شود و سبب آن اجتماع سه پرچم است در آن: پرچم اصبه و پرچم ابقع، و پرچم سفیانی.
- (۱۶) در بحار ج ۵۲ ص ۲۳۷ امام باقر علیه السلام فرمود اول زمین مغرب شام است آنجا بین سه پرچم اختلاف شود: پرچم اصبه و پرچم ابقع و پرچم سفیانی الخ.
- (۱۷) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۳۵ در ذیل حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت کند که فرمود هر آینه البته شام و فارس فتح شود یا روم و فارس فتح شود بطوریکه برای هر یک از شماها چنان و چنان شتر باشد و چنان و چنان گاو باشد تا اینکه به یکی از شماها صد دینار بدهند و او را غضب کند (یعنی بگوید کم است) پس از آن دستش را بر سر من گذاشت و فرمود (ای پسر حواله) هر وقت دیدی خلافت در بیت المقدس نازل شده پس زلزله‌ها و بلاها و امور بزرگ ساعت (ظهور) نزدیک شده و آن روز ساعت ظهور به مردم نزدیک تر است از دست من به سر تو.

### ﴿ شانزده هزار ﴾

در قائم حدیث ۹۹ خواهد آمد که شانزده هزار از بتریه که فرقه‌ای از زیدیه هستند و همه قراء قرآن و فقهاء در دین هستند می‌کشد.

### ﴿ شانه ﴾

سر خود را شانه زند چنانچه زنها شانه زنند. در فَرَجِ حَدِيثِ ۱ خواهد آمد.

### ﴿ شب و روز ﴾

اسلام مثل شب و روز است همه جامی رود الخ. در اسلام گذشت رجوع کن.

### ﴿ شباهت ﴾

در غیبت نعمانی ص ۱۶۳ حضرت صادق عليه السلام فرمود بدرستیکه در صاحب این امر شباهتی است به یوسف عليه السلام الخ. در صاحب الامر حدیث ۴ خواهد آمد. و در حدیث دیگر حضرت باقر عليه السلام فرمود بدرستیکه صاحب این امر در او شباهت است به یوسف عليه السلام الخ. در صاحب الامر حدیث ۲۰ خواهد آمد.

### ﴿ شبیه ﴾

خود را شبیه قائم می سازد. در أَصْهَبِ گزشت.

### ﴿ شتر ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۹ و ملاحم سید ص ۱۵۹ دارد که بیاید زمانیکه یک شتر با جهاز بهتر باشد از دهی که در هر سالی صد هزار غله و عایدی داشته باشد.

در شهر رمضان حدیث ۳ و ۸ خواهد آمد که یک شتر ماده سب بار بهتر باشد از یک دهی که صد هزار غله داشته باشد.

در چند حدیث وارد شده که بیاید زمانیکه زنها سرهاشان مثل کوهان شتر

بختی باشد. و در زنها گذشته مراجعه کن.

### ﴿ شدت ﴾

در غیبت نعمانی ص ۲۸۵ از یونس بن رباط نقل کند که گفت شنیدم از امام صادق علیه السلام که می فرمود بدرستیکه اهل حق همیشه از زمانیکه بوجود آمده اند در شدت و سختی بوده اند ولی آگاه باشید این تا یک مدتی کمی است و عافیت و خوشیش طولانی است.

### ﴿ شذاذ ﴾

پیرهیزید از شذاذ آل محمد. در خروج کنندگان حدیث ۲ گذشت.

### ﴿ شر ﴾

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۳ فرمود هیچ سالی نیست مگر آنکه بعد از آن شر و بدتر از آن است تا وقتی که خدا را ملاقات کنید.  
در حدیث دیگر فرمود هر چیزی نقصان پذیر است مگر شر و بدی که زیاد می شود.

در حدیث دیگر فرمود هیچ سالی نیست مگر آنکه خیر و خوبی کم می شود و شر و بدی زیاد می شود.

در حدیث دیگر فرمود نگذارد بر شما سالی و روزی مگر آنکه بعدش شر و بدتر باشد تا وقتیکه خدا را ملاقات کنید.

و در ص ۲۵۶ فرمود نیاید بر شما سالی مگر آنکه آن شر و بدتر از دیگری باشد.

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۱۷۴ از عبدالله بن عمر روایت کند که شر تقسیم شده



بر هفتاد جزء (۶۹) جزء آن را در برابر قرار داده و یک جزء آن را در باقی مردم .  
وای بر عرب از شری که نزدیک شده الخ . در عرب خواهد آمد .

### ﴿ شرار ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۰ رسول خدا ﷺ فرمود برپا نشود ساعت  
ظهور (یا قیامت) مگر بر شرار از مردم .  
در ص ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۹۴ فرمود برپا نشود ساعت مگر بر شرار مردم .  
در غیبت نعمانی ص ۱۶۲ در ذیل دو حدیث حضرت صادق علیه السلام فرمود امر  
ظهور امام عصر علیه السلام نباشد مگر بر سر شرار مردم .  
در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۵۰ برپا نشود ساعت ظهور تا اینکه مدینه شرار  
خود را نفی کند (یعنی از خود دور کند) .  
و در ص ۲۵۶ و ۲۶۳ فرمود برپا نشود ساعت مگر بر شرار مردم .

### ﴿ شرور ﴾

در زمان حدیث ۴۷ گذشت که شرورترین فقها در زیر سایه آسمانند .  
در زمان حدیث ۵۷ گذشت که علماء ایشان شرورترین خلق خدایند .

### ﴿ شش ﴾

عذاب مکنش شش طائفه الخ . در عذاب حدیث ۴ خواهد آمد .

### ﴿ شش چیز پیش از ظهور ﴾

(۱) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۱۳ و مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۲۳ رسول  
خدا ﷺ فرمود ای عوف حفظ کن شش خصلت را پیش از ساعت ظهور یکی

مرگ من ، پس از آن فتح بیت المقدس ، پس از آن مرضی در شما ظهور پیدا کند که ذراری شما و خود شما از خدا طلب شهادت کنید و اموال شما زیاد شود پس از آن در شماها اموال بطوری زیاد شود که صد دینار به مردی بدهند با حال خشم به کناری برود ، و فتنه‌ای برپا شود که نماند خانه مسلمانی مگر آنکه<sup>(۱)</sup> داخلش شود ، پس از آن بین شما و بین بنی الاصفهر<sup>(۲)</sup> صلحی باشد پس ایشان غدر و حيله کنند و با هشتاد پرچم که زیر هر پرچمی دوازده هزار نفر باشد به شما حمله کنند .

(۲) و در ص ۲۳۶ فرموده پس خیمه‌های مسلمانان آن روز در زمینی است که آن را غوطه گویند و در شهر است که آن را دمشق گویند .

(۳) و در ص ۲۳۶ ایضا فرمود شش چیز در شما است ای امت ، مرگ پیغمبرتان (این یک) و زیاد شود اموال شما بطوریکه ده هزار به مردی عطا شود قهر کند و خشمگین شود (این دو) و فتنه‌ای برپا شود و داخل خانه هر یک از شماها گردد (این سه) و مردنی مثل (قصاص)<sup>(۳)</sup> گوسفند (این چهار) و صحلای است بین شما و بین رومیها نه ماه بر شما حمله‌ور باشند مقدار حمل زنی ، پس ایشان سزاوارترند به خدعه و بی وفائی از شما (این پنج) و فتح شهری (این شش) گفته شد کدام شهر ؟ فرمود قسطنطنیه .

### ﴿ ششصد هزار ﴾

ششصد هزار نفر را بکشند . در رومیه گذشت .

(۱) در حدیث دیگر در ص ۲۱۵ دارد که نماند خانه‌ای از عرب مرگ آنکه داخلش شود .

(۲) مراد از بنی الاصفهر رومیها می باشند چنانچه از نهاییه استفاده می شود .

(۳) قصاص مرضی است که هر گوسفندی بگیرد زود می میرد . (نهاییه)

### ﴿ شصت نفر دروغگو ﴾

در اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۲۵ و بحار ج ۵۲ ص ۲۰۹ و غیبت طوسی ص ۲۶۶ از رسول خدا ﷺ روایت کند که برپا نشود ساعت (ظهور) تا اینکه شصت نفر دروغگو خروج کنند و همه بگویند من پیغمبرم.

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۴۹ از کشف الغمه روایت کند که یکی از علامات خروج شصت نفر دروغگو است که همه ادعای پیغمبری کنند.

در ارشاد مفید ص ۳۵۸ از رسول خدا ﷺ روایت کند که فرمود برپا نشود ساعت تا اینکه خروج کند مهدی از اولاد من و خروج نکند مهدی تا اینکه خروج کنند شصت نفر دروغگو که همه بگویند من پیغمبرم.

### ﴿ شعار ﴾

در نوائب الدهور ج ۳ ص ۲۷۳ شعار ایشان اللیل یا تارت الحسین .

در کافی ج ۵ ص ۴۷ شعار مسلمین روز بدر (یا منصور امت) است .

در حدیث دیگر فرمود شعار حسین علیه السلام یا محمد است و شعار ما یا محمد است .

در ملاحم سید ص ۶۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۷ دارد که شعار اصحاب مهدی علیه السلام (امت امت) است یعنی بمیر بمیر .

و در ص ۶۵ و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۸۷ و ص ۵۹۸ فرمود علامتشان (امت امت) است .

در غیبت طوسی ص ۲۸۴ دارد بی دینی بر او خروج کند و عدد ایشان ده هزار نفر باشد و شعارشان یا عثمان یا عثمان باشد .

در قائم حدیث ۸۴ خواهد آمد .

## ﴿ شعراء ﴾

در علامات ظهور حدیث ۲۰ خواهد آمد.

## ﴿ شعیب بن صالح ﴾

در غیبت طوسی ص ۲۷۰ علی بن الحسین علیه السلام فرمود قبل از خروج حضرت حجت خروج شعیب بن صالح است از سمرقند.

در ملاحم سید ص ۵۲ و در البرهان ص ۱۵۱ از محمد بن حنفیه روایت کند که فرمود خارج می شود پرچم سیاه برای بنی العباس پس از آن خارج می شود از خراسان پرچم دیگری سیاه که کلاهشان سیاه و لباسشان سفید است بر مقدمه ایشان مردی است بنام شعیب بن صالح یا صالح بن شعیب از طائفه تمیم است، لشکر سفیان را شکست می دهند تا اینکه فرود می آیند در بیت المقدس و آماده می کنند برای مهدی سلطنتش را کشیده می شود بسوی او سیصد نفر از اهل شام، و فاصله بین خروج او و تسلیم امر به مهدی هفتاد و دو ماه می باشد. و در ملاحم ص ۵۲ و در البرهان ص ۱۵۱ دارد که خارج می شود از ری مردی چهارشانه گندمگون مولای و غلام بنی تمیم است کوسج است به او شعیب بن صالح گفته می شود، در چهار هزار لشکر که لباسشان سفید و پرچمهاشان سیاه است، مقدمه است برای آمدن مهدی علیه السلام ملاقات نکند احدی او را مگر آنکه او را بکشد. (در برهان او را فراری دهد)

و در ملاحم ص ۵۱ و در البرهان ص ۱۵۱ عمار یاسر فرمود پرچم دار حضرت مهدی علیه السلام شعیب بن صالح است.

در ملاحم ص ۵۱ در البرهان ص ۱۵۱ حضرت باقر علیه السلام فرمود جوانی از بنی هاشم خروج کند که در دست راستش خالی است، و پرچمهای سیاه از

خراسان بیاید جلوی ایشان شعیب بن صالح است که با اصحاب سفیانی می‌جنگند و ایشان را شکست می‌دهند.

در البرهان ص ۱۵۲ از علی علیه السلام روایت کند که خارج شود پرچمهای سیاه که با سفیانی جنگ کند، در ایشان جوانیست از بنی‌هاشم در کتف چپش خالی است، علمدارش مردیست از بنی تمیم که او را شعیب بن صالح می‌گویند.

در البرهان ص ۱۵۲ از عمار یاسر روایت کند که چون سفیانی برسد به کوفه و یاران آل محمد صلوات الله علیهم را بکشد، مهدی خروج کند، علمدارش شعیب بن صالح است پس اصحابش را شکست دهد (یعنی اصحاب سفیانی را).

در غیبت طوسی ص ۲۷۹ در ذیل حدیث عمار بن یاسر دارد که سفیان در کوفه فرود آید و یاران آل محمد صلوات الله علیهم را بکشد و بکشد هر مردی که هم نام آل محمد باشد پس مهدی خروج کند پرچمدارش شعیب بن صالح است الخ.

در الامام المهدی ج ۱ ص ۵۶ از (بدء والتاریخ) ابی زید ص ۱۷۵ روایت کند که اول (پرچمهای سیاه) از طرف چین از ناحیه‌ای که آن را ختن گویند خواهد بود، در آنجا طائفه‌ای از اولاد فاطمه از پشت حسین بن علی علیه السلام می‌باشند در مقدمه لشکرش مردی است کوسج از تمیم که او را شعیب بن صالح گویند مولدش طالقان است.

### ﴿ شمائل حضرت حجت علیه السلام ﴾

(قداو)

در منتهی ج ۲ ص ۲۸۹ فرمود قدش چون شاخه بان درخت بیدمشک یا ساقه ریحان است نه دراز بی اندازه و نه کوتاه بر زمین چسبیده.

## (قامت او)

در غیبت طوسی ص ۲۸۱ و اثبات الهداة ج ۲ ص ۷۳۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود او جوان چهار شانه متوسط القامه است یعنی نه قامت بلند است نه کوتاه.

در ملاحم ص ۱۴۱ دارد که او مثل مردان بنی اسرائیل است و رجال بنی اسرائیل را در ینابیع الموده ص ۴۶۹ قد بلند معنی کرده.

## (سر مبارک)

در غیبت نعمانی ص ۲۱۶ حدیث ۵ از امام باقر یا صادق روایت کند که در سر مبارک خالی است و بیماری حزاز (یعنی پوستهای سفید مثل سبوس) در سرش می باشد.

در نجم الثاقب ص ۷۴ سر مبارکش مدور است.

در نجم الثاقب ص ۷۳ و منتهی ج ۲ ص ۲۸۹ فرمود (وعلی رأسه فرق بین و فرتین کانه ألف بین واوین) بر سرش فرق است بین دو گیسو مثل اینکه الف بین دو واو باشد.

## (صورت او)

در ینابیع الموده ص ۴۶۷ که مهدی صورت سرخی دارد.

در خطبة البیان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اوست صاحب صورت سفید (مثل ماه).

در منتهی ج ۲ ص ۲۸۹ فرمود گندم گون است که عارض شود آن رازردی از بیداری شب.

و در نجم الثاقب ص ۷۳ فرمود صورتش از صفا و بی عیبی مانند اشرفی است.

در غیبت طوسی ص ۲۸۱ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که فرمود خوش صورت درخشنده بطوریکه نور صورت او بر سیاهی موی ریش و سرش غلبه دارد.

در البرهان ص ۹۳ از ابی امامه و در ملاحم ص ۱۴۱ از حذیفه روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود مثل اینکه صورتش ستاره درخشنده است.

در وافی ج ۲ ص ۱۱۳ از امام پنجم او از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که او سفید و سرخ رو ولی سرخی غلبه دارد بر سفیدی.

در ملاحم ص ۷۳ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که در صورتش خالی است.

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۶۶ فرمود صورتش مثل ماه درخشنده است.

در منتهی ج ۲ ص ۲۸۹ فرمود گوش روی نازینش کم است.

#### (پیشانی او)

در مهدی موعود المنتظر ج ۱ ص ۲۶۲ و در کفایة الخصام ص ۶۸۲ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود مهدی از من است پیشانی گشاده دارد الخ.

و در البرهان ص ۹۹ از ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که مهدی از ما است پیشانی گشاده دارد الخ.

در ملاحم ص ۱۳۸ از ابی سعید از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که مردی از عترت من خروج کند که پیشانی گشاده دارد الخ.

در خطبة البیان امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اوست صاحب پیشانی نورانی.

## (ابروی او)

در ملاحم ص ۷۲ از ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که مهدی گشاده ابروست .

در ملاحم ص ۷۳ و ۷۴ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که ابروی گشاده دارد .

در ملاحم ص ۱۶۴ از ابی سعید خدری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که ابرو گشاده است .

در ینابیع الموده ص ۴۶۹ رونایت کند که ابروی کشیده و طولانی دارد قوس مانند که نزدیک بهم است ولی پیوسته نیست .

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۷۹ دارد که مهدی مردیست ابروهایش از هم جدا و باریک است .

## (چشم و مژه او)

در ملاحم ص ۷۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که چشمان سرمه‌ای دارد .  
در ملاحم ص ۷۴ از علی علیه السلام روایت کند که مهدی فراخ چشم است یعنی چشمان درشت دارد .

در بحار ج ۵۱ ص ۴۰ دارد که چشمانش فرورفته .

## (بینی او)

در ملاحم ص ۷۲ از ابی سعید خدری و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ و ص ۷۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که بینی کشیده و بالا آمده و مختصر برآمدگی در وسط دارد .



و در ملاحم ص ۱۶۴ از ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کند که مهدی مردیست بلند بینی و وسطش برآمدگی دارد و سوراخ بینی کوچک است. در البرهان ص ۹۹ از ابی سعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت کند که مهدی از ما است بلند بینی است. در کفایة الخصام ص ۶۸۲ حدیث ۱۶ دارد که رسول خدا ﷺ فرمود کشیده بینی باشد.

### (خال صورت و کتف و پشت و کف دست و ران)

در ملاحم ص ۷۳ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که در صورتش خالی است.

در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ از امام باقر از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که در پشت حضرت دو خال است یکی به رنگ پوست بدن و دیگری به رنگ خال پیغمبر صلی الله علیه و آله.

در البرهان ص ۹۳ از ابی امامه از رسول خدا ﷺ روایت کند که در رخسار راستش خال سیاه است.

در البرهان ص ۹۴ از حذیفه از رسول خدا ﷺ روایت کند که بر رخسار راستش خالیست مثل اینکه ستاره درخشانده است.

در ینابیع الموده ص ۴۶۹ دارد که بر دست راستش خالی است.

در غالیة المواعظ آلوسی ج ۱ ص ۷۷ دارد که بر کف دست راستش خالی است.

در نجم الثاقب ص ۷۴ بر روی راستش خالیست که پنداری ریزه مشکی است که بر زمین عنبرین ریخته.

در حدیث دیگر مثل اینکه خال روی راستش ریزه مشکی بود بر نقره خام.

## (زبان او)

در غالية المواعظ آلوسی ج ۱ ص ۷۷ دارد که در زبانش ثقل و سنگینی است  
الخ.

## (دندان او)

در ملاحم ص ۷۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که دندانهای جلو براق و  
سفید است.

و در کفایة الخصام ص ۶۸۹ حدیث ۸۵ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود بیخ  
دندانهای او گشاده است.

در المهدی الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۷۰ و ص ۲۹۰ فرمود دندانهای جلو او  
با فاصله است.

در نجم الثاقب ص ۷۳ دندانهایش مانند اره است.

## (رخسار او)

در البرهان ص ۹۳ از ابی امامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که بر رخسار  
راستش خال سیاه‌هیست.

در ینابیع المودّه ص ۴۶۹ منقول است که بر رخسار راستش خالیست.

در البرهان ص ۹۴ از حدیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که بر رخسار  
راستش خالی است مانند ستاره درخشنده.

در منتهی ج ۲ ص ۳۸۹ فرموده بر روی راستش خالی است که پنداری ریزه  
مشکی بر زمین عنبرین ریخته.

در نجم الثاقب ص ۷۴ فرمود رخساری مشاهده کردم مانده پاره ماه نه  
درشتخو و زبر و نه سبک و بی وقار بود.

## (رنگ او)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کند که مهدی جوانی است از قریش گندم‌گون است.

در البرهان ص ۹۳ از حدیفه از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت کند که رنگش رنگ عربیست و جسمش اسرئیل یعنی طولانی است چنانچه در ینابیع المودّه ص ۴۶۹ ذکر کرده.

در ملاحم ص ۱۴۱ رسول خدا فرمود مهدی رنگش عربی است.  
در نجم الثاقب ص ۷۴ فرمود در لطافت و رنگ چون گل بابونه و ارغوانی که شب‌نم بر آن نشسته و شدت سرخیش راهوا شکسته.

## (ریش او)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۸۹ و ملاحم ص ۷۳ و ینابیع المودّه ص ۴۶۹ از علی عليه السلام روایت کند که ریش انبوه دارد.

## (موی سر و ریش او)

در غیبت طوسی ص ۲۸۱ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۰ از امیرالمؤمنین عليه السلام روایت کند که موی سرش نیکو و آویزان بر دو شانه مبارک است.  
و نور صورتش غلبه دارد بر سیاهی ریش و سرش.

در کفایة الخصام ص ۶۸۹ حدیث ۸۵ رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود موی پیشانی او اندک است.

در ملاحم ص ۷۳ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۸۹ از علی عليه السلام روایت کند که ریش انبوه دارد.

در ینابیع الموده ص ۴۶۷ دارد که موی او سرخ تیره است.

### (کتف و شانه او)

در کنز العمال ج ۱۴ ص ۵۹۰ و ملاحم ص ۷۳ از علی علیه السلام روایت کند که بر کتفش علامتی است که در پیغمبر صلی الله علیه و آله بود.

در غیبت طوسی ص ۲۸۱ و اثبات الهداة ج ۳ ص ۷۳۰ از امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود موهای سرش بر دو شانه‌اش آویزان است.

در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت کند که سر دو شانه‌اش نرم است.

در غیبت نعمانی ص ۲۱۶ از امام باقر یا صادق علیه السلام روایت کند که زیر شانه چپ او برگی است مثل برگ آس.

### (بازوی او)

در بحار ج ۵۱ ص ۱۹ و ۲۶ در ذیل حدیث ۲۷ و ۳۷ حکیمه خاتون فرمود بر بازوی راستش نوشته بود ﴿جاء الحقُّ وزهق الباطلُ إنَّ الباطلَ كانَ زهوقاً﴾.

### (دست او)

در ینابیع الموده ص ۴۶۹ دارد که بر دست راستش خالی است.

### (کف دست او)

در الامام المهدی ج ۲ ص ۱۵۹ از غالیة المواعظ آلوسی ج ۱ ص ۷۷ روایت کند که در کف دست راستش خالی است.

## (شکم او)

در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام و غیبت نعمانی ص ۲۱۶ و لوائح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۳ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که شکمش بزرگ است.

## (پشت او)

در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت کند که در پشت حضرت دو خال است یکی به رنگ پوست بدن و دیگری شبیه به خال پیغمبر صلی الله علیه و آله است.

## (ران او)

در وافی ج ۲ ص ۱۱۲ از امام باقر علیه السلام روایت کند که دو رانش پهن و بزرگ است.

و در لوائح الانوار سفارینی ج ۲ ص ۱۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کند که (ازیل الفخذین) است یعنی میان دو رانش فرجه دار و گشاد است و بر ران راستش خالی است.

## (ساق پا)

در نجم الثاقب ص ۷۳ فرمود (احمش الساقین) ساقهای مبارکش باریک است.

## (جسم او)

در البرهان ص ۹۳ دارد که جسمش جسم اسرائیل است یعنی قد طولانی دارد.

در المهدي الموعود المنتظر ج ۱ ص ۲۶۵ و ۲۸۷ دارد که جسمش جسم اسرائیل است (یعنی طویل القامه است)

## (هیئت او)

در منتهی ج ۲ ص ۲۸۹ فرمود هیئت نیک و خوشی داشت که هیچ چشمی هیئتی به آن اعتدال و تناسب ندیده.

## ﴿ شمشیر ﴾

اگر شمشیر بدستش نبود فقهاء فتوی بقتلش می دادند. در علم خواهد آمد.  
(۱) در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۲۴ رسول خدا ﷺ فتنه‌هایی را به ابی ذر تذکر داد تا آنجا که ابوذر عرض کرد آیا شمشیر خود را به دوش گذارم و بجنگم؟ حضرت فرمود در این هنگام تو شریک ایشانی، عرض کرد پس به چه امر می فرمائید؟ فرمود ملازم خانه‌ات باشد، عرض کرد اگر به خانه‌ام آمدند چه کنم؟ فرمود پس اگر ترسیدی از شعاع شمشیر ردای خود را بسینداز روی صورتت چون گناه او و تو هر دو به او برمی گردد.

(۲) و در ص ۴۴۱ بعد از آنکه رسول خدا ﷺ فتنه‌ها را ذکر می فرماید مردی عرض کرد اگر کسی هیچیک از آن پناهگاهها را نداشته باشد چه کند؟ فرمود پس سنگی را بردارد و تیزی شمشیرش را کند کند و خود را نجات دهد اگر می تواند، مردی عرض کرد مرا به اکراه و جبر وادار کنند که به یکی از صفها داخل شوم و کسی تیری یا شمشیری به من زد و کشت؟ فرمود برگردد به او گناه خودش و گناه تو و از اصحاب آتش خواهد بود سه مرتبه فرمود این مطلب را.

(۳) در مستدرک ج ۴ ص ۴۴۸ فرمود فتنه‌هایی مثل سیل خواهد آمد و چون دیدید آن را در خانه‌های خود جمع شوید و شمشیرهای خود را بشکنید و صورت خود را بپوشانید.

تا صاحب شمشیر بیاید الخ. در قائم حدیث ۲۶ خواهد آمد.

(۴) در غیبت نعمانی ص ۳۱۳ حضرت صادق علیه السلام فرمود اصحاب قائم علیه السلام دارای شمشیرهایی هستند که نوشته شده بر هر شمشیری اسم او و اسم پدران او و مشخصات او و نسب او الخبر.

(۵) و در ص ۳۱۵ در ذیل حدیث ۷ حضرت صادق علیه السلام فرمود اصحاب قائم علیه السلام دارای شمشیرهایی هستند که نوشته شده بر آن هزار کلمه و هر کلمه کلید هزار کلمه است الخبر.

(۶) در کتاب میرزا محمد ناظم الاسلام کرمانی ص ۹۵ از صدوق از حضرت امام محمد تقی علیه السلام روایت کند که ابی بن کعب عرض کرد یا رسول الله علائم و دلائل خروج او کدام است؟ فرمود شمشیر او که در غلاف است چون زمان خروجش نزدیک شود آن شمشیر از غلاف بیرون می آید و خداوند آن را بسخن آورد بگوید یا ولی الله خروج کن که دیگر جایز نیست از برای تو تقاعد از کشتن دشمنان خدا پس در آن حال خروج می کند و دشمنان خدا را در هر جا بیابد می کشد و حدود الهی را برپا می دارد الخ.

تا بیاورید برای من شمشیری که دو چشم و دو زبان و دو لب داشته باشد الخ. در شورا خواهد آمد.

نگیرد از ایشان مگر به شمشیر و ندهد مگر به شمشیر الخ. در قائم حدیث ۱۱۶ خواهد آمد.

شان او نیست جز شمشیر الخ. در قائم حدیث ۱۱۷ و ۱۲۰ خواهد آمد.  
نیست او مگر شمشیر و مردن زیر سایه شمشیر. در قائم حدیث ۷۷ و ۱۱۷ خواهد آمد.

با اوست شمشیر برهنه الخ. در قائم حدیث ۱۱۹ خواهد آمد.

### ﴿ شوال ﴾<sup>(۱)</sup>

در ملاحم سید ص ۴۲ و ۱۴۳ و در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۴ از رسول خدا ﷺ روایت کند که هر وقت صیحه در رمضان واقع شود در شوال صدای مردانی جنگی بلند شود الخبر.

و در ص ۴۴ فرمود علامتی در آسمان ظاهر شود دو شب از شهر رمضان باقی مانده و در شوال مهمه است یعنی منع از سفر کردن، الخبر.

و در حدیث دیگر فرمود در رمضان علامتی است در آسمان مثل عمود روشنائی می دهد در شوال بلاء است، الخبر.

در حدیث دیگر فرمود علامتی در رمضان خواهد بود پس از آن جماعتی در شوال ظاهر شوند، الخبر.

در ص ۴۵ فرمود در رمضان صدائی خواهد بود و در شوال مهمه است یعنی منع از سفر کردن، الخبر.

در ص ۱۵۹ فرمود در شهر رمضان صدای هولناکی خواهد بود که خواب رفته را بیدار و بیدار را بفرع آورد پس از آن ظاهر شود جماعتی در شوال، الخبر.

در حدیث دیگر فرمود صدای مهیبی در رمضان خواهد بود و در شوال قبایل با هم بچنگند، الخبر.

### ﴿ شوراء ﴾

در مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۴۳ دارد که گفته شد به سعد بن ابی وقاص آیا نمی جنگی به جهت آنکه تو از اهل شوراء هستی و سزاوارتری به این امر از غیر

(۱) در شهر رمضان اخباری ذکر می شود که شوال هم در ضمن آن ذکر شده.



خود؟ گفت نخواهم جنگید تا بیاورید برای من شمشیری که دو چشم و دو زبان و دو لب داشته باشد که کافر را از مؤمن فرق گذاشته و بشناسد، آن وقت می‌جنگم و من دانا به جهاد هستم و برای خود صلاحیت نمی‌بینم تا وقتی که بهتر از من موجود باشد.

و در ملاحم سید ص ۱۳۴ فرمود پادشاهی برگردد به بغداد و کارها با شوری باشد هرکس بر هر چیزی غالب آید انجام دهد (خواه مطابق شرع باشد یا نباشد) آن وقت است که سفیانی خروج می‌کند و بر زمین مسلط شده نه ماه سلطنت کند و بدترین عذاب را به مردم بپشاند، الخبر.

در کافی ج ۵ ص ۲۳ و تهذیب ج ۶ ص ۱۴۸ در بحث بین حضرت صادق علیه السلام و عمرو بن عبید حضرت فرمود عمر خلافت را به شورای بین شش نفر واگذار کرد و جمیع مهاجرین و انصار را از شورا خارج کرد مگر همان شش نفر را، الخبر.

و از مناقب العترة ابن فهد حلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود وای بر امت من از شورای کبری و شورای صغرا، سؤال شد چه وقت خواهد بود این دو شورا؟ فرمود شورای کبری بعد از وفات من واقع خواهد شد برای غصب خلافت برادرم و حق دخترم، و شورای صغری در غیبت کبری در زوراء (تهران) واقع خواهد شد برای تغییر سنت من و تبدیل احکام.

### ﴿ شهداء ﴾

بمنزله شهداء بدر باشند. در بصره حدیث ۹ گذشت.  
 کشته‌های ایشان شهدايند. در بصره حدیث ۶ گذشت.  
 کشته‌های ایشان شهدايند ولی اگر من درک کنم آن زمان را خودم را برای صاحب این امر نگاه می‌دارم. در حق حدیث ۲ گذشت.

### ﴿ شهر ﴾

در البرهان ص ۱۵۴ در ذیل حدیثی امیرالمؤمنین کرم الله وجهه فرمود شهری باقی نماند که ذی القرنین رفته باشد جز آنکه حضرت مهدی علیه السلام می رود و اصلاحش می کند و باقی نماند ستمکاری مگر آنکه بدستش هلاک شود و خدا دلهای اهل اسلام را شفا دهد، و زیورهای بیت المقدس را حمل کند و به شهری رود که هزار بازار داشته باشد، و در هر بازاری صد هزار دکان باشد، پس فتح کند آن را.

هیچ شهری از شهرها نیست که دوستان ما بیش از اهل کوفه باشند الخ. در کوفه حدیث ۱۲ خواهد آمد.

### ﴿ شهر اشعری ﴾

نزد خراب شدن شهر اشعری. در قائم حدیث ۱۴۸ خواهد آمد.

### ﴿ شهر رمضان ﴾

(۱) در ملاحم سید ص ۴۲ و ص ۱۴۳ از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که فرمود وقتی صبحه‌ای در رمضان واقع شود پس در شوال صدای مردان جنگی بلند گردد، و در ذی القعدة بین قبائل فساد و زد و خورد شود، و در ذیحجه خونها ریخته شود، و محرمی چه محرمی سه مرتبه این جمله را فرمود هیئات (دور است دور) کشته شوند در آن مردم بسیار، بسیار، عرض شد صبحه چیست یا رسول الله؟ فرمود این در نصف شهر رمضان است در ظهر روز جمعه، و این وقتی است که اول شهر رمضان موافق شب جمعه باشد، پس صدای مهبی باشد که خواب رفته را بیدار کند و نشسته را برپا خیزاند، و زنهای

مخدرات را از خانه بیرون کند، در شب جمعه چون نماز صبح را خواندید در صبح جمعه داخل خانه‌ها شوید و درها را ببندید، و سوراخها را بگیرید و خود را بپوشانید و گوشه‌های خود را محکم ببندید، پس چون احساس کنید صیحه را بسجده رفته و بگوئید (سبحان القدوس ربنا القدوس) که هرکس این عمل را انجام دهد نجات یابد و هرکس تخلف نماید هلاک گردد.

(۲) و در ملاحم ص ۴۴ از رسول خدا ﷺ روایت کند که در رمضان آیتی در آسمان نمایان شود مثل عمود نورانی، در شوال بلاء باشد، و در ذیقعه صدای مردان جنگی بلند شود، و در ذیحجه حجاج را غارت کنند، و محرم چه محرمی.

(۳) و در ملاحم ص ۴۴ فرمود علامتی در رمضان خواهد بود، و جماعتی در شوال ظاهر خواهند شد. و در ذیقعه صدای مردان جنگی بلند شود، و در ذیحجه حجاج را غارت کنند، و در محرم هتک حرمت خواهد شد، و در صفر حرکتی خواهد بود، و در دو ماه ربیع قبایل با هم نزاع کنند، پس تعجب تمام تعجب بین جمادی و رجب است. پس از آن یک شتر ماده سبک بار بهتر است از یک دهی که صد هزار غله داشته باشد.

(۴) و در ملاحم ص ۴۵ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۴ فرمود در رمضان صدا خواهد بود، و در شوال منع از سفر خواهد شد، و در ذیقعه جنگ بین قبائل خواهد بود، و در ذیحجه حجاج را غارت خواهند کرد، و در محرم منادی از آسمان ندا خواهد داد که آگاه باشید که برگزیده خدا از خلقش فلان (حجت بن الحسن علیه السلام) است از او بشنوید و اطاعت کنید.

(۵) در ملاحم ص ۴۵ فرمود علامت تازه در رمضان، علامتی در آسمان، بعد از آن اختلاف مردم خواهد بود، اگر آن سال را درک کردی آنچه می‌توانی آذوقه تهیه کن.

(۶) در ملاحم ص ۴۶ فرمود قبل از خروج مهدی در شهر رمضان دو مرتبه خورشید می‌گیرد.

(۷) در ملاحم ص ۴۷ فرمود در رمضان صدای مهیبی خواهد بود که خواب رفته را بیدار کند، و زنهای پرده نشین را از خانه‌ها بیرون کند، و در شوال از سفر کردن منع شود، و در ذیقعه قبایل با هم رفت و آمد کنند، و در ذیحجه خونها ریخته شود، و در محرم چه محرمی (سه مرتبه این را فرمود) و آن بر طرف شدن پادشاهی ایشان است.

(۸) و در ملاحم ص ۱۴۴ و ص ۱۵۹ و مستدرک حاکم ج ۴ ص ۵۱۷ و کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۹ فرمود بوده باشد صدای مهیبی در شهر رمضان که خواب رفته را بیدار کند و بیدار را بفرع آورد، و گروهی در شوال ظاهر شوند، و صدای مردان جنگی در ذیقعه بلند شود، پس از آن حجاج را در ذیحجه غارت کنند، پس از آن در محرم هتک حرمتها شود، و صدائی در صفر باشد<sup>(۱)</sup> و در ربیع قبائل نزاع کنند پس تعجب تمام تعجب در بین جمادی و رجب است پس از آن یک شتر ماده با جهاز و تیزرو بهتر است از یک دهی که صد هزار غله داشته باشد.

(۹) در ملاحم ص ۱۵۹ فرمود صدای مهیبی در رمضان خواهد بود، و در شوال قبائل بجنگند، و در ذیحجه حجاج را غارت کنند، و در محرم و چه محرمی (سه مرتبه فرمود) که در نزد اجتماع نهرها هر ستمکاری کشته شود، و تعجب تمام تعجب بین جمادی و رجب است.

(۱۰) در البرهان منقی ص ۱۴۵ از شهر بن حوشب از رسول خدا ﷺ روایت کند که زود است در رمضان صدائی باشد، در شوال صدای مردان جنگی بلند شود، و در ذیقعه قبائل با هم بجنگند، و در آن سال حجاج را غارت کنند،

(۱) در مستدرک و کنز (و مرگی در صفر باشد).

و در منی شورشی شود و کشتار بیشمار باشد، بطوریکه از جمره خون جاری شود، آن وقت صاحب مردم (حضرت حجت) از منی فرار کرده به مکه آید او را بیاورند بین رکن و مقام و بیعت کنند با او در حالیکه کراهت دارد، و بگویند اگر ابا کنی و قبول نفرمائی گردنت را می زنیم، راضی شوند از او ساکنین آسمان و زمین.

(۱۱) در کنز العمال ج ۱۴ ص ۲۷۴ فرمود در رمضان صدائی باشد، و در سوال مردان جنگی بصدای آیند، و در ذی القعدة قبائل با هم بجنگند، و در ذیحجه آتشی بدون دود حاجیان را فراگیرد، و در محرم منادی از آسمان ندا کند که آگاه باشید بهترین خلق خدا فلان است پس بشنوید از او و اطاعتش کنید.

(۱۲) در ملاحم ص ۱۵۹ دارد که رمضان قلب سال است اگر رمضان سالم بماند تمام سال سالم است.

(۱۳) صوتی در نیمه رمضان باشد که هفتاد هزار بیهوش شوند الخ. در صوت حدیث ۱۲ خواهد آمد.

### ﴿ شهید ﴾

کشته‌های خود را شهید نامند. در زمان حدیث ۴۵ گذشت.

هرکس درک کند قائم ما را - اجر بیست شهید داشته باشد - الخ. در قائم حدیث ۴۷ خواهد آمد.

### ﴿ شیاطین ﴾

در زمان حدیث ۴۴ گذشت که پیغمبر ﷺ فرمود جته ایشان جته آدمیان است و دل‌های ایشان دل شیاطین است الخ.

در زمان حدیث ۵۶ گذشت که رسول خدا ﷺ فرمود بیاید بر مردم زمانی

که صورت‌هایشان صورت آدمیان باشد و دل‌هایشان دل شیاطین الخ.

### ﴿ شیخ ﴾ به حاء مهمله

در ارمنیه و بنو قنطوراء گذشت.

### ﴿ شیخ فضل الله نوری ﴾

در الزام الناصب ج ۲ ص ۱۶۱ از مجمع النورین از غیبت ابن عقده از حضرت صادق علیه السلام روایت کند که دو صنف از عجم در لفظ کلمه عدل اختلاف کنند هزارها - هزارها - هزارها - کشته شوند، شیخ طبرسی با ایشان مخالفت کند پس بدار آویخته و کشته شود.

مؤلف گوید شاید این حدیث هم اشاره به این قصه باشد که در نوائب الدهور ج ۳ ص ۳۲۸ از دلائل براهین الفرقان از امام جواد علیه السلام نقل کرده گویا می بینم روزنامه‌های پراکنده‌ای را که خوانده می شود بنام‌های پراکنده مختلف که نمی بینم برای صاحبان آنها رشد و هدایتی و حفظ نمی کنند صاحبان آنها دین خود را، از هر طرفی که میل کنند طرف دیگر ایشان باطل و ناچیز شود، معارضه می کند با آنها مردی از اهل طبرستان.

### ﴿ شیر ﴾

جری تر از شیر ژیان الخ. در ترس گذشت.

مانند شیرهایی باشند که فرار نکنند. در عجم حدیث اول خواهد آمد.

مثل شیر قرار دهد که فرار نکنند. در عجم حدیث ۲ خواهد آمد.

شیر گرداند که فرار نکنند. در عجم حدیث ۵ خواهد آمد.

در شب عابد و در روز شیر باشند الخ. در قائم حدیث ۱۲۶ خواهد آمد.

### ﴿ شیشه ﴾

در ملاحم ص ۷۳ از کعب روایت کند که مهدی فروتنی او مثل فروتنی شیشه است .

البته باید شکسته شوید مثل شکستن شیشه الخ . در امتحان حدیث ۱۱ گذشت .

### ﴿ شیصبانی ﴾

در غیبت نعمانی ص ۳۰۲ جابر جعفی از امام باقر علیه السلام سؤال از سفیانی می کند حضرت فرمود سفیانی کجا است باید قبلش شیصبانی از کوفه خروج کند بجوشد مثل اینکه آب از چشمه بجوشد پس جماعت شما را بکشد پس بعد از او متوقع خروج سفیانی و خروج قائم علیه السلام باشید . و در سفیانی حدیث ۲۴ گذشت رجوع کن .

### ﴿ شیعه ﴾

شیعه شما در عراق زیاد است چرا خروج نمی کنید . در خروج کنندگان گذشت رجوع کن .

(۱) در کافی ج ۱ ص ۴۷۲ حضرت صادق علیه السلام در ذیل حدیثی فرمود من برای گناهکاران شیعیانمان در روز و شب هزار مرتبه دعا می کنم .

(۲) در کافی ج ۱ ص ۳۴۲ به حضرت باقر عرض شد شیعیان شما در عراق بسیارند و والله مثل شما هم در اهل بیت شما نیست پس چرا خروج نمی کنی ؟ حضرت فرمود ای عبدالله بن عطاء بتحقیق مثل احمقها گوش بحرف هر کس داده ای (نباید هر کس هر چه گفت تو گوش بسخن او کنی) بلی والله من صاحب

شما نیستم (اگر خیال می‌کنی من صاحب زمانم من نیستم) عرض کرد کیست صاحب ما؟ فرمود نگاه کنید هرکس ولادتش بر مردم نابینا شد او صاحب شما است (مثل حضرت حجت که کسی از ولادتش مطلع نشد مگر خواص از بستگانش و برخی از شیعیانش) الخبر.

شیعه بمنزله بزی باشد الخ. در بز گذشت.

بمنزله بز مرده‌ای باشد الخ. در بز گذشت.

(۳) و در کافی ج ۲ ص ۷۴ در ذیل حدیثی حضرت باقر علیه السلام فرمود بخدا قسم شیعه ما نیست مگر کسی که از خدا پرهیزد و اطاعتش کند، یا جابر شیعه ما شناخته نشود مگر به تواضع و خشوع و امانت‌داری و زیاد ذکر خدا گفتن و روزه و نماز گزاردن و نیکی به پدر و مادر نمودن و همسایه‌داری کردن نسبت به فقراء و مساکین و ضرر دیده‌ها و ایتام، و صدق حدیث، و خواندن قرآن، و از مردم زبان نگاه داشتن مگر از سخن خوب، و در بین عشیره‌شان امین باشند، جابر عرض کرد امروزه این چنین مردم به این صفت ما نمی‌شناسیم، حضرت فرمود تو را مذهبهای باطل این طرف آن طرف نکشاند، آیا کافی است مردی بگوید من علی را دوست دارم و تولای او را دارم و با این حال خودش فعال نباشد و عمل نکند. پس اگر بگوید رسول خدا را دوست دارم پس رسول الله صلی الله علیه و آله بهتر است از علی علیه السلام ولی به سیره و سنت او عمل نکند، نفع نخواهد داد حب او به این شخص - تا آنجا که فرمود - هرکس مطیع خدا است او دوست ماست و هرکس خدا را عصیان کرد او دشمن ما است و به ولایت و دوستی ما نخواهد رسید مگر به عمل و ورع.

(۴) در روضه کافی ص ۲۲۸ حدیث ۲۹۰ امام هفتم علیه السلام فرمود اگر بخواهم

شیعه خودم را جدا کنم و بررسی نمایم نیابم ایشان را مگر وصف کننده (یعنی بگویند ما شیعه هستیم) و اگر بخواهم امتحان کنم نیابم ایشان را مگر از دین



برگشته و مرتد، و اگر بخواهم در بوته‌شان گذارم از هزار یکی سالم نماند، و اگر غربالشان کنم چیزی باقی نماند مگر خاصان من، بدرستی که ایشان مدتی است که تکیه به بالشها داده و می‌گویند ما شیعه علی هستیم، و حال آنکه شیعه علی کسی است که قولش را کردارش تصدیق کند (یعنی بر طبق گفتارش عمل کند) (۵) در کافی ج ۵ ص ۷۳ امام باقر علیه السلام فرمود مذاهب باطل شما را این طرف و آن طرف نبرد پس بخدا قسم نیست شیعه ما مگر کسی که اطاعت کند خدای عزّوجل را.

(۶) در تهذیب ج ۶ ص ۶۵ امام هفتم علیه السلام فرمود شیعیان ما از چهار چیز بی‌نیاز نیستند یکی جای نماز که روی آن نماز بخواند، دیگر انگشتری که بدست نماید سوم مسواک که به آن دندان خود را مسواک کند چهارم تسبیحی از گل قبر امام حسین علیه السلام که دارای سی و سه دانه است، هر وقت گرداند و ذکر خدا گوید به هر دانه‌ای چهل حسنه به او داده شود، و اگر با او بازی کند و ذکر نگوید بیست حسنه به او داده شود.

(۷) در روضه کافی ص ۳۳ حدیث شش راوی گوید خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم که ابو بصیر (که یکی از اصحاب خاص است) نفس زنان خدمت حضرت رسید چون در جای خود قرار گرفت حضرت به او فرمود این نفس زدنت از چیست؟ عرض کرد فدایت شوم ای پسر رسول خدا از پیری و ناتوانی و نزدیک رسیدن اجل است و حال آنکه نمی‌دانم در آخرت چه خواهد شد و بسم چه خواهد آمد، حضرت فرمود تو هم این حرف را می‌زنی؟ عرض کرد فدایت شوم چگونه این حرف را نزنم؟ حضرت فرمود ای ابا محمد (کنیه ابوبصیر است) آیا نمی‌دانی خداوند جوانان شما را گرامی خواهد داشت و از پیران شما حیاء خواهد کرد؟ عرض کرد فدایت شوم چگونه گرامی دارد جوانان را و از پیران حیاء کند؟ فرمود جوانان را عذاب نکند و از پیران حساب

نکشد، عرض کرد این مکرمت برای ما خاصه است یا برای همه اهل توحید؟ فرمود نه بخدا این برای شما مخصوص است، نه برای همگان، عرض کرد فدایت شوم اینها (یعنی سنیها) به من لقبی داده‌اند که پشت ما را شکسته است و دل ما را کشته است و حکام ایشان خون ما را مباح و حلال دانسته‌اند، به جهت حدیثی که فقهای ایشان نقل کرده‌اند، حضرت فرمود یعنی به شما رافضه می‌گویند؟ عرض کرد بلی فرمود نه بخدا قسم ایشان شما را به این نام، نام نگذاشته‌اند بلکه خدا شما را به این نام نهاده.

ای ابا محمد آیا ندانسته‌ای که هفتاد نفر از بنی اسرائیل رفض و ترک کردند فرعون و گروهش را بعد از آنکه گمراهی ایشان بر آنان معلوم شد، و ملحق به موسی شدند وقتی هدایت و راستی موسی بر ایشان معلوم گشت پس این هفتاد نفر را در بین قوم موسی رافضه گفتند (یعنی ترک کنندگان فرعون) و این هفتاد نفر از همه قوم موسی عبادتشان و محبتشان نسبت به موسی و هارون و ذریه ایشان بیشتر بود. پس خداوند به موسی وحی نمود این اسم را برای ایشان در تورات ثبت کن که من ایشان را به این اسم نامگذاری کردم، موسی هم ثبت کرد سپس خدا این اسم را برای شما ذخیره کرد و به شما بخشید.

ای ابا محمد ایشان (سنیها) رفض کردند خیر را و شما رفض کردید شر را، آنها دسته دسته هر کدام به طرفی رفتند و شما به طرف اهل بیت پیغمبرتان رفتید و اختیار کردید آنچه را خدا اختیار کرده و خواستید آنچه را خدا خواسته پس شما را بشارت باد باز هم شما را بشارت باد که بخدا قسم شما ئید رحم شدگان، و از نیکان شما قبول اعمال خواهد شد و از بدان عفو خواهد شد، و هرکس با عقیده شما نزد خدا نرود در قیامت حسنه‌ای از او قبول نخواهد شد و از گناهی عفو نخواهد گشت.

ای ابا محمد آیا مسرور شدی؟ عرض کرد فدایت شوم باز هم بفرمائید،

فرمود ای ابا محمد برای خدا ملائکه‌ای هستند که گناهان شیعیان ما را از پشتشان می‌ریزند چنانچه باد ورق درخت را در فصل خزان می‌ریزد، و اشاره به این است قول خدای عزّ وجلّ که فرموده: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی (فرشتگانی که عرش با عظمت الهی را بر دوش گرفته و آنانکه پیرامون عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان آمرزش می‌طلبند) و استغفار ایشان والله برای شما است نه این مردم.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کردم فدایت شوم زیادتر بفرما فرمود ای ابا محمد هرآینه خداوند شما را در قرآنش یاد کرده، پس فرمود: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ یعنی بعضی از مؤمنین هستند که وفا کردند به پیمانی که با خدا بسته بودند و بعضی ایشان مدت خود را بسر برده و بعضی چشم براهند و تغییر و تبدیلی نکرند، شما وفا کردید با پیمانی که خدا از شما گرفته راجع به ولایت و دوستی ما تبدیل نکردند ما را بغیر ما (مثل اینکه سنیها اهل بیت را رها کرده و غیر ایشان را بدل گرفتند) و اگر چنین نبودید خداوند شما را سرزنش می‌کرد چنانچه غیر شما را سرزنش کرده چون فرموده ما برای اکثر ایشان عهدی ندیدیم بلکه بیشتر ایشان را فاسق دیدیم.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کردم فدایت شوم بیشتر بفرمائید. فرمود خداوند شما را در کتابش یاد فرموده ﴿إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ﴾ برادرانی هستند که روی تختها روبروی هم نشسته‌اند. والله اراده نکرد به این جز شما را.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کردم فدایت شوم زیادتر بفرمائید. فرمود ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ یعنی دوستان آن

فرمود ای ابا محمد برای خدا ملائکه‌ای هستند که گناهان شیعیان ما را از پشتشان می‌ریزند چنانچه باد ورق درخت را در فصل خزان می‌ریزد، و اشاره به این است قول خدای عزّ وجلّ که فرموده: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ یعنی (فرشتگانی که عرش با عظمت الهی را بر دوش گرفته و آنانکه پیرامون عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان آمرزش می‌طلبند) و استغفار ایشان والله برای شما است نه این مردم.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کردم فدایت شوم زیادتر بفرما فرمود ای ابا محمد هرآینه خداوند شما را در قرآنش یاد کرده، پس فرمود: ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾ یعنی بعضی از مؤمنین هستند که وفا کردند به پیمانی که با خدا بسته بودند و بعضی ایشان مدت خود را بسر برده و بعضی چشم براهند و تغییر و تبدیلی نکرند، شما وفا کردید با پیمانی که خدا از شما گرفته راجع به ولایت و دوستی ما تبدیل نکردند ما را بغیر ما (مثل اینکه سنیها اهل بیت را رها کرده و غیر ایشان را بدل گرفتند) و اگر چنین نبودید خداوند شما را سرزنش می‌کرد چنانچه غیر شما را سرزنش کرده چون فرموده ما برای اکثر ایشان عهدی ندیدیم بلکه بیشتر ایشان را فاسق دیدیم.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کردم فدایت شوم بیشتر بفرمائید. فرمود خداوند شما را در کتابش یاد فرموده ﴿إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرِّ مَّتَقَابِلِينَ﴾ برادرانی هستند که روی تختها روبروی هم نشسته‌اند. والله اراده نکرد به این جز شما را.

ای ابا محمد خوشحالت کردم؟ عرض کرد فدایت شوم زیادتر بفرمائید. فرمود ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾ یعنی دوستان آن

تسلطی نداری والله (مراد از بندگان) ائمه و شیعیان ایشان است. پس آیا خوشحالت کردم ای ابا محمد؟ عرض کرد بیشتر بفرمائید.

پس فرمود ای ابا محمد بدرستی که خدا شما را در کتابش یاد کرده پس فرموده ﴿ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴾ یعنی آنان همدم کسانی هستند که خدا به ایشان نعمت داده از قبیل پیغمبران و راستگویان و شهداء و صالحان و خوب رفیقی هستند ایشان، پس مراد از نبیین در این آیه رسول الله است و مراد از صدیقین و شهداء در این آیه ما هستیم و مراد از صالحین شما هستید پس با صلاح باشید چنانچه خدا شما را به صلاح نام برده.

ای ابا محمد پس آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد بیشتر بفرمائید.

فرمود ای ابا محمد بدرستی که شما را یاد فرمود زیرا که حکایت کرده از زبان دشمنان شما در آتش بقولش که فرمود ﴿ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنْ الْأَشْرَارِ أَخَذَتْهُمُ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ ﴾ یعنی و گفتند چه شده که ما نمی بینیم مردانی را که ما ایشان را از اشرار می دانستیم و آنها را به مسخره گرفته بودیم یا چشمان ما منحرف شده، قصد نکرده و اراده نفرموده از این مگر شما را، نزد مردم این زمانه شما اشرار حساب می شوید و حال آنکه بخدا شما در بهشت هستید، و دشمنها شما را در آتش طلب می کنند ای ابا محمد پس آیا خوشحالت کردم؟ عرض کرد فدایت شوم بیشتر بگو.

فرمود ای ابا محمد نیست هیچ آیه ای که سوق به بهشت بدهد و نه اینکه اهلش را به خوبی ذکر کند مگر آنکه آن آیه در ما و شیعیان ما نازل شده، و هیچ آیه ای نیست که اهلش را به بدی ذکر کند و به آتش کشاند مگر آنکه آن آیه در دشمن ما و مخالفین ما نازل شده، پس آیا خوشحالت کردم ای ابا محمد؟ عرض کرد بیشتر بگو.

فرمود ای ابا محمد نیست بر ملت ابراهیم مگر ما و شیعیان ما و باقی مردم از این بری هستند.

ای ابا محمد پس آیا خوشحالت کردم. در روایت دیگر دارد که عرض کرد: بس است مرا.

شیعه علی کسی است که گفتارش کردارش را تصدیق کند. در غربال حدیث ۷ خواهد آمد.

(۸) در غیبت نعمانی ص ۲۱۱ حضرت باقر علیه السلام فرمود مثل شیعیان ما مثل خانه ایست که در آن طعامی باشد پس به آن برسد (حیوان) خورنده ای پس آنها را پاک کنند و بگذارند دوباره خورنده ای به آن برسد پس پاکش کنند همین طور تا مقداری بماند که هیچ خورنده ای به آن ضرر نزند، شیعیان ما هم همین طورند باید از هم جدا شوند امتحان شوند تا باقی بماند از ایشان گروهی که هیچ فتنه ای به ایشان ضرر نرساند.

(۹) در غیبت نعمانی ص ۲۰۳ راوی خدمت حضرت صادق عرض کرد ای آقای من چقدر زیاد است شیعیان شما؟ حضرت فرمود نام ببر ایشان را عرض کرد زیادند فرمود بشمار ایشان را عرض کرد ایشان بیش از آن است که توان شماره کرد، حضرت فرمود آگاه باش اگر عده که سیصد و سیزده نفرند کامل شد آن وقت است آنچه را می خواهید. لکن شیعیان ما کسانی هستند که صداشان از گوششان نگذرد، و حقد و کینه اش از خود تجاوز نکند، و علنی ما را مدح نکند، و با دشمن ما خصومت نکند، و با عیب گوی ما مجالست نکند، و با کسی که ما را فحش می دهد حدیث نگوید، و دشمن ما را دوست نداشته باشند، و دوستان ما را دشمن نداشته باشند، راوی عرض کرد چه کنم به این شیعه مختلفه که دروغی می گویند ما شیعه هستیم؟ حضرت فرمود در ایشان تمیز خواهد بود امتحان خواهد بود و تبدیل و تغییر خواهد بود بر ایشان سالهائی خشک و

قحطی بیاید که نابودشان کند و شمشیرهایی بیاید که ایشان را بکشد، و اختلافی بین ایشان واقع شود که هلاکشان سازد، جز این نیست که شیعیان ما کسی است که مثل سگ به روی مردم صدا نکند، و طمع کلاغ را نداشته باشد، و سائل به کف نباشد اگرچه از گرسنگی بمیرد، راوی عرض کرد فدایت شوم، ایشان را از کجا پیدا کنم، با این اوصاف؟ فرمود در اطراف زمین ایشان را طلب کن که ایشان کم مؤونه هستند، خانه‌شان پشت دوششان می‌باشد هر جا بخواهند می‌روند کسانی که اگر حاضر باشند کسی ایشان را نشناسد و اگر غائب باشند کسی از ایشان تفقد نکند، و اگر مریض شوند کسی به عیادت ایشان نرود، و اگر زن خواسته باشند کسی به او زن ندهد، و اگر بمیرند کسی تشییع ایشان نکند، ایشان در اموال خودشان مواسات می‌کنند و در قبورشان همدیگر را زیارت می‌کنند، و هوای ایشان مختلف نیست اگرچه شهرهاشان مختلف باشد.

(۱۰) در غیبت نعمانی ص ۲۰۶ امیرالمؤمنین علیه السلام به مالک بن ضمیره فرمود چگونه خواهی بود وقتی که شیعه این طور اختلاف کنند (و انگشتانشان را درهم کردند) مالک عرض کرد یا امیرالمؤمنین در آن زمان خیری نخواهد بود، حضرت فرمود همه خیرها در آن زمان است قائم ما قیام خواهد کرد و هفتاد نفر را که دروغ به خدا و پیغمبر بستند حاضر خواهد کرد و گردن خواهد زد پس خدا همه ایشان را بر یک طریقه جمع خواهد فرمود.

(۱۱) در غیبت نعمانی ص ۲۹۵ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به علی بن یقظین فرمود ای علی شیعه دو بیست سال است به وعده اصلاح شده، و یقظین که از شیعیان بنی العباس است به پسرش که شیعه علی علیه السلام است می‌گوید چطور شده امام شما هرچه راجع به بنی العباس بوده خبر دادند و شده و هرچه راجع به شما بوده خبر دادند و نشده، پس جواب داد که آنچه به شما و ما گفته شده همه از یک مخرج و یک امام است چیزی که هست کارهای شما وقتش رسیده بود

خبر دادند و شد، ولی کارهای ما وقتش نرسیده لذا به اجمال گذشته‌اند و وقت تعیین نکرده‌اند، و اگر به ما می‌گفتند تا دو بیست سال دیگر یا سیصد سال دیر (یا هزار سال دیگر) فرج شما خواهد آمد قلبها قسی می‌شد و اکثر مردم از ایمان خارج می‌شدند و به اسلام گرایش پیدا می‌کردند (از شیعه‌گری دست کشیده سنی می‌شدند) ولکن فرموده‌اند نزدیک است و فلان کار اگر شد آن هم می‌شود و هکذا و هکذا تا مردم قلبشان آرام گیرد.

(۱۲) در غیبت نعمانی ص ۳۱۶ امام صادق علیه السلام فرمود در حالیکه جوانان شیعه در پشت بامهای خود خوابیده‌اند در یک شب همه ایشان بدون اینکه با هم وعده کرده باشند صبح می‌کنند در مکه هستند.

### ﴿ شیلا ﴾

در (حق) حدیث سوم گذشت.

□ پایان جلد اول □



## فهرست عناوین

﴿المقدمة﴾..... ۳	﴿آمادگی و زمینه‌سازی﴾..... ۱۸
﴿آب﴾..... ۹	﴿آمد﴾..... ۱۹
﴿آب دهن﴾..... ۹	﴿آوازه‌خوان﴾..... ۱۹
﴿آبادان﴾..... ۹	﴿آهن﴾..... ۱۹
﴿آبه﴾..... ۱۰	﴿آیه﴾..... ۲۰
﴿آتش﴾..... ۱۱	﴿ائمه﴾..... ۲۰
﴿آخر﴾..... ۱۴	﴿ابان﴾..... ۲۰
﴿آخرالزمان﴾..... ۱۴	﴿ابدال﴾..... ۲۱
﴿آدم﴾..... ۱۵	﴿ابر﴾..... ۲۳
﴿آذربایجان﴾..... ۱۵	﴿ابراهیم خلیل﴾..... ۲۴
﴿آرزو﴾..... ۱۵	﴿ابقع﴾..... ۲۴
﴿آزاد﴾..... ۱۶	﴿أَبْلَهٌ﴾..... ۲۵
﴿آس﴾..... ۱۶	﴿أُبْلَهٌ﴾..... ۲۵
﴿آسیا﴾..... ۱۶	﴿ابلیس﴾..... ۲۶
﴿آسیای بنی‌العباس﴾..... ۱۷	﴿ابن لبون﴾..... ۲۶
﴿آفت﴾..... ۱۷	﴿ابوبکر﴾..... ۲۷
﴿آفتاب گرفتن﴾..... ۱۷	﴿ابوبکر و عمر﴾..... ۲۷
﴿آکله‌الاکباد﴾..... ۱۸	﴿ابوذر﴾..... ۲۷
﴿آل محمد ﷺ﴾..... ۱۸	﴿ابو شبنخ﴾..... ۲۷

- ﴿ابولهب﴾ ..... ۲۷
- ﴿ابو مروان﴾ ..... ۲۸
- ﴿ابو مسلم خراسانی﴾ ..... ۲۸
- ﴿ابو موسی الاشعری﴾ ..... ۲۸
- ﴿الاحلاس﴾ ..... ۲۸
- ﴿احمقان﴾ ..... ۲۸
- ﴿اختلاف و دشمنی بین عرب و عجم﴾ ..... ۲۹
- ﴿اختلاف بین دو صنف از عجم﴾ ..... ۲۹
- ﴿اختلاف بین دو نیزه﴾ ..... ۲۹
- ﴿اختلاف بین شیعه﴾ ..... ۲۹
- ﴿الاخلاق﴾ ..... ۳۰
- ﴿إذن﴾ ..... ۳۰
- ﴿اذیت﴾ ..... ۳۰
- ﴿ارث در زمان حضرت﴾ ..... ۳۰
- ﴿ارمنیه﴾ ..... ۳۰
- ﴿ازرق و زریق لعنهما الله﴾ ..... ۳۲
- ﴿اسب﴾ ..... ۳۲
- ﴿اسبهای سیاه و سفید﴾ ..... ۳۲
- ﴿استخدام﴾ ..... ۳۲
- ﴿استخوان﴾ ..... ۳۲
- ﴿استعمال﴾ ..... ۳۲
- ﴿استغفار﴾ ..... ۳۲
- ﴿اسلام﴾ ..... ۳۳
- ﴿اسم حضرت حجت﴾ ..... ۳۵
- ﴿الاشرار﴾ ..... ۳۷
- ﴿الاشعری﴾ ..... ۳۷
- ﴿اشک﴾ ..... ۳۷
- ﴿اصحاب﴾ ..... ۳۷
- ﴿اصحاب الراى﴾ ..... ۳۷
- ﴿اصحاب القائم﴾ ..... ۳۸
- ﴿اصحاب كهف﴾ ..... ۳۸
- ﴿اصحاب مهدی علیه السلام﴾ ..... ۳۸
- ﴿اصفهان﴾ ..... ۷۹
- ﴿اصل﴾ ..... ۸۰
- ﴿اصهب﴾ ..... ۸۰
- ﴿اطمینان﴾ ..... ۸۱
- ﴿افریقیه﴾ ..... ۸۱
- ﴿افسر﴾ ..... ۸۱
- ﴿اقرار﴾ ..... ۸۱
- ﴿اقلیم﴾ ..... ۸۱
- ﴿الاعغ﴾ ..... ۸۲
- ﴿امانت﴾ ..... ۸۲
- ﴿أَمِثْ أَمِثْ﴾ ..... ۸۲
- ﴿أُمَّتْ﴾ ..... ۸۲

﴿امتحان﴾ ..... ۸۹	﴿ایکه﴾ ..... ۱۰۳
﴿امر﴾ یعنی فرَج ..... ۹۷	﴿ایمان﴾ ..... ۱۰۳
﴿امر به معروف﴾ ..... ۹۸	﴿باب الفیل﴾ ..... ۱۰۳
﴿امراء﴾ ..... ۱۰۱	﴿باد﴾ ..... ۱۰۳
﴿امم و ملتها﴾ ..... ۱۰۱	﴿باران﴾ ..... ۱۰۳
﴿امنیت﴾ ..... ۱۰۲	﴿بازار﴾ ..... ۱۰۳
﴿اموال﴾ ..... ۱۰۲	﴿باطل﴾ ..... ۱۰۳
﴿امه﴾ ..... ۱۰۲	﴿بچه‌ها در آخرالزمان﴾ ..... ۱۰۳
﴿امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> ﴾ ..... ۱۰۲	﴿بچه شتر﴾ ..... ۱۰۳
﴿انار﴾ ..... ۱۰۳	﴿بتها﴾ ..... ۱۰۳
﴿انتظار فرج﴾ ..... ۱۰۳	﴿بحرین﴾ ..... ۱۰۳
﴿انتقام﴾ ..... ۱۰۳	﴿بخارا﴾ ..... ۱۰۳
﴿الاندر فالاندر﴾ ..... ۱۰۳	﴿بدر﴾ ..... ۱۰۳
﴿اندلس﴾ ..... ۱۰۳	﴿بدعت﴾ ..... ۱۰۳
﴿انطاکیه﴾ ..... ۱۰۳	﴿بدن﴾ ..... ۱۰۳
﴿انگشتر﴾ ..... ۱۰۳	﴿برائا﴾ ..... ۱۰۳
﴿اوصاف حضرت حجت﴾ ..... ۱۰۳	﴿برادر﴾ ..... ۱۰۳
﴿اول﴾ ..... ۱۰۳	﴿بربر﴾ ..... ۱۰۳
﴿اولاد﴾ ..... ۱۰۳	﴿برگ﴾ ..... ۱۰۳
﴿اهل بیت﴾ ..... ۱۰۳	﴿بز﴾ ..... ۱۰۳
﴿اهواز﴾ ..... ۱۰۳	﴿بشارت﴾ ..... ۱۰۳
﴿ایران﴾ ..... ۱۰۳	﴿بُصری﴾ ..... ۱۰۳
﴿ایستادن خورشید﴾ ..... ۱۰۳	﴿بصره﴾ ..... ۱۰۳

- ﴿ بعلبك ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بغداد ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بقیة الله ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بلاء ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بلاد ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بلخ ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بناها ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو ابی العاص ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو اسرائیل ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو الاصر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو امیه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو حفصه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو الحکم بن ابی العاص ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو شیبہ ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو العباس ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو فاطمه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو قنطوراء ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو کاوان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو کلاب ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو مرداس ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بنو هاشم ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بواسیر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بهائم ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بهترین مردم در آخر زمان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بهلول ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیت الحرام ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیت الحمد ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیت المقدس ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیداء ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیست و چهار باران ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیست و هفت حرف ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیست و هفت نفر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیعت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیته ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ بیوح ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پابرهنه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پادشاه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پادشاهان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پادشاهی بچه‌ها ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پادشاهی حضرت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پادشاهی سالانه رفته ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پانزده ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پانصد ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پدران ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پرچمها ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پرنده ﴾ ..... ۱۰۳

- ﴿ پسر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پشم ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پل ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پلاس خانه باش ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پناه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج چیز ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج روز ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج علامت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج نهر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج و دو ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنج هزار ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنجاه زن ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنجاه نفر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پنهان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پوشیده برهنه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پیر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پیراهن حضرت حجت علیه السلام ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ پیشوایان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تابوت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تاجر ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تاجرانسی که به انطاکیه می روند ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تاراج ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تازه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تازه جوانان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تازیانه های آخرالزمان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تبریز ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تجارت در آخرالزمان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تحسین ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تحیت و سلام دادن مردم ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ آخرالزمان ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تر و تازه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ ترس ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ ترک ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ ترمد ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ ترنجبین ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تسبیح سی و سه دانه ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تصدیق ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تعجب ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تعیین وقت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تف ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تقسیم ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تقوی ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تکریت ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تمنای مرگ ﴾ ..... ۱۰۳
- ﴿ تمیم داری ﴾ ..... ۱۰۳

﴿ تنویه ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جزیره بنی کاوان ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ تنها می مانم ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جزیره العرب ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ توبه ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جسّاسه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ توییح ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جسر ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ تورات و انجیل ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جسم ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ توقیت ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جشب ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ توله سگ ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جگر خوار ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ تیر ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جلاء وطن ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ ثار ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جماع ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ ثلث ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جماعت ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جایبه ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جمعه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جاده ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جمهوری در ایران ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جالب الوحش ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جمیل ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جان ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جنازه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جاهل ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جنگ و جهاد ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جاهلیت ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جوان ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جایزه ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جوجه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جبرئیل ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ الجهجاه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جدال ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جهاد ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جدید ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جهل و نادانی ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جرأت ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ جهنیه ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جرهمی ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ چراغ ﴾ ..... ۱۰۳
﴿ جزیره ﴾ ..... ۱۰۳	﴿ چشم ﴾ ..... ۱۰۳

﴿ چشم دنیا ﴾..... ۱۰۳	﴿ حرستا ﴾..... ۲۰۲
﴿ چشمه ﴾..... ۱۰۳	﴿ حره ﴾..... ۲۰۲
﴿ چوب ﴾..... ۱۰۳	﴿ حساب ﴾..... ۲۰۲
﴿ چوپان ﴾..... ۱۰۳	﴿ حسنی ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهار چیز ﴾..... ۱۰۳	﴿ حسین بن علی <small>علیه السلام</small> ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهار صد هزار ﴾..... ۱۰۳	﴿ حق ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهار هزار ملک ﴾..... ۱۰۳	﴿ حکم بن ابی العاص ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهل خصلت ﴾..... ۱۰۳	﴿ حکم ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهل سال ﴾..... ۱۰۳	﴿ حکومت حضرت ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهل مرد ﴾..... ۱۰۳	﴿ حکومت ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهل و چهار ﴾..... ۱۰۳	﴿ حلب ﴾..... ۲۰۲
﴿ چهل هزار زیدی ﴾..... ۱۰۳	﴿ حلس ﴾..... ۲۰۲
﴿ چین ﴾..... ۱۰۳	﴿ حلقه ﴾..... ۲۰۲
﴿ حب دنیا ﴾..... ۱۰۳	﴿ حلوان ﴾..... ۲۰۲
﴿ حبشه ﴾..... ۱۰۳	﴿ حله ﴾..... ۲۰۲
﴿ حبشی ﴾..... ۱۰۳	﴿ حماقت ﴾..... ۲۰۲
﴿ حتمی ﴾..... ۲۰۲	﴿ حمل زنی ﴾..... ۲۰۲
﴿ حج ﴾..... ۲۰۲	﴿ حمیراء ﴾..... ۲۰۲
﴿ حجاج ﴾..... ۲۰۲	﴿ حوآب ﴾..... ۲۰۲
﴿ حجاز ﴾..... ۲۰۲	﴿ حوض ﴾..... ۲۰۲
﴿ حجره ﴾..... ۲۰۲	﴿ حی بنی کلاب ﴾..... ۲۰۲
﴿ حرام و حلال ﴾..... ۲۰۲	﴿ حیران ﴾..... ۲۰۲
﴿ حرث ﴾..... ۲۰۲	﴿ حیرت ﴾..... ۲۰۲

﴿ خیره و کوفه ﴾..... ۲۰۲	﴿ خشن ﴾..... ۲۰۲
﴿ خار ﴾..... ۲۰۲	﴿ خصلت ﴾..... ۲۰۲
﴿ خاصف النعل ﴾..... ۲۰۲	﴿ خصومات ﴾..... ۲۰۲
﴿ خاطب ﴾..... ۲۰۲	﴿ خصیان ﴾..... ۲۰۲
﴿ خالد ﴾..... ۲۰۲	﴿ خضر <small>علیه السلام</small> ﴾..... ۲۰۲
﴿ خالص ﴾..... ۲۰۲	﴿ خطباء ﴾..... ۲۰۲
﴿ خالهای حضرت ﴾..... ۲۰۲	﴿ خلافت ﴾..... ۲۰۲
﴿ خانقین ﴾..... ۲۰۲	﴿ خلیفه ﴾..... ۲۰۲
﴿ خانه ﴾..... ۲۰۲	﴿ خلیل ﴾..... ۲۰۲
﴿ خانه نشستن ﴾..... ۲۰۲	﴿ خمر ﴾..... ۲۰۲
﴿ خانه‌های کوفه ﴾..... ۲۰۲	﴿ خنازیر ﴾..... ۲۰۲
﴿ خبرنگار ﴾..... ۲۰۲	﴿ خنزیر ﴾..... ۲۰۲
﴿ ختن ﴾..... ۲۰۲	﴿ خواب ﴾..... ۲۰۲
﴿ خدمت ﴾..... ۲۰۲	﴿ خوارج ﴾..... ۲۰۲
﴿ خراسان و خراسانی ﴾..... ۲۰۲	﴿ خوارزم ﴾..... ۲۰۲
﴿ خراطی ﴾..... ۲۰۲	﴿ خوراک ﴾..... ۲۰۲
﴿ خرما ﴾..... ۲۰۲	﴿ خورشید و ماه ﴾..... ۲۰۲
﴿ خرمن ﴾..... ۲۰۲	﴿ خون ﴾..... ۲۰۲
﴿ خروج ﴾..... ۲۰۲	﴿ خیر و خوبی ﴾..... ۲۰۲
﴿ خروج کنندگان ﴾..... ۲۰۲	﴿ خیمه ﴾..... ۲۰۲
﴿ خروس ﴾..... ۲۰۲	﴿ دابة الارض ﴾..... ۲۰۲
﴿ خسف ﴾..... ۲۰۲	﴿ دار ابجد ﴾..... ۲۰۲
﴿ خسوف ﴾..... ۲۰۲	﴿ دامغان ﴾..... ۲۰۲



- ﴿ داود عليه السلام ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دجال ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دجله ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دختر عمو ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ درخت غضاء ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ درسهای باطل ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ درندگان ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دروغگویان ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ درهم ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دستکره ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دستی ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دشمن ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دعاء ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دعاء الغریق ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دعوة نبيکم فی آخر الزمان ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دلها ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دمرو ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دمشق ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دندان ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دنیا ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده پرچم ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده امام عادل ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده خلیفه ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده میل ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده نفر از بنی هاشم ادعای امامت کنند ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده نفر قیام کنند و همه بگویند ما او را دیدیم ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دوازده هزار زره ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو ثلث ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو چرخه و موتور ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دود ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو علامت ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو کتاب ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دولت ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دو نفر ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ ده خصلت ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ ده علامت ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ ده نشینی ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ ده هزار ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ ده یک ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دیدی ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دیلم ﴾ ..... ۲۰۲
- ﴿ دیوار مسجد کوفه ﴾ ..... ۲۰۲

﴿دیوانه﴾ ..... ۲۰۲	﴿رستقباد﴾ ..... ۲۰۲
﴿دیوانگی﴾ ..... ۲۰۲	﴿رشوه خواری﴾ ..... ۲۰۲
﴿دین﴾ ..... ۲۰۲	﴿رضوی﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذریه﴾ ..... ۲۰۲	﴿رعب﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذعلبه﴾ ..... ۲۰۲	﴿رعیت﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذلیل﴾ ..... ۲۰۲	﴿رفتار حضرت﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذوالحجه﴾ ..... ۲۰۲	﴿رقاصه﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذوالسویقتین﴾ ..... ۲۰۲	﴿رکود خورشید﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذو طوی﴾ ..... ۲۰۲	﴿رمضان﴾ ..... ۲۰۲
﴿ذوالقعدہ﴾ ..... ۲۰۲	﴿رمله﴾ ..... ۲۰۲
﴿راضی﴾ ..... ۲۰۲	﴿رنگ﴾ ..... ۲۰۲
﴿رافضه می گویند﴾ ..... ۲۰۲	﴿رود نیل﴾ ..... ۲۰۲
﴿راه﴾ ..... ۲۰۲	﴿روز قیام حضرت﴾ ..... ۲۰۲
﴿راهب﴾ ..... ۲۰۲	﴿روزنامه‌ها﴾ ..... ۲۰۲
﴿رأی و قیاس﴾ ..... ۲۰۲	﴿روستا﴾ ..... ۲۰۲
﴿رئیس﴾ ..... ۲۰۲	﴿روش حضرت﴾ ..... ۲۰۲
﴿رباء﴾ ..... ۲۰۲	﴿روم﴾ ..... ۲۰۲
﴿ربیع﴾ ..... ۲۰۲	﴿رومیہ﴾ ..... ۲۰۲
﴿رجب﴾ ..... ۲۰۲	﴿رویضه﴾ ..... ۲۰۲
﴿رجفه﴾ ..... ۲۰۲	﴿ری﴾ ..... ۲۰۲
﴿رحبۃ کوفه﴾ ..... ۲۰۲	﴿ریح﴾ ..... ۲۰۲
﴿رحم﴾ ..... ۲۰۲	﴿ریگ باران﴾ ..... ۲۰۲
﴿رستاق﴾ ..... ۲۰۲	﴿زانو بند﴾ ..... ۲۰۲

﴿زبان﴾	۲۰۲.....	﴿زید بن علی بن
﴿زراعت﴾	۲۰۲.....	الحسین <small>علیه السلام</small> ﴾
﴿زره﴾	۲۰۲.....	﴿زیدیه﴾
﴿زکات﴾	۲۰۲.....	﴿زیرک﴾
﴿زکام﴾	۲۰۲.....	﴿زین﴾
﴿زکریا بن آدم﴾	۲۰۲.....	﴿سائل﴾
﴿زلزله﴾	۲۰۲.....	﴿ساختمانهای آخر الزمان﴾
﴿زمان﴾	۲۰۲.....	﴿سادات﴾
﴿زمستان﴾	۲۰۲.....	﴿ساعت ظهور و قیام قائم آل
﴿زمین﴾	۲۰۲.....	محمد <small>صلی الله علیه و آله</small> ﴾
﴿زن﴾	۲۰۲.....	﴿ساکت﴾
﴿زنا﴾	۲۰۲.....	﴿ساکن باش﴾
﴿زناده﴾	۲۰۲.....	﴿سال﴾
﴿زنبور﴾	۲۰۲.....	﴿سالهای فریبنده﴾
﴿زنبیل﴾	۲۰۲.....	﴿سایه﴾
﴿زنده شدن مردگان﴾	۲۰۲.....	﴿سایه بان﴾
﴿زندگی حضرت حجت﴾	۲۰۲.....	﴿سؤال﴾
﴿زندیق﴾	۲۰۲.....	﴿سباع﴾
﴿زنگیان﴾	۲۰۲.....	﴿سبب غیبت حضرت﴾
﴿زنهای آخر الزمان﴾	۲۰۲.....	﴿سبب مرگ حضرت﴾
﴿زنهای بنی هاشم﴾	۳۵۷.....	﴿سبطه﴾
﴿زوراء﴾	۳۵۷.....	﴿ستاره﴾

۴۲۸..... ﴿سکه﴾	۳۹۸..... ﴿ستم﴾
۴۲۸..... ﴿سلام﴾	۳۹۹..... ﴿سجستان﴾
۴۲۸..... ﴿سلطان و سلاطین﴾	۳۹۹..... ﴿سخن﴾
۴۳۲..... ﴿سلطان بنی العباس﴾	﴿سخن گفتن حیوان و غیره با﴾
۴۳۲..... ﴿سلطنت﴾	۳۹۹..... ﴿انسان﴾
۴۳۲..... ﴿سلمان﴾	۴۰۰..... ﴿سد﴾
۴۳۲..... ﴿سلیمان بن داود﴾	۴۰۱..... ﴿سر﴾
۴۳۲..... ﴿سمرقند﴾	۴۰۱..... ﴿سراندیب﴾
۴۳۳..... ﴿سنگ موسی﴾	۴۰۱..... ﴿سر جنبانی نباشد﴾
۴۳۳..... ﴿سنگباران﴾	۴۰۱..... ﴿سرخس﴾
۴۳۴..... ﴿سن﴾	۴۰۲..... ﴿سرخی﴾
۴۳۴..... ﴿سنت﴾	۴۰۲..... ﴿سر شیعه﴾
۴۳۵..... ﴿سوزانیدن﴾	۴۰۲..... ﴿سرمه﴾
۴۳۵..... ﴿سه پرچم﴾	۴۰۲..... ﴿سعادت﴾
۴۳۵..... ﴿سه چیز﴾	۴۰۲..... ﴿سعید بن صالح﴾
﴿سه هزار از قریش را گردن﴾	۴۰۳..... ﴿سفهاء﴾
۴۳۷..... ﴿زند﴾	۴۰۴..... ﴿سفیانی﴾
۴۳۷..... ﴿سهله﴾	۴۲۳..... ﴿سقارون﴾
۴۳۸..... ﴿سی نفر دروغ‌گو﴾	۴۲۳..... ﴿سقف﴾
﴿سی نفر همیشه با حضرت حجت﴾	۴۲۴..... ﴿سگ﴾
۴۳۹..... ﴿هستند﴾	﴿سگ بنا شد عوعو و پارس نکند﴾
۴۳۹..... ﴿سیاست﴾	۴۲۴..... ﴿در شکمش عوعو کردند﴾
۴۳۹..... ﴿سیاه﴾	۴۲۵..... ﴿سکوت﴾

- ﴿ شعراء ﴾ ..... ۴۵۳  
 ﴿ شعیب بن صالح ﴾ ..... ۴۵۳  
 ﴿ شمائل حضرت حجت علیه السلام ﴾ ..... ۴۵۴  
 ﴿ شمشیر ﴾ ..... ۴۶۳  
 ﴿ شوال ﴾ ..... ۴۶۵  
 ﴿ شوراء ﴾ ..... ۴۶۵  
 ﴿ شهداء ﴾ ..... ۴۶۶  
 ﴿ شهر ﴾ ..... ۴۶۷  
 ﴿ شهر اشعری ﴾ ..... ۴۶۷  
 ﴿ شهر رمضان ﴾ ..... ۴۶۷  
 ﴿ شهید ﴾ ..... ۴۷۰  
 ﴿ شیاطین ﴾ ..... ۴۷۰  
 ﴿ شیخ ﴾ ..... ۴۷۱  
 ﴿ شیخ فضل الله نوری ﴾ ..... ۴۷۱  
 ﴿ شیر ﴾ ..... ۴۷۱  
 ﴿ شیشه ﴾ ..... ۴۷۲  
 ﴿ شیبانی ﴾ ..... ۴۷۲  
 ﴿ شیعه ﴾ ..... ۴۷۲  
 ﴿ شیلا ﴾ ..... ۴۸۱  
 ﴿ سیره و روش حضرت  
 حجت علیه السلام ﴾ ..... ۴۳۹  
 ﴿ سیزده ﴾ ..... ۴۴۲  
 ﴿ سیصد و سیزده نفر ﴾ ..... ۴۴۲  
 ﴿ سینه و صورت ﴾ ..... ۴۴۴  
 ﴿ شاخ ﴾ ..... ۴۴۵  
 ﴿ شام ﴾ ..... ۴۴۵  
 ﴿ شانزده هزار ﴾ ..... ۴۴۷  
 ﴿ شانه ﴾ ..... ۴۴۸  
 ﴿ شب و روز ﴾ ..... ۴۴۸  
 ﴿ شباهت ﴾ ..... ۴۴۸  
 ﴿ شبیه ﴾ ..... ۴۴۸  
 ﴿ شتر ﴾ ..... ۴۴۸  
 ﴿ شدت ﴾ ..... ۴۴۹  
 ﴿ شذاذ ﴾ ..... ۴۴۹  
 ﴿ شر ﴾ ..... ۴۴۹  
 ﴿ شرار ﴾ ..... ۴۵۰  
 ﴿ شرور ﴾ ..... ۴۵۰  
 ﴿ شش ﴾ ..... ۴۵۰  
 ﴿ شش چیز پیش از ظهور ﴾ ..... ۴۵۰  
 ﴿ ششصد هزار ﴾ ..... ۴۵۱  
 ﴿ شصت نفر دروغگو ﴾ ..... ۴۵۲  
 ﴿ شعار ﴾ ..... ۴۵۲